

فرهنگ

اصطلاحات هنری

ادوارد لوسی اسمیت
فرهاد کشایش



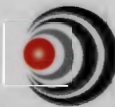
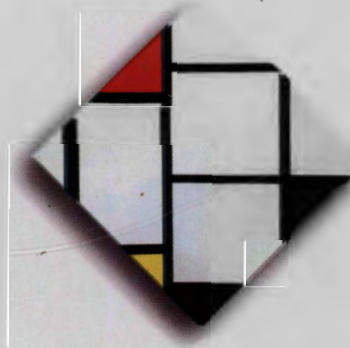


Dictionary of

ART TERMS

Edward Lucie Smith

translated by
Farhad Goshayesh



EFAF PUBLICATION

شابک ۹-۲۲-۶۸۲۶-۹۶۲-۹ ۹۶۴-۶۸۲۶-۲۲-۹ ISBN 964-6826-22-9

۵۸/۰۲۶

فرهنگ اصطلاحات هنری ♦ ART TERMS

تصویر روی جلد:

جذبۀ روحی قدیسه ترزا، بخشی
از تندیس مرمرین مجراب
کلیسای سانتاماریا دلا ویتوریا
در رُم اثر برنینی، بین سال‌های
۱۶۴۴ و ۱۶۴۷ میلادی.

ارنست گومبریچ در کتاب خود
«سرگذشت هنر»

(*The Story of Art*) در وصف

این اثر می‌نویسد:

برنینی این اثر را به قدیسه
ترزا، راهبۀ اسپانیایی سده
شانزدهم که کشف و شهود
عارفانه‌اش را در کتابی معروف
شرح داده، اهداء کرده است.
در این کتاب قدیسه ترزا از
لحظۀ جذبۀ قدسی خود
می‌گوید که فرشته‌ای از سوی
پرورگار با پیکان شعله‌ساز
طلایی قلبش را نشانه می‌رود و
سراسر وجودش را دردی
آمیخته با فیضان بیکران فرا
می‌گیرد. در این اثر برنینی
همین لحظۀ شهود قدسی را با
جسارت بازنمایی کرده است.

درباره مؤلف:

متولد جامائیکا و دانش آموخته تاریخ در کالج مرتون، آکسفورد. شاعر، داستان‌نویس و نیز نویسنده و مجری برنامه‌های هنری رسانه‌های جمعی، مؤلف کتاب‌های بیشماری از جمله جتیش‌های هنری از ۱۹۴۵، هنر سمبولیست، هنر سده بیستم امریکای لاتین و جنسیت در هنر غرب.

درباره مترجم:

دانش آموخته کارشناسی زبان و ادبیات انگلیسی، کارشناسی ارشد پژوهش هنر. مترجم کتاب‌هایی چون اصول و مبانی طراحی (دی.ک.چینگ)، ساختار رنگ و طراحی (ریچارد الینگر)، طرح و فرم (یوهانس ایتن) تاریخ هنر ایران و جهان (تألیف و ترجمه)، سبک‌ها و مکتب‌های هنری (تألیف و ترجمه).

18/01/20



18/01/20
of 18/01/20

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فرهنگ

اصطلاحات هنری

ادوارد لوسی - اسمیت

ترجمه: فرهاد کشایش



انتشارات عفاف

لوسی - اسمیت، ادوارد.
فرهنگ اصطلاحات هنری / تألیف ادوارد لوسی اسمیت؛
ترجمه فرهاد گشایش. - تهران: عفاف، ۱۳۷۹.
ISBN 964-6826-22-9

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.
عنوان اصلی:
The Thames and hudson
dictionary of art terms.

۱. هنر -- واژه‌نامه‌ها، ۲. فارسی -- واژه‌نامه‌ها -- زبان انگلیسی.
الف. گشایش، فرهاد، ۱۳۴۳ - مترجم. ب. عنوان.

1. Persian Language- Dictionaries - English.

۷۰۳

۴ ف ۹ / ل ۹ N۳۳

۱۳۷۹

۲۵۴۵ - ۷۹ م

کتابخانه ملی ایران



انتشارات عفاف تلفن: ۱۹۵۰۵۵۹

نام کتاب: فرهنگ اصطلاحات هنری

ناشر: انتشارات عفاف

تألیف: ادوارد لوسی - اسمیت

ترجمه: فرهاد گشایش

تیراژ: ۲۵۰۰ جلد

نوبت چاپ: دوم / ۱۳۸۱

نظارت و امور فنی چاپ: سهراب نفری

لیتوگرافی: چاروش

چاپ و صحافی: محیا

بهاء: جلد شومیز ۱۶۰۰ تومان / جلد گالینگور ۲۴۰۰ تومان

شابک ۹۶۴-۶۸۲۶-۲۲-۹ ISBN 964-6826-22-9

فهرست مطالب

یادداشت مترجم

۴

پیشگفتار مؤلف
راهنمای استفاده از فرهنگ

۵-۶

بدنه فرهنگ

«آ-ی»

۷-۲۵۱

فهرست الفبایی واژه‌های لاتین

۲۵۳-۲۸۷

یادداشت مترجم

□ هدف از ترجمه این کتاب فراهم ساختن کتابی جامع و مستند درباره اصطلاحات رایج هنری بود تا ضمن آشنا ساختن خواننده با واژگان تخصصی هنری، وی را به مطالعه فراگیرتر ترغیب کند.

□ چون مشخصات کلی کتاب و نحوه استفاده از آن به طور مفصل در پیشگفتار مؤلف آمده است از تکرار آن در اینجا صرف نظر می شود.

□ برای انتخاب معادل های فارسی مناسب، از کتاب های مختلفی استفاده شده است. در مجموع سعی شده تا مصطلح ترین و رایج ترین واژگان گزیده شود. نام سبک ها و مکاتب هنری در اکثر موارد با تلفظ اصلی آن (ترجیحاً فرانسوی) ضبط شده است. در زیر منابع اصلی مورد استفاده ذکر می شود:

- ۱- آریاتپور، فرهنگی جامع شش جلدی.
- ۲- آشوری، داریوش، فرهنگ علوم انسانی، نشر مرکز.
- ۳- پاکباز، رویین، دایرة المعارف هنر، فرهنگ معاصر.
- ۴- گاردنر، هلن، هنر در گذر زمان، ترجمه محمد تقی فرامرزی، نشر آگاه.
- ۵- مرزبان، فرهنگ واژگان هنرهای تجسمی. انتشارات سروش.

6- Osborne, H., *The Oxford Dictionary of Art*. 1989.

□ اگر چه این فرهنگ ترجمه است ولی بر اساس حروف الفبای فارسی تنظیم شده است تا خواننده با سهولت بیشتری به ارجاعات - که با حروف سیاه مشخص شده - دسترسی پیدا کند. در انتهای کتاب فهرست کامل مدخل ها بر اساس حروف الفبای لاتین و به همراه معادل های فارسی آن ارائه شده است. بدین ترتیب خواننده می تواند معادل فارسی واژگان لاتین مورد نظر خود را در انتهای کتاب بیابد و در صورت نیاز شرح آن را در مدخل فارسی پیدا کند.

□ کار آماده سازی متن کتاب به ویژه تنظیم مدخل ها به ترتیب حروف الفبای فارسی، بسیار وقت گیر و توانفرسا بود و این مهم تنها با مساعدت و همکاری بی شائبه آقای سهراب نفری میسر شد.

□ مسؤولیت دشوار چاپ و نشر کتاب بر عهده مدیران محترم انتشارات عفاف و مارلیک، به ویژه جناب آقای محسنی بود که مشکلات کار را بر خود هموار کرده و تلاش داشتند تا در حد امکان کتاب با کیفیت مطلوب و با قیمت مناسب به دست علاقمندان برسد.

□ و سر انجام این که اگر ترجمه این کتاب را اجری باشد به پدر و مادرم تقدیم می کنم.

فرهاد گشایش



۱۳۸۵
پایا

پیشگفتار مؤلف: راهنمای استفاده از فرهنگ

زبانۀ نسبتاً مفصّلی در زمینۀ هنرهای زیبا، نقاشی و مجسمه‌سازی. شامل مواد و مصنوعات هنری و نیز سبک‌ها و گرایش‌های هنری، دوران‌ها و جنبش‌های هنری وجود دارد که بسیاری از آنها ممکن است به دلیل تشابه با هم خلط شوند و برخی نیز نیاز به توصیف دقیق‌تری داشته باشد. در این کتاب سعی داشته‌ام علاوه بر فهرست نسبتاً جامعی از واژگان فنی معماری، اصطلاحات رایج در زمینۀ میله‌مان، سفال و سرامیک، شیشه، مینا، جواهر سازی، فلزکاری و نساجی را فراهم سازم. در مواردی که یک واژه خاص به تناسب متن یا در یک رشته هنری معانی متفاوتی داشته. تمامی معانی را که در هنرهای کاربردی مصطلح بوده است، توصیف کرده‌ام و معانی را به‌طور دقیق از هم متمایز ساخته‌ام.

امروزه نسل ما بیش از نسل‌های پیشین امکان سفر و سیاحت دارد و دسترسی‌اش به اطلاعات تاریخی بسیار بیشتر شده، و از این‌رو بیش از پیش امکان شناخت و تحسین هنرهای خاص فرهنگهای محجور و بیگانه را دارد. همین امر ضرورت تدوین یک فرهنگ شامل اصطلاح‌شناسی غیر غربی را

کتاب «فرهنگ اصطلاحات هنری» به‌صورت یک کتاب راهنما تدوین و طراحی شده است. کتاب مختصر و کم حجم است تا استفاده از آن در هر کجا که امکان تجربه هنری مهیاست - مانند نمایشگاه‌ها، موزه‌ها، سفرهای سیاحتی - فراهم باشد. بدیهی است هیچ کس مایل نیست با کتابی حجیم و سنگین به تماشای آثار هنری برود. این فرهنگ همچنین فراگیر و جامع است، زیرا نه در زندگی واقعی و نه در هیچ کتابی، تقسیم‌بندی کاملاً دقیق و روشنی از هنرهای مختلف نشده است. از همین‌رو اصطلاحات گوناگون مربوط به زمینۀ‌های متنوع هنری همچون نقاشی، مجسمه‌سازی، معماری، هنرهای تزئینی و کاربردی، گرافیک و نیز روش‌های عکاسی در قالب بیش از ۲۰۰۰ مندل توصیف و تشریح شده است.

برخی از اصطلاحات موجود در این فرهنگ، حتی در فرهنگ‌های حجیم زبان انگلیسی نیز یافت نمی‌شود و یا در صورت وجود فاقد توصیف صحیح و جامع است. زیرا هم بسیاری از این اصطلاحات منشاء خارجی دارد و هم هنرمندان همچون دیگر اهل فن، از واژه‌های خاص خود استفاده می‌کنند. در این کتاب اصطلاح‌شناسی چند

مطرح می‌سازد و از این‌رو طبیعی است که چنین فرهنگی، اصطلاحات اصلی و ضروری هنر کشورهای هند، چین، ژاپن، مالزی، اقیانوسیه و امریکای پیش از کلمب را در بر می‌گیرد. گستره تاریخی کتاب هم به همین اندازه وسیع است. به‌عنوان مثال هم‌زمان می‌توان مدخل‌هایی در زمینه هنر مفهومی - یکی از مطرح‌ترین مفاهیم جدید - را در کنار توصیفی از هنر سیکلاد - یکی از ابتدایی‌ترین شکل‌های هنری متعلق به چهار یا پنج هزار سال پیش - یافت.

مهم‌تر آن‌که تلاش شده تا کتاب با رویکرهای هنری معاصر هماهنگ باشد. نگرش ما به هنر گسترده‌تر از پیش شده است و واژگان ما نیز برای مواجه با آن به همان نسبت پیچیده‌تر شده و به‌نظر می‌رسد که از محدوده‌های کاربرد زبان متعارف فراتر رفته است. در اینجا معیار گزینش اصطلاحات به معنی تصدیق یک کاربرد خاص نبوده است، بلکه بر این واقعیت مبتنی است که چنین اصطلاحی رایج بوده و معنای آن گویا نیست.

هنر ماهیتاً بصری است و در این فرهنگ از تصاویر و نمودارها به‌همان اندازه واژگان استفاده شده است. این تصاویر و نمودارها به‌گونه‌ای انتخاب شده‌اند که خود به‌طور مستقل گویا و مفهوم باشند - به‌ویژه در مواردی چون نمونه سبک‌ها که تفاوت‌ها را نمی‌توان به‌طور کامل با کلمات بیان و توصیف کرد. همچنین مجموعه مفصلی از «نمودارهای ترکیبی» به‌ویژه در زمینه اصطلاحات خاص معماری فراهم شده که بیش از یک چهارم مدخل‌ها را در بر می‌گیرد. برخی از این نمودارهای ترکیبی عبارت‌اند از:

قوس، باسیلیکا، آجرچینی، سرستون، ستون، گنبد، در، پیشانی، کلیسای گوتیک و ... علاوه بر این تعدادی «مدخل ترکیبی» نیز وجود دارد که طیف گسترده‌ای از انواع مخلف موضوعات و روش‌ها را در کنار هم توصیف می‌کند تا امکان تشخیص و تمیز هر یک از دیگری فراهم شود. برخی از این «مدخل‌های ترکیبی» عبارت‌اند از: قوس، آجرچینی، سرستون، گنبد، میثا، ابزارکاری، پنجره، بام و ...

در حد امکان سعی کرده‌ام که تعریف هر یک از مدخل‌ها کامل و جامع باشد. اما به‌جهت دستیابی به حداکثر وسعت معنای اصطلاحات، از روش ارجاع استفاده کرده‌ام. این ارجاعات با حروف سیاه حروفچینی شده و اگر مدخل مربوطه دارای تصویر یا نمودار باشد با یک ستاره* مشخص شده است. خواننده با رجوع به این ارجاعات می‌تواند اطلاعات وسیع‌تری درباره موضوع مورد نظر به‌دست آورد. از این‌رو مطالعه کتاب نیاز به اطلاعات تخصصی پیشینی ندارد و تصور می‌کنم این ارجاعات خواننده را به جستجوی مفاهیم واژه‌ها تا مدخل‌های دیگر ترغیب کند.

مدخل‌هایی که دارای ارجاع هستند به این مقولات تقسیم می‌شوند: (۱) جنبش‌های مهم هنری همچون سوررئالیسم یا دوره‌هایی چون رنسانس، که در آن برخی زمینه‌های مشترک اطلاعاتی وجود دارد که به خواننده امکان می‌دهد تا تصویر گسترده‌تری از هنر آن دوره را تجسم کند؛ (۲) عوامل مؤثر بر شکل‌گیری سبک‌های خاص؛ (۳) بناهایی که واجد برخی مشخصات معمارانه هستند؛ (۴) سبک‌های دیگری که با یک جنبش خاص پیوند دارند؛ (۵) واژگان و لغاتی که احتمالاً با اصطلاح مربوطه مشتبه می‌شود؛ (۶) و سرانجام دوره‌هایی که بلافاصله پیش یا پس از یک مرحله هنری یا معماری وجود داشته است. خواننده با استناد به این فرهنگ می‌تواند توصیف قابل فهمی از اصطلاحات دشوار در متون هنری، چه متون تخصصی و چه کاتالوک نمایشگاه‌های هنری، به‌دست آورد.

«ادوارد لوسی - اسمیت»

درباره مؤلف: متولد جامائیکا و دانش‌آموخته تاریخ در کالج مرتون، آکسفورد. شاعر، داستان‌نویس و نیز نویسنده و مجری برنامه‌های هنری رسانه‌های جمعی. مؤلف کتاب‌های بیشمار از جمله جنبش‌های هنری از ۱۹۴۵، هنر سمبولیست، هنر سده بیستم امریکای لاتین و جنسیت در هنر غرب.

آ

آبخوری دو دسته پایه‌دار (Gk.)
نوعی ظرف یونان باستان با کاسه کم عمق، یک جفت دسته افقی، پایه استوانه‌ای و یک کف پای کوچک. (ظروف یونانی*)

آبدان آئینی (GK.)
در زبان یونانی به معنی «جام آب تطهیر کننده» در یونان باستان، جام بلند با گل‌گه کشیده که گاه قسمت پایین آن باز بود تا اهداکنندگان امکان یابند کف جام را لمس کنند. غالباً به عنوان جام مراسم خاکسپاری به کار می‌رفت. (ظروف یونانی*)

آبدان دو دسته (Gk.)
در زبان یونانی و در معنای تحت اللفظی یعنی «کوزه مخلوط» ظرف یا کوزه یونان باستان برای مخلوط کردن شراب و آب با بدنه‌ای به شکل نیم کره و دهانه گشاد. (ظروف یونانی*)

آبرنگ watercolour
نوعی رنگدانه حلال در آب، که با چسب حلال در آب به عنوان بست ترکیب می‌شود، با آب به عنوان واسط مخلوط می‌گردد و برای ایجاد رنگ‌های شفاف

و شیشه‌ای به کار می‌رود. رنگ‌های غیر شفاف حلال در آب - مثلاً گواش و تمپرا - در مفهوم خاص آبرنگ محسوب نمی‌شوند.

آبریز stop
برآمدگی تزئینی که در انتهای آبجکان یا دیگر ابزارها* قرار می‌گیرد.

آبکاری برقی electroplating
روشی که در سال ۱۸۴۰ به نام جی آر الکتینگتون به ثبت رسید، و طی آن با استفاده از روش الکترولیز، یک بنیان فلزی - معمولاً نیکل - را با لایه نازکی از نقره پوشش می‌دهند.

آبنوس کار ébéniste (Fr.)
به کمد سازی اطلاق می‌شود که در ساخت مبلمان روکش‌دار تخصص دارد. این اصطلاح از اوائل سده هفدهم که استفاده از آبنوس برای روکش این نوع مبلمان رایج شد، مصطلح گشت. کار آبنوس کار از کار مبلمان ساز که اشیاء برجسته کاری شده‌ای با چوب صاف تهیه می‌کند متفاوت است؛ زیرا وی بیشتر مبلمان نشیمنی می‌سازد تا مبلمان کم‌دی.

صنعت‌گرانی که در سدهٔ هیجدهم این روش را به کمال رساندند، انتخاب شده است.

آجرچینی، انواع brick work, typed of
brick - nogging، آجر پرکننده: آجر پرکننده بین تیرهای قائم چوبی برای ساخت دیوار یا جدار.

Chequerwork، شطرنجی: دیوار یا سنگفرش با مربعات یک‌دیگر میان از مواد مختلف؛ مثلاً ترکیب سنگ با سنگ سفید یا آجر

English bond، یک سر یک بر: نوعی روش آجرچینی که از رگچین یک‌دیگر میان سرها و برهای آجر تشکیل می‌شود.

Flemish bond، فلاندري: آجرچینی‌ای که در آن هر رگچین به طور یک‌دیگر میان از ردیف‌های سر و بر تشکیل شود.

Gauged brickwork، آجر پرداخت شده: آجرهایی که به اندازه یا شکل خاصی برش خورده یا سائیده می‌شود، برای مثال برای ساخت قالب‌ها یا قطاع یک قوس*.

Herringbone work، رگچین خارماهی: نوعی رگچین که در آن آجرها به صورت مورب چیده می‌شوند و هر ردیف به صورت یک درمیان مخالف ردیف مجاور است.

Rubbed brick، مترادف آجر پرداخت شده. همچنین نگاه کنید به کاشی آجرنما.

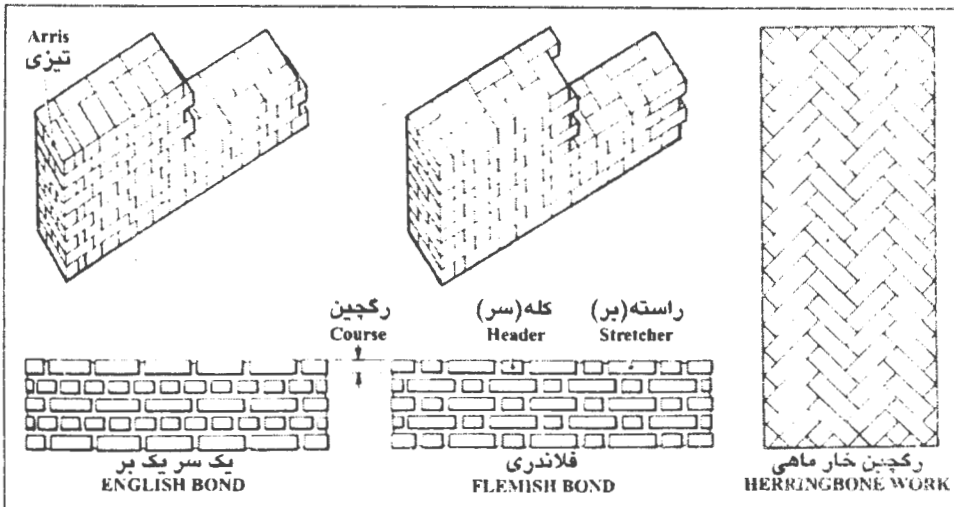
آبادانا apadana (Skr.)
 به تالار مستقل و پرستون و غالباً با یک رواق اطلاق می‌شود. در ایران باستان از آن به عنوان تالار تاجگذاری استفاده می‌شد.

آپساما (حوری دریایی هندی) *apsara (skr.)*
 چشمه آب در اسطوره‌شناسی ودایی هندی، که غالباً به صورت تصویر حکاکی شدهٔ یک دختر رقصندهٔ اغواگر در معابد هندوئی بازنمایی می‌شود.

آتلیه atelier (Fr.)
 (در زبان فرانسه به معنی «کارگاه») کارگاه هنری یا هر نوع کارگاه نقاشی یا چاپ دستی.

آثار استادان کهن Old Master
 آثار نقاشی نفیس و با کیفیات بسیار بالا که پیش از سال ۱۸۰۰م تهیه شده باشند. (قبلاً این اصطلاح برای آثاری که پیش از سال ۱۷۰۰م تهیه شده بودند، به کار می‌رفت).

آثار شیبایاما Shibayama work
 ترصیع‌کاری ظریف با پوستهٔ صدف، لاک الکل، فلزات قیمتی و دیگر مواد معمولاً بر یک زمینهٔ لاک الکل. این نام بر اساس نام خانوادگی شیبایاما،

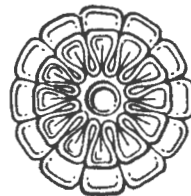


- آجرچینی، عناصر**
 brickwork, elements of
 Arris، تیزه: لبه تیزی که در محل تقاطع دو سطح آجر پدید می‌آید. (گوشهٔ آجر)
 Blocking course، رگچین بین نشسته: یک یا چند رگچین برجسته در پایین ساختمان ← سنگچینی Course، رگچین: یک ردیف آجر پیوسته و معمولاً افقی.
- Footing**، پایست: یک رگچین یا رگچین‌های پخ‌دار در پایهٔ یک دیوار، که برای توزیع وزن ساختمان استفاده می‌شود.
- Header**، کلهٔ آجر: ۱ - آجری که به صورت عرضی چیده شود و با لبهٔ دیوار مماس باشد. ۲ - قسمت انتهایی آشکار چنین آجری.
- stretcher**، راسته: (یا بر آجر) آجری که به صورت طولی چیده شود.
- steing - course**، رگچین فیطانی: رگچین افقی تزئینی، معمولاً به صورت برجسته در نمای پیشین ساختمان.
- آدمک الحاقی**
 staffage (Fr.)
 تصویر آدم‌های کوچکی که برای جان بخشیدن منظره یا ترکیب‌بندی معماری به کار می‌رود.
- آدمک مفصلی**
 lay figure
 مانکن یا آدمک چوبی، مفصلی که می‌توان آن را تقریباً به هر حالتی در آورد، و معمولاً هنرمندان از آن به عنوان سرمشق برای بازیابی تناسبات و حالات بدن انسان استفاده می‌کنند.
- آدوکیزم**
 adhocism
 این اصطلاح را تاریخ‌شناس معماری چارلز جنکز برای توصیف طرحی که نه با فرمول‌بندی راه‌حل‌های جدید بلکه با تلفیق و ترکیب عناصر موجود برای دستیابی به نتیجه‌ای جدید حاصل می‌شود ابداع کرد. عناصری که انتخاب می‌شود ضرورتاً نیازی نیست به همان منظوری که طرح آدوک در نظر داشته، طراحی شده باشند. مثال نمونه‌وار این نوع طراحی، چهارپایه‌ای است که ناتان سیلور طراحی کرده است و شامل یک صندلی فلزی تراکتور است که بر روی چهار عدد چرخ که از یک ارابهٔ اسباب‌بازی گرفته شده، قرار می‌گیرد.
- آذین الحاقی**
 applique (Fr.)
 شمعدان یا دیگر متعلقاتی که به دیوار یا به یک میلان نصب می‌شود. با appliqué اشتباه نشود.
- آذین بالادری**
 sopraporta
 (در زبان ایتالیایی به معنی «بالای در») نقاشی یا سنتوری بالای یک سردر.
- آذین برجسته**
 réchampi (Fr.)
 (در زبان فرانسه به معنی «برجسته») آذین برجسته که به صورت طلایی یا با رنگ‌های متضاد چشمگیر شده باشد.
- آذین برشی**
 cut - card ornament
 نوعی روش تزئینی که در آن نقشی از یک ورق بریده شود و به ورقی از مادهٔ دیگر الحاق شود. علت این نام‌گذاری به دلیل ظاهر نهایی کار است که گویی شبیه مقوای بریده شده‌ای است که بر روی یک زمینه قرار دارد. این روش عمدتاً در جواهر سازی سده‌های هفدهم و هجدهم رایج بود.
- آذین برگ نخلی**
 palmette (Fr.)
 (مأخوذ از واژهٔ لاتین به معنی «نخل کوچک») تزئیناتی شامل برگ‌های ساده شده که همچون انگشتان دست باز شده‌اند. برگ‌ها همیشه به‌شمار مفرد هستند و برگ وسط بزرگتر از بقیه است. (نقش برگ نخلی*)
- آذین برگ و طومار**
 rinceau (Fr.)
 تزئیناتی که از طوماری‌هایی به شکل برگ و ساقه گیاهان ساخته شده باشد.
- آذین برگی**
 feuille d'acanthou (Fr.)
 (در زبان فرانسه به معنی «برگ کاهو») نوعی نقوش تزئینی مشخص مشتمل بر برگ‌های قائم همپوشان، که در آثار سرامیکی صابراتی چین و سرامیک نقوش پرچمی دیده می‌شود. ۲ - نوعی پارچهٔ دست بافت نقش باغی سدهٔ هفدهم بروکسل با برگ‌های غول آسا.
- آذین بشقابی**
 patera
 ۱ - مترادف لاتین برای بشقاب بی‌دستهٔ یونانی.
 ۲ - آذین معماری به شکل این نوع بشقاب.

- آجرچینی، عناصر**
applique (Fr.) آذین الحاقی
 شمعدان یا دیگر متعلقاتی که به دیوار یا به یک مبلمان نصب می‌شود. با appliqué اشتباه نشود.
- آجر پدید می‌آید. (گوشه آجر)**
brickwork, elements of
 Aris، تیزه: لبه تیزی که در محل تقاطع دو سطح آجر پدید می‌آید. (گوشه آجر)
- آجر پدید می‌آید. (گوشه آجر)**
sopraporta آذین بالادری
 (در زبان ایتالیایی به معنی «بالای در») نقاشی یا سنتوری بالای یک سردر.
- آجر پدید می‌آید. (گوشه آجر)**
Blocking course
 رگچین برجسته در پایین ساختمان ← سنگ‌چینی Course، رگچین: یک ردیف آجر پیوسته و معمولاً افقی.
- آذین برجسته**
réchampi (Fr.)
 (در زبان فرانسه به معنی «برجسته») آذین برجسته که به صورت طلایی یا با رنگ‌های متضاد چشمگیر شده باشد.
- آذین برجسته**
Footing
 پایست: یک رگچین یا رگچین‌های پخ‌دار در پایه یک دیوار، که برای توزیع وزن ساختمان استفاده می‌شود.
- آذین برشی**
cut – card ornament
 نوعی روش تزئینی که در آن نقشی از یک ورق بریده شود و به ورقی از ماده دیگر الحاق شود. علت این نام‌گذاری به دلیل ظاهر نهایی کار است که گویی شبیه مقوای بریده شده‌ای است که بر روی یک زمینه قرار دارد. این روش عمدتاً در جواهر سازی سده‌های هفدهم و هجدهم رایج بود.
- آذین برشی**
Header
 کله آجر: ۱ - آجری که به صورت عرضی چیده شود و با لبه دیوار تماس باشد. ۲ - قسمت انتهایی آشکار چنین آجری.
- آذین برشی**
stretcher
 راسته: (یا بر آجر) آجری که به صورت طولی چیده شود.
- آذین برشی**
steing – course
 رگچین قیطانی: رگچین افقی تزئینی، معمولاً به صورت برجسته در نمای پیشین ساختمان.
- آدمک الحاقی**
staffage (Fr.)
 تصویر آدم‌های کوچکی که برای جان بخشیدن منظره یا ترکیب‌بندی معماری به کار می‌رود.
- آدمک مفصلی**
lay figure
 مانکن یا آدمک چوبی، مفصلی که می‌توان آن را تقریباً به هر حالتی در آورد، و معمولاً هنرمندان از آن به عنوان سرمشق برای بازیابی تناسبات و حالات بدن انسان استفاده می‌کنند.
- آدمک مفصلی**
lay figure
 مانکن یا آدمک چوبی، مفصلی که می‌توان آن را تقریباً به هر حالتی در آورد، و معمولاً هنرمندان از آن به عنوان سرمشق برای بازیابی تناسبات و حالات بدن انسان استفاده می‌کنند.
- آدوکیزم**
adhocism
 این اصطلاح را تاریخ‌شناس معماری چارلز جنکز برای توصیف طرحی که نه با فرمول‌بندی راه‌حل‌های جدید بلکه با تلفیق و ترکیب عناصر موجود برای دستیابی به نتیجه‌ای جدید حاصل می‌شود ابداع کرد. عناصری که انتخاب می‌شود ضرورتاً نیازی نیست به همان منظوری که طرح آدوک در نظر داشته، طراحی شده باشند. مثال نمونه‌وار این نوع طراحی، چهارپایه‌ای است که ناتان سیلور طراحی کرده است و شامل یک صندلی فلزی تراکتور است که بر روی چهار عدد چرخ که از یک ارابه اسباب‌بازی گرفته شده، قرار می‌گیرد.
- آذین برگ نخلی**
palmette (Fr.)
 (مأخوذ از واژه لاتین به معنی «نخل کوچک») تزئیناتی شامل برگ‌های ساده شده که همچون انگشتان دست باز شده‌اند. برگ‌ها همیشه به‌شمار مفرد هستند و برگ وسط بزرگتر از بقیه است. (نقش برگ نخلی*).
- آذین برگ و طومار**
rinceau (Fr.)
 تزئیناتی که از طوماری‌هایی به شکل برگ و ساقه گیاهان ساخته شده باشد.
- آذین برگی**
feuille de chou (Fr.)
 (در زبان فرانسه به معنی «برگ کاهو») ۱ - نوعی نقوش تزئینی مشخص مشتمل بر برگ‌های قائم همپوشان، که در آثار سرامیکی صادراتی چین و سرامیک نقوش پرچمی دیده می‌شود. ۲ - نوعی پارچه دست بافت نقش باغی سده هفدهم بروکسل با برگ‌های غول آسا.
- آذین بشقابی**
patera
 ۱ - مترادف لاتین برای بشقاب بی‌دسته یونانی.
 ۲ - آذین معماری به شکل این نوع بشقاب.

آذین دندان سگ (ابزار چهاربرگ)
dog – tooth

تزئینات معماری به صورت ستاره چهاربرگ برجسته که به صورت قطری قرار می‌گیرد و تصور می‌شود که شبیه دندان آسیای سگ است. مشخصه معماری کوئیک متقدم انگلیس (برای تصویر نگاه کنید به ابزار*).



آذین بشقابی

آذین دودکش
garniture de cheminée (Fr.)

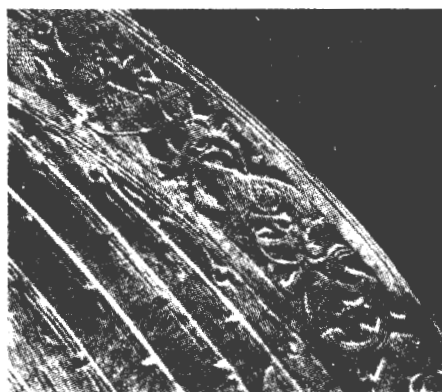
(در زبان فرانسه به معنی «تزئینات دودکش») مجموعه نقوشی که به صورت تزئینی بر روی بخشی از دودکش طراحی می‌شود. رایج‌ترین نقش، مجموعه‌ای از پنج کوزه است که دو تای آن به شکل شیپور و سه دیگر به صورت کوزه‌های صراحی شکل است. غالباً در آثار چینی کشور چین متعلق به سده هفدهم دیده می‌شود.



آذین سپری
clipeus (lat)

(در زبان لاتین به معنی «سپر مدور») نوعی تزئین معماری شامل پرتله‌ای از یک شخص متوفی. (این نام گذاری احتمالاً به عادت رومیان در تزئین سپرهای خود با پرتله نیاکانشان اشاره دارد.)

آذین تسمه‌ای متعلق به اواخر سده شانزدهم. تزئینات چاهی



آذین جانوری بر روی دماغه کشتی اوسبرگ، از جنوب نروژ، حدود ۸۰۰ میلادی.

آذین تسمه‌ای
strapwork

نوعی نقوش تزئینی رایج در سده شانزدهم که شامل نوارهای درهم تابیده‌ای شبیه تسمه چرمی بود. مترادف rollwork

آذین جانوری
zoomorphic ornament

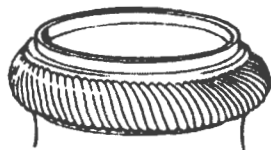
تزئینات، غالباً خطی، مبتنی بر ساده‌سازی فرم‌های مختلف جانوری. همچنین نگاه کنید به سبک جانوری.

آذین حبابی (شیشه‌ای)
prunt

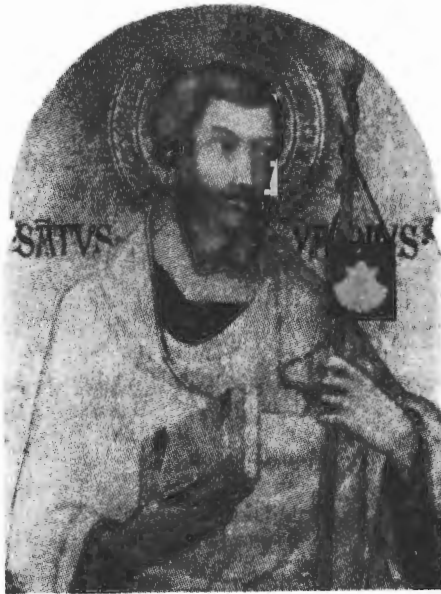
تزئینات روی شیشه، شامل حباب‌های واقعی یا قالب‌گیری شده از شیشه مذاب.

آذین دالبر
gadrooning

تزئینات دالبر متشکل از مجموعه‌ای از منحنی‌های محدب. این نوع تزئینات معمولاً بر سطوحی که خود بر بیش از یک سطح انحنا خورده است، و غالباً بر آثار فلزکاری برجسته کاری شده مشاهده می‌شود. (کوژکاری)



آذین دالبر



سنت جیمز کبیر، اثر سایمون مارتینی و همکارانش، حدود ۱۳۴۴ - ۱۲۸۴، که در آن نمونه‌ای از آذین صدفی نشان داده شده است.

آذین کاکلی
cresting
 تزئیناتی که به طور افقی سرتاسر بالای دیوار، جدار، سقف و یا یک قطعه مبلمان ادامه می‌یابد. (پرده تصلیب)*.

آذین گلمیخ
rosette (Fr.)
 (در زبان فرانسه به معنی «رز کوچک») ۱ - گلمیخ به شکل گل رز کوچک، که به عنوان تزئین معماری به کار می‌رود. ۲ - هر نوع تزئین به شکل گل رز کوچک.

آذین لایه‌ای
pâte - sur - pâte (Fr.)
 (در زبان فرانسه به معنی «خمیر روی خمیر») روش سده نوزدهمی تزئین چینی به صورت نقش برجسته که به شیوه گذاردن لایه‌های متوالی گل آب بر روی هم، انجام می‌شد.

آرایش دو جناحی
coulisses (Fr.)
 (در زبان فرانسه به معنی «جناحین نمایشخانه») عناصری که در جوانب تصویر به ویژه منظره، چیده می‌شود تا توجه بیننده را به سمت نقطه مرکزی هدایت کند.

آذین سر دیواری
brattishing
 در معماری متأخر گوتیک انگلیسی، به تزئینات طولی در بالای دیوار اطلاق می‌شود که شامل نقوش شاخه و برگ و کنگره باروهای کوچک است.

آذین سرفصل
vignette (Fr.)
 (مأخوذ از واژه فرانسوی *vigne* به معنی «خوشه انگور») ۱ - تزئینات گل و گیاه که حول یک حرف بزرگ در نسخ خطی به کار می‌برند. ۲ - تزئینات مشابهی که فضای خالی در نسخ خطی یا کتاب‌های چاپی را پر کند. ۳ - طرح یا تصویری که بدون هیچ گونه مرز یا حاشیه مشخصی در فضای پیرامون محو شود.

آذین سنگ و صدف
rocaille (Fr.)
 (در زبان فرانسه به معنی «صخره کاری») ۱ - نوعی تزئینات صخره‌ای و پوسته‌ای، که نخستین بار از اواسط سده شانزدهم به بعد با شکل‌های هیولایی به کار رفت و از سده هجدهم به عنوان عناصر تزئینی در معماری ساختمان، بخش‌های کوچکی از مبلمان، قاب تابلو و غیره به کار گرفته شد. ۲ - مترادف روکوکو، به ویژه در نسخه افراطی‌تر آن (این واژه برای نخستین بار از حدود ۱۷۲۰ با این مفهوم به کار رفت).

آذین شیاری
striation
 نقوش متشکل از شیارهای باریک یا خطوط باریک.

آذین صدفی
escallop
 ۱ - تزئینات به شکل پوسته صدف. ۲ - در قرون وسطا این نشان واجد مفاهیم مذهبی و نشان سنت جیمز کبیر بود و از این رو به عنوان آرم زائرین مقبره وی در کومپاستلای اسپانیا به کار می‌رفت.

آذین فریزی
chevaux - de Frise (Fr.)
 (در فرانسه به معنی «اسب‌های فریزی») آرایش گل میخ‌های آهنی برای محافظت از بالای جان‌پناه (که در سده هفدهم توسط فریزی‌ها که فاقد سواره نظام بودند، ابداع شد).

آذین قبه‌ای
knop (Dutch)
 (در زبان هلندی به معنی «گره») گل میخ یا آذین مدور، گاه به شکل یک دسته گل یا برگ.

آرت نوو (آرنوو، هنر نو) Art Nouveau

سبک تزئینی نامتقارن اغراق‌آمیز که طی دو دهه آخر سده نوزدهم و دهه اول سده بیستم در سرتاسر اروپا گسترش یافت. در این سبک از انواع مختلف فرم‌های گیاهی به ویژه منحنی‌های شلاقی پیچکی یا ساقه گیاهان، همچنین فرم‌های شعله‌آسا، موج، و موهای آویخته زن پیکره‌های سبک‌پردازی شده استفاده می‌شد. نکته مهم در آرت نوو طرد تاریخگیری سده نوزدهم بود. این سبک از یک سو شاخه‌ای از سمبولیسم محسوب می‌شود و از سوی دیگر شاخه‌ای از جنبش هنر و صنایع دستی بود (نام این سبک مأخوذ از نام فروشگاه‌گاهی است که در اواخر ۱۸۹۵ در پاریس افتتاح شد و اشیاء «ابداعی» را، در مقابل اشیاء متعلق به سبک دوره‌ای، به معرض فروش می‌گذاشت). سبک «یوگن استیل» (سبک جوان) برابر نهاد آلمانی آن بود و در فرانسه به «آرت نوو» (هنر نو) و در ایتالیا به «استیل لیبرتی» (سبک آزاد) معروف بود.



آرایش دو جناهی در تابلوی به کشتی رفتن ملکه صبا، اثر کلودلورین، ۱۶۴۸.



«روح باد» یک نشان خوش‌شانسی از جنس شیشه، دهه ۱۹۲۰، اثر رنه لایک به سبک آرت دکو، که گویای تأثیرپذیری از هنر آرتک است.

آرهات (Skr.) arhat

پیکره‌های که غالباً در معابد غاری اولیه بودایی یافت می‌شود و بیانگر فردی است که به انتهای مراتب هشتگانه رسیده است - که عبارتنند از نگرش راستین، اشراق، سخن، وصل، شیوه زندگانی، جهد، بی‌توجهی، و وجد و سرخوشی.



تزیینات فلزکاری پر انحنای در کارگاه آرت نوو ویکتور هورتا معمار بلژیکی، در بروکسل ۱۸۹۸ - ۱۹۰۰.

آرت دکو Art Deco

سبکی تزئینی که براساس «نمایشگاه بزرگ بین‌المللی هنرهای تزئینی (دکوراتیو) و صنعتی مدرن» که در سال ۱۹۲۵ در پاریس برپا شد، نام گرفت، اما در حقیقت وارث مستقیم سبک آرت نوو پیش از ۱۹۱۴ بود. این سبک حتی پیش از سبک آرت نوو بر کار برد مواد گران‌بها و تجملی - همچون لاک‌الکل، برنز، عاج، آبنوس، چرم پرداخت نشده - تاکید داشت، اما برخلاف آن، بر فرم‌های بسیار ساده و مسطح تاکید داشت. عناصر آن غالباً از سبک‌های فرانسوی لوئی پانزدهم و سبک امپراطوری (ناپلئون) اخذ شده بود که با عناصری عاریتی از هنر آفریقایی، آرتک و هنر چینی دوره سونگ (۹۶۰ تا ۱۲۷۹ م) و کوبیسم ترکیب شده بود.

واتتون گرلو در پاریس گردهم آمدند. این گروه که ورود به آن برای هنرمندان با گرایشات مختلف آزاد بود، کانون اصلی گردهمایی هنر انتزاعی یا محوریت پاریس طی دهه ۱۹۲۰ محسوب می‌شود.

آگری aggry - aggry

منجوق‌هایی از ساقه‌های شیشه که در هم ممزوج شده‌اند. نی حاصله به بخش‌هایی تقسیم و انتهای هر قسمت به صورت مورب بریده می‌شود به نحوی که به حالت زیگزاگ درآید. این منجوق‌ها در اروپا ساخته می‌شد و به آفریقا که در آنجا یافت شده بود صادر می‌گشت.

آلیاژ alloy

۱ - مخلوطی از مواد مختلف بدون ترکیب شیمیایی.
۲ - میزانی از خلوص طلا یا نقره. (مثلاً آلیاژ طلا که عیاری کمتر از ۲۴ عیار، (طلای ناب) داشته باشد).

آلیاژ سکه نقره coin Silver

۱ - نوعی آلیاژ نقره که کمی کم ارزش‌تر از نقره استرلینگ است. (۹۰٪ نقره در برابر ۱۰٪ مس، به جای ۹۲/۵٪ در برابر ۷/۵٪). (در جواهر سازی ایالات متحده و تجارت عتیقه) در مفهوم عام‌تر به هر نوع درجه خلوص بالای نقره اطلاق می‌شود.

آلیاژ ناقوس bell - metal

آلیاژی از مس و قلع (۴ به یک). ناقوس‌ها از این آلیاژ ساخته می‌شوند زیرا قدرت طنین آن مناسب است.

آماده‌ها ready - made

اصطلاحی که در حدود سال ۱۹۱۲ مارسل دوشان برای توصیف هر نوع شیء روزمره که از متن طبیعی خود جدا شده باشد و به عنوان یک اثر هنری عرضه شود ابداع کرد. همچنین نگاه کنید به هنر حاضری.

آمبروتیپ ambrotype

یکی از روش‌های ابتدایی عکاسی که برای باز تولید نسخه تقلیدی ارزان از یک داگروتیپ طراحی شد. در این روش نخست یک شیشه منفی با مواد پاک‌کننده (بلیچ) شسته می‌شود و سپس در برابر یک زمینه مشکی قرار می‌گیرد تا تصویر مثبت حاصل شود. این روش برای نخستین بار در سال ۱۸۲۱

آستر اندازی بوم relining

روش نصب یک نقاشی به همراه بوم اولیه‌اش، بر روی یک محافظ بوم جدید.

آستر زنی بوم laying in

در نقاشی رنگ روغن سنتی (در مقابل رنگ گذاری یکضرب) به روشی اطلاق می‌شود که در نخستین مرحله برای ارزش رنگ‌های سایه روشن و ایجاد ترکیب بندی کلی تابلو، سطح بوم را با رنگ آستر تک رنگ نقاشی می‌کنند.

آستر زنی priming

ماده‌ای معمولاً به رنگ خنثی، که بر روی بوم یا لته چوبی زده می‌شود، تا بدین ترتیب پیش از نقاشی نهایی سطح آن را پوشش داده و آب بندی کند.

آستر فرسک intonaco (It.)

آخرین لایه اندود گچ که بر روی آن نقاشی فرسک اجرا می‌شود.

آستر کاری fettling

نوع روش پرداخت نهایی که برای ظرف گلی یا چینی یا شیء تزئینی در مرحله پیش از پخت به کار می‌رود، به ویژه شیئی که در قالب ساخته شده باشد.

آسمانخراش skyscraper

اصطلاحی که در سال ۱۸۸۰ برای توصیف ساختمان‌های چندین طبقه (بعداً ده تا دوازده طبقه) در ایالات متحده ابداع شد. آنچه اکنون ما به عنوان آسمانخراش می‌شناسیم با ساخت ساختمان‌های هولابرد و روچرز توکما در شیکاگو بین سال‌های ۱۸۹۰ تا ۱۸۹۴ آغاز شد (بسیست و دو طبقه و یک اسکلت تمام فولادی). معمولاً دارای یک اسکلت قفس بند و آسانسور برقی هستند.

آسمانه محراب کلیسا ciborium (Lat.)

سرسایه بالای محراب؛ معمولاً به شکل گنبدی که بر روی ستون‌هایی استوار شده است.

آفرینش انتزاعی

Abstraction- Création (Fr.)

نام گروهی از هنرمندان هنر انتزاعی بود که در سال ۱۹۲۱ تحت رهبری اوگوست هربین و گنورگ

نظام مندتر و علمی‌تر از آن استفاده کردند.

آنتیک، باستانی

هنر یونانی و رومی دوره‌های سده پنجم میلادی که نقاشان و مجسمه‌سازان فرهنگستانی از رنسانس به بعد از آن‌ها به عنوان سرمشق و الگوی خود بهره بردند.

آوند کلیسایی

ظرف برنجی یا سفالی، غالباً به شکل پیکره انسان یا حیوان، که برای شستن دست بر روی میز استفاده می‌شد.

آهک شفته

نامی عام برای درجات سخت‌تر گچ. گاه برای ساختمان سازی به کار می‌رود، اما برای برجسته کاری تزئینات داخلی مناسب‌تر است.

۱- آینه شومینه، ۲- وادار (Fr.) trumeau

(در زبان فرانسه به معنی «جرز، جرز شیشه‌ای») ۱- آینه‌ای با حاشیه تزئینی که برای نصب بر بالای شومینه ساخته می‌شود. ۲- جرز مرکزی که وسط نعل درگاهی یک دروازه یادمانی را نگه می‌دارد.



امپولای زائرین مسیحی با نقشی از سنت پیترو، سمیرنا، سده ششم میلادی.

رواج یافت و در سال ۱۸۵۴ جیمز کاتینگ آمریکایی امتیاز انحصاری آن را برای خود ثبت کرد.

آمپولا

(در زبان لاتین به معنی «فلاکس») ۱- در دوران یونان و روم باستان، به آمفورای کوچکی اطلاق می‌شد که دارای گردنی بلند و یک یا دو دسته منحنی شکل بود، که بر شانه کوزه و در زیر طوقه آن نصب می‌شد. معمولاً از سفال، شیشه یا مواد دیگر ساخته می‌شد. ۲- در دوران مسیحیت به ظرف کوچکی اطلاق می‌شد که معمولاً از جنس سفال بود و زائران برای حمل روغن چراغ به معبد استفاده می‌کردند. ۳- در دوران سده‌های میانه (قرون وسطی) به بعد نیز به ظرف مشابهی اطلاق می‌شد که با مواد و مصالح با ارزش ساخته می‌شدند و برای نگه‌داری روغن مقدس در مراسم تاجگذاری استفاده می‌شد.

آمفورا

نوعی کوزه یونان باستان که به عنوان ظرف یا صراحی برای نگهداری روغن یا شراب استفاده می‌شد. دارای بدنه‌ای تخم‌مرغی شکل با دو دسته در دو سمت گردن کوتاه آن بود. گاه بدون پایه ساخته می‌شد و لذا می‌بایست به صورت قائم در شن یا خاک نرم قرار می‌گرفت. (ظروف یونانی*)

آمفی‌تئاتر

۱- ساختمان مدور یا بیضی شکلی که ردیف صندلی‌های پیرامونی آن بالا آمده و حول یک فضای مرکزی محیط شده است. ۲- تالار (معمولاً منحنی شکل) در یک تئاتر معمولی.

۱- آمیزش رنگ، ۲- تابکاری tempering

۱- مخلوط چند رنگدانه در رنگ، به نحوی که یک رنگمایه بینابینی را پدید آورد. ۲- روش تابکاری فولاد.

آمیزه‌های دیدگانی

optical mixtures رنگ‌های خالص اولیه، که به صورت تاش‌های کوچک و بسیار نزدیک به هم به کار می‌رفتند تا به هنگام مشاهده در هم آمیخته به نظر برسند و رنگ‌های ثانوی را پدید آورند. امپرسیونیست‌ها از این جلوه در آثار خود بهره بردند و بعدها نتوامپرسیونیست‌ها تحت تأثیر سورا به شیوه‌ای

دیوار زیر آن جلوگیری می‌کند. مترادف - hood moulding, hood - mould, hood stone

همچنین نگاه کنید به *Lable*.

Egg - and - dart (tongue)، بیضه پیکانی: یک ابزار تزئینی شامل نقوش یک درمیان بیضی فرم‌های نوک تیز.

Flush bead moulding، ابزار تسیح تراز: ابزار محدبی که بالاترین نقطه انحناى آن با سطوح همجوار آن تراز باشد.

Lable, Lable moulding: آبچکان با مقطع مستطیل.

Lable - stop: قطعه تزئینی که در هر یک از انتهای آبچکان [برای فرو چکاندن آب باران] قرار می‌گیرد.

Ovolo، ابزار بیضوی: ابزار محذب با قوس ربع دایره. مترادف *quadrant moulding*.

Paternoster، ابزار دانه تسیح پدر بزرگ: نوعی ابزار دانه تسیح کوچک.

Sunk moulding، ابزار درزپوش: هر نوع ابزاری که پایین‌تر از سطوح پیرامونی خود قرار بگیرد. مثلاً ابزار تسیح تراز نوعی ابزار درزپوش محسوب می‌شود.

ابزار بیضوی
ovolo
(مأخوذ از واژه لاتین *ovum* به معنی «تخم مرغ») ابزار* با تحدب ربع دایره مترادف: *quadrant moulding*

ابزار چهار گوش
fillet
۱ - نوار باریک مسطح برآمده که برای برجسته سازی در معماری مثلاً بین فرورفتگی‌های شیار قاشقی* در یک ستون استفاده می‌شود (شیوه‌های معماری)* ۲ - لایه بالایی یک قرنیز. (*Listel*)

ابزار خار ماهی
herringbone work
سنگ، آجر یا کاشی که به صورت مورب و بارگچین یک در میان با جهات مخالف هم چیده شوند. (نگاه کنید به تصویر آجرچینی*.)

ابزار قاشقی
fluting
در معماری به شیارهای موازی نزدیک به هم که برای تزئین ستون، ستون چهارگوش، و غیره به کار می‌رود (شیوه‌های معماری)* همچنین در هنرهای تزئینی به عنوان مثال نقره کاری به کار می‌رود. در مقابل ابزار نی شکل.

ابزار
moulding
نوار یا حاشیه تزئینی [در معماری و مبلمان] که ممکن است به صورت محذب یا مقعر، ساده یا همراه با نقوش مختلف و متنوع باشد. [در ادامه برخی از ابزارهای معرفی می‌شود.]
Baguette، (واژه فرانسوی به معنی «میله، ابزار») ابزار فیه‌ای: ابزار کمی محذب، با مقطع تقریباً استوانه‌ای.

Paternoster Bead, beading، ابزار دانه تسیحی: در کمد سازی، به ابزار کوچک و ساده، یا ابزاری با ردیف‌های بیضوی یا نیم‌کره اطلاق می‌شود. در این مورد اخیر مترادف *Paternoster*.

Billet moulding، ابزار گریخته: ابزار مقعر متشکل از نقوش مستطیلی یا استوانه‌ای برجسته. گروه‌های مختلفی از این نوع ابزار به کرات در معماری رومانسک یافت می‌شود.

Birdsbeak moulding، ابزار نوک منقاری: مترادف *beakhead*.

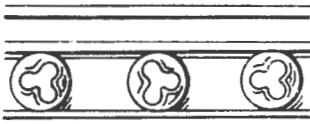
Bolection، ابزاری که کاملاً محل اتصال بین دو سطح ناهم‌تراز را می‌پوشاند، مثلاً اتصال بین قاب و صفحه در آثار چوبی.

Cable moulding، ابزار طنابی: ابزاری که شبیه طناب پیچ خورده است.

Cavetto (ایتالیایی مأخوذ از واژه لاتین *Cavus* به معنی «مجوف») ابزار ربع گرد: ابزار فرورفته با مقطعی به شکل ربع دایره یا نزدیک به آن.

Cyma recta, Cyma reversa (GK.)، موجی افتاده، موجی جمع: ابزارهای با دو منحنی. ابزار موجی افتاده، یک منحنی فرو رفته در بالا دارد که در زیر با چرخشی به صورت محذب می‌شود؛ ابزار موجی جمع در بالا به صورت محذب و در زیر به صورت مقعر است. مترادف *revers ogee, ogee*.

Drip - mould, drip - stone، آبچکان: ابزار کوچکی که در بالای در یا پنجره قرار می‌گیرد و به نحوی طراحی شده که از ریختن قطرات باران بر



BALLFLOWER
گل زنگوله‌ای



BEAKHEAD
ابزار رخ منقاری



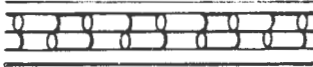
BEAD
ابزار دانه تسبیح



BEAD-AND-REEL
مهره ماسوره‌ای



GUILLOCHE
بیج زیور و



BILLET (ROUND)
گریخته (مدور)



BILLET (SQUARE)
گریخته (زاویه دار)



DOGTOOTH
ابزار چهار برگ



EGG-AND-DART
بیضه پیکانی



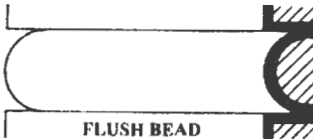
CHEVRON
خیزایی



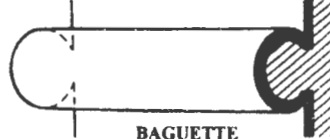
CABLE
ابزار طنابی



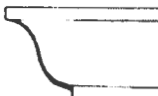
NAILHEAD
آذین کلمیخ



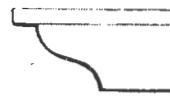
FLUSH BEAD
ابزار تسبیح تراز (همسطح)



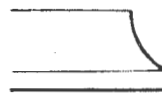
BAGUETTE
فتیله‌ای



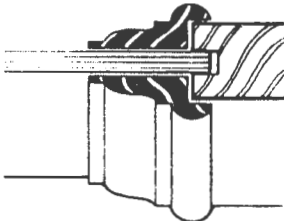
CYMA RECTA
ابزار موجی افتاده



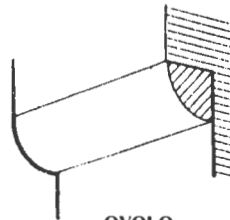
CYMA REVERSA
ابزار موجی جمع



CAVETTO
ابزار ربع گرد



BOLECTION

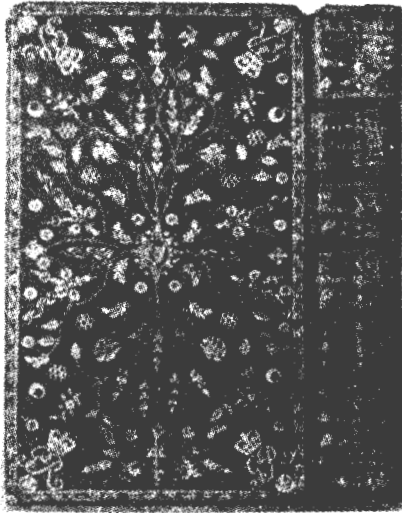


OVOLO
ابزار خاکی (بیضوی)

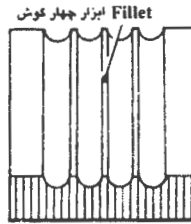


DRIPTONE
آبچکان سنگ

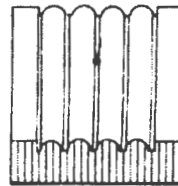
LABEL-STOP
آبچکان رده گیر



تزئینات جلد چرمی کتاب با نقوش طلاکوب، دویلین، ۱۷۶۷. (ابزار کاری - ۴)



ابزار قاشقی.



ابزار نی شکل

اتاق آفتابگیر
solar
(مأخوذ از واژه لاتین *solarium* به معنی «مکان آفتابی») اتاق خواب طبقه بالا در یک قصر یا یک خانه قرون وسطایی بزرگ، که به مالک خانه و خانواده درجه اولش اختصاص دارد.

۱- اتاق خصوصی، ۲- کمد کشودار
cabinet

۱ - در سده‌های هفدهم و هیجدهم به اتاق کوچک گوشه ساختمان اطلاق می‌شد. ۲ - حال به مبلمان کمدهی اطلاق می‌شود که چند کشو کوچک یا رفته دارد و معمولاً پشت در پنهان می‌شود.

اتاق زیرشیروانی
attic
۱ - در ساختمان‌های سبک کلاسیک، به طبقه بالای پیشانی اصلی اطلاق می‌شود. ۲- همچنین در ساختمان‌های کلاسیک، به یک شیوه معماری کوچک (مربک از ستون و پیشانی) بر روی شیوه معماری بزرگتر. ۲ - در مفهوم عام‌تر به معنی طبقه بالایی یک ساختمان اطلاق می‌شود.

اتصال کام و زبانه
mortice - and - tenon, mortise - and - tenon, joint
در درودگری؛ اتصال قطعات معمولاً با زاویه قائمه،

ابزار کاری
tooling
۱ - گونیا بُری یا صاف کردن یک قالب سنگ با یک قلم حجاری پهن. ۲ - زدودن زبری و ناهمواری‌های روی یک اثر فلزی پس از ریخته‌گی. ۳- تزئین یک اثر فلزی به صورت گودکنی یا برجسته‌کاری با استفاده از ابزارهای مختلف، همچون سنبه و نقرکن. مترادف: قلمزنی. ۳- تزئین جلد کتاب و دیگر اقلام از جنس چرم با استفاده از ابزارهای حرارتی.

ابزار موجی قائم/معکوس
cyma recta cyma reversa (Gk.)
(در زبان یونانی به معنی «موج قائم، موج معکوس») به نوعی ابزار* متشکل از دو منحنی اطلاق می‌شود. ابزار موجی قائم (Cyma recta) در قسمت بالا فرو رفته در زیر برآمده است، و در ابزار موجی معکوس (Cyma reversa) قسمت بالا محدب و قسمت پایین مقعر است. مترادف reverse ogee moulding.

ابزار نی شکل
reeding
نوعی آذین که از ابزار محدب نیمه دایره باریک به صورت مستقیم و بسیار نزدیک به هم (یعنی حالت برعکس یک ابزار شیار قاشقی) ساخته می‌شود. علت این نامگذاری به دلیل مشابهت آن با یک دسته نی است که کنار هم چیده شده‌اند.

ex - voto (Lat) **اثر نذری** که قسمت برآمده یکی (زیانه) در حفرة سازگار با آن در قطعه دیگر (کام) محکم می‌شود.

تصویری که به عنوان تحفه اهدائی وقف پرستشگاه می‌شود.

اتمیسفر اکسیددهنده

reducing atmosphere

art work **اثر هنری** هوای درون کوره منواکسیدکربن تولید می‌کند که باعث می‌شود لعاب محتوی مس به رنگ صورتی یا قرمز درآید. معمولاً برای ایجاد این جلوه از چوب‌تر برای سوخت کوره استفاده می‌کنند. مترادف: *oxidizing atmosphere*.

Facture (Fr.) Fattura (It) **اجرای هنر** (در زبان فرانسوی و ایتالیایی به معنی «اجرا کردن») روش خاص و مشخصی که یک هنرمند یا صنعتگر خاص از یک واسط هنری استفاده می‌کند. مترادف *handling*.

art mobilier **اثاثیه تزئینی** (در زبان فرانسه به معنی «هنر مبلمان») اشیاء هنری کوچک و منقول که به منظور تزئین استفاده شود؛ مانند مجسمه‌های برنزی رنسانس.

sutra (Skr.) **احکام بودا** (در زبان سانسکریت به معنی «نخ») متن مقدس بودایی.

autograph **اثر اصیل** طرح یا نقاشی که به یقین بتوان نام هنرمند خالق آن را مشخص کرد.

احیاگران هنر پیش از رافائل
Pre - Raphaelites
گروهی از هنرمندان انگلیسی از جمله هلمان هونت، میلاس و روزتی که در سال ۱۸۴۸ گروه اخوت پیش از رافائل (PRB) را با این هدف که آثاری ملهم از هنر هنرمندان ایتالیایی پیش از آمدن رافائل به رم را احیاء کنند شکل دادند. جنبش مخلوطی بود از گرایش رومانیتیک به هنر قرون وسطا و اشتیاق برای بازگشت به نمایش واقع‌گرایانه طبیعت، بدون توجه به آنچه که آنان به عنوان قوانین اجباری هنر فرهنگستانی می‌دانستند. این دلمشغولی با نوعی جدیت در کار که نقاشی را به عملی نه صرفاً زیبایی شناختی بل اخلاقی تبدیل می‌کرد، گروه را منسجم می‌ساخت. همچنین این گروه از طریق نقاشی مبلمان، پارچه دست بافت، شیشه نقش بند و طراحی برای پارچه و کاغذ دیواری، تأثیر مهمی بر هنرهای تزئینی نهاد. برخی از آثار که برای کارخانه موریس، مارشال و فالکز پدید آوردند، نقش اساسی در شکل گیری جنبش هنر و صنایع دستی داشت.

fake **اثر تقلبی**
نوعی اثر هنری که به عنوان بدل ساخته شده باشد. چنین اثری ممکن است کپی از یک اثر موجود، اثر تقلیدی از سبک هنرمند خاص یا آثار تزئینی یک دوره خاص، یا یک اثر اصیل باشد که آن چنان تغییر و «بهبود» یافته باشد که - مثلاً در مورد مبلمان یا مجسمه با برجسته کاری دوباره اثر - مشخصات اصلی آن از بین رفته باشد.

pastiche (Fr.) pasticcio (It) **اثر تقلیدی**
نوعی اثر هنری که با استفاده از یک سبک عاریتی، و معمولاً با عناصر عاریتی ساخته شده باشد، اما ضرورتاً کپی مستقیم نباشد. چنین اثری غالباً به صورت آگاهانه یا ناآگاهانه به دلیل اغراق در آنچه که به نظر مشخص‌ترین ویژگی یک طرح اصیل می‌رسد، به سمت کاریکاتور متمایل می‌شود.

Gothic Revival **احیاء گوتیک**
احیاء سبک معماری گوتیک که از میانه سده هجدهم تا نیمه سده نوزدهم عمدتاً در انگلستان و ایالات

اثر تکراری - نسخه تکراری
replica
۱ - در مفهوم خاص، کپی دقیق یک نقاشی یا مجسمه توسط خود هنرمند خالق اثر اصلی. ۲ - در مفهوم عام‌تر، یکی از دو نسخه یک نقاشی که نتوان نسخه اصلی را مشخص کرد. ۳ - شبینی که دقیقاً شبیه شیء دیگری و معمولاً توسط فرد دیگری باز تولید شده باشد.



احیاء گوتیک: پلکان تالار شهر منچستر، ۷۷ - ۱۸۶۷، اثر آلفرد واترهاوس. جزئیات طرح همچون سرستون گیل وبرگ، متناسب هنر دوره قدیم است: ساختمان اصلی تماماً متعلق به همان دوران است.



احیاء هنر یونان: دروازه پرستشگاه در قلعه چستر، ۱۸۲۲ - ۱۷۸۸، اثر توماس هریسون. وی با استناد به طرح‌های استوارت و روت از اکروپولیس، نسخه دقیقی از شیوه معماری دوریک را بازسازی کرد.

WPA / FAP

اداره پیشرفت کار

(کلمات اختصاری «اداره پیشرفت کار» / «پروژه هنر فدرال») برنامه‌ای که دولت ایالات متحده تحت عنوان قانون تجارت جدید در سال ۱۹۲۵، تصویب کرد تا



نقاشی مسیح در کارگاه نجاری از هولمن هانت، به نام «سایه مرغ» ۱۸۷۳، نمونه گویایی از نقاشی احیاگران هنر پیش از رافائل است که در آن عناصر نمادین با واقع‌گرایی بسیار دقیق در هم آمیخته شده است.

متحده به وقوع پیوست. در اواسط سده هجدهم فرم‌های گوتیک با روحیه‌ای سرخوشانه و حتی کنایی در انگلستان احیا شد. مانند قصر هوراس والهول در استرابری هیل نزدیک توینکن‌هام میدل سکس که وی آن را به عنوان «خانه اسباب بازی» توصیف می‌کرد. از اوایل سده نوزدهم سبک گوتیک به تدریج جدی‌تر گرفته شد و سرانجام نه صرفاً در کلیساها، چنان که تا آن هنگام رایج بود، بل در همه نوع ساختمان عمومی و خصوصی به خدمت گرفته شد. مترادف نئوگوتیک Neo - Gothic.

احیاء هنر یونان Greek Revival

از آنجا که در سده هجدهم هنر و میراث یونان برای باستان شناسان و معماران قابل دسترس شد، سبک پالادیویی با نوع جدیدی از معماری مواجه شد که تلاش داشت تا از مدل‌های ناب‌تر یونانی تبعیت کند. تاریخ ظهور این سبک سال ۱۷۶۲ است، سالی که استوارت و دیوت کتاب خود تحت عنوان آثار باستانی آتن را منتشر کردند. این سبک تا حدود سال ۱۸۴۰ در انگلستان و کمی بیشتر در ایالات متحده ادامه یافت. این سبک تأثیر زیادی بر گسترش و تکامل معماری آلمان نهاد.

ارزش رنگ values
در نقاشی رابطه بین: ۱ - سایه رنگها (درجه بندی روشنی بر تیره گی)؛ ۲ - رنگهای متفاوت؛ یا ۲ - هر دو عنصر سایه رنگ و رنگی است.

ارزش های تجسمی Valori Plastici (It.)
(در زبان ایتالیایی به معنی «ارزش های تجسمی») نام مجله ای که در سال ۱۹۱۸ پروگل، کارا، سورینی و دکریکو در رم تاسیس کردند. این مجله مبلغ بازگشت به کلاسیسیسم و احیاء روش های آموزش هنر مطابق قراردادهای فرهنگستانی بود و نام آن به عنوان گرایش نئوکلاسیسیسم هنر ایتالیایی آن زمان مصطلح شد.

ارزش های سایه روشن tonal values
روشنی و تیره گی نسبی بخش های مختلف یک نقاشی، بدون در نظر گرفتن رنگ آن. تضادهایی که بدین طریق حاصل می شوند، به ویژه از نظر سایه روشن شدید است.

اُرسی sash
نوعی قاب در و پنجره، معمولاً با شیارهایی برای بالا و پایین بردن پنجره که از سده هفدهم به بعد برای ساخت انواع پنجره* استفاده می شود.

آزاره dado (Lt)
(در زبان ایتالیایی به معنی «قالب») ۱ - بخش ساده مرکزی سقفوری. ۲ - بخش پایینی دیوار داخلی که در بالای آن با نوعی ابزار (dadorail) یا خط رنگی مشخص شده و پایین آن قرنیز چوبی نصب شده است.

ازدواج مریم عذرا Spozalizio (It.)
(در زبان ایتالیایی به معنی «نامزدی») مضمونی که در آن ازدواج مریم مقدس با یوسف را نشان می دهد.

آژدهای چینی kylin (Chi)
۱ - جانور افسانه ای چینی با سر آژدها، بدن فلس دار، سم گوزن، دم پشمالو و یک شاخ شبیه به شاخ «اسب تک شاخ». ۲ - گاه به غلط به عنوان مترادف شیر سنگ چینی به کار می رود.

آژدهای ژاپنی Kirin
نسخه ژاپنی آژدهای چینی.

بدین ترتیب از هنرمندان فاقد شغل (و همچنین نویسندگان و فعالین در تئاتر) حمایت کند. پس از آن برنامه های مشابه ولی با گستره محدودتری تحت عنوان FAP مطرح شد، هنرمندان برای تهیه آثار هنری برای موسسات با حمایت مالیاتی استخدام می شدند. از این رو برخی از مشخص ترین محصولات که در این برنامه تولید شد دیوار نگاره های بزرگ بود. طی این برنامه هم هنرمندان با گرایش تصویری و هم انتزاعی (همچون آرشیل گورکی، آدولف گوتلیب) از آن سود بردند و حاصل آن گردهم آمدن هنرمندانی از مکاتب مختلف بود، همچون مکتب حوزه می سی سی پی، اعضاء AAA (هنرمندان انتزاعی امریکایی) که به شکوفایی هنر امریکایی در اواخر دهه ۱۹۴۰ یاری رساندند.

ارابه چهاراسب quadriga (Lat.)
ارابه ای که با چهار اسب کشیده می شود و گاه به صورت مجسمه وار در ساخت تاج نصرت و دیگر بناهای یادمانی استفاده می شود.

ارتباط شکل زمینه figure - ground relationship
در نقاشی، چگونگی و نحوه ارتباط موضوع یا شکل با زمینه ای که روی آن مشاهده می شود. قوه ادراک آدمی به طور طبیعی «شکل» را به عنوان چیزی که رو به پیش و در جلوی پس زمینه قرار دارد، تشخیص می دهد. با این حال گاه به ویژه در هنر انتزاعی که در آن «شکل» و «زمینه» تقریباً مقدار فضای یکسانی را اشغال می کنند، رابطه بین آن دو نامشخص می شود و لذا پس زمینه اهمیتی برابر با موضوع کار می یابد.

ارتفاع حروف کوچک (لاتین) x - height
اصطلاح که برای مشخص کردن ارتفاع حروف کوچک در یک مجموعه حروف چاپی مشخص به کار می رود.

ارزش بساواایی tactile values
اصطلاحی که برنارد برنسون تاریخ شناس و صاحب نظر هنری برای توصیف تلاش هنرمند برای انتقال حسی از وزن، نقش برجستگی و بافت با استفاده از رنگ و خط بر یک سطح دو بعدی، ابداع کرد.

- ossuary** **استدان**
مکانی که در آن استخوان متوفی را نگهداری می‌کنند.
- stupa (SKr.)** **استوپا**
بنای یادبود نیمکره یا تپه مانند شامل بقایای مقدس. در معماری مذاهب بودایی و جین دیده می‌شود.
 مترادف: *stope*
- Jetty** **اسکله پیش نشستگی**
در معماری، به طبقه بالابین پیش آمده‌ای از یک ساختمان اسکلت چوبی اطلاق می‌شود که با تیرهای طره و الوار کف حائل شده باشد.
- sketch** **اسکیس، پیش طرح، طرح سریع**
نسخه خام ابتدایی از یک ترکیب بندی.
- اسلوب رنگ دوانی**
soak - stain technique
نوعی شیوه نقاشی به شکل تکه‌ها یا لکه‌های رنگی مختلف، که از طریق استفاده از رنگ بسیار رقیق شده بر روی بوم آهار نخورده حاصل می‌شود. این شیوه نقاشی، مشخصه آثار انتزاع پسا نقاشانه و به ویژه کارهای موریس لوئیس است.
- اسلیمی (آرابسک، عربسک یا عرب وار)**
arabesque
نقوش خطی پیچیده مشتمل بر خطوط منحنی، پیچیک‌وار و خطوط موج که براساس نقوش گیاهی شکل یافته‌اند.
- biting in** **اسید خوردگی**
اصطلاحی در حکاکی اسیدی برای توصیف واکنشی که اسید بر بخش‌هایی از لوح مس یا آهن که غشاه محافظ آن حذف شده، به جای می‌گذارد.
- ۱ - اسیدشویی، ۲ - رنگ‌زدایی
pickling
۱ - تمیزکردن اسید یا گداز از جنس نقره با استفاده از اسید سولفوریک به شدت رقیق شده. ۲ - ایجاد جلوه ظاهری سفیدرنگ برای چوب، به روش ساییدن رنگ روی چوب به نحوی که هنوز بخشی از بتونه‌ها در رگه‌های چوب باقی مانده باشد.
- toys** **اسباب بازی**
اصطلاحی رایج در سده هیجدهم که برای اشیاء تزئینی کوچک از جنس مواد مختلف همچون سرامیک و نقره به کار می‌رفت. نقره‌کاران بیرمنگام که متخصص در ساخت اشیاء ظریف و کوچکی چون جعبه معطر بودند (جعبه مینیاتوری از جنس فلزات قیمتی، که در آن اسفنج معطر می‌گذاشتند) به عنوان «اسباب بازی ساز»، مشهور بودند.
- espagnolette (Fr.)** **اسپانولت**
۱ - نوعی نقشمای تزئینی که در مبلمان سبک روکوکو فرانسه دیده می‌شود و شامل سر یک زن با یقه‌ای چین‌دار بدور گردن است. ۲ - (در بریتانیا) نوعی کلون جفتی با یک دستگیره لولایی که در پنجره چلیپایی یا پنجره فرانسوی، به کار می‌رود.
- اسپانیایی مغربی**
Hispano - Moresque
(برای توصیف معماری و هنر تزئینی) هنر اسپانیایی اما متأثر از هنر مغربی.
- استاد - Master of -**
نامی قرار دادی (مثلاً «استاد کار فلمان» یا «استاد کار نیم تنه زنانه») برای اطلاق به گروهی از آثار که هویت خالق و پدید آورنده آن ناشناخته است.
- استادان آثار کوچک Little Masters**
۱ - هنرمندان فرعی آلمانی به ویژه باسمه سازان سده‌های شانزدهم و هفدهم که آثاری با ابعاد کوچک تهیه می‌کردند. و از این رو این گونه نام گرفتند. از جمله می‌توان به سیوست آمان هانس بورکمایر، هانس سیبالد بهام و هاینریش آلدگریور اشاره کرد.
۲ - گروهی از نقاشان جام‌های نقش سیاهگون آتیک، که مشخصه آثار آنان پیکره‌های ریز اندامی بود که در نزدیک به دهانه جام نقاشی می‌کردند.
- استانده standard**
نسبت فلز قیمتی خالص، در مقابل آلیاژ فلز غیر قیمتی در اشیائی که از طلا یا نقره ساخته شده است. بویژه برای سکه به کار می‌رود.
- استخوان بندی میل carcass**
ساختار زیرین یک قطعه مبلمان روکش‌دار.

ساختمانی ایجاد می‌شود تا برآمدگی یا فرورفتگی ظاهری آن را [که در اثر خطای چشم حاصل می‌شود] تصحیح کند. مثلاً اصلاح تحدب میله ستون*، و یا اصلاح یک منحنی رو به بالا در یک نعل درگاهی.

افت رنگ sinking in

در نقاشی رنگ روغن، مات شدن رنگ که در اثر جذب رنگدانه‌ها به زمینه حاصل می‌شوند.

افریز frieze

۱ - در معماری کلاسیک، به بخشی از پیشانی* اطلاق می‌شود که بین فرسب و قرنیز قرار می‌گیرد و گاه با برجسته‌کاری و پیکر تراشی تزئین می‌شود.
۲ - در مفهوم عام‌تر؛ هر نوع تزئینات یا نقش برجستگی که در یک قاب افقی طویل به کار رفته باشد. ۳ - فضای داخلی به صورت تزئین شده یا فاقد تزئینات که بین بالای دیوار یا حصار تصویر، و سقف قرار می‌گیرد. ۴ - لباس پشمی زمخت، که فقط یک سمت آن پرزدار است.

اکروپولیس acropolis (Gk.)

(در زبان یونانی به معنی «شهر بزرگ») ارگ یا دژ یک شهر یونان باستان که قصر پادشاهی یا تعدادی معبد، یا هر دو را در بر می‌گیرد.

اکسپرسیونیزم Expressionism

۱ - این اصطلاح نخست توسط منتقد هنری آلمانی هروارث والدن، ناشر نشریه پیشروی برلین *Dexsturm* (۱۹۲۲ - ۱۹۱۰) برای توصیف تمامی هنرهای مدرن که در برابر امپرسیونیسم شکل گرفتند ابداع شد. ۲ - بعدها به هنری اطلاق شد که در آن فرم‌ها نه آن گونه که در واقعیت مشاهده می‌شوند، بلکه به صورت بازتاب‌های ذهنی نسبت به واقعیت ارائه می‌شدند. ۳ - امروزه به هر نوع هنری که در آن حس هنرمند جایگزین ایده‌های سنتی واقع‌گرایی و تناسبات می‌شود و حاصل کار کژنمایی شکل و رنگ است اطلاق می‌شود.

اکسپرسیونیزم انتزاعی

Abstract Expressionism

سبک هنری آمریکایی که طی دهه ۱۹۴۰ در نیویورک ظهور یافت و تا اواخر دهه ۱۹۵۰ فراگیر



حاشیه صفحه عنوان بندی نبرد علیه مارتین لوتر، که در سال ۱۵۲۱ در رم به چاپ رسید با نقوش تزئینی آرابسک رنسانس مزین شده است.

اشباع رنگ saturation

خلوص و درخشندگی رنگ - مثلاً میزان خلوص قرمزی در یک رنگ قرمز خاص.

اشکوب اصلی piano nobile (It)

(در زبان ایتالیایی به معنی «طبقه اصیل») طبقه اصلی در یک ویلا یا خانه شهری ایتالیایی، که در برگیرنده اتاق‌های ورودی است و به اندازه یک طبقه از سطح زمین بالاتر است.

اشیاء تجملی bibelot (Fr.)

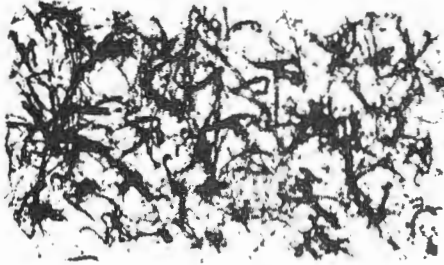
شیء تزئینی یا بدلی کوچک.

اصالت خط linearity

وقتی جلوه‌های اصلی ترکیب بندی یک طرح یا نقاشی، بیشتر بر خط مبتنی باشد تا بر رنگ یا سایه روشن.

اصلاح دیدگانی optical correction

تغییرات و اصلاحات کوچکی که در فرم یک عضو



اکسپر سیونیسیم انتزاعی نقاشی خطی: نقاشی قطره‌ای
چکسون پولاک، شماره سی و دو، ۱۹۵۰.

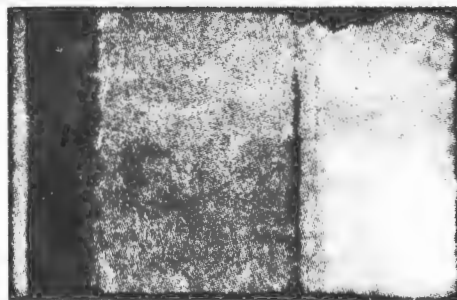


میز ناهار اثر مونه، حدود ۱۸۷۳، مربوط به دوره اوج
امپر سیونیسیم که صحنه هوای باز نمونه‌واری را نشان می‌دهد.

تصاویر بهره برد و از سوی دیگر ایده کوبیستی در باره «فضای کم عمق» را به خدمت خود گرفت. این سبک، بیشتر یک رویکرد فراگیر، در زمینه خلق اثر هنری محسوب می‌شود تا یک سبک قابل تشخیص هنری. اما در مجموع می‌توان آثار نمونه‌وار اکسپر سیونیسیم‌های انتزاعی را در یکی از این دو مقوله کلی جای داد: «نقاشی خطی» که در آن لکه‌ها و علائمی به طور آزاد بر روی سطح کار ریخته می‌شود تا سرتاسر تابلو را کاملاً بپوشانند و یا به صورت «شمایل نگارانه» که در ترکیب‌بندی آن یک فرم منفرد و معمولاً مرکزی ارجحیت دارد. آثار نقاشی قطره‌ای جاکسون پولاک مثال‌های نمونه‌واری برای مقوله اول است، در حالی که آثار متأخر مارک روتکو مثال‌های نمونه‌واری از مقوله دوم محسوب می‌شوند. در مجموع به این سبک با تسامح بیشتر نقاشی کنشی هم اطلاق می‌شود همچنین نگاه کنید به تاشیسیم.



اکسپر سیونیسیم، گرایش ذهنی‌گرایی و عدم توجه به واقع‌گرایی
قرار دادی. اکسپر سیونیسیم‌ها:
پوستری برای نمایشگاه اثر اسکار کوکوشکا، ۱۹۱۶.



اکسپر سیونیسیم انتزاعی شمالی: مارک روتکو، شماره ده،
۱۹۵۰.

شد. این گرایش اساساً تلفیقی است از ایده‌های ماخوذ از سوررئالیسم (که اکثر پیشروان آن طی سال‌های جنگ به آمریکا مهاجرت کرده بودند) و مفاهیم محدودتر آمریکایی درباره اهمیت فرد پیشرو، و بی‌ویژه رهایی هنر از سنت. اکسپر سیونیسیم انتزاعی نه کاملاً انتزاعی بود و نه سراسر اکسپر سیونیسیم. بلکه از یک سو روش خوانگینگی سبک سوررئالیسم را به عاریه گرفت و از آن در گستره‌ای جدید به مثابه راهی برای خلق



انتزاع پسانقاشانه: محدوده بزرگ رنگی در تابلوی «نارنجی و سبز» اثر ایلس ورث کلی، ۱۹۶۶.

آثاری از مونه، رنوار، سیسلی، پیسارو، سزان، دگا، گیومن بودین و برث موریسو.

انتزاع پسا نقاشانه

Post - Painterly Abstraction

اصطلاحی که کلمات گرینبرگ منتقد هنری امریکایی در سال ۱۹۶۴ برای توصیف آثار هنرمندان امریکایی نظیر موریس لوئیس، کنث نولاند، ژول اولیتسکی و ایلس ورث کلی ابداع کرد. آنان در آثارشان، از سطوح بزرگ رنگ‌های خالص که در آن ضربات قلم‌مو پرداخت نمی‌شد، استفاده می‌کردند. گاه چنین آثاری را به عنوان نقاشی گسترده رنگ هم توصیف می‌کنند، علارغم این واقعیت که چنین اصطلاحی نسل متقدم‌تری از هنرمندان نظیر ایوکلین، ادراینهات و پارت نیومان را هم در بر می‌گیرد. از این رو اصطلاح رنگ‌آمیزی انتزاعی نه فقط به ظاهر اثر بلکه به ماهیت هنرمندانی که گرینبرگ معرف آنهاست، مربوط می‌شود.

انتزاع تغزلی

Lyrical Abstraction
تداوم اکسپرسیونیسم انتزاعی در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ در آثار هنرمندانی چون جک تورکوف و پل

التقاطی eclectic

(در توصیف سبک‌های هنری) به سبکی که ملغمه و آمیخته‌ای از عناصری از دیگر سبک‌هاست. منشاء این اصطلاح به تاریخ فلسفه یونان باز می‌گردد و به فلاسفه‌ای اطلاق می‌شود که سعی داشتند تا بهترین عناصر را از چند مکتب دیگر به عاریه بگیرند.

الکتروتایپ electrotype

باز تولید حروف فلزی در قالب، با استفاده از روش الکترولیز و یک بشکه آبکاری به جای روش متداول تر ریخته‌گری. این روش، ساخت دقیق‌تر جزئیات ظریف و ریز را امکان‌پذیر می‌سازد. این روش در سال ۱۸۲۶ ابداع شد و در دهه ۱۸۴۰ تحت تأثیر کارهای جی آر الکتینگتون تکامل پیدا کرد.

الکتروم، طلای نقره‌دار electrum

آلیاژ حاصل از ترکیب اتفاقی نقره و طلا که در تمدن‌های باستان (به ویژه تمدن ایران و مصر باستان) برای ساخت اشیاء گرانبها و گاه برای ضرب سکه استفاده می‌شد.

الوار قوسی crucks

الوار برجسته کاری شده، به صورت جفتی که چارچوب قوس دار اصلی ساختمان‌های اسکلت چوبی قدیمی را شکل می‌داد.

امپرسیونیسم Impressionism

جنبش هنری سده نوزدهم در فرانسه که تلاش داشت تا با بکارگیری تحقیقات علمی معاصر خود و به کار بستن آن در فیزیک نور (از جمله کارهای انگین شورول) بازنمایی دقیق‌تری از رنگ و سایه رنگ بدست آورد. اکثر هنرمندان امپرسیونیست رنگ را نه به صورت تاش‌های گسترده‌تر و مخلوط بل با تاش‌های کوچکی از رنگ خالص به کار می‌گرفتند. از این‌رو حاصل کار آنان به طرز اعجاب‌آوری درخشان‌تر از آثار نقاشی هنرمندان فرهنگستانی معاصرشان بود. آنان همچنین با نقاشی در فضای باز تلاش داشتند تا به حس گذرایی از رنگ و نور به جای ساخت و ساز در استودیو دستیابند. نقاشانی که با این جنبش مرتبط بودند، درست پیش از جنگ فرانسه و پروس طی سال‌های ۷۱ - ۱۸۷۰ گردهم آمدند. اولین نمایشگاه امپرسیونیست‌ها در سال ۱۸۷۴ برپا شد و شامل

انتزاعی تغزلی Abstraction Lyrique
اصطلاح برابر نهاد اروپایی برای اکسپرسیونیسم
انتزاعی آمریکایی، که به ویژه به نقاشی خط‌های
جورج ماتیو مربوط می‌شود و از اواخر دهه ۱۹۴۰
به بعد مصطلح شد.

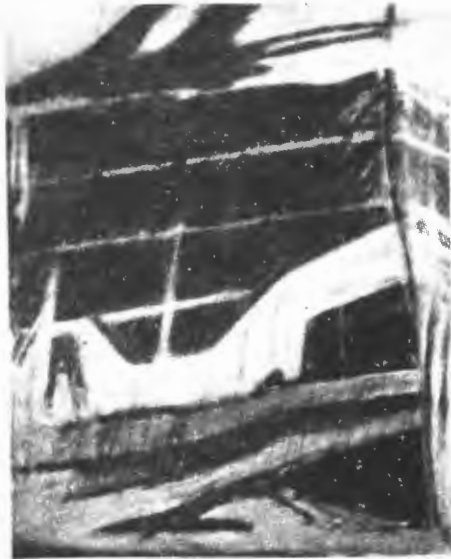
انتزاعی کلاسیک classical Abstraction
نوعی ترکیب بندی با ماهیت انتزاعی، معمولاً با
استفاده از فرم‌های مشخص هندسی که بیانگر و
گویای اصول کلاسیک، اعتدال، تعادل و نظم باشد.
مثال‌های نمونه‌وار این سبک آثار پیت موندریان و
بن نیکلسون است.

انتقالی transition (Fr.)
سبک مابین روکوکو و نئوکلاسیسیسم لوئی
شانزدهم. این سبک کمی پیش سال ۱۷۶۰ رایج شد.
این سبک نسخه منظم‌تر و پالوده‌تری از فرم‌های
روکوکو را با جزئیات تزئینی عاریتی از نقوش
میراث کلاسیک (مثلاً نقش برگ کنگری) در هم
آمیخت.

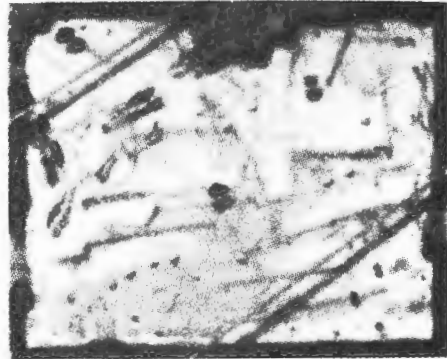
انتهای شرقی chevet (Fr.)
(در فرانسه به معنی «متکا») انتهای شرقی کلیسا،
بعد از تقاطع گاه و شامل غلامگردش و غرفه‌های
شعاعی.

انجمن هنر سده بیستم ایتالیا
Novecento Italiano (It.)
(در زبان ایتالیایی به معنی «نهصد ایتالیایی»)
انجمنی که در سال ۱۹۲۲ تأسیس شد و برخی از
عضای آن عبارت بودند از سیرونی، کارا و
کامپینلی. هدف آنان احیاء ترکیب‌بندی‌های
تصویری با مقیاس بزرگ هنر کلاسیک بود و از
برخی جوانب با فاشیسم ارتباط داشتند.

انجیل فقرا Bibia Pauperum (Lat)
(در زبان لاتین به معنی «انجیل فقرا») کتاب
دست‌نویس یا چاپی، که به صورت مصور زندگی و
حیات مسیح را آن گونه که در کتاب مقدس بیان
شده، نشان می‌دهد. این نوع کتاب‌ها در جنوب آلمان
و در اواخر سده سیزدهم میلادی ابداع شد و با
اختراع چاپ به عنوان کتاب چاپ لوحی معروف
گشت. معمولاً این کتاب‌ها شامل ۱۲۰ تصویر بودند،



انتزاع تغزلی: «امریکای شمالی» اثر جک تورکوف، ۱۹۶۶.



انتزاع دیده فریب: جنگ ستارگان II جک لمبک، ۱۹۷۸.

جنگیز. مشخصه آن نوعی رویکرد نقاشانه و پر
تجمل است.

انتزاع دیده فریب Abstract Illusionism
گرایشی در نقاشی انتزاعی («هنر انتزاعی») آمریکایی
اواخر دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، که در آن فرم‌ها و
ضربات قلم‌مو در نگاه بیننده به عنوان چیزی که
بر سطح بوم گسترده شده و با برخی تمهیدات
بصری خاص (مثلاً ایجاد سایه و...) به صورت
برجسته به نظر می‌آید؛ گویی فرم‌ها به صورت
معلق در جلوی صفحه تصویر قرار دارند. این
اصطلاح نخستین بار در حدود سال ۱۹۶۷ به کار رفت.

شانزدهم مجدداً احیاء شد و از آن پس در ایتالیا و اطریش و تاسرتاسر اروپا و امریکای شمالی رواج یافت.

اندود گچ و ماسه roughcast

۱ - سطح دانه‌دانه، عمدتاً با مخلوطی از شفته و سنگ‌ریزه، که برای پوشش دیوارهای خارجی استفاده می‌شود. مترادف *harling, pebble - dash*
 ۲ - پوشش دانه‌ای که به عنوان اولین پوشش دیوار و به جهت آماده‌سازی برای نقاشی فرسک استفاده می‌شود.

۱ - اندود محافظ، ۲ - اجرای هنری

rendering

۱ - پوشش ضد آب، معمولاً از شفته یا سیمان، بر روی دیواری که در معرض آب و هواست. [۲ - به معنی اجرای هنری نیز مصطلح است.]

اندود مرمرنما scagliola (It.)

(ماخوذ از واژه ایتالیایی *scaglia* به معنی «پوسته یا خرده مرمر») نقوش مرمری تقلیدی که از مخلوط پودر گچ، شن، و نوعی حلال چسبی ساخته می‌شود. این مخلوط تا زمانی که هنوز نرم است با قطعاتی از سنگ، بتون، گِل رنگی و غیره مرصع کاری شده و سپس تا حد شیشه‌ای شدن صیقل و سمباده می‌خورد. کاربرد این روش در مصر باستان شناخته شده بود و در سده شانزدهم که برای تزئین لوازم معماری داخلی، بویژه ستون‌ها و ستون چهارگوش و رویه‌های تزئین میز به کار رفت، مجدداً احیا شد.

انشعاب Sezession, Secession (Ger.)

(در زبان آلمانی به معنی «انشعاب») اصطلاحی که گروه‌های مختلفی از هنرمندان آلمانی و اطریشی مخالف نظام سالنی دهه آخر سده نوزدهم برای خود برگزیدند. مانند گروه انشعاب مونیخ که در سال ۱۸۹۲ به رهبری فرانتزفون استاک شکل گرفت، انشعاب وین در سال ۱۸۹۷ توسط گاستاو کلمت و انشعاب برلین در سال ۱۸۹۹ توسط ماکس لیبرمان و نیز در دارماشتات شکل گرفتند.

انگاره هنری disegon (It.)

(در زبان ایتالیایی به معنی «طرح، ترسیم») ۱ - در ایتالیای دوران رنسانس، شالوده هنر طراحی

که به ۴۰ مجموعه و هر مجموعه با سه موضوع مرتبط به هم تقسیم می‌شدند. تصاویر چنین کتاب‌هایی الگو و سرمشقی برای مجسمه‌سازان، هنرمندان سازنده پارچه دست بافت و شیشه بدمنقوش بود.

اندرونی (زنانه) zenana (persian)

بخش اندرونی در یک قصر هندی.

اندود کاری barbotine (Fr.)

(در زبان فرانسه به معنی «اندود») روش دست آزاد تزئین سفال به صورت نقش برجسته با گل نرم و تقریباً شل. این روش مشابه به روش خامه‌زنی بر روی کیک، با استفاده از یک کیسه و نازل انجام می‌شود. این روش به ویژه به آثار سفالی فرانسوی - رومی و رومی - بریتانیایی مربوط می‌شود.

اندود گچ plaster

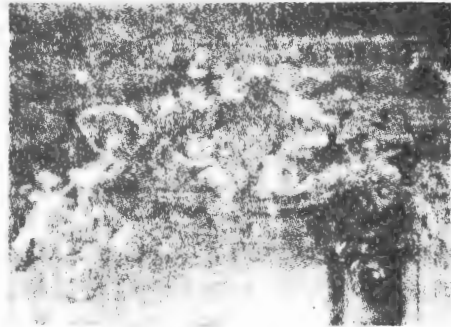
ماده شکل‌پذیری که وقتی خشک شود، بسیار سخت می‌گردد، و از مواد بسیار متنوعی ساخته می‌شود؛ اکثر مخلوط‌ها شامل آهک، شن و آب است، به اضافه مو برای استحکام بیشتر آن. از اندود گچ برای پوشش دادن سطح دیوارهای داخلی و خارجی (گاه به عنوان زمینه‌ای برای نقاشی فرسک)، برای قالبگیری یا برجسته کاری تزئینات معماری (همچنین نگاه کنید به اندود گچ و آهک)، برای قالبگیری مدل مجسمه (گچ پارسی) و (معمولاً به عنوان زمینه‌ای برای طلاکاری) و بر روی سطح چوبی برای قاب تصویر و مبلمان تزئینی استفاده می‌شود. همچنین نگاه کنید به ملاط گچ، گچ بوم، اندود گچ و آهک، گچ پارسی.

اندود گچ و آهک stucco

ماده شکل‌پذیر زود سفت شونده‌ای که وقتی خشک شود، بسیار سخت می‌گردد. برخلاف اندود گچ این ماده ترکیبی است از گچ یا آهک خرد شده، شن، آب و تقویت کننده‌ای چون خرده سنگ مرمر. (گاه محتوی یک عامل کندکننده همچون شراب است تا زمان سفت شدن را طولانی‌تر کند و در نتیجه امکان بیشتری برای کارکردن با آن در یک جلسه فراهم می‌سازد.) برای تزئینات بیرونی و داخلی استفاده می‌شود و می‌توان آن را در محل قالبگیری یا مدل‌سازی کرد. این روش در دوران باستان شناخته شده بود، و در سده

اورفیسم، کوبیسم اورفیک**Orphism, Orphic Cubism**

اصطلاحی که گیوم آپولینز در سال ۱۹۱۲ برای توصیف نوعی هنر کاملاً انتزاعی به تأثیر از کوبیسم ابداع کرد - هنری که سعی دارد تا واقعیتی مستقل برای خود خلق کند. وی رابرت دلونی را به عنوان برجسته‌ترین نماینده این گرایش مورد توجه قرار داد. دلونی خود این اصطلاح را به کار می‌برد، اما بعداً آن را اصلاح کرد تا برای توصیف هنری انتزاعی یا حتی نیمه انتزاعی که بر تجزیه حرکت نور مبتنی است و لذا وارث امپرسیونیسم است به کار برد.



تزیینات گچ‌بری اندود گچ و آهک شلوغ و سرزنده در اتاق خواب در کاخ ساگرادا در ونیز، مزین به پیکره‌های کودک فرشته.

ایتالیایی وار

Italienate
مأخوذ از معماری و تزیینات هنر ایتالیایی دوران رنسانس.

ایده هنری

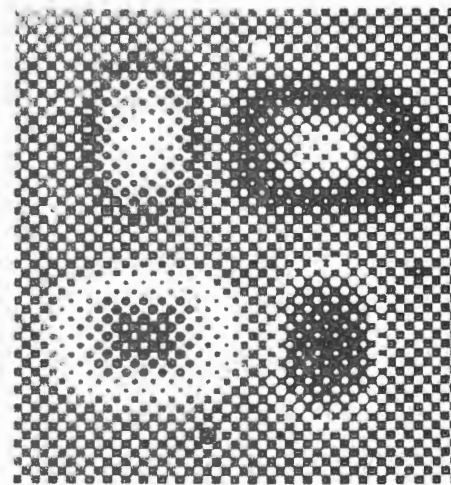
conchetto (It)
(در زبان ایتالیایی به معنی «مفهوم، انگاره») اصطلاحی رنسانسی و در مفهوم خاص‌تر متریستی که ایده یا مفهوم اصلی را که به یک اثر هنری معنا می‌بخشد آشکار می‌سازد. این اصطلاح مشابه اصالت طرح است اما با این تفاوت که معنا تا حدودی نامنتظره یا متناقض می‌نماید.

ایربراش

airbrushing
نوعی روش نقاشی با استفاده از یک دستگاه رنگ پاش کوچک و قابل کنترل. از این روش نخستین بار در هنرهای گرافیک و تجاری و برای ایجاد سایه‌های نرم و لطیف و جلوه‌های غیرواقعی به کار رفت، و بعداً از سوی هنرمندان هنرهای زیبا، به ویژه آنان که گرایش به سمت هنر پاپ و سوپررئالیسم داشتند، به خدمت گرفته شد.

ایستایی نامتقارن

contrapposto (It.)
(در زبان ایتالیایی به معنی «در مقابل قرار گرفته») روش بازنمایی بخش‌های مختلف بدن به نحوی که به صورت مایل حول یک محور عمودی مرکزی توازن پیدا کند: برای مثال در حالی که قسمت بالایی نیمه تنه به یک جهت متمایل شده، نیم تنه پایین به سمت مخالف می‌چرخد. این روش نخست توسط مجسمه‌سازان یونان باستان و به منظور اجتناب از حالت یکنواخت پیکره ابداع شد. در سده شانزدهم تحت تأثیر سبک متریسم کاربرد افراط آمیزی پیدا کرد.



اثری از ویکتود وازرلی، ۱۹۵۹، یکی از پیشروان سبک اوپ آرت.

محسوب می‌شد، «مفهوم یک اثر». ۲ - در مفهوم عام‌تر به اثر هنری در حالت آرمانی (مثلاً افلاطون) آن اطلاق می‌شود، که هرگز امکان تجسم عینی کامل نمی‌یابد و فقط در ذهن هنرمند وجود دارد. این اصطلاح با این مفهوم در نظریه هنر سبک متریسم به کار می‌رود. (- ایده هنری)

اوپ آرت

Op Art
جنبش هنر انتزاعی دهه ۱۹۶۰ که در زمینه جلوه‌های بصری متنوعی که در اثر انگیزش‌های بصری شبکیه چشم پدید می‌آید. به کاوش پرداخت آثار نمونه این سبک توسط بریژیت ریلای، مولو و ویکتور وازرلی تهیه شدند. همچنین نگاه کنید به هنر جنبشی، نقش موج نما.

ایکات ikat, ilkhat (Malay)

۱ - روشی که طی آن نقوش را پیش از بافته شدن پارچه، بر روی تار (ایکات تار) یا بر پود (ایکات پود) یا بر هر دو (ایکات دوپل) به شیوه ماسکه کردن رنگرزی می‌کنند. ۲ - همچنین پارچه‌ای که به این روش تولید شود.

ایوان سراسری veranda, verandah

راهه باز یا رواق با پایه‌های سبک چوبی یا فلزی، که به یک یا چند ضلع ساختمان متصل باشد.

ایوان iwan (Arabic)

در معماری ساسانیان و اسلامی به ورودی سرپوشیده یا تالار کم ارتفاعی با طاق‌های نوک تیز اطلاق می‌شود.



«صفحه مدور» اثر رابرت دلونی، ۱۹۱۲. نقاشی‌هایی از این نوع گیوم آپولینز را واداشت تا اصطلاح اورفیسیم را جعل کند.

ب**بائو** stile

عضو عمودی قاب بندی در آثار چوبی، مثلاً در*، پنجره، صندوقچه یا کمد.

باتیک batik

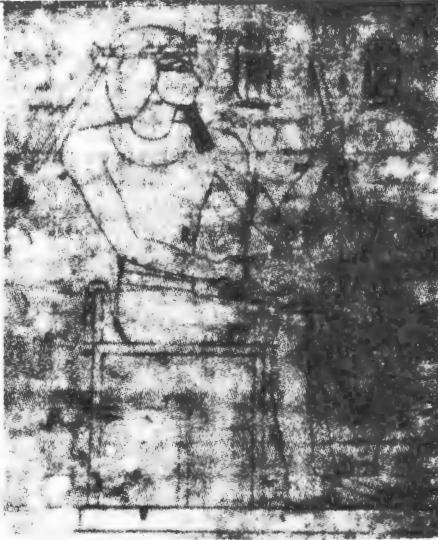
پارچه‌ای که به روش ماسکه کردن روغنی، منقوش می‌شود. نخست طرح با استفاده از روغن مذاب روی پارچه رسم می‌شود، از این رو بعد از آن که پارچه رنگ آمیزی شد، قسمت‌های روغن خورده رنگ را به خود جذب نمی‌کنند و رنگ قبلی آنها محفوظ می‌ماند.

باروک Baroque, the

اصطلاحی که تاریخ‌شناسان هنر سده نوزدهم برای سبک رایج در هنر اروپای غربی ۱۵۸۰ ابداع کردند. در اوائل سده هیجدهم منظور آنان از این هنر اساساً سبکی تجملی و متلون بود. در حقیقت باروک ترکیبی از مشخصه‌های مختلف بود: هم طغیانی بود علیه فنیسیسم و روشنفکرگرای، نخبه‌گرایی و سردمزاجی آن، به اضافه اشتیاق به خدمت‌گذاری به



ایستایی نامتقارن: مجسمه هرمس با دیونیسوس جوان، حدود ۳۵۰ قبل از میلاد.



بازنمایی چندجانبی: طرح مصر باستان توت‌موس سوم، سلسله هجدهم، حدود ۱۴۶۰ ق.م. سر و پاها به صورت نیمرخ ولی چشم و شانه‌ها مستقیماً از روبه‌رو دیده شده‌اند.

بازنمایی چند جانبی

simultaneous representation

۱- نوعی خاص از فرم‌های بدوی بازنمایانگر که در آن هر بخش از پیکره یا شیء به صورتی که هنرمند تصور می‌کند مهمترین ویژگی آن است و جنبه‌ای است که بلافاصله قابل تشخیص است نمایش داده می‌شود، و بدین ترتیب تصویری خلق می‌شود که به طور قابل ملاحظه‌ای از پیکره‌ها یا اشیاء واقعی متمایز است. برای مثال در نقاشی مصر باستان سر و پاها به صورت نیمرخ نمایش داده می‌شود، اما شانه‌ها به نحوی ترسیم می‌شود که گویی مستقیماً از روبه‌رو مشاهده شده‌اند. (برای تصویر نگاه کنید به هنر عمارنه* ۲- گاه به غلط به عنوان مترادف بازنمایی صحنه‌های پیوسته به کار می‌رود.

بازنمایی صحنه‌های پیوسته

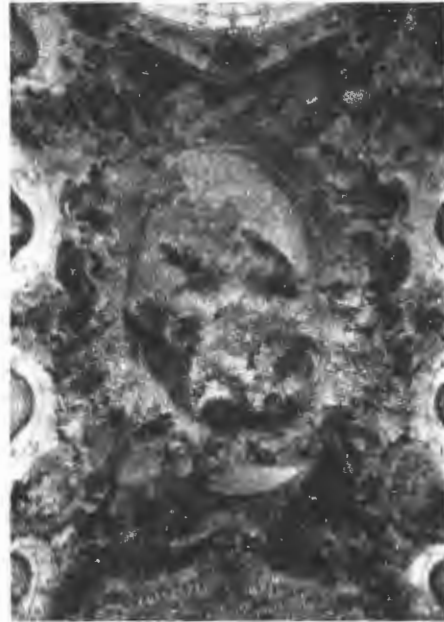
continuous representation

روشی که در هنر باستانی و قرون وسطای اروپا (به ویژه تزئینات پامحرابی) رایج بود، و در آن اپیزودهای متوالی به صورت روایی و پهلوی به پهلوی هم بر زمینه‌ای به ظاهر پیوسته نمایش داده می‌شود. گاه به غلط بازنمایی چند جانبی هم خوانده می‌شود. (مکتب کولونی*)

انگیزش‌های مذهبی ضد اصلاح دین از طریق خلق انواعی از مذهب که برای توده‌های مردم قابل دسترس باشد و هم علاقمند به نمایش حرکت و پویایی و جلوه‌نمای نمایشی بود. نمونه‌وارترین آثاری که تحت تاثیر باروک خلق شدند، ترکیبی بودند از معماری، مجسمه‌سازی و نقاشی، که تلاش می‌شد تا مجموعه‌ای خلق شود که تاثیری بیش از تاثیری که هر یک از آنها به‌طور مجزا می‌گذارد، ایجاد کند. (برای تصویر نگاه کنید به ستون پهلوان پیکر*)

باروی قلعه

enceinte
(در زبان فرانسه به معنی «حصار، بارو») حصار اصلی قلعه که در درون دیوار و خندق قرار دارد.



خلق توهم بصری به سبک باروک با کاربرد مفراط معلق نمایی در فضا: نقاشی سقف در کلیسای زوویفالتی، اثر یوهان گتورک برگمولر (۱۷۶۲ - ۱۶۸۸).

باروی محوطه، shell keep

حصار پیرامونی نیواری که یک تپه را محصور می‌کند و محوطه بدون سقفی را که کارکردی مشابه کارکرد محوطه قصر دارد شکل می‌دهد.

رنگی کوچک ژاپنی (غالباً مزین به خاک طلا یا نقره) به سبک یوکیوئه، که برای یادبود جشن، سالگرد یا موقه‌بیت خاص طراحی شده است.

بازنمایی لاینوآئو می
linocut
نوعی باسمة برجسته کاری شده از جنس لینوآئو می، که بر یک قالب چوبی نصب شده باشد.

باسیلیکا
basilica (Gk.)
(در زبان یونانی به معنی «سلطنتی») ۱ - در آغاز به سالن ستون‌بندی شده‌ای که برای اهداف صرفاً دنیوی ساخته می‌شد، اطلاق می‌گشت. به نظر می‌رسد که این نوع باسیلیکا شکل توسعه یافته معبد یونانی باشد که در آن فضای داخلی بیشتری تعبیه شده و نخست در سده دوم پیش از میلاد ظهور یافت. هنگامی که در سال ۳۱۲ میلادی کنستانتین مسیحیت را به عنوان دین رسمی پذیرفت، و سرانجام اجرای مراسم عمومی مسیحی امکان‌پذیر شد، باسیلیکا برای این کاربرد مورد استفاده قرار گرفت. ۲ - در مفهوم عام به هر نوع کلیسای مهم، غالباً کلیسایی با امتیاز ویژه از سوی پاپ اطلاق می‌شود.

بافت
textur
۱ - در هنر و معماری، ماهیت سطح یک نقاشی، مجسمه، ساختمان، و غیره. ۲ - در مفهوم عام‌تر، کیفیات کلی ماده یک اثر هنری، همچون ریتم ضربات قام مو در یک نقاشی دست آزاد. (مثلاً در آثار ولاسکز).

بافت تک رنگ
damask
۱ - پارچه تک رنگ دو رو، که نقوش آن (در یک سو به صورت مثبت و در طرف دیگر به صورت منفی) تنها با تفاوت در بافت یا درخشندگی سطح آشکار می‌شود (پایه پایزی) ۲ - در مفهوم عام‌تر، به هر نوع پارچه پشمی با نقوش برجسته اطلاق می‌شود.

بافته‌های بووایس
Beauvais
هر نوع پارچه دست‌بافت که در بووایس ساخته شده باشد. بافته‌های مختلفی در این منطقه بافته می‌شد، از جمله پارچه نقش باغی، پارچه‌های کم‌دیا دل آرته، تزئینات چینی‌وار، و نیز بعدها فرش و پارچه‌های رو مبل، کارخانه تحت حمایت لویی پانزدهم در سال ۱۶۴۴ تأسیس شد و در سال ۱۹۴۰ با کارخانه گویلن ادغام شد.

بازنمایی مستوی
projection
نمایش (یا روش نمایش) اشیاء سه بعدی، به ویژه ساختمان، بر روی یک سطح مستوی، با استفاده از یکی از نظام‌های نقشه‌کشی، که هر یک با اصطلاحی خاص، شیوه منسجم و مشخصی را ارائه می‌دهد. از جمله:

Isometric projection، نمایش ایزومتریک: سطوح افقی ساختمان را با زاویه‌ای برابر (معمولاً ۳۰ درجه) نسبت به خط پایه نشان می‌دهد. برای مثال زاویه قائمه‌ای که با دو دیوار شکل می‌گیرد، در طراحی تبدیل به زاویه متفرجه می‌شود. نمایش ایزومتریک برای نشان دادن جزئیات مربوط به بیش از یک نمای روبرو مفید است.
orthographic projection، نمایش اورتوگرافی: نقشه کف و جوانب را در طرح‌های مجزا از هم نشان می‌دهد.

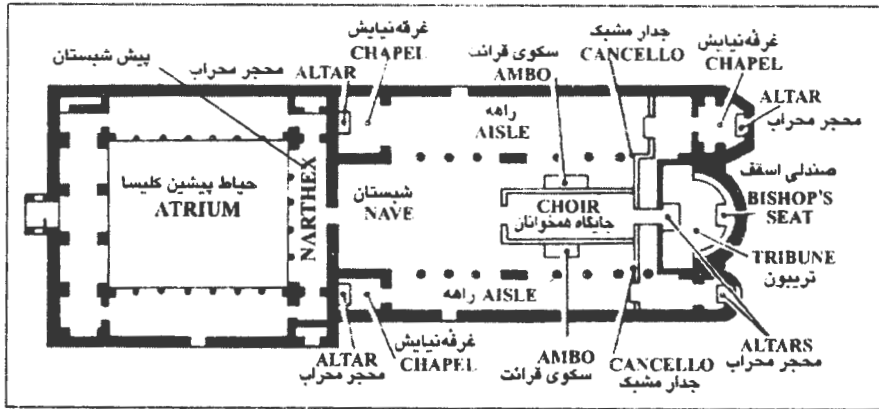
بازنمایی همزمان
simultaneity
نمایش مراحل متوالی حرکت، یا جوانب متوالی یک شیء بر روی یک بوم واحد. کاربرد این جلوه به ویژه در آثار نقاشی فوتوریستی* و کویبستی مشهور است.

بازوی عرضی کلیسا
transept
اضافه یا بخشی از یک ساختمان، به ویژه یک کلیسا، که در عرض محور اصلی آن قرار می‌گیرد. (کاتدرال گوتیک*)

باستانی
archaistic
تقلید آگاهانه سبک‌های باستانی (به ویژه تقلید از هنر باستانی متعلق به دوره‌های هلنی و روم باستان). رجوع شود به دوره هلنی.

باسمه ساز
-f., - fe., - fec., - fecit (Lat)
(مأخوذ از کلمه لاتین Fecit به معنی «ساخته»)
حروف اختصاری که بر باسمه‌ها یافت می‌شود و نمایانگر آن است که نام پیش از آن نام حکاک یا سازنده باسمه است که ضرورتاً ممکن است طراح تصویر نباشد. (همچنین نگاه کنید به حکاکی اسیدی، حکاکی نقش برجسته)

باسمة زرین ژاپنی
suri - mono (Jap.)
(در زبان ژاپنی به معنی «چیز چاپ شده») باسمة



نقشه کف یک باسیلیکا (برای تعاریف هر یک به مدخل مربوطه مراجعه کنید).

۲- (در ایالات متحده) یک بام چهار ترک کمر شکن با انتهای مسطح.

Hammer - beam roof، بام تیره طره: نوعی بام با چارچوب الواری که در آن به جای یک تیرکش معمولی، که در سرتاسر پهنای ساختمان امتداد می‌یابد، دو تیره طره کوچک نقش بازوی نگه دارنده را بازی می‌کنند و یک تیرک گریبان کوچک در قسمت بالای بام قرار می‌گیرد. (نگاه کنید به تصاویر)

Helm roof، بام هرمی: نوعی برج سرهرمی تیز که در هر ضلع برج سطوح شیب‌داری قرار دارد. این سازه غالباً در معماری رومانسک مشاهده می‌شود.

Hipped roof، بام چند کله: نوعی بام با شیب‌هایی که به سمت پشت کاکل متمایل شده است.

King - post roof، بام عصا: نوعی بام با خرپای شیب‌دار شامل ستون‌های قائم چوبی که در وسط تیرکش قائم ایستاده‌اند و کاکل بام را حمایت می‌کنند.

Mansard roof، بام مانسارت، چهار ترک کمر شکن: بام با شیب جفتی در دو یا تمامی اضلاع ساختمان، که شیب پایین‌تر تندتر و شیب بالایی کندتر است. این نام‌گذاری بر اساس نام معمار فرانسوی سده هفدهم اف. مانسارت انتخاب شد، که گرچه از این نوع بام پیش از زمان وی هم استفاده می‌شد، اما وی از این طرح بسیار بهره برد (در ایالت متحده، بام مانسارت همیشه دارای شیب جفتی در هر چهار ضلع ساختمان است).

بافته تاپا (polynesian)

پارچه‌ای که با جدا کردن الیاف پوسته داخلی یا تنه درختانی چون شاه‌توت، درخت نان یا انجیر ساخته می‌شود. تاپا به طور مشخص مربوط به جوامع بدوی پولینزی و آفریقا است. مترادف: bark cloth

بافته ترکی (Turkey work)

نوعی پارچه با پرز ضخیم که در اروپا ساخته می‌شد و به نوعی تقلیدی بود از فرش‌بافی خاورمیانه و خاور نزدیک. از سده هفدهم به بعد از این اصطلاح بیشتر برای اشاره به نوعی رومبلی استفاده می‌شد تا قالیچه.

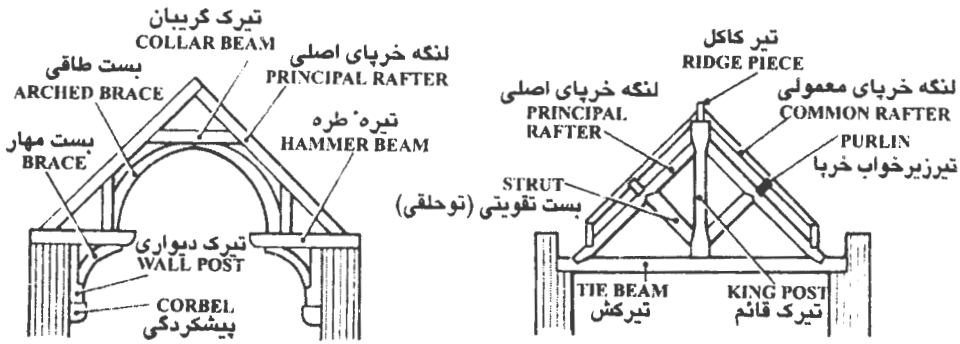
بالشتکی (echinus (Lat)

(در زبان لاتین به معنی «کوزه») ۱- در مفهوم خاص به ابزار زیر سرستونی یک ستون دوریک یونانی اطلاق می‌شود (شمیوه معماری*) ۲- در مفهوم عام‌تر به هر نوع ابزار شبیه آن اطلاق می‌شود.

بام، انواع (roof, type of)

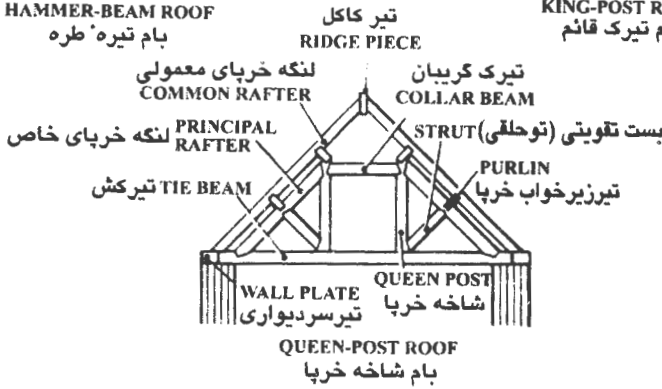
Cradle roof، بام گهواره‌ای: مترادف بام دلیجان (wagon roof)

Gambrel roof، بام شیروانی کمر شکن: بامی که شبیه به بام چهار ترک کمر شکن است با این تفاوت که در هر یک از انتهای کاکل یک سقفوری شکسته قرار دارد.

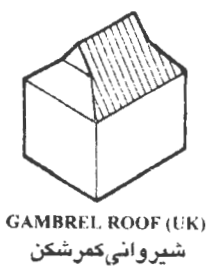


HAMMER-BEAM ROOF
بام تیره طره

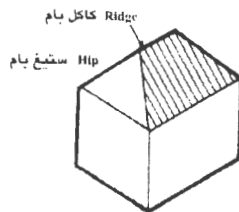
KING-POST ROOF
بام تیرک قائم



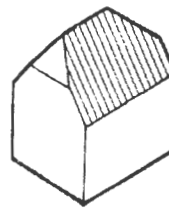
QUEEN-POST ROOF
بام شاخه خربا



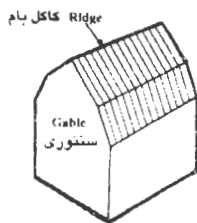
GAMBREL ROOF (UK)
شیروانی کمرشکن



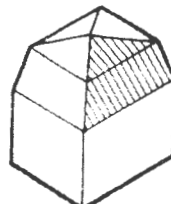
HIPPED ROOF
بام چند کله



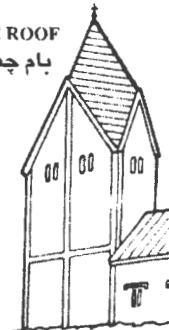
HIPPED - GABLE ROOF
بام چند کله باسنجوری



MANSARD ROOF (UK)
GAMBREL ROOF (US)
بام مانسارد



MANSARD ROOF
(UK AND US)
بام مانسارد



HELM ROOF
بام هرمی

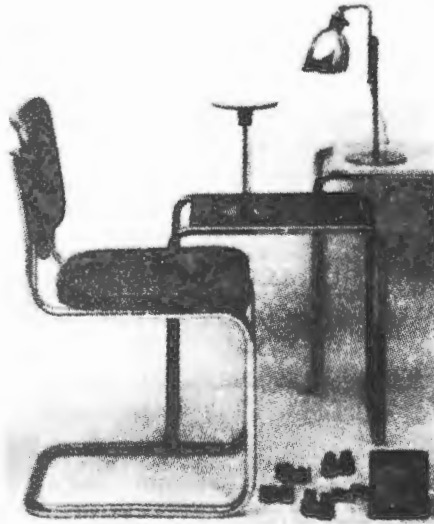
انواع بام. (برای تعریف هر کدام به مدخل مربوطه رجوع کنید)

بت لمیده مکزیکی

مسائل طراحی و در پیوند با نظریات نوین ساخت گرای و فنوپلاستیسیسم. به سمت دنیای مدرن صنعتی میل کرد.

بت لمیده مکزیکی chacmool

پیکره لمیده یک رب النوع (ناشناخته) که به تعداد زیاد در قبایل بومی امریکایی در مکزیک، از جمله تولتکها (حدود سده‌های یازدهم تا دوازدهم میلادی) ساخته می‌شد. شکل این پیکره‌ها تأثیر زیادی بر هنری مور (۱۹ - ۱۸۹۸) مجسمه ساز انگلیسی نهاد.



مصنوعات نمونه‌وار مدرسه باهاوس، شامل صندلی خم‌کاری شده اثر مارسل بروئر، ۱۹۲۸.



بت لمیده مکزیکی: به عنوان مذهب به کار می‌رفت، حدود ۱۰۰۰ - ۸۰۰ میلادی.

Pitches roof، بام دو شیب تند.

Queen - post roof: نوعی بام با خرپای شیب‌دار شامل دو شاخه عمودی خرپا که بر روی تیرکش قرار می‌گیرند و تیر زیر خواب خرپا را حمایت می‌کنند.

Wagon roof، بام دلیجان: نوعی بام الواری با بیست‌های منحنی شکل که غالباً از داخل با روکش‌بندی در یک خط است. تمام ساختار بام به نوعی شبیه به روکش برزنتی یک دلیجان سرپوشیده است.

بام الواری شیب‌دار rafter

نوعی بام شیب‌دار الواری که در بالا به کاکل و در پایین به تیر سر دیوار نصب می‌شود، و در بین این دو با یک تیر زیر خواب حمایت می‌شود. لنگه خرپای «خاص» معمولاً در تقسیمات دهانه قرار می‌گیرد، در حالی که لنگه خرپای «معمولی» در مابین قرار می‌گیرد. مجموعه این خرپاها ساختار حمایت‌کننده‌ای را برای توفال‌ها یا دیگر انواع پوشش بام شکل می‌دهند که بر روی آن خشت، کاشی و غیره نصب می‌شود.

بام برآمده hog - backed

(در مورد حاشیه یا لبه بام) لبه بام که کمی به سمت مرکز بلند شده باشد.

بام پوش افقی

weatherboarding (UK), clapboard (UK)

صفحاتی که به صورت افقی چیده می‌شود و بر روی هم قرار می‌گیرند، و به عنوان نوعی روکش کاری برای ساختمان‌های الوار - گچی به کار می‌روند.

بهاوس Bauhaus (Ger)

(در زبان آلمانی به معنی «خانه ساختمانی») نام یک مدرسه طراحی بود که در سال ۱۹۱۹ تحت مدیریت والتر گروپپوس معمار تاسیس شد، که سنت پیش از جنگ ورکبوند آلمان را ادامه و گسترش دادند. هدف مدرسه گرد هم آوردن تمامی هنرها با محوریت معماری بود. باهاوس به تبعیت از سبک اکسپرسیونیسم و با تأکید گذاردن بر غریزه خلاق هنرمند خیلی زود با آموزش رویکرد کاربردی به

مستقل نیافته است.

Primitivism

بدوی‌گرایی

۱ - هر نوع هنری که آگاهانه ویژگی‌های بدوی را به کار گیرد. ۲ - جنبش هنری روسیه سال‌های ۱۹۰۲ تا ۱۹۲۰ که تأثیراتی از هنر عامیانه روسی را با ایده‌های مأخوذ از کوبیسم و فوتوریسم در هم آمیخت. از جمله پیشروان این جنبش لارینوف، گونچارووا و ماله‌ویچ جوان بودند. (ذم‌الاغ*)



بدوی‌گرایی: تابلوی ناتالیا گونچارووا به نام «سیب چینی روستائیان»، ۱۹۱۱، به خوبی گویای تأثیر هنر عامیانه روسی و کوبیسم فرانسوی بر نقاشی پیشروی این دوره است.

break—Front

برآمدگی وسط

در مبلمان کمدی به برآمدگی قسمت وسط کمد اطلاق می‌شود.

pulvinated

برآمده

(برای توصیف مشخصات معماری به ویژه در مورد آفریز به کار می‌رود) دارای نیمرخ برجسته.

after

براساس، به تقلید از

۱ - هرگاه برای یک اثر تکثیری مثلاً حکاکی به کار رود، نشانگر آن است که نامی که به دنبال آن می‌آید، نام هنرمندی است که طرح اصلی و اولیه آن را خلق کرده، اما نقشی در تهیه لوحی که چاپ‌نقش از آن ساخته شده، ندارد. ۲ - وقتی برای یک طرح یا یک تابلو نقاشی به کار رود، نشانگر آن است که نسخه کپی یا بازسازی آن توسط شخصی غیر از

beton brut (Fr.)

بتون خام

(در زبان فرانسه به معنی «بتون خام») بتونی که بعد از برداشتن قالب‌بتون، به همان صورت زبر باقی بماند. گاه به عمد از قالب‌بند‌های با الوار چوب استفاده می‌شود تا نقوش و رگه‌های چوب بر روی سطح بتون نقش بندد. (نگاه کنید به زبره کاری)

ferro—concrete

بتون مسلح

بتونی که با میله‌های آهنی، مسلح و تقویت شده و در معماری مجسمه‌سازی به کار می‌رود.

fetish

بت

در هنر آفریقایی به بازنمایی مادی (مثلاً مجسمه) موجودی که دارای قدرت معنوی است اطلاق می‌شود.

corps de logis (Fr.)

بخش اصلی بنا

(در زبان فرانسه به معنی «پیکره ساختمان») ساختمان اصلی یک بنا که چند سالن و بنای خارجی نیز به آن الحاق شده باشد.

pinchbeck

بدل

(نام یکی از ساعت‌سازان انگلیسی، مرگ ۱۷۳۲) آلیاژی از مس و روی تقریباً با نسبت مساوی، که به دلیل شباهت ظاهری آن با طلا برای ساخت جواهرات بدلی (یا بدلی‌جات) استفاده می‌شود.

faience

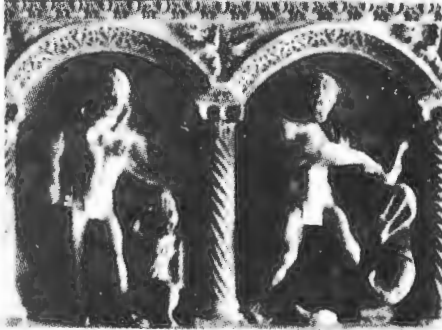
بدل چینی

(نام فرانسوی Faenza در زبان ایتالیایی) ۱ - هر نوع سفالینه با لعاب قلع. ۲ - ظروف لعابی زجاجی مربوط به مصر باستان (نگاه کنید به خمیر شیشه).

primitive

بدوی

۱ - منسوب به هنرمندان اروپایی که پیش از سال ۱۵۰۰ میلادی کار می‌کردند، به ویژه آنهایی که به نظر می‌رسد از یک سبک باستانی کاملاً مشخص استفاده می‌کنند. ۲ - منسوب به آثار هنرمندان خود آموخته و غیر حرفه‌ای هر دوره‌ای. ۳ - منسوب به هنر مردمان آفریقایی، اقیانوسیه و سرخپوستان آمریکایی. در این مفهوم غالباً اصطلاح در درون گیومه قرار می‌گیرد، زیرا به نظر می‌رسد که این اصطلاح امروزه به طور روزافزونی تحقیرآمیز جلوه می‌کند. ۴ - گاه به هنری اطلاق می‌شود که به نظر در آغاز شکل‌گیری خود است و هنوز هویت



برجسته نمایی: نقش تمام برجسته بر یک تابوت گورسنگی رومی، که تلاش‌های هرکول را نشان می‌دهد، سده دوم میلادی.



نقش برجسته: نقش برجسته (bas-relief) هلنی از جنس گل صورتی رنگ که صحنه‌های برداشت و خوشه‌چینی انگور را نشان می‌دهد.

برجسته کاری مجوف (cavo rilievo) (It)
(در زبان ایتالیایی به معنی «نقش برجسته مجوف») مترادف گودکنی.

برجسته کاری مدالی (cameo)
سنگ قیمتی (یا گاه شیشه، سرامیک یا صدف) با لایه‌هایی به رنگ‌های مختلف که به گونه‌ای حکاکی یا قالبگیری شده که طرح آن به صورت نقش برجسته رنگی بر روی زمینه‌ای با رنگ متفاوت جلوه کند. در مقابل نقش گودکنی.

برجسته نمایی، نقش برجسته (relief)
۱ - نوعی ترکیببندی یا طرح به گونه‌ای که تمام یا بخشی از آن از سطح صاف زمینه آن بیرون زده باشد. ۲ - ایجاد نقش یا توهمی از جسمیت سه بعدی در یک اثر نقاشی.

Alto rilievo، نقش تمام برجسته: نوعی مجسمه نقش برجسته که آن‌چنان گودکاری شده باشد که

هنرمندی که نامش آمده، انجام شده است.

برج دفاعی، برج قلعه (Keep)
مستحکم‌ترین و مهم‌ترین برج در قلعه که معمولاً در وسط قلعه قرار دارد. مترادف donjon.

برجسته سازی (toreutic)
(به ویژه برای آثار فلزکاری به کار می‌رود) برجسته کاری، قلمزنی، یا گوژکاری.

برجسته کاری (raising)
روش ساخت یک ظرف با استفاده از یک ورق فلزی، و به روش چکش کاری آن بر روی یک قالب چوبی که نهایتاً شکل قالب چوبی را به خود می‌گیرد.



برجسته کاری مدالی روی سنگ سلیمانی، روم باستان حدود ۱۲ پیش از میلاد.

برجسته کاری فلزی (repoussé) (Fr.)
(در زبان فرانسه به معنی «به عقب رانده») فلزی که مطابق یک طرح نقش برجسته از پشت چکش کاری شود. همچنین نگاه کنید به گوژکاری. (برای تصویر نگاه کنید به تصویر سبک جانوری*.)

برجسته کاری تزئینی (camaïeu, en) (Fr.)
(در زبان فرانسه به معنی «مانند نگین برجسته») ۱ - نقاشی تک رنگ، معمولاً به قصد ایجاد توهم بصری، به نحوی که بیننده تصویر را به صورت نقش برجسته تصور کند. ۲ - همچنین نگاه کنید به میناکاری.

برجسته‌ای که در آن پیکره و اشیا روی آن به اندازه نیم دایره یا به اندازه نصف حجم واقعی خود از سطح بیرون زده‌اند.

Rilievo schiacciato , *Rilievo stacciato* نقش برجسته مسطح: نقش کم برجسته بسیار ظریفی که اختلاف سطح نقوش آن بسیار فشرده است و رابطه بخش‌های همپوشان تا حدی تغییر شکل می‌یابد تا توهمی از فاصله (مثلاً به روش محوسازی) و نیز جلوه‌های صرفاً سه بعدی پدید آورد. متکامل‌ترین نمونه این شیوه را می‌توان در آثار مجسمه‌سازان رنسانس ایتالیایی همچون دوناتلو یافت. همچنین نگاه کنید به برجسته کاری مجوف.

nuraghe برج غول سنگ

برج مستحکم پیش از تاریخ ساردینیایی (در ایتالیا)، که غالباً به صورت مخروطی یا مثلثی با دیوارهای پشت بنددار از جنس مصالح غول سنگی حجاری نشده ساخته می‌شد. (نگاه کنید به سنگ چین) قدمت این آثار به حدود سال ۱۸۰۰ پیش از میلاد تا تصرف ساردین توسط رومی‌ها در سال ۲۲۸ پیش از میلاد باز می‌گردد.



(چپ) بخشی از یک برج غولسنگی که نمونه‌ای از بناهای غولسنگی محسوب می‌شود.

بخش‌های اصلی آن تقریباً از سطح زمینه متصل به آن، جدا شده باشند.

Anaglyph نقش کم برجسته: مجسمه با نقش نه چندان برجسته یا گوز کاری، معمولاً به حدی که فقط از زمینه پیرامونی آن کمی بلندتر باشد.

Bas relief (Fr.) نقش برجسته: مجسمه نقش برجسته‌ای که در آن پیکره‌ها کمتر از نصف عمق حقیقی خود از پس زمینه متصل به آن بیرون آمده باشند.

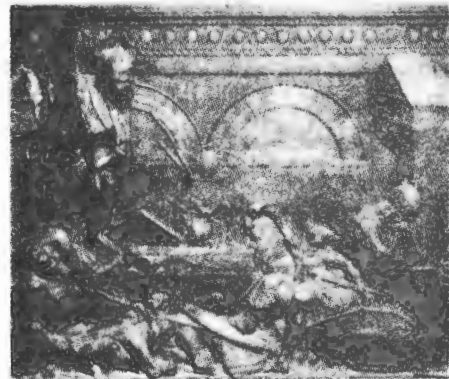
High relief مترادف نقش تمام برجسته (*alto rilievo*) ←

Low relief مترادف نقش برجسته (*bas - relief*) ←

Mezzo rilievo نقش نیم برجسته: مجسمه نقش



برجسته نمایی: نقش نیم برجسته یادمان اراپه‌رانان، از اسلمر، یورک شایر، حدود ۱۹۱۹.



برجسته نمایی: رستاخیز، نقش برجسته مسطح از کلیسای سان آنتون، فلاندرس، حدود ۶۶ - ۱۴۶۰.

گیاه کنگر مدیترانه‌ای الهام گرفته شده است. این تزئینات به عنوان بخشی از سرستون‌های کورنتی و ترکیبی شیوه‌های معماری کلاسیک به‌کار می‌رود.



برج ناقوس و میدان شهری سنت‌مارک (مرقس قدیس) که در پس زمینه آن طاقگان دو ضلع و گنبد کاتدرال سنت مارک مشهود است.



مضمون بره خدا در «پرستش بره» اثر یان و هوبرت ون آیک، ۱۴۳۲ (بخشی از یک محجر محراب در سنت باون، Ghent).

برجک pinnacle
عضو تزئینی کوچکی بر روی یک مناره، پشت بند و... در معماری گوتیک. (برای تصویر نگاه کنید به کاتدرال گوتیک*.)

برجک فوقانی turret
برجک کوچکی که غالباً بر بالای یک ساختمان بزرگتر افزوده می‌شود.

برجک نورگیر Lantern
در معماری، برجک هرمی شکل که بر بالاترین نقطه گنبد* قرار دارد و دارای پنجره و یا دهانه‌ها متعددی است و برای ورود نور به فضای زیر آن تعبیه شده است.

برج مرزی pele tower
برج مستحکم کوچک که ارتفاعش نسبت به قطرش بیشتر است، و در سرتاسر مرز انگلستان و اسکاتلند رایج است.

برج مناره‌دار steeple
مناره هرمی به همراه برج نگه دارنده آن.

برج ناقوس campanile (It)
(در زبان ایتالیایی به معنی «برج ناقوس») برج ناقوس ایتالیایی که غالباً مجزا از ساختمان اصلی کلیسا قرار دارد.

برش عرضی چوب end - grain
چوبی که از عرض نقوش الوار آن بریده شده باشد، و لذا زاویه آن با جهت رشد درخت قائم باشد. از نقوش حاصل از این برش به صورت تزئینی در منبت کاری و نیز در ساخت قالب چوبی برای حکاکی چوب استفاده می‌شود.

برگ، پره foil
۱ - در معماری گوتیک به فرم قوس ماندنی که در توری کاری به کار می‌رود، اطلاق می‌گردد. از تقاطع و درهم رفتن این برگ‌ها، پره‌های خاصی پدید می‌آید که مشخصه پنجره‌های سبک گوتیک است. (← چهارپره، سه پره* ۲ - لایه یا ورق نازکی از طلا نقره یا دیگر فلزات.

برگ کنگری acanthus
نوعی تزئین معماری که از برگ‌های خشک و زیر

pilgrim bottle بطری زیارتی

نوعی بطری کروی یا گلابی شکل پهن شده، (به نحوی که مقطع آن به شکل بیضی درآید) با دسته‌های حلقوی شکلی برای آویختن آن بر روی شانه. شکل این نوع کوزه از کدوی خشک شده اخذ شده است که معمولاً زائرنین آب شرب خود را در آن حمل می‌کردند، و در آثار چینی کشور چین و آثار فلزکاری و سرامیک اروپایی از سده شانزدهم به بعد مشاهده می‌شود.



نمونه‌ای از بزم باغی، اثر نیکولاس لاتکرت، حدود ۱۷۴۰.

Bellarmino بلارمین

پارچ سفال نشکن کروی یا گلابی شکل با صورتکی ریش‌دار در زیر یا بالای گلوگاه. این نوع سفال‌های سده‌های شانزدهم تا نوزدهم در سرزمین رایین کاتولیک ساخته می‌شد، و بر اساس نام کاردینال بلارمین (۱۶۲۱ - ۱۵۴۲)، یکی از حامیان متعصب ضد اصلاح دین، که تصور می‌شد این صورتکی ریش‌دار شبیه وی است نام‌گذاری شد.

eye - catcher بنای چشم‌انداز

ساختمان تزئینی (مثلاً معماری تزئینی باغ) که برای محدود ساختن چشم‌انداز یا برای تعیین حدود طرح کلی پارک یا منظره باغی به کار می‌رود.

megalithic بنای خرسنگی

(برای ساختمان‌های پیش از تاریخ به کار می‌رود) بنایی که از تخته سنگ‌های بسیار بزرگ یا خرسنگ ساخته شده باشد.

megaron بنای مستطیل ستون‌دار

تالار اصلی یا مردانه در یک کاخ یا خانه میسنی.

morbidezza (It.) برهنه‌نمایی دقیق

دقت و ظرافت اغراق‌آمیز، که بویژه در نقاشی یا برجسته‌نمایی بدن به کار می‌رود.

Agnus Dei (Lat.) پره خدا

مضمونی که در آن مسیح به صورت نمادین در هیئت یک‌بره و با هاله تقدس، صلیب (یا بیرق صلیب سرخ) و جام شراب مقدس بازنمایی می‌شود.

fête champêtre (Fr.) بزم باغی

(در زبان فرانسه به معنی «جشن بیرون خانه») نوع مشخصی از نقاشی ژانر روکوکو مربوط به اوایل سده هجدهم، که عمدتاً در فرانسه یافت می‌شود. پیکره‌های کوچک - چه به صورت زنان و مردان درباری یا به صورت جمعی از بازیگران - که در یک منظره سبز و پر درخت گرد آمده‌اند. این سبک بیشتر به واتسو و پیروان وی لانگریت و پتر مربوط است.

strut بست تقویتی (تو حلقی)

الوار فرعی بام، به صورت قائم یا مورب، که برای استحکام بیشتر ساختار بام بدان الحاق می‌کنند. (برای تصویر نگاه کنید به بام*).

binder بست، چسب رنگ

۱ - در نقاشی به هر ماده‌ای (مثلاً روغن، چسب، کازئین) که با رنگدانه مخلوط شود تا رنگ را بر روی سطح کار ثابت نگاه دارد. ۲ - در کف‌سازی الواری به تیری اطلاق می‌شود که الوار کف را نگه می‌دارد.

brace بست مهار

الوار مستحکم کننده‌ای که به صورت مورب در بام* به کار می‌رود و غالباً تیر اصلی را حمایت می‌کنند.

phiale (Gk.) بشقاب بی‌دسته

کاسه کم عمق بدون دسته برای مراسم جرعه‌فشانی. پیاله با گلیخ مرکزی درون آن را که برای گرفتن با انگشت تعبیه شده «بشقاب گل میخ‌دار» می‌گویند (برای تصویر نگاه کنید به ظروف یونانی).

lanx (Lat) بشقاب مستطیلی

بشقاب بزرگ و مسطح، غالباً مستطیل شکل.

۲- (معمولاً با حروف کوچک) حروف اختصاری قطع رحلی.

به من دست نزن (Lat.) Noli Me Tangere
(در زبان لاتین به معنی «به من دست نزن») مضمونی که در آن ظهور مسیح را پس از رستاخیز در برابر مریم ماگدالن نشان می‌دهد (یوحنا ۲۰:۱۲) و مسیح را در حالی که تلاش دارد تا خود را از تماس دست مریم کنار بکشد، بازنمایی می‌کند.



مضمون «به من دست نزن» به سبک رومانسک که بر روی یک در مغرغی مربوط به کاتدرال هیلدشیم برجسته کاری شده است، حدود ۱۰۲۰.

Biedermeier **بیدر مایر**
اصطلاحی برای توصیف هنرهای تزئینی اروپای مرکزی طی سال‌های ۲۰ - ۱۸۲۰، که تأکید فراوانی بر رفاه طلبی فروتنانه بورژواها داشت. این اصطلاح مأخوذ از نام گوتلیب بیدر مایر، شخصیت خیالی بود که مجله هجوآمیز آلمانی (Fliegende Blätter) به عنوان شخصیت عوام‌زده نمونه‌وار طبقه متوسط خلق کرد. اما در حقیقت بسیاری از مبلمان‌های بیدر مایر ساده و با تناسب هستند و خود پیش‌گویی سنت کارکردگرایی سده بیستم میلادی محسوب می‌شوند. (نگاه کنید به تصویر صفحه بعد)

Byzantine **بیژانس**
هنر مربوط به امپراطوری روم شرقی، از حدود سده پنجم میلادی تا سقوط کنستانتینوپل در سال ۱۴۵۲. چنین هنری معمولاً هنر کاهنی و ماورائی است.

bota (Fr) **بوته، بته**
(در زبان فرانسه به معنی «گل و بوته») نقشمایه گل بوته مخروطی شکل که در پارچه‌های هندی به ویژه شمال کشمیر و نیز در پارچه‌های اروپایی به تقلید از نقوش هندی یافت می‌شود.

bodhisattva (skr) **بوداسف**
(در زبان سانسکریت به معنی «کسی که ذاتش معرفت مطلق باشد») موجود مقدس و شفیقی که مقدر است بودا شود، اما خود ماندن بر روی زمین را برای یاری به دیگران برگزیند. این مضمون غالباً در هنر بودایی فراوان باز نمایی می‌شود.

pax (lat.) **بوسه صلح**
(در زبان لاتین به معنی «صلح») لوح نقره‌ای، معمولاً مزین به صحنه‌ای از تصلیب مسیح، که به آن «بوسه صلح» می‌زنند.

buffet **بوفه**
۱ - نوعی مبلمان کم‌دی سده شانزدهم شامل دو یا چند ردیف رفته باز. معمولاً به گونه‌ای طراحی می‌شد که بر سطح دیوار نصب شود. ۲ - کمد دیواری.

marouflage (Fr.) **بوم چسبان**
(مأخوذ از واژه فرانسوی maroufle به معنی چسبی که از باقی مانده رنگ حاصل می‌شود). روش چسباندن بوم بر روی یک دیوار یا لته (یا چسباندن کاغذ بر روی بوم)، معمولاً به وسیله یک چسب روغنی.

shaped canvas **بوم مُشکَل**
هر نوع تابلویی که مستطیلی شکل نباشد.

manner of - **به تقلید از -**
بیان‌گر آن است که اثر را مقلدی ناشناخته بر اساس اثری از هنرمند نام برده انجام داده است.

۱ - **به سفارشی، ۲ - قطع رحلی**
- f.f , i.f.- (Lat)

(مأخوذ از واژه لاتین fierificet به معنی «به سفارش») ۱ - حروف اختصاری نشانگر آن که نام بعد یا پیش از آن، متعلق به فردی است که سفارش دهنده یا صاحب امتیاز (و نه خالق) این اثر است.

بیضی تیزه دار vesica piscis (Lat.)
(در زبان لاتین به معنی «باله ماهی») مترادف: بادام شکل.



Pop Art

پاپ آرت

هنری که جلوه‌ها و ایده‌های مصرف‌گرایی و فرهنگ توده (مثلاً کمیک استریپ، بسته‌بندی، پوسته‌های دیواری) را به همراه چاشنی متعادلی از طنز و تفریح به خدمت می‌گیرد. جنبش پاپ آرت در دهه ۱۹۵۰ با تحقیقات و پژوهش‌های مختلفی در زمینه ماهیت فرهنگ جامعه شهری به ویژه از سوی اعضای گروه مستقلین در ICA (موسسه هنرهای معاصر) لندن آغاز شد. این جنبش در ۱۹۶۰ به عنوان سبکی فراگیر شکوفا شد و ایده مشخصی را که ریشه در دادا داشتند مطرح و عرضه کرد. تأثیر پاپ آرت صرفاً بر هنرهای زیبا محدود نشد، بلکه از جنبه‌های مختلفی بر هنرهای تزئینی نیز تأثیر گذاشت. از جمله هنرمندان پاپ در ایالات متحده می‌توان روی لیختن اشتین، جیمز روزنکوئیست و کلاوس اولدنبرگ، و در بریتانیا ریچارد همیلتون، آلن جونز و تیر فیلیپس را نام برد.



پاپ آرت: در این پرتره مرلین مونرو، ۱۹۶۷، اندی وار هول استفاده ماهرانه و جسورانه‌ای از سرنگرافی کرده است.

papyrus

پاپیروس

نوعی حصیر در مصر باستان. آنان نخست ساقه‌ی نی را پهن می‌کردند، سپس به عنوان سطحی برای



بیدرهایر: صندلی چوب گردو، ۲۵ - ۱۸۲۰. استفاده از چوب بومی اروپایی مشخصه این سبک است.



شابل بیزانسی اوایل سده دوازدهم، که مریم عذرای ولادیمیر را نشان می‌دهد.

پارچه عید پاک

پارچه تاربلند، ورد بلند (Fr.) *haut, e lisse* (در زبان فرانسه به معنی تحت اللفظی «تار بلند») پارچه دست بافت با تار بلند یعنی پارچه‌ای که بر روی تارهایی که به صورت عمودی بین دو غلطک قرقره‌ای کشیده شده‌اند (چله کشی) با دست بافته می‌شود (در مقابل پارچه تار کوتاه یا ورد کوتاه). این نوع بافت مشخصه پارچه‌های دست بافت گوبلن است.

پارچه تار کوتاه، ورد کوتاه *basse lisse* (در زبان فرانسه به معنی «ورد یا تارکش کوتاه») یکی از دو نوع اصلی پارچه دست بافت. در این نوع پارچه، تارها به صورت افقی بین دو قرقره استوانه‌ای کشیده می‌شوند، و پیش طرح در زیر آن قرار می‌گیرد و با سازوکار پدالی بافته می‌شود. این روش بافت مشخصه پارچه‌های دست بافت بیوواسی و فرش فرانسوی است. مترادف: *low warp*.



(بالا) پارچه جوی با تصویری در بزرگداشت انقلاب فرانسه، که افرادی را در حال رقص در میان ویرانه‌های زندان باستیل نشان می‌دهد، ۱۷۸۹.

پارچه جوی *toil de Jouy* (Fr.) (در زبان فرانسوی به معنی «لباس جوی») پارچه کتانی که بر روی آن صحنه‌های تصویری تک رنگ از روی یک لوح فلزی حکاکی شده، چاپ می‌شود. این نامگذاری بر اساس نام کارخانه تولید کننده آن در جوی، نزدیک ورشای که اولین بار این پارچه‌ها تولید شد (۱۸۴۲ - ۱۷۶۰) انتخاب شده است.

پارچه عید پاک *epitaphion* (Gk.) پارچه قلابدوزی شده‌ای که پیکر بیجان مسیح را

نوشتن مورد استفاده قرار می‌دادند. گاه با الهام از جلوه ظاهری این گیاه برای تزئین برخی از بناهای خود استفاده می‌کردند. مثلاً سرستون* پاپیروسی.

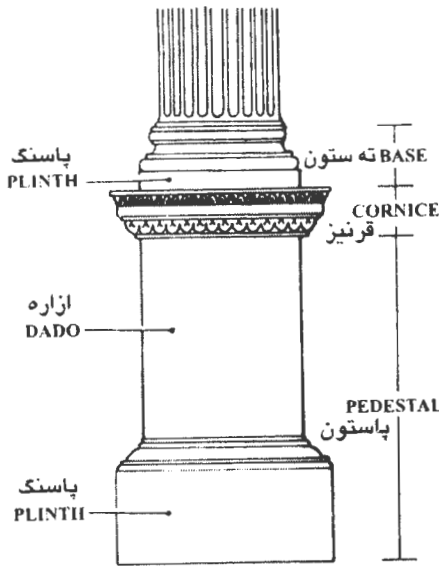
پارچ چرمی *olpe* (Gr.) (در زبان یونانی به معنی «پارچ چرمی») نوعی پارچ بدون لوله، و با دهانه صاف و هموار. (ظروف یونانی*)

پارچه ابریشمی گلداز *Lampas* شکل افراطی بافت تک رنگ که در آن نقوش، که از پود معلق شکل گرفته‌اند (نخ‌هایی که پیش از هر بار گره خوردن به تار، از دو یا چند رشته عبور کنند)، با یک پود نگه دارنده مجزای اضافی نگه داشته می‌شوند. در سده هیجدهم از این نوع پارچه‌ها برای ساخت رو مبلی‌های نفیس ابریشمی استفاده می‌شد.

پارچه جناغی *twill* نوعی بافت پارچه که نقوش مورب، استخوان ماهی یا لوزی شکل پدید می‌آورد.

پارچه‌های دست بافت *tapestry* پارچه‌های دست بافت، معمولاً از ابریشم یا پشم یا مخلوطی از هر دو، با یک طرح غیر باز نمایانگر، معمولاً به صورت تصویری، که گاه به هنگام بافت پارچه در تار و پود آن بافته می‌شود. از جمله مکان‌های مختلفی که از سده چهاردهم به بعد با تولید این نوع پارچه‌ها مرتبط بودند می‌توان آراس، تورنای و بروکسل را در کشورهای پایین، (بلژیک، لوکزامبورگ و هلند) ابوسون، بووایس و گوبلن (پاریس) در فرانسه، و فال‌هام و مورت لاک در انگلستان را نام برد. دو شیوه عمده ساخت این پارچه‌ها عبارت بودند از تار کوتاه و تار بلند. البته «پارچه دست بافت بایوکس»، علاوه بر نام آن، در حقیقت پارچه دست بافت نیست بلکه نوعی قلابدوزی محسوب می‌شود.

پارچه آرس *arras* ۱- قبلاً به پارچه دست بافت مربوط به منطقه آراس فرانسه اطلاق می‌شد. آرس مهمترین مرکز پارچه بافی دستی در اروپای قرون وسطا بود و در سده چهاردهم از سوی دربار بورگاندی حمایت می‌شد. ۲- حال به عنوان واژه‌ای عام برای هر نوع پارچه دست بافت به کار برده می‌شود.



نشان می‌دهد و در مراسم جمعه خوب (جمعه پیش از عید پاک) در کلیسای بیزانس به کار برده می‌شد.

پارچه کبریتی
pique (Fr.)
نوعی پارچه کبریتی محکم.

پارکت (چوب فرش)
parquet
۱- کف پوش با قالب‌های چوبی که به صورت نقوش هندسی کنار هم قرار گرفته‌اند، ۲- روشی برای جلوگیری از تاب برداشتن صفحه چوبی، به وسیله تقویت کردن پشت آنها با بست چوبی. ۲- (ایالات متحده) تمام یا بخشی از کف اصلی سالن نمایش در یک نمایشخانه.

پاره چسبانی (ریکلاژ)
décollage (Fr.)
(در زبان فرانسه به معنی «نچسب») اثر هنری با استفاده از پاره کاغذهای زائد و خراب شده، همچون بریده‌های پوستر. همچنین نگاه کنید به کلاژ.

پاره سفال
ostraca (Gk.)
(در زبان یونانی به معنی «پوسته‌های صدف») پوسته آهکی و نیز تکه سفال‌هایی که هنرمندان مصر باستان برای طراحی دست آزاد و نیز نوشتن استفاده می‌کردند.

پاره‌گذاری (پیکه)
piqué work (Fr.)
(مأخوذ از واژه فرانسوی piqué به معنی «گود افتاده») ۱- موادی مانند پوسته لاک پشت یا عاج که با خاتمکاری تکه‌های ظریف طلا تزئین شده باشد. ۲- نوعی قلابدوزی ظریف، با بخیه‌های بسیار کوتاه که به شکل نقاط رنگی به نظر برسد.

پاساژ
passage
۱- منطقه خاصی در نقاشی، غالباً جایی که سایه رنگ‌های مختلف در هم می‌آمیزند (آمیزش رنگ). ۲- در معماری به فضای مرتبط کننده مسقف اطلاق می‌شود.

پاستل
pastel
نوعی رنگدانه خشک با بست چسبی که به صورت میله‌ای (یا مفتولی) شناخته می‌شود، و برای طراحی به کار می‌رود. برای تثبیت اثر آن بر روی زمینه کار معمولاً از جلای ثبوت استفاده می‌شود.

پاستون
pedestal
۱- بخش پایین سازه حمایت کننده یک ستون کلاسیک. ۲- پایه‌ای که یک مجسمه یا شیء را نگه می‌دارد. در این حالت مترادف است با socle.

پاسنگ
plinth
۱- پایه ساختمان یا پایه میلمان. ۲- پایین‌ترین عضو مربع شکل پایه یا پاستون (شیوه معماری*)
۲- پاستون یک مجسمه.

پاکار قوس
impost
ابزار افقی یا رگچین سنگ یا آجر بر بالای یک پایه یا جرز که از روی آن قوس* شروع می‌شود (یا خیز بر می‌دارد).

پاگودا
pagoda
نوعی معبد بودایی هندی یا چینی، به صورت برجی که به ترتیب طبقات آن کمی کوچکتر و لذا متمایز از طبقات زیرین می‌شوند و دارای بام‌های مشخص و مستقل است. بعدها از فرم این معابد به عنوان معماری تزئینی چینی‌وار در باغ‌های اروپایی استفاده شد.

پالادیویی
Palladianism
جنبش معماری که در سال‌های ۱۷۲۰ - ۱۷۷۰ و با

ریچارد بویل، سومین ارل بارلینگتون معمار و حامی معماران، و نیز ویلیام کنت حامی بارلینگتون بودند. پالادیوگرایی با لحنی سیاسی آمیخته بود، زیرا این سبک به ویژه مورد علاقه اعضای اشرافی حزب لیبرال بود، که کاخ هانور را حمایت می‌کردند. سبک باروک که هنوز در اکثر نقاط اروپا رواج داشت، با کاتولیک‌گرایی رومی و کناره‌گیری استوارت‌ها با آنان مرتبط می‌شد. در مجموع پالادیوگرایی موجب به کارگیری آزادانه معماری امپراتوری روم متناسب با نیازهای اجتماعی سده هجدهم شد؛ این سبک با نقشایه‌هایی که از ساختمان‌های عمومی رومی عاریه گرفته شده بود، و برای استفاده در کلیساها، مکان‌های عمومی و خانه‌های خصوصی به کار می‌رفت همراه شد. (برای تصاویر نگاه کنید به قاب‌بند صندوقچه‌ای*، تالار دوستون*.)

۱- پالت رنگ، ۲- گزینۀ رنگ

palette (Fr.)

(مأخوذ از واژه لاتین به معنی «خال پیک کوچک»)
 ۱- صفحه شستی (معمولاً از جنس چوب) که نقاش رنگ‌های خود را روی آن قرار داده و باهم مخلوط می‌کند.
 ۲- در مفهوم عام‌تر به «گزینۀ رنگ»‌هایی که در تابلوی او مشاهده می‌شود اطلاق می‌گردد.
 ۳- طیف دقیق رنگ‌های مینایی که در یک نوع خاص از چینی مشاهده می‌شود. (همچنین نگاه کنید به سرامیک‌های رنگ لعابی.)

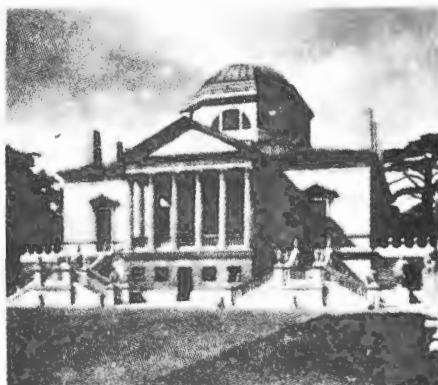
panorama (منظره سراسری)

نقاشی دایره‌وار، به اندازه طبیعی که بیننده را در بر می‌گیرد و لذا فرد حسی از حضور در یک چشم‌انداز واقعی را تجربه می‌کند. پانوراما سرگرمی رایج اواخر سده هجدهم و اوائل سده نوزدهم بود. همچنین نگاه کنید به دیوراما.

pavilion (کلاه فرنگی)

۱- عمارت ساده و تفرجگاه، غالباً به صورت یک عنصر تزئینی در باغ.
 ۲- ساختمانی که مکمل ساختمان بزرگتری است و معمولاً به آن متصل است؛ مثلاً به صورت پیش آمدگی از نمای اصلی ساختمان یا به صورت پایانه‌ای در یکی از جناح‌ها.
 ۳- ساختمانی در یک زمین ورزشی با رختکن و دیگر امکانات مورد نیاز.

الهام از آندره پالادیو (۱۵۰۸ - ۱۵۸۰) معمار سده شانزدهم ونیزی و برجسته‌ترین شاگرد رنسانسی ویتروویوس نظریه‌پرداز معماری رومی، در انگلستان شکوفا شد. اینیگو جونز (۱۵۷۳ - ۱۶۵۲) اولین شاگرد انگلیسی سده هفدهمی پالادیو بود. پس از وی در سده هجدهم کولن کامپبل اسکاتلندی و



پالادیویی: کاخ شسویک اثر ارل برلینگتون، حدود ۱۷۲۵، بر اساس ویلای روتندا اثر پالادیو در ویسنا، شروع حدود ۱۵۵۰.



پایه پیگرو: کودکی که حلقه گلی را به گردن دارد، و به عنوان ستون جانبی سر بخاری به کار رفته است، ۴۹ -

پایه مبلمان، رایج در مبلمان سده هیجدهم فرانسه، که به صورت برجسته‌کاری یا به شکل حلقه فلزی ساخته می‌شد و شبیه سم باز شده گوزن بود. معمولاً با پایه پا بزئی تلفیق می‌شود.

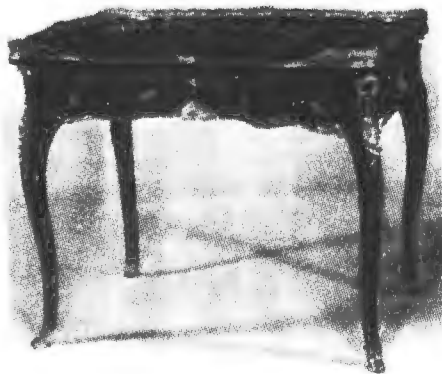
rood - beam

پایه صلیب

نوعی تیرک که در صورت فقدان دهلیزی افقی به



سندلی به سبک چپندال با پایه‌های پایزی، چنگال توپی، با شباک مسطح، و رومبلی از جنس پارچه دورو سبز رنگ، حدود ۱۷۴۵.



میز تحریر فرانسوی سده هجدهم آبنوس‌کاری شده، با پایه پنجه‌ای از جنس مغز زراندود.

fin de siècle (Fr.)

پایان قرن

(در زبان فرانسه به معنی «پایان سده») تلفیق گرایش‌های هنری و ادبی مشخصه دهه ۱۸۹۰.

pillar

پایه

عمود مستقل و قائم در معماری با مقطعی به شکل منتظم.

term, terminal figure

پایه پیکر

پایه یا ستون چهارگوش توکار که قسمت بالای آن تبدیل به نیم پیکره انسان یا حیوان می‌شود. همچنین نگاه کنید به پیکر پایه.

trabeated

پایه و نعل درگاهی

نوعی سازه که صرفاً از عضوهای عمودی که عضوهای افقی را نگه می‌دارند، ساخته شده است. (در مقابل قوس پوش) معماری کلاسیک یونان و مصر باستان از این نوع است. مترادف: *post-and-beam*

cabriole leg

پایه پا بزئی

(مأخوذ از واژه لاتین *caper* به معنی «بزه») نوعی پایه منحنی مبلمان، که به دلیل شباهت به پای بز به این نام خوانده می‌شود. می‌توان آن را به عنوان پایه خشتی، سم، گوجه‌ای، چنگالی، گوی و پنجه یا طوماری نام‌گذاری کرد.

sabot (Fr.)

پایه پنجه‌ای

(در زبان فرانسه به معنی «پنجه یا سم») غلاف یا درپوش فلزی، غالباً از جنس مغز زراندود و با تزئینات فراوان که برای ساخت پایه مبلمان به کار می‌رود.

۱- پایه زیر چراغ، ۲- آذین چایی

cul de lamp (Fr.)

(در زبان فرانسه به معنی «پایین چراغ») ۱- در اصل به پیش‌کردگی مثلثی شکلی اطلاق می‌شد که چراغ کلیسا یا دیگر ملحقات را نگاه می‌داشت ۲- حال به آذین سرفصل یا نوعی تزئینات چایی اطلاق می‌شود که به عنوان آذین انتهای فصل و با همان شکل نقوش تزئینی پایه زیر چراغ به کار می‌رود.

pied-de-bich (Fr.)

پایه سُمی شکل

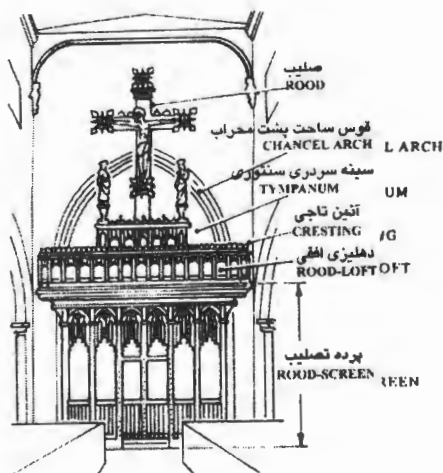
(در زبان فرانسه به معنی «پای ماده گوزن») نوعی

stippling **پرداز نقطه‌ای**
رنگی که به صورت نقاط یا لکه‌های ریزی کار شده باشد و در نتیجه جلوه‌ی خال خال به تصویر بدهد.

rood - screen **پرده تصلیب**
ساختار یا پرده‌ای که محراب کلیسا را از باقی فضای شبستان جدا می‌کند و در عرض دهانه قوس ساخت پشت محراب امتداد می‌یابد. در دوران قرون وسطا معمولاً پیکره مسیح مصلوب روی آن قرار می‌گرفت.

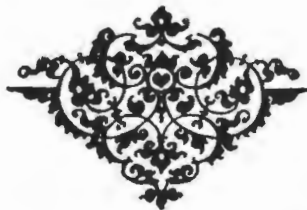


ساحل صخره‌ای، ۱۴ - ۱۹۱۳، نمونه‌ای از نقاشی پرتوگرایی، اثر میخائیل لارینوف.



پرده تصلیب (برای تعریف هر یک به مدخل مربوطه رجوع کنید)

iconostasis (GK.) **پرده شمایل‌ی**
(در زبان یونانی به معنی «تصویر ایستاده» در



(با) آذین چاهی، سده هفدهم.

جای آن بر سرتاسر بالای یک پرده تصلیب امتداد می‌یابد و صلیب را نگه می‌دارد.

bevel **پنج**
حاشیه مورب یا مدور یک زاویه تیز در معماری، میلمان سازی و غیره.

firing **پخت**
حرارت دادن اشیاء سرامیکی، شیشه‌ای یا مینایی در درون کوره، به منظور سخت کردن، آمیزش و امتزاج محتویات، یا مخلوط کردن لعاب یا مینا بر بدنه سرامیک یا پلاک فلزی.

petit feu (Fr.) **پخت در دمای پایین**
(در زبان فرانسه به معنی «آتش کوچک») مترادف: پخت با حرارت کم (برای میناکاری).

پرتوگرایی (ریونیسم)
Rayonnism (e), Rayonism, Rayism
(مأخوذ از واژه روسی *Luchizm*) جنبش هنری که در سال‌های ۱۹۱۱ یا ۱۹۱۲ به همت نقاش روسی میخائیل لارینوف و به همراه همسرش ناتالیا گونچارووا پا گرفت. «موضوع» کار نقاشان این جنبش، مطابق اظهار لارینوف در آن هنگام، نمایش شعاع‌های نور به صورت موازی یا با زوایای متقاطع بود. از این رو نقاشی‌های ریونیستی به نوعی شبه انتزاعی هستند و شباهت‌هایی با فوتوریسم ایتالیایی و نیز تجارب رابرت بلونی در تاکیدش بر حرکت ظاهری و خطوط پر قدرت دارد.

Divisionism **پرداز رنگ**
مترادفی برای نقطه‌پردازی که مورد توجه هنرمندان نئوامپرسیونیسم بود.

نقطه‌ای. *linear perspective* پرسپکتیو خطی. که در آن از خطوط واقعی یا فرضی استفاده می‌شود که به سمت یک یا چند نقطه گریز به روی خط افق یا تراز چشم همگرا شده‌اند و بدین ترتیب صفحات تصویر را نیز به عمق می‌برند.

one point perspective مترادف پرسپکتیو متمرکز (centralized perspective)



«آسیاب» اثر کلودلورین، ۱۶۳۱، نمونه پالوده شده‌ای از پرسپکتیو جوی است، به ویژه در اجرای صحنه‌های فواصل میانی و دور (میان زمینه و پس زمینه).



پرسپکتیو خطی متمرکز: خطوط راست خطی که در اثر سنگ فرش‌ها پدید آمده است، چشم را به سمت نقطه گریز مرکزی تابلو که در وسط در ساختمان گنبددار قرار دارد، هدایت می‌کند. در دو سوی این ساختمان دو طاق نصرت به چشم می‌خورد. تابلوی اعطای قیمومت مسیح به سنت پیترا اثر پروچینو، ۱۴۸۱.

پرستشگاه خدایان (پانتئون)

pantheon(Gk.)

(در زبان یونانی به معنی «تمام خدایان») معبدی که وقف تمامی خدایان شده باشد. مشهورترین نمونه این نوع معابد پانتئون نابیره شکل اگریبا در روم است، که در حدود سال ۲۵ ق.م ساخته شد و از آن پس برای اطلاق به تمامی ساختمان‌های مشابه آن به کار می‌رود.

پرستشگاه هشت گوش dravid'ha (skr)

معبد هندی با نقشه هشت ضلعی.

کلیسای ارتودوکس یونان* به پرده‌ای اطلاق می‌شود که شبستان را از ساحت پشت محراب جدا می‌کند، و معمولاً با شمایل نگاری مزین شده، است. (معادل پرده تصلیب در کلیسای غرب.)

برده نیایش

jubé

واژه معادل فرانسوی برای پرده تصلیب، این واژه مأخوذ از اصطلاح لاتین *bene dicere Jube domine* (به معنی خداوند ما را آمرزش دهد) است که معمولاً کشیش کاتولیک پیش از خطبه‌ها و در حالی که در برابر پرده ایستاده، ادا می‌کند.

پردیس

paradise

۱ - فضای روباز و حصاردار در جلوی کلیسا (ممکنین پیش محوطه کلیسا هم گفته می‌شود)
۲- باغ محصور، غالباً گورستان سرسبز متصل به یک صومعه، گاه در مرکز رواق صومعه.

پُرز

nap

سطح پوشیده از الیاف کوتاه مستقیم و با اندازه برابر که در پارچه و نیز بر کاغذ چاپ مخملی و غیره مشاهده می‌شود.

پرسپکتیو

perspective

روش بازنمایی شیء سه بعدی، یا حجم خاصی در فضا، بر روی یک سطح مستوی یا تقریباً مستوی. *Atmospheric perspective* پرسپکتیو جوی: تمهیدی برای نشان دادن فاصله و عمق در تصویر، که مبتنی است بر نحوه تأثیرگذاری جو بر بینایی انسان. در این روش خطوط اصلی طرح ناواضح شده و جزئیات کوچک از بین می‌رود؛ رنگمایه‌ها به طور چشمگیری رنگ پریده و محو می‌شوند؛ تضاد رنگی ضعیف می‌شود. این جلوه‌ها پیش‌تر از سوی نقاشان فرسک دوره روم باستان شناخته شده بود، اما در مجموع کاربرد این روش مشخصه آثار منظره پردازان طبیعت‌گرای اروپایی از سده شانزدهم به بعد بود. همچنین تلاش مشابهی را می‌توان در خلق پرسپکتیو جوی در آثار آب مرکب چینی و ژاپنی مشاهده کرد.

centralized perspective پرسپکتیو متمرکز: نوعی

پرسپکتیو خطی که در آن چشم بیننده به سمت یک نقطه گریز منفرد در مرکز ترکیب‌بندی، معمولاً بر خط افق، جلب می‌شود. مترادف پرسپکتیو یک

ستون نگاه دارنده آن به بالا امتداد می‌یابد.
۲ - فضای مثلثی شکل بین دو قوس در یک طاقگان.
۳ - سطح منحنی‌دار بین دو تویزه که با زاویه‌ای در یک طاق به هم می‌پیوندند. (برای تصویر نگاه کنید به کاتدرال گوتیک*.)

پشتبند buttress

نوعی نگهدارنده در برابر دیوار ساختمان، که در داخل یا بیرون ساختمان قرار می‌گیرد (برای تصویر نگاه کنید به کاتدرال گوتیک*.)

پشتبند معلق (شمشیری) flying buttres

ساختار قوس‌دار بیرونی که برای مقاومت در برابر رانش جانبی ساختمان طراحی شده است (مثلاً تمایل طاق به رانش دیوارها به سمت خارج) (کاتدرال گوتیک*.)

پشتخان پرستشگاه opisthodomos

(در زبان یونانی به معنی «اتاق پشتی») اتاقی در پشت مقصوره یک معبد کلاسیک که به عنوان گنج‌خانه از آن استفاده می‌شد.

پشت (سکه یا مدال) reverse

۱ - پشت یک سکه یا مدال، که طرح آن در قیاس با طرح روی سکه یا مدال فرعی محسوب می‌شود.
۲ - طرف پشت یک شیء.

پشت صفحه (صفحه سمت راست) verso

(مأخوذ از واژه لاتین *verso folio* به معنی «بر برگ واژگون») سمت «غلط» یا پشت یک شیء دو طرفه، مثلاً یک برگ کاغذ. در کتاب (لاتین) به صفحه سمت چپ گفته می‌شود. همچنین نگاه کنید به برگ کتاب، روی صفحه.

پشته باستانی Mound Builders, the

این نام‌گذاری بر اساس فرهنگ نسبتاً پیشرفته بومیان آمریکای شمالی که حدود سال ۲۰۰ میلادی در منطقه شرقی ایالات متحده، در جنوب گریت لیکز و بین اوهایو و رودخانه می‌سی‌سی‌پی ابداع شد و تا ظهور اروپاییان در اواخر سده هفدهم دوام داشت. از جمله صناعات دستی که در آنجا تولید می‌شد می‌توان آثار فلزکاری، پارچه‌های دست بافت و سفالگری را نام برد.



باسمه حکاکای پانتئون اثر پیرانزی، ۱۷۶۱.

پرفور، درخشان high

روشن‌ترین بخش یک تصویر.

پست امپرسیونیسم Post - Impressionism

عنوان کلی برای آثار هنرمندان برجسته اروپای غربی که از جنبه سبک کار پیوند چندانی با هم نداشتند، ولی همگی از سبک امپرسیونیسم مشتق شدند. شاخص‌ترین چهره‌های این هنرمندان عبارت بودند از سزان، گوگن، ون گوگ و تولز لوترک. این اصطلاح را راجر فرای منتقد انگلیسی نخستین بار در سال ۱۹۱۴ به کار برد.

پست مدرنیسم Post - Modern

اصطلاحی است برای توصیف تلاش جهت اصلاح و بسط سنت مدرنیسم در معماری سده بیستم، با استفاده از عناصر عاریتی از سنت معماری کلاسیک، از روش‌های ساختمان سازی بومی و از سبک‌های تجاری. معمولاً بسیاری از ارجاعات به شکل کنایی به کار گرفته می‌شدند. یوزن هودانست نخستین بار در سال ۱۹۴۹ این اصطلاح را در متن معماری به کار برد، اما از ۱۹۷۵ به بعد چارلز جنکز و همرازان وی و به ویژه با انتشار کتاب جنکز به نام زبان معماری پست مدرن (۱۹۷۷) کاربرد آن را فراگیر کردند.

پس نشینی recession

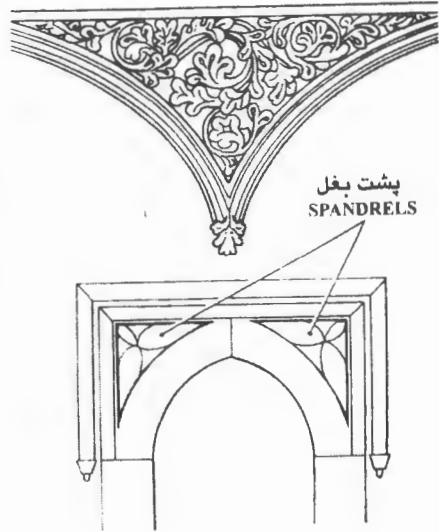
جلوه ظاهری عمق در تصویر.

پشت بغل spandrel

۱ - محدوده مثلثی شکلی از سنگ یا آجر که با منحنی بیرونی (برونسو) یک قوس شکل می‌گیرد بدین ترتیب که قسمت افقی از اوج آن و قسمت عمودی از



پشتی همخوانان متعلق به اواخر سده پانزدهم، از کاتدرال ماری در لیمریک.



پلکان بیرونی در ضلع جنوبی تالار کدلیستون، دربی شایر، اثر روبرت آدامز، حدود ۱۷۶۱.

۱- پشتی همخوانان، ۲- خنجر صاف

misericord

۱- مانع کوچکی که در پشت صندلی تاشو در پیشخان جایگاه همخوانان نصب می‌شد. این وسیله به فرد دعاخوانی که مجبور بود در تمام مدت طولانی انجام مراسم کلیسا سرپا بایستد، امکان می‌داد تا به آن تکیه کند و بخشی از وزن خود را از روی پاهایش کم کند. از این وسیله غالباً به عنوان محلی برای برجسته کاری‌های گروتسک یا تخیلی استفاده می‌شد. ۲- خنجر صاف کوچکی که برای زدن «ضربه بخشایش» بر رقیب فرو افتاده می‌زدند تا رنج مردنش را کاهش دهند.

پلاک plaque

۱- لوح تزئینی. ۲- مترادف لوح پوششی فلزی. ۳- قطعه مسطحی از جنس فلز که به عنوان پایه‌ای برای میناکاری استفاده می‌شود.

پلکان بیرونی perron (Fr.)

پلکان جفتی با سکو و جان پناه که فضای مدخل یک ورودی مهم را شکل می‌دهند.

پلکان رو به ساحل ghat (Hindi)

در هند، به منظره دقیق و ماهرانه با پلکانی به سمت ساحل رودخانه اطلاق می‌شود.

پنجره، انواع window, types of

Bay window، پنجره بیرون نشسته: پنجره‌ای که نقشه کف آن سه ضلعی یا چند ضلعی باشد، و از نمای

پشمالو Hairy Who

نامی که جمعی از هنرمندان اهل شیکاگو برای گروه خود که در سال ۱۹۶۶ تشکیل دادند، برگزیدند. از جمله این هنرمندان می‌توان به چیمز نات، گلدی نیلسون و کارل ویرسام اشاره کرد. آثار آنان قرابت‌هایی با گروه هنر معفن کالیفرنیا دارد، با این تفاوت که آثار آنان بیشتر دو بعدی است تا سه بعدی.

پشمینه pashmina

(ماخوذ از واژه فارسی پشم) لباس با پشم ظریف، از نوعی که برای بافت شال کشمیری استفاده می‌شود.

پنجره کرکراهی

بلند با یک قوس منحنی نوک تیز در بالا. در معماری گوتیک، به ویژه دوره سده سیزدهم مشاهده می‌شود.

Oeil - de - boeuf، پنجره مدور (چشم گاوی)
Oriel، پنجره بیرون نشسته: نوعی پنجره که از سطح ساختمان بیرون می‌آید و دارای نورگیرهایی در جلو و جوانب است و بر روی یک پیشکندگی قرار می‌گیرد.

Palladian window، پنجره پالادونی: مترادف پنجره سه چشمه.

Rose window، پنجره گل رز: پنجره دایره شکل بانوعی توری کاری که به صورت شعاعی از مرکز آن گسترده می‌شود و تیزه‌های جناغی را حول حاشیه به هم وصل می‌کند و لذا نقشی شبیه به گلبرگ‌های گل رز پدید می‌آورد.

Sash window، پنجره ارسی: پنجره‌ای که به صورت افقی به دو قاب متحرک تقسیم شود که در شیارهایی بالا و پایین می‌رود. این نوع پنجره‌ها نخستین بار در سده هفدهم به کار رفتند.

Serliana: مترادف پنجره سه چشمه.

venetian window، پنجره سه چشمه: پنجره‌ای با سه نورگیر که نورگیر وسط بزرگتر از دو دیگر است و در بالا به صورت هلالی است. مترادف *serliana*، *palladian window*.

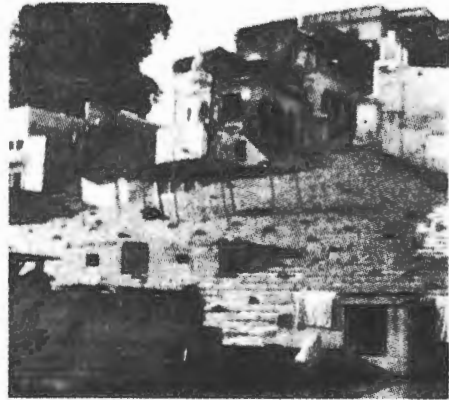
wheel window، پنجره چرخه‌ای: شکل اولیه‌ای از پنجره گل رز، که وادارهای آن به صورت پره‌های چرخ و به شکل ستون با پایه و سرستون است.

پنجره‌بند، نورگیر
light
دهانه پنجره که با وادار یا توری کاری شکل گرفته باشد.

پنجره بندی
fenestration
آرایش پنجره‌ها در نمای روبروی ساختمان

پنجره سرنیزه‌ای
lancet
نوعی دهانه بلند باریک که بر روی آن قوس نوک تیزی قرار دارد. از این پنجره‌ها در معماری گوتیک، به ویژه معماری سده سیزدهم استفاده می‌شد. (پنجره*)

پنجره کرکراهی
persienne (Fr.)
پنجره کرکراهی شیبدار، به صورت آویخته یا لوله شده.



نمونه‌ای از پلکان رو به ساحل (گات) در حاشیه رودخانه گنگ در بنارس.

طبقه اول پیشین ساختمان و گاه طبقات بالاتر، بیرون زده باشد.

Bow window، پنجره پیش آمده کمانی: پنجره‌ای با نقشه نیم دایره یا منحنی، که از نمای پیشین طبقه اول یا گاه بالاتر بیرون نشسته باشد.

Casement window، پنجره چلیپایی: پنجره‌ای که به طور عمودی به قسمت‌ها یا قاب‌هایی تقسیم شود و بر محور طولی آن بچرخد و باز و بسته شود.

Chicago window، پنجره شیکاگویی: پنجره‌ای که در سرتاسر پهنای دهانه امتداد داشته باشد، با یک جام شیشه بزرگ ثابت در وسط و یک اوروسی متحرک کوچک‌تر در هر دو طرف آن. این پنجره‌ها مشخصه معماری پیشروی آغاز سده بیستم در شیکاگو بود، مثلاً در آثار لوئیس سولیوان.

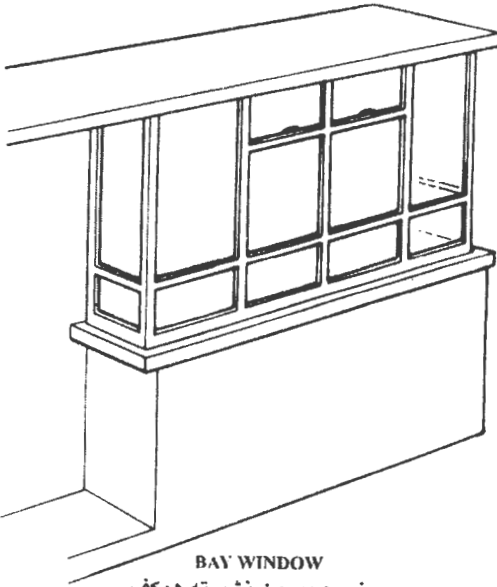
Cross window: پنجره‌ای که با یک وادار عمودی و یک وادار افقی تقسیم شود. غالباً در ساختمان‌های اواخر سده هفدهم مشاهده می‌شود.

Dormer window، پنجره شیروانی: پنجره عمودی که از یک بام شیبدار بیرون می‌نشیند، و بامی مختص به خود دارد.

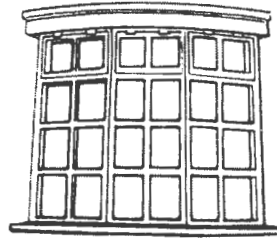
French window، پنجره فرانسوی: دو پنجره چلیپایی که تا سطح زمین امتداد می‌یابد، لذا شبیه لنگه‌های در باز و بسته می‌شود. نخستین بار در سال‌های ۱۹۸۰ در کاخ ورسای مورد استفاده قرار گرفت.

Jesse window، پنجره نقش شجره‌ای: پنجره قرون وسطایی که شبیه شجره مسیح طراحی شده است.

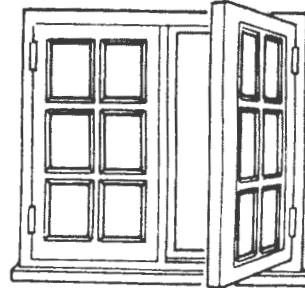
Lancet window، پنجره سر نزه‌ای: پنجره باریک و



BAY WINDOW
پنجره بیرون نشسته همکف

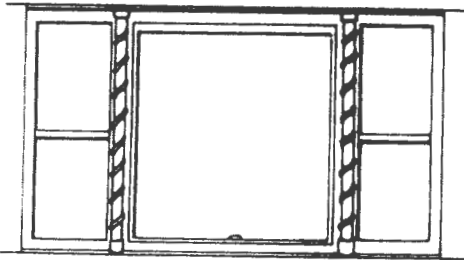


BOW WINDOW
پنجره پیش آماده کمانی



CASEMENT WINDOW

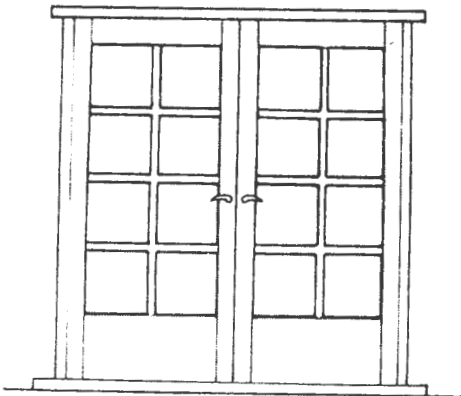
پنجره چلیپایی



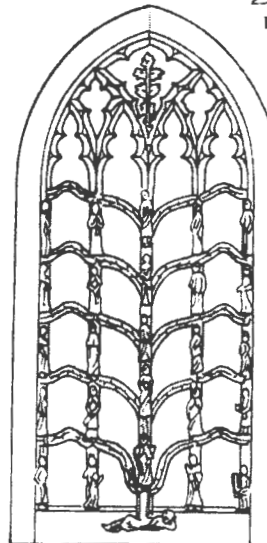
CHICAGO WINDOW
پنجره شیکاگویی



DORMER WINDOW
پنجره شیروانی



FRENCH WINDOW
پنجره فرانسوی

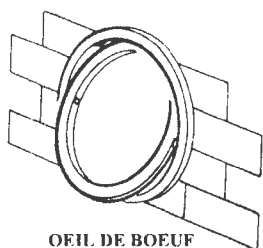


JESSE WINDOW
پنجره نقش شجره‌ای

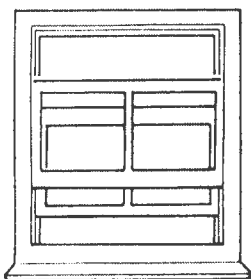


LANCET WINDOW
پنجره سر نیزه‌ای

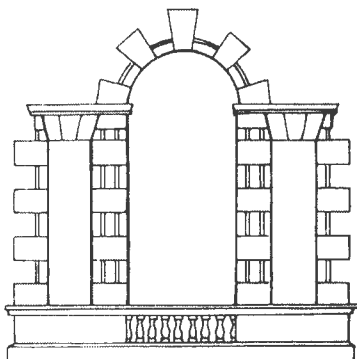
انواع پنجره.



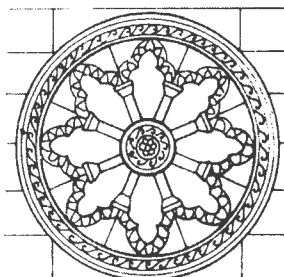
OEIL DE BOEUF
بنجره مدور (چشم گاوی)



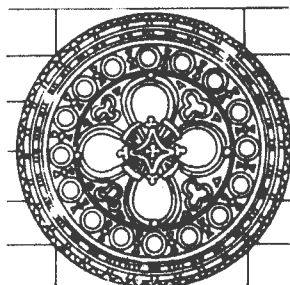
SASH WINDOW
بنجره ارسی



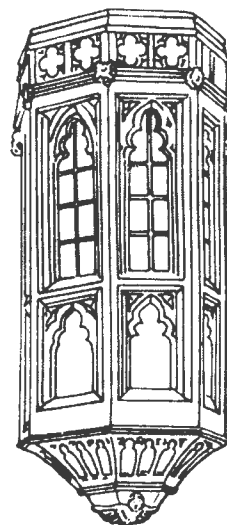
VENETIAN WINDOW
بنجره سه چشمه



WHEEL WINDOW
بنجره چرخي



ROSE WINDOW
بنجره گل رز



ORIEL WINDOW
بنجره بیرون نشسته

انواع پنجره

بنجره مناره lucarne (Fr.)

- ۱ - منفذ کوچک یا نورگیر در یک اتاق زیر شیروانی.
- ۲ - پنجره شیروانی.

پود weft

رشته‌هایی که نازکتر از نخ‌های ثابت تار (یا چله) هستند و با زاویه قائمه از میان آنها می‌گذرند و یک بافته را تشکیل می‌دهند. متناسب با شیوه‌های مختلفی که پودها از میان تارها عبور می‌کنند، نقش‌های متفاوتی پدید می‌آید. مترادف: *woof*.

پوزیتیف، نسخه مثبت positive

- ۱ - چاپی که از یک فیلم نگاتیف عکاسی بدست می‌آید.
- ۲ - شیه نقش برجسته‌ای که با استفاده از یک مهر گودکنی یا قالب تهیه شده باشد.

پوسن گرایی Poussinism, Poussinism

نظریه مورد حمایت تعدادی از هنرمندان فرانسوی سده هجدهم که به جای تاکید بر رنگ، بیشتر بر عنصر خط تاکید داشتند و لذا خود را پیرو پوسن می‌خواندند. همچنین نگاه کنید به روبنس گرایی.



پیچاندنی: ساحل پیچانده شده اثر کریستو - خلیج کوچک استرالیا، ۱۹۶۹.

پوشش بدنه revetment

۱ - پوششی از یک ماده ظریف که بر روی سطحی زمخت کشیده می‌شود، مثلاً مرمری که بر روی سطح بتونی یا لاشه سنگ کشیده می‌شود. ۲ - دیوار ضامن.

پوشش شمایل riza (Russian)

پوششی از جنس یک ماده گرانبها که بخش‌هایی از یک شمایل را می‌پوشاند، اما سطح چهره و دست‌های پیکره، بدون پوشش می‌ماند.

پوشش محافظ resist

موم یا جلا برای پوشش دادن سطح یک پارچه، سفال، یا لوح حکاکی اسیدی که باید کاملاً از هر گونه رنگ، روغن جلا، یا اسید محفوظ بماند. (در این مورد آخر، هم به «زمین» اشاره دارد و هم به «جلای توقف».)

پولکی scale ornament

نقوش متشکل از دایره‌های همپوشان شبیه به فلس ماهی.

پویایی عمق تصویر push and pull

اصطلاح ابداعی هانس هوفمان نقاش آمریکایی سبک اکسپرسیونیسم انتزاعی برای اشاره به تغییرات پویا در عمق تصویر که در آثار نقاشی انتزاعی از طریق کنار هم‌نشینی چندین لکه رنگ قوی پدید می‌آید.

پی پابلند stereobate

بخش بالایی پی ساختمان، که در بالای سطح زمین قرار دارد و بر روی آن بنای اصلی ساخته می‌شود. (معبد کلاسیک*)

پیچاندنی empaquetage (Fr.)

(در زبان فرانسه به معنی «پیچاندن») هنر مربوط به هنرمند بلغاری کریستو (متولد ۱۹۳۵) که شامل پیچاندن یک شیء در یک لفاف است، گاه ممکن است این شیء بسیار بزرگ باشد - مثلاً یک ساختمان. این شیوه برای یک منظره کامل هم به کار رفته است. اولین اشیاء پیچیده شده کریستو در سال ۱۹۵۸ ساخته شدند.

پیچ زیر و رو guilloche (Fr.)

نوعی حاشیه تزئینی متشکل از نوارهای درهم تنیده

که جلوه‌های شبیه به موی بافته را پدید می‌آورد. غالباً در تزئینات معماری و برای غنا بخشیدن به ابزار استفاده می‌شود.

پیروان کاراواجیو Caravaggisti

گروهی از نقاشان با ملیت‌های متفاوت - از جمله مانفردی و والتتین - که در ربع اول سده هفدهم در رم فعال بودند و از آثار سایه روشن کاراواجیو بسیار تأثیر پذیرفتند.

پیرو - follower of -

نشانگر آن است که اثر متعلق به هنرمند نام برده نیست، بلکه توسط یکی از مقلدین معاصر و ناشناخته وی انجام شده است.

پیشا رنسانس Proto - Renaissance

هر نوع احیاء سبک کلاسیک بین سده دوازدهم و دوره اصل رنسانس.

پیشانی entablature

بخش بالایی یک بنای شیوه معماری یونان. (به تصویر صفحه بعد توجه شود.)

پیشخان پرستشگاه

epinaos ⇒ opisthodomos (برای تصویر رجوع شود به معبد کلاسیک*)

پیش ساخته prefabrication

ساخت قطعات ساختمانی که دور از محل ساختمان سازی، تولید و آماده می‌شود و برای مونتاژ سریع به محل انتقال داده می‌شوند.

پیش محوطه کلیسا (Fr.) *parvis, parrise*
۱ - مترادف پردیس. ۲ - (به غلط) اتاق یا ورودی سرپوشیده متصل به ورودی اصلی یک کلیسا.

blockfront

پیش موجی

مشخصه بسیاری از مبلمان کم‌دی سده هیجدهم امریکا، که قسمت جلویی متشکل از یک بخش فرو رفته مرکزی بود که در جوانب آن دو بخش برآمده کوتاه قرار می‌گرفت.



میز تحریر پیش موجی آمریکایی از جنس چوب درخت ماهون، سده هیجدهم.

herm

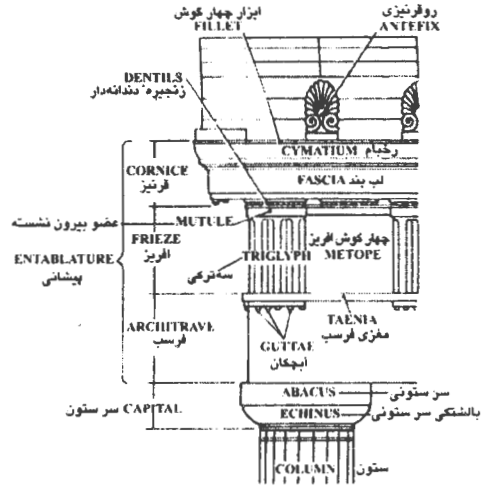
پیکر پایه

نوعی سردیس؛ در اصل به سردیسی اطلاق می‌شد که سر هرمس خدای یونانی را بر روی ستون چهارگوشی، معمولاً به ارتفاع طول یک انسان که پایه آن کمی پهن‌تر بود نشان می‌داد. در یونان باستان و کلاسیک به صورت قضیبی در جلوی ستون نمایش داده می‌شد. در دوره یونان و روم غالباً از پیکر پایه‌ها به عنوان حصار مرزی و برای مشخص کردن تقاطع جاده و حاشیه خیابان استفاده می‌شد. اما از دوره رنسانس به بعد بخشی از عناصر عمومی تزئینات را شکل می‌دادند.

پیکره پسر یونانی (کوروس)

kouros (Gk.)

(در زبان یونانی به معنی «پسر جوان») مجسمه یک پسر جوان عریان، که نمایانگر خد یا پهلوان پیروزمند است و مشخصه هنر یونانی دوره باستان (حدود ۶۲۰ تا ۵۰۰ ق.م) محسوب می‌شود. همچنین نگاه کنید به پیکره دختر یونانی.



پیشانی. (برای تعریف هر کدام به مدخل مربوطه رجوع کنید.)

narthex (Gk.)

پیش شبستان

ورودی سر پوشیده یک طبقه منفرد یا اتاق بزرگ که به درون ساختمان باز می‌شود و معمولاً پهنای آن با اندازه پهنای بدنه اصلی کلیسای صدر مسیحیت یا بیژانس برابر است. اگر در درون بدنه اصلی ساختمان قرار داشته باشد، پیش شبستان بیرونی (esonarthex) گفته می‌شود. پیش شبستان جفتی نیز به اندازه دو دهانه عمق دارد. (برای تصویر نگاه کنید به کلیسای ارتودکسی یونان*) همچنین نگاه کنید به دهلیز پیشین کلیسا، نمازخانه پیشین کلیسا، نمای ورودی کلیسا.

pensiero (It.)

پیش طرح

(در زبان ایتالیایی به معنی «اندیشه») مترادف اسکیس.

corbel

پیشکردگی

یک عضو ساختمانی پیش‌آمده مثلاً سنگ، آجر، چوب و غیره که از بدنه ساختمان بیرون زده باشد، و باری را تحمل کند. (نگاه کنید به قوس*، تیرکش دروازه قلعه*، بام*، تیره طره*، طاق*).

corbelling

پیشکردگی مُطبق

به مجموعه‌ای از چند پیشکردگی که هریک نسبت به پیشکردگی زیرین خود کمی جلوتر قرار می‌گیرد.

پیکره‌سازی آخالی، مجسمه‌سازی
قرآضه‌بند
Junk Sculpture

انواع مجسمه‌های جفت و جور کاری شده‌ای که افرادی چون جان چمبرلین با استفاده از دور ریزهای صنعتی و آشغال‌های فرهنگ مصرفی مدرن از اواخر دهه ۱۹۵۰ به بعد ساخته‌اند.

پیکره تاناگرا
tanagra

نوعی پیکره‌های قالبگیری شده از گل پخته. از آنجا که این آثار برای نخستین بار در سال ۱۸۷۲ در تاناگرا در بوتیا کشف شد، این گونه نام گذاری گردید. اگر چه این آثار مضمون‌های بسیار متنوعی داشتند اما از آن میان پیکره‌های زنانه با جامه آویخته و ظریف شهرت بیشتری یافته است.

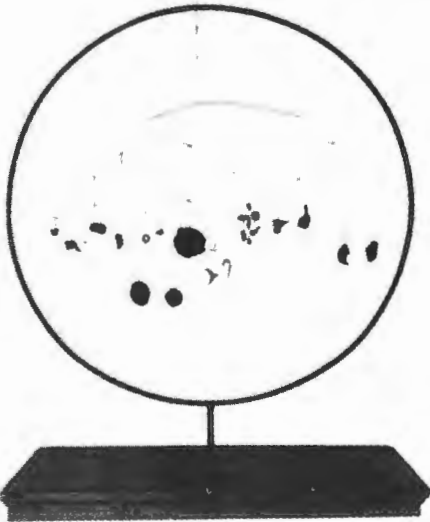


پیکره تاناگرای هلنی: زنی با یک بادبزن، و کلاه آفتابی، سده سوم پیش از میلاد.

حجاری شده‌ای که روی آن قرار می‌گیرد و معمولاً بر نوک یا دو انتهای یک سنتوری نصب می‌گردد (معبد کلاسیک*، رواق*)

پیکره پاگودا
pagude, Pagoda figure

۱- اصطلاح سده هجدهمی برای توصیف یک بت شرقی. ۲- بعدها به آثار تقلیدی اروپاییان از چنین پیکره‌هایی اطلاق می‌شد.



پیکره جنبان اثر الکساندرکالدرا، ۱۹۲۳، از جنس آهن، شیشه رنگی و سیم «وکیل»، حدود ۱۸۷۹.

پیکره جنبان
mobile

نوعی اثر هنری پیچیده که از بخش‌های متحرک، آویزان یا ایستاده ساخته می‌شود، که می‌تواند با جریان باد حرکت کند یا با نیروی مکانیکی به جنبش درآید. از این رو فرم آن با هر تغییری، دگرگون می‌شود و مجموعه روابط جدیدی را پدید می‌آورد. خود این عنوان را مارسل دوشان برای توصیف آثار الکساندر کلاراک در سال ۱۹۲۲ ابداع کرد.

پیکره خودکار
automata

به پیکره‌هایی اطلاق می‌شود که با ساز و کار ساعت یا دیگر دستگاه‌های مکانیکی به حرکت درمی‌آیند، و معمولاً با اندازه‌های کوچک و گاه به اندازه طبیعی ساخته می‌شوند. این نوع پیکره‌ها برای یونانیان و اعراب شناخته شده بود، اما به ویژه در اروپای اواخر دوره قرون وسطا و رنسانس بسیار رایج شد.

پیکره‌های سوگواران
weepers

پیکره‌های کوچک گریان و غالباً با سایبانی بر سرشان که حول یک سنگ قبر قرار می‌گیرند.

پیکره‌های بالای سنتوری
acroteria (GK sing. acroterion)

به پاسنگ کوچک به همراه مجسمه یا تزئینات

غالباً از این اصطلاح برای اشاره به اثری از یک هنرمند که معمولاً پیکرهٔ جنبان خلق می‌کند، استفاده می‌شود.

پیکرهٔ لغاز jamb figure
پیکرهٔ برجسته‌کاری شده‌ای که بخشی از یک لغاز را در در ورودی کلیسای قرون وسطایی شکل می‌دهد.

پیکرهٔ مسیح بر صلیب calvary
بازنمایی مجسمه‌وار تصلیب مسیح غالباً به همراه قدیسین.

پیکرهٔ میان تنه torso
پیکرهٔ مجسمه‌سازی شده‌ای که فاقد سر یا پا باشد، چه به صورت آگاهانه بدین شکل طراحی و ساخته شده باشد، و یا به صورت تصادفی به این حالت درآمده باشد.

۱- پیکرهٔ همه جانبه ۲- مینای مرصع
ronde - bosse (Fr.)
(در زبان فرانسه به معنی «با شکل مدور») ۱- مجسمه با شکل کلی مدور، که در مقابل نقش برجسته (مسطح) قرار می‌گیرد. ۲- نگاه کنید به مینا.

پیلوتی pilotis (Fr.)
(در زبان فرانسه به معنی «پایه») عمودهایی که ساختمان را بالاتر از سطح زمین نگه می‌دارند و فضایی در زیر آن برای پارکینگ یا ... پدید می‌آورد.



تنودوری tudor
۱- در معنای خاص هنر و معماری انگلیس از دورهٔ ۱۴۸۵ (به قدرت رسیدن هنری هفتم) تا ۱۶۰۲ (مرگ الیزابت اول). ۲- در مفهوم رایج‌تر فقط هنر دورهٔ نیمهٔ اول سده شانزدهم. (نگاه کنید به تصویر صفحهٔ بعد)

امروزه این پیکره‌ها بخشی از ساعت‌های بزرگ شهری را تشکیل می‌دهند (که هنوز هم برخی از آنها فعال هستند) و گاه عنوان اشیاء تزئینی رومیزی به کار برده می‌شود.

پیکرهٔ دختر یونانی kore (Gk.)
(در زبان یونانی به معنی «دختر جوان») مجسمهٔ یک پیکرهٔ زن ایستاده با ردای آویخته، که مشخصهٔ هنر یونانی دورهٔ باستان است (حدود ۶۲۰ تا ۵۰۰ ق.م). همچنین نگاه کنید به پیکرهٔ پسر یونانی. (هنر باستانی) *

پیکرهٔ روی تابوت gisant (Fr.)
(در زبان فرانسه به معنی «دراز کش») تندیس بر روی تابوت که جسد متوفی را نشان می‌دهد.

پیکرهٔ زر و عاجی chryselephantine
پیکره‌ای از جنس طلا و عاج. معمولاً از این واژه برای اشاره به پیکره‌های آیینی مهم در معابد یونان باستان استفاده می‌شود. به طور معمول بدنهٔ پیکره از عاج برجسته‌کاری شده و جامگان از ورق طلا بود که بر روی یک چارچوب چوبی کار می‌شد.

پیکرهٔ سر و سینه bust
تک چهرهٔ مجسمه یا بازنمایی شامل سر و بخشی از شانه‌ها. (این کلمه گاه به اشتباه برای مجسمهٔ سر یا سرردیس هم بکار می‌رود).

پیکرهٔ سنگ و چوب acrolithes (Gk.)
(در زبان یونانی به معنی «سنگ‌های بلند») مجسمه‌های یونان باستان به سبک بدوی که بدن پیکره از جنس چوب ولی دست‌ها و پاها سنگی بودند.

پیکرهٔ عریان فرهنگستانی academy figure
نقاشی یا طرحی از یک پیکرهٔ عریان که نه به صرف ارائهٔ یک اثر، بلکه به عنوان بخشی از مراحل مطالعات هنری، آنگونه که در فرهنگستان هنر تعلیم می‌شد، به‌کار می‌رود.

پیکرهٔ غیر جنبان stabile
هر مجسمهٔ انتزاعی که فاقد قسمت متحرک باشد.

کف ساختمان را با تعداد تاتامی‌هایی که در آن جای می‌گیرد، اندازه‌گیری می‌کنند.

mural crown **تاج بارو شکل**
تاجی به شکل حصار دور شهر در ابعاد مینیاتوری. (مشخصه معمول حافظ شهر)

Keystone **تاج قوس**
سنگ نوزنقه‌ای شکل یا قطاعی که در مرکز قوس* قرار می‌گیرد.

warp **تار (چله)**
در انواع از پارچه‌های بافته شده، رشته‌های ثابت و ضمیمه‌تری که بر روی دستگاه بافندگی می‌بندند و رشته‌های نازکتر پود را از میان آن.

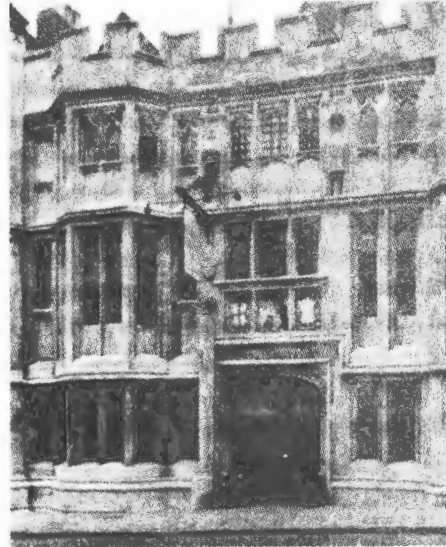
historicism **تاریخ‌نگاری**
(مأخوذ از واژه آلمانی *Historismus*) احیاء سبک‌های تاریخی در سده نوزدهم، بویژه در معماری و هنرهای تزئینی.

تاریکخانه منشوری
camera Lucida (Lat.)
(در زبان لاتین به معنی «اتاق نور») وسیله‌ای مشابه به جعبه تاریک (تاریکخانه) عکاسی، با این تفاوت که در آن از یک منشور استفاده می‌شود.

kondo (Jap.) **تالار پرستشگاه، کوندو**
تالار اصلی یک پرستشگاه بودایی ژاپنی.

تالار چهل ستون - تالار پرستون
hypostyle hall
(مأخوذ از واژه یونانی به معنی «زیر ستون‌ها») در روزگار باستان به تالار بزرگی اطلاق می‌شد که سقف آن بر ستون‌هایی از تنه درخت قرار می‌گرفت. این اصطلاح بیشتر برای معماری مصر باستان به کار می‌رود تا معماری یونان.

تالار دو ردیف ستون (تالار مصری)
Egyptian hall
تالاری با یک محوطه دور ستونی داخلی، که توسط پیالادیو، معمار رنسانسی، بر اساس سرمشق ویتروویوس نظریه‌پرداز «معماری رومی» ابداع شد



نمای پیشین مهمانسرای گتورگ وزاترین، در گلاستون پری، سامرست، ۹۳ - ۱۴۵۷. با طاق‌های مسطح شده تنودوری.

annealing **تابکاری**
به روشی اطلاق می‌شود که طی آن فلز و شیشه‌ای که هنگام کار سخت و شکننده شده، تا حد قرمز شدن حرارت داده می‌شود و سپس سرد می‌گردد، تا بدین ترتیب نرم و شکل‌پذیر شود. (این فرایند برای شیشه به آهستگی صورت می‌گیرد و در مورد فلز به دو صورت سریع - یا فرو کردن آن در آب - یا به آهستگی انجام می‌گیرد.)

catafalque **تابوت تشریفاتی**
نوعی ساختار الواری موقت، غالباً با تزئینات مفصل، که در مراسم تشییع برای نگه‌داری جسد استفاده می‌شود. گاه تابوت را از جنس مواد پایدارتری چون سنگ، برنز و به تقلید از آن می‌ساختند.

sacrophagus **تابوت گورسنگی**
تابوت یا سنگ گور معمولاً از جنس سنگ یا گِل پخته.

tatami (Jap.) **تاتامی (حصیر)**
نوعی حصیر ژاپنی که از ساقه برنج ساخته می‌شد، و کف پوش استاندارد خانه‌های ژاپنی محسوب می‌شود. تاتامی در اندازه‌های استاندارد حدوداً با ابعاد ۱۸۰ × ۹۰ سانتی‌متر ساخته می‌شوند و مساحت

tanka (نقاشی مذهبی تبتی)
(مأخوذ از واژه تبتی *thang - ka*) نوعی نقاشی مذهبی تبتی که بر روی لباس یا یک قطعه پارچه گلدوزی شده یا تکه دوزی شده، کار می‌شد. موضوع این نقاشی‌ها از بودیسم تانتریک اخذ می‌شد (نگاه کنید به هنر تانترا، ماندالا^{*}).

۱ - تثبیت کننده mordant

۱ - ماده‌ای که برای تثبیت رنگ در رنگرزی یا چاپ پارچه به کار می‌رود. ۲ - چسبی که طلاکار برای محافظت ورق طلا بر روی کاغذ، کاغذ پوستی یا چوب به کار می‌برد.

تثلیث trimurti (SKr.)

بازنمایی سه خدای اصلی هندو یعنی برهما، ویشنو و شیوا در قالب یک پیکره مرکب.



نمونه‌ای تجسم تثلیث هندویی که شیوا در وسط قرار گرفته است. نقش برجسته در معبد ادهیوریکورا در تیروور.

تجزیه گری (کلوزیونیزم)

cloisonism, cloisonnisme

سبکی که مشخصه آثار پست امپرسیونیسم است و امیل برنارد (۱۸۶۸ - ۱۹۴۱) آن را ابداع کرد. در این روش سطوح تخت رنگی با خطوط اصلی آبی یا مشکی قوی از هم مجزا می‌شوند و جلوه‌ای شبیه به مینای خانه‌ای را پدید می‌آورد. همچنین نگاه کنید به ترکیب گرایی.



تالار دو ستونی (تالار مصری) سبک پلادیونی انگلیسی: تالار گردهمایی در یورک، ۳۲ - ۱۷۳۱، ارل پارلینگتون.

و ارتباطی با معماری مصری ندارد.

تالار دور ستونی Peristyle (Gk.)

(مأخوذ از واژه یونانی. *peri* به معنی «مدور» و *stulos* به معنی «ستون») ۱ - تالار باز در درون یک ساختمان، با طاقگانی که آنها را محصور کرده‌اند. ۲ - طاقگانی که به صورت پیوسته پیرامون یک ساختمان را احاطه کرده است. (معبد کلاسیک).

تالار شورای کلیسا chapter house

تالار بزرگی در یا ملحق به یک صومعه یا دیر که برای شورگیری افراد متولی استفاده می‌شود. نمونه این بنا در معماری گوتیک انگلیسی غالباً با مقطع هشت وجهی است، تا بر ماهیت دموکراتیک شورا تأکید شود.

تالار معبد هندو mandapa (SKr.)

تالار بزرگ و باز در مجتمع معبد هندویی.

تالبوتیپ Talbotype

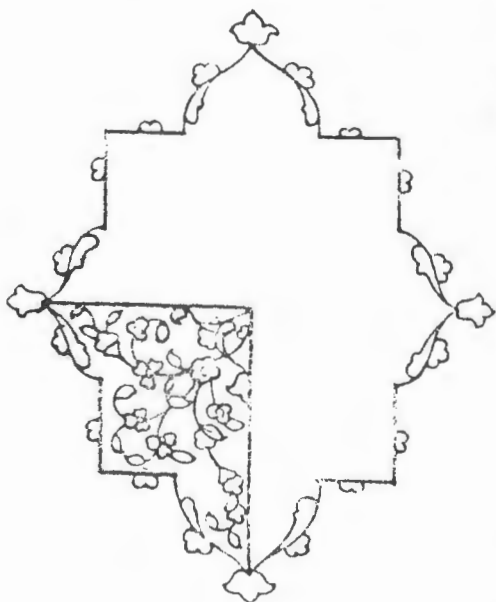
مترادف کالوتیپ که بر اساس نام ویلیام هنری فاکس تالبوت نام‌گذاری شده است.

تاناکرا (پیکره) tanagra

نوعی پیکره‌های قالبگیری شده از گل پخته. به دلیل آن که این آثار برای نخستین بار در سال ۱۸۷۴ در تاناکرا در بوتیا کشف شد، این گونه نام‌گذاری گردید. اگر چه این آثار مضمون‌های بسیار متنوعی داشتند اما از آن میان پیکره‌های زنانه با جامه آویخته و ظریف شهرت بیشتری یافته است.

- تراشه** **burr**
۱ - در باسمه سازی و فلز کاری تراشه‌های سخت فلزی که در اثر حکاکی لوح فلزی با مغار حاصل می‌شود. این تراشه‌ها در حکاکی قلم‌سوزنی حفظ می‌شوند، زیرا موجب نرم شدن خطوط اصلی شده و بخشی از جلوه مورد نظر را پدید می‌آورند. ۲ - در درودگری؛ چوب تزئینی نقش‌دار از یک شاخه فرعی از تنه درخت، یا از ریشه آن. معمولاً از آن برای ساخت روکش‌های چوبی نقش‌دار استفاده می‌شود.
- تراک** **glyptic**
(مأخوذ از واژه یونانی *gluptikos* به معنی «برجسته») ۱ - مربوط به برجسته کاری. ۲ - شیء برجسته کاری شده (به ویژه در مورد برجسته کاری مهر کنی و نقش برجسته بر روی سنگ‌های قیمتی و نیمه قیمتی به کار می‌رود).
- ترپت (بقعه)** **türbe (Turkish)**
مقبره یا آرامگاه ترکی (یا اسلامی)، که غالباً در باغ یا مسجد ساخته می‌شود.
- ترسیم، طراحی** **drawing**
۱ - بازنمایی تصویری با استفاده از خطوط. ۲- آرایش خطوطی که یک فرم خاص را شکل دهد. در صورتی که بازنمایی خطی دو بعدی در ذهن و چشم بیننده به عنوان یک فرم سه بعدی قابل قبول شکل بگیرد، «خارج از ترسیم» (*out of drawing*) خوانده می‌شود.
- ترصیع** **encrusted**
ترئینات نقش برجسته کم عمق، غالباً با مواد مختلف بر روی یک زمینه. همچنین نگاه کنید به *مینا*.
- ترک خوردگی** **craquelure (Fr.)**
۱ - شبکه‌ای از ترک‌های ریز که به دلیل تفاوت میزان انقباض رنگ و زمینه آن (مثلاً پارچه بوم) پدید می‌آید، و سطح یک تابلوی نقاشی رنگ روغن قدیمی را می‌پوشاند. زمینه‌ها و مواد رنگی مختلف نقوش و ترک خوردگی‌های متفاوتی را به مرور زمان پدید می‌آورند. این ترک خوردگی‌ها در آزمون تعیین اصالت یک نقاشی قدیمی کمک زیادی می‌کنند. ۲ - مترادف لعابکاری ترک‌دار.
- تحدب میله ستون** **entasis (Fr.)**
(مأخوذ از واژه یونانی *enteino* به معنی «کشیدگی») انحناى محدب و معمولاً بسیار خفیف میله یک ستون یا منار مخروطی کلاسیک. بدون وجود چنین انحنايي، میله یا منار (به دلیل خطای باصره) کمی فرو رفته به نظر خواهد رسید.
- تحریری** **cursive**
۱ - هر نوع خوشنویسی* لاتین به شیوه پیوسته که در آن حروف نه به صورت مجزا بل به صورت پیوسته نوشته شود. ۲ - نوعی حروف چاپی به تقلید از این شیوه نوشتن.
- تذکره قدیسیین** **menologium, menology**
کتاب شرح احوال قدیسیین، که مطابق با تقویم کلیسا تنظیم شده است.
- تذهیب سر حروف** **rubrication**
در نسخ خطی قرون وسطایی و بعد از آن؛ شیوه‌ای برای تزئین سر حروف و سرصفحه معمولاً به رنگ قرمز که برای تأکید و جلوه بیشتر استفاده می‌شد. برخی از کتاب‌های چاپی، به ویژه کتاب‌های اولیه چاپی، به همین روش تزئین شده‌اند.
- تذهیب‌کار** **limner**
نامی قدیمی که برای اطاق به نقاشان سده‌های پانزدهم و شانزدهم به کار می‌رفت. در بریتانیا به ویژه (در سده هیجدهم، به استثناء نیوانگلند) برای نقاش تک چهره به کار می‌رفت.
- تذهیب کاری** **illumination**
تصاویر و تزئینات کتاب که در نسخ خطی دوره قرون وسطا و بعد، و معمولاً با رنگ گواش یا تمپرا و با نقاط درخشان طلايي مشاهده می‌شود. (نقوش *تفنی**)
- تراز چشم ناظر، تراز دید** **eye level**
خطی فرضی که به صورت افقی در عرض ترکیب بندی یک طرح یا عکس تداوم می‌یابد، و بیننده با ارجاع به آن می‌تواند موقعیت قرارگیری هنرمند را نسبت به موضوع نشان داده شده مشخص کند و یا موقعیت دید خود را تعیین کند.

امپرسیونیسم «حقیقی» (که در آن هنرمند تلاش دارد تا آنچه را که در طبیعت می‌باید درهم ادغام کند) از رویکرد تحلیلی به ظواهر که مورد علاقه نئوآپرسیونیست‌هایی چون سوراوسیناک بود، به کار رفت. این سبک را بعدها گوگن و نقاشانی که وی را طی دوره ۹۰ - ۱۸۸۰ در پونت آون (← مکتب پونت آون) همراهی کرده بودند، به کار گرفته شد. امیل برنارد، نافذترین نظریه پرداز گروه، مدعی بود که «ما باید فرم‌ها را ساده کنیم تا بدین ترتیب آنها را آشکار سازیم». گروه پیرامون گوگن معتقد بودند که هنرمند باید تأثیرات حسی خود را ترکیب کند، و از روی حافظه خود نقاشی کند، و نه آن که بازنویسی مستقیمی از یک موضوع ارائه دهد. هنرمندان پونت آون هم‌زمان با برپایی نمایشگاه بین‌المللی ۱۸۸۹، نمایشگاهی تحت عنوان «ترکیب‌گری» در کافه ولپین ترتیب دادند، و در سال ۱۸۹۱ گروه ترکیب‌گرایان را که شامل گوگن، برنارد، چارلز لاول، لوئیس آنکوتین و دیگران بود، تشکیل دادند.



نمونه‌ای از نقش ترنج.

medallion

ترنج

۱ - مدال بزرگ ۲ - هر نوع نقش تزئینی یا قباب به شکل مدال به ویژه در معماری (همچنین نگاه کنید به

ترک خوردگی تار عنکبوتی criselling شبکه ظریفی از ترک خوردگی روی سطح لعاب قدیمی، که در اثر از بین رفتن و استهلاک تدریجی مواد پدید می‌آید.

ترکیب بندی متمرکز tectonic مربوط به ساختمان سازی یا ساختمان.



در تابلوی خانواده مقدس کانجیانی اثر رافائل، حدود ۱۵۰۷، از ترکیب‌بندی هرمی استفاده شده است.

ترکیب‌بندی هرمی

pyramidal composition

نوعی ترکیب‌بندی که در آن پیکره‌ها و اشیاء به گونه‌ای انتظام یافته که گویی یک حجم هرمی را پر می‌کنند رافائل معمولاً از این شیوه ترکیب‌بندی برای تابلوی مریم مقدس و کودک استفاده می‌کرد.

composition

ترکیب بندی

۱ - ترکیب عناصر بصری در درون تابلو نقاشی یا دیگر آثار هنری، به نحوی که در نظر هنرمند متقاعد کننده به نظر برسد. ۲ - در مفهوم عام‌تر، نقاشی، نقش برجسته یا گروه مجسمه، به ویژه اگر شامل تعداد زیادی عناصر متفاوت باشد. ۳ - نگاه کنید به ملاط گچ.

Synthetism

ترکیب‌گرایی

اصطلاحی که نخست برای متمایز ساختن



صندلی انگلیسی از چوب کاج، حدود ۱۵۲۵، که با نقوش و تزئینات رومی وار به سبک کلاسیک.



تزئینات چینی وار: بخشی از اتاق چینی که پیکره‌های چینی را در میان قالب‌های با نقوش طوماری روکو کو نشان می‌دهد.

Romayne work تزئینات رومی دار

نوعی تزئینات برجسته کاری سده شانزدهم انگلیس که نسخه محلی الگوهای رنسانس ایتالیا محسوب می‌شود و نمود آن را می‌توان در انواع ترنج‌ها، شاخ و برگ‌ها، ظروف و دیگر عناصری که تصور می‌شد کلاسیک است، مشاهده کرد.

تزئینات فاق و زبانه

ggrove-and-tongue or nament

تزئیناتی که به صورت برجسته‌کاری بر مبلمان حاصل می‌شود، و شامل شیارهای قاشقی است که هر یک از فاق‌های آن با ابزار محدب حجیمی شبیه به زبانه پر می‌شود.

تزئینات گل زنگوله

ball-flower ornament

نقوش تزئینی که در معماری گوتیک بسیار رواج داشت، و سه گلبرگ نیمه باز را که یک گره را شکل می‌دهد نشان می‌دهد. از این نقش برای غنا بخشیدن به ابزار گود استفاده می‌شد.

تزئینات ماشینی

engine - turned decoration

تزئینات گودکنی به شکل شطرنجی یا نقش مربع،

پلاک، لوح مینایی) ۲ - در فرش ایرانی به نقشمایه اصلی وسط فرش اطلاق می‌شود.

تریبون

- ۱ - سکوی خطابه. ۲ - منبر. ۲ - راه‌های در کلیسا.
- ۲ - مخارجه پشتخان محراب در باسیلیکا* که عمدتاً حداقل به اندازه یک پله بلندتر است.

تزئینات برگی

feathered, feather edged, ornament

تزئینات با نقش برجسته بسیار ظریف که عمدتاً به عنوان حاشیه تزئینی بر روی دسته چنگال و قاشق‌های نقره‌ای استفاده می‌شد. این نقش‌ها در نیمه دوم سده هجدهم در بریتانیا و ایالات متحد رایج بود (نقاشی انتقالی*).

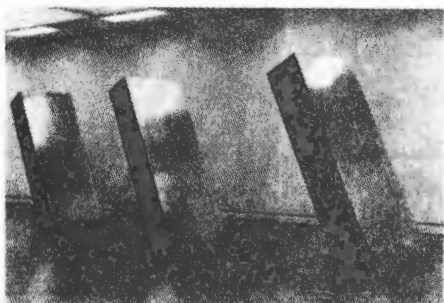
تزئین برگی

برجسته کاری برگ‌های تزئینی که غالباً در معماری گوتیک دیده می‌شود، به ویژه در سبک گوتیک مزین*.

تزئینات چینی وار (چینی‌وار)

chinoiserie (چینی‌وار) تزئینات چینی که غالباً در معماری چینی که عمدتاً به سبک روکو کو سده هجدهم اروپا مربوط می‌شود.

gauffering **تزیین فرو رفته**
 ۱ - نقوش فرورفته روی پارچه (به جز مخمل برجسته که به درستی «مخمل مَهر شده» نام گرفته است) ۲ - نقش تزیینی بر روی حاشیه‌های طلاکاری شده یک کتاب.



تسلسل تصویری در قالب مجسمه مینمال: سه عنصر، ۱۹۶۵، اثر مجسمه‌ساز کانادایی رونالد بلیدن.

serial imagery **تسلسل تصویری**
 تصویر واحدی که با تغییرات جزئی چندین بار در یک نقاشی یا مجسمه تکرار شود. تصویر انتخابی می‌تواند به صورت تصویری (اندی وار هول) یا انتزاعی (دن جود و دیگر مجسمه سازان مینیمال) باشد.

rood **تصلیب، صلیب**
 بازنمایی پیکره مسیح مصلوب. این مضمون در کلیسای انگلیس معمولاً در قالب یک مجسمه چوبی و همراه با پیکره‌های گریان مریم مقدس و یوحنا قدیس نشان داده می‌شود. تمامی این گروه پیکره‌ها بر روی یک تیرک تصلیب قرار می‌گیرد (نگاه کنید به پرده تصلیب*). بسیاری از این صلیب‌ها به همراه دهلیزی افقی طی دوره «اصلاح دین» از بین رفت.

Imago pietatis (Lat.) **تصویر آرمانی**
 (در زبان لاتین به معنی «تصویر پارسایی») تصویری از مسیح که در مقابل تابوت ایستاده است.

quadro riportato (It.) **تصویر انتقالی**
 (در زبان ایتالیایی به معنی «تصویر انتقالی») نقاشی سقف بنا یا استفاده از یک نمای پرسپکتیو متعارف که معمولاً در نقاشی دیواری استفاده می‌شود. به جای معلق‌نمایی در فضا. (نقاشی پیکره‌نما*)

که به وسیله یک دستگاه تراش با موتور چرخشی بر روی فلز یا سفال ایجاد می‌شود.

moreque **تزیینات مغربی**
 نوعی تزیینات پیچیده سطحی مأخوذ از هنر اسلامی، بویژه مشخصه هنر اسلامی اسپانیا. (مقرنس کاری*) همچنین نگاه کنید به اسلیمی، گروتسک.

bombé (Fr.) **تزیین انفجاری**
 (در زبان فرانسوی به معنی «انفجار») شکل محدبی با دو یا چند محور که به ویژه در مبلمان سبک روکوکو مشاهده می‌شود.



کمد با تزیین انفجاری و با پوششی از مفرغ زرانود و تزیینات منبت کاری شده، منسوب به پیرولونگ‌لوئیس (حدود ۱۷۶۰).

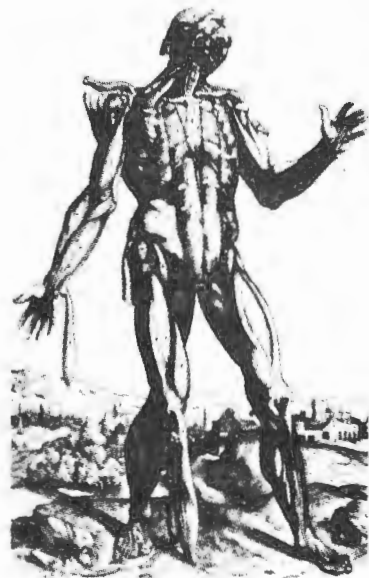
maki - e (Jap.) **تزیین پودری**
 (در زبان ژاپنی به معنی «تصویر پاشیده») جلوه تزیینی در لاک‌الکل، که به وسیله لایه گذاری ساخته می‌شود و بر روی هر لایه و پیش از خشک شدن کامل آن، پودر طلا یا نقره پاشیده می‌شود.

antependium (Lat.) **تزیین پیش محرابی**
 (در زبان لاتین به معنی «آویخته در جلو») پوشش تزیینی برای جلوی محراب، معمولاً از جنس پارچه‌های نفیس یا فلزات قیمتی. مترادف: *alter frontal*

coquillage (Fr.) **تزیین صدفی**
 (در زبان فرانسه به معنی «صدف») تزیینات به شکل صدف که مشخصه سبک روکوکو بود. همچنین نگاه کنید به تزیینات غارنما.



تصویر چشم‌نواز: «رفتن به بازار» اثر توماس گینس بزرگ، حدود ۱۷۷۰، صحنه‌های روستایی روزمره‌ای را در منظرهای ساده شده نشان می‌دهد.



تصویر تشریح: تصویری از کتاب واسیلیوس به نام تشریح جسد انسان، ۱۵۴۷، عضلات اصلی بدن را نمایش می‌دهد.



تصویر سایه‌نمای تمام قد لرد بایرون، ۱۸۲۴.

تصویر تشریح écorché (Fr.)

(در زبان فرانسه به معنی «پوست کنده») طرح یا مجسمه‌ای چه به شکل انسان یا حیوان، که پوست آن کنده شده تا ماهیچه‌های موجود زیر آن را نمایش دهد.

تصویر چشم‌نواز fancy / picture

اصطلاحی رایج در سده هجدهم برای توصیف: ۱ - نوعی نقاشی که به نظر می‌رسد از قراردادهای واقع‌گرایی نقاشی ژانرها شده و به دنیای تخیل پیوسته است. ۲ - پرتره‌ای که در آن نرد موضوع نقاشی لباس تخیلی به ویژه لباس آرمانی روستایی به تن دارد.

تصویر غمگناhe Vesperbild (Ger.)

(در زبان آلمانی به معنی «تصویر غروب گناه») مترادف سوگواری مریم بر جسد مسیح.

تصویر فانوسی latent image

تصویر عکاسی غیر قابل رویت که فقط بعد از نور دیدن ظاهر می‌شود و از روش فاکس تالبوت «طراحی فتوژنیک» استفاده می‌شود که در نهایت با گالوانیترات نقره ظهور می‌یابد. کشف تصویر

تصویر سایه‌نما silhouette (سیلهوت)

۱ - پرتره نیمرخ که از یک کاغذ مشکی بریده شده باشد یا به رنگ مشکی یکدست نقاشی شده باشد. در آغاز این تصاویر سایه‌نما بر اساس رنگبری سایه‌ای که با نور حاصل شده بود، تهیه می‌شد و به نام اتین دو سیلهوت، سیاستمدار فرانسوی سده هجدهمی، نام گذاری شد. ۲ - در مفهوم گسترده‌تر هر شیء یا صحنه‌ای که به صورت مشکی و بدون جزئیات داخلی نشان داده شود.

فانوسی، روش کالوتیپ را عملی کرد.

صورت معلق پخش شود، و در واقع با یکدیگر مخلوط نشوند. از جمله نمونه‌های این ترکیب می‌توان تمپرا (مخلوط محتویات چربی و آبی) و غشایی حساس به نور شامل برومید نقره بر لوح عکاسی (امولسیون عکاسی) را نام برد.

تصویر گلی
در زبان ژاپنی به معنی «تصویر گلی» پیکرها و مدال‌های سفالی که در ژاپن طی سده‌های سوم تا ششم میلادی بر پشته بزرگ گور قرار می‌دادند.

تقاطع گاه کلیسا
crossing
بخشی از کلیسا که محل تقاطع شبستان با بازوی عرضی است. (کاتدرال گوتیک^{۳۳})

تصویر واژه
rebus (Lat.)
در زبان لاتین به معنی «مربوط به چیزها» (واژه‌ای که با تصویر عرضه می‌شود) (دکتر جانسون). خود کلمه معمولاً اسم خاص است. در سده‌های میانه غالباً اهل کلیسا آن را به عنوان یک نشان به کار می‌بردند، و دیگران مجاز به استفاده از آن نبودند. این کلمه از اصطلاح لاتینی *de rebus quae genuiteir* به معنی «مربوط به آنچه در حال وقوع است» اخذ شده، که در سده شانزدهم در قطعات هجو آمیز شامل تصویر واژه به کار می‌رفت.

تقسیمات طلائی
golden section
تناسبات قراردادی که به نظر می‌رسد بیانگر راز هارمونی بصری باشد. این تقسیمات در ساده‌ترین شکل خود، شامل خطی است که به دو قسمت تقسیم شده به نحوی که نسبت قسمت کوچکتر به قسمت بزرگتر، برابر با نسبت قسمت بزرگتر به کل خط باشد. اما در واقع نسبت $I:\phi$ (۱:۱/۶۱۸۰۲۳۹۰۰۰) غیر منطقی است. یعنی نمی‌توان آن را با هیچ عدد مشخصی بیان کرد. این نسبت تقریباً برابر است با ۸:۱۲ (شاخص تناسب^{۳۴}).

تعادل
balance
جلوه و نمود توازن در ترکیب‌بندی تصویر یا مجسمه. برای ایجاد تعادل در یک اثر، معمولاً فرم‌ها حول یک محور توزیع شده و نظم می‌یابند. تعادل از یک سو به نحوه آرایش فرم‌ها بستگی دارد (مثلاً فرم کوچکی که دورتر از تکیه‌گاه یا مرکز ثقل فرضی تابلو قرار دارد می‌تواند در برابر وزن مخالف یک عنصر بزرگ که نزدیکتر به همان نقطه قرار دارد توازن ایجاد کند) و از سوی دیگر به انتظام رنگ (مثلاً یک فرم تیره سنگین‌تر از یک فرم روشن با همان اندازه به نظر می‌رسد، اگرچه ممکن است کوچکتر به نظر برسد). به‌علاوه تعادل به عوامل ذهنی و روانی نیز بستگی دارد: برای مثال اگر فرم انتزاعی نباشد، و چیزی را بازنمایی کند که بیننده آن را در واقعیت به عنوان یک شیء سنگین می‌شناسد، در آن صورت شکل آن را به عنوان یک عنصر سنگین تشخیص خواهد داد. به همین ترتیب اگر چیزی را بازنمایی کند که به نظر بیننده گویای حس خاصی است - برای مثال تصویر یک چهره - در آن صورت به هنگام ارزیابی تعادل ترکیب‌بندی به‌طور ناخودآگاه، آن را پراهمیت‌تر و لذا سنگین‌تر تشخیص خواهد داد.

تکچاپ
monotype
چاپ‌نقشی که با استفاده از یک طرح رنگ روغن یا مرکب چاپ بر یک لوح مس ساده ساخته شده باشد، و بعداً یا به صورت چاپ فشاری یا گاه به روش مالش دادن کاغذ با نرمه دست، بر روی کاغذ چاپ شود. بدین ترتیب نقش به‌طور مستقیم بر روی کاغذ منتقل می‌شود، و لذا هر تکچاپ منحصر به فرد خواهد بود.

تک چهره‌های فیوم
Fayum, Faiyum portraits
(فیوم منطقه‌ای در مصر علیاست) تک چهره‌هایی بر روی صورت مومیایی در مقبره‌های طاق‌دار مصر باستان، که به سده‌های اول پیش از میلاد تا سده سوم بعد از میلاد مربوط می‌شود. واسط آن ممکن بود تمپرا یا رنگ‌مومی باشد. این تک چهره‌ها که درشت‌اما از نظر سبکی کاملاً طبیعت‌گرایانه بودند، به نظر می‌رسد که در دوره حیات شخص نقاشی شده‌اند. (نگاه کنید به تصویر صفحه بعد)

تکثیر، باز تولید
reproduction
۱ - باز تولید یک اثر هنری، بویژه آن نوع که با ابزار

تعلیق
emulsion
ترکیب دو مایع، که ذرات یکی در سرتاسر دیگری به

تک سنگ هرمی obelisk
 قطعه سنگ منفرد ته پهن مثلثی شکلی که شکل نوک هرم را تکمیل می‌کند. این قطعه به ویژه در اهرام مصر باستان که به عنوان بناهای یادمانی به کار می‌رفتند، رایج بود.

تکه دوزی appliqué (Fr.)
 (در فرانسه به معنی «کاربردی») نوعی روش تزئینی که در آن نقشمایه از یک پارچه بریده شده و بر پارچه دیگری دوخته می‌شود.



جزئیاتی از یک لحاف چهل تکه سده نوزدهمی با تکه‌دوزی‌های به شکل گل و برگ.

تلفیق‌گری رنگ Synchronism
 شاخه آمریکایی اورفیسیم. از جمله هنرمندان مرتبط با این جنبش که درست پیش از جنگ جهانی اول ظهور یافت، می‌توان استانتون مک دونالد رایت و مورگان راسل را نام برد. در آثار آنان رنگ نقش اصلی را ایفا می‌کند زیرا به زعم آنان رنگ به قدر کفایت حائز اهمیت هست که محتوای یک اثر هنری را فراهم سازد.

تماشاخانه (باستانی) cavea (Fr.)
 (مأخوذ از واژه لاتین *Cavus* به معنی «مجوف»)
 ۱- خانه‌های طاق‌دار در زیر آمفی‌تئاترهای رومی.
 ۲- تمام فضای نشیمن‌گاه یک تئاتر یونانی.



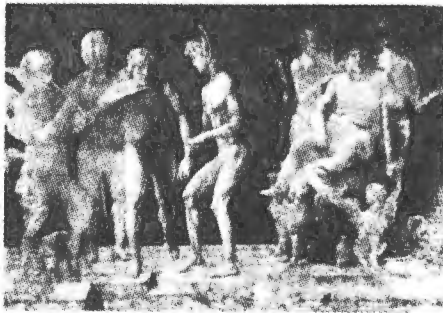
تک چهره فیوم که با رنگ مومی نقاشی شده است. حدود سده سوم میلادی.



تلفیق‌گری رنگ: ترکیب شماره ۲، مورگان راسل (۱۸۸۶-۱۹۵۳).

فنی تهیه شده باشد (مثلاً به روش ریخته‌گری، عکاسی). ۲- (دریاره مبلمان و...) و نیز به صورت صفت) کپی کم و بیش دقیق از یک قطعه قدیمی به سبک دوره‌ای.

تک رنگ monochrome
 همچنین نگاه کنید به نقاشی خاکستری.



تمثیل رذالت و پاکدامنی در طرحی از اندره مانتیگنا (حدود ۱۴۹۰). پیکره‌ها از چپ به راست عبارتند از شهوت (ساتیری در حال نواختن نی)، پاکدامنی (زنی که در آستانه سقوط به یک مفاک است)، حماقت که دست او را گرفته است و جهل (زن فریبی که بر سریر نشسته است).

موسیقی زهی ابداع کردند. برای مثال اگر دو سیم که طول یکی نصف دیگری باشد به ارتعاش درآید، تفاوت دایره صدا یک اکتاو خواهد بود. اگر نسبت آن دو به یکدیگر ۲:۳ باشد، تفاوت دایره یک پنجم خواهد بود، و اگر نسبت آنها ۳:۴ باشد تفاوت دایره یک چهارم خواهد بود. پیشنهاد معماران رنسانس آن بود که اگر ساختمان‌ها بر اساس این تناسبات موسیقایی ساخته شوند، قطعاً در چشم بیننده هماهنگ به نظر خواهند رسید. همچنین نگاه کنید به تناسبات طلائی.

تناسب طلائی golden section
رجوع کنید به تقسیمات طلائی، شاخص تناسب. همچنین نگاه کنید به تصویر صفحه ۱۸۰.

تنظیم سر راست هیاکل isocephaly
تنظیم پیکره‌ها به نحوی که همگی بدون توجه به حالتی که قرار گرفته‌اند، با ارتفاعی برابر چیده شوند، مشخصه هنر یونان باستان دوره کلاسیک.

تور شیشه‌ای vetro di trina
(در زبان ایتالیایی به معنی «تور شیشه‌ای») شیشه شفاف با تزئیناتی از رشته‌های درهم به رنگ سفید کدر. این روش تزئین عمدتاً در سده شانزدهم درونیز مورد توجه بود. همچنین نگاه کنید به شیشه شیرینی رنگ، شیشه نقش رشته‌ای.

تماشایی picturesque, the
اصلی که در سده هیجدهم برای آرایش عناصر معماری، اجزاء ترکیب‌بندی یک تصویر یا مجسمه، یا طراحی باغ ابداع شد، به نحوی که جلوه‌ای جذاب و منتظم داشته باشد (همان گونه که در آثار کلودلورین و پوزین قابل مشاهده است). نخستین بار با انتشار کتاب اویدال پریس به نام رساله‌ای در باب تماشایی، در قیاس با والایی و زیبایی (۱۷۹۴) بود که کاربرد این اصطلاح تثبیت شد. همچنین نگاه کنید به والایی، (پرسپکتیو*).

تمثیل جانوری bestiary
در معنای خاص به معنی «تاریخ طبیعی اخلاقی شده» و مأخوذ از واژه یونانی physiologus، شامل مجموعه‌ای از تصاویر جانوران شناخته شده و افسانه‌ای، معمولاً با یک متن اخلاقی مستتر در آن. تمثیل جانوری سده‌های میانه غالباً به عنوان الگو و منبع الهام برای تذهیب‌کاران و حکاکان (برای اشیائی چون پشتی همخوانان و گل میخ بام) به کار می‌رفت.

تمثیل کلیسا Ecclesia (Lat)
(در زبان لاتین به معنی «کلیسا») کلیسای مسیحی که در نقاشی به صورت زن پیکره تاج دار با یک صلیب و جام شراب در دست و یا یک بیرق و گاه در حال نیایش به کنیسه، زن پیکره دیگری با چشمان بسته و با تاجی که از سرش می‌افتد که نمایانگر دین یهودیت است بازنمایی می‌شود. گاه ممکن است آنها را به عنوان تمثیلی از کتاب عهد قدیم و عهد جدید مشاهده کرد.

تمثیل allegory
نوعی اثر هنری که برخی کیفیات یا ایده‌های انتزاعی را با استفاده از یک شیء یا یک شکل، و یا به وسیله گروهی از اشیاء و شکل‌ها و غالباً به صورت غیرواقع‌گرایانه نمایش می‌دهد. در هنر رنسانس، تمثیل‌ها غالباً تصاویری خیالی از کتاب مقدس و افسانه‌ها و ادبیات یونانی و رومی را ارائه می‌دهند.

تناسبات هماهنگ harmonic proportions
نوعی نظام تناسبات معماری که معماران رنسانس به تبعیت از هماهنگی در نحوه تولید صدا در آلات

- rib** **تویزه طاق**
عضو یا ابزار محذب شکلی که بخش‌های متشکله یک طاق تویزه‌دار را از هم مجزا می‌سازد و به صورت ساختاری و یا به صورت تزئینی استفاده می‌شود.
- tholos (Gk.)** **تولوس**
۱- در معماری یونان و روم، ساختمان مدور معمولاً گنبددار ۲- مقبره‌های زیر زمینی کندویی شکل تمدن‌های هلادیک (هنر دوره مفرغ یونان) و میسنی.
- tierceron** **تویزه میانی**
تویزه قوس‌دار میانی در طاق* گوتیک.
- base** **تهستون**
۱- رگچین پایین دیوار ۲- مجموعه بلوک‌ها و ابزارهای محذب و برجسته‌ای که بین میله ستون و پاسنگ قرار می‌گیرد. (← شیوه‌های معماری* ، پاستون*) ۳- پاسنگ یک مجسمه ۴- پایین‌ترین قسمت یک دیوار جداکننده.
- purlin** **تیر زیر خواب خرپا**
تیر افقی عرضی در بام* الواری، که لنگه خرپای بام را نگاه می‌دارد.
- wall plate** **تیر سردیوار**
تیری که بر طول بالای دیوار امتداد می‌یابد، و اتصالات یا دیگر الوارهای بام* را نگه می‌دارد.
- cantilever** **تیر سرکش**
تیری که از ساختمان بیرون بزند (مثلاً تیر طره) که یک سر آن به دلیل وزن بنای روی آن قلاب شده و لذا می‌تواند باری را بر سر معلق دیگر خود تحمل کند.
- stancheon, stanchion** **تیر قائم، پایه فلزی**
(مأخوذ از واژه فرانسوی قدیمی *estanchom*) عضو عمودی در ساختار یک ساختمان، معمولاً از جنس فولاد، که تیر زیر خواب را حمایت می‌کند.
- machicolation** **تیرکش دروازه قلعه**
روزنه‌های زیر یک جان پناه مستحکم که بر روی چند پیش‌کردگی قرار گرفته، و از میان آن سنگ، قیر
- tracery** **توری کاری**
نوعی سنگ کاری تزئینی، با نقوش کم و بیش ظریف و ماهرانه، که برای پرکردن پنجره‌ها یا به عنوان تزئینات نقش برجسته در دیوارهای صلب به کار می‌رود. (برای تصویر نگاه کنید به سبک گوتیک مزین*.)
- blank (Blind) tracery**، توری کاری کاذب: در معماری گوتیک، نوعی توری کاری که بیشتر برای تزئین سطوح مستوی به کار می‌رفت تا پر کردن پنجره.
- Drop tracery**، توری کاری قوس آویز: حاشیه توری کاری سقف آویز، که سطح درونسوی قوس گوتیک را تزئین می‌کند.
- Plate tracery**، توری کاری راست گوشه: نوعی توری کاری که شکل روزنه‌های تزئینی آن به جای آن که با وادار شکل بگیرد از دیوار بریده می‌شود. همچنین نگاه کنید به چهارپره و سه‌پره.
- ekphrasis (Gk.)** **توصیف هنری**
(در زبان یونانی به معنی «توصیف») تشریح یک اثر هنری، که ممکن است تخیلی باشد، و معمولاً به عنوان تمرینی برای سخنوری انجام می‌شود. دو نویسنده یونانی، که هر دو فیلوسترادوس خوانده می‌شدند (حدود سده دوم و سوم میلادی)، نمونه‌های قابل توجهی پدید آوردند که هنرمندان رنسانس را بسیار تحت تأثیر خود قرار داد.
- batten** **توفال**
نوار نازکی از چوب، که از آن به عنوان محل اتصال الواح یا سفال‌های شیروانی یا به عنوان چارچوبی برای اندودکاری استفاده می‌شود.
- canton enamel** **توکار دو نبش**
نوعی مینای نقاشی شده بر مس. این روش در سده هیجدهم از اروپا به چین آورده شد و نمونه‌های اولیه آن لوح‌های سرامیک رنگ لعابی هستند.
- provenance** **تولیدگاه**
سابقه تمامی مالکین و مکان‌های پیشین یک اثر هنری (آن گونه که در فهرست مشروح آثار هنری ارائه می‌شود).
- groin** **تویزه**
زاویه‌ای که از تداخل دو طاق حاصل می‌شود.

یکدیگر وصل می‌کند. (نگاه کنید به تصویر بام*)

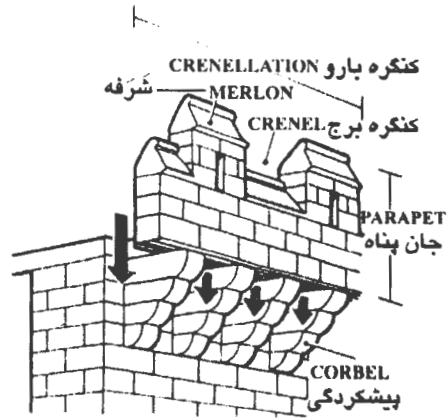
tenebrism **تیرگی پردازی**
آن نوع آثار نقاشی که بیشتر بر جلوه‌های شبانه و سایه‌های تیره تأکید دارد.

cusped **تیزه، جناغ**
در نقش سه برگی به نقطه‌ای که دالبرها به هم می‌رسند اطلاق می‌شود.

cloison (Fr.) **تیغه جدا کننده**
(در زبان فرانسه به معنی «دیوار جدا کننده») ۱ - در مینا کاری، محدوده‌ای که با سیم یا نوار فلزی شکل گرفته باشد و بر یک پایه نصب شود و طرح حاصله با مینا پر گردد. ۲ - در سرامیک (یا سفالگری) خانه‌ای که با برجستگی گل بر روی سطح قطعه شکل گرفته باشد و با لعاب پر شود.

tiki (Maori) **تیکی (انسان اولیه مانواری)**
در اسطوره‌های پولینزی، خالق نخستین انسان یا خود نخستین انسان، یا در مفهوم عام‌تر یکی از نیاکان. این مفاهیم در قالب گردن‌آویزهای نظر قربانی، معمولاً از جنس یشم کیود (نفریت) بازنمایی می‌شد و پیکره را در حالت پیچیده و نیز به همراه پیکره‌های بزرگ برجسته کاری شده نشان می‌داد.

ting (Chi.) **تینگ (ظرف مفرغی چینی)**
ظروف متعلق به عصر مفرغ چین، به صورت چهارگوش یا دایره، با سه یا چهار پایه.



تیرکشی دروازه قلعه. (برای تعاریف هر کدام به مدخل مربوطه رجوع کنید)



نمونه‌ای از نظر قربانی سقف‌آویز مانواری به شکل تیکی (انسان اولیه مانواری).

مناب و ... بر روی مهاجمین زیر آن می‌ریختند.

tie beam **تیرکشی**
تیری که در عرض یک ساختمان چارچوب الواری به کار می‌رود تا انتهای پایینی لنگه‌های خرپا را به هم وصل کرده و از جدا شدن آنها از یکدیگر جلوگیری کند. (بام*)

collar beam **تیرک گریبان**
نوعی تیر عرضی کوتاه که دو لنگه خرپای بام اسکلت چوبی را در بالا و نزدیک به ستیغ بام به

ج

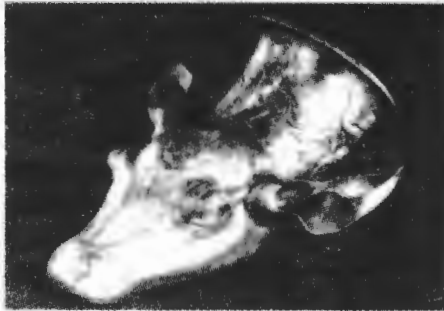
aedicule (Lat.) **جا پیکره دیواری**
(در زبان لاتین به معنی «خانه کوچک») ۱ - فرو رفتگی یا طاقچه‌ای برای قرارگیری یک مجسمه، که با ستون‌ها و تزئینات معماری شکلی چون سنتوری و پیکره بالای سنتوری محصور و قاب شده است. ۲ - پنجره‌ای که به همین نحو قاب شده باشد.

جام جعبه‌ای شکل (یونانی) (Gk.) pyxis
جعبه دردار یا جام جعبه‌ای شکلی که ضرورتاً کاربرد آیینی نداشته باشد. (ظروف یونانی*)

جام دو دسته یونانی Kantharos
جام دو دسته یونانی با کاسه گود (- ظروف یونانی*).

جام دهان سه پری (GK.) oenochoe
جام شراب با دسته عمودی حلقوی شکل، و غالباً با دهانه سه پری شکل. (برای تصویر نگاه کنید به هنر هندسی*، ظروف یونانی*)

جام شاخی (ریتون) (Gk.) rhyton
جامی با شکلی شبیه به سر یک حیوان، معمولاً با سنوراختی در پایین آن که امکان می‌دهد تا مایع درون آن مستقیم به دهان نوشنده ریخته شود.

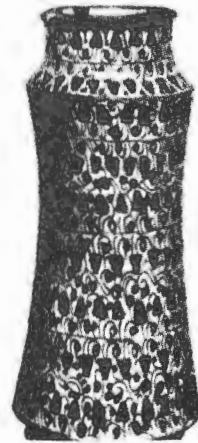


جام شاخی طلایی یونانی، ۳۰۰ پیش از میلاد، به شکل سر یک آهو، از گنجینه پاناگیوریش.

جام شراب chalice
نوعی جام، معمولاً با یک پایه و لوله و گاه با دستگیره، از جنس مواد گرانبها که به منظور انجام آیین نیایش استفاده می‌شود.

جام مربعی quarry
جام شیشه مربع شکل کوچک.

جامه پردازی نرم Soft Style
نسخه آلمانی گوتیک بین المللی در زمینه نقاشی و مجسمه‌سازی که به ویژه با چین و چروک‌های نرم پارچه‌های آویخته متمایز می‌شود. این سبک از حدود سال ۱۲۸۰ تا ۱۳۳۰ رواج داشت (نقوش



(راست) جا دارویی سفالی اسپانیایی - مغربی.

جا دارویی سفالین albarello
(در زبان ایتالیایی به معنی «کوزه، جام») ظرف استوانه‌ای شکل کمردار با دهانه لبه‌دار برای نگهداری دارو که بر روی آن یک برگ کاغذ یا کاغذ پوستی را کاملاً سفت می‌کشیدند. به نظر می‌رسد که منشأ شکل این ظرف به ایران سده دوازدهم میلادی مربوط می‌شود. برای نخستین بار در سده پانزدهم در اسپانیا رایج شد و سپس در سرتاسر اروپا رواج یافت.

جاز نوین Jazz Modern
سبک تزئینی رایج در دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ که مشخصه آن نقوش مضرس (دندان‌دار) بود که اساساً از سبک کو بیسم اخذ شده بود.

جام اشک tear - bottle
بطری شیشه‌ای کوچک معمولاً با یک بدنه کروی شکل و یک گردن بلند و باریک، از نوعی که به تعداد زیاد در مقابر رومی یافت می‌شود. نامگذاری آن مبتنی بر این تصور نادرست بود که گویی برای جمع‌آوری اشک‌های سوگواران استفاده می‌شد. این ظرف در حقیقت نوع رایج عطر دادن رومی بود.

جام پایه‌دار بی‌دسته deinos, dinos (Gk.)
ظرف دهان گشاد بدون دسته، گاه با یک پایه الحاقی، که برای مخلوط کردن شراب و آب به کار می‌رود. (ظروف یونانی*)

جایگاه متوفیان charnel – house
جایی که استخوان‌های فرد متوفی را در آن قرار می‌دهند. این بخش ممکن است قسمتی از کلیسای قرون وسطایی یا به صورت یک ساختمان مستقل باشد.

جایگاه نان و شراب مقدس credence (It)
(در زبان ایتالیایی به معنی «میز، بوفه») میز یا رفه نزدیک محراب کلیسا، که برای نگهداری لوازم مقدس استفاده می‌شود.

جایگاه همخوانان choir
۱ - در آغاز به بخشی از کلیسا اطلاق می‌شد که جایگاه همخوانان و کشیش بود (← نگاه کنید به کاتدرال گوتیک*). ۲ - حال معمولاً به محوطه‌ای اطلاق می‌شود که از تقاطع گاه تا مخارجه پشتخان گسترش می‌یابد، به استثناء غلامگردش و غرفه‌های شعاعی.

جایگاه همخوانان پشت محراب retro - choir
در کلیسای بزرگ، به امتداد جایگاه همخوانان در پشت یک محراب بلند اطلاق می‌شود.

جدار تزئینی محراب reredos
پرده یا صفحه‌ای که پشت محراب قرار می‌گیرد.



پیکره سفالی لعاب‌دار بودا نشسته (جاودانگی بودا) از هویبه، چین، متعلق به سده‌های دهم و یازدهم میلادی.

پارچه‌ای در دوره گوتیک متأخر پس از آن، اندکی زاویه‌دارتر شد.)

جامه پردازی drapery
بازنمایی پارچه آویخته، به نحوی که در آثار نقاشی یا مجسمه مشاهده می‌شود. غالباً به عنوان نقطه ثقل شکل‌های حاصل از نیم تنه پایین و کمر پیکره و به عنوان ابزاری برای تقویت تعادل کلیت ترکیب‌بندی به کار می‌رود.

جام یخ psykter (Gr.)
نوعی ظرف سفالی که با برف یا یخ پر می‌شد و برای خنک کردن شراب مورد استفاده قرار می‌گرفت. (ظروف یونانی*)

جان‌پناه parapet
دیواره‌ای که از سقوط اتفاقی ممانعت می‌کند، مانند نرده‌های یک بام یا کناره‌های یک پل. (تیرکش دروازه قلعه*)

جانورپردازان Animaliers (Fr.)
گروهی از مجسمه‌سازان (اکثراً فرانسوی) که در سده نوزدهم مهارت خاصی در ساخت مدل‌های کوچک حیوانات اهلی و وحشی داشتند.

جاودانگی بودا lohan (Ehi.)
مضمون جاودانگی بودا که غالباً در هنر چینی بازنمایی می‌شود.

جایگاه ارکستر orchestra
۱ - فضای دایره شکل بزرگ در جلوی صحنه در تئاتر یونان و روم باستان که به عنوان محل استقرار گروه همخوانان استفاده می‌شد. ۲ - در تئاتر امروزه، به فضای مابین صحنه و تماشاچیان اطلاق می‌شود، که محل استقرار نوازندگانی است که با اجرای نمایش همراهی می‌کنند. اگر این فضا بصورت گود باشد، به عنوان orchestra pit خوانده می‌شود.

جایگاه اشیاء مقدس prothesis (GK.)
(در زبان یونانی به معنی «پیش مکان») اتاقک رو به شمال یک محراب در کلیسای بیزانس، که برای نگهداری لوازم و اشیاء مقدس به کار می‌رود.

جدار مشبک

cancello (It)
 (در زبان ایتالیایی به معنی «خطوط آهن») صفحه مشبکی که محراب را از بقیه باسیلیکا* یا کلیسای صدر مسیحیت جدا می‌کند.

کانالیتو از این وسیله برای سرمشق نقاشی‌ها خود بهره برد. (دوربین‌های عکاسی نیز مطابق اصول مشابه کار می‌کنند یعنی تصویر را به صفحه حساس به نوری که آن را ثبت می‌کند، می‌تابانند).

جداگر محراب

ancona
 نوع اولیه محجر محراب ایتالیایی که فاقد جناحین تاخوردۀ است اما از تعداد زیادی لته‌های چوبی نقاشی شده، تشکیل می‌شود.

جعبه تحریر
 suzuribako (Jap.)
 (در زبان ژاپنی به معنی «جعبه سنگ مرکب») جعبه نوشت افزار ژاپنی.

جزز

pier
 ۱ - پایه بزرگ مستقل، با مقطع چهارگوش، مربع یا چند ضلعی، که قوس، دهانه پل یا نظایر آن را نگه می‌دارد. ۲ - بنای ضلبی که مجموعه‌ای از در پنجره، یا دیگر دهانه‌ها را نگه می‌دارد. ۳ - پشتبندی که تمام ارتفاع دیوار را حائل می‌کند.

جعبه گلی
 sagger, saggarr, seggar
 محفظه گل پخته که برای محافظت از شیء در مرحله پخت استفاده می‌شود.

جلا

gloss
 در سفالینه‌های یونانی و رومی؛ جلای حاصل از کاربرد گِل آب بسیار رقیق حاوی (ماده معدنی) ایلایت که در محیط احیاء کننده پخت می‌شود. نباید آن را با لعاب، که ماده‌ای زجاجی است، اشتباه گرفت.

جسمیت، بدنه

body
 ۱ - در رنگ گواش؛ پرکننده سفیدی که برای کدر کردن رنگ به کار می‌رود. ۲ - در نقاشی رنگ روغن، به تراکم و غلظت رنگدانه‌ها اطلاق می‌شود. ۳ - در سرمایه‌یک، نوعی گل که برای ساخت کوزه خاصی به کار می‌رود. ۴ - باز در سرمایه‌یک به پیکره اصلی یک کوزه اطلاق می‌شود، در مقابل لعاب و هر نوع قسمت الحاقی همچون درپوش، دستگیره‌ها، تزئینات سطحی و غیره که به آن افزوده می‌شود.

جلای محافظ

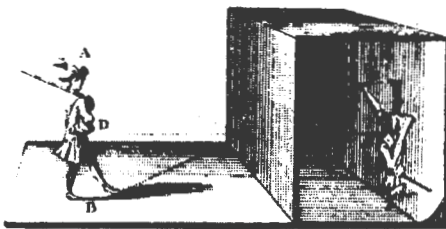
varnish
 نوعی صمغ که در یک واسط حل می‌شود و به عنوان پوشش محافظ یا گاه به عنوان یک حلال برای رنگدانه به کار می‌رود، یا به عنوان نوعی رنگ مورد استفاده قرار می‌گیرد.

جشن هدایا

potlatch
 (مأخوذ از واژه نوتکایی *Potlatch* به معنی «هدیه») اصطلاحی که منشأ آن به فرهنگ سرخپوستان بومی شمال شرقی سواحل امریکای شمالی باز می‌گردد و در مفهوم گسترده‌تر آن برای دیگر فرهنگ‌های بدوی هم به کار می‌رود. منصوب به نوعی نمایش آیینی رقابتی، سرور و اهدای هدایا، از جمله اهدای آثار هنری بود.

جلوه گچی (چاپ)

crayon manner
 نوعی روش چاپ حکاکی که برای خلق طرح‌های گچی به کار می‌رود. در این روش از یک چرخ دنداندار یا رولت و ابزارهای مشابه برای تقلید جلوه دانه دانه‌ای مداد گچی بر کاغذ، استفاده می‌شود. این روش در حدود سال ۱۷۵۰ در فرانسه ابداع شد، و



چاپنش حکاکی شده از یک جعبه تاریکخانه عکاسی، ۱۸۵۵. به تصویر معکوس بر روی پرده داخلی جعبه توجه کنید.

جعبه تاریکخانه عکاسی

camera obscura (Lat.)
 (در زبان لاتین به معنی «اتاق تاریک») جعبه ضد نوری که یک سوراخ کوچک (یا عدسی) در یک سمت آن قرار دارد و نور یا تصویر شیء را بر روی سطح مقابل آن بر روی یک صفحه شیشه‌ای یا صفحه کاغذی که نسبت به نور حساس است، می‌تاباند.

گوتیه و بودلر و بعداً در انگلیس توسط پتر و وایلر - شکل گرفت. این جنبش همزمان با افتتاح گالری گروسونور در سال ۱۸۷۷ در لندن به اوج خود رسید و دو هنرمند برجسته آن ویسلر و بُرن جون مروج آن بودند. با توجه به آثار دومی می‌توان تداوم هنر پیش از رافائل را در آن تشخیص داد. با توجه به تاکید و تمایل آنان بر آنچه برانگیزاننده و تداعی‌کننده است به جای آنچه خاص، حکایت‌وار یا آموزنده است، می‌توان آن را به عنوان انشعاب انگلیسی سبک سمبولیسم قاره‌ای ملاحظه کرد. زیرا هرگونه ارزش اخلاقی را در هنر منکر می‌شود و معمولاً نزد عموم با جنبش هنر انحطاط‌گرا اخلاط می‌شود. تاثیر دیرپا و عمده آن در زمینه اصلاح و ساده‌سازی تزئینات خانگی بود، و بیش‌تر بر هنرهای تزئینی تاثیر گذارد تا نقاشی.

جنبش مدرن

Modernism, Modern Movement

عنوانی عام برای سلسله سبک‌های پیشرو در هنر و معماری، که تقریباً در سرتاسر سده بیستم در فرهنگ غرب مسلط بودند.

جنبش هنر و صنایع دستی

Arts and Crafts Movement

جنبشی که از یک سو حامی و مبلغ احیاء هنرهای سنتی و صنایع دستی بود و از سوی دیگر به اصلاح طراحی صنعتی اعتقاد داشت. این اصطلاح متعاقب تأسیس انجمن نمایشگاه هنر و صنایع دستی در سال ۱۸۸۲ در انگلستان رایج شد، ولی ریشه‌های مقدم‌تری در نوشته‌ها و تلاش‌های پوجین، راسکین و موریس دارد که تلاش داشتند تا اصلاحاتی در هنر تزئینی پدید آورند و بر قابلیت‌های معطوف به تاثیر اجتماعی و اخلاقی خوب تأکید گذارند و مروج بازگشت به اصل «متناسب برای استفاده» معماری گوتیک باشند. عامل مهم تاثیرگذار در شکل‌گیری این جنبش چالش نظری راسکین در باب زیبایی‌شناسی صنعت دستی بود که در فصل «در باب ماهیت گوتیک» از جلد دوم کتاب «سنگ‌های ونیز» (۱۸۵۲) مطرح کرده بود. یکی از اهداف جنبش هنر و صنایع دستی باز تولید سنت‌های بومی بود که به دلیل پیامدهای انقلاب صنعتی به حاشیه رانده شده بود. امواج این جنبش از اروپا تا ایالات متحده گسترش یافت و به‌علاوه تاثیر فراوانی بر هنرهای تزئینی

بعدها به طور گسترده در انگلستان به کار گرفته شد.

جلوه منقطع dragging

در نقاشی؛ روشی برای خلق جلوه رنگ منقطع (ناپیوسته) با کشیدن قلم موی آغشته به رنگدانه تقریباً خشک بر روی آستر که هنوز خشک نشده است.

جنبش انحطاط طلبی

Decadent Movement

جنبش هنری و ادبی اواخر سده نوزدهم اروپا مرتبط با سمبولیسم، متأثر از این عقیده که هنر و جامعه به طور مقاومت ناپذیر در مسیر انحطاط است. این جنبش بسیاری از الهامات خود را از رمان جی. کی. هایزمان به نام در مقابل طبیعت (۱۸۸۴) و *Downthere* (۱۸۹۱) گرفتند. هنرمندان و نویسندگان مرتبط با این جنبش (مثلاً اوبری برادزلی در انگلستان) غالباً تلاش می‌کردند تا سنت‌های اخلاقی جامعه را با تصاویری مرتبط با مسائل جنسی و شیطانی به چالش فرا خوانند.



«ماسیلینا از حمام باز می‌گردد» اثر بردسلی، ۱۸۹۹، اثر نمونه‌واری از جنبش انحطاط‌طلبی هم در موضوع و هم در نحوه پرداخت.

جنبش زیبایی‌شناسی

Aesthatic Movement

جنبشی زیبایی‌شناسی انگلیسی تحت تاثیر نظریه «هنر برای هنر»، آن‌گونه که نویسندگان انگلیسی و فرانسوی مطرح ساختند - نخست در فرانسه توسط

آلمان و اطریش برجای نهاد.

چاپ آلومینیومی

Albumen Prient

نوعی چاپ عکاسی که بر روی کاغذی با پوشش از آلومینیوم (سفیده تخم‌مرغ) و نمک، ساخته می‌شود که پیش از استفاده با حلالی از نیترات نقره حساس می‌شود. این فرایند کار در سال ۱۸۵۰ توسط نیپس دو سنت ویکتور در فرانسه معرفی شد و طی نیمه دوم سده نوزدهم رواج عمومی یافت.

stencilling چاپ استنسیل

روش انتقال یک طرح بر یک سطح با استفاده از رنگ و به وسیله پوشش محافظ یا شاولن، که به شکل مورد نظر بریده شده باشد.

etching چاپ اسیدی

۱- روش نقش انداختن بر روی لوح فلزی به وسیله واکنش اسید بر روی لوح. نخست طرح بر روی یک غشاء مقاوم به اسید با سوزن حک می‌شود تا سطح فلزی زیر آن آشکار گردد. سپس لوح در درون حمام اسید غوطه‌ور می‌شود و اسید به درون خطوط خراش خورده طرح نفوذ می‌کند. هر چقدر لوح مدت بیشتر در درون ظرف اسید بماند، عمق خطوط بیشتر می‌شود. گاه برای تاکید بیشتر بر برخی نقاط خاص از طرح می‌توان باقی قسمت‌ها را با لاک الکلی پوشش داد و سپس این کار را مجدداً تکرار کرد. غالباً این روش را همراه با روش حکاکی به کار می‌برند ۲- باسما‌های که به این روش ساخته شده باشد.

holography چاپ برجسته کار

روش ثبت تصویر بر روی ماده حساس به نور، بدون استفاده از لنز، به شکل نقوش متداخل که در اثر تجزیه شعاع نور از یک لیزر حاصل می‌شود. هر گاه نقش حاصله توسط لیزر دیگری، و یا حتی به وسیله شعاع نور متمرکز از یک منبع نور معمولی خوانده شود، تصویر به صورت «هولوگرام» ظاهر می‌گردد. تصویر حاصله کاملاً سه بعدی است و انسجام آن از هر زاویه‌ای که روئیت شود، حفظ می‌گردد، و آن را درست همان گونه خواهیم دید که انتظار داریم در دنیای واقعی مشاهده کنید (البته به استثناء رنگ آن). گاه ممکن است تصویر در پشت، در عرض یا به صورت معلق در جلوی صفحه منعکس کننده، یا لوح شفاف‌ی که آن را ثبت کرده، به نظر برسد.

جوانه‌ای

crocket

در معماری گوتیک به تزئیناتی اطلاق می‌شود که شبیه برگ‌های منحنی‌دار برجسته است و بر روی سرسایه یا مناره مخروطی استفاده می‌شود.

جواهر محذب

cabochon

۱- سنگ قیمتی برش نخورده با تحدب کم. ۲- هر نوع زینتی که شبیه چنین سنگی باشد.

جهان بینی هنری

Weltanschauung (Ger.)

(در زبان آلمانی به معنی «نگرش جهانی») هر ایده کلی و عمومی درباره ماهیت دنیا، آن گونه که تلویحاً و تصریحاً در اثر هنری بیان شده و خود محملی برای نظام اخلاقی یا ارزش داور‌های زیبایی شناختی محسوب می‌شود.

جهان نمای مستوی (Mappa Mundi (Lat.)

تصویری قرون وسطایی که جهان را همچون صفحه مدوری که اورشلیم در مرکز آن قرار دارد نشان می‌دهد.

جهت بخشی

Orientation

رابطه نماهای پیشین ساختمان با جهات اصلی [جغرافیایی] و به ویژه در نقشه‌ریزی کلیساهای اروپای غربی به نحوی که محورهای اصلی ساختمان عموماً به صورت شرقی-غربی و ورودی اصلی در انتهای غربی و محراب کلیسا در سمت شرق قرار می‌گیرد.



چاپ آرای

typography

۱- طرح یک متن چاپ شده. ۲- چاپنقشی که به عنوان یک هنر کاربردی ارزیابی شود. [همچنین نگاه کنید به طراحی حروف.]

همچنین نگاه کنید به حکاکی چوبی. (برای نمونه‌هایی از این نوع چاپ نگاه کنید به تصاویر رقص مرگ*، گروه نوامبر*)

چاپ رنگزدایی discharge printing
نوعی روش تزئین کاری که طی آن بر پارچه‌ای که قبلاً رنگ آمیزی شده، با ماده سفید کننده طرحی رسم می‌شود و بدین ترتیب نقوش سفید بر روی زمینه‌ای رنگارنگ خلق می‌شود.

چاپ لوح ژلاتینی (کالوتیپ) collotype
روش اولیه چاپ مکانیکی عکاسی، با استفاده از لوح ژلاتینی، که در سال ۱۸۶۰ در بریتانیا ابداع شد.

چاپ ژلاتینی gelatin print
عکسی که بر روی کاغذی با ژلاتین آغشته به نمک‌های حساس به نور چاپ شده باشد. در حال حاضر روش استاندارد چاپ عکس‌های سیاه و سفید محسوب می‌شود.

چاپ سایه روشن mezzotint (It.)
(در زبان ایتالیایی به معنی «نیم سایه») نوعی روش حکاکی که در آن هنرمند از سایه‌های تارک به روشن کار می‌کند. نضست تمامی زمینه با



چاپ چوبی، اثر جوست آمان، ۱۵۶۸، که هنرمند را در حین کار نشان می‌دهد.

چاپ پارچه‌ای (سریگرافی) serigraphy
نوعی روش باسمه سازی مبتنی بر چاپ استنسیل. در این روش مرکب یا رنگ را با استفاده از قلم مو بر روی یک پرده ظریف ابریشمی می‌زنند و طرح مورد نظر به صورت بخش‌های پوشیده شده (ماسکه شده) بر روی آن نقش می‌بندد. این پوشش می‌تواند از جنس کاغذ و یا نوعی روغن جلا باشد که بر روی ابریشم به کار می‌رود. مترادف نقاشی سیلک اسکرین. (پاپ آرت*)

چاپ پلاتینی platinotype
۱- روش چاپ عکاسی که در سال ۱۸۵۹ ابداع شد، اما تنها پس از عرضه آن در سال ۱۸۷۹ به بازار بود که کاربرد عام یافت. در این روش به جای نمک نقره از پلاتین استفاده می‌شود، و لذا درجه بندی سایه روشن ظریف‌تر و پایدارتری را امکان‌پذیر می‌سازد. (با افزایش قیمت پلاتین در طول جنگ جهانی اول، کاربرد آن متوقف شد). ۲- چاپنفشی که به این روش تهیه شده باشد.

چاپ ترام‌دار halftone
نوعی روش باز تولید تجاری که از سال ۱۸۷۶ به کار گرفته شد، و به چاپگر امکان می‌دهد تا موضوع را در جایی که سایه‌ها به صورت پیوسته هستند بازسازی کند - یعنی گام‌های سایه روشن را بدون هرگونه گسست قابل رویت با یکدیگر درهم آمیزد - این کار با تجزیه تصویر به نقاط با اندازه‌های مختلف انجام می‌شود. بدین ترتیب که هر جا سایه‌ها تیره‌تر است نقاط درشت‌تر و هر جا که روشنتر است، نقاط ریزتر می‌شوند. این جلوه را می‌توان به روش عکسبرداری از میان یک صافی مخصوص انجام داد.

چاپ چند رنگ chromolithography
چاپ سنگی چند رنگ، که در آن برای هر رنگ از سنگ یا لوح مجزا استفاده می‌شود.

چاپ چوبی woodcut
نوعی روش چاپ دستی با استفاده از قالب چوبی با سختی متوسط که در طول رگ‌های چوب بریده شده است. بخش‌هایی از سطح قالب بریده می‌شود و طرح مورد نظر به صورت برجسته بیرون می‌زند و سپس بر روی آن مرکب می‌زنند. تصور می‌شود این روش در حدود سده نهم میلادی در چین ابداع شد.

یا گاه بر روی پارچه، روش کار بدین ترتیب است که نخست نقش با استفاده از چسب (به جای مرکب) بر روی کاغذ چاپ می‌شود و سپس تا زمانی که چسب هنوز مرطوب است خرده‌های ریز و ظریف را به صورت یکنواخت بر روی آن می‌ریزند. از این روش در سده‌های پانزدهم در اروپا برای ساخت نوعی باسمة قالب چوبی استفاده می‌شد و از سده هفدهم به بعد برای ساخت کاغذ دیواری نیز به کار رفت.

چاپ مسطح planography
هر نوع روش چاپ از روی یک سطح مستوی؛ مانند چاپ سنگی.

چاپ‌نقش، چاپ impression
۱- هر یک از نسخ منفرد یک چاپ یا باسمة حکاکی، به ویژه به معنی ورق کاغذی که بر روی آن طرحی حک شده باشد. ۲- فرایند حک کردن یک لوح منقوش بر روی کاغذ.

چاپ‌نقش آزمایشی proof
چاپ‌نقش آزمایشی از یک باسمة کنده‌کاری یا حکاکی اسیدی که برای آزمایش ترکیب‌بندی، و این که اثر نیاز به اصلاح دارد یا نه، تهیه می‌شود. چاپ‌نقش آزمایشی اصلاحی (touched proof) نوعی چاپ‌نقش آزمایشی است که بعداً در آن اصلاحات و تغییراتی ایجاد شده است.

چاپ‌نقش اختصاصی طراح épreuve d'artiste
(در زبان فرانسه به معنی «نشان هنرمند») ۱- در آغاز به چاپ‌نقش آزمایشی یک باسمة اطلاق می‌شد. ۲- حال معمولاً به اولین نمونه چاپ که متعلق به هنرمند است اطلاق می‌شود. این نسخه فاقد شماره است و با قیمتی بالاتر از نسخه اصلی به فروش می‌رسد. معمولاً با حروف A.P یا E.d'A علامت گذاری می‌شود.

۱- چاپ‌نقش، چاپ؛ ۲- اثر چاپی print
۱- تصویری که در کپی‌های متعدد، و از یک لوح یا قالب چوبی حکاکی شده، سیلک اسکرین، سنگ لیتوگرافی، نگاتیف عکاسی و ... چاپ شده باشد. ۲- مواد حروف چاپی یا فیلم.

هاشورهای بسیار ریز و به وسیله ابزار متحرکی به نام گهواره‌های (cradle) پوشیده می‌گردد. این سطح جوهر را به خود جذب می‌کند و لذا به عنوان پس زمینه مشکی ظاهر می‌شود. آنگاه طرح اصلی بر روی آن صیقل می‌خورد و بدین ترتیب جوهر را به خود جذب نمی‌کند و لذا به صورت سفید ظاهر می‌شود.

چاپ عکاسی Woodburytype
نوعی روش چاپ فتومکانیک که در سال‌های ۱۸۶۴-۱۸۶۵ ابداع شد، و برای اولین بار تکثیر و باز تولید شمار انبوهی از چاپ‌ها را امکان‌پذیر ساخت. و لذا از این روش به ویژه برای چاپ تصاویر کتاب در نیمه دوم سده نوزدهم بسیار استفاده شد.

چاپگر imp
(مأخوذ از واژه لاتین impressit «چاپ شده») مترادف: exc.

چاپگر -exc., - excudit., - excudit (Lat)
حروف اختصاری که بر روی باسمة دیده می‌شود و نشانگر آن است که نام پیش از آن متعلق به فرد سازنده باسمة است (نه نام طراح). مترادف imp.

چاپ گود intaglio printing
نوعی روش چاپ (مثلاً به صورت گراوور) که به واسطه آن طرح بر روی لوح، حکاکی اسیدی یا کنده‌کاری شده و سپس لوح با جوهر پوشیده می‌شود. پس از آن سطح لوح را کاملاً تمیز می‌کنند و جوهر فقط در قسمت‌های نقر شده باقی می‌ماند. آن‌گاه لوح را بر روی کاغذ فشار می‌دهند تا اثر لوح به طور مستقیم بر روی کاغذ چاپ شود.

چاپ مالشی poupée, à la (Fr.)
(در زبان فرانسه به معنی «با مالش دهنده») روش تهیه یک چاپ‌نقش حکاکی اسیدی یا گودکنی، با ایجاد چند چاپ از یک لوح، که در هر بار از یک رنگ متفاوت و نیز از یک مالش‌دهنده (رول کاغذ یا دستمال پارچه‌ای) استفاده شود. این روش برای نخستین بار در سده هفدهم در هلند به کار گرفته شد.

چاپ مخملی flock printing
روش ساخت نقوش مخملی برجسته بر روی کاغذ،

بهترین نمونه این نوع چاپها چاپنشهای یوکیوته هستند.

چاپنش کاغذ چینی

épreuve sur chine (Fr.)

(در زبان فرانسه به معنی «نشان روی کاغذ چینی») چاپنش نمونه‌ای که بر روی یک کاغذ نازک محکم و با سطح صاف کشیده می‌شود و گاه برای کتاب‌هایی که نیاز به سختی و دوام دارد (برای مثال انجیل و کتب نیایش) به کار می‌رود.

چاپنش کاغذ ژاپنی

épreuve sur japon (Fr.)

(در زبان فرانسه به معنی «نشان روی کاغذ ژاپنی») چاپنش نمونه‌ای که بر روی کاغذ نازک صاف و سایه روشن با الیاف نامنظم قابل رویت، معمولاً از جنس پوست درخت توت سیاه کشیده می‌شود.



چاپنش قالب چوبی: دوبازیگر کابوکی و یک چاپنش یوکیوته اثر شاراکو، ۱۷۹۳. بر آستین هر یک از آنها یک نشان اختصاصی ژاپنی نقش بسته است.

چاپنش درشت قلم broad manner

نوعی روش چاپ حکاکی رنسانس ایتالیا، که طرح خطوط ضخیم آن، جلوه‌ای زمخت پدید می‌آورد. اما در روش «نازک قلم» (Fine manner) که در آن از خطوط نازک استفاده می‌شود، سایه روشن‌های متنوع‌تری را امکان‌پذیر می‌سازد.

چاپنش رنگی benizurie (Jap.)

(در زبان ژاپنی به معنی «تصویر چاپی یا چاپنش قرمز رنگ») چاپنش که رنگ آن با بیش از یک قالب ساخته شده باشد. نگاه کنید به چاپنش قالب چوبی.

چاپنش رنگین ژاپنی nishiki - e (Jap.)

(در زبان ژاپنی به معنی «تصویر زیبفت») باسمة گرانقیمت ژاپنی، که در آن از رنگ‌های بی‌شماری استفاده می‌شود.

چاپنش سایه روشن

chiaroscuro Woodcut

چاپنش چوبی که با چند لوح رنگی مختلف چاپ شود، و لذا فرم‌ها به نظر کاملاً سه بعدی برسند.

چاپنش سرندی manière criblée (Fr.)

(در زبان فرانسه به معنی «به حالت سرنده شده») نوع قدیمی‌تری از چاپ نقطه‌ای که در آن طرح - شبیه به حکاکی چوبی - به صورت خطوط سفید بر روی زمینه سیاه، و نقوش تزئینی جالبی به شکل نقاط سوراخ شده ظاهر می‌شود.

چاپنش سفید قلم

white line engraving

گراور از یک قالب چوبی که طرح بر روی آن کنده کاری شده و مرکب بر سطوح حکاکی نشده زده می‌شود. بدین ترتیب تصویر یا طرح به صورت خطوط سفیدی بر روی یک زمینه سیاه ظاهر می‌شود.

چاپنش قالب چوبی wood block print

نوعی چاپنش که با استفاده از قالب‌های چوبی مجزا، هر یک با رنگی مجزا، کنار هم چیده می‌شود و طرح را تکمیل می‌کنند. گاه یک رنگ بر روی رنگ دیگری می‌افتد تا رنگمایه‌های متنوع‌تری پدید آید.



محسوب می‌شود و غالباً در نقاشی به عنوان نشان
یهودیت است و گاه نیز به عنوان شیء تزئینی به کار
می‌رود.

۱۳۷۴

چرخش **return** ادبیات

به هر نوع تغییر جهت بخشی از بنای ساختمان
اطلاق می‌شود، به ویژه به چرخش با زاویه قائمه که
در مشخصه‌هایی چون قرنیز یا آبچکان ساخته
می‌شود. (برای تصویر نگاه کنید به ابزار*.)

چسب، آهار **size**

محلول رقیق چسب که برای سخت کردن کاغذ یا
پارچه به کار می‌رود و یا به بوم می‌زنند تا قدرت
جذب آن را کاهش دهد. همچنین از آن به عنوان
بنیانی برای طلاکاری بر روی اندود و به عنوان
بست برای رنگ لعابی هم استفاده می‌کنند.

چاپنقش مجدد **maculature**

چاپنقش ضعیف حاصل از اثر ثانوی یک باسمه
بدون مرکب زدن مجدد، گاه از آن به عنوان چاپ
نمونه استفاده می‌شود، و لذا پیش از مرکب زدن
مجدد، می‌توان اصلاحات مورد نظر را روی آن انجام داد.

چاپنقش نقطه‌ای **stipple print**

چاپنقشی که تمامی طرح آن از نقاط بسیار ریز
تشکیل شده باشد.

چاپنقش نقطه چین **dotted print**

نوعی باسمة حکاکی که در آن طرح با حک کردن
نقطه چین‌هایی بر روی لوح خلق می‌شود. (چاپنقش
سرنودی، شکل ابتدایی چاپنقش نقطه چینی محسوب
می‌شود.)

چاپ‌های کمیاب قدیمی **incunabla (Lat.)**

(در زبان لاتین به معنی «نوار پیچ») کتاب‌هایی که
پیش از سال ۱۵۰۱، طی دوران آغازین چاپ، به چاپ
رسیدند.

چارپایی **charpoy**

(ماخوذ از واژه فارسی «چارپایه») تخت هندی.

چتری **chatri, chattra (Skr)**

گنبد چتری شکل در معماری هند. معمولاً با ابعاد
کوچک و به منظور تزئینات الحاقی ساخته می‌شود.



چند گنبد چتری سالن شمال غربی «رام باغ» در آگرا را در
برگرفته‌اند، ۱۵۲۶.

چراغ هفت شمع **menorah (Hebrew)**

(در زبان عبری به معنی «شمعدان») چراغ هفت شمع
مقدس یهودی که بخشی از لوازم معبد اورشلیم



بازنمایی یک چراغ هفت شمع، ماخوذ از یک نسخه خطی
تذهیب‌کاری شده فرانسوی، ۱۲۹۹ م.



چلیپای سلتی در «آهنی»، Co. Tipperary، حدود سدهٔ هشتم میلادی.

چندین حلقهٔ کوچکی که در بالای ستون دوریک قالبگیری می‌شود. (شیوه‌های معماری)*

چوب تکیه دست mahlstick
چوبی بلند، که یک سر آن را هنرمند در دست چپ خود می‌گیرد تا تکیه‌گاهی برای دست راست خود کند (دستی که قلم مو را گرفته) و سر دیگر چوب با پارچه پیچیده می‌شود و بر روی بوم تکیه داده می‌شود.

چوب خمکاری شده bent wood
چوب چندلا به صورت ورق یا الوار، که تحت حرارت بخار به فرم‌های منحنی شکل در می‌آید. غالباً از آنها برای ساخت مبلمان استفاده می‌شود. نخستین بار به صورت تجاری در مقیاس انبوه توسط مایکل تونت (۱۸۷۱ - ۱۷۹۶) طراح اطریشی به کار برده شد. بعدها در مبلمان‌هایی که آلوار آلتو (۱۹۷۶ - ۱۸۹۹) و مارسل بروئر (۸۱ - ۱۹۰۲) طراحی کردند به کار رفت. (نگاه کنید به تصویر صفحهٔ بعد)

چسب زنی سفالینه luting
متصل کردن قسمت‌های مختلف یک شیء سرامیکی با گل آب مایع (یا lute) پیش از مرحلهٔ پخت.

چسب طلاکوب glair
استفاده از سفیدهٔ تخم مرغ به عنوان واسطی برای رنگدانه در رنگ تمپرا و نیز برای خاک طلا در طلاکوبی.

چسب موم cera colla (It)
(در زبان ایتالیایی به معنی «چسب مومی») مخلوطی از موم و چسب مایع، که هنرمندان پیزانسی و بدوی‌گرای ایتالیایی به عنوان حامل رنگ (یا حلال رنگ) برای نقاشی تمپرا استفاده می‌کردند.

چفت کاری coving
ابزار با فرو رفتگی عمیق، به ویژه در محل تقاطع دیوار داخلی و سقف.

چفت مزین morse
گیره یا چفت بزرگ که برای صندوقچه‌های قرون وسطایی به کار می‌رفت و با موضوعات مذهبی تزئین شده بود. غالباً با ابعاد بزرگ (۱۸ - ۱۲ سانتی‌متر).

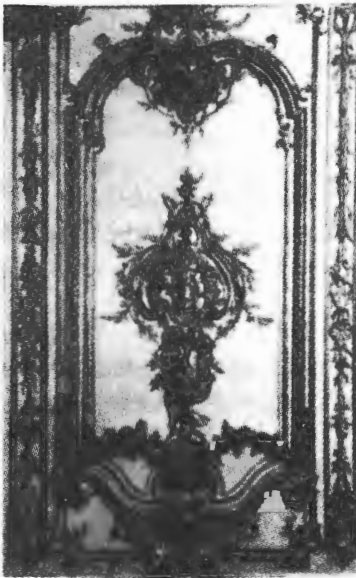
چلیپای سلتی Celtic cross
چلیپایی با پایه بلند، و بازوهای افقی کوتاه که دایره‌ای در مرکز تقاطع آن دو قرار می‌گیرد.

چلیپای لاتین Latin cross
چلیپایی که طول پایهٔ آن بیشتر از سه بازوی دیگر آن است.

چلیپای مصری ankh
در خط هیروگلیف مصر باستان بیانگر کلمهٔ «زندگی» بود. شکل آن مانند چلیپای تائو است که حلقه‌ای بر روی آن قرار دارد. (← قاب تزئینی)*

چلیپای یونانی Greek cross
چلیپایی که طول بازوهای افقی و عمودی آن برابر باشد.

چنبرهٔ سرستون annulet, annulus (Lat.)
(در زبان لاتین به معنی «حلقوی»، «حلقه»). یکی از



چوبکاری تزئینی در تالار مشاوره کاخ ورسای متعلق به دوره لویی پانزدهم؛ نمونه‌ای از سبک روکوکوی ابتدایی و مقید، با دو قاب کبیه.



سندلی تونت با چوب خمکاری شده، حدود ۱۹۰۰. قطعات مختلف آن را می‌توان از هم باز کرد و به صورت سطح بسته‌بندی نمود

تمثیل چوپان نیکوکار (قدیس یوحنا ۱۰:۱۱) این شکل از شمایل نگاری در هنر صدر مسیحیت رواج داشت.

چوریگوارایی *churrigueresque*
نوعی سبک تزئینی و معماری اغراق شده و شاخه فرعی از روکوکو، که در اسپانیا، امریکای لاتین و پرتغال رایج شد و به تبعیت از نام خوزه بنیتو دو چوریگوارا معمار اسپانیایی نام‌گذاری شد.

چهار پره *quatrefoil*
(در زبان فرانسوی - انگلیسی به معنی «چهاربرگ») نقشمایه تزئینی به شکل چهاربرگ، به ویژه شکل چهارپره‌ای که در توری کاری گوتیک استفاده می‌شود.

چهار گوش افریز *metope (GK.)*
فضای مربع شکل بین سه ترکی در افریز در ستون به شیوه دوریک، که گاه با تزئینات نقش برجسته مزین شده باشد. (برای تصویر نگاه کنید به پیشانی*)

چهره‌ای *carnations*
به رنگ‌های پوست بدن در نقاشی اطلاق می‌شود.

چوبسان *mokume (Jap.)*
(در زبان ژاپنی به معنی «نقش چوب») آثار فلزکاری ژاپنی و نسخه اروپایی آن‌ها، که در آن لایه‌های فلز آهنگری شد، و به هم جوش می‌شوند بدین ترتیب به صورت نقوش مارپیچ هم مرکز، شبیه به «نقش چوب» ظاهر می‌شوند. ۲ - لاک الکل ژاپنی که ظاهری مشابه مورد قبل دارد، و از طریق روی هم‌گذاری لایه‌های لاک الکل و حرارت دادن آنها و سپس صیقل دادن سطح لایه‌ها حاصل می‌شود.

چوبفرش *parquetry*
نوعی معرق‌کاری با نقوش هندسی.

چوبکاری تزئینی *boiserie (Fr.)*
(در زبان فرانسه به معنی «لته‌سازی چوبی») ساخت لته‌های با تزئینات فراوان منبت‌کاری یا رنگ‌آمیز شده که در معماری داخلی فرانسه سده‌های هفدهم و هیجدهم رایج بود.

چوپان نیکوکار *Good Shepherd*
بازنمایی مسیح به شکل یک چوپان که گوسفندی را بر شانه‌های خود حمل می‌کند، که تلمیحی است از

چیپندال چینی وار Chinese Chippendal
 مبلمان با تزئینات چینی وار انگلیسی، از نوعی که در کتاب توماس چیپندال به نام راهنمای کایت سازی (۱۷۵۳) توصیف شده است.

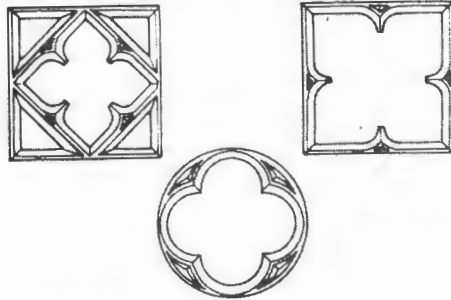


مبلمان چیپندال چینی وار از گلاستر شایر، حدود ۱۷۶۰. تخت خواب دارای نقوش زنجیره هندسی چینی است.



چوریگوارایی: محجر محراب در کلیسای سن سباستین، سالامانکا، اثر خوزه بنیتو چوریگوار.

چین پرده ای linenfold
 نقوش تزئینی که غالباً در اواخر سده پانزدهم و طی سده شانزدهم برای پرکردن قاب بندی های چوبی و یا تزئین مبلمان به کار می رفت. علت این نامگذاری به دلیل شباهت این نقوش به خطوط پرده چین خورده است.



آذین چهارپره (چهاربرگ).

چینه (کاه گلی) pisé, pisé de terre (Fr.)
 (در زبان فرانسه به معنی «خاک ساییده شده») ۱- مخلوط گل و کاه که بین دو صفحه فشرده می شود و می گذارند تا خشک شود. ۲- روش ساختمان سازی که از این مواد استفاده کنند.

چینی porcelain
 انواع مختلف سرامیک به شدت سخت و شفاف که با کائولین و سلیکا و در حرارت پخت بالا (۱۲۵۰ - ۱۲۵۰ سانتی گراد) ساخته می شود. این آثار نخستین بار در سده های هفتم و هشتم میلادی در چین تولید می شد، اما روش ساخت آن در سال ۱۷۰۹ در میسن اروپا کشف شد. مترادف: *Pâte dure, true porcelain* همچنین نگاه کنید به چینی اروپایی، چینی استخوانی، سفالینه نشکن.

چهره سازان کوچ نشین Pattern Painting
 اولین مکتب قابل تشخیص هنر بومیان امریکای شمالی در نیمه اول سده هجدهم، و شامل آثاری است که گروهی از نقاشان چهره پرداز ناشناخته به سفارش مشتریان خود، ساکنین هلندی رودخانه دره هاتسون، پدید آوردند.

چهره گشا face painting
 اصطلاح قدیمی انگلیسی برای نقاشی پرتره، که به سده شانزدهم، که در آن هنگام هنوز نقاشان به عنوان صاحب فن مورد توجه بودند باز می گردد.



ابریق چینی ابتدایی سلسله تانگ با لعاب سبز زیتونی.

می‌شد و آن را در دمای نسبتاً پایینی پخت می‌دادند (کمتر از ۱۲۵۰ درجه سانتی‌گراد) مترادف: *soft paste porcelain*

چینی استخوانی *bone China*
چینی براق محتوی خاکستر استخوان، که نخستین بار در ۱۷۲۸ در انگلستان ساخته شد.

چینی اصل ژاپنی *Shonsui (Jap.)*
۱ - قدیمی‌ترین آثار سرامیک ژاپنی سده شانزدهم، که گورودایو - گوشونسوی پس از فراگیری راز و رمزها و شیوه ساخت سرامیک در چین، و بعد از ساکن شدن در حومه آریتا، ساخت. ۲ - آثار سرامیکی که در اواخر دوره مینگ، از حکومت وان لی (۱۶۱۹ - ۱۵۷۳) به بعد، به ویژه برای بازارهای ژاپنی در جنوب چین ساخته می‌شدند.

چینی ایماری (چینی پرنقش ژاپنی)
Imari (Jap.)

آثار چینی با تزئینات فراوان در آریتای ژاپن که از بندر ایماری به بازارهای اروپایی بازرگاری و صادر می‌شد. سابقه این آثار به اواخر سده هفدهم به بعد می‌رسد و در آن آبی زیر لعابی با مینای رولعابی (عمدتاً به رنگ قرمز) و طلا با هم ترکیب می‌شود. آثار «ایماری» چینی‌ها نیز به تقلید از اصل ژاپنی آن برای رقابت در گرفتن بازارهای اروپایی تولید می‌شد. بعدها تزئینات ایماری در سده هیجدهم و نوزدهم از سوی تولیدکنندگان آثار چینی انگلستان به کار گرفته شد.



قاب‌های چوبی با نقوش منبت‌کاری شده چین پرده‌ای بر روی یک صندلی انگلیسی از چوب کاج، متعلق به سده شانزدهم.

چینی آبی سفید *ching - pai ware (Chi)*
چینی ساخت کشور چین با لعاب آبی روشن، و معمولاً با تزئینات قالبگیری شده، که طی دوره سونگ و یان در جنوب چین تولید می‌شد. از این نوع چینی به میزان زیاد به خاورمیانه و اروپا صادر می‌شد.

چینی ابتدایی *proto - porcelain*
نوعی سفالینه نشکن با پخت در دمان بالا، که طی سده‌های چهارم و سوم پیش از میلاد در چین ساخته می‌شد، و حال از آن به عنوان سلف مستقیم چینی اصل نام می‌برند.

چینی اروپایی *pâte tender (Fr.)*
(در زبان فرانسه به معنی «خمیر نرم») تقلید اروپائیان از چینی «اصل»، که برای نخستین بار در سده شانزدهم تولید شد (نخستین نمونه‌های باقی مانده از این آثار به کارخانه مدیسی در فلورانس مربوط می‌شود)، و سپس با شدت بیشتر در سده هجدهم در کارخانه سیوره و دیگر کارخانجات فرانسه، انگلستان و ایتالیا تولید شد. این چینی‌ها معمولاً از مخلوط گل و شیشه سفید ساخته

چینی ژزوئیتی

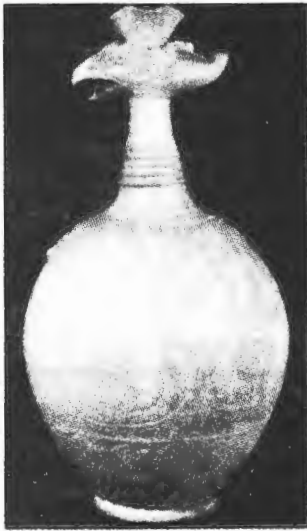
اطلاق به همه نوع تزئینات مینایی به کار می‌رود.
مترادف: *Five Colour*

چینی پوست تخم مرغی
eggshell procelain

نامی رایج برای چینی بسیار نازک، به ویژه ظروفی که از سده پانزدهم به بعد در چین ساخته شدند.

چینی تینگ (چینی عاج‌نما)
Ting ware, Ting yao

نوعی چینی ابتدایی سفید عاجی نیمه شفاف، غالباً با طرح‌های برجسته کاری، که عمدتاً در تینگ و در استان هوپی چین در سلسله‌های سونگ و یان (سده دهم تا چهاردهم) رایج بود.



چینی تینگ سفید: کوزه با دهانه به شکل سرپرنده، که بر روی بدنه آن تزئینات برجسته طومار لوتوس نقش بسته است. سلسله تانگی.

چینی حقیقی
pâte dure (Fr.)
(در زبان فرانسه به معنی «خمیر سخت») اصطلاح فرانسوی برای چینی حقیقی.چینی ژزوئیتی
Jesuit porcelain
نوعی چینی تزئین شده کشور چین، معمولاً به

پیکره چینی یک زیبایی ژاپنی از آریتا، حدود ۸۲ - ۱۶۷۳. ردای زن به صورت چینی ایمازی ژاپنی تزئین شده است.

چینی پاروسی
Parian
نوعی چینی معمولاً بدون لعاب که به روش ریخته‌گری ساخته می‌شود، و برای نخستین بار در سال ۱۸۴۶ در کارخانه کولند انگلیس تولید شد علت این نام‌گذاری به دلیل شباهت آن با مرمر سفید جزیره یونانی پاروس است. مترادف *Statuary Porcelain*.چینی پارسی (Fr.)
porcelaine de Paris
نوعی چینی که در تعدادی از کارخانجات کوچک در پاریس یا حومه آن طی سال‌های ۱۷۷۰ تا ۱۸۲۰ تولید می‌شد. این کارخانجات که تحت حمایت دربار سلطنتی یا اشراف فعالیت می‌کردند، از حمایت انحصاری لوئی پانزدهم از کاخانه (Sevres)، کناره جستند.چینی پنج رنگ
wu t' sai (Chi)

(در زبان چینی به معنی «پنج رنگ») نوعی چینی سفید کشور چین با تزئینات مینای زیرلعابی (یا گاه با تزئیناتی که مستقیماً روی سفال بدون لعاب، انجام شده) که به سلسله مینگ (۱۶۴۲ - ۱۲۶۸) و به ویژه دوره حکومت وان لی (۱۶۱۹ - ۱۵۷۲) مربوط می‌شود، این اصطلاح از پنج رنگ بشقاب سرامیک‌های رنگی اخذ شده است - سبز سیبی، قرمز آهنی، زرد، کبود، آبی بنفش (نگاه کنید به سرامیک‌های رنگ لعابی) - اما این توصیف برای

و معمولاً حاشیه آنها با طرح‌هایی تکرار شونده نقاشی می‌شد. این نامگذاری بر اساس نام کشتی بادبانی پرتقالی یا کشتی تجاری که این آثار بارگیری می‌شد انتخاب شده است.

چینی نابشیما Nabeshima (Jap.)

نوعی چینی ژاپن در اوکواوشن، در استان هیزن که در کوره‌هایی که در اواسط سده هفدهم توسط نابشیما شاهزاده کاکا تأسیس شد، ساخته می‌شدند. تزئینات این نوع چینی‌ها غالباً متأثر از سلیقه ژاپنی‌ها مملو از فرم‌های نامتقارن بود.

چینی نقش پرچمی armorial Porcelain

نوعی چینی که با نقوش پرچمی اروپاییان مزین شده و در سده هجدهم و اوایل سده نوزدهم برای صدور به اروپا در چین ساخته می‌شد، معمولاً از گزینۀ رنگ سرامیک‌های رنگ لعابی استفاده می‌شد.



چینی نقش پرچمی: بشقاب چینی اوایل سده نوزدهم از خانواده سرامیک‌های رنگ لعابی (صورتی)، با نشان ایالات متحده در وسط آن. حاشیه بشقاب با نقوش پولکی، نقش مربعی و زنجیره یونانی مزین شده است.

چینی هیرادوی ژاپنی Hirado

چینی آبی سفید ژاپن، که در جزیره هیرادو و در کوره‌های میکاواشی ساخته می‌شد (چینی لعاب زیتونی نیز در همین کوره‌ها ساخته می‌شد). ظریف‌ترین این آثار به دوره اواسط سده هجدهم و اواسط سده نوزدهم باز می‌گردد.

صورت تک رنگ، با مضامینی از تصاویر چاپ‌نقش اروپایی.

چینی سفید blanc de Chine (Fr.)

(در زبان فرانسه به معنی «سفید چینی») اصطلاح رایج در سده هجدهم فرانسه، برای توصیف چینی سفید براق، بدون تزئینات نقاشی، که از سده هفدهم به بعد در تی‌هانو در چین ساخته می‌شد.



بیکره چینی الهه کوا‌ین‌یین، احتمالاً نمونه‌وارترین موضوع آثار چینی سفید. دوره حکومت چینگ.

چینی کاتانی kutani (Jap.)

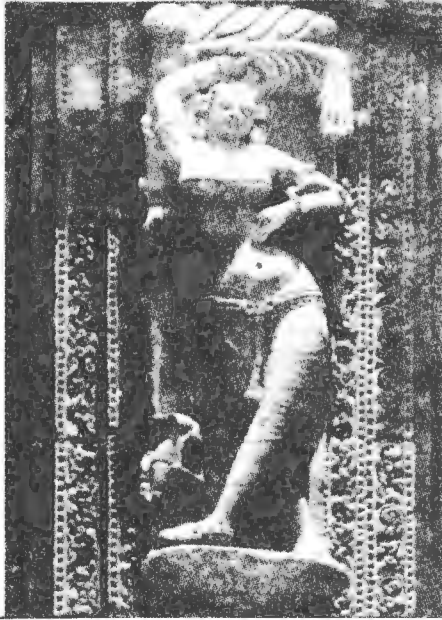
۱- در معنای دقیق به آثار چینی ژاپن که در سده‌های هفدهم و هجدهم در کاتانی (استان کاکا) ساخته می‌شد اطلاق می‌گردد. مترادف: ko kutani (کاتانی پیر). ۲- در معنای عام‌تر به ظروف سرامیکی به سبک کاتانی متعلق به هر زمان یا استانی اطلاق می‌شود.

چینی کراک

kraak porcelain (Dutch)

(مأخوذ از واژه هلندی Kraak به معنی «کشتی بادبانی») چینی آبی و سفید چین متعلق به سده‌های شانزدهم و هجدهم که برای صادرات ساخته می‌شد،

حالت سه قوسی (tribhanga (SKr.)
 (در زبان سانسکریت به معنی «سه خم») حالت موج
 و قوس خورده وضعیت ایستاده که در مجسمه‌های
 هندویی مشاهده می‌شود.



حالت سه قوسی: حالت سینوسی بری طبیعت در زیر درخت
 نخل، از معبد راجارانی، کنارک حدود ۱۰۰۰ میلادی.

حجم (volume)
 ۱ - فضایی که یک پیکره یا شیء سه بعدی اشغال
 می‌کند. ۲ - فضایی که به نظر می‌رسد پیکره یا شیء
 نقاشی شده اشغال می‌کند. مترادف: mass.

حدود تاریخی (circle of)
 اثری که توسط شخصی نزدیک به نام هنرمند
 مذکور و در مکان و زمان معاصر وی اجرا شده
 باشد.

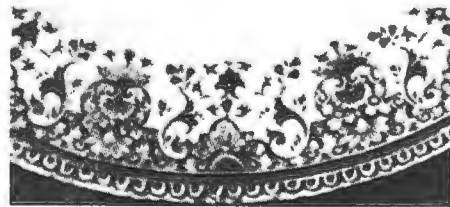
حرارت بالا (grand feu (Fr.)
 (در زبان فرانسه به معنی «آتش بزرگ») مترادف
 پخت در دمای بالا.

حروف ابتر (lettre bâtarde (GK.)
 (در زبان فرانسه به معنی «حرف ابتر») نوعی
 حروف چاپی گوتیک فرانسه، از نظر سبک مشابه

ح

حاشیه کاری (banding)
 اصطلاحی در کمدهسازی برای نوعی حاشیه تزئینی
 خاتمکاری چوبی که با رنگی متضاد با رنگ باقی
 قطعه ساخته می‌شود. اگر بخش‌هایی از آن از
 مجموعه قطعاتی به شکل فلس ماهی تشکیل شده
 باشد، «حاشیه‌کاری پَر شکل» گفته می‌شود، و اگر
 چوب‌ها به صورت عرضی بریده شوند، «حاشیه
 کاری عرضی»، و اگر در طول رگه‌های چوب بریده
 شده باشند «حاشیه مستقیم» گویند.

حاشیه دالبر (lambrequin (Fr.)
 (در زبان فرانسوی نام سرپوشی است که شوالیه‌ها
 بر روی کلاهخود می‌بندند) ۱ - قرنیز یا طاقچه‌ای با
 تزئینات سقف آویز. ۲ - قطعه پارچه‌ای که از یک
 طاقچه یا قرنیز آویزان باشد. ۲ - تزئینات حاشیه‌ای دالبر.



حاشیه دالبر در تزئینات حاشیه یک بشقاب بدل چینی زوآن
 شهری در شمال فرانسه. [سده هجدهم.]

حاشیه شیبدار (splay)
 سطح شیبدار به ویژه یک نعل شیبدار. به نحوی که
 دهانه پنجره در یک سمت دیوار کمی بازتر از سمت
 دیگر می‌شود.

حافظ شهر (tyche)
 بازنمایی «طالع» یا روح محافظ شهر، معمولاً در
 هیأت یک زن که تاج بارو شکلی بر سر دارد.

قرون وسطا، به عنوان سیاهچال یا برای مدفون کردن پنهانی اجساد به کار می‌رفت.

حقه خشخاشی porppy - head
نوعی عنصر تزئینی که غالباً و نه ضرورتاً با الهام از گل و گیاه ساخته می‌شد و بر بالای نیمکت‌های چوبی و یا دیگر آثار درودگری گوتیک و قرون وسطایی نصب می‌گشت.

حکاک لوح -inc.,- incid.,-
(Lat.)incisor,-incidit,-
(مأخوذ از واژه لاتین *incisit* به معنی «بریدن») حروف اختصاری که معمولاً بر روی چاپنش دیده می‌شود و بعد از نام حکاک لوح چاپی می‌آید.

حکاک -sculpebat sculpsit,- sculp.,-
SC.,- (Lat.)
(در زبان لاتین به معنی «حکاک شده، حکاک‌ی») حروف اختصاری یا کلمه‌ای که بر روی باسمه‌ها دیده می‌شود و نشانگر آن است که نام قبل از آن مربوط به حکاک طرح است.

حکاک اسیدی سایه‌دار aquatint
نوعی روش حکاک اسیدی که در آن یک صفحه فلزی با غشای منفذدار پوشیده می‌شود تا جلوه‌های زبر و مخلخل ایجاد کند. آنگاه قسمت‌هایی که باید کاملاً سفید به نظر رسند با یک ماده مقاوم در برابر اسید، عایق‌کاری می‌شوند. سپس صفحه را در درون یک طشت اسید فرو می‌کنند، و سوراخ‌ها و منفذهای ریز روی غشاء به اسید امکان می‌دهد تا با مس زیر آن تماس پیدا کند. سپس غشاء از صفحه جدا می‌شود، و مجدداً می‌توان این اعمال را برای تاکید بر برخی مناطق خاص تکرار کرد و باقی سطوح را عایق‌کاری کرد تا صفحه به میزان سایه‌روشن بلخواد حکاک و گود شود. بعد از این مراحل که صفحه گودکنی شد، آن را مرکب اندود کرده و برای چاپ استفاده می‌کنند. گاه همراه با روش حکاک اسیدی خطی به کار می‌رود.

حکاک اسیدی مدادی soft - ground etching
نوعی روش حکاک اسیدی که در آن زمینه با پیه مخلوط می‌شود و طرح بر قطعه کاغذی که روی لوح

حروف چاپی شوایخر است که کاکستون در سده پانزدهم از آن استفاده می‌کرد.

حروف بزرگ (چاپی) upper case
در حروفچینی، به حروف بزرگ اطلاق می‌شود. در مقابل حروف کوچک (lower case). این نام گذاری [معنای تحت‌اللفظی آن جعبه بالایی است] به دلیل آن بود که در قدیم، چاپگر حروف فلزی به طور سنتی از جعبه بالایی برای نگه‌داری حروف سربی این نوع حروف چاپی استفاده می‌کرد. (حروف چاپی **).

حروف چاپی typeface
هر یک از هزاران فرم حروف که غالباً با تفاوت‌های بسیار ظریف از یکدیگر متمایز شده‌اند، و در چاپ به کار می‌روند. هر نوع حروف چاپی دارای چند اندازه متفاوت است، برای مثال متن این کتاب با حروف یاقوت اندازه ۱۰ حروفچینی شده است. برای آشنایی با خانواده‌های حروف چاپی در الفبای لاتین به این مدخل‌ها مراجعه کنید: حروف سیاه، فراکتور، حروف ابتر، رومی، ایتالیک، سان سریف، شوایخر.

حروف سیاه black letter
اولین گروه از حروف چاپی که به «گوتیک» هم معروفند، و تقلیدی است از نسخ خطی لاتین مربوط به بعد از سده دوازدهم (خوشنویسی **). مشخصه اصل این حروف خطوط اصلی پهن، خطوط نازک مویی، فرم حروف فشرده شده، و اجتناب از خطوط منحنی است. این حروف در آلمان و اطریش تا پس از جنگ جهانی دوم رایج بود (همچنین نگاه کنید به حروف چاپی فراکتور، حروف ابتر، شوایخر).

حروف کوچک (چاپی) lower - Case
در حروف چینی [لاتین] به حروف کوچک چاپی اطلاق می‌شود، در برابر حروف بزرگ (upper case). نامگذاری آن مأخوذ از جعبه‌ای بود که چاپگر برای نگه‌داری حروف چاپی فلزی کوچک از آن استفاده می‌کند. (حروف چاپی **)

حفره فراموشی

oubliette (Fr.)
(مأخوذ از واژه فرانسوی *oublier* به معنی «فراموش کردن») حفره یا گودی درون ضخامت دیوار استحکامات یا زیر یکی از طبقات، که در دوران

ABCDEFGFG

UPPER CASE

حروف بزرگ

سریف SERIF

ASCENDERS

دنباله‌زیرین

X - HEIGHT

ارتفاع حروف کوچک

BASE LINE

خط کرسی

DESCENDERS

دنباله‌زیرین

LOWER CASE

حروف کوچک

also sol zürichren. Ir ganze höbe
das postement hoch seyn. Die sel
simps/vnd ein teil das ober gesim:
teilen zwen/ist die breite des poste

Schwabacher, from Frotschauer's Kunstrich Buch, 1567. شوابخر

Quod nū audiffet dauid: descendit in
presidiū. Philistinū autem venientes
diffultū sunt in valle raphaim. Et cō-
suluic dauid dām dicens. Si ascēdā

Fraktur, from Gutenberg's 42-line Bible, c. 1455. فراکتور

Dann wenn man die Jonica kützer dan
blochächtig schreyen: dann sij nit so vil:
ker ein postement ist/ge breiter vnd dicker
ne/habend sij die gesimpr am postement

Cursive, from Frotschauer's Kunstrich Buch, 1567. تحریری

TRAGLI altri effetti della f
ftato da alcuni anoverato
sollevarfi, che fanno quasi tutti i i
nelli strettissimi, che in effi s'imme

Roman, from Magalotti's Saggi, 1691. رومی

Hic elegos? mpune diem consumpserit ingens
Xelephus? aut summi plena iam margine libri
Scripsit, et in tergo nec dum finitus, Orestes?
Non magis nulli domus est sua, quam mihi lu

Italic, designed by Aldus Manutius, 1501. ایتالیک

(با) نمونه‌ای از حروف گاراموند، از ابتدایی‌ترین حروف چاپی، که برخی از عناصر حروف چاپی در آن مشخص شده است.

(چپ) اولین سبک‌های حروف چاپی. (برای تعاریف هر یک به مدخل مربوطه رجوع کنید.)

خوابانده می‌شود، با مداد ترسیم می‌گردد. زمینه نقوش کاغذ را به خود می‌گیرد، و چاپنش حاصله، جلوه نرم و مبهمی شبیه به طرحی که با گچ یا مداد رسم شده پدید می‌آورد.

حکای الماسی

diamond – point engraving

روشی برای تزئین کردن شیشه، و گاه سفال، به وسیله خراش دهی یا ضربه زنی با قلم سوزنی با نوک لوزی شکل.

bright cut decoration

حکای براق

نوعی حکای نقره مربوط به اواخر سده هیجدهم و سده نوزدهم که در آن برش‌های ریز و کوچکی به شکل نقوش هندسی و با زاویه‌ای که جلوه‌های براق و پر تلاؤل پدید می‌آورد ایجاد می‌شود. این روش مشابه روش کنده‌کاری روی مبل چوبی است.

wood engraving

حکای چوبی

روشی که توماس بی‌ویک در انگلستان در اواخر سده هیجدهم، از روش حکای چوب بسط و توسعه داد. در این روش باسمه از یک قالب چوب محکم و با برش‌هایی در عرض رگ‌های چوب (و نه در طول رگ‌ها) ساخته می‌شود. و سپس به شدت صیقل

وسیله خراش دادن با یک ابزار نوک تیز. ۲ - در مفهوم عام‌تر به باسمة چاپ گود (intagrioprint) که با یک وسیله نوک تیز بر روی سطح چاپ برش داده شود. همچنین نگاه کنید به ← چاپ اسیدی، حکاکی مس، حکاکی چوب. (برای تصویر نگاه کنید به جعبه تاریخانه عکاسی*، والایی*)

حکاکی گود، گودکنی intglio

۱ - طرحی که گودکنی شده باشد، در مقابل نقش برجسته. غالباً از حکاکی گود به عنوان نوعی ماتریس (قالب مادر) که در آن نقش برجسته‌ای برای یک سکه، مدال یا مهر ساخته می‌شود، استفاده می‌گردد. مترادف Cavo rilievo. ۲ - ماده بلوری گودکنی شده. همچنین نگاه کنید به برجسته کاری مدالی.

حکمای کلیسا doctors of the Church

تعدادی دین شناس خاص صدر مسیحیت که تصور می‌شود رشد و گسترش اولیه دین مسیحیت را هدایت کردند. در هنر غرب غالباً در کسوت هشت نفر نشان داده می‌شوند؛ معمولاً به صورت پیرمردان محترمی که ایستاده‌اند و کتابی در دست دارند. چهارتن از این پدران غربی یا لاتین - آمبورس، اوگوستین، جروم، جرج کبیر - رایج‌تر از همه هستند. چهار پدر شرقی یا یونانی عبارتند از باسیل گریگوری، نازیانزی، جان کرایسوس و آنتاسیوس.

حلال رنگ vehicle

نوعی واسطه یا ترکیبی از واسطه به اضافه بست که رنگدانه را به صورت معلق در خود در می‌آورد، و امکان می‌دهد تا رنگ حاصله به خوبی بر روی سطح بوم بچسبد. در رنگ لعابی، مواد واسطه و بست به ترتیب آب و چسب است - ترکیب این دو آهار را شکل می‌دهد که یک حلال رنگ محسوب می‌شود.

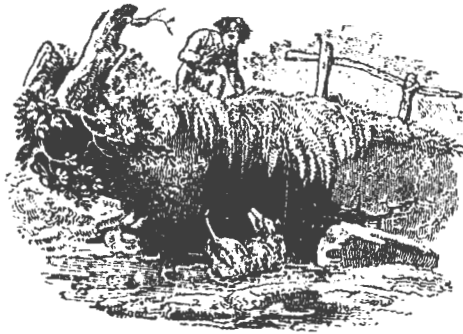
حلقوی annular

۱ - به شکل حلقوی ۲ - متشکل از بخش‌های حلقوی شکل

حماسی heroic

۱ - (برای توصیف مجسمه) اساساً بزرگتر از اندازه طبیعی، اما با همان تناسب اندام و اسکلت. ۲ - (برای توصیف نقاشی منظره) آن نوع نقاشی که برای

می‌خورد و با استفاده از قلم حکاکی یا دیگر ابزارهای با مقطع مختلف (به جای چاقو و مفار) حکاکی و نقش برجسته می‌شود. بخش‌هایی از قالب نیز می‌تواند به سطحی کمی پایین‌تر کاهش پیدا کند تا بدین ترتیب مرکب کمتری مصرف شود و نیز به هنگام چاپ نیاز به فشار کمتری داشته باشد. ترکیب تمامی این تمهیدات قادر است جلوه‌های استادانه‌تری را پدید آورد. در چاپ رنگی نیز، برای هر رنگ یک قالب جداگانه به کار می‌رود و چاپ‌های متوالی یک تصویر کاملاً رنگی را شکل می‌دهند. مترادف xylography همچنین نگاه کنید به چاپ‌نقش سفید قلم.



حکاکی چوبی: اثر توماس بویک برای تصویرسازی اشعار رابرت براون، ۱۸۱۴.

حکاکی روی مس copper engraving

۱ - باسمة‌ای که از لوح مسی ساخته شده و با ابزار نوک تیزی چون مفار حکاکی شده است. ۲ - به خود لوح حکاکی شده هم اطلاق می‌شود.

حکاکی فلزی metal cut

باسمة‌ای که با استفاده از لوح فلزی حکاکی شده و به صورت نقش برجسته ساخته شده باشد (شبهه حکاکی چوب). شیوه چاپ‌نقش سرندی نیز نوعی حکاکی فلزی محسوب می‌شود.

حکاکی فولاد steel engraving

نوعی حکاکی که بر روی لوحی با یک سمت فولاد کار شود. (نگاه کنید به روکش فولادی)

حکاکی، کنده‌کاری engraving

۱ - روش نقش انداختن بر روی یک سطح سخت به

خ

برانگیختن حس شکوه و عظمت طراحی شده باشد. معادل شیوه گرانمایه در سنت منظره پردازی ۲- در مفهوم عام‌تر متمایل به والائی.

حمام hamam, hammam (Arabic)
حمام ترکی، عموماً از سه قسمت ساخته می‌شود: اتاق ریختن، پیش‌اتاقی و اتاق بخار. این حمام‌ها غالباً با کوره‌ای که در زیر آن قرار دارد، گرم می‌شوند.

حیاط بیرونی ward
حیاط یا فضای باز در یک قلعه. مترادف: bailey (نگاه کنید به کاخ بالای تپه.)

حیاط پیشخان cour d'honneur (Fr.)
حیاط اصلی و معمولاً خارجی یک ساختمان عمومی بزرگ یا قصر، که به اتاق‌های اصلی منتهی می‌شود.

حیاط پیشین کلیسا، سرسرا atrium
۱- در اصل به معنی تالار مرکزی باز در خانه‌های یونانی و رومی. ۲- حیاط ورودی یا دهلیز یک کلیسای صدر مسیحیت (← باسیلیکا*) ۳- حیاط ورودی ستون‌دار یک کلیسا. ۴- امروزه در ایالات متحده، به اتاق بزرگ و وسیع در یک هتل یا ساختمان عمومی که به اتاق مهم‌تر دیگری منتهی می‌شود اطلاق می‌گردد.

حیاط چهار ضلعی quadrangle
حیاط چهار ضلعی، به ویژه در ساختمان دانشکده‌های قدیمی.

حیاط خلوت cortile (Lt)
(در زبان ایتالیایی به معنی «حیاط») حیاط داخلی که با طاقگان محیط شده باشد.

خاتمکاری inlay
هر روشی (مثلاً منبتکاری) که طی آن قطعات کوچکی از یک ماده در درون قطعه بزرگتری از یک ماده دیگر قرار می‌گیرد و بدین ترتیب یک نقش را پدید آورد.

خاتمکاری فرنگی intarsia (It.)
نوعی منبت کاری که برای تزئین جایگاه همخوانان و یا قاب بندی کردن اتاق‌ها و ... در ایتالیا به کار می‌رفت. مضمون طرح‌ها عمدتاً یا به صورت تصویری بود، یا جلوه‌های پرسپکتیوی بسیار دقیقی را نشان می‌داد. مترادف: trasia.

خاتمکاری کارتوزیین certosina (It)
خاتمکاری فرنگی شمال ایتالیا سده پانزدهم، مشابه به سبک رایج در صومعه‌های اهل کارتوزیین که در



خاتمکاری فرنگی: قاب چوبی با نقش دیده فریب، که در کارگاه فدریکو، دوک اوربینو بر اساس طرحی از بوتیچلی کار شده است، ۱۴۷۶.

ارتباطات محتمل آن با دیگر آثار هنری که قبلاً دیده است، ابداع کرد.

خدمتکار مصری ushabti
(در مصر باستان به معنی «پاسخگو») نوعی پیکره کوچک مخصوص تدفین، شبیه به بازنمایی معمولی ایزریس (خدای مردگان در مصر باستان) که عمدتاً بر روی آن نام متوفی حک می‌شد. این مجسمه‌ها به تعداد زیاد در مقابر مهم مصری دفن می‌شد، تا در خدمت فرد متوفی و برای انجام فرامین وی باشد. مترادف shawabti

خدمتگاه کشیشان Presbytery
۱ - بخشی از کلیسا که برای استفاده کشیش در نظر گرفته می‌شود. (برای تصویر نگاه کنید به کاتدرال یونانی^{**}). ۲ - ساختمان مسکونی مستقل برای استفاده کشیشان.

خراطی turning
روش شکل دادن به چوب با نصب کردن آن بر روی دستگاه خراطی و استفاده از یک ابزار نوک تیز، مثلاً مغار، و شکل دادن به قطعه چوب در حال چرخش. روش شکل‌دهی با استفاده از حرکت چرخشی به خودی خود قادر به ساخت شکل‌های منظم هم به صورت مجوف (مثلاً کاسه یا فنجان) و هم به صورت پر و قیل کاملاً دقیق (مثلاً پایه صندلی یا نرده طارمی حلزونی شکل) است.

خرپای شیروانی roof - truss
کلافی که به صورت جانبی و با کمی فاصله در زیر لنگه خرپا قرار می‌گیرند، تا ساختار بام^{**} را مستحکم تقویت کنند.

خرسنگ megalith
تخته سنگ بزرگ ایستاده، به صورت پرداخت نشده، و یا به حالت طبیعی آن.

خزانه کلیسا diaconicon (Gk.)
در کلیسای بیزانس، اطاعتی که در ضلع جنوبی حرم واقع است و از آن به عنوان خزانه کلیسا استفاده می‌شود.

خزانه کلیسا sacristy
اتاق خزانه متصل به کلیسا، که برای نگهداری

آن خاتمکاری با قطعاتی از جنس چوب، استخوان و مروارید که با نقوش هندسی نظم یافته بود، انجام می‌شد.

خاکریز fundamenta (It.)
معادل ایتالیایی برای خاکریز یا اسکله.

خاکستری ترکیبی coloured grey
رنگمایه‌ای که حاصل ترکیب رنگ‌های مکمل باشد.

خان، کاروانسرا Khan (Arabic)
(در زبان عربی به معنی «مهمانسرا») مترادف کاروانسرا.

خانواده مقدس Sacra Famiglia
(در زبان ایتالیایی به معنی «خانواده مقدس») مضمونی که در آن مریم مقدس و کودک را به همراه یوسف قدیس (و گاه یوحنا قدیس تعمید دهنده و مادر مریم مقدس) نشان می‌دهد. همچنین نگاه کنید به ملکه ملکوت و کودک، مکالمه مقدس.

خانه، سلول cells
۱ - حجره بین توپزه‌های یک طاق^{**} گوتیک. ۲ - مولفه‌های مجزای یک ساختمان با اسکلت صندوقی. ۳ - فضای تشکیل شده با توپزه‌های یک گنبد^{**} از نوع جیو دیسک (کروی). ۴ - فضاهای جعبه‌ای شکل کوچک در آثار جواهر سازی که برای قرار دادن سنگ قیمتی یا مینا تعبیه شده است. ۵ - گروهی از واحدهای دسته‌بندی شده در یک آرایش شبکه‌ای مثلاً شبیه به شبکه لانه زنبوری.

خانه کشیده long house
مسکن یک طبقه که بر روی پایه قرار گرفته، و به صورت مورب است. این خانه‌ها در گینه جدید و ساراواک یافت می‌شود، ساکنین آنها را خانواده‌های همخویش از یک قبیله که هر کدام بخشی از محدوده «فضا - طبقه» را اشغال می‌کند، تشکیل می‌دهند.

خبرگی هنری connoisseurship
اصطلاحی که برنارد برسون (۱۹۵۹ - ۱۸۶۵) تاریخ شناس هنری برای توصیف استنتاج کارشناس هنری از یک اثر هنری به طور مستقل و بدون مستندات اضافی، و با توجه به دوره تاریخی، وجود یا فقدان فضایل زیبایی شناختی اش و

پایه‌های لعابدار که به نظر شبیه به پره‌های فن می‌رسد. ۲ - قسمت بالایی یک پنجره که لولا شده باشد و لذا مستقل از باقی پنجره باز شود.

خلوص رنگ chroma (Gk.)

(در زبان یونانی به معنی «رنگ») درجه درخشندگی رنگ، یعنی ترکیب رنگمایه و اشباع رنگ.

خمیر شیشه‌ای pâte de verre (Fr.)

(در زبان فرانسه به معنی «خمیر شیشه») پودر شیشه، که در یک قالب پخت داده می‌شود تا ذوب گردد. جلوه حاصل از چنین روشی شبیه سنگ‌های شفاف نیمه قیمتی است.

خمیر شیشه‌گری frit

۱ - ماده اصلی برای شیشه‌گری پیش از مرحله پخت.
۲ - ماده‌ای که برای ساخت چینی خمیر نرم پیش از مرحله پخت استفاده می‌شود. ۳ - پودر شیشه که در ساخت لعاب استفاده می‌شود و برای انواع مختلف سرامیک به کار می‌رود. ۴ - ماده زجاجی که بعداً لعاب می‌خورد و مصریان باستان و خاورمیانه باستان از آن برای ساخت پیکره خدمتکار مصری یا مجسمه‌های دیگر، مهر و طلسم استفاده می‌کردند) در حالت لعابدار، این نوع خمیر شیشه‌گری را بدل چینی هم می‌نامند.

خمیر کاغذ (پاپیه ماشه) papier mâché (Fr.)

(در زبان فرانسه به معنی «کاغذ پاره») کاغذ آماسیده معمولاً در ترکیب با چسب مایع گچ و گاه شن می‌توان آن را با روش قالبگیری شکل داد و سپس خشک کرد. از این روش به وفور در سده هجدهم و نهم برای قسمت‌های کوچکی از مبلمان یا اشیاء تزئینی استفاده می‌کردند.

خواب ابدی Dormition (Lat)

(در زبان لاتین به معنی «خوابیده») نقاشی یا فرسکی که مرگ باکره مقدس را (که مطابق سنت گفته می‌شود فقط به خواب رفته)، تصویر می‌کند. همچنین نگاه کنید به معراج جسمانی مریم عذرا.

خورجین ژاپنی (اینرو) inro (Jap.)

(در زبان ژاپنی به معنی «جعبه دارو») نوعی جعبه لاک الکل که به کمر بند بسته می‌شود و حکم

ظروف مقدس و جامگان کشیش‌ها استفاده می‌شود.

خشت خام adobe (Sp.)

خشت پخته نشده، خشتی که در زیر نور آفتاب خشک شده است.

خشت مربعی quarry tile

خشت کفپوش مربع شکل بدون لعاب.

خشکساز siccative

ماده‌ای که به رنگ روغن افزوده می‌شود تا خشک شدن آن را تسریع بخشد.

خط افق horizon - line

در پرسپکتیو^{**} خطی؛ خطی که به نظر می‌رسد محل تلاقی آسمان و زمین است. نقطه گریز نیز بر روی همین خط قرار می‌گیرد.

خط پاطاق springing line

خطی که با حاشیه زیرین رچ پای طاق شکل می‌گیرد، و از روی آن قوس^{**} خیز بر می‌دارد.

خط زمین ground - line

در فرم‌های نقوش بدوی و نایب، خطی که نمایانگر زمینه‌ای است که پیکره‌ها و اشیاء بر روی آن قرار می‌گیرند.

خط مرزی outline

در طراحی؛ خطی فرضی که مرز یک شیء یا پیکره را بدون توجه به نور، سایه، سه بعد نمایی فرم‌های داخلی یا رنگ مشخص می‌سازد.

خطوط خیزابی chevron (Fr.)

نوعی آذین معماری، به ویژه ابزار به شکل مجموعه‌ای از نقوش ۸ شکل.

خطوط کناره نما contour

خطوط اصلی که یک فرم مشخص را شکل می‌دهند. هنرمند با استفاده از خطوط کناره‌نما می‌تواند شکل پذیری (حجم پذیری) بیشتری را به نمایش بگذارد.

خفنگ fanlight

۱ - پنجره بالای در، غالباً به صورت نیم دایره با

rum. Ascendit in celum. et
 et gloria in secula seculorum
 EUANGELIUM ET OMNIA
 INFERA. IIII. QUATTUOR

Uncials. Early 12th c. خوشنویسی لاتین

Exaltate dominum deum nostrum:
 et adorare in monte sancto eius: quo-
 niam sanctus dominus deus noster:
 Ubi latet deo omnis terra: servite do-

Gothic. From the Luttrell Psalter, 14th c. کوتیک

Scritte (inque) littere a c d g g
 ti fo intendere
 che anchora quasi tutte le altre lre
 se hanno a formare in questo :: qua-

Italic. From Arrighi's first writing book, Opera. 1522. ایتالیک

Cursive. From Louis Barbedor's writing manual of 1659. تحریری

The Sense of Honour
 is of so fine and delicate a
 nature, that it is only to be
 met with in minds which

Copperplate. From George Bickham's writing manual of 1743. کوپر پلیت

انواع خوشنویسی لاتین (برای تعریف هر کدام به مدخل مربوطه رجوع شود).

۱ - خیز ۲ - قد پای پلکان
 ۱ - ارتفاع یک قوس* که از خط پاطاق تا
 تاج اندازه گیری می شود. ۲ - ارتفاع پلکان که از کف
 یک پله تا کف پله بعدی اندازه گیری می شود.

خمیکا
 Kincob (مأخوذ از واژه فارسی «خمیکا») پارچه ای که با
 نخ های طلا یا نقره زربفت شده است.

خورجین کوچکی برای لباس سنتی ژاپنی که فاقد جیب است، دارد. معمولاً «اینرو» به چند قسمت تقسیم می شود و مملو از تزئینات است. (نقسوکی*)

خوشنویسی
 Calligraphy
 نوعی شیوه نوشتاری تزئینی که در غرب عمدتاً با قلم انجام می شود و در چین و ژاپن با قلم مو. همچنین نگاه کنید به کوپر پلیت، تحریری، ایتالیک، اونسبال.

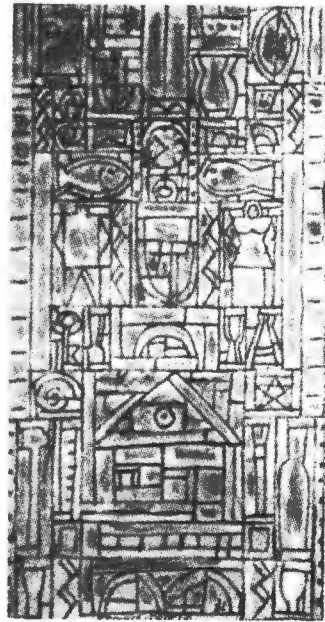
خوشنویسی لاتین
 uncial
 نوعی خط نقاشی که در سده چهارم ابداع شد و از سده های پنجم تا هفتم بر طور گسترده در نسخ خطی اروپایی رواج یافت. فرم حروف مربوط به حروف بزرگ رومی است، با این تفاوت که زوایای تیز آن کاملاً مدور و منحنی شکل شده است.

door, parts of در، قسمت‌های مختلف در
Architrava فرسب ابزار حول درگاهی
Muntin وادار. عضو عمودی بین دو قاب بندی
 تزئینی
Rail عضو افقی کلاف در
Stile عضو عمودی کلاف در

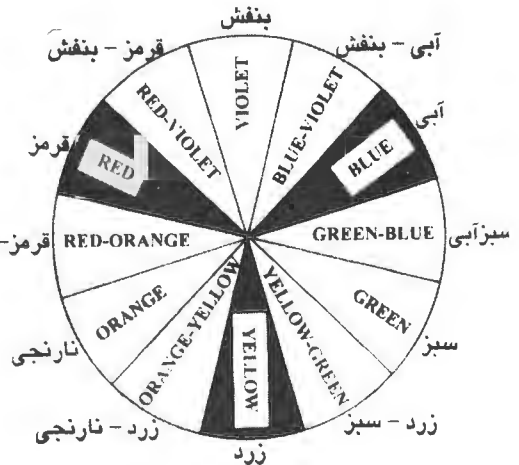
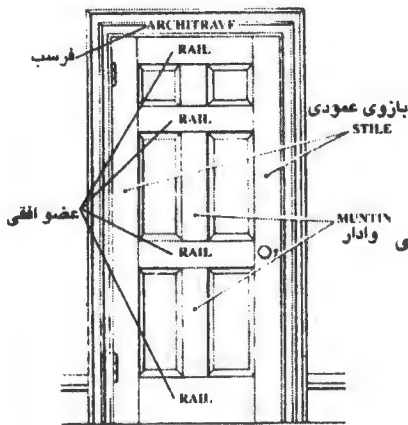
durbar, darbar (Per) دربار
 تالار بار عام در هند و ایران.

jib door, gib door در بی کلاف
 دری که مماس با سطح دیوار ساخته می‌شود و گاه
 آن را با پوششی از کاغذ دیواری نقش‌دار، ازاره و
 غیره که هم سطح با دیوار است، مخفی می‌کنند.

Tree of life درخت زندگی
 تصویر یک درخت بزرگ با شاخه‌های عجیب و
 غریب و نامتقارن و از گونه ناشناخته، که به عنوان
 نقشمایه در سده هفدهم انگلستان و به عنوان الگویی
 برای چاپگران هندی پارچه متقال، ابداع شد. این
 نقشمایه از هند به چین رفت و از آنجا به اروپا
 بازگشت و به عنوان یک نقش شرقی اصیل مورد
 توجه قرار گرفت.



دایره و مربع: ژاکوئین توره گارسیا، ترکیب‌بندی متقارن ۱۹۳۱،
 نمای پیشین یک کلیسا را با سبک ابتدایی موندریان، و نمادهای
 مسیحی همچون ماهی نمایش می‌دهد.



تماماً از چوب ساخته شده باشد.

در کشویی ژاپنی (shoji (Jap.)
در کشویی ژاپنی، از جنس کاغذ که بر روی یک کلاف چوبی کشیده می‌شود.

درگاه سه خرسنگی (trilithon)
(در زبان یونانی به معنی «سه سنگ») نوعی ساختمان پیش از تاریخ متشکل از یک قالب سنگی بزرگ که بر دو خرسنگ قرار می‌گرفت.

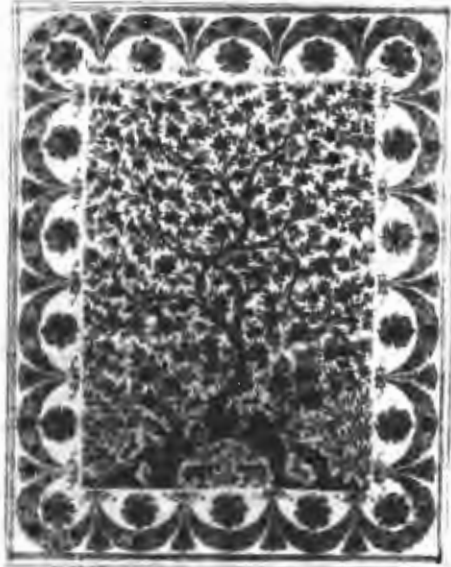


درگاه سه خرسنگی در کورنوال.

درگاه کالسکه‌رو (porte cochère (Fr.)
(در زبان فرانسه به معنی «در کالسکه») ۱ - در یا دروازه عریض و با ارتفاع بلند که برای عبور وسیله نقلیه از درون ساختمان یا دیوار جدا کننده به داخل یک حیاط داخلی ساخته می‌شود. ۲ - ورودی سرپوشیده بزرگی که عبور کالسکه و پیاده شدن از آن پیش از ورود به ساختمان در زیر سرپناه را امکان‌پذیر می‌سازد.

دروازه پرستشگاه بودایی

torana (SKr.)
نوعی دروازه در معماری هندی، به ویژه از آن نوع که در ورودی استوپای بودایی استفاده می‌شود.



روتختی کتانی منقوش و رنگ‌آمیز شده، که با نقش درخت زندگی مزین شده است، سده نوزدهم.

درخشنده، لوستر (lustre)
۱ - نوعی تزئینات فلزی هفت رنگ که برای نقوش روی لعابی سرامیک به کار می‌رود و مجدداً تحت حرارت پایین پخت می‌شود. ۲ - تزئینات متالیک مشابهی که برای شیشه به کار می‌رود. ۳ - چلچراغ ۴ - یکی از شیشه‌های منشوری منفرد آویز در یک چلچراغ ۵ - اصطلاح سده نوزدهمی انگلیسی برای ظرفی با آویزهای قطره‌ای شکل شیشه بر شده‌ای که از طوقه آن آویزان باشد.

درزگیری (flashing)
۱ - مواد محافظ، معمولاً به شکل نوارهای فلزی، که برای پوشش دادن اتصالات خارجی یک سقف و نیز زاویه بین سقف و دیوار به کار می‌رود (مثلاً خط اتصال سقف به دودکش). ۲ - لایه خارجی نازک یک شیء شیشه دولایه.

در فرعی دروازه (postern)
ورودی فرعی به یک قلعه، شهر یا صومعه.

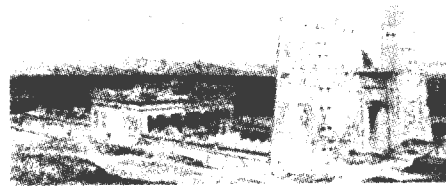
در کشویی (fusuma (Jap)
در کشویی متداول در ساختمان‌های ژاپنی، با چارچوب چوبی که بر روی آن کاغذ کشیده شده و یا

دروازه پرستشگاه هندویی

gopuran, gopuram (Tamil)
دروازه مملو از تزئینات با ستون‌های عظیمی که مشخصه معابد هندویی جنوب هند است.

۱- دروازه دو برجی، ۲- برج دروازه
pylon (Gk.)

(مأخوذ از واژه یونانی *pulon* به معنی «دروازه») ۱- برج بلند با پایه‌های ستبر، به ویژه یکی از جفت برج‌هایی که در دو سوی دروازه منتهی به یک معبد مصر باستان قرار دارد. ۲- هر نوع سازه مرتفع که به عنوان نگه دارنده یا به صورت حصار و یا صرفاً به صورت تزئینی استفاده شود.



دروازه دو برجی در معبد ایفو، مصر علیا، در یک باسمة سنگی بر اساس طرحی از داوید روبرت، ۱۸۵۶.

دروازه سرپوشیده
lich, lych gate

دروازه سرپوشیده‌ای در ورودی حیاط کلیسا.

دروازه معبد شینتو
torii (Jap.)

دروازه رسمی منتهی به یک معبد شینتوی ژاپنی.

دروازه ورودی
propylaeum (Gk.)

(در زبان یونانی به معنی «دروازه جلویی») ۱- ورودی یک معبد. ۲- در مفهوم گسترده‌تر ورودی سرپوشیده یا دروازه ورودی به یک ساختمان پر اهمیت (احیاء هنر یونانی)*.

دروادگری ساختمان
joinery

دروادگری تزئینات معماری و میلمان با استفاده از قطعه چوب‌هایی که با گوه و اتصالات قاف و زبانه‌ای به هم متصل شوند.

درونسو
intrados (Fr.)

نمای داخلی یک قوس* . همچنین نگاه کنید به برونسو.

درهای سلطنتی
royal doors

درهای مرکزی در پرده جداکننده، که شبستان را از ساحت پشت محراب در کلیسای ارتودکس یونانی* یا روسی جدا می‌کند. این نام‌گذاری به دلیل آن است که پادشاه برای انجام مراسم تبرک کردن نان و شراب از میان آن می‌گذشت.

دژ
dun

تپه باستانی سلتی با دیوار گلی ونهر.

۱- دست ساخت نفیس، ۲- بحث هنری
virtù, virtúe

(مأخوذ از واژه لاتین *virtus* به معنی «عالی») ۱- اصطلاحی عمومی برای اشیاء و تحفه‌های هنری. در مفهوم گسترده‌تر، آثار هنری کوچک یا اشیاء تزئینی کوچک که استادانه ساخته شده‌اند. ۲- هنر زیبا یا کاربردی که به عنوان موضوع بحث هنری مورد توجه قرار گیرد.

دستگیره برآمده
lug handles

دسته ریزی به شکل یک زائده برآمده. (ظروف یونانی* ← عطردان استوانه‌ای)

دستمال ورونیکا
sudrium (Lat.)

(در زبان لاتین به معنی «دستمال سفره») دستمالی که سنت ورونیکا هنگامی که مسیح از کنارش می‌گذشت و به سمت تپه تصلیب می‌رفت به وی داد. مسیح چهره‌اش را با آن پاک کرد و تصویر پنهان چهره مسیح بر آن نقش بست. گاه از این مضمون به عنوان موضوع نقاشی استفاده می‌شود. مترادف: *veronica, vernicle*.

دستیار نقاش
drapery man

شاگرد یا دستکاری که یک هنرمند مجرب، به ویژه یک چهره‌پرداز، برای اجرای نقاشی پرده‌ها و جامگان (جامه پردازی) و پس‌زمینه تابلوی خود - یعنی بخش‌های کم اهمیت‌تر تصویر - به خدمت می‌گیرد. این کار از رنسانس تا سده نوزدهم رایج بود.

دم الاغ
Donkey's tail

انجمنی از هنرمندان پیشرو متشکل از جمعی که از گروه سرباز خشت انشعاب کرده بودند، در سال

دنباله زیرین (در حروف لاتین) ascender
آن قسمت از حروف (لاتین) که در خوشنویسی یا حروف چاپی* بالای خط ارتفاع حروف کوچک قرار می‌گیرد. [مثلاً در حروفی چون h, k, l, ...] هر نوع زائده‌ای که در بخش بالایی حروف (X-high) چه در نقاشی خط یا حروف چاپی گذاشته می‌شود.

دنباله زیرین (در حروف لاتین) descender
آن قسمت از حروف لاتین که در خوشنویسی یا حروف چاپی* پایین‌تر از خط کرسی قرار می‌گیرد. [مثلاً در حروفی چون g, y, ...]

دندانهای tooth
زبری اندک بوم یا دیگر سطوح کار، که به رنگ امکان می‌دهد تا محکم‌تر در درون بافت آن جای گیرد.

دنیای هنر Mir Iskusstva
(در زبان روسی به معنی «دنیای هنر») جنبش هنری که سرگنی دیاکلیف در سن پترزبورگ بنیان نهاد و در مجله‌ای که با همین عنوان برای نخست در سال ۱۸۹۸ منتشر شد، تبلیغ و ترویج کرد. این جنبش، نقاشی روسی معاصر خود را، عمدتاً از نوع سمبولیستی، با هنر روسی گذشته پیوند داد.



پرتره ولادیمیر بوریوک اثر میخائیل لارنیوف، حدود ۱۹۰۸، سبک بدوی گرایانه مشخصه آثار گروه دم الاغ را نشان می‌دهد.



تصویر از سنت ورونیکا در حالی که دستمال ورونیکا را در دست گرفته است، اثر استاد زندگی مریم عذرا، مکتب کلن، اوائل سده پانزدهم.

۱۹۱۱ در مسکو شکل گرفت. اصل اساسی آنان تلاش برای رهانیدن هنر روسیه از وابستگی به غرب، از طریق بازگشت به فرم‌های سنتی روسی همچون شمایلی نگاری و انواع مختلف هنر عامه بود. از جمله هنرمندانی که بیشترین پیوند را با این گروه داشتند می‌توان لارنیوف، گونچارووا، ماله‌ویچ و تاتلین را نام برد. لارنیوف نام گروه را بر اساس ماجرای مربوط به آن هنرمند فرانسوی که قلم مو را به دم الاغی بسته بود و نقاشی حاصله را به نمایش گذاشته بود، انتخاب کرد.

دمای پخت بالا high fired
(معمولاً در مورد تزیینات ظروف چینی یا قلمی با رنگ مینایی در دمای پخت بالا) پخت دادن در کوره‌ای که دمای آن به ۱۱۰۰ تا ۱۲۵۰ درجه سانتی‌گراد می‌رسد. مترادف grand feu.

دمای پخت پایین low - fired
۱- (در سفالگری) پخت سفال در حرارت پایین.
۲- (در مورد کاربرد رنگ‌های مینایی بر روی چینی) پخت مجدد تحت حرارت پایین‌تر. (در این معنا مترادف با petit feu).

هنرهای تزئینی) مربوط به دوره مشخصی در گذشته.

Hellenic **دوره آهن یونان**

از دوره مابین آغاز عصر آهن در اواخر سده یازدهم پیش از میلاد تا اواخر دوره کلاسیک در سده چهارم پیش از میلاد.



طرحی برای یک پارچه شرقی اثر لئون باکست که هرگز تحقق نیافت، حدود ۱۹۱۰. این طرح به خوبی بیانگر جنبه گرایش شرقی سبک دنیای هنر، و بازتاب معماری روسی سده شانزدهم است.

fl. (Fr.) **دوره فعالیت هنری**

(مأخوذ از واژه لاتین floruit به معنی «شکوفه») حروف اختصاری مربوط به دوره زمانی کاملاً مشخص یا تقریبی که یک هنرمند شناخته شده طی آن فعال بوده است. از این حروف زمانی استفاده می‌شود که تاریخ تولد یا مرگ هنرمند مشخص نباشد.

gargoyle **دهان اژدر**

ناودانی سنگی (گاه فلزی) برای آبریز آب که از دیوار ساختمان بیرون زده باشد. نمونه‌های سنگی آن غالباً به شکل سر حیوانات یا هیولا برجسته کاری شده‌اند.



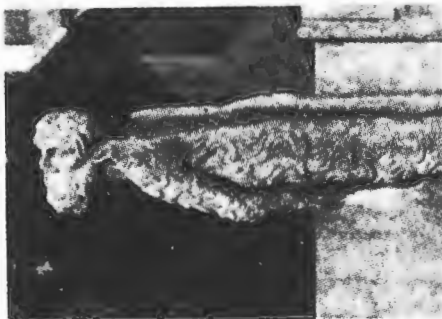
دورنمای تخیلی: با چشم‌انداز جذابی از ویرانه‌های ساحل دریا اثر فرانچسکو گواردی، حدود ۱۷۷۵.

bay **دهانه**

تقسیم‌بندی بیرون یا داخل بنا که با اعضای نگه‌دارنده‌ای چون دیوارها، ستون، خریپاهای بام یا پشتبندها ایجاد می‌شود. همچنین نگاه کنید به پنجره بیرون نشسته. (کاتدرال گوتیک*)

vestibule **دهلیز**

۱- اتاقی که درست در قسمت ورودی ساختمان قرار گرفته و به باقی ساختمان منتهی می‌شود. ۲- اتاق



دهان اژدر: حجاری شده به سبک گوتیک، در کاتدرال نتردام سنلیس.

capriccio (It) **دورنمای تخیلی**

(در زبان ایتالیایی به معنی «متلون») نقاشی یا باسمه‌ای که منظره یا نمای معماری را به همراه عناصر واقعی و تخیلی نشان می‌دهد (در مقابل منظره نقشه نما). این گونه منظره پردازی بسیار مورد توجه هنرمندان ونیزی سده هیجدهم بود. مترادف *Veduta ideata*.

period **دوره‌ای - قدیمی**

ابه عنوان صفتی برای توصیف آثار معماری و

دیوار جداگر curtain wall

۱- دیوار خارجی مستقل یک قلعه. ۲- دیوار خارجی غیر باربر (نوعی دیوار کاذب ← روکش کاری)

دیوار ضامن retaining wall

دیواری که برای عقب نگاه داشتن یا محدود کردن توده‌ای از خاک یا بخشی از آب ساخته شود.

دیوارنگاری

secco (It.), fresco secco (It.)

(در زبان ایتالیایی به معنی «خشک» و «فرسک خشک») نقاشی که بر خلاف فرسک واقعی، بر روی اندودی که قبلاً خشک شده، انجام می‌شود. می‌توان آن را با رنگ تمپرا یا رنگدانه‌هایی که در یک واسط آب آهک مخلوط شده اجرا کرد. در این مورد اخیر سطح کار پیش از به کارگیری رنگ، اندکی مرطوب می‌شود. بدیهی است حاصل کار به این روش، نسبت به فرسک واقعی دوام کمتری دارد.

دیوارهای جداکننده چوبی wainscot

دیواره متحرک byobu (Jap)

دیوارهای متحرک در خانه‌های ژاپنی.

دیوان خاص diwan-i-Khas (Per)

تالار گردهمایی خصوصی.

دیوان عام diwan-i-am (Per)

تالار بار عام در معماری هندی.

دیوراما diorama

تصویری با ابعاد بزرگ و خوش منظره که در مکانی خاص، غالباً با همین نام، نمایش داده می‌شود و به دلیل محوطه پرنور و برخی جلوه‌های نوری ویژه می‌تواند جلوه‌ای زنده پدید آورد؛ به نحوی که در بیننده این حس را بوجود آورد که گویی خود در آن محیط عملاً حضور دارد. این شیوه را لوئیس ژاک ماندان داگر و چارلز بتون در سال ۱۸۲۲ ابداع کردند.

کوچکی که به یک اتاق بزرگتر منتهی شود.

دهلیز پیش مقصوره pronaos (Gk.)

(در زبان یونانی به معنی «پیش از مقصوره») دهلیز پیش از مقصوره در معبد کلاسیک یونانی، که با دیواره‌های جانبی محصور شده و فقط در جلوی آن ستون قرار دارد.

دهلیز پیشین کلیسا antechurch

بخش الحاقی به کلیسا که شبستان را با چند دهانه به سمت ضلع غربی گسترش می‌دهد. معمولاً با عرض ساختمان برابر است.

دهلیزی افقی (تصلیب) rood - loft

روزنه‌هایی که در سرتاسر بخش بالایی پرده تصلیب امتداد می‌یابد. معمولاً راه دستیابی به آن از طریق پلکانی است که در یک سمت آن قرار دارد.

دیاننتی dinanderie (Fr.)

(در زبان فرانسه به معنی منسوب به شهر دینانت بلژیک) ۱- در مفهوم خاص به آثار قرون وسطایی فلز کاری Mosan اطلاق می‌شود. ۲- در مفهوم عام تر به اشیاء ساده بدوی مفرغی اطلاق می‌شود.

دیگ olla (Lat.)

ظرف خوراک پزی با دهانه بزرگ.

دیگ بی‌دسته lebes (Gk.)

۱- نوعی دیگ یونان باستان، که برای جوش آوردن خوراک به کار می‌رفت. ۲- نمونه متاخر یک جام پایه‌دار بی‌دسته یونانی، که دو دسته عمودی به آن افزوده شده و برای همان منظور به کار رود. نوعی از آن (lebes gamiko) به عنوان هدیه از دواج استفاده می‌شد. (ظروف یونانی*)

دیوار آریب batter

سطح آریب یک دیوار.

دیوار بارگیر (دیوار باربر)

bearing wall, load-bearing wall

دیواری که بخشی از وزن ساختمان را تحمل می‌کند. (در مقابل دیواری که هیچ وزنی را ننگه نمی‌دارد یا دیوار کاذب).

و توصیف هزل گونه‌ای از اجتماع معاصر خود ارائه دهند. همچنین نگاه کنید به هم‌آرایی.

راگا، راگینی (Ski.) raga, ragini

نوعی حالت موسیقیایی هندی، که گویای صفات و ویژگی‌های مردانه (raga) یا زنانه (ragini) باشد. چنین مضمونی غالباً در نقاشی‌های مینیاتوری در قالب پهلوانان زن و مرد، و غالباً در مجموعه‌ای که *ragmalas* خوانده می‌شود، هیئت انسانی به خود می‌گیرد.

راهرو جانبی screens passage

راهروی ورودی یک خانه قرون وسطایی یا تنودوری، و یا ساختمان دانشکده‌ای در اکسفورد یا کمبریج، که تالار اصلی در یک سمت باشد و آبدارخانه و انبارک آذوقه در سمت دیگر.

راهروی کوتاه dwarf gallery

راهروی یا دیوار خارجی کوتاه، با طاقگانی به همان اندازه کوتاه که فضای داخلی آن را روشن می‌سازد و معمولاً درست در زیر سقف ساختمان قرار می‌گیرد. معمولاً در معماری رومانسک آلمانی و لومباردی به چشم می‌خورد.



تابلوی راگینی از مجموعه مینیاتورهای راگامالا، مکتب میوار، ۱۶۰۵. بانو درمیت کنیزانی که کنار تختخواب خالی نشستند و در حال چین گلبرگ‌های یک گل لوتوس هستند، به روشنی عواطف زنانه انتظار برای معشوق غایب را نشان می‌دهد.



رنالیسم جادونی Magic Realism

اصطلاحی که فرانتز روه منتقد هنری آلمانی در سال ۱۹۲۴ برای توصیف عناصر محافظه‌کارانه‌تر و کمتر بیانی سبک عینیت نوین ابداع کرد. همچنین رنالیسم با وضوح شدید هم گفته می‌شود.

رنالیسم سوسیالیستی

Socialist Realism

هنر رسمی اتحاد شوروی از حدود ۱۹۲۵ به بعد؛ سبکی که خدمات دولت را ارج می‌گذارد، کار یدی را تحسین می‌کند و توجه‌اش را به دستاوردهای فرهنگی و فنی روسیه معطوف می‌کند. این سبک در نئوکلاسیسیسم فرهنگستانی ژاک لوئی داوید و در هنر نقاشان سیار به ویژه رپین ریشه دارد. همچنین نگاه کنید به فرمالیسم.

رنالیسم نو Nouveau Réalisme (Fr.)

(در زبان فرانسه به معنی «رنالیسم نوین») اصطلاحی که پیر ریستانی منتقد هنری فرانسوی در بیانیه‌ای که در سال ۱۹۶۰ منتشر ساخت، ابداع کرد. وی این اصطلاح را برای توصیف گروهی از هنرمندان فرانسوی از جمله ژان تینگلی، ایوکلین و آرمن به کار برد که آثار انتزاعی آزاد آن دوره را رد می‌کردند تا از اشیاء موجود، به ویژه اشیاء حاضر آماده (هنر حاضری) در محیط شهری استفاده کنند.



رنالیسم سوسیالیستی: مشخصاً با نوعی نمایش خوشبینانه و آرمانی از برداشت محصول، اثر پلاستوف، ۱۹۴۹.

باسمه حکاکی اسیدی یا گودکنی یا چاپ تکرنگ بر روی کاغذ اثر می‌گذارد.

ردیف پنجره فوقانی clerestory
ردیفی از پنجره‌ها در قسمت بالایی دیوار، به ویژه در کلیسای گوتیک که در بالای سقف راهه جناحی قرار دارد و ورود نور را به درون شبستان امکان پذیر می‌سازد. (نگاه کنید به کاتدرال گوتیک*)

ردیف در enfilade (Fr.)
ردیفی از در، در مجموعه‌ای از اتاق‌های کنار هم که چشم اندازی گسترده از میان آنها قابل رویت باشد.

رستاخیز انبیا anastasis
بازنمایی رستاخیز قدیسین در کتاب عهد عتیق (که طی دوره فاجعه جهنم به وقوع می‌پیوندد) و در هنر بیژانس بسیار رایج بود.

رشته آذین trailed
(برای شیشه و سفال به کار می‌رود) تزئین کاری با استفاده از رشته‌های شیشه مذاب یا خطوط گل آب به ترتیب در شیشه‌گری و سفالگری.

رف تزئینی console
۱- در معماری کلاسیک؛ نوعی سگدست تزئینی که بلندی آن کمی بیش از بیرون زدگی آن است. و از دو قوس مخالف هم ساخته شده و لذا برش عرضی آن به شکل حرف S است. ۲- رف یا میز رف ماندندی معمولاً با سطح مرمر یا اندود مرمرینا، با پایه‌های سگدست یا شبیه سگدست که بسیار تزئین شده باشد.

رقص مرگ Dance of Death
بازنمایی نوعی مراسم تمثیلی یا رقص که در آن زندگان و مردگان هر دو در آن شرکت دارند. در این تصاویر معمولاً مشارکت کنندگان به ترتیب سلسله مراتب از پاپ به پایین آرایش یافته‌اند. رقص مرگ در اواخر قرون وسطا به عنوان موضوعی برای نقاشی‌های دیوار نگاره رواج یافت، اولین نمونه این نوع نقاشی‌ها به سال ۲۵ - ۱۲۲۴ باز می‌گردد (واقع در رواق صومعه گورستان معصومین مقدس در پاریس). پس از اختراع چاپ، باسمه سازان بلافاصله این مضمون را به خدمت گرفتند. مشهورترین مجموعه تصاویر باسمه‌ای از این نوع مربوط به

دیماکسیون dymaxion
صفتی که روابط عمومی یک اداره ساختمانی شیکاگو در سال ۱۹۲۹ برای توصیف یک خانه تجربی به ابتکار باک مینستر فولر ابداع کرد. فولر بعداً از این اصطلاح برای توصیف بسیاری از ابداعات خود بهره گرفت، با این مفهوم که آثار او نشان دهنده دستیابی به حداکثر کارایی با استفاده از تکنولوژی موجود است.

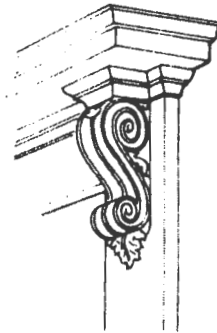
راهه aisle
(در زبان فرانسه به معنی «جناح») در باسیلیکا* یا دیگر کلیساها، به فضای بین ستون‌های شبستان و دیوار جانبی اطلاق می‌شود. (← کاتدرال گوتیک*)

رج پا طاق springer
پایین‌ترین قطاع یک قوس*.

رخبام cymatium Lat)
بالاترین عضو قرنیزی در معماری کلاسیک، با شکل ابزار موجی قائم (پیشانی*).

رخ منقاری beakhead
نوعی نقشمایه تزئینی به شکل سر و منقار پرنده (گاه به صورت منقار و زبان بیرون آمده) که برای آرایش بسیاری از ابزارها در معماری سبک نورمان به کار می‌رفت.

رد لوح plate mark
علامت مشخصه حاشیه لوح که هنگام چاپ یک



رف تزئینی.



مرگ و راهب، باسمة چوبی از رقص مرگ اثر هانس هولبین که در سال ۱۵۲۸ در لیون منتشر شد.

هانس هولبین است، اما بسیاری از هنرمندان هم از این مضمون استفاده کردند. مترادف: danse macabre.

رقم اختصاری

حروف اول در هم پیچیده، غالباً به شکل یک حرف نشانه. بسیاری از هنرمندان از آن به جای امضای کامل خود [یا نوشتن نام کامل خود] استفاده می‌کنند.

رگچین

نگاه کنید به آجر چینی و سنگ چینی.

رومانتیسیم

نگاه کنید به صفحه ۱۰۵.

رنسانس

احیاء روح هنر و ادبیات کلاسیک اروپایی که در سده چهاردهم در ایتالیا آغاز شد. از جنبه عقلی این جنبش ملهم از ایده‌های علمای اومانیست بود، و تحول آن در هنرهای تجسمی با گرایش فزاینده به کالبدشناسی انسان و روش‌های خطی، پرسپکتیو جوی و نیز روی آوردن هر چه بیشتر به موضوعات دنیوی و مضمون‌های مأخوذ از افسانه‌های کلاسیک و تاریخ و نیز مذهب گرفته شده مشخص می‌شود. رنسانس ایتالیا از سده چهاردهم تا ۱۵۸۰ دوام آورد (در این زمان مقدمات منریسم اولیه شکل می‌گرفت)، اما رنسانس متعالی فقط از ۱۴۸۰ تا ۱۵۲۷ (سقوط روم) دوام آورد، و در آثار لئوناردو داوینچی، رافائل و آثار اولیه میکل آنژ تشخیص یافت. تأثیر این جنبش در سرتاسر اروپا محسوس بود و آثار نقاشی آلبرش دورر و مکتب فونتن‌بلو را می‌توان به عنوان نمودی از هنر رنسانس توصیف کرد.

رنسانس کارولنژی

Carolingian Renaissance

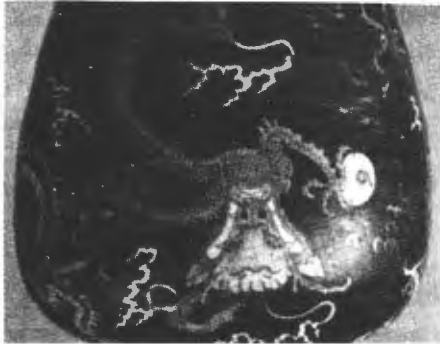
احیاء مجدد هنر و آموزه‌های هنر باستان که در اروپای غربی (به استثناء بریتانیا و اسپانیا) تحت امپراطوری شارلمانی و جانشینانش به وقوع پیوست (سده هشتم تا دهم میلادی). این اصطلاح نشانگر نخستین کوشش برای احیاء مجدد میراث یونان و روم کلاسیک پس از فروپاشی آنان متعاقب یورش بربرها بود. رشد و گسترش خوشنویسی -



معماری رنسانس کارولنژی: فضای داخلی نمازخانه در کاخ شارلمانی، آخن، ۸۰۵ - ۷۹۲ میلادی. بر اساس طرح سان ویتاله در راونا، که شارلمان به آن به عنوان تجسم عینی سنت کلاسیکی که مایل به احیاء آن بود، توجه داشت.

مثلاً خوشنویسی لاتینی - و تزیین کاری‌های نسخ خطی، و معماری در ابعاد بزرگ از جمله دستاوردهای عمده آن محسوب می‌شود.

- رنگ پیش نشین** advancing colour
رنگ گرم به شدت اشباع شده (قرمز، نارنجی، زرد...) که به نظر می‌رسد در جلوی صفحه تصویر قرار گرفته است. در مقابل رنگ پس‌نشین.
- رنگ آستر** dead colour
رنگ خنثی معمولاً قهوه‌ای، سبز یا خاکستری که به عنوان رنگ‌زیرین نقاشی به کار رود. برای مشخص کردن سایه رنگ‌های اصلی، آنها را روشن‌تر یا تیره‌تر می‌کنند.
- رنگ آمیزی ضخیم.** pastose
رنگ اتفاقی accidental colour
توهم بصری (یا خطای باصره) که در اثر خیره شدن به یک سطح رنگی و سپس انتقال نگاه به یک زمینه سفید یا خنثی (خاکستری) پدید می‌آید. رنگ مکمل نیز در اثر خیره شدن موقت به رنگ، پدیدار می‌شود. از این‌رو اگر شخصی به سطحی به رنگ نارنجی روشن خیره شود، لکه‌ای به همان شکل را به رنگ سبز خواهد دید.
- رنگ اکریلیک** acrylic paint
رنگ حلالی که از یک واسط مرکب، رزین اکریلیک استفاده می‌شود، و امروزه هنرمندان غالباً به عنوان ماده‌ای که سریع خشک می‌شود در نقاشی رنگ‌روغن واقعی به کار می‌برند.
- رنگ بازتابی** reflected colour
تغییر رنگمایه که در اثر بازتابش یک رنگ بر رنگ دیگر پدید می‌آید.
- رنگپاشی فوتی** insufflation
نوعی روش تزئین ظروف و آثار چینی که در آن رنگدانه‌های پودری شکل از درون لوله‌ای که یک سر آن با تنزیب پوشیده شد دمیده می‌شود. در این حالت تنزیب موجب پخش یکنواخت پودر رنگ بر روی سطح کار می‌شود.
- رنگ پس‌نشین** retreating colour
هر رنگی که به نظر رسد از صفحه تصویر عقب‌تر قرار دارد، معمولاً رنگ‌های سرد مانند آبی. (در مقابل رنگ پیش‌نشین)
- رنگ تمپرا** tempera (It.)
(مأخوذ از واژه لاتین temperare به معنی «مخلوط با تناسب») حلالی که به عنوان واسط رنگدانه استفاده می‌شود. بطور سنتی، تمپرا را می‌توان از مخلوط تخم مرغ یا زرده تخم مرغ با شیر، انواع مختلف چسب یا صمغ، یا حتی آب گل قاصدک، یا شیرۀ درخت انجیر تهیه کرد. این واسط را به‌ویژه نقاشان ایتالیایی سده‌های چهاردهم و پانزدهم برای نقاشی فرسک و نقاشی روی چوب به کار می‌بردند. (صندوقچه از دواج^{۳۱})
- رنگ جسمی** body colore
نگاه کنید به گواش.
- رنگدانه** pigment
۱- ماده رنگی موجود در انواع رنگ ۲- هر نوع ماده رنگی که به صورت خشک استحصال شود و معمولاً به شکل پودر به کار رود.
- رنگ‌رزی تکه‌ای** tie - and - dye
نوعی روش نقش‌اندازی پارچه با دوختن آن و یا وصل کردن بخش‌هایی از آن با نخ، پیش از فرو کردن در طشت رنگ. بدین ترتیب قسمت‌هایی که دوخته شده رنگ را به خود نمی‌گیرند.
- رنگ سرد** cool colour
رنگی که مفهومی از سردی را در حواس انسان بر می‌انگیزاند مانند رنگ آبی یا رنگمایه‌های هم‌خانواده آن آبی سبز و آبی بنفش. در نقاشی رنگ‌های سرد به نظر می‌رسد از صفحه تصویر دور می‌شوند (رنگ‌های پس‌نشین) و لذا عمق را تداعی می‌کنند.
- رنگ سفید آمیخته** tint
رنگ غالب در ترکیب رنگ‌ها یا مخلوط رنگ با سفید، مثلاً ته رنگ آبی یا سفید آبی.
- رنگ ضخیم** impasto (It.)
باقی که در اثر ضخامت رنگدانه در نقاشی پدید می‌آید.



سرامیک رنگ لعابی مشکی با نقوشی رنگ لعابی سبز رنگ، اژدهایی که مرواریدی را در از میان نقوش طوماری ابر به چنگ دارد، نشان می‌دهد. زمینه مشکی با مینای سبز شفاف، پوشیده شده است. (← سرامیک‌های رنگ لعابی).

باشد. از این رو چنین رنگی حاوی مقداری از هر سه رنگ‌های اصلی است و می‌تواند هر نوع سایه قهوه‌ای، سیاه یا خاکستری را پدید آورد. (دایره رنگ*)

رنگ مکمل complementary colour
وقتی یک رنگ اصلی در مجاورت رنگ ثانویه حاصل از تلفیق دو رنگ اصلی دیگر دایره رنگ قرار می‌گیرد به نظر روشن‌تر یا قوی‌تر می‌رسد. برای مثال قرمز، سبز را تقویت می‌کند، و آبی نارنجی را، و زرد بنفش را تقویت می‌کند. رنگ‌های سبز، نارنجی و بنفش رنگ‌های مکمل هر یک از رنگ‌های اصلی مذکور محسوب می‌شوند.

رنگ موضعی local colour
رنگ یک شیء خاص آن گونه که زیر نور آفتاب و بر روی یک زمینه سفید، و بدون تأثیرات پیرامونی نظیر سایه‌ها یا بازتاب نور، مشاهده می‌شود.

رنگ مومی encaustic
نوعی رنگ که در دوران باستان ابداع شد، و در آن از رنگدانه مخلوط با موم داغ به عنوان بست استفاده می‌شد. مترادف سرگرافی (نقاشی روی پارچه). (تک چهره‌های فیوم*)

رنگ‌های اصلی
primary colours, primaries
آبی، زرد و قرمز. رنگ‌هایی که تمامی رنگ‌های دیگر

رنگ قرّار fugitive colours
رنگدانه‌هایی که به مرور زمان و به ویژه در معرض نور خورشید، به تدریج کم‌رنگ می‌شوند.

رنگ کازئینی casein Paint
هر نوع رنگدانه‌ای که با یک چسب از جنس کازئین (پروتئین شیر) مخلوط شود.

رنگ گذاری انگشتی sfregazzi
(در زبان ایتالیایی به معنی «مالش سَبِک») در نقاشی رنگ روغن، سایه‌هایی که به عنوان لعاب روی یک سایه رنگ جسمی و با استفاده از انگشت مالیده می‌شود.

رنگ‌گذاری یک ضربه‌ای alla prima (It.)
(در زبان ایتالیایی به معنی «در آغاز») روش نقاشی تابلو با استفاده از یک بار لایه‌گذاری رنگدانه معمولاً بر زمینه سفید و بدون استفاده از طرح آستر، لعاب یا روتوش.

رنگ گرم warm colour
رنگی که یادآور حس پر تحرک گرما باشد، مثلاً رنگ زرد و قرمز. همچنین نگاه کنید به رنگ پیش‌نشین.

رنگ لعابی distemper
رنگی با بنیان آب، که در آن از چسب به عنوان مایه رنگ و از گچ به عنوان پرکننده استفاده می‌شود. برخی همچون واساری تمایز دقیقی بین آن و تمپرا نمی‌گذارد، در حالی که رنگ لعابی به دلیل آن که با سطح آندود گچی ترکیب شیمیایی ایجاد نمی‌کند دوام بسیار کمی دارد. معمولاً از آن به عنوان رنگ کاغذ دیواری استفاده می‌شود. همچنین نگاه کنید به نقاشی چسبی.

رنگمایه hue
واژه‌ای که به صورت ابهام آمیز با سه مفهوم مرتبط اما متفاوت به کار می‌رود: ۱- به معنی رنگ [به طور عام] ۲- مترادف اشباع رنگ. ۳- رنگ ترکیبی که در آن یکی از رنگ‌های اصلی غالب باشد مثلاً آبی سبز.

رنگ مرتبه سوم tertiary colour
رنگ حاصل از مخلوط دو رنگ از سه رنگ ثانوی (نارنجی، سبز، بنفش) که با هر نسبتی ترکیب شده

جانب حیاط چهارگوش را محیط می‌کند و غالباً به کلیسا به ویژه از نوع صومعه، یا به ساختمان کالج وصل می‌شود. (نگاه کنید به کاتدرال گوئیک**).

رواق یونانی

stoa (Gk.)

۱- نوعی رواق بزرگ که در یونان باستان رایج بود و به عنوان تفرجگاه مسقف یا مکان گردهمایی به کار می‌رفت. ۲- در معماری بیژانس، تالاری با یک سمت باز، و با سقفی که بر یک یا چند ردیف از ستون که با دیوار عقب موازی هستند، قرار می‌گیرد.

روبنس گرایبی

Rubénisme (Fr.)

نظریه طرفداران روبنس. گرایش هنری سده هیجدهم در فرانسه، که فضیلت رنگ را در مقابل خط ارجح‌تر دانستند، و لذا تصور می‌شود که پیرو نمونه آثار روبنس هستند. واتئو و فراگونراد با این گروه مرتبط بودند. (← پوسن گرایبی)

روح زمان

Zeitgeist

(در زبان آلمانی به معنی «روح زمان») ۱- عصر و دوران. ۲- عنوان نمایشگاهی از نقاشی‌های هنرمندان نئواکسپرسیونیست که در سال ۱۹۸۲ در برلین برپا شد؛ از این رو گاه به عنوان مترادف نئواکسپرسیونیسم به کار می‌رود.

روزشکن

brise – soleil (Fr.)

(در زبان فرانسوی به معنی «سایبان») نوعی صفحه نورگیر کرکره‌ای که در نمای پیشین ساختمان تعبیه می‌شود تا تابش شدید نور آفتاب را کاهش دهد. این وسیله در سال ۱۹۳۳ توسط لوکوربوزیه معمار ابداع شد.

روز محشر

doom

نقاشی داوری اخروی بر روی قوس ساحت پشت محراب در یک کلیسای قرون وسطایی.

روزن گرد (چشمه)

oculus (Lat.)

(در زبان لاتین به معنی «چشم») روزنه دایره شکل کوچک در دیوار یا گنبد.

روزنه

embrasure

پنجره یا هر دریچه‌ای که به سمت نمای داخلی دیوار یا حصار می‌گردد در آن ساخته شده باز شود.

از ترکیب آنها مشتق می‌شوند و نمی‌توان آنها را از ترکیب یا مخلوط رنگ‌های دیگر بدست آورد. (دایره رنگ**)

رنگ‌های ثانوی

secondry colour

رنگی که از مخلوط نسبت‌های برابری از دو رنگ اصلی حاصل می‌شود. بدین ترتیب که ترکیب آبی و زرد، رنگ سبز را می‌سازد؛ ترکیب آبی و قرمز، رنگ بنفش، و ترکیب زرد و قرمز، رنگ نارنجی را می‌سازد. لذا رنگ‌های سبز، بنفش و نارنجی را رنگ‌های ثانوی می‌گویند. (دایره رنگ**)

رنگ‌های خاکی

earth colours

رنگدانه‌هایی چون قهوه‌ای یا زرد که به طور طبیعی در زمین یا خاک یافت می‌شوند و معمولاً به صورت اکسید فلزی هستند و از نظر شیمیایی ثابت‌ترین رنگدانه‌ها محسوب می‌شوند و به همین دلیل به مرور و در اثر گذشت زمان تغییری نمی‌کنند.

رنگ‌های مینایی (لعابی)

enamel colour

نوعی رنگدانه فلزی (متالیک) که با پودر شیشه در یک واسط روغنی مخلوط می‌شود و بر روی یک شیء چینی لعاب دار و پرداخت شده یا شیء شیشه‌ای می‌زنند و مجدداً تحت حرارتی پایین‌تر از حرارت پخت مرحله اول پخت داده شود تا لعاب‌ها با هم مخلوط شوند. آثاری چون سرامیک‌های رنگ لعابی (زرد، مشکی، صورتی و سبز) همگی با مینای رنگی تزئین می‌شوند همچنین نگاه کنید به پخت پایین.

رواق

portico

بامی که بر روی ستون‌هایی قرار گرفته و معمولاً به جلو یا یکی از اضلاع جانبی ساختمان متصل می‌شود. (معبد کلاسیک**)

رواق باز

xystus (Lat.)

رواق جلوخان کلیسا

galilee

ورودی سرپوشیده یک طبقه یا غرفه نیایش در ورودی کلیسا، معمولاً در ضلع غربی. همچنین نگاه کنید به دهلیز پیشین کلیسا، پیش شبستانی، نمای ورودی کلیسا.

رواق صومعه

cloisters

مسیر سرپوشیده یا طاقگان که معمولاً هر چهار

روش چاپ نقش برجسته

relief process

هر نوع روش چاپی که در آن سطحی که باید مرکب بخورد به صورت نقش برجسته باشد و نه نقش گود.

روش کلونید مرطوب
wet plate process, wet collodion process

روش عکاسی که فردریک اسکات آرشه ابداع و در سال ۱۸۵۱ عرضه کرد. در این روش از یک لوح شیشه‌ای که با امولسیون پوشیده شده (کلودیون با محلول یدید نقره و یدید آهن) استفاده می‌شود که در معرض نور قرار می‌گیرد و تا زمانی که هنوز مرطوب است، تصویر ظاهر می‌شود. این روش که بسیار سریع است، و سایه رنگ‌های بسیار ظریف‌تر و دقیق‌تری را امکان‌پذیر می‌سازد، به دلیل حق امتیاز نامحدود، نقش زیادی در گسترش فراگیر عکاسی در سده نوزدهم داشت. با ظهور روش لوح خشک این روش مهجور شد.

روش لوح خشک
dry plate process, gelatin dry plate process

در عکاسی به روشی اطلاق می‌شود که در آن از یک حلال ژلاتینی بر روی لوح شیشه‌ای استفاده می‌شود. این روش که متقاعد کننده‌تر از روش لوح مرطوب کولودیون است، خیلی زود جایگزین آن شد. لوح‌های خشک ژلاتینی، برای نخستین بار در سال ۱۸۷۲ به بازار عرضه شدند.

روشن نمایی، لومینیسیم
Luminism

۱ - در آثار مکتب رودخانه هاتسون*، جلوه خیال انگیز پرسپکتیو جوی و جلوه‌های نوری، به ویژه بر سطح آب. ۲ - جلوه نور اشباع شده در بسیاری آثار نقاشی امپرسیونیستی و نئو امپرسیونیستی.

روش یک ضربه
au premier coup

(در زبان فرانسه به معنی «در اولین ضربه») مترادف رنگ‌گذاری یک ضربه.

روغن بزرگ جوشید
stand oil

روغن بزرگ جوشانده، که نخست رقیق می‌شود و به عنوان واسطی برای رنگدانه به کار می‌رود، و جلوه صیقلی و مینا مانند خاصی بوجود می‌آورد.

روغن خشک ساز
drying oils

چربی روغن گیاهی که به عنوان نوعی واسط رنگدانه اهمیت زیادی در رنگ روغن دارد، زیرا با خشک شدن در مجاورت هوا به ماده‌های سخت وصلب و شفاف تبدیل می‌شود. از این ماده همچنین به عنوان مخلوط برای چسباندن رنگدانه به زمینه استفاده می‌شود. اصلی‌ترین روغن‌های خشک ساز عبارتند از روغن بزرگ، گردو و خشخاش. مترادف روغن تثبیت کننده.

روقرنیزی
antefix

(در لاتین به معنی «بسته در جلو») نوعی آذین ساختمانی (رایج در معماری کلاسیک) که برای پنهان کردن لبه پوشش بام و حمایت از خرپاهای شیروانی به کار می‌رفت. بعدها برای تزئینات مبلمان نئوکلاسیک، سبک نیابت سلطنت و سبک امپراطوری به خدمت گرفته شد. (پیشانی*)

روکاری رنگ روغن
mixed method

نوعی روش نقاشی که طی آن آخرین تاش‌ها و جلاها از نوع رنگ روغن است و بر روی یک زیر طرح با رنگ تمپرا به کار می‌رود.

روکش چوبی
veneer

ورق‌های بسیار نازک چوبی که غالباً بر اساس نقوش تزئینی روی آنها انتخاب می‌شوند و سطح میلمانی را که از چوب‌های زمخت‌تر و ارزان‌تر ساخته شده می‌پوشانند. همچنین روکش می‌تواند از جنس موادی چون عاج، لاک، لاک پشت، و برنز هم باشد. همچنین نگاه کنید به روکش تجملی، مثبت کاری، کف فرش.

روکش خاتمکاری بول
Bouille marquetry, Buhl marquetry

نوعی روکش تجملی که توسط آنبوس کار فرانسوی آسی، بول (۱۷۲۲ - ۱۶۴۲) رایج و متداول شد. این روکش متشکل از پوسته لاک‌پشت بود که با نقوش برنزی خاتمکاری شده بود. در شیوه معکوس این روش (Contre - Bouille) یک ورق برنزی با استفاده از پوسته لاک پشت خاتمکاری می‌شود.

روکش فولادی
steel facing

روش رسوب دادن فولاد با استفاده از الکترولیز، بر

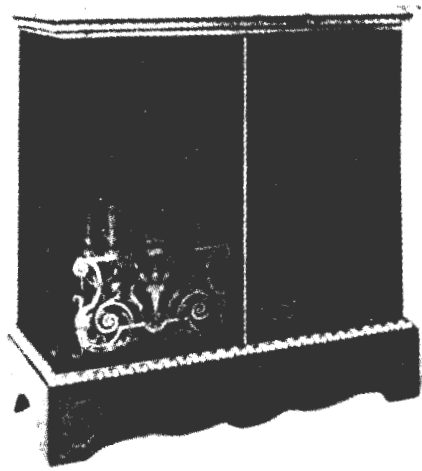
گیاه با منحنی‌های S شکل و طوماری، و تقشمايه‌های طبیعت‌گرایانه مأخوذ از شکل صخره، صدف و گیاه است. روکوکو را بیش از هر جا در هنرهای تزئینی می‌توان سراغ گرفت تا نقاشی یا معماری. این اصطلاح فقط از دهه ۱۸۲۰ مصطلح و رایج شد و تا مدت‌ها بار معنایی تمسخرآمیز داشت.

رولعابی overglaze
نوعی نقوش تزئینی مینایی که بر روی لعاب سرامیک به کار می‌رود و با پخت مجدد در دمای پایین‌تر تثبیت می‌شود.

رمانتیسم Romanticism
رمانتیسم را در هنرهای تجسمی، همچون ادبیات و موسیقی، می‌توان به دو اصطلاح مثبت و منفی توصیف کرد. جنبه منفی آن گاه طغیانی پرآشوب علیه خردگرایی، محدودسازی و نظم عقلانی نئوکلاسیسیسم بود. جنبه مثبت - و مهم‌تر - آن التزام به احساسات و حقوق بی‌امنازع بیان فردی بود. اولین تأثیرات آن در نخله اواسط سده هجدهم هنر تماشایی در طراحی باغ انگلیسی و در اولین تکانه‌های احیاء گوتیک آشکار شد. این سبک به ویژه بیش از همه با جنبش آلمانی «طوفان و تأکید»



تزیینات به سبک روکوکو با مشخصه منحنی‌های S شکل بر مغز زراندود یک کمد اثر گودرتو (۱۷۵۱ - ۱۶۸۰) برای تخت خواب لویی پانزدهم در کاخ ورسا.



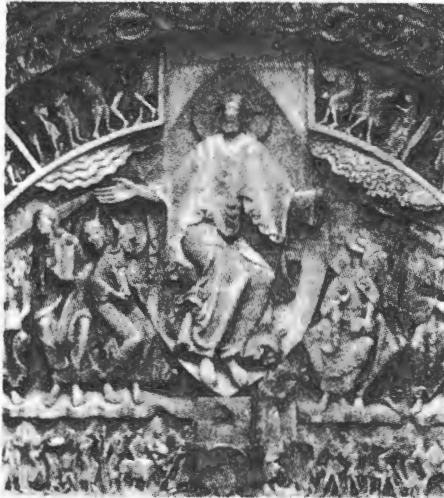
روکش خاتمکاری: کمد متعلق به اوائل سده هجدهم منسوب به اندره شارل بول.

روی یک لوح مسی که قرار است برای حکاکی استفاده شود. این روش در ربع دوم سده نوزدهم ابداع شد و تعداد چاپ‌هایی را که می‌شد از یک لوح پیش از خراب شدن آن حاصل کرد، بسیار افزایش داد.

روکش قرینه quartering
نوعی روکش متشکل از دو جفت ورق چوبی که هر یک از جفت ورق‌ها برش بخورد و شبیه صفحات کتاب باز شود، و بدین ترتیب نقوش رگه‌های چوب در ورق سمت راست دقیقاً عکس نقوش ورق چپ باشد.

روکش کاری cladding
۱ - در آغاز به لایه نازکی از یک ماده که برای نمای خارجی ساختمان و به جهت حفاظت یا پوشاندن به کار می‌رفت، برای مثال کاشی‌کاری. ۲ - حال مشخصاً به مواد سبک وزن ساختمان، که برای ساخت پوشش دیوارهای خارجی غیر باربر در ساختار قفس بست استفاده می‌شود، اطلاق می‌گردد.

روکوکو Rococo (Fr.)
(مأخوذ از واژه فرانسوی *recaille*) نسخه سبک‌تر و سرزنده‌تر باروک، که به دوره سلطنت لویی پانزدهم در فرانسه مربوط می‌شود، و مشخصه آن استفاده از ترکیب‌بندی‌های نامتقارن، نقوش تزئینی گل و



مجسمه‌های نقش برجسته رومانسک در ستایش مسیح، در سینه ستوری کلیسای مادلین وزله، حدود ۱۱۵۰. به نحوه دگر شکلی پیکره‌ها توجه کنید.

ساختارهای آشکارا سنگین بود. در نقاشی و مجسمه‌سازی، فرم‌ها خطی است و غالباً جلوه بیانی آن تغییر شکل یافته تا احساسات مذهبی را بازتاباند. همچنین نگاه کنید به سبک نورمانی.

رومی‌گرایان
هنرمندان اروپای شمالی سده شانزدهم که به شدت تحت تأثیر هنر رنسانس ایتالیا (به ویژه آثار رافائل و میکل‌آنژ) بودند. از جمله این هنرمندان می‌توان مابوزه، وان‌اورلی و مارتنون‌همسکرک را نام برد.

رویاریوی
frontality
اصطلاحی که توسط عالم دانمارکی پولیوس لانگ در کتاب *Die menschliche Gestalt in der bildenden Kunst* (۱۸۹۹) برای توصیف دقیق نمای روبرو در نقاشی یا مجسمه‌سازی، بدون توجه به اصول پرسپکتیو ابداع کرد. وی این اصطلاح را به ویژه برای هنر تمدن‌های اولیه به کار برد.

روی صفحه
recto, r. r^o (Lat.)
(مأخوذ از واژه لاتین *recto folio* به معنی «بر صفحه روبرو» - در مقابل *verso folio* به معنی «پشت صفحه») سویه اصلی یا مهم یک شیء دو طرفه، مثلاً یک برگ کاغذ. در کتاب [لاتین] به صفحه

در اواسط سده هجدهم قابل تشخیص است (جنبش مهم ادبی که مبلغ بیان احساسات قوی بر شیوه ملودرام و سودایی بود). تکامل یافته‌ترین جلوه آن، عمدتاً در بریتانیا، آلمان و فرانسه محسوس بود که در همگی آنها هنرمندان نمونه‌وار رومانیک، و البته بسیار متفاوتی ظهور یافتند - مثلاً ترنر در بریتانیا، فردریش در آلمان، و دلاکروا و رژیکو در فرانسه. رمانتیسم در مفهوم خاص آن، نهایتاً وقتی به رئالیسم سده نوزدهم تغییر ماهیت داد، عملاً از بین رفت، اما در مفهوم گسترده‌تر آن هنوز همراه ماست، زیرا رمانتیسم در این مفهوم تأکیدی بود بر حق بیان آزادانه تخیل که سرانجام به ظهور هنر مدرن خلاق و ناب منجر شد.

Romanesque رومانسک

اصطلاحی که در حدود ۱۸۲۵ برای توصیف هنر و معماری پیش از گوتیک قاره اروپا مربوط به دوره سده هشتم تا دوازدهم، ابداع شد. اکنون گاه نیمه اول این دوره تا اواخر سده دهم میلادی را به عنوان دوره «پیش از رومانسک» وصف می‌کنند. مشخصه معماری رومانسک کاربرد قوس‌های مدور با



منظره صخره‌ای در کوهستان *Elbsandstein* حدود ۱۸۲۳، اثر بزرگترین نقاش رمانتیک آلمانی، کاسپار داولد. این تابلو، با درخت فرو افتاده‌اش، چشم‌انداز ذهنی بسیار قوی از هراس و شکوه طبیعت ارائه می‌دهد.

از سده پانزدهم در اسپانیا رواج یافت.

ریسه گل - دسته گل
festoon
نوعی آئین معماری به شکل تاج گل یا ریسه گل یا میوه، که به صورت حلقه معلق می‌شود. مترادف: swag

ز

زاویه شیب
pitch
زاویه‌ای که بام شیب‌دار ساختمان با افق پیدا می‌کند.

زبانه
tenon
نوعی زائدهٔ زبانه شکل از جنس سنگ یا چوب، که از یک بخش شیء بیرون می‌زند، و در گودی (یا کام) متناظر و منطبق با آن جای می‌گیرد، و به عنوان اتصال دهنده دو قطعه عمل می‌کند.

زبره کاری
Brutalism
این اصطلاح در سال ۱۹۵۴ در انگلستان ابداع شد تا آثار معماری متأخر لوکوربوزیه و معاصرین بریتانیایی وی را که تحت تأثیر او بودند، توصیف کند. در این سبک استفاده فراوانی از بتون خام می‌شود و بخش‌های عملکردی به صورت آشکار باقی می‌مانند.

زبره کاری نوین
New Brutalism
جنبش معماری انگلیسی دههٔ ۱۹۵۰ که واکنش و اعتراضی بود به رنگ باختگی مدرنیسم و مبلغ و مشوق نمایش مستقیم عملکردها و کارکردها و کاربرد مستقیم موادی چون بتون بود. برجسته‌ترین هنرمندان این جنبش عبارت بودند از آلیسون و اسمیتسون معمار و رایان بانهام منتقد معماری.

زجاجی (مربوط به ماهیت شیشه)
viteous
شیشه‌ای کردن، لعابی کردن.

زرکوب هندی (بیدار)
Bidri ware

سمت راست گفته می‌شود (صفحهٔ چپ verso است) همچنین نگاه کنید به برگ کتاب.

روی مدال
obverse
سمتی از مدال یا سکه که طرحی بر روی آن ضرب می‌شود. در مقابل پشت سکه.

ریخته‌گری
casting
روش ساخت یک شیء هنری (مثلاً مدال، قالب گچی) به وسیله ریختن فلز مذاب به درون قالب ریخته‌گری (در مقابل ضرب کردن). این روش مورد علاقهٔ پیشروان مدال سازی دوران رنسانس همچون پیزانلو بود. یکی از روش‌های ریخته‌گری، ریخته‌گری دقیق است.

ریخته‌گری دقیق
cireperdue (Fr.)
نوعی روش ریخته‌گری که در آن نخست مدلی از موم ساخته می‌شود و سپس در درون قالبی از گل و گچ گذاشته می‌شود. پس از خشک شدن قالب، آن را حرارت می‌دهند تا موم درون آن از یک منفذ خارج شود، سپس فلز مذاب - معمولاً برنز - به درون آن ریخته می‌شود و جایگزین آن می‌گردد. برای ساخت یک شیء مجوف ضروری است که یک هسته از گل پخته در درون آن جای گیرد تا بدین ترتیب موم فضای نازک بین هسته و قالب را پر کند.

ریخته‌گی
cast
شینی که از طریق روش ریخته‌گری تولید شود.

ریزبافت
granulation
دانه‌های ریز (گرانول) طلا که برای تزئین بر روی سطح طلائی، به صورت توده‌وار در کنار هم یا به صورت نقوش کلی به کار می‌رود. کاربرد این روش از هزارهٔ سوم پیش از میلاد شناخته شده بود و به ویژه قوم اتروسک (هنر اتروپایی) از این روش بسیار استفاده برد. حال نیز روش‌های جدید سدهٔ نوزدهم و بیستم فراوانی وجود دارد که جلوهٔ مشابهی را خلق می‌کنند.

ریسمان خشک
cuerde seca (Sp.)
روشی برای تزئین سفال که در آن لعاب‌های رنگی مختلف با خطوطی از مخلوط منگنز و گریس، از هم مجزا می‌گردند. این روش در خاورمیانه ابداع شد و

موج نما به روی تیغه شمشیر منتقل می‌شود. تصور می‌شود که این روش در دمشق ابداع شده باشد. ۲ - بعدهابه روش تزئین آهن با خاتمکاری فلزات قیمتی نیز گفته می‌شود.

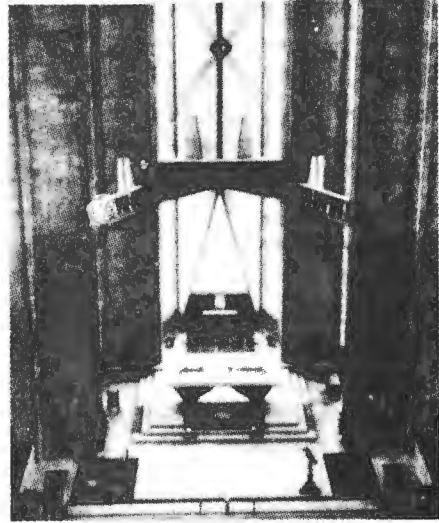
زری بافت *brocade*
پارچه با نقوش برجسته، که برجستگی آن با استفاده از پودهای مکملی که کمی از سطح پارچه بیرون زده‌اند پدید می‌آید.

زمینه *ground*
۱ - سطحی که به طور خاص برای نقاشی آماده شود؛ احتمالاً با گچ بوم یا لایه‌ای از رنگ با سایه رنگ یکدست. زمینه جاذب، زمینه‌ای است که فاقد روغن باشد و لذا روغن رنگ را به خود جذب می‌کرده و آن را به سرعت کدر و خشک می‌کند.
۲ - در مفهوم عام‌تر سطحی که بر روی آن نقاشی یا طراحی اجرا می‌شود - بوم، کاغذ یا اندود گچ. ۲ - پس زمینه مکمل در نقاشی. نگاه کنید به ارتباط شکل - زمینه. ۳ - در هنرهای تزئینی ماده اصلی که بر روی آن تصویر با نقش تزئینی اجرا می‌شود. برای مثال در میناکاری، زمینه معمولاً فلز است، و در سرامیک بدنه ظرف یا کوزه سفالی به عنوان زمینه‌ای برای تزئینات استفاده می‌شود. ۵ - در حکاکی اسیدی غشاء مقاوم در برابر اسید که سطح لوح فلزی را می‌پوشاند و طرح با یک وسیله نوک تیز بر روی آن حک می‌شود.

زمینه قهوه‌ای *bolus ground*
سطح خاکی یا قهوه‌ای قرمز که به عنوان زمینه در نقاشی رنگ روغن و نیز برای آب طلاکاری به کار می‌رود.

زن پیکره سبده *canephora (Gk.)*
(در زبان یونانی به معنی «حمل کننده سبده»)
۱ - ستون زن پیکره‌ای که سبده را بر سر حمل می‌کند و بخشی از سر ستون را تشکیل می‌دهد. ۲ - هر نوع پیکره زن تزئینی به صورت نقش برجسته یا مجسمه، که بر سر خود سبده حمل کند.

زنجیره پولکی *bezant*
(نام یک سکه قدیمی بیزانسی) نوعی آئین معماری سبک رومانسک متشکل از دوایر تخت نزدیک به هم.



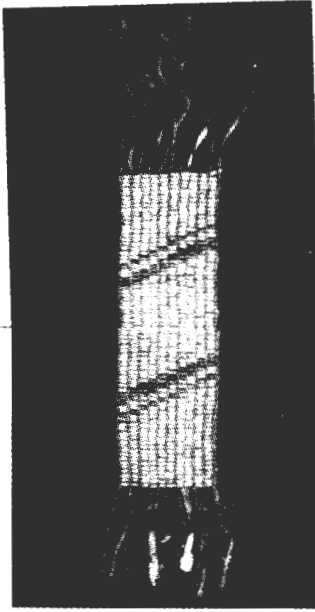
معماری زیبره‌کاری: فضای داخلی کلیسای نتردام در رویان، که در سال ۱۹۴۹ طراحی شد. تزئینات اصلی با قالب‌بندی‌های زمخت بتون شکل گرفته است.



ساختمان دبیرستان در هانسانتون اثر پیتر والیسون اسمیت، نورفولک، ۵۴ - ۱۹۴۹، نمونه مشخصه سبک معماری زیبره‌کاری نوین، به برج مخزن آب که آشکارا نمایش داده شده توجه کنید.

(ماخوذ از بیدرا، شهری در هند) اشیاء ساخته شده از آهن زرکوب هندی.

زرکوبی روی آهن، آهن زرکوب (دمشقی) *damascening*
۱ - در آغاز به روشی اطلاق می‌شد که طی آن نقوش



زنجیره سفید، متعلق به سده هجدهم، احتمالاً به قصد تقویت حافظه برای انجام برخی فرایض آیینی یا انجام مراسم سیاسی استفاده می‌شد.



زنجیره یونانی

calathus **زنگوله‌ای**
هسته داخلی زنگوله‌ای شکل در یک سر ستون از نوع کورنتی در شیوه معماری یونانی.

glazing bar **زوار**
میله چوبی یا فلزی که برای نگه‌داری قاب شیشه در پنجره به کار می‌رود.

chaitya (Skr) **زیارتگاه صخره‌ای بودایی**
نوعی معبد بودایی هندی یا تالار نیایش که در دل سنگ کنده می‌شد.

Ideal, the **زیبایی آرمانی**
هنری که هرآنچه را در طبیعت عالی و کامل می‌بیند

زنجیره دانه تسبیحی astragal

۱ - نوعی ابزار، با مقطع نیم دایره، و غالباً تزئین شده، با نقوش مهره ماسوره‌ای تزئینی، و در بالا و یا پایین ستون نصب می‌شود و یا بخش پیشانی بنا را شکل می‌دهد. (برای تصویر نگاه کنید به شیوه‌های معماری*) ۲ - در زبان اسکاتلندی به معنی ستون لعابکاری شده است.

زنجیره دندان‌دار dentils (Fr.)

(در زبان فرانسه به معنی «دندان‌های کوچک») قاب‌های مربع شکل کوچکی در قرفیز یونان باستان، به ویژه از نوعی که بر ستون‌های ایونیک، کورنتی و ترکیبی از شیوه‌های معماری یونانی اجرا می‌شود.

زنجیره سفید wampum

(مأخوذ از واژه آلگونکویی wampumpeag به معنی «سیم‌های سفید») مهره‌های لوله‌ای سفید و صورتی که از صدف دریایی ساخته می‌شوند و بومیان آمریکای شمالی برای بافته‌های تسبیح کاری استفاده می‌کردند. این اشیاء جنبه آئینی داشت و گاه به عنوان کمک به حافظه به کار می‌رفت، همچنین از این مهره‌ها به عنوان واسطی برای مبادله استفاده می‌شد.

زنجیره هندسی fret

۱ - مترادف نقوش زنجیره یونانی. ۲ - نقش برجسته یا نقوش مشبک‌کاری زاویه‌دار غالباً ملهم از آثار چینی (میلان چینی‌وار*).

زنجیره یونانی Greek key pattern

نوعی نقوش تزئینی شامل خطوطی که با زاویه قائمه به سمت هم می‌چرخند و یک حلزونی مربع شکل را تشکیل می‌دهند. مترادف meander pattern, Fret (هنر هندسی*).

زنگار (پاتین) patina

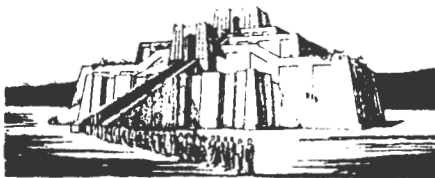
۱ - در مفهوم خاص، شبیه‌سازی زنگار مفرغ که در اثر اکسید شدن پدید می‌آید. (معمولاً به رنگ قهوه‌ای یا سبز) ۲ - در مفهوم گسترده‌تر، هر نوع تغییری در رنگ سطحی یا بافت سطحی یک شیء که به نظر رسد به مرور زمان در اثر استهلاک یا نور خوردگی پدید آمده است.

زیر ساز، دخمه hypogeum (Lat.)
(در زبان لاتین به معنی تحت اللفظی «زیر زمین») ساختمان یا بخشی از ساختمان که در زیر زمین قرار دارد.

زیر طرح فرسک sinopia
۱ - طرح آستری که برای مشخص کردن نقشه کلی ترکیب بندی فرسک به کار می‌رود. ۲ - گچ قهوه‌ای قرمزی که برای این کار استفاده می‌شود.

زیر لعابی underglaze
نوعی تزئینات نقاشی روی آثار سرامیکی، که پیش از لعابکاری به کار می‌رود، و وقتی ظرف لعابکاری شده پخته شد، برای همیشه ثابت باقی می‌ماند.

زیگورات ziggurat
(مأخوذ از واژه آشوری ziqquratu به معنی «قله») جایگاهی به شکل هرم پلکانی که بر روی آن یک معبد سومری یا آشوری ساخته می‌شد.



تصویر بازسازی زیگورات اورنامو، در اور، دوره سلسله اولیه.

زیلو dhurrie, dhurry (Fr.)
فرش دست‌بافت یا گلیم که در آن از نخ کتان استفاده شده باشد.

زینت کاری سرد
cold Painting, Cold colours
تزئینات به صورت رنگ روغن یا لاک الکل بر روی چینی یا شیشه که در کوره پخت نشده باشند.

ژاپنی‌گرایی Japonisme (Fr.)
تأثیر هنر ژاپنی بر هنر اروپایی، به ویژه بر سبک‌های امپرسیونیسم و پست امپرسیونیسم.

ژاپنی‌وار japoniserie (Fr.)
۱ - تقلید اروپاییان از هنر و صنایع دستی بومی

در قالبی زیبایی‌شناسانه به صورت فرم‌های منفرد متفاوت از یک نوع مشابه یا متعلق به یک مقوله مشابه متحد و یکپارچه می‌سازد. اگرچه زیبایی آرمانی تلاش دارد تا از آنچه که در واقعیت دستیافتنی است کمال یافته‌تر باشد اما ضرورتاً منبعث از ایده خود هنرمند است. این اصطلاح ریشه در رئسمانس و نظریات نوافلاطونی دارد و بیشترین تأثیر را بر کار هنرمندان نیمه دوم سده هجدهم داشت. همچنین نگاه کنید به نفوکلاسیسیسم.

زیبایی‌شناسی (فلسفه) aesthetic
نظام منسجمی از شاخص‌ها که ممکن است صرفاً بصری، اخلاقی یا اجتماعی، یا هر ترکیبی از اینها باشد و برای ارزشیابی آثار هنری به کار می‌رود - مثلاً برای ارزشیابی مصنوعات و تولیدات جنبش هنر و صنایع دستی از «زیبایی‌شناسی صنایع دستی» استفاده می‌شود.

زیبایی‌شناسی aesthetics
فلسفه زیبایی در هنر. این اصطلاح نخستین بار در میانه سده هجدهم توسط الکساندر گوتلیب بومگارتن (۱۷۱۴-۶۲) فیلسوف فرانسوی به کار رفت و سپس کانت در نظریه زیبایی‌شناسی خود از آن بهره جست.

زیبایی‌شناس aesthete
۱ - در مفهوم خاص به هواداران جنبش زیبایی‌شناسی در اواخر سده نوزدهم اطلاق می‌شود. ۲ - در مفهوم عامتر به فردی اطلاق می‌شود که به حساسیت هنری در زندگی‌اش اولویت می‌دهد.

زیرآستر فرسک arricciato, arriccio (It.)
(در زبان ایتالیایی به معنی «چروک») در نقاشی فرسک به پوششی از گچ که بر دیوار اندود گچ و ماسه می‌زنند و بر روی آن ترکیب‌بندی کلی اثر را به صورت پیش‌طرح اجرا می‌کنند.

زیرزمین basement
۱ - در معماری کلاسیک مترادف با کرسی ساختمان، به ویژه از نوعی که صلب نباشد. ۲ - پایین‌ترین طبقه ساختمان، گاه در زیرزمین و معمولاً با ارتفاعی کمتر از طبقه بالای آن.

س

oeuvre catalogue سابقه هنری
سابقه کامل آثار عرضه شده یک هنرمند. همچنین نگاه کنید به فهرست شرح آثار هنری.

chancel ساحت پشت محراب
بخش شرقی کلیسا، که سنتاً به عنوان جایگاه کشیش استفاده می‌شود. این محل مشتمل است بر جایگاه همخوانان، که در آن سروده‌های مقدس خوانده می‌شود، و حرم که محراب را پوشش می‌دهد و غالباً با یک پرده از باقی فضای شبستان مجزا می‌شود.

clapboard construction ساختار بام‌پوش
نظام سنتی ساختمان سازی آمریکای شمالی که در آن برای پوشش دادن چارچوب الواری بام از صفحات افقی استفاده می‌شود. صفحات یکی بر دیگری قرار می‌گیرد و حاشیه بالایی هر یک از صفحات کمی باریک‌تر از حاشیه پایینی آن است. در بریتانیا Weatherboarding (بام پوش افقی) خوانده می‌شود.

space - frame ساختار فضایی
نوعی چارچوب سه بعدی که برای استحکام خرپا در برابر رانش از تمام جهات طراحی شده است.

frame construction ساختار قفس بست
هر نوع نظام ساختمان سازی (مثلاً ساختار چوب بستنی، ساختار چوب و گچ) که بر اسکلت قفس بست استوار باشد و نه دیوارهایی که ساختمان را نگه می‌دارند.

primary structures ساختارهای اولیه
مجسمه کوچک (در واقع هنر مینیمال به شکل سه بعدی).

ژاپن. ۲ - محصولات ژاپنی که به دلیل علاقه مفرط اروپائیان به آثار ژاپنی طی نیمه دوم سده نوزدهم بسیار رواج یافت. این آثار شامل باسمه‌های چوبی به سبک یوکیونه، (ظروف) چینی، بادبزن، لاک الکل و آثار فلزکاری بود.

ژانر - گونه genre (Fr.)
(در زبان فرانسه به معنی «گونه، نوع») ۱ - نوعی نقاشی که بر اساس محتوا یا موضوع آن ارزشیابی می‌شود، مانند طبیعت بیجان، منظره، تک چهره، نقاشی تاریخی. ۲ - هنری که مناظری از زندگی روزمره را نمایش دهد، به ویژه از آن نوع که در سده هفدهم در هلند رایج بود.

ژرفا depth
۱ - درجه اشباع رنگ در یک رنگمایه خاص. ۲ - درجه عقب نشینی در پرسپکتیو.

ژرفا نمایی illusionism
کاربرد تمهیدات بصری، به ویژه پرسپکتیو و کوتاه نمایی، به نحوی که بیننده را متقاعد کند آنچه می‌بیند، سه بعدی و واقعی است.



«بانو به هنگام آرایش» حدود ۱۶۶۰، اثر جرارد تر بوخ، نمونه مشخصی از صحنه ژانر هلندی سده هفدهم است.

ساخته دست غیبی (Gk.) acheiropoeitos
 (در زبان یونانی به معنی «ساختن بدون دخالت دست»). هر نوع تصویر مقدس، کفرآمیز یا مسیحی که تصور شود بدون دخالت دست انسان خلق شده‌اند.

سادلی (Hindi) sadeli
 نوعی خاتمکاری که در آن از عاج، شاخ، چوب، نقره و قلع استفاده می‌شود این روش در سده شانزدهم از ایران به هند برده شد.

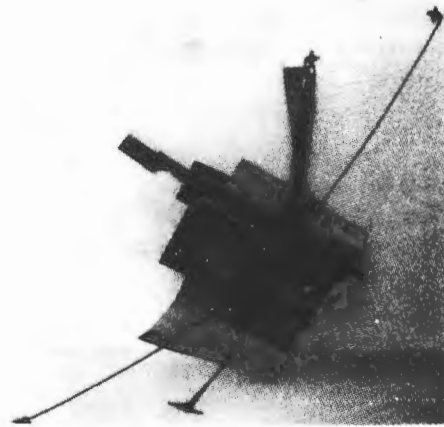
سازه تزئینی پشت محراب , retable
 retablo , retablum

۱ - طاقچه‌ای برای گذاشتن وسایل تزئینی در پشت یک محراب. ۲ - لته نقاشی یا مجسمه پشت یک محراب.

ساقه (ستون یا گنبد) drum
 ۱ - قالب استوانه‌ای شکلی که بخشی از ستون را تشکیل می‌دهد. ۲ - دیواری که گنبد* روی آن قرار می‌گیرد. ۳ - پاستون استوانه‌ای شکلی که یک پیکره، ظرف، چراغ یا دیگر اشیاء را نگه دارد.

سالن (Fr.) Salon
 در فرانسه، عنوانی کلی برای نمایشگاه یک گروهی مستقل.

سالن (مرکز هنری) Salon, The (Fr.)
 نمایشگاه رسمی آثار نقاشی فرانسه که نخستین بار در سال ۱۶۶۷ برپا شد و پس از آن هر ساله تحت حمایت دربار سلطنتی در سالن آپولون در لور برپا می‌شد. از سال ۱۷۲۷ نمایشگاه سالن به صورت دو سالانه و از انقلاب فرانسه (۱۷۸۹ - ۱۷۹۹) مجدداً به صورت سالانه برپا می‌شد. این نمایشگاه تا سال ۱۸۸۱، تغییر حکومت فرانسه، به صورت رسمی دایر بود. در آن زمان کمیته‌ای متشکل از ۹۹ هنرمند از سوی کسانی که در نمایشگاه‌های پیشین شرکت کرده بودند انتخاب شد تا انجمن هنرمندان فرانسوی را که از آن پس عهده‌دار نمایشگاه‌های سالانه بود تشکیل دهند. در سال ۱۸۸۹، بعد از نمایشگاه بین‌المللی همان سال، انشعابی روی داد و انجمن ملی هنرهای زیبا شکل گرفت. این انجمن از سال ۱۸۹۰ به بعد نمایشگاه‌های سالانه‌ای را به‌همت خود برپا کرد.



ساختگرایی: نقش برجسته گوشه اثر ولادیمیر تاتلین، ۱۹۱۵، گویای تجربه فرم پردازانه وی در کاربرد مواد ساختاری در فضا، با استفاده از ورق فلز، چوب سیم و کابیل بود.

ساختگرایی Constructivism

جنبشی در هنر انتزاعی روسیه که کمی پیش از انقلاب اکتبر ظهور یافت. هنرمندان ساختگرا تلاش دارند تا هنر را به عنوان تفحصی مستقل و علمی در ویژگی‌های انتزاعی (سطح تصویر، ساختار، خط و رنگ) بدل سازند. آنان همچنین مایل‌اند تا اصول این هنر را مطابق با نیازهای اجتماعی و صنعتی دوران به کار گیرند، و آن را در پیوند با معماری و یا جزئی چون طراحی لباس تجربه کنند. ساختگرایی در خارج از روسیه نیز تأثیر زیادی بر نهادهای هنری چون باهاوس نهاد.

ساختمان با اسکلت صندوقی

box - Fram construction
 نوعی ساختمان بتونی متشکل از خانه‌های مشابه هم که یکی در بالای دیگری قرار می‌گیرد و وزن ساختمان نه بر پایه‌های نگه‌دارنده عمودی ساختمان، بلکه بر کل دیوارها توزیع می‌شود.

ساختمان چوب بستی

balloon - frame construction
 روش سریع، ارزان و سبک برای ساخت چارچوب چوبی ساختمان که در اواسط سده نوزدهم در آمریکای شمالی ابداع شد. تیرهای قائم چوبی (پایه چوبی) از کف تا لبه بام ادامه می‌یابد و الوارهای کف به آن متصل می‌شوند.



vineitore اثر کاراواجیو، ۹۹ - ۱۵۹۸، از شیوه سایه روشن کاری برای تاکید بر واقعی بودن این بچه و روجک خیابانی بالدار رومی استفاده کرده است.

روشن (تیره‌گی روشنی) فاقد مرز. ابداع این روش به آثار لئوناردو داوینچی مربوط می‌شود. ایجاد چنین جلوه‌ای با استفاده از واسطه‌های زود خشک شونده‌ای چون تمپرا (رنگ تمپرا) دشوار است. از این رو این روش با ظهور نقاشی رنگ روغن هم زمان است و اوج آن در سده هفدهم و با آثار کاراواجیو در ایتالیا، رامبراند در هلند، جورج دلاتور در لوورین حاصل می‌شود.

سبک آزاد
Stile Liberty معادل ایتالیایی آرت نوو.

سبک احیاء گوتیک فرانسوی
Troubadour style نسخه خیال پردازانه احیاء گوتیک فرانسوی. همچنین نگاه کنید به سبک کاتدرال.

سبک امپراطوری دوم
Second Empire Style

سبک معماری و تزئینی التقاطی، که از سبک احیاء گوتیک تا سبک لویی شانزدهم را در بر می‌گیرد، و طی دوره‌ای که ناپلئون سوم رئیس جمهور (۱۸۴۸ -

سالن پاییزه Salon d'Automne (Fr.)
نمایشگاه سالانه‌ای که نخستین بار در سال ۱۹۰۲ در پاریس برپا شد و طی اولین سال‌های برپایی خود به عنوان نمایشگاهی برای عرضه آثار فوویست‌ها مطرح شد.

سالن مردودین
Salon des Refuse's (Fr.)
نمایشگاهی که در سال ۱۸۶۲ در پاریس برپا شد تا آثاری را که در همان سال از سوی سالن رسمی رد شده بودند، به نمایش بگذارد. این نمایشگاه به فرمان ناپلئون سوم سازمان یافت و در برگیرنده آثاری از مونه، بودین، فانتن لاتور، پیسارو، ویسلر و بسیاری دیگر از هنرمندان بود.

سالن مستقل‌ها
Salon des Independants (Fr.)
نمایشگاه سالانه‌ای که از سال ۱۸۸۴ از سوی هنرمندانی که به سالن رسمی معترض بودند، نظیر سورا، سیناک و رودن، در پاریس برپا شد.

سان سریف sans serif
(در مورد حروف چاپی) حروفی که فاقد تزئینات خطی باشند. (بدون سریف)

سایبان baldachin, baldachino (It.)
۱ - در ابتدا به معنی سرسایه پارچه‌ای بود که بر ستون‌هایی در چهارگوش نگه‌داری می‌شد. ۲ - بعدها به سرسایه‌های مختلف معماری هم اطلاق می‌شد و گاه بر روی محراب‌های بلند در کلیساهای باروک قرار می‌گرفت. مهم‌ترین نمونه سایبان‌ها، نمونه‌ای است که گیانلورنزو برنینی در کلیسای سنت پیترو هم طراحی کرد. این سایبان‌ها می‌تواند از سقف آویخته شود، به دیوار نصب شود، یا بر روی ستون‌هایی که غالباً با نقوش مارپیچ هستند، قرار گیرد.

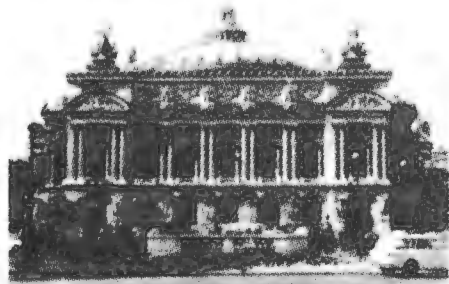
سایه رنگ tone
۱ - رنگمایه فراگیر در یک تصویر. ۲ - درخشندگی یا کدری نسبی آن.

سایه روشن کاری chiaroscuro (Lt)
(در زبان ایتالیایی به معنی «سایه روشن»)؛ نقاشی به روش حجم‌دهی به فرم به وسیله گام‌های سایه

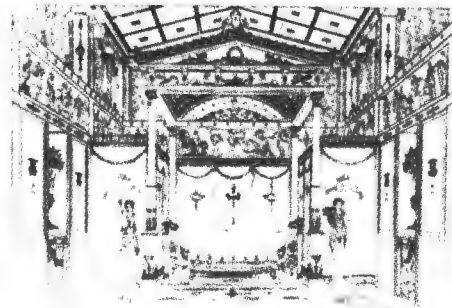
متقدم انگلیسی). این سبک برای ساخت فرم‌هایی که به دوره پیشین تعلق دارد، از جزئیات تزئینی گوتیک استفاده می‌کند.



سبک انتقالی: بخشی از شبستان صومعه ریون، حدود ۱۱۸۰، که گویای گذر از سبک رومانسک (قوس‌های مدور) به سبک گوتیک متقدم انگلیسی (قوس‌های نوک تیز) است.



نمای پیشین سالن ابرای پاریس اثر چارلز گارنیه، ۷۴ - ۱۸۶۱، نمونه پرشکوهی از سبک (معماری) امپراطوری دوم، که عمدتاً متأثر از سبک باروک ایتالیایی انجام شده است.



طرحی برای یک اتاق خواب براساس سبک امپراطوری ناپلئون اثر پرسیروفونتین، ۱۸۰۱.

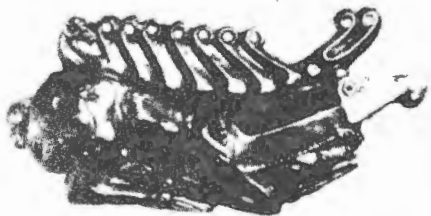
۱۸۵۲) و امپراطور بود (۱۸۵۲ - ۱۸۷۰) در فرانسه رواج یافت.

سبک امپراطوری ناپلئون Empire style
نسخه متأخر نئوکلاسیسیسم که طی امپراطوری ناپلئون اول رایج بود، و به ویژه به انواع مبلمان و تزئیناتی که توسط ناپلئون برای محل اقامت خود سفارش داده بود مربوط می‌شود - مشخصه آن به ویژه شامل فرم‌های باستانی (آنتیک) و جامگان پرچین و چروک است. سبک امپراطوری ناپلئون در سرتاسر اروپا و نیز آمریکای شمالی تأثیرگذار بود.



سبک ایتالیایی‌وار در انگلستان: باشگاه رفورم در پال مال اثر چارلز باری، ۱۸۲۷، که بر اساس کاخ فارنز در رم سده شانزدهم طراحی شده است.

سبک انتقالی Transitional style
سبک معماری میانجی در اروپا بین رومانسک و گوتیک (در انگلستان بین سبک نورمن و گوتیک



پلاک سبک جانورنگاری سکایی، به صورت برجسته کاری طلا، سدهای چهارم و پنجم پیش از میلاد.

سبک بین‌المللی International Style
نامی که هنری راسل هیچکوک تاریخ شناس معماری و فیلیپ راسل معمار برای توصیف معماری پیشرویی که بین سال‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ در اروپا پدیدار شد، ابداع کردند. معیار آنان این بود که معماری از درون تا بیرون ساختمان و نمای پیشین آن تأثیر گذار است، و به جای تلاش برای ایجاد تقارن محوری، تلاش کردند تا به نوعی نقشه‌ریزی منطقی دست یابند و تمامی تزئینات اتفاقی را از معماری حذف کنند. مترادف: International Modern

سبک جانورنگاری Animal Style
سبک متمایزی در تزئینات که در میان قبایل اروپایی و آسیای مرکزی، از مجارستان تا بیابان گوبی Gobi رواج داشت. این سبک نخست در بین «سکاهای» سده شانزدهم پیش از میلاد ظهور یافت. در این سبک از نقوش و شکل‌های جانوری که به صورت «گرفت و گیر» در هم تنیده‌اند برای خلق تزئینات خطی استفاده می‌شد. معمولاً یا یکی از جانوران چشمگیرتر و برجسته‌تر از دیگری است یا یکی در میان دیگری قرار دارد. این نوع نقوش به ویژه در آثار فلزکاری مشاهده می‌شود.

سبک دایرکتوار Directoire style
در هنرهای تزئینی فرانسه، نسخه ساده شده سبک لوئی شانزدهم که بین سال‌های ۹۹ - ۱۷۹۵ تحت نظر دایرکتوار رایج بود. در این سبک عناصر نئوکلاسیک با نقشمایه‌های جمهوری‌ت هم‌چون نشان کنسولی و جام آزادی با هم تلفیق می‌شوند.

سبک ایتالیایی‌وار Italianate style

۱ - سبک معماری سده نوزدهم انگلستان، مأخوذ از ساختمان‌های رنسانس ایتالیایی، که برای ساخت بناهای عمودی و معماری شهری و نیز خانه‌ها و ویلاهای روستایی به‌کار گرفته شد. ۲ - سبک معماری سده نوزدهم آمریکای شمالی که برای ساخت خانه، به‌ویژه خانه‌های با بام* شیروانی کم‌ارتفاع و به همراه یک مهتابی رایج بود.

سبک بازگشت (انگلیسی) Restoration style

سبک تزئینی پر تجمل باروک انگلیسی که با بازگشت چارلز دوم به پادشاهی در سال ۱۶۶۰ در انگلستان ظهور یافت. این سبک تحت تأثیر هنر هلند و به میزان کمتری تحت تأثیر هنر فرانسه بود. همچنین تأثیر محسوسی از هنر شرقی، به ویژه آثار تزئینی چیت هندی و لاک الکل ژاپنی گرفت. گرایش به سمت میلمان روکش‌دار با چوب گردو، به طور روز افزون جایگزین میلمان صلب با چوب بلوط شد.

سبک بازگشت (فرانسوی) Restauration style

نوعی سبک تزئینی که از دوره بازگشت بوربون‌ها در سال ۱۸۱۵ تا سقوط شارل دهم در سال ۱۸۳۰ در فرانسه رایج بود. این سبک شکل تکامل یافته سبک پیشین خود یعنی سبک امپراطوری ناپلئون بود، و از فرم‌های مأخوذ از نئوکلاسیسیسم بهره می‌برد، با این تفاوت که در آن استفاده از چوب‌های کم رنگ و رنگ‌های روشن‌تر ترجیح داده می‌شود.



سبک بین‌المللی: خانه توگینهات در برنو، ۱۹۳۰، از کارهای اولیه میس واندرووه، که به خوبی گویای این سبک پالوده و فاقد تزئینات و نمای نامتقارن است.



پیکره کوچک سنگ آهک یک الهه به سبک ددالوس. جلوه و تاثیر شدید هنر مصری (موی کلاه گیس مانند) و شال کرتی مشخصه‌های رایج این سبک هستند.



سبک دایرکتوار: چهار پایه x شکل براساس مدل امپراطوری روم. کلکی‌های به شکل سر شیر و پایه‌های به شکل پنجه حیوان نیز از نمونه‌های اصیل کلاسیک اخذ شده‌اند.

سبک ددالوس Daedalic style

سبک مجسمه سازی یونانی، حد فاصل بین دوره هندسی و باستان (۶۲۰ - ۶۶۰ ق.م). نام این سبک مأخوذ از نام ددالوس صنعتگر اسطوره‌ای است که یونانیان باستان ساخت مجسمه‌های خدایان اولیه را به وی نسبت می‌دهند. همچنین Early Archaic هم گفته می‌شود.

سبک ژاکوبی Jacobean Style

سبک معماری و تزئینات که طی حکومت جیمز اول (۲۵ - ۱۶۰۳) در انگلستان رایج بود. نقشمایه‌های معماری رنسانس که با زمختی تصویر شده و به صورت نامنظم به کار می‌رفت، با تزئینات دور قلاب زیرورو و دیگر فرم‌های تزئینی مرتبط با منریسم در شمال اروپا، ترکیب شد. در معماری داخلی، استفاده زیادی از کارهای گچ‌بری و برجسته‌کاری چوبی می‌شد.

سبک فدرال Federal style

سبکی تزئینی در ایالات متحده که از زمان استقرار دولت فدرال در سال ۱۷۸۹ تا حدود ۱۸۲۰ رایج بود. این سبک تحت تأثیر تفوق کلاسیسیسم انگلیس و فرانسه بود و از جمله طراحان برجسته مرتبط با آن می‌توان پل ریور نقره کار و چارلز اونوره لانیویر، دانکن فیفه و مایکل آلیستون کمدهاز را نام برد.



رومانتیسیم ژاکوبی: «قلعه کوچک» اثر جان اسمیتسون در قلعه بسولسور، دربی‌شایر، ۱۶۱۲، ترکیبی ناموزون از عناصر هنر رنسانس و گوتیک است.

سبک کاتدرال cathedral style

۱ - مترادف سبک احیاء گوتیک فرانسوی. ۲ - نوعی صحافی کتاب متعلق به اوائل سده نوزدهم فرانسه، که در آن نقشمایه‌هایی مأخوذ از توری کاری [به سبک] گوتیک به کار می‌رفت.

بودند، اطلاق می‌شود. این سبک از یک سو تداوم سبک امپراطوری ناپلئون محسوب می‌شود و از سوی دیگر ادامه سبک شبه گوتیک تر و بادو است. به اضافه نسخه سنگین‌تر و دقیق‌تر گوتیک و سبک رنسانس. در اواسط سده هجدهم حتی جنبشی با گرایش به سمت احیاء علایق روکوکو نیز پدید آمد.

سبک لوح پوششی Shingle style

نسخه آمریکای شمالی سبک ملکه آن اواخر سده نوزدهم، که به جای ویژگی کاشی دیوارپوش در نماهای خارجی، از لوح پوششی آویخته استفاده می‌شد. بسیاری از خانه‌هایی که طی سال‌های ۱۸۷۰ تا ۱۸۸۰ به این سبک رایج شدند، دارای نقشه داخلی باز بودند که حال به نظر می‌رسد پیش آهنگ معماری خانگی سده بیستم بوده‌اند.

سبک مانسارد mansard style

اصطلاح محاوره‌ای برای نوعی معماری سده نوزدهم به تقلید از فرانسوامانسارد معمار سده هجدهم فرانسه، که مشخصه آن بام^{*} های چهار ترک بود.

سبک مانوئل Manueline

آخرین مرحله معماری گوتیک در پرتغال که بر اساس نام پادشاه مانوئل اول (۱۵۲۱ - ۱۳۹۵) نام‌گذاری شد. از جمله ویژگی‌های متمایز آن نقشمایه‌های دریایی، به ویژه برجسته‌کاری‌های تزئین طناب پیچ، مارپیچ و مرجانی شکل و کثرت فرم‌های جانوری و اندام‌وار بود.

سبک مختلط ژاکوبی - الیزابتی Jacobethan

۱ - تلفیقی از سبک‌های ژاکوبی و الیزابتی، به ویژه تقلید آزاد سده نوزدهمی، که مشخصه‌های هر دو سبک را با یکدیگر ترکیب می‌کند. ۲ - (به غلط) به سبک‌های اصیل ژاکوبی و الیزابتی هم گفته می‌شود.

سبک مُدَجَنی mudéjar style (sp.)

(مأخوذ از واژه مدجن به معنی «بازمانده») نوعی سبک تزئینی در اسپانیا که به دست مسلمانانی که برای استادان مسیحی کار می‌کردند و نیز مسیحیانی که از فرم‌های مسلمانان تقلید می‌کردند، ابداع شد.

سبک کنسولی consulat

تداوم سبک دایرکتوار در اولین سال‌های فرمانروایی ناپلئون (۱۷۹۹ تا حدود ۱۸۰۴) که مشخصه آن کاربرد نقشمایه‌های مصری، با الهام از جنگ‌های ۱۷۹۸ - ۱۷۹۹ ناپلئون در مصر بود. (نگاه کنید به سلیقه مصری)

سبک لاله گوش auricular style

نوعی سبک پیچیده تزئینی که در اواخر سده شانزدهم و اوایل سده هجدهم در شمال اروپا رایج بود، و در واقع سبک انتقالی از منریسم به باروک محسوب می‌شود. نام سبک به دلیل شباهت نقوش آن به غضروف گوش انسان این‌گونه انتخاب شده است. (مترادف Labate style)

سبک لوئی پانزدهم Louis XV style

نمونه فرانسوی سبک روکوکو، که بین سال‌های ۱۷۲۰ تا ۱۷۵۰ رایج بود و تقریباً با مرگ پادشاه در سال ۱۷۷۴ از مد افتاد. مشخصه این سبک گرایش به نقوش نامتقارن، کاربرد افراطی از نقوش منحنی شکل انتزاعی - طوماری و صدفی - و تزئینات سنگی بود. همچنین نگاه کنید به آذین سنگ و صدف.

سبک لوئی چهاردهم Louis XIV style

سبک رسمی و تجملی در هنرهای تزئینی که طی دوره حکومت لوئی چهاردهم در فرانسه رایج و فراگیر بود. این سبک ترکیبی بود از عناصر عاریتی از سبک باروک ایتالیایی و برخی تمهیدات که از نقوش تزئینی استاندارد کلاسیک اخذ شده بود. پارچه‌های دست بافت گوبلن، ابریشم منقوش، روکش خاتمکاری بول از جمله محصولات تجملی بود که ساخته می‌شدند.

سبک لوئی شانزدهم Louis XVI style

سبک تزئینی نئوکلاسیک اولیه که قبلاً در زمان جلوس لوئی شانزدهم در سال ۱۷۷۴ رواج داشت. در این سبک می‌توان تأثیراتی از باروک ملایم سبک لویی چهاردهم را در آن تشخیص داد. متعاقب این سبک از سال ۱۷۹۵، سبک دایرکتوار ظهور یافت.

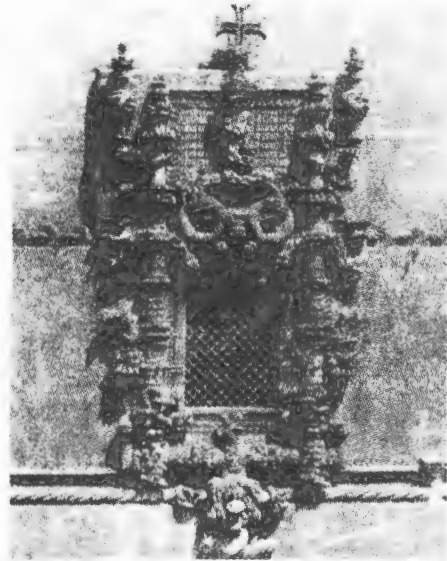
سبک لوئی فیلیپ Louis Philippe style

این اصطلاح به تمامی سبک‌های مختلفی که طی حکومت لوئی فیلیپ (۴۸ - ۱۸۳۰) در فرانسه رایج



کالج نیونهام، کمبریج، اثر باسیل چمپنی، شروع در سال ۱۸۷۵، مشخصه سبک ملکه آن انگلیس. به سنتوری‌های هلندی بزرگ و نیز کاربرد سنگ و آجر با پنجره‌های قاب چوبی توجه کنید.

که مشخصه آن سادگی و صراحت محسوس آن و کاربرد فراگیر آجر قرمز بود. با این وجود گاه از این اصطلاح برای توصیف آثار متعلق به اوائل جلوس ویلیام سوم در سال ۱۶۸۸ نیز به کار می‌رود. ۲- (در موردی که این اصطلاح در درون دو گیومه معکوس قرار گرفته باشند) به سبک معماری اواخر سده نوزدهم انگلیس و امریکای شمالی، تحت تأثیر ریچارد نورمن شاو (۱۹۲۱ - ۱۸۲۱) با مشخصه‌هایی مأخوذ از سبک ملکه آن انگلیس، و معماری سده هفدهم هلند (مثلاً بام‌های شیروانی) و با تاکید قوی بر جلوه نامنظم، نامتقارن و استفاده از مواد و بافت‌های مختلف در یک ساختمان اطلاق می‌شود.



معماری سبک مانوتل: پنجره تالار شورای کلیسا در تومبار، با طرح مانوتل اول، حدود ۱۵۲۰، برجسته‌کاری‌ها مشابه به فرم‌های طنابی و رشته‌ای است.

سبک نئوآتنی Neo - Attic style

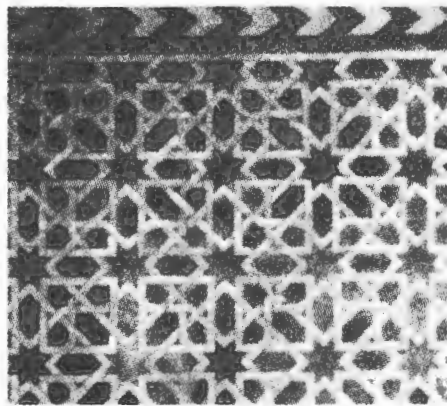
تزئینات پیکر تراشی هلنی متأخر مربوط به سده اول پیش از میلاد، که از نقشمایه‌های باستانی و کلاسیک یونان به صورت دقیق و کمی متظاهرانه تقلید می‌شد.

سبک نورمانی Norman Style

نسخه انگلیسی رومانسک، که با پیروزی نورمان در سال ۱۰۶۶ قرین است، اما بیانگر، ویژگی‌هایی است که از بورگاندی و سرزمین راین و نیز خود نورماندی به عاریه گرفته شده است. از جمله برجسته‌ترین مشخصه‌های این سبک قوس‌های مدور و کثرت تزئینات منحنی شکل است. این سبک تقریباً تا اواخر سده دوازدهم همچنان حیات خود را حفظ کرد.

سبک نیابت سلطنت انگلیس Regency

سبکی در میلمان‌سازی و هنرهای تزئینی که طی دوره نیابت سلطنت جورج چهارم (۲۰ - ۱۸۱۱) در



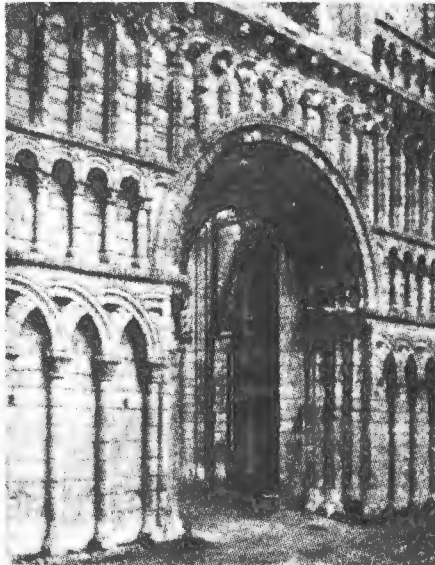
کاشی لمابدار رنگی به سبک مُدجنی، با نقوش تکرار شونده ستاره اسلامی، از الکازار، سویل.

سبک مدرن Modern Style

معادل فرانسوی اصطلاح آرت نوو.

سبک ملکه آن Queen Anne Style

۱- در مفهوم خاص به معماری و تزئینات محلی انگلیسی دوره ملکه آن (۱۴ - ۱۷۰۲) اطلاق می‌شود



سبک نرمانی: بخشی از نمای پیشین ضلع غربی قلعه آکره پریوری در نور فولک، حدود ۱۱۵۰، که در آن قوس‌های مدور و تزئینات نقش برجسته فراوان (از جمله امزار خیزابی) که مشخصه سبک نورمنی هستند، مشهود است.

(معبد یونانی*)

Colonnade، ستونک: (در زبان فرانسوی به معنی ستون کوچک). ستون استوانه‌ای با مقیاس کوچک که غالباً جنبه تزئینی دارد.

Compound pier، گروه جرز: جرز با ستون‌های کوچکتر متصل به آن که ساختار نگه‌دارنده پیچیده‌ای را پدید می‌آورد. غالباً در معماری رومانسک و گوتیک دیده می‌شود. مترادف: *Cluster Pier*

Coupled columns، دو ستون: جفت ستون‌های متصل به هم.

Demi - Column، نیم‌ستون: ستونی که به نظر رسد نیمی از آن در درون دیوار فرو رفته است و لذا فقط به اندازه نیم دایره از مقطع آن بیرون است. همچنین نگاه کنید به پاستون.

Engaged column، ستون توکار: ستونی که به نظر می‌رسد بخشی از آن در درون دیوار شکل گرفته است.

Entasis، تحدب میله ستون: (در زبان یونانی به معنی «کشیدگی») منحنی محدب و معمولاً بسیار نرم میله یک ستون کلاسیک. بدون چنین تحدبی ممکن است میله به شکل فرو رفته به نظر برسد.

بریتانیا رایج شد. از این اصطلاح همچنین برای دوره سلطنت وی نیز استفاده می‌شود (۳۰ - ۱۸۲۰). این سبک نوعی فتوکلاسیسیسم بود که بیشتر به الگوهای یونانی متکی بود تا رومی. این سبک زمینه‌ساز تأثیرات سلیقه مصری، چینی‌وار و روکوکو بود.

سبک نیابت سلطنت فرانسه

Régence (Fr.)

سبکی در معماری و هنرهای تزئینی که طی دوره نیابت سلطنت فیلیپ‌دوک اورلئان (۲۳ - ۱۷۱۵) رواج یافت. این سبک نوعی سبک ابتدایی روکوکو محسوب می‌شود که به شدت تحت تأثیر سبک باروک است.

سبوی یونانی

pithos (Gk.)
نوعی کوزه بزرگ (برای تصویر نگاه کنید به ظروف یونانی*)

سبوی دو دسته یونانی

lekane, lekanis (GK.)

در یونان باستان، نوعی کاسه کم عمق پایه‌دار با یک ردهش و دو دسته. (ظروف یونانی*)

سبوی یک دسته یونانی

Lekythos
در یونان باستان، نوعی سبوی استوانه‌ای روغن، با یک دسته عمودی، گلوگاه باریک و یک دهانه کوچک. (ظروف یونانی*)

سپر نشان‌دار

escutcheon
۱ - نوعی سپر با نقوش پرچمی روی آن. ۲ - در مفهوم عام‌تر هر نوع شیء تزئینی سپر مانند. ۲ - همچنین در مفهوم عام‌تر لوح فلزی کوچکی که به عنوان محافظ در برابر سوراخ کلید قرار می‌گیرد.

ستون

column
پایه مستقل، معمولاً با مقطع دایره که غالباً مطابق با یکی از شیوه‌های معماری* یونانی ساخته شده است.

Clustered Pier، گروه جرز: مترادف: *Compound Pier*

Colonnade، طاقگان: ردیفی از ستون‌ها که یک پیشانی یا مجموعه‌ای از قوس‌ها را نگه می‌دارند

می‌شد، و به جای ستون برای نگاهداری پیشانی، یا طاق به کار می‌رفت و یا به صورت پایه میز و غیره استفاده می‌شد (مترادف ستون مرد پیکره).



ستون پهلوان پیکر: به سبک باروک، که طاقی را در گوشک فوقانی نگه می‌دارد، وین، حدود ۱۷۱۵.

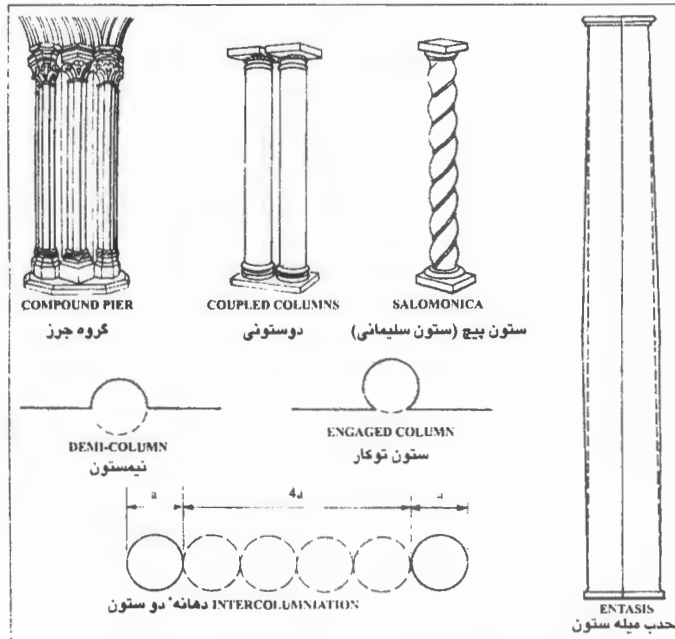
Estipite (sp)، ستون شیوری: ستون یا پایه چهارگوش که پایه آن قوی‌تر باشد و عمدتاً در سده‌های هفدهم و هجدهم در معماری اسپانیا و امریکای لاتین به کار می‌رفت. این ستون‌ها مشخصه مرحله میانی چوریگوارایی است.

Inter Columniation، دهانه دو ستون: ۱- فضای بین میله دو ستون مجاور هم. ۲- نسبت قطر میله ستون به فضای مابین ستون‌ها در یک مجموعه ستون منظم.

Salomónica (sp)، ستون پیچ: ستونی که فرم آن همچون طناب پیچ خورده است. شبیه نمونه‌ای که در معبد سلیمان در اورشلیم استفاده شده است (نمونه روم باستان این نوع ستون در کلیسای سنت پیترزم موجود است) از این ستون به وفور در معماری باروک اسپانیایی و پرتغالی استفاده شده است. مترادف *Sombine Painting*

ستون پهلوان پیکر *atlantes* (Gk.)

(در زبان یونانی جمع «اطلس» پهلوان اسطوره‌ای) پیکره اطلس با ارتفاع کامل یا نیمه، که به صورت مدور یا به شکل برجسته کاری عمیق ساخته



انواع ستون.

آثار را در کتاب خود به نام *علائم و تک نگاره‌های روی سفال و سرامیک (۱۸۶۳)* به غلط به کارخانه لواستاف در انگلستان نسبت داده است.

سرامیک‌های رنگ لعابی famille jaune, noire, rose and verte (Fr.)

(در زبان فرانسه به معنی «خانواده زرد، سیاه، صورتی، سبز») آثار چینی کشور چین متعلق به سده‌های هفدهم و هجدهم، با رنگ‌های مینایی که بر اساس رنگ غالب نقوش تزئینی آن نام گذاری می‌شد. از این میان سرامیک‌های با لعاب سبز و صورتی از همه رایج‌تر بودند. در اولی سبز قوی سببی با قرمز آهنی، زرد، ارغوانی و آبی بتقش ترکیب می‌شد. در خانواده صورتی، به این مجموعه یک رنگ قرمز صورتی که از اروپا به چین آورده شده بود، اضافه می‌گشت. (= صفحه ۱۰۲)

سرامیک ceramics
نامی عام که از سده نوزدهم به بعد برای اشاره به آثار چینی و تمامی انواع سفال استفاده می‌شود.

سرباز خشت Jack of Diamond
(مأخوذ از اصطلاح روسی *Bubnovii Valet*) گروه از هنرمندان روسی پیشرو و با گرایش غربی که در در مسکو متمرکز بودند و اولین نمایشگاه خود را در سال ۱۹۱۰ برپا کردند. مشخصه کارهای آنان استفاده از رنگ‌های درخشان و سا. دسازنی افراطی فرم برای خلق نقوش سطحی بود. از جمله برپا کنندگان نمایشگاه لارینوف، گونچارووا و ماله‌ویچ بودند، و نیز هنرمندانی از خارج روسیه همچون بلونی و لژه. بعدها این گروه به کانون فوتوریسم روسی بدل شد.

سر پیچ sarpech (persian)
آذین جواهر نشان دستار هندی.

سر تیر بیرون نشسته mutule
قالب یا تیری که بالای سینه سنتوری و در زیر قرنیز ستون دوریک بیرون می‌نشیند. (برای تصویر نگاه کنید به پیشانی.)

سر حرف مزین historiated initials
حروف اول بزرگ که در تذهیب کاری نسخ خطی و

ستون پیچ solomonic column ⇒ salom Onica
برای تصویر نگاه کنید به ستون**.

ستون چهارگوش توکار pilaster
نوعی جرز با مقطع چهارگوش که در درون دیوار قرار گیرد و فقط بخشی از آن بیرون است. کاربرد آن بیشتر تزئینی است تا کاربردی.

ستون خرسنگی، من هیر menhir
قالب‌های غول آسای سنگ که به درشتی تراش خورده و به صورت مستقل و ایستاده یا به عنوان بخشی از یک بنای یادمانی تاریخی به کار رفته است.

ستون زن پیکره Caryatid (Gk.)
(در زبان یونانی به راهبه‌های کاریا در لاکونیا اطلاق می‌شد) ستونی به شکل پیکره زن که به عنوان پایه نگه دارنده ساختمان به کار رود. همچنین نگاه کنید به اطلس، زن پیکره سید بر سر، ستون پهلوان پیکر.

ستونک پاتاق respond
نوعی عضو نگه دارنده در معماری (مثلاً پاستون) که به دیوار متصل شود و با یک عضو نگه دارنده دیگر جفت گردد.

ستونک مرزی cippus (Lat)
(در زبان لاتین به معنی «پایه») پایه کوتاهی که رومیان برای تعیین حد مرزی یا مکانی برای نصب آگهی یا گاه به عنوان سنگ قبر استفاده می‌کردند.

ستون مرد پیکره telamones (Gk.)
(مأخوذ از واژه یونانی *telamon* به معنی «حمایل». همچنین نام یک پهلوانان اسطوره‌ای) مترادف ستون پهلوان پیکر.

ستیغ بام hip
زاویه‌ای که از محل تقاطع دو سطح شیبدار بام* پدید می‌آید.

سرامیک لواستاف شرقی Lowestoft Oriental

هر نوع آثار سرامیکی که طی سده هیجدهم برای صدور به اروپا در چین ساخته شده باشد. چافر این

سرسایه
canopy
۱ - بر معماری به ساختار بام مانند و کم ارتفاع و غالباً بالای طاقچه اطلاق می‌شود ۲ - سرپناهی معمولاً از جنس پارچه بر بالای تخت خواب، سریر و غیره. همچنین نگاه کنید به سایبان.

سرستون
capital
در معماری به عضو مجزایی اطلاق می‌شود که بر روی ستون، جرز، ستون چهارگوش و پایه قرار می‌گیرد. سرستون می‌تواند حائل عریض‌تر و در نتیجه کاراتری برای پیشامنی فراهم سازد تا ستون، جرز و ... به تنهایی. هریک از شیوه‌های معماری اصلی یونانی دارای سرستون‌هایی با شکل متفاوت هستند ولی علاوه بر این سرستون‌های مختلف دیگری نیز امکان‌پذیر است. [در ادامه برخی از معروف‌ترین سرستون‌ها معرفی می‌شود.]

Basket capital، سرستون سبدی: سرستون مکعبی با برش منحنی ظریفی که آن را شبیه به سبد می‌کند و مشخصه معماری بیزانس است.
Bell capital، سرستون ناقوسی: سرستونی با شکلی شبیه به ناقوس واژگون.

Blok capital، سرستون مکعبی: مترادف سرستون بالشتی.

Cushion capital، سرستون بالشتی: سرستونی که از یک قالب مکعب شکل ساخته شده و زوایای پایین آن منحنی شکل است. عموماً در معماری رومانسک مشاهده می‌شود. مترادف سرستون مکعبی.

Composite capital، سرستون ترکیبی یا مختلط: سرستونی متشکل از عناصری از شیوه معماری یونانی ایونیک و کورنتی.

Impost capital، سرستون پاکارطاق: سرستون عریض و مسطح که هم کار سرستون را انجام می‌دهد و هم به عنوان سنگ پاکارطاق عمل می‌کند. غالباً در معماری بیزانسی کاربرد داشت.

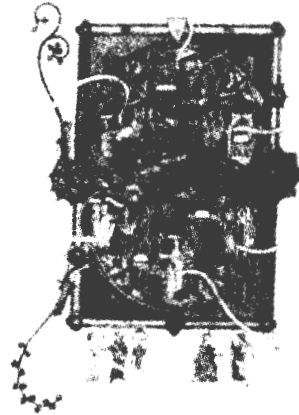
Papyrus capital، سرستون پاپیروسی: سرستونی با شکلی شبیه یک دسته برگ پاپیروس.

Protome capital، سرستون جانوردی: سرستونی مشتمل بر دو نیم پیکره حیوان که پشت به پشت هم قرار دارند. [مانند سرستون‌های تخت جمشید]

Scalloped capital، سرستون دالبری (صدنی): سرستونی بالشتی با حاشیه دالبری.

Stiff - leaf capital، سرستون گل بته: سرستونی که

بعضاً در اولین کتاب‌های چاپی به کار می‌رفت. این حروف گاه با نقوش جانوران، پرندگان، گل و گیاه و طوماری‌های تزئینی مزین می‌شدند، گاه نیز ممکن است به عنوان قابی برای موضوعات تصویری مختلف به کار رود.



نمونه‌ای از یک سر حروف مزین برای حرف S ماخوذ از زبور Tickhill، حدود ۱۳۱۰. یکی از شش صحنه نمایش داده شده، مربوط به سنت توماس بکت است. (صحنه پایین).

سرداب کلیسا
crypt
اتاقک زیرزمینی، معمولاً طاق دار در زیر کف کلیسا.

سرداب
undercroft
فضای زیرزمینی که غالباً فقط برای انباری استفاده می‌شود و در زیر یک ساختمان قرون وسطایی یا مسکونی قرار دارد.

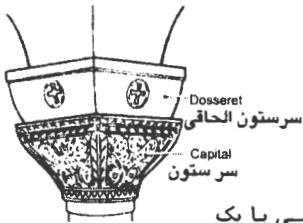
سردیس گورگون
gorgoneion (Gk.)
در معبد کلاسیک و در هنرهای تزئینی به آذینی اطلاق می‌شود که نمایانگر سردیس خشن گورگون است (در اصل طلسم محافظ از شر شیطان).

سردیس مسیح
Volto Santo (It.)
(در زبان ایتالیایی به معنی «چهره مقدس») ۱ - بازنمایی سر مسیح. ۲ - تصویری از مسیح که تصور می‌شود به نحو اسرارآمیز خلق شده باشد. در مفهوم خاص به تصویر تصلیب چوبی در کاتدرال لوقا که گفته می‌شود توسط فرشتگان برجسته‌کاری شده است، اطلاق می‌گردد.

۱- سرلوح کتاب، ۲- سر در ساختمان
frontispiece

۱- تصویری که در ابتدای کتاب و معمولاً در صفحه روبروی صفحه عنوان یک کتاب یا مابین فصلها قرار می‌گیرد. ۲- سر در تزئینی شده یک ساختمان. ۲- کل نمای پیشین یک ساختمان.

سرمناره
finial
تاج تزئینی در یک عضو معماری همچون شیروانی یا پشتبند معلق همچنین پوشش ظرف یا قسمت



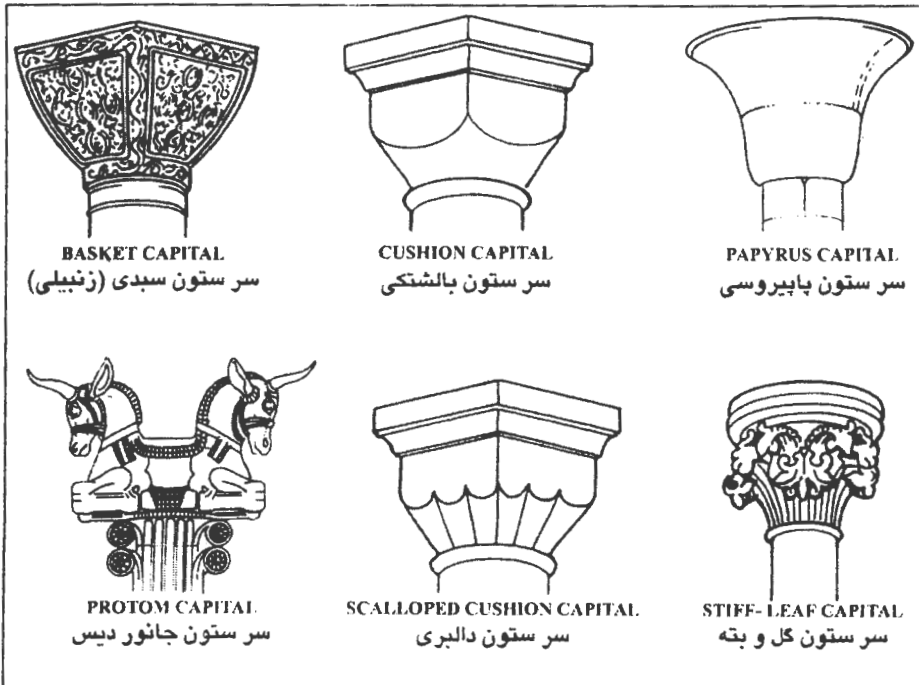
سرستون بیزانسی با یک سرستون الحاقی.

با نقوش گل و بته تزئین شده باشد. این سرستون‌ها مشخصه سبک معماری گوتیک سده سیزدهم انگلستان است (احیاء گوتیک*)
همچنین نگاه کنید به ← شیوه‌های معماری*.

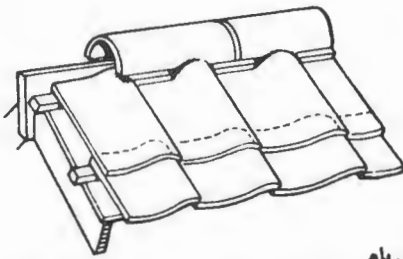
سرستون الحاقی
dosseret (Fr.)
در معماری بیزانس و رومانسک، قالب اضافه که بر روی سرستون قرار می‌گرفت و بین سرستون و پشت بغل قوس بالای آن، حائل می‌شد. معمولاً با قالب پاکار قوس مشتبه می‌شود. مترادف pulvin.

سرستون بالشتکی
pulvin
(مأخوذ از واژه لاتین pulvinus به معنی «بالشت»)
مترادف سرستون الحاقی.

سرستونی
abacus
در معماری به بخش بالایی سرستون اطلاق می‌شود. (نگاه کنید به تصویر پیشانی* و شیوه‌های معماری*)



انواع سرستون



سفال بام



بشقاب سفال مایولیکا با نقش تاریخی، که داستان الکساندر و رگسانا را نشان می‌دهد، اثر فرانچسکو زانتو.

ظروفی در حدود سدهٔ دوازدهم از جزیرهٔ مایورکا که این ظروف در آنجا توسط صنعتگران مغربی ساخته می‌شد، به ایتالیا برده شده است. اصلی‌ترین دورهٔ مایولیکای ایتالیایی نیمهٔ اول سدهٔ شانزدهم بود که موضوع تزئینات ارتباط نزدیکی با نقاشی‌های رنسانس داشت. ظروف دلف و فاینس نیز به همین روش ساخته می‌شوند. همچنین نگاه کنید به ظروف نقش قدیمی.

سفالینه
earthenware
به اشیائی که با گل ساخته شده و در حرارت ۷۰۰ درجه یا کمتر پخت شوند. در چنین حالتی سفال به صورت منفذدار و مخلخل است مگر آن که با لعاب پوشش شود.

سفالینه کرمی
creamware
آثار سفالی با لعاب سربی که پوششی به رنگ کرمی

بسالیین یک قطعه مبلمان. (سبک دایرکتوار*، کانترال گونیک*)

سرنیزه‌ای
lanceolate
به شکل تیزه نیزه.

سرور ملکوت
Majesty
۱- مضمونی که مسیح را در حالتی پر شکوه نشست و در حال فیضان رحمت نشان می‌دهد. ۲- شاخص حالت.

سریف
serif
زوائد و خطوط کناری و انتهایی خطوط اصلی یک حرف. همچنین نگاه کنید به سان سریف.

سریگرافی
نگاه کنید به چاپ پارچه‌ای.

سطح داخلی
soffit
طرف داخلی هر نوع سطح ساختمانی، به ویژه یک قوس یا نعل درگاهی. در موزد اول مترادف درونسو است.

سطح کار
support
هر نوع ماده‌ای که بر روی آن نقاشی انجام می‌شود (مثلاً بوم، چوب، مس، اندود گچ).

سفال بام
pantiles
لوح سفالی روی بام با مقطع S شکل که همچون قلاب به یکدیگر قفل می‌شوند.

سفال چینی
imbricated
مزین به نقوش تزئین فلسی شکل.

سفال لعاب خز‌های
temmoku, tenmoku (Jap.)
سفالینه نشکن به سبک چینی و با لعاب قهوه‌ای تیره، گاه با رگه‌های روشن‌تر، که برای قوری چای در ژاپن استفاده می‌شد. مترادف: harés - fur glaze.

سفال مایولیکا (سفالینه لعاب قلع)
majolica, maiolica (It.)
هر نوع سفال با پخت حرارت پایین و لعاب قلع. این نام کناری از این تصور ناشی می‌شد که چنین

سفالینه‌های نشکن زمخت و خاکستری روشن هستند با لعاب زیتونی روشن، که تأثیر هنر چینی را می‌توان در این لعابکاری دید. معمولاً به شکل ظرف و با تزیینات منقور است.

سفالینه‌های سونگ chün ware

سفالینه‌های نشکن چینی دوره سونگ (۱۲۷۹ - ۹۶۰) که از استان هونان مرکزی ساخته می‌شدند. این سفال‌ها دارای بدنه‌ای سنگین و لعاب ضخیمی بود که طیف رنگی آن از ارغوانی کم رنگ تا صورتی گسترده بود و گاه بر روی آن لکه‌های قرمز تیره پاشیده یا نقطه‌گذاری می‌شد.

سفالینه‌های یونانی (ظروف یونانی)

Greek vases

ظروف سفالینه یونان باستان یا دوره کلاسیک.

سفالینه آرتیوم Arretine pottery

آثار سفالی قالبگیری شده با لعاب قرمز مربوط به دوره روم باستان (سفالینه خاکستری)، غالباً با تزییناتی کلا به تقلید از آثار فلزکاری گوزکاری شده مزین شده است. در اولین سال مسیحی معروف‌ترین

تند محتوی ماده گداز آور دارد. (این روش را یوسع ووج وود که کار خود را در سال ۱۷۶۵ با ساخت آثار متنوعی از این نوع آغاز کرد و نام آنها را به افتخار ملکه شارلوت به نام «ظروف ملکه» نام‌گذاری کرد، تکامل بخشید. با این حال پیش از آن نیز نمونه‌هایی توسط اینوخ بوث در استرآفورد شایر تولید شده بودند. این آثار ضخامتی شبیه به چینی و دوامی مشابه آن دارند و برای تزیینات مشبک کاری، چاپ انتقالی و تزیینات نقاشی بسیار مفیداند.

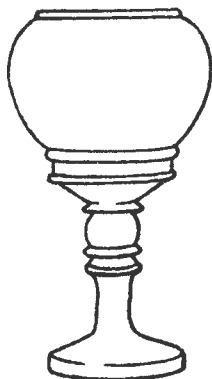
سفالینه‌های ساتسومو Satsuma (Jap.)

سفالینه‌های شیری رنگ ژاپنی، با لعاب ترک‌دار ظریف و تزیینات بسیار ماهرانه رنگی و طلاکاری شده. این آثار از اواخر سده هیجدهم به بعد در ساتسومو در جزیره کیوشو ساخته می‌شدند.

سفالینه‌های ساوان کالاک

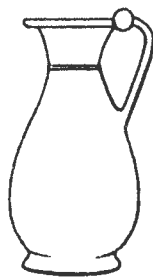
Sawankhalok

آثار سفالی که در ساوان کالاک، پایتخت قدیمی سیام (تایلند) از سده چهاردهم تا اواسط سده پانزدهم و تحت تأثیر آثار سرامیک سلسله یان (۱۳۲۸ - ۱۲۸۰) در چین ساخته می‌شدند. این آثار مشخصاً



DEINOS

جام پایه‌دار بی‌دسته



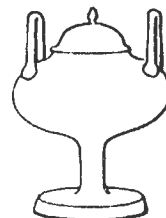
OLPE

پارچ چرمی



PITHOS

سبوی یونانی



LEKANE

سبوی دو دسته یونانی



KYATHOS

ملاقه دسته حلقوی



PHIALE MESOMPHALOS

بشقاب گل میخی



ALABASTRON

عطر دان استوانه‌ای



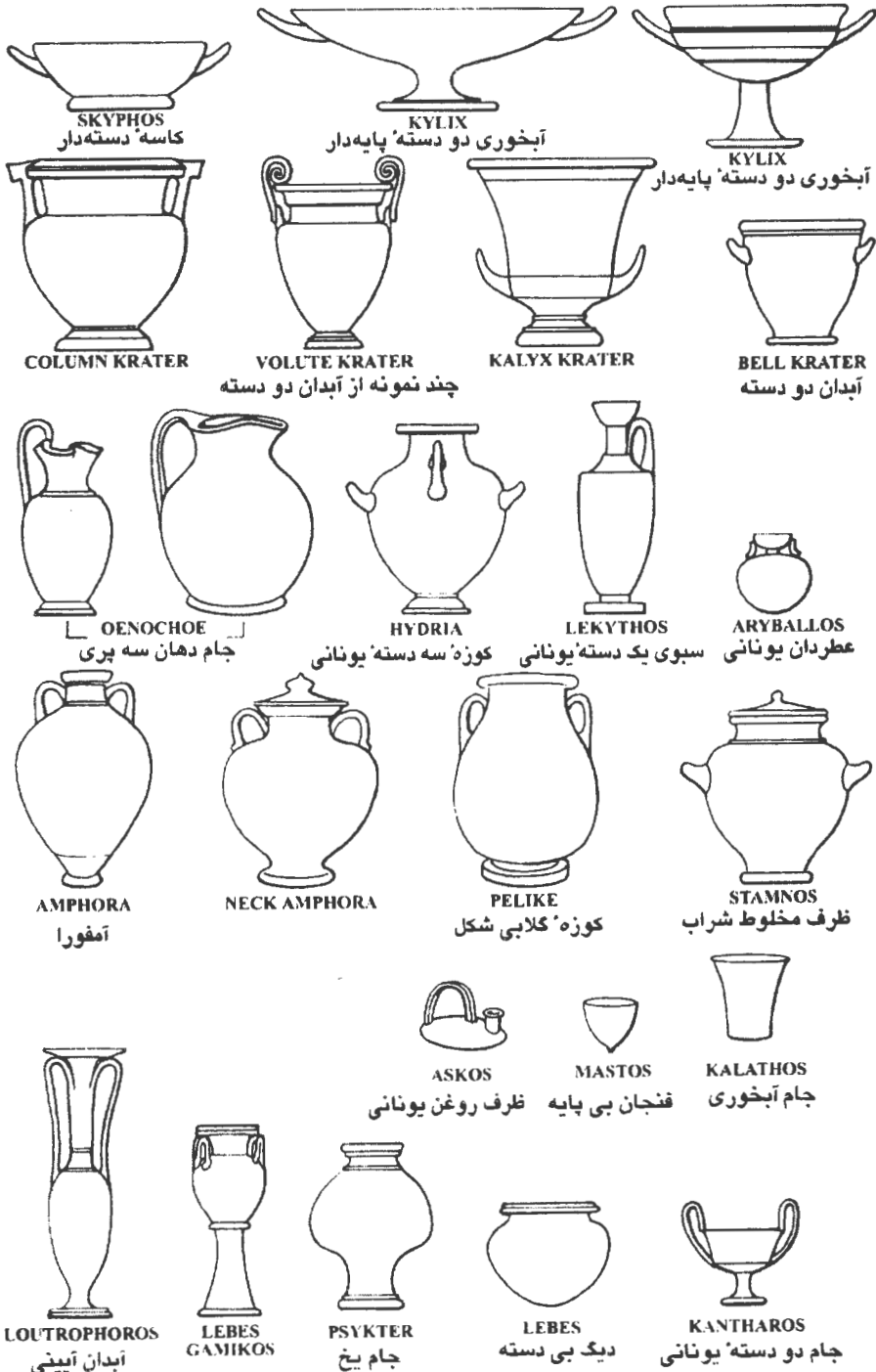
PYXIS

جام جعبه‌ای شکل

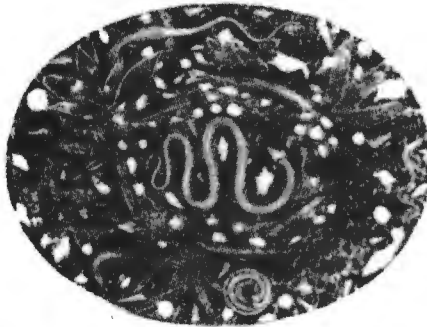


KOTYLE

فنجان دو دسته یونانی



ظروف یونانی. (برای تعاریف هر کدام به مدخل مربوطه رجوع کنید)



سفالینه پالیسی: بشقابی اثر برنارد پالیسی با تزئینات نقش برجسته متداول این نوع سفالینه‌ها، که برخی از آنها احتمالاً از مدل زنده قالبگیری شده‌اند.



سفالینه چو مربوط به دوره سونگ شمالی، که مشخصه آن نقوش ترک‌دار لعاب آن است.

سال ۱۱۲۸ متوقف شد، و نمونه‌های آن فوق‌العاده نادر است. سفالینه‌های «جو» دارای بدنه شتری رنگ است که با یک لعاب ترک‌دار آبی مایل به ارغوانی کمرنگ پوشیده می‌شود.

سفالینه خاکستری (terra sigillata (Lat.)

در زبان لاتین به معنی «یک مهر خورده» ۱ - در آغاز به آثار سرامیک از گل خاکستری ساموس ولیموس که تصور می‌شد ویژه‌گی‌های نارویی دارد اطلاق می‌شد. بر روی این سفالینه‌ها برای تضمین اعتبار آن مهر و لاک زده می‌شد ۲ - بعدها از این

مرکز تولید آن در آرتیوم (آرز) در ایتالیا بود، اما در سرتاسر اروپا نیز تولید می‌شد.

سفالینه اریب (oribe (Jap.)

۱ - ظروف چایخوری ژاپنی از سفالینه‌های «مینو» در شمال «ناگویا» با تزئیناتی به رنگ قهوه‌ای و لعاب‌های رنگی بر روی زمینه صورتی، که بر اساس نام هنرمند استاد آن اریب نوشوشینگناری (۱۶۱۵ - ۱۵۲۲) نام گذاری شد. ۲ - حال به طور کل به هر نوع آثار سفالی شبیه به نمونه اصلی ژاپنی اطلاق می‌شود.

سفالینه ایزنیک ترکیه (Isnik

سفالینه ترکی متعلق به سده‌های شانزدهم و هفدهم از منطقه ایزنیک (نیسیای باستان) در استان آناتولی، این آثار با نقوش گل و گیاه درشت نقاشی می‌شدند، و شبیه به نقوشی بود که بر کاشی‌های دوره عثمانی همان دوره نقاشی می‌شد. معمولاً از رنگ‌های روشن استفاده می‌شد (مشخصاً از رنگ‌های آبی، فیروزه‌ای و سبز، غالباً با اندکی موم آبیندی قرمز روشن).

سفالینه بی‌لعاب (biscuit

سفال بدون لعاب، به ویژه چینی، که یا هنوز لعاب نخورده است یا باید به همان صورت لعاب نخورده بماند. چینی بیسکویتی را نیز که به غلط *bisque* می‌خوانند، غالباً برای ساخت نمونه‌های کوچک اندازه مجسمه‌های مرمری به کار می‌گیرند. اطلاق این نام به دلیل بافت مخلخل و دانه‌دانه‌ای آن است.

سفالینه پالیسی (palissy ware

۱ - سفالینه‌های لعاب‌داری که برنارد پالیسی (حدود ۱۵۹۰ - ۱۵۱۰) سفالگر فرانسوی می‌ساخت و با نقوش طبیعی خزندگان و غیره، به صورت نقش برجسته و با رنگ‌های طبیعی خودشان رنگ‌آمیزی می‌کرد. ۲ - به هر نوع تقلید از چنین آثاری هم اطلاق می‌شود.

سفالینه جو (Ju ware

آثار سفالینه نشکن کشور چین در جوچو در مرکز استان هونان که برای استفاده دربار امپراطوری سونگ در اوائل سده دوازدهم ساخته می‌شدند. تولید این محصولات با انتقال دربار به جنوب در

کشور چین با نقوش سفید و آبی تزئین شده و بعدها با گزینۀ رنگ متنوع و با گسترۀ وسیع تری از نقوش انجام می‌شد. این آثار از اواسط سده هفدهم در [شهر یلفت] هلند ساخته می‌شد. ۲ - سفالینه‌های مشابهی که در سرتاسر شمال اروپا به ویژه در انگلستان و آلمان ساخته می‌شدند.

سفالینه سخت
grès
معادل فرانسوی سفالینه نشکن.

سفالینه سردیس نما (Lat) canopic Vase
(در زبان لاتین به معنی «منسوب به کانوپوس» شهری در مصر باستان) کوزه‌ای به شکل سر انسان یا حیوان، که نخست توسط مصریان باستان برای نگهداری امعا و احشاء افراد مومیایی شده ساخته می‌شد و بعدها وج وود در سده هیجدهم از آن به عنوان الگویی برای اشیاء تزئینی خود بهره برد.

سفالینه سه رنگ چینی
san - ts' ai (Chi.), sancai (Jap.)
(به معنی سه رنگ) ۱ - سفالینه‌هایی که طی دوره سلسله تانگ (۹۰۶ - ۶۱۸ م) ساخته می‌شد، و برای تزئینات آن سه رنگ به کار می‌رفت - معمولاً آبی تیره، فیروزه‌ای و بنفش کبود. ۲ - سفالینه‌هایی که طی دوره سلسله‌های مینگ و چینگ (۱۹۱۲ - ۱۳۶۸) با لعاب‌هایی به همین رنگ‌ها با تزئینات خطی با نوارهای گلی بدون لعاب، ساخته می‌شدند. مترادف:
three - colour ware

سفالینه سیاه
bucchero
سفالینه‌های کاملاً سیاه اتروریایی متعلق به سده هشتم پیش از میلاد که از نظر فرمی تقلیدی بود از آثار فلزکاری و از گل محتوی آهن ساخته می‌شد.

سفالینه سیتو
Seto ware (Jap.)
اگرچه این اصطلاح به گسترۀ بسیار متنوعی از ظروف سرامیکی اطلاق می‌گردد که از سده نهم به بعد در حومه شهر ژاپنی سیتو ساخته می‌شدند اما معمولاً این اصطلاح به نوعی ظروف آشپزخانه سده نوزدهم اشاره دارد - نوعی ظروف سفال نشکن قهوه‌ای یا خاکستری که با نقوش سیاه قهوه‌ای یا آبی زیر لعابی به طور آزاد تزئین شده بود.



سفالینه دلفتی: جاگلی هلندی آبی رنگ متعلق به سده هفدهم.



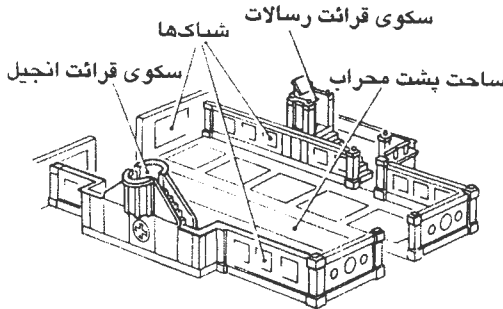
سفالینه‌های سردیس نمای شبه مرمری، یکی با سر انسان و دیگری با سر شغال خدای مردگان، متعلق به سلسله بیست و یکم حدود ۱۰۰۰ پیش از میلاد.

اصطلاح برای طیف گسترده‌ای از ظروف قالبگیری شده و با چلای قرمز رنگ که در دوران روم باستان ساخته می‌شد، از جمله سفالینه‌های آرتین، استفاده شد.

Delft
سفالینه دلفتی (هلندی)
۱ - نوعی سفالینه بالعب قلع که با الهام از آثار چینی

و به عنوان اتصال بین آن و فرم مدور گنبدی* بالای آن عمل می‌کند. ۲- در مقیاس کوچکتر، در زاویه‌ای که قرار است یک اثر مقرنس کاری* ساخته شود، به عنوان واحدهای منحنی شکل مکرر به کار می‌رود.

سکوی قرائت (انجیل و رسالات) (Gk.) ambo
(در زبان یونانی به معنی «طوقه») پایه یا منبر عمودی در کلیساهای صدر مسیحیت که کتاب مقدس را به هنگام خواندن بر روی آن قرار می‌دادند. معمولاً دو عدد از این سکوها استفاده می‌شد، یکی در ضلع جنوبی شبستان برای انجیل، و یکی دیگر در ضلع شمالی برای رسالات.



جفت سکوی قرائت در کلیسای سان کلمنت رم، ۲۳ - ۵۱۴ میلادی.

سکوی محراب (Gk.) bema
(در زبان یونانی به معنی «سکو») محراب کلیسای ارتودوکس یونانی* یا ارمنی، که به اندازه یک یا چند سکو بلندتر از شبستان است.

سکوی نشیمن (Lat) exedra
۱- سکوی نیم دایره یا مستطیلی، در مفهوم خاص سکوی مخصوص نشستن. ۲- مخارجة پشتخان که به اندازه عرض فضایی که به آن متصل است بیرون نشستگی دارد.

سگدست (Gk.) bracket
نوعی عضو معماری که از یک سطح قائم به سمت بالا یا بیرون برجسته می‌شود تا چیزی را در بالای خود نگه دارد.

سگدست زیر قرنینز (Gk.) modillion
یکی از مجموعه سگدست‌هایی که بخشی از قرنینز را

سفالینه کامارس (Gk.) Kamares ware
نوعی سفال مینوسی با طرح‌های قرمز و سفید بر زمینه‌ای سیاه که با ظرافت و مهارت نقاشی می‌شد. این اصطلاح بر اساس نام غار مقدسی بر کوه ایدا در کرت که نخستین بار در آنجا یافت شد، نام گذاری شده است.

سفالینه لعاب پلنگی (Gk.) Tiger ware
نوعی سفالینه نشکن بالعب خال خالی قهوه‌ای و زرد. این سفالینه‌ها نخست در سده شانزدهم در راینلند ساخته شد و سپس در انگلستان از آن تقلید شد.

سفالینه مخطط (It.) sgraffito, sgraffiato
(در زبان ایتالیایی به معنی «مخطط») روشی که طی آن یک لایه - اندود روی دیوار یا گل آب روی سفال - خراش داده می‌شود، تا پوشش رنگی زیر آن آشکار گردد.

سفالینه نشکن (Gk.) stone ware
سفالینه بسیار سخت که از مخلوط گل و سنگ قابل مذاب ساخته می‌شود، این سفالینه‌ها در حرارت ۱۲۰۰ تا ۱۴۰۰ درجه سانتی‌گراد که فقط برای پخت زجاجی سنگ و نه گل کفایت می‌کند، حرارت داده می‌شوند.

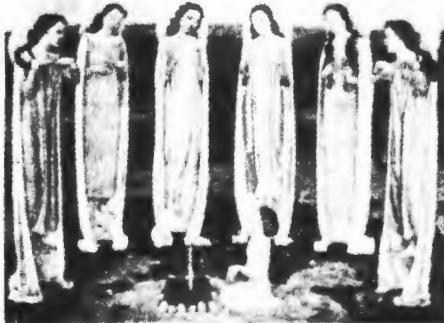
سفالین (Gk.) fictile
از جنس گل یا هر نوع ماده‌ای که بتوان آن را قالبگیری کرد.

سفال (Gk.) pottery
ظروفی که از گل پخته ساخته شده باشند به استثناء سرامیک - سفالینه و سفالینه نشکن.

۱- سقف آویز، ۲- لت (Fr.) pendant
(در زبان فرانسه به معنی «آویز») ۱- نوعی شیء تزئینی که از طاق سنگی یا چوبی آویخته می‌شود (معمولاً در کلیسای گوتیک). مترادف: drop. ۲ ornament - یکی از جفت نقاشی‌ها، م جسمه‌ها، نقش برجسته‌ها یا تزئیناتی که هنرمند آنها را از نظر موضوع یا ترکیب‌بندی مرتبط به هم می‌سازد.

سیکنج (Fr.) squinch
۱- قوس یا مجموعه قوس‌هایی که به صورت قطری در هر گوشه از یک فضای چهارگوش قرار می‌گیرد

ادبیات و هم بر هنرهای تجسمی اروپا تأثیر نهاد. سمبولیسم، عینیت‌گرایی را به نفع ذهنیت‌گرایی به کنار نهاد، و از باز‌نمایی مستقیم واقعیت روگرداند و به سمت ترکیب جنبه‌های بسیار متفاوت واقعیت (نمادها) با هدف نشان دادن ایده‌هایی با استفاده از نمادهای دو پهلو ولی تأثیرگذار متمایل شد. این سبک از یک رو عرفان مذهبی را با گرایش به انحراف و تمایلات سوپایی درهم آمیخت، و از سوی دیگر گرایش به آن چه را به نظر «بدوی» می‌رسد با ایده انحطاط تلفیق کرد. از جمله هنرمندان مرتبط با این جنبش می‌توان اودیلون ردون، گاستاو مارو، و پرویس دو شاون در فرانسه، فرناند خوف در بلژیک، یان تروپ در هلند، فردینان هودلر در سوئیس، گاستاو کلمت در اطریش، و جیروانی سگانتینی در ایتالیا را نام برد. همچنین نگاه کنید به نبی‌ها، صلیب گل رز، ترکیب‌گرایی.



سمبولیسم: تابلوی رهبانی «منتخب» اثر فردیناند هودلر، ۱۸۹۲-۹۴، را می‌توان به عنوان استعاره‌ای از رابطه بین معصومیت جوانی و خلوص ذات طبیعت تفسیر کرد.

سنتوری pediment

سازه سه گوش یا تزئینات شیروانی شکل که بر بالای یک رواق، در یا پنجره قرار می‌گیرد. در اصل به شکل مثلث است (مثلاً در معبد کلاسیک و رواق) اما گاه کماتی شکل هم ساخته می‌شود. مترادف: تزئین بالای دری.

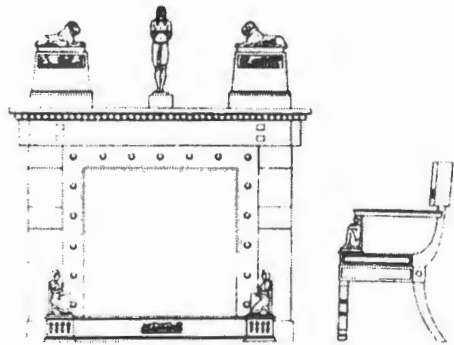
سنتوری بالای پنجره fronton (Fr.)

نوعی سنتوری که بر بالای یک پنجره یا دیگر دهانه‌های کوچک قرار می‌گیرد.

در شیوه معماری کورنتی یا ترکیبی تشکیل می‌دهد. (شیوه‌های معماری*)

سگدست فانوس girandole (Fr.)

(مأخوذ از واژه ایتالیایی girandola به معنی «فانوس چرخشی») ۱- جا شمعی ۲- چراغ دیواری یا سگدست دیواری معمولاً با آینه‌ای در پشت.



سلیقه مصری: طرح‌هایی برای یک بخاری دیواری و صندلی اثر توماس هوپ مأخوذ از کتابش با نام مبلمان خانگی و تزئینات داخلی، ۱۸۰۷.

سلسله جشن‌ها Festival Cycle

در هنر بیزانس، جشن‌های اصلی کلیسا، معمولاً مشتمل بر دوازده جشن، که به صورت مجموعه نمایش داده می‌شود.

سلسله مصائب مسیح Passion Cycle

مجموعه‌ای از صحنه‌ها که وقایع مربوط به مصائب مسیح، را از هنگام ورود به اورشلیم تا به صلیب کشیده شدن نشان می‌دهد. چنین مضمونی در هنر مسیحیت سده چهارم میلادی به بعد مشاهده می‌شود.

سلیقه مصری Egyption taste

سبک تزئینی مأخوذ از معماری مصر باستان که در آثار جی.بی. پیرانسی چاپگر و طراح تزئینی در سال ۱۷۶۹ ابداع شد و به دلیل نبردهای ۱۷۹۸ ناپلئون در مصر رواج یافت. رواج این سبک در انگلستان بخشی مدیون تأثیر توماس هوپ بود.

سمبولیسم Symbolism

جنبش تأثیر گذار که از حدود ۱۸۸۵ تا ۱۹۱۱ هم بر

impost block **سنگ پاکار قوس**
در معماری کلاسیک، صدر مسیجیت و بیزانسی، سنگی که مابین بالای سرستون* و زیر سرستونی قرار می‌گیرد.

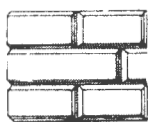
saddle stone **سنگ تاجه**
سنگی که بر روی بالاترین نقطه *gable* شیروانی قرار می‌گیرد.

stonework, type of **سنگچین، انواع**
Ashlar سنگ بادبر: سنگچینی که از سنگ‌های دقیقاً چهارگوش ساخته شده باشد و با رگچین‌های منظم با سطح صاف و اتصالات ظریف چیده شود. مترادف *dressed stone*
Chamfered rustication، سنگچین روستایی لب بیخ: نوعی سنگچین با استفاده از سنگ‌هایی که محل

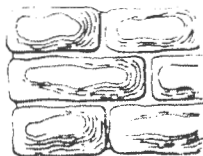
broken pediment **سنتوری شکسته**
۱- نوعی سنتوری که زاویه بالای آن باز باشد یا بخش مرکزی منحنی بالایی آن حذف شده باشد. در هر دو حالت، خلاء پدید آمده با پاسنگ یا پاسنگی به شکل یا نقش تزئینی پر می‌شود. ۲- نوعی سنتوری که ابزار بخش پایین آن قطع شده و باز بماند.

hipped gable **سنتوری مایل**
نوعی سنتوری که بخش بالایی آن رو به جلو به سمت لبهٔ بام* متمایل شده باشد.

piscina (Lat.) **سنگ آب**
(در زبان لاتین به معنی «استخر ماهی») در معماری کلیسا، به سنگ آب داخلی اطلاق می‌شود که معمولاً در ضلع جنوبی محراب، جایی که کشیش ظروف را بعد از آیین عشاء ربانی می‌شوید، قرار می‌گیرد.

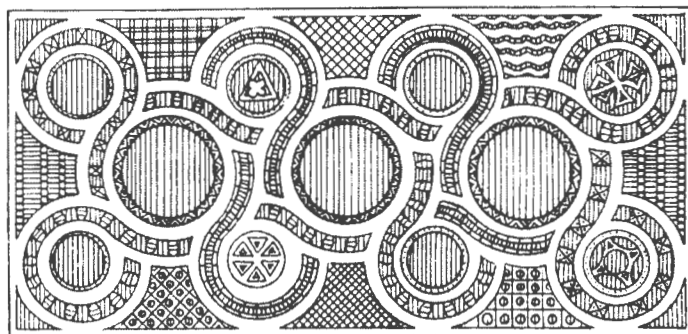


CHAMFERED RUSTICATION
سنگچین بیخ دار

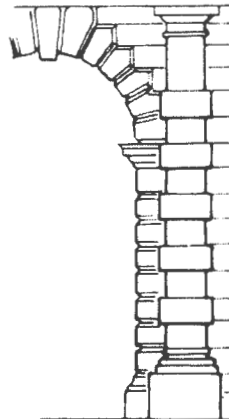
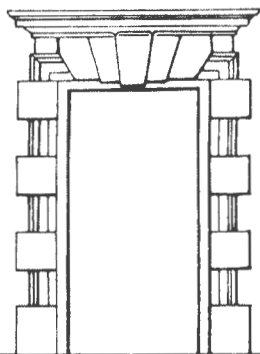
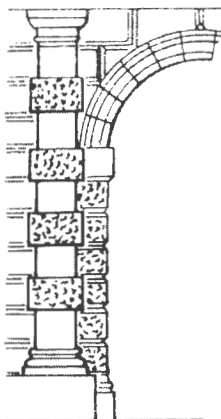


CYCLOPEAN MASONRY

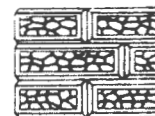
معماری غول سنگی



رگچین الکساندری OPUS ALEXANDRINUM



سنگچین روستایی RUSTICATION



VERMICULATION
کرمتابی

stonework, elements of **سنگچین، عناصر**
Arris، تیزه: لبه تیزی که در محل اتصال دو سطح از رگچین پدید می آید.
Blocking course، رگچین قالبی: در معماری کلاسیک و پس از آن، ردیف ساده‌ای از رگچین که یک قرنیز خارجی را در بر می‌گیرد، و برای ثابت نگه داشتن آن در جای خود، به کار می‌رود. همچنین نگاه کنید به **آجرچینی**.
Course، رگچین: یک ردیف پیوسته و معمولاً افقی از سنگ.

Dressings، سنگ تمام تراش: سطح صیقل خورده قالب سنگ که برای تزئین یا استحکام بخش‌هایی از ساختمان همچون گوشه‌ها، پنجره و در به کار می‌رود.
Footing، رگچین پی دیوار: رگچین معمولی یا رگچین پلکانی در پای دیوار که برای توزیع بار ساختمان به کار می‌رود.

Quoins، سنگچین کُنج: سنگ‌هایی که کنج یک دیوار را شکل می‌دهند، به ویژه اگر برجسته یا تزئین شده باشند.

String Course، رگچین فیطانی: رگچین تزئینی افقی که معمولاً از نمای اصلی بیرون می‌زند (حالت برجسته دارد).

Template، زیر سری: ۱ - قالب سنگی که در بالای دیوار آجری یا دیوار لاشه سنگی قرار می‌گیرد تا وزن یک تیر یا خرپا را توزیع کند. ۲ - مترادف شاولن: شکل‌هایی که غالباً از یک ورق فلز بریده می‌شود و برای اطمینان از دقت در برش دقیق اندازه سنگ به کار می‌رود.

سنگچین درهم Polygonal masonry
 نوعی دیوار چینی با استفاده از قالب‌های نامنظم سنگ که کنار هم چیده می‌شوند.

سنگچین زیر دیوار orthostat
 لایه‌ای از سنگ، غالباً به صورت برجسته، که به صورت قائم در پای دیوار قرار می‌گیرد.

سنگ درزگیری شده boasted Work
 سنگی که به شکل تقریبی نهایی حجاری شده باشد.

سنگ راحت تراش freestone
 سنگ آهک یا سنگ شن با دانه‌های ریز، که برای

اتصال آنها پخ‌دار شده و لذا هر اتصال با یک شیار ۹۰ درجه مشخص می‌شود.

Chequerwork، رگچین شطرنجی: دیوار یا سنگ فرشی با نقوش مربع شکل که به طور یکدردمیان از مواد مختلفی ساخته شده‌اند، مثلاً یکدردمیان از سنگ سفید یا آجر کار شده باشند.

cyclopean masonry، معماری غول سنگی: دیواری که از قالب‌های بسیار عظیم و نتراشیده سنگ ساخته شده باشد. (برج غول سنگ*)

opus Alexandrinum، سنگچین الکساندری: کف چینی متشکل از ورق، سنگ مرمر با رنگ‌های مختلف.

opus incertum، سنگچین نامنظم: دیوار چینی با سنگ‌های با اندازه و شکل متفاوت.

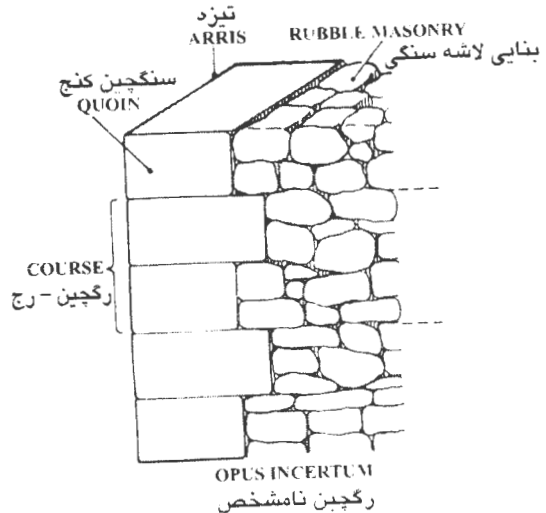
opus quadratum، سنگچین مربعی: دیوار چینی با استفاده از سنگ‌های چهارگوش منظم.

Rubble masonry، سنگچین لاشه سنگی: دیوار چینی با سنگ‌های نتراشیده، که به صورت رگچین یا نامنظم چیده شود.

Rustication، سنگچین روستایی: دیوار چینی به گونه‌ای که شبیه قالب‌های عظیم مربع شکل شود، غالباً با سطوحی که تماماً نتراشیده باقی می‌ماند.

vermiculation، رگچین کرم‌تابی: رگچینی که با شیارهای اتفاقی شبیه به مسیر حرکت کرم شکل گرفته شده باشد.

همچنین نگاه کنید به سنگ درزگیری شده، کنش کاو، پوشش بدنه.

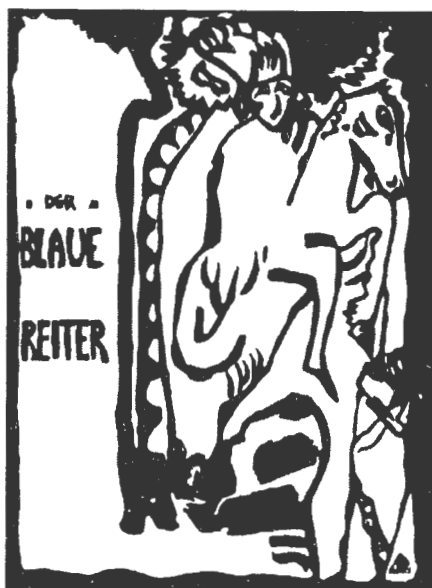


انواع سنگچین

نخست به مثابه تقلیدی از نقاشی آزاد چینی مشابه آن در سلسله سونگ و یان (۹۶۰ - ۱۲۶۸) آغاز شد.

سوئیت (مجموعه) suite
تعدادی نقاشی، طرح یا باسمه که از نظر مضمون شبیه هم باشند اما ضرورتاً توسط یک هنرمند انجام نشده باشند.

سوار آبی Blanc Reiter, Der (Ger)
(در زبان آلمانی به معنی «سوار آبی») نامی که گروهی از هنرمندان اکسپرسیونیست و پیشرو که در سال ۱۹۱۱ گردهم آمدند، برای خود برگزیدند. اعضای موسس آن عبارت بودند از واسیلی کاندینسکی، و فرانز مارک. نام گروه مأخوذ از نام یکی از نقاشی‌های کاندینسکی بود. این گروه پس از برپایی دو نمایشگاه در مونیخ در سال‌های ۱۹۱۱ و ۱۹۱۲، نمایشگاهی در برلین در گالری طوفان ترتیب داد. اما با شروع جنگ در سال ۱۹۱۴ گروه متلاشی شد. اهداف گروه سوار آبی هرگز به طور دقیق و صریح تعریف نشد، اما اعضاء آن تمایل کلی خود را به رفتن به زعم آنان «به آن سوی حجاب ظواهر» اعلام داشتند. این اشراق و عرفان متعصبانه، گروه را به شاخه دیر رسی از سمبولیسم بدل ساخت.



جلد تقویم سوار آبی، با طراحی واسیلی کاندینسکی.

بنایی با کیفیت بالا و برای معماری و دیگر آثار برجسته‌کاری مناسب است.

سنگ جواهر gemstone
هر نوع سنگ معدنی بلوری (و نیز اوپال - عین‌الشمس - که متبلور نیست) و در جواهر سازی به کار می‌رود.

سنگ قیمتی precious stone
هر یک از چهار سنگ جواهر اشرفی که برای جواهر سازی استفاده می‌شود یعنی الماس، یاقوت کبود، زمرد، لعل - که گرچه از برخی جوانب کانی‌شناسی شبیه هم هستند ولی ذاتاً با ارزش‌تر از دیگر سنگ جواهرها همچون یاقوت زرد، یاقوت بنفش، یا یاقوت دریایی شناخته می‌شوند. گاه مروارید نیز که یک فرآورده ارگانیک است و نه یک سنگ جواهر، به غلط در میان سنگ‌های قیمتی شمرده می‌شود.

سنگ کُود coade Stone
نوعی قالب سنگی مصنوعی، که در حدود سال‌های ۱۷۷۰ تا ۱۸۲۰ در انگلستان برای مجسمه‌سازی و تزئینات معماری بکار می‌رفت. این اصطلاح از نام خانم النور کُود، صاحب امتیاز اولیه شرکت لندن که تولیدکننده آن بود اخذ شده است.

سنگ نیمه قیمتی seme - precious stons
هر نوع سنگ جواهر طبیعی (در برابر ترکیبی) که ارزش کمتری در قیاس با سنگ‌های قیمتی داشته باشد. این اصطلاح مواد ارگانیکی (مانند کهربا، مرجان و مروارید) و بدلیجات شیشه‌ای را در بر نمی‌گیرد.

سنگ یکپارچه monolith
مجسمه، یادمان یا یک عضو معماری (مثلاً پایه) که از سنگ یکپارچه ساخته شده باشد.

سوئی بوکو (نقاشی آب مرکب ژاپنی) suiboku (Jap.)
(در زبان ژاپنی به معنی «نقاشی آب مرکبی») سبک بسیار آزاد نقاشی تک رنگ با مرکب بر روی ابریشم یا کاغذ که تحت تأثیر «ژن بودیسم» طی سده‌های چهاردهم تا هفدهم در ژاپن رایج بود. این سبک

۱۹۷۰ در ایالات متحده ظهور یافت، و با گستره کمتری در اروپای غربی نیز رواج پیدا کرد. در زمینه نقاشی، معمولاً اگر نه همیشه، مبتنی بر کپی برداری مستقیم از عکس بود (رئالیسم عکاسی: *Photo Realism*)؛ در مجسمه سازی نیز استفاده فراوانی از قالبگیری مستقیم از پیکره انسان می‌برد. مترادف *Hyper Realism*.

سوپر ماتیسیم

Suprematism (Lat.)

(در زبان لاتین به معنی «بالاترین») جنبش هنری که اهداف خود را در بیانیه سوپره ماتیسیتی (۱۹۱۵) که کازمیر ماله‌ویچ در پتروگراد نشر داد، اعلام و ترویج کرد. سوپره ماتیسیم نظرگاهی مشابه با ساختگرایی داشت و از همان فرم‌های انتزاعی ناب در فضای بسته استفاده می‌کرد، با این تفاوت که اساساً کاربرد عملی در طراحی (design) نداشت.

سوررئالیسم

Surrealism
(مأخوذ از واژه فرانسوی *suréel* به معنی «فراتر از واقعیت») اصطلاحی که گیوم آپولینز در سال ۱۹۱۷ ابداع کرد، اما حال برای اشاره به جنبشی که آندره برتون در سال ۱۹۲۴ پس نهاد به کار می‌رود. سوررئالیسم جنبش دادای فرانسوی را در خود جذب کرد و روش‌ها و شیوه‌های رایج در دادا (مثلاً منطق گریزی، روش‌های شوک) که صرفاً به عنوان تمهیدی برای منفی ساختن هنر متعارف به کار می‌رفت، این بار با رویکردی مثبت به خدمت گرفت. این جنبش تحت تأثیر آموزه‌های فروید، مدعی بود که باید غنا و قابلیت‌های ضمیر ناخودآگاه را از طریق اولویت دادن به رویا، و نادیده گرفتن کنترل خودآگاهی (روش خودانگیختگی) رها ساخت. این جنبش که در آغاز ادبی بود، بیان هنری خود را در قالب روش‌های کلاژ و مداد سابی (ماکس ارنست) و نیز در سبک به اصطلاح سوررئالیسم واقع نما (اشیاء تخیلی با جزئیات دقیق و واقعی که در نقاشی سالوادور دالی و ایوتانگی مشاهده می‌شود) و از طریق انتزاع‌گرایی آزاد مبتنی بر خودانگیختگی (اندره ماسون) یافت که بعدها بر شکل‌گیری اکسپرسیونیسم انتزاعی تأثیر نهاد.

surah (Arabic)

سوره
فصلی از قرآن.



سوپره ماتیسیم: سوپره موس شماره ۵۰، ۱۹۱۵، اثر کازیمیر ماله‌ویچ، که در نخستین نمایشگاه سوپره ماتیسیتی به نمایش درآمد.



سوررئالیسم واقعی نما: لحظه‌الایی، اثر سالوادور دالی، ۱۹۳۸، برخی از موضوعات مورد علاقه خود را از جمله حلزون، تلفن نمایش داده است. بشقاب نیمرو مشخصاً نشان‌دهنده فره‌های ذوب شونده است.

Super Realism

نوعی هنر شبیه سازی اغراق آمیز، که طی دهه

سوپر رئالیسم

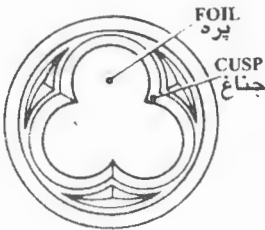
و حجم پردازی آسان آنها را فراهم می‌سازد.

chenet سه پایه پیش بخاری
معادل فرانسوی سه پایه پیش بخاری.

triglyph (GK) سه ترکی
(در زبان یونانی به معنی «منحنی سه تایی») بخشی



سوزن دوزی انگلیسی: بخشی از یک پارچه سوزن دوزی شده لباس کشیش مملو از نخ‌های طلا و نقره.



سه برگی

سوزن دوزی انگلیسی

opus Anglicanum (Lat)

(در زبان لاتین به معنی «کار انگلیسی») نوعی سوزن‌دوزی انگلیسی با مضامین مذهبی که در سده‌های سیزدهم و چهاردهم رایج بود و به دلیل کیفیت آن در سرتاسر اروپا شهرت داشت.

souk, suq (Arabic) سوق
خیابان (گاه سرپوشیده) در یک بازار اسلامی.

scarab سوک مقدس مصری
نوعی نظر قربانی کوچک مربوط به مصر باستان از جنس سنگ سخت یا سفالینه لعابدار به شکل سوسک سرگین‌خوار؛ سوسک مقدس، نماد رستاخیز.

pietà (It.) سوگواری مریم مقدس
(در زبان ایتالیایی به معنی «سوک») مضمونی که در آن جسد مسیح را که بر دامان مریم مقدس سوگوار خوابیده نشان می‌دهد. این مضمون در سده چهاردهم میلادی در آلمان ابداع شد.

trefoil سه برگی (سه پره)
(مأخوذ از واژه فرانسوی قدیمی *trifol* به معنی «سه برگی») نوعی طرح تزئینی ب پره، به ویژه شکل سه پره‌ای در توری کاری گوتیک.

modelling سه بعد نمایی، مدل‌سازی
۱- بازنمایی فرم‌های سه بعدی به صورت دو بعدی به نحوی که به نظر صلب و حجیم برسند.
۲- استفاده از مواد شکل‌پذیر (همچون موم یا گِل) برای ساخت فرم سه بعدی.

stereometric سه بعدنما
در معنای تحت اللفظی مربوط به علم اندزه‌گیری احجام است معمولاً این اصطلاح به نقاشی‌ها و طرح‌های پرسپکتیوی که جلوه‌ای قوی از یک فضای سه بعدی را پدید می‌آورند، اطلاق می‌شود.

۱- سه بعدیت، ۲- شکل‌پذیری plasticity
۱- سه بعدی بودن ظاهری یا واقعی یک اثر هنری و رابطه متقابل آن با فضای پیرامونی. ۲- خاصیت شکل‌پذیری مواد نرم ولی صلب، که امکان شکل‌دهی

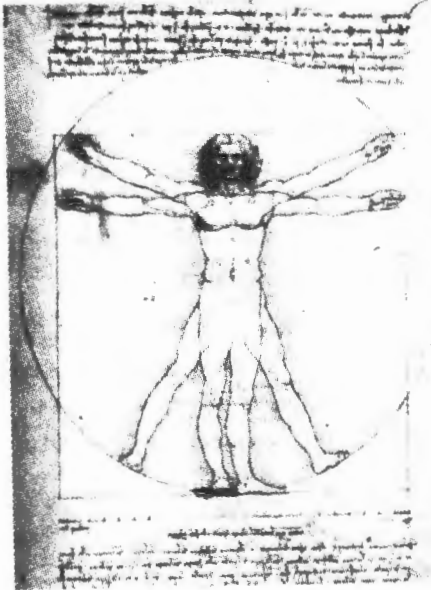
شده که در دوران قرون وسطا و رنسانس متقدم ایتالیا برای حمل کردن شیرینی و دیگر هدایای کوچک استفاده می‌شد و به هنگام انجام مراسم بازدید و تبریک گفتن به زنی که به تازگی فراغت یافته، استفاده می‌شد.

از افریز در شیوه دوریک، شامل سه شیار یا کانال موازی، با زبانه‌های زیر آن، و کل مجموعه در یک فضای میانی منظم قرار می‌گیرد. در معابد اولیه دوریک که بیشتر از چوب ساخته می‌شدند تا از سنگ، این سه ترکی‌ها انتهای تیرها را مشخص می‌ساختند. (برای تصویر نگاه کنید به پیشانی*.)

ش

شاخص تناسب، قوانین تناسب اندام
canon of proportion

در هنر و بویژه مجسمه‌سازی، فرمول ریاضی که تناسبات آرمانی بخش‌های مختلف بدن (انسان و جانوران) را تعیین کند، مثلاً نسبت بین سر و نیم تنه، تعیین چنین تناسباتی از روزگاران بسیار کهن - قطعاً تحت نظر مصریان باستان - آغاز شد و برای مجسمه‌سازان یونان باستان سده پنجم پیش از میلاد، کاملاً شناخته شده بود.



شاخص تناسب: در این طرح اثر لئونارد داوینچی، حدود ۱۴۹۰، پیکره آدمی از شرمگاهی به دو نیمه تقسیم شده. تناسب از بالای سر تا ناف و ناف تا قوزک پا برابر با ۱:۱ (یا نسبت طلایی) است.

سیاحت بزرگ
grand tour

سفر آموزشی در اروپا، غالباً به مدت یک سال یا بیشتر، که جوانان متمول انگلیسی طی سده هفدهم و هجدهم تدارک می‌دیدند. مکان‌هایی که عمدتاً بازدید می‌شدند عبارت بودند از فرانسه، کشورهای پایین (بلژیک، هلند و لوگزامبورگ) و بیش از همه، ایتالیا.

سیاه قلم روی فلز
niello (It.)

(مأخوذ از واژه لاتین nigellus به معنی «سیاه») نوعی روش تزئینی طلا (یا گاه نقره) با استفاده از خاتمکاری سیاه. نخست طرح بر روی فلز حکاکی می‌شود، و شیارهای آن با آلیاژی از پودر مس، نقره، سرب و سلفور به اضافه گدازآور پر می‌شوند. سپس کل آن را تا نقطه ذوب آلیاژ (کمتر از نقطه ذوب طلا) حرارت می‌دهند، و بدین ترتیب آلیاژ ذوب شده و در شیارها جوش می‌خورد. و در انتهای کار، سطح شیء را صیقل می‌دهند.

سیمرغ
simurgh (Persian)

پرنده افسانه‌ای، غول آسا و با دمی بلند که در نقاشی‌ها و نیز در نقوش تزئینی روی آثار سرامیکی ایرانی دیده می‌شود.

سینه سنتوری
tympanum (Lat.)

(در زبان لاتین به معنی «طبل») ۱ - محدوده مثلثی شکلی که با یک سنتوری کلاسیک پدید می‌آید (برای تصویر نگاه کنید به رواق در معبد کلاسیک*)
 ۲ - محدوده سنگی، آجرکاری و غیره که با قوسی* که از نعل درگاهی خیز برمی‌دارد، محصور می‌شود.
 ۳ - بخشی که ما بین پایه صلیب یا دهلیزی افقی و قوس بالای ساحت پشت محراب را پر می‌کند. (برای تصویر نگاه کنید به پرده تصلیب*)
 ۴ - قالب یک پاستون*.

سینی تولد
desco da parto (It)

(در زبان ایتالیایی به معنی «لوح تولد») سینی تزئین

کچی. ۲ - نعل درگاهی سنگین چوبی که یک دهانه عریض را بپوشاند.

شاهکار masterpiece

در نظام صنفی قرون وسطایی به اثر آزمایشی اطلاق می‌شد که یک شاگرد می‌توانست با ارائه آن مدعی شود که به درجه استادی در حرفه خود رسیده است. بعدها این عنوان برای اطلاق به هر اثر هنری با شایستگی جاودان به کار رفت.

شبکاک mushrabiyyah (Arabic)

نوعی شبکه چوبی از مفتول‌های خراطی شده، که به عنوان پنجره در خانه‌های اعراب استفاده می‌شود تا ضمن آن‌که ورود هوا و نور را به داخل امکان‌پذیر سازد، خلوت محیط را هم حفظ کند.

شبکاک کاری تزئینی ajouré

(بیشتر در زمینه آثار فلزی به کار می‌رود) سوراخ کاری یا مجوف کردن ماده به صورت نقوش بسیار زیبا و ظریف.

شببستان nave

فضای اصلی ضلع غربی در کلیسا، که از بازوی عرضی، ساحت پشت محراب و غیره جدا می‌شود. با این حال گاه این اضلاع به فضای شامل راه‌ها نیز اطلاق می‌شود. اگر کلیسا دارای جایگاهی برای همخوانان و کشیش باشد آنگاه از شببستان برای انجام مراسم نیایش همگانی استفاده می‌شود. (برای تصویر نگاه کنید به کاتدرال گوتیک *).

شببکه lattice

شببکه‌ای از میله‌های نازک که نقوش خشتی شکلی را تشکیل می‌دهند و برای پر کردن دهانه پنجره استفاده می‌شوند.

شببستان کلیسای یونانی catholicicon (Gk.)

به شببستان در کلیسای ارتودوکس یونانی * اطلاق می‌شود.

شببکه نما reticulated

(مأخوذ از واژه لاتین *reticulum* به معنی «شببکه کوچک») چیزی که بر اساس نقوش شببکه مانند

شاخص حالت canopy of stale

نوعی ساختار باشکوه، غالباً موقتی و از جنس چوب و پارچه که برای ایجاد سایبان بر روی یک فرد اشرافی یا درباری، مثلاً بالای یک سریر قرار می‌دهند.

شاخه قوس haunch

دو بخش پایین یک قوس *.

شاکتی (قوای زنانگی) shakti (SKr.)

(در زبان سانسکریت به معنی «نیروی زنانگی») جنبه فعال یا سرزنده یک خدای هندو، که گاه در هیئت زنانه شخصیت سازی می‌شود.

شاکرا chakra (Skr)

صفحه مدور یا چرخه شکل که به عنوان نماد خورشید و به عنوان نیزه الهه ویشنو، و یکی از علائم تمرکز نیروی فیزیکی در هنر هندی به چشم می‌خورد.

شاکودا shakudo (Jap.)

آلیاژی که فلزکاران ژاپنی به کار می‌بردند و محتوی حدود ۹۷٪ مس و حدود ۳٪ طلا بود. اسید شویی متوالی این فلز موجب می‌شود تا فلز خاکستری اولیه، رنگ مشکی بنفش تیره و سطحی شیشه‌ای به خود بگیرد.

شال ته ستون cinoture

نوعی ابزار حلقوی که حول میله ستون کار می‌شود.

شانگه shunga (Jap.)

(در زبان ژاپنی به معنی «تصویر بهار») نوعی نقاشی عشقی ژاپنی.

شاولن template, templet

۱ - نقشی که غالباً از یک ورقه فلز بریده شده و برای اطمینان از ساخت دقیق قطعات یا ابعاد تکراری در یک شیء فلزی، سنگی، پارچه‌ای و... به کار می‌رود.
۲ - همچنین نگاه کنید به سنگچین.

شاه تیر bressumer (Fr.)

(در زبان فرانسه به معنی «تیر عرضی، نعل درگاهی») ۱ - تیر اصلی افقی در دیوار نیمه الوار

شُست آبرنگی wash
رنگمایه یا ته رنگی که به صورت لایه نازک و شفاف به کار می‌رود.

شطرنجی chequering
نوعی نقش با خانه‌های مربعی شکل یا لوزی شکل با رنگ یا بافت متضاد یکدیگر می‌آیند.

شطرنجی بندی squaring for transfer
روشی که با آن می‌توان نسخه بزرگتری از یک ترکیب بندی را پدید آورد. نخست ترکیب بندی با شبکه‌ای از خطوط عمودی و افقی پوشیده می‌شود، آنگاه محتوای هر یک از مربعات پدید آمده به شبکه‌ای با مربعات بزرگتر، به صورت نظیر به نظیر منتقل می‌شود.

شعر مجسم concrete poetry
متنی که کلماتش به گونه‌ای آرایش یافته که جلوه بصری آن به همان اندازه جلوه زبانی (محتوایی) آن گویا باشد. آرایش نوشته‌ها می‌تواند کاملاً آزادانه یا در قالب نقوش کاملاً نظم یافته باشد و بر روی سطحی که ضرورتاً برگ کتاب نیست اجرا شود. این ایده در نمایشگاه هنر مجسم در سال ۱۹۵۶ سائوپولو توسط گروهی از شاعران برزیلی به قالب تجسمی درآمد، اما در حقیقت سابقه آن را می‌توان تا آثار شاعران فرانسوی مالارمه و آپولینر دنبال کرد.

شعله‌سان flambé
لعاب قرمز سیر مشتق از مس که با رنگ آبی، رگه‌دار یا اشباع می‌شود و بدین ترتیب جلوه‌ای شعله مانند پدید می‌آورد. این شیوه نخستین بار در چین در دوره سونگ (۱۲۸۰ - ۹۶۰) ابداع شد.

شکل آزاد free from
شکل‌های نامنظم و نامتقارن به ویژه به صورت منحنی در نقاشی، مجسمه سازی یا اشیاء تزئینی.

شکل اندام وار biomorphic
(در باره هنر انتزاعی به کار می‌رود) فرم‌های انتزاعی نامنظم مأخوذ از شکل‌هایی که در طبیعت یافت می‌شوند. این فرم‌ها را غالباً می‌توان در آثار سوررئالیستی، در نقاشی‌های ایوتانگی و در پیکره‌های هانس آرپ یافت.

ساخته یا تزئین شده باشد.

شجره نامه مسیح Tree of Jesse
تصویر نموداری شجره نامه عیسی مسیح، که در هنر قرون وسطا یافت می‌شود. مسیح در پایین دراز کشیده، در حالی که درخت از تهیگاه او به بالا آمده، و دیگر چهره‌ها بر شاخه‌هایش مشخص شده است. بر بالاترین نقطه مریم مقدس با شکوه تمام به همراه مسیح کودک در بازوانش قرار گرفته است. این حقیقت که شاخه‌ها تا مسیح گسترش نمی‌یابد مویذ رستاخیز مقدس اوست. همچنین نگاه کنید به پنجره نقش شجره‌ای.

شرفه merlons (Fr.)
(مأخوذ از واژه ایتالیایی merlone به معنی «کنگره») بخش صلب یک کنگره که مزغله‌ها را از یکدیگر جدا می‌کند (برای تصویر نگاه کنید به تیرکش دروازه قلعه^{۳۳}).



«ضیافت کلثوپاترا» طرحی از تیوپولو، حدود ۵۰ - ۱۷۴۰، که در آن از روش شُست آبرنگی به صورت آزاد و جسورانه استفاده کرده است.

نموداری آن تقلیل یافته باشد.

شمایلی icon
نوعی نقاشی که معتقدین ارتودوکس یونانی یا روسی بر روی لته قاب چوبی، و معمولاً با مضامین مذهبی و دقیقاً مطابق قراردادهای از پیش تعیین شده، و با استفاده از الگوهای به همان اندازه از پیش مشخص بازنمایی انجام می‌شد. شمایل‌ها ممکن است متعلق به هر زمانی، از سده ششم میلادی تا به امروز باشند. ← (نقاشی روی تخته)

شمایل‌سازی iconography
۱ - مطالعه و تعیین هویت تک چهره‌ها ۲ - کاوش نظام‌مند موضوع یک تابلو که در مقابل سبک آن قرار می‌گیرد.

شمایل‌شناسی iconology
تفسیر موضوع یک تابلو، که با مطالعه گسترده در زمینه‌های فرهنگی و تاریخی غنا یافته است.

شیب بام crowstep
یکی از شیب‌های بام شیروانی.
شوابخر (حروف چاپی) Schwabacher (Ger.)

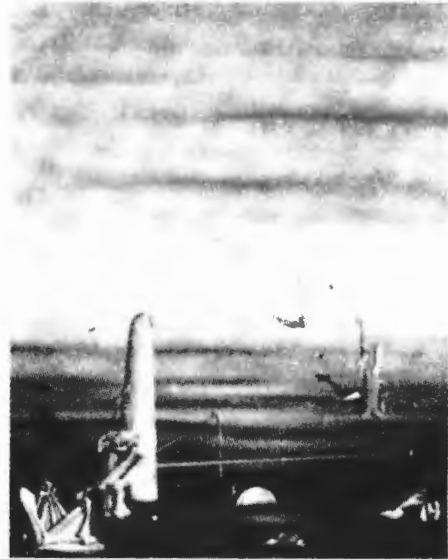
نوعی حروف سیاه پر انحنای و شیبه خوشنویسی. (برای تصویر نگاه کنید به حروف چاپی).

شیر سگ بودایی dog of fo
(از واژه چینی Fo به معنی «بودا») بازنمایی شیر افسانه‌ای در هنر چین.

شیر سگ چینی shishi (Jap.)
نوعی موجود اساطیری چینی، ترکیبی از شیر و سگ، که از شیرهای نگهبان محراب‌های بودایی اخذ شده بود. همچنین نگاه کنید به شیر سگ بودایی.

شیروانی تند dutch gable
نوعی شیروانی با یک سنتوری بر سر.

شیروانی gable
بخش بالایی دیوار بین شکستگی بام با دو شیب تند ← (سبک ملکه آن*).



نمونه‌هایی از شکل اندام‌وار در تابلوی «خورشید در صندوقچاش»، اثر ایوتانگی، ۱۹۳۷.

شکل بسته closed Form
مجموعه‌ای که شکل قالب اصلی اثر را بازتاب می‌دهد و در فضای پیرامون خود گسترش نمی‌یابد. در مقابل شکل باز.

شکل دو خم ogee
شکل مبتنی بر دو منحنی ابزار دو خم. (برای تصویر نگاه کنید به گوتیک مزین*).

شکل دهی سرد cold - Working
شیوه چکش کاری و شکل دهی فلز بدون استفاده از حرارت.

شکل هنر آفرینی significant form
اصطلاحی که کلاوبل منتقد هنر انگلیسی در سال ۱۹۱۲ برای توصیف آنچه که به زعم وی ماهیت آثار هنری واقعی بود، ابداع کرد: یعنی فرم‌ها و روابط فرمی درون آن. مطابق این نظریه، فرم خود محتوای واقعی اثر هنری محسوب می‌شود و دیگر انواع محتوا (مثلاً روایی و عناصر نمادین) ثانوی هستند.

شمای کلی schema
ترکیب‌بندی یا فرمی که به ساده‌ترین عناصر

به طور کامل در درون شیشه مذاب غوطه‌ور می‌شود). غالباً بخش‌هایی از پوشش خارجی را برش می‌دهند تا لایه رنگی زیر آن آشکار شود.

شیشه سبز waldglas (Ger.)
(در زبان آلمانی به معنی «جنگل شیشه‌ای») شیشه کاربردی معمولاً به رنگ سبز خفیف، که در اواخر قرون وسطا در آلمان و بوهم ساخته می‌شد. همچنین گلخانه‌های شیشه‌ای در جنگل که سوخت جنگل نشینان در آن نگه داری می‌شد نیز به همین نام خوانده می‌شدند.

شیشه‌گری تفننی friggers
اصطلاحی محاوره‌ای برای محصولات که شیشه‌گر در وقت اضافی از مواد دورریز و به جای مانده می‌سازد. این نوع محصولات شامل عصای شیشه‌ای، ماکت کشتی و پیکره حیوانات است.

شیشه پشت آذین verre eglomisé (Fr.)
(در زبان فرانسوی به معنی «شیشه مات») یک ورق شیشه که پشت آن نقاشی یا طلاکاری شده و تزئینات آن با جلا و یک ورق فلزی یا یک ورق شیشه دیگر محافظت شده باشد. این روش از دوران رومیان مورد استفاده بود، و نام آن از یک قاب بند سده هجدهمی اخذ شده است. همچنین نگاه کنید به شیشه میان طلا، نقاشی برآق پشت شیشه.

شیشه حبابی crown glass
نوعی شیشه، که پیش‌تر برای پنجره استفاده می‌شد و برای ساخت آن، حباب حاصل از دمیدن لوله دمنده شیشه‌گری را به صورت یک صفحه شیشه‌ای گرد با ضخامت نامنظم، پهن و مسطح می‌کردند.

شیشه حرفه‌ای Favrile glass
نوعی شیشه چند رنگ رنگین کمان که لوئیس کامفورد تیفانی (۱۸۲۳ - ۱۸۴۸) ابداع و تولید کرد و خود او نام‌گذاری کرد. این نام مأخوذ از واژه انگلیسی قدیم «fabrile» به معنی «مربوط به یک صنعتگر یا حرفه‌اش» است و در سال ۱۸۹۴، وی آن را به عنوان نام تجاری برگزید.

شیشه دارو vial
ظرفی کوچک معمولاً استوانه‌ای شکل و از جنس

شیشه glass
ماده‌ای سخت، شکننده و غیر متبلور که از مخلوط سیلیکا با یک ماده قلیایی همچون پتاس یا سودا ساخته می‌شود. مستندات مربوط به اولین کاربرد شیشه در تاریخ به سال‌های حدود ۲۵۰۰ تا ۲۰۰۰ سال پیش از میلاد باز می‌گردد که در تمدن بین‌النهرین از آن به عنوان لعاب استفاده می‌شد. همچنین نگاه کنید به شیشه ابتدایی، شیشه تاجی، شیشه سنگ چخماقی، شیشه بند سربی، خمیر شیشه‌ای.

شیشه ابتدایی core glass
قدیمی‌ترین نوع ظرف شیشه‌ای در مصر، بین النهرین، و شرق مدیترانه که طی سده‌های ۱۵۰۰ تا ۱۲۰۰ پیش از میلاد و بار دیگر از سده هشتم پیش از میلاد تا اولین سده مسیحی ساخته می‌شد. این ظروف به یکی از دو روش رایج ساخته می‌شد: یک روش تاباندن رشته‌ای از شیشه مذاب حول یک هسته بود. این هسته نخست از ترکیب گاه و گل ساخته می‌شد و بعدها از گل، که پس از اتمام کار از آن خارج می‌شد؛ روش دیگر این بود که هسته را چندبار در درون ظرفی از شیشه مذاب فرو می‌کردند تا ضخامت ظرف شکل بگیرد. این روش با ظهور روش شیشه‌گری دمیدنی، کنار نهاده شد. گاه آن را (به غلط) به عنوان «شیشه هسته شنی» توصیف می‌کنند.

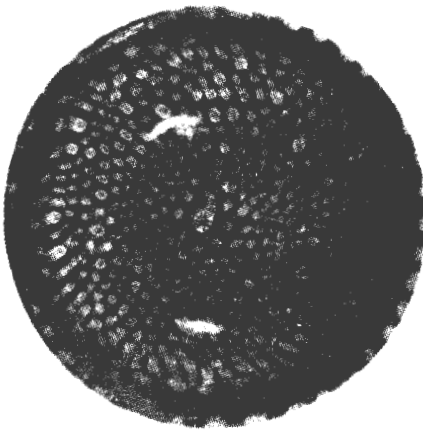
شیشه بند منقوش stained glass
شیشه پنجره‌ای که طی مرحله ساخت رنگی شده اما بعداً جزئیات بیشتری روی آن نقاشی می‌شود.

شیشه‌بندی سربی، glazing, leaded
leaded lights
شیشه جام کوچک یا قطعات شیشه با شکل‌های متنوع و معمولاً با رنگ‌های متفاوت که به وسیله نوارهایی با مقطع H شکل یا زهوار سربی به یکدیگر متصل می‌شوند.

شیشه پوشش‌دار cased glass
قطعه شیشه‌ای که یکی از لایه‌های درونی آن با لایه‌ای به رنگ متفاوت پوشیده شده باشد. برای ساخت آن نخست پوشش خارجی پخت داده می‌شود، سپس لایه داخلی به درون آن دمیده می‌شود (برخلاف شیشه دولایه که ظرف شیشه‌ای

شیشه شفاف با تزئیناتی از رشته‌های حک شده، که معمولاً و نه ضرورتاً به رنگ سفید مات هستند. این روش در Murano ابداع شد. نگاه کنید به شیشه شیرینی رنگ، تور شیشه‌ای.

شیشه هزار تکه millefiore glass (It.)
(مأخوذ از واژه ایتالیایی millefiore به معنی «هزار گل») صفحات شیشه‌ای مدور و با رنگ‌های درخشان که بر روی هم جوش خورده‌اند و یک ورق شیشه را شکل می‌دهند، هر صفحه مدور شامل مقاطع نازکی از میله‌های رنگی است که به صورت دسته‌ای کنار هم جوش می‌خورند. مترادف: شیشه موزائیک mosaic glass.



کوزه شیشه‌ای هزار تکه رومی.

شیوه order
۱ - نگاه کنید به شیوه‌های معماری، ۲ - همچنین به ترکیب ستون و پیشانی هم اطلاق می‌شود.

شیوه‌های معماری
orders of architecture
نظامی که ویتروویوس تاریخ‌شناس معماری رومی (سده اول پیش از میلاد) برای طبقه‌بندی انواع مختلف معماری کلاسیک وضع کرد. وی نظام طبقه‌بندی خود را بر اساس سه نوع استاندارد ستون، به همراه تپستون، پاستون، سرستون و پیشانی مبتنی کرد. این شیوه‌ها عبارت بودند از:

شیشه برای نگه‌داری دارو.

شیشه دو لایه flashed glass
نوعی شیشه متشکل از دو لایه، که از طریق فرو کردن شیشه شیشه‌ای به درون شیشه مذاب با رنگ متضاد حاصل می‌شود. این روش شبیه روش شیشه پوشش‌دار است با این تفاوت که لایه بیرونی آن بسیار ضخیم‌تر است.

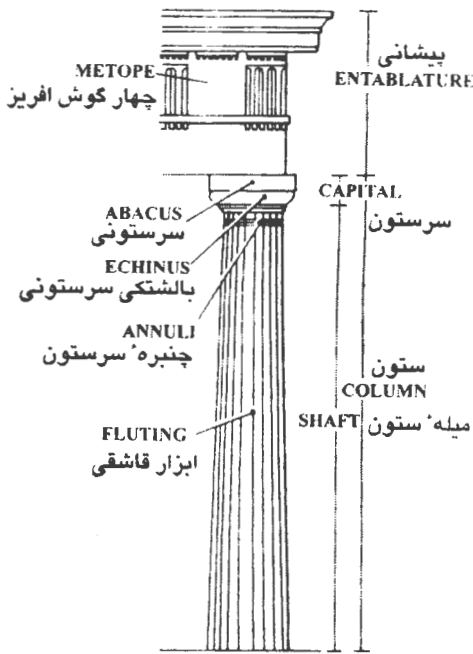
شیشه سربی lead glass
نوعی شیشه با درصد بالای اکسید سرب، که موجب درخشندگی بیشتر آن می‌شود. این نوع شیشه برای نخستین بار در حدود سال ۱۶۷۶ توسط جورج رابینسکروفت به کار رفت، و غالباً حکاکی یا تراش می‌خورد.

شیشه سنگ چخماق flint glass
۱ - نوعی شیشه که در آغاز در سده هفدهم و توسط جورج رابینسکروفت ابداع شد. وی از سنگ چخماق انگلیسی به عنوان منبعی برای سیلیکا (ماده اصلی شیشه) استفاده کرد. ۲ - این نام بعدها به شیشه‌بندی سربی انگلیسی هم اطلاق می‌شد، گرچه در اینجا منبع سیلیکا نه سنگ چخماق بلکه شن بود.

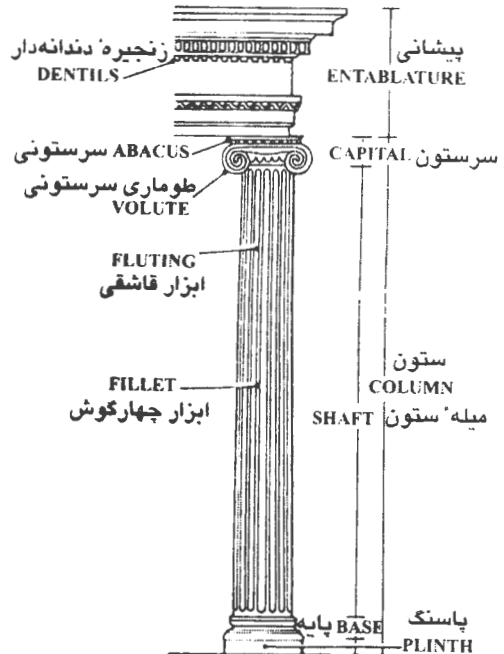
شیشه شیرینی رنگ Lattimo
(مأخوذ از واژه ایتالیایی Latti به معنی «شیر») شیشه سفید مات، که تمامی بدنه یک شیء را بپوشاند یا به صورت نقوش نواری، گل دسته‌ای یا ریسمانی برای تزئین شیء به کار رود. معمولاً با شیشه نقش رشته‌ای اشتباه می‌شود، در حالی این دو تنها زمانی مترادف می‌شوند که دارای تزئینات رشته‌ای شکل باشند.

شیشه میان طلا
Zwischengoldglas (Ger.)
(در زبان آلمانی به معنی «شیشه طلا در میان») نوعی شیشه متشکل از دو لایه که تزئیناتی به شکل برگه‌های طلایی در میان آنها قرار می‌گیرد. همچنین نگاه کنید به شیشه پشت آذین، نقاشی براق پشت شیشه.

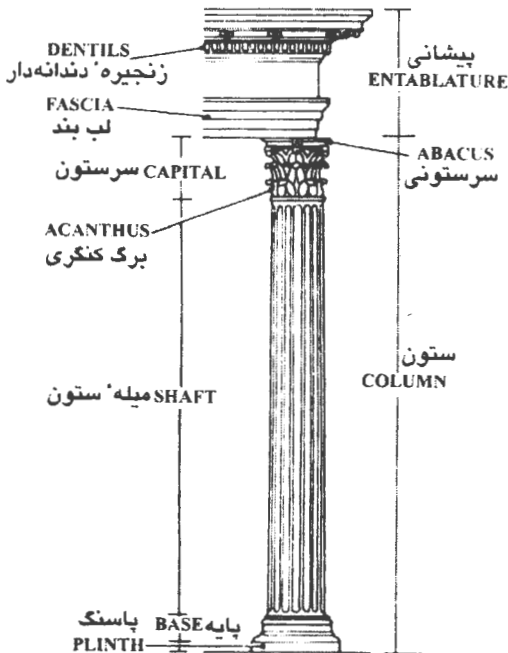
شیشه نقش رشته‌ای latticino latticino
(مأخوذ از واژه ایتالیایی latte به معنی «شیر»)



GREEK DORIC شیوه دوریک یونانی

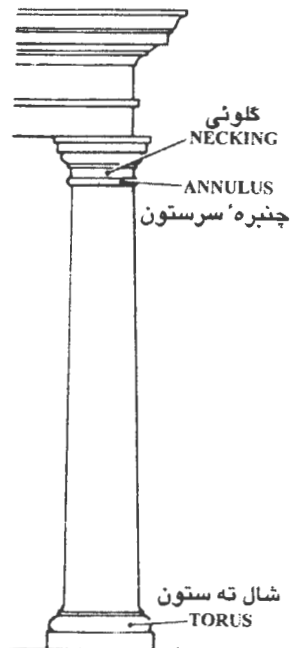


IONIC شیوه ایونیک



CORINTHIAN شیوه کورنتی (قرنطی)

شیوه‌های معماری (برای تعریف هر یک به مدخل مربوطه رجوع کنید.)



TUSCAN شیوه توسکانی

شیوه غول ستون (*Colossal*) به هر شیوه‌ای اطلاق می‌شود که در آن ستون‌ها (یا گاه ستون چهارگوش) ارتفاعی بیش از یک طبقه داشته باشند. مترادف *giant order*.

شیوه رنگ افشمانی (تاشیسم) *Tachisme* (مأخوذ از واژه فرانسوی *tache* به معنی «لکه») اصطلاحی که چارلز اشتین منتقد هنری فرانسوی برای توصیف نوعی نقاشی انتزاعی ابداع کرد. که در آن از رنگ به صورت نقاط یا لکه استفاده می‌شود؛ مثلاً در آثار ولز یا هنری میشو، این واژه بعداً به عنوان اصطلاحی عام برای معادل اروپایی اکسپرسیونیسم انتزاعی تبدیل شد.

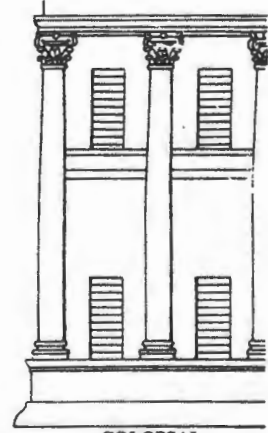
شیوه گرانمایه *Grand Manner* سبک متعالی و آرمانی نقاشی تاریخی که پیشروان نظریه هنری سده هیجدهم به ویژه سر یوشع دینولدز در سومین و چهارمین مباحث (۱۷۷۰، ۱۷۷۱) خود مبلغ آن بودند. وی مدعی بود که هنر معاصر باید تأثیراتی را از هنر باستانی و

شیوه دوریک (*Doric*) که قدیمی‌ترین، ساده‌ترین، و خوش‌بینیه‌ترین نمونه به نظر می‌رسد. ستون دارای شیارهای قشاشقی است، و سرستون دارای سرستونی مسطح است، که بر روی ابزار محدب سرستونی قرار می‌گیرد. «دوریک رومی» تقریباً همیشه یک تهستون دارد، اما «دوریک یونانی» هرگز تهستون ندارد. افریز به چهارگوش‌های افریز تقسیم می‌شود که به صورت یکدرمیان با شیارهای سه‌ترکی مزین شده. (احیاء هنر یونانی*).

در شیوه ایونیک (*Ionic*) ستون به صورت استوانه است و سرستون به صورت طوماری‌های متقارن. در شیوه کورنتی (*Corinthian*) سرستونی دارای برجسته‌کاری‌های بزرگ کتکری است که در یک سید بالا آمده‌اند. (نگاه کنید به گلدانی سرستون). علاوه بر شیوه‌های یونانی، رومیان نیز شیوه توسکانی *Tuscan* را ارائه دادند، که نوع ساده شده دوریک با ستون‌های بدون شیار است، و نیز شیوه ترکیبی *Composite* که تلفیقی است از شیوه ایونیک و کورنتی.



شیوه گرانمایه برای نقاشی پرتره به کار می‌رفت: پرتره تمام قد لویی فیلیپ دوک اورلئان (۱۷۹۳ - ۱۸۵۰) اثر سر جاشوآرینالز.



COLOSSAL
غولستون



HELIX
طوماری کورنتی

ASTRAGAL
زنجیره دانه تسبیح

شیوه ترکیبی

شیوه‌های معماری

هنرستانان بزرگ رنسانس ایتالیا جذب کند. نظریه وی تا نقاشی پرتره بسط یافت - به عنوان مثال وی در یکی از کارهایش، تصویر نجیب زادگان اشرافی را با حالتی به تقلید از مجسمه‌های معروف کلاسیک همچون تندیس آپولو نمایش داد.

ص

planishing

صافکاری

اصلاح و پیرایش ورق فلز از ناهمواری‌ها، با استفاده از یک چکش کله پهن.

nocturne (Fr.)

صحنه شبانه

در زبان فرانسه به معنی «قطعه شبانه» اصطلاحی در موسیقی که نخستین بار ویسلر برای توصیف برخی از آثار خاص خود به کار برد و بعدها دیگر هنرمندان هم از آن استفاده کردند.

battle-piece

صحنه نبرد

۱ - نوعی ترکیب‌بندی رایج در نقاشی سده‌های هفدهم و هجدهم، که در آن بیشتر سعی می‌شد تا فضای کلی جنگ نمایش داده شود تا بازنمایی یک نبرد خاص. غالباً این نوع آثار به نسبت در ابعاد کوچکی اجرا می‌شدند. ۲ - در مفهوم عام‌تر، هر نوع نقاشی یا پیکرتراشی که صحنه نبرد را بازنمایی کند.

layout

صفحه آرایشی

نموداری توصیفی که موقعیت قرارگیری متن نوشتاری (حروف چاپی) و تصاویر را (در صورت وجود) در صفحه مشخص می‌سازد (همچنین نگاه کنید به اثر هنری).



نبرد شوالیه‌ای، نمونه‌ای از یک تابلوی صحنه نبرد اثر فلیپ ورمان (۶۸ - ۱۶۱۹).

Severe style

شیوه موقر

سبک انتقالی مجسمه سازی یونانی بین باستان و کلاسیک. این سبک طی سال‌های ۴۵۰ تا ۴۸۰ پیش از میلاد شکوفا شد، و به این دلیل که به نظر می‌رسید در قیاس با هنر کلاسیک کاملاً تکامل یافته دوره ۴۳۰ تا ۴۵۰ پیش از میلاد، خشک‌تر و جدی‌تر است این گونه نام‌گذاری شد.



«پسر کرتی»، مجسمه مرمری به شیوه موقر، از آکروپولیس، آتن، حدود ۴۸۰ ق.م.

facon de venise (Fr.)

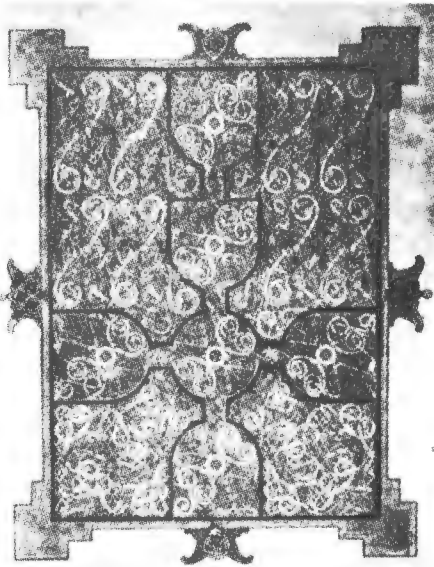
شیوه ونیزی

در زبان فرانسه به معنی «شیوه ونیزی» (در زمینه شیشه‌گری) آثاری به سبک ونیزی؛ که توسط کارگاه‌های شیشه‌گری غیر ونیزی ساخته می‌شد.

object d'art (Fr.)

شیء هنری

در زبان فرانسه به معنی «مصنوع هنری» یک قطعه اثر هنری کوچک و (معمولاً) با جلوه‌های زیبا و ظریف.



صفحة پدرفه از کتاب مقدس لیندیس فارن، حدود ۷۰۰ میلادی، که نقوش جانوری در هم بافته‌ای را که با ظرافت تمام کار شده، نشان می‌دهد.



صندلی کنسول دار اثر میس واندر روهه، ۱۹۲۶.

فیلیگر (که با گوگن و مکتب پونت آن مرتبط بود)، آرماند پونیت، ادگار ماکسن و مارسلین دسبوتین را نام برد. با این حال نقش اصلی این نمایشگاه‌ها، معرفی آثار هنرمندان مهم سمبولیست غیر

صفحة پدرفه carpet page

یک صفحه کامل از نقوش انتزاعی، گاه به همراه امضاء اختصاصی رمزی، که در ابتدای هر یک از نسخ تزییب کاری شده انجیل مکتب هیبرنو نورس سده هشتم و نهم میلادی در مقابل پرترة متداول ایوانجلیست قرار می‌گرفت.

صفحة تصویر picture - plane

صفحة فرضی که با سطح جسمی نقاشی (بوم، کاغذ و ...) نشان داده می‌شود.

صفحة زمینه، نقشه کف

ground - plane

در طراحی و نقاشی، سطحی که به نظر می‌رسد به سمت فضای تصویر پس نشسته و زمینه‌ای را برای پیکره‌ها و اشیاء نمایش داده شده، پدید می‌آورد.

صفحة ستون بند stylobate

قسمت بالایی پی‌پابلند در معبد کلاسیک*؛ یعنی سطح واقعی که بر روی آن ستون استوار می‌شود.

صفحة سنتوری barge-board

صفحه‌ای که در زیر شیب یک سنتوری نصب می‌شود تا دو انتهای تیرهای سقف را حمایت کند. (← سبک معماری الوار و گچ*)

صف saf (Aradic)

نوعی قالیچه محرابی (جانمان) که برای بیش از یک نفر طراحی شده و روی آن یک ردیف نقوش محرابی کنار هم تصویر شده است.

صلیب سه بازو tau cross (Gk.) (شکل T)

(مأخوذ از واژه یونانی tau به معنی «t») صلیب T شکل.

صلیب گلرز Rosicrucians

گروه منسجمی از هنرمندان سمبولیست که به رهبری سار (ژرفین) پلادان نویسنده پرکار و از معتقدین به نظریات رمزآلود مسیحی خیالی‌باف سده پانزدهم «روزن کرو» بود. پیروان وی آثار خود را از سال ۱۸۹۲ تا ۱۸۹۷ در سالن Rose + croix (گل‌سرخ + صلیب) در پاریس برپا می‌کردند. از جمله برجسته‌ترین نقاشان این گروه می‌توان چارلز



صورتک اژدهانما: ماخوذ از یک ظرف برنزی چینی.



صورتک مهیب که بخشی از یک آذین حروف‌نگاری را شکل می‌دهد

صورتک، پوشش mask

۱ - اثر تکراری یک چهره، که با قابگیری از چهره فرد زنده یا مرده ساخته می‌شود. (در مورد دوم به آن «صورتک مرده» هم گفته می‌شود). ۲ - بازنمایی تصویر چهره. ۳ - پوششی برای پنهان کردن چهره یا بدن، که در اجراهای نمایشی یا بالاسکه از آن استفاده می‌شود. ۴ - بازنمایی و شبیه‌سازی برخی موجودات افسانه‌ای یا ماوراءطبیعی که روح شخص را تا زمانه، که صورتک بر چهره دارد، تصرف می‌کند. (همان گونه که در مورد صورتک‌های آیینی آفریقایی مصدق دارد). ۵ - شبیه‌سازی نقاشی یا برجسته‌کاری یک صورتک نمایشی (مثلاً صورتک‌های نمایش کمدی و تراژدی، که به عنوان تزئینات معماری به کار می‌رود).

صورتک اژدهانما t'ao - t'ieh (Chi.)

صورتک ساده شده یک اژدها که در هنر چینی به کار می‌رود و نخست بر روی ظروف مفرغی آیینی دوره شانگ (۱۱۲۲ - ۱۷۶۶ ق.م) یافت شد.

صورتک مهیب mascaron, mascaroon

صورتک عجیب و هیولایی که به عنوان شینی تزئینی در معماری و در هنرهای تزئینی به کار می‌رفت. مانند گل میخ‌های باروکش طلا و برنز که

فرانسوی بود، مانند فردریک هولدر سوئیس و یان تروپ هلندی.

صندلی کنسول‌دار cantilevered chair

نوعی صندلی که طرح آن بر اساس اصول تیر سرکش (کنسول) طراحی شده باشد، معمولاً دارای پایه‌ای U شکل از لوله فلزی یا چوب خم کاری شده است. نمونه‌های معروف این نوع صندلی در اوائل سده جاری توسط مارت استام، مارسل بروئر، و میس واندر روهه ساخته شدند. اتفاق نظر جامعی درباره این که چه کسی نخستین بار ایده تیر سرکش را برای طراحی مبلمان به خدمت گرفت، وجود ندارد.

صندوق اشیاء مقدس reliquary

جعبه‌ای برای نگهداری اشیاء مقدس (مربوط به قدسین مسیحی، بودا و غیره).

صندوقچه خانه‌ای cassone (It)

(در زبان ایتالیایی به معنی «صندوقچه»). صندوقچه ازدواج، غالباً به شکل ساختمان. در سده پانزدهم رسم بر آن بود که صندوقچه‌های مهم را با نقاشی‌های چوبی (لته‌ای) تزئین کنند.

صنف guild

در دوران قرون وسطا انجمنی از هنرمندان، صنعتگران دستی یا پیشه‌وران، که به صورت سلسله مراتب دقیق سازمان می‌یافتند، و مطابق آن اعضاء به ترتیب شاگرد، آزموده و نهایتاً استاد می‌شدند. فقط در مرحله استادی بود که فرد آزادی کامل در انجام حرفه یا تخصص به طور مستقل داشت، با این وجود وی همچنان می‌بایست در محدوده مقررات صنف رفتار می‌کرد. در اواخر سده نوزدهم، تلاشی در جهت احیاء نظام صنفی اگرچه در شکلی آزادانه‌تر، به عنوان بخشی از اهداف جنبش هنر و صنایع دستی صورت گرفت نمونه آن «صنف صنعتگران دستی» سی.آر. اشبی بود که در سال ۱۸۸۸ تأسیس شد.

صورت برجسته effigy vessel

نوعی کوزه که یک پیکره یا حیوان را باز نمایی می‌کند، و در فرهنگ‌های بومیان امریکای شمالی به وفور ساخته می‌شد. (نگاه کنید به هنر پیش از کلمب)

ضرب striking
روش ساخت یک شیء فلزی (مثلاً مدال یا سکه) به شیوه ضرب کردن یک قطعه صاف حرارت دیده مابین دو قالب که طرح دلخواه روی آن گودکنی شده است.

ضیافتگاه کاخ orangery
نوع ابتدایی گلخانه، که برای پناهگاه زمستانی درختان تزئینی ساخته می‌شد. (در آغاز برای درختان پرتقال.)

ط

طارمی، نرده balustrade
نوعی نرده (معمولاً ولی نه همیشه به شکل صراحی) که به پایه‌های کوتاهی محکم می‌شود و گاه با لته‌های مشبک‌کاری تزئین می‌گردد.

طاق vault
بامی که بر اساس اصول ساختاری یک قوس ساخته شده است. [در ادامه برخی از انواع طاق‌ها معرفی می‌شود.]

Barrel vault، طاق گهواره‌ای: طاقی که به عنوان یک قوس نیم دایره پیوسته ساخته شده باشد. مترادف: *tunnel vault*

Carbel vault، طاق پیشکردگی: این تنها مورد استثناء در تعریف بالاست و بر روی مجموعه‌ای از پیشکردگی‌ها شکل می‌گیرد که به عنوان تیر طره از دو یا سه دیوار بیرون می‌زند و آنقدر جلو می‌آیند تا در نقطه‌ای به هم برسند و دهانه را مسدود کنند. (به تصویر صفحه بعد توجه کنید.)

coved vault، طاق چهارترکی: طاقی متشکل از چهار سطح ربع استوانه‌ای (کاو) که با زاویه‌ای تلافی کنند و به تدریج که بالا می‌روند کوچکتر شده تا به مرکز برسند.

cross - vault، طاق متقاطع: دو طاق که با زاویه قائمه با هم تداخل کنند.

Domical vault، طاق گنبدی: طاق گنبد ماندندی

در مبلمان فرانسوی سده هجدهم، استفاده می‌شد.

صومعه minster
۱ - در ابتدا به کلیسای دیر یا حتی کل ساختمان دیر اطلاق می‌شد. ۲ - بعدها به کلیسای بزرگ با منشاء دیر اطلاق شد. ۳ - در مفهوم عام‌تر به هر نوع کلیسای بزرگ گفته می‌شود.

صومعه بودایی vihara (SKr.)
۱ - صومعه بودایی هندی. ۲ - تالار یک چنین صومعه‌ای

صومعه زیارتی pilgrimage church
۱ - کلیسایی که برای زیارت زائرین یک مکان مقدس ساخته شده است (مثلاً کلیسای باروک دی‌وایز در آلمان). ۲ - کلیسای بزرگی که به ویژه برای جمعیت زائرین طراحی شده و طی سده یازدهم میلادی در مسیرهای اصلی به مرقد سنت‌جیمز کبیر در کامپوستل در شمال ایتالیا ساخته می‌شد نمونه‌های دیگر شامل کلیساهای کنگو، نورس و تورس در فرانسه است.

صیقل کاری ریخته‌گری ciselure (Fr.)
مغارزنی نهایی یا پرداخت کاری یک شیئی فلزی، به ویژه شیء که ریخته‌گری شده باشد.

ض

ضد هنر anti-art
اصطلاحی که گفته می‌شود مارسل دوشان در حدود سال ۱۹۱۴ برای توصیف آثاری که گرچه دارای مشخصه هنری هستند ولی تمامی پیش‌فرض‌ها درباره ماهیت هنر را به چالش می‌گیرند ابداع شد. مثال نمونه‌وار ضد هنر، اقدام دوشان در افزودن یک سبیل به تصویر چاپی مونالیزا بود. نکته آن بود که اثر هنری توسط کسی که خود به عنوان هنرمند شناخته می‌شود، انجام می‌گیرد. بر همین اساس دادائیسیم نخستین جنبش ضد هنر محسوب می‌شود.

یک نقش هندسی را بر سطح آن پدید می‌آورد. این نوع طاق‌ها مشخصه سبک گوتیک مزین انگلیسی است.

Quadrupartite vault، طاق چهار بخشی: طاقی که به چهار پشت بغل هم اندازه تقسیم می‌شود. (برای تصویر نگاه کنید به کاتدرال گوتیک*)

Rib vault، طاق توپزه: طاقی که با توپزه‌های اصلی به چهار پشت بغل هم اندازه تقسیم شده و خود پشت بغل‌ها مجدداً به خانه‌های کوچکتری تقسیم می‌شوند.

Stellar vault، طاق ستاره‌ای: طاقی که توپزه تزئینی آن شکل یک ستاره را تشکیل می‌دهد.

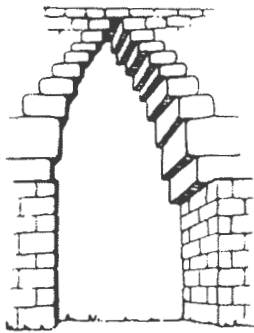
Tunnel vault، طاق تونلی: مترادف طاق گهواره‌ای.

شامل قطع‌هایی که از یک قاعده چند ضلعی منظم خیز برمی‌دارند و در نقطه‌ای در مرکز به هم می‌رسند.

Fan vault، طاق بادبزنی: نوعی فرم زیبا و ماهرانه طاق که فقط در معماری گوتیک متاخر در انگلستان یافت می‌شود، شامل تعدادی توپزه که از پیش‌کردگی‌هایی که مانند بادبزن دستی باز شده‌اند، تشکیل می‌شود.

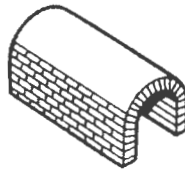
Groin vault، طاق و توپزه: دو طاق کوره پوش، که با زاویه‌ای متداخل شده باشند.

Lierne vault، طاق و توپزه تزئینی: طاقی با توپزه‌های کوتاه غیر ساختاری اضافی که از توپزه اصلی بیرون می‌زند و گلمیخ‌ها را به هم متصل می‌کند و



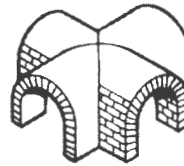
CORBEL VAULT

طاق پیش‌کردگی



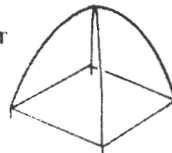
BARREL VAULT

طاق تونلی



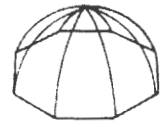
GROIN VAULT

طاق و توپزه



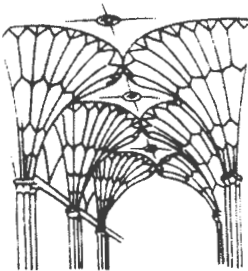
COVED VAULT

طاق چهار ترکی



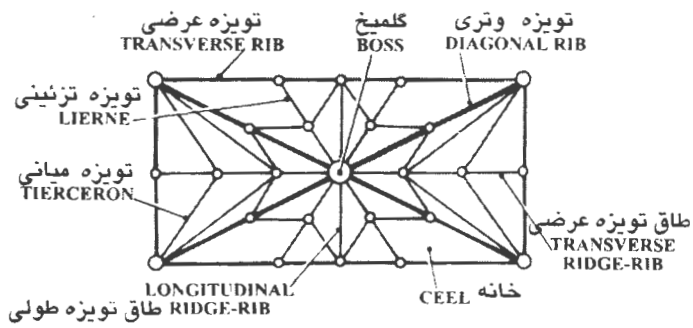
DOMICAL VAULT

طاق گنبدی



FAN VAULT

طاق باد بزنی



RIB VAULT (STELLAR)

طاق توپزه (طاق ستاره ای)

انواع طاق. (برای تعاریف هر یک به مدخل مربوطه رجوع کنید.)

فوقانی طاقان شبستان قرار می‌گیرد (برای تصویر نگاه کنید به کاتدرال گوتیک**).

طبقة الحاقی
ell (us)
یک طبقه مجزا، متصل به یک جناح، که به بدنه اصلی ساختمان افزوده شده و عمدتاً شامل آشپزخانه است.

طبیعت بیجان
still - life
نقاشی از اشیاء بی‌جان.

طبیعت بیجان
nature morte
مترادف فرانسوی طبیعت بیجان.

طراح
(Lat.) inventor, invenit, inv. و in.
(مأخوذ از واژه لاتین invenit به معنی «ابداع‌کننده») حروف اختصاری که بر روی باسمه دیده می‌شود و نشانگر آن است که نام بعد از آن مربوط به خالق طرح است (که ضرورتاً ممکن است حکاک یا باسمه‌کار اثر نباشد).

طراح نقشه‌نما
vedutisti (It.)
هنرمندان ایتالیایی سده هجدهم که منظره نقشه‌نما تهیه می‌کردند. اکثر آنان همچون کانالتو، ونیزی بودند.

طراحی با ماسه
sand painting
نوعی شیوه نقش‌پردازی با استفاده از ماسه‌های رنگی مختلف که بین قوم ناواجو و دیگر سرخپوستان آمریکای شمالی رایج بود و نیز در تبت، ژاپن و بین بومیان استرالیا، به عنوان بخشی از مراسم آئینی مذهبی رواج داشت. اثر نقاشی با شن موقتی است و لذا که گاه باید مجدداً احیا شود. از این نظر نوعی هنر فرایندی محسوب می‌شود.

طراحی از مدل زنده
life drawing
طراحی از بدن برهنه و از روی یک مدل زنده.

طراحی سه رنگ
trois crayons (Fr.)
(در زبان فرانسه به معنی «سه گچ») طراحی با سایه رنگ متوسط بر روی کاغذ (مثلاً آبی یا نخودی متوسط) که با گچ‌های سیاه، سفید و قرمز تهیه شود.

طاق پوش
arcuate, arcuated
سازه‌ای که مطابق اصول ساخت قوس ساخته شود (در مقابل پایه و نعل در گاهی).

طاقچه
nische
تورفتگی درون دیوار، که برای قرار دادن مجسمه استفاده می‌شود.

طاقچه اشیاء نفیس ژاپنی
tokonoma (Jap.)
نوعی طاقچه یا شاه‌نشین در خانه‌های ژاپنی و اتاق‌های مراسم چای خوری، که برای نمایش آثار هنری استفاده می‌شد.

طاقچه تعمیدگاه
chrismatory
در معماری کلیسا، تورفتگی نزدیک به حوض تعمید که برای نگهداری روغن مسح کردن پس از غسل تعمید استفاده می‌شود.

طاقچه مقبره
acrosolium (Lat.)
طاقچه یا فرورفتگی برای یک مقبره، مثلاً در کاتاکومب‌های صدر مسیحیت.

طاقگان
arcade
مجموعه‌ای از قوس‌ها که بر روی جرزها و ستون‌ها قرار می‌گیرد. (برج ناقوس**، کاتدرال گوتیک**). اگر این قوس‌ها به دیوار متصل باشد به آن «طاق‌نما» یا طاق کاذب می‌گویند. (گوتیک**)

طاق نصرت
triumphal arch
۱- نوعی دروازه تزئینی معمولاً به صورت مستقل، و با ابعاد غول‌آسا. طاق نصرت‌ها در آغاز به عنوان نسخه ماندگار ساختارهای موقتی بودند که رومیان به هنگام جشن پیروزی نظامی خود بر پا می‌کردند. (نگاه کنید به تصویر پرسپکتیو**). ۲- پرده جایگاه همخوانان در کلیسا، بویژه آن نوعی که دارای یک دهلیز بزرگ با دو دهلیز جانبی کوچکتر در دو سوی آن است.

طاقنمای سه چشمه
triforium (Lat.)
(در زبان لاتین به معنی «سه درجه») نوعی طاقگان در دیوار جانبی یک کلیسا یا کاتدرال، که رو به سمت فضای داخلی ساختمان دارد و مابین ردیف پنجره

۱- کیفیت ترسیم آزاد و پخته‌ای که یک پیش طرح را متمایز می‌سازد. ۲- مترادف پیش طرح.

طغراء (Turkish) toghra
امضاء اختصاری حرف نگاره‌ای یک سلطان عثمانی [همچنین شیوه خطاطی به تقلید از آن].

طلاپوش (Jap.) Kirigane
هر سطحی (مثلاً لاک الکل یا کاغذ) که بر روی آن تکه‌های نازکی از ورق طلا برای تزئین پخش شده باشد.

طوفان (Ger.) Sturm, Der
(در زبان آلمانی به معنی «طوفان») مجله‌ای که در سال ۱۹۱۰ هربارت والدن در برلین تأسیس کرد، و نگارخانه‌ای نیز به همین نام در سال ۱۹۱۲ افتتاح کرد. در اولین سال فعالیت این نگارخانه، نقاشی‌های اعضای گروه سوارکار آبی مونیخ، فوتوریست‌های ایتالیایی و بسیاری از هنرمندان پیشروی دیگر را به نمایش گذارد. با این حال اهمیت اصلی آن به دلیل فراهم کردن کانون توجه و عرصه‌ای برای نمایش آثار نسل جدید اکسپرسیونیست‌های آلمان بود.

طومار آویخته (Jap.) kakemono
(در زبان ژاپنی به معنی «تصویر آویخته») نقاشی، چاپنش یا قطعه خوشنویسی بر روی یک طومار آویز عمودی.

طومار افقی (Jap.) makimono, emaki – mono
(در زبان ژاپنی به معنی «تصویر طوماری») طوماری که به صورت افقی با دست باز می‌شود و برای نقاشی یا خوشنویسی به کار می‌رود. همچنین نگاه کنید به طومار آویخته.

طومار سرستونی (Jap.) volute
نوعی تزئین معماری طوماری شکل، مثلاً از آن نوع که به صورت جفتی در سر ستون‌های ایونیک مشاهده می‌شود. (برای تصویر نگاه کنید به شیوه‌های معماری *).

طومار نوشته (Jap.) label
۱- نوار یا طوماری که بر آن یک دست نوشته وجود

مشخصه کارهای هنرمندان اوایل سده هجدهم همچون واتنو. مترادف *trois couleurs*

طراحی صنعتی industrial design
کاربرد منطقی معیارهای زیبایی شناختی و کاربردی در زمینه طراحی محصولات ماشینی از اواسط سده نوزدهم به بعد، به منظور خلق آمیزشی موفقیت‌آمیز بین این دو.

طراحی لکه رنگی blot drawing
روشی که الکساندر کوزین نقاش آبرنگ انگلیسی در کتاب خود تحت عنوان روش جدید برای ابداع ترکیب بندی‌های اصیل طراحی (۱۷۸۶) توصیف کرد. کوزین پیشنهاد کرد که طرح با استفاده از چند لکه یا علامت کاملاً اتفاقی بسط و گسترش یابد. سوررئالیسم نیز از روش اتفاقی مشابهی که در سده بیستم از سوی فروید و لئوناردو مطرح شد، استفاده کرد.



طراحی لکه رنگی: منظره آبرنگ اثر الکساندرکوزین (۸۶ - ۱۷۱۷).

طرح design
۱- فرم یا ترکیب‌بندی کلی ساختمان یا اثر هنری. ۲- در هنرهای کاربردی به شکل یک شیء کاربردی و نیز به نحوه کارکرد آن اطلاق می‌شود.

طرح آستری (It.) abbozzo
(در زبان ایتالیایی به معنی «اسکیس، طرح کلی»). پیش‌طرح نقاشی به صورت تک رنگ که معمولاً برای مشخص کردن ترکیب‌بندی کلی تابلو پیش از رنگ‌آمیزی نهایی به کار می‌رود.

طرح اولیه (It.) sprezzatura
(در زبان ایتالیایی به معنی «لاقیدی و سهولت»)

طوماری ویتروویوس vitruvian scroll
آذین طوماری (معمولاً گل و گیاه) بسیار تزئین شده که در معماری رومی و بعد از آن دیده می‌شود، و حال بر اساس نام تاریخشناس معماری رومی ویتروویوس (فعال ۲۰ - ۴۶ ق.م) نام گذاری شده است. مترادف: زنجیره طوماری (*running dog*).

داشته باشد. ۲- رده گیر سه بر. رجوع کنید به ابزار.

طوماری جا امضا cartellino (It)
(در زبان ایتالیایی به معنی «تکه کاغذ») نوعی نقش دیده فریب به شکل طومار یا تکه کاغذ، که در ترکیب بندی تابلو نقاشی شده باشد و بر روی آن یک نوشته یا غالباً امضاء هنرمند جای می‌گیرد.

ظ

ظرف آیینی رومی situla (Lat.)
ظرف سطل مانند آیینی، مأخوذ از نمونه‌های اولیه رومی که در اوایل قرون وسطا رایج بود. معمولاً از فلز یا عاج ساخته می‌شدند.

ظرف پهن flatware
۱- به طور معمول به ظروف پهن و کم عمق همچون بشقاب، زیر استکانی و غیره - اطلاق می‌شود؛ در مقابل ظروف گود. ۲- حال عمدتاً برای توصیف سرویس کارد آشپزخانه به کار می‌رود.

ظرف روغن یونانی askos (Gk.)
(در زبان یونانی به معنی «بطری چرمی شراب») ظرف سفالی کوچک یونان باستان که برای خالی کردن روغن در چراغ از آن استفاده می‌شد. (← **ظروف یونانی***)

۱- **ظرف قطره اشکی**، ۲- **آبچکان** gutta
۱- ظرف کوچک به شکل قطره اشک. ۲- در معماری به تزئینات مخروطی شکل زیر سه ترکیبی یک افریز در شیوه دوریک اطلاق می‌شود (پیشانی*).

ظرف گود hollow - ware
هر نوع ظرف گود، همچون پارچ یا کتری، در مقابل **ظروف پهن**. این اصطلاح عمدتاً برای آثار فلزکاری و سرامیک به کار می‌رود.

ظرف مخلوط شراب stamnos (GK.)
نوعی ظرف یونان باستان که برای مخلوط کردن



تابلوی هانس اشلنبرگر اثر هانس بورکمایر، حدود ۱۵۱۰، که در آن یک نقش طوماری جا امضا وجود دارد که بر روی آن نوشته شده: «زمانی که بیست و پنج ساله بودم چهره‌ای این گونه داشتم».



طوماری ویتروویوس.

طوماری قرنطی helix
هر نوع نقشمایه حلزونی، به ویژه در منحنی داخلی یک طاق در یک سرستونی ایونیک یا ترکیبی. (← **شیوه‌های معماری***)

رنگ و طلا بر روی لعاب آبی سیر یا فیروزه‌ای نقاشی شده باشد.

ظروف لعابی راکو (Jap.) raku

(در زبان ژاپنی به معنی «تفریح») ظروف چایخوری قالبگیری شده ژاپنی یا سبک ژاپنی، غالباً با شکل یا بافت نامنظم. این ظروف در دمای پایین پخت می‌شوند و سپس با یک لعاب سربی که گرچه می‌تواند به رنگ‌های مختلفی باشد، ولی عمدتاً رنگمایه‌های تیره هستند پوشیده می‌شود. این نام مأخوذ از سفالگران دوره راکو است که واژه ژاپنی راکو را به عنوان نام اختصاری (مُهر) برای خود برگزیدند و از حدود ۱۵۸۰ تا زمان حاضر فعال بوده‌اند.

ظروف نقش قدیمی (It.) istoriato

(در زبان ایتالیایی به معنی «تاریخی شده») نوعی سفالینه لعاب قلعی ایتالیایی مربوط به اواخر سده پانزدهم و سده شانزدهم، به ویژه بشقاب و سینی که سرتاسر سطح آن با صحنه‌های تصویری مأخوذ از منابع تاریخی، اسطوره‌شناسی کلاسیک یا کتاب مقدس تزئین شده است.



ظروف نقش قدیمی: بشقاب سفالینه مایولیکا به یادبود بازدید پاپ لنوی پنجم از فلورانس در سال ۱۵۱۶.

ظروف یونانی (Greek vases)

ظروف سفالینه یونان باستان یا دوره کلاسیک. برای تصاویر نگاه کنید به سفالینه‌های یونانی

شراب و آب بر روی میز استفاده می‌شد. معمولاً به صورت بیضوی شکل، با گلوگاه کوتاه و دسته‌های افقی قوس‌داری که به قسمت بالایی شانۀ آن وصل شده است. (برای تصویر نگاه کنید به ظروف یونانی*.)

ظرف نان مقدس pyx

ظرف مخصوص نگهداری نان مقدس.



ظرف نان مقدس اسپانیایی اوایل سده هفدهم، نقره کاری شده.

ظرف نان مقدس شفاف monstrance

ظرف نان مقدس شفاف از جنس شیشه یا کریستال که در یک کلاف فلز کاری محصور شده باشد. معمولاً بسیار تزئین شده‌اند و برای انجام مراسم متبرک کردن نان در کلیسای کاتولیک رومی به کار می‌روند.

ظروف سواتوو Swatow ware

ظروف سرامیکی صادراتی چین مربوط به سلسله مینگ (۱۶۲۴ - ۱۲۶۸)، هم به صورت «آبی و سفید» و هم به صورت چند رنگ، که در استان فوکین و کاوانگتون ساخته می‌شد و گفته می‌شود که از بندر سواتوو به خارج صادر می‌شد.

ظروف لاجوردین Lajvardina war

(مأخوذ از واژه فارسی لاجورد) سفال ایرانی که با

ع

که در آن مریم مقدس را در حالی که در میان بازوان زنان ملازمش و در برابر صلیب یا در مسیر منتهی به تپهٔ تصلیب نشان می‌دهد.

۱ - عضو افقی کلاف در rail

۱ - عضو افقی چارچوب یک در قاب‌بندی شده یا دیوار قاب‌بندی شده (برای تصویر نگاه کنید به در^{*}). ۲ - نوار چوبی که برای محافظت از ضربهٔ پشتی صندلی به دیوار (کلاف افقی صندلی، ازارهٔ افقی) نصب می‌شود. ۳ - عضو جلویی کلاف قسمت نشیمنگاه یک صندلی (عضو افقی نشیمنگاه).

عضو عمودی در muntin

۱ - نگاه کنید به در (قسمت‌ها مختلف در) ۲ - (در ایالات متحده و با کاربرد غلط در بریتانیا) مترادف وادار. ۳ - (در ایالات متحده) زوار.

عطر دان (شبّه آمفورا) amphoriskos (Gk.)

نمونهٔ کوچک شدهٔ آمفورا، معمولاً از جنس سفال یا شیشه که در دوران باستان به عنوان ظرفی برای نگهداری مرهم یا روغن معطر به‌کار برده می‌شد.

عطر دان استوانه‌ای alabastron

در یونان باستان و اسکندریه؛ بطری کوچک سفالی یا شیشه‌ای، معمولاً به شکل استوانه، با دستگیره‌های کشیده، که قسمت کف آن باریک است (بر یک سه‌پایه قرار می‌گیرد) و دهانه‌ای متشکل از یک صفحهٔ گرد مسطح و یک سوراخ کوچک مرکزی. از این وسیله برای نگهداری عطر، پماد یا روغن استفاده می‌شد. (برای تصویر نگاه کنید به ظروف یونانی^{*})

عطر دان رومی

unguentarium (Lat.)

ظرف کوچکی، معمولاً از جنس شیشه، که در دوران باستان برای آماده‌سازی هر نوع داروی آرایشی به کار می‌رفت. همچنین نگاه کنید به جام اشک.

عطر دان یونانی aryballos (Gk.)

نوعی ظرف یونان باستان کروی شکل، که برای نگهداری روغن معطر برای استحمام استفاده می‌شد. این ظروف گاه به شکل نقوش جانوری و انسانی ساخته می‌شدند. (ظروف یونانی^{*})

عاجکاری آفریقایی - پرتغالی

Afro-Portuguese ivories

اشیاء عاجی به سبک مارپیچ، عمدتاً به شکل Salt-coiler و شیپور شکار، که در سدهٔ شانزدهم در آفریقا حکاکی شده و به اروپا صادر می‌شد.

عایق کاری (ضد اسید خوردگی)

stopping out

نوعی روش چاپ اسیدی که طی آن هنرمند آن قسمت از طرح را که مایل نیست بیش از آن تیره شود، پیش از اسیدشویی مجدد با استفاده از یک روغن ضد اسید می‌پوشاند.

عتیقه فروش marched - mercier (Fr.)

از جمله اعضای صنف عتیقه‌فروشی پاریسی در سدهٔ هجدهم، که تلفیقی بود از حرفهٔ عتیقه‌فروشی امروزی با طراحی تزئینات داخلی. از آنجا که مقررات صنف به آنان اجازه نمی‌داد تا کارگاهی برای خود داشته باشند لاجرم قراردادهایی را با صنعتگران مستقل منعقد می‌کردند و از این طریق نقشی مهم در تحول سبک تزئینی ایفا کردند.

عروسک سازی مومی coroplastics

مجسمه و تزئینات نقش برجسته با گل صورتگری.

عروسک کاجینا kachina - doll

عروسک‌های چوبی بومیان امریکای شمالی که نمایانگر وجودی فراطبیعی و در هیأت یک انسان صورتک به چهرهٔ درحال رقص بود. این عروسک‌ها چبه عقاید با روری مربوط می‌شد و برای آموزش مسائل مربوط به ارواح و اعمالشان به کودکان استفاده می‌شد.

عشق مریم عذرا Spasimo (It.)

(در زبان ایتالیایی به معنی «غش کردن») مضمونی

عکاسی جیوه‌ای (داگروتیپ)

daguerrotype, daguerreotype

اولین روش عملی عکاسی که برای نخستین بار در سال ۱۸۲۹ عرضه عمومی یافت در این روش تصویر نسخه مستقیم مثبت بر روی لوح مسی با پوشش نقره بود که با بخار ید یا برومید حساس می‌شد. مدع این روش «لوئیس ماند داگر» بود که از تجربیات اولیه نیسفور نیپس بهره جست.

عکس برگردان decalcamania

۱ - نوعی روش تزئینی که طی آن نخست تکه کاغذی که یک طرح چاپ سنگی بر آن چاپ شده، متناسب با شیئی که باید بدان الحاق شود، بریده می‌شود و آنگاه بر روی سطح شیء به آرامی فشرده و چسبانده می‌شود. سپس کاغذ را از روی آن برمی‌دارند. معمولاً برای محافظت از طرح حاصله آن را با غشایی از جلا می‌پوشانند. ۲ - نوعی روش سوررئالیستی برای خلق تصاویری که اسکار دومینگو ابداع کرد. این هنرمند قطره‌ای مرکب یا حبابی از رنگ را بر روی ورق کاغذی می‌گذاشت، آنگاه تا وقتی که هنوز مرکب خیس است آن را تا می‌کرد و در نتیجه رنگ یا مرکب نقشی متقارن را روی هر دو لث کاغذ تا شده پدید می‌آورد، و یا همان را بر روی یک ورق کاغذ دیگر فشار می‌داد و دو نقش را که آینه وار معکوس هم بودند پدید می‌آورد. سپس هنرمند هر آنچه از تصویر به ذهنش می‌رسید تکمیل کرده و بسط می‌داد، مانند طراحی لکه رنگی.

عکس پرتره cabinet Photograph

عکس پرتره با ابعاد ۱۰ × ۱۴ سانتی‌متر، بر قابی به ابعاد ۱۱/۵ × ۱۶/۵ سانتی‌متر که از حدود سال ۱۸۶۶ به عنوان شکل بهبود یافته قطع عکس کوچک رایج شد.

عکس قلعی tintype

عکس بر یک لوح کوچک آهن قلع‌دار، و با روش مختلف لوح مرطوب کولودیون تهیه می‌شود؛ که البته تصویری مثبت می‌دهد و نه منفی. این لوح‌ها ارزان‌تر و کار با آن آسان‌تر از تصاویر شیشه‌ای مثبت و منفی بوده و اگر برای عکاسی پرتره به کار رود، چاپ نهایی را می‌توان در ظرف چند دقیقه بعد از نوردهی، آماده کرد. این روش را آدولف الکساندر مارتین فرانسوی در سال ۱۸۵۲ ابداع کرد، و از حدود

سال ۱۸۶۰ در ایالات متحده رایج شد مترادف: *ferrotype*

علائم انطباق (چاپ) register

۱ - در چاپ دستی رنگی: قرار دادن صحیح لوح‌ها یا باسمه‌های متوالی بر روی کاغذ به قصد بازسازی تصویر تمام رنگ؛ تصویری که به بیش از یک رنگ مجزا می‌شود و هر یک از رنگ‌ها با لوح یا باسمة مجزایی چاپ می‌شود. اگر تصویر قابل قبول باشد، می‌گویند که منطبق شده (*inregister*) و اگر قابل قبول نباشد می‌گویند نامنطبق (*out of register*). ۲ - در نقاشی: وقتی شکل‌ها در خطوط زمینه‌ای مختلف یک ترکیب‌بندی قرار بگیرند، از آن به عنوان «انطباق جابجا» نام می‌برند (*different register*). (کتاب اموات*)

علامت (امضای هنرمند) device

نشان اختصاری یا حرف نگاره‌ای که به عنوان امضاء هنرمند یا علامت اختصاصی هنرمند به کار می‌رود (مثلاً امضای پروانه شکل ویسلر).



علامت (امضای هنرمند):
امضای پروانه شکل ویسلر.

علامت ساخت hallmark

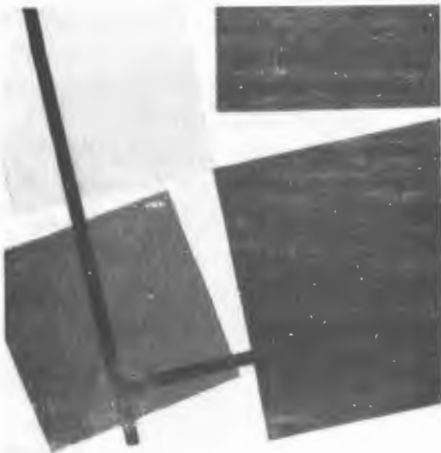
علامت رسمی که بر روی قطعه‌ای از طلا یا نقره حک می‌کنند و ضامن و معرف تطابق آن با عیار خاص است. علامت اصلی اداره Assay (که با یک نماد مشخص می‌شود، مثلاً سر پلنگ برای لندن) در برخی دیگر شاخص دقیق خلوص، نام سازنده و تاریخ ساخت را هم مشخص می‌کنند.

علامت مشخص attribut

شیئی نمادین که به طور رایج برای تشخیص بخشیدن به یک قدیس یا الهه خاص بکار برده می‌شود. (← آذین صدفی*)



کلودلورین در این تابلو به نام «هاگار و فرشته»، ۱۶۴۶، از درختان بلند سمت راست به عنوان عناصر چشمگیر تابلو خود بهره جسته است.



عنصرگرایی: ضد ترکیب‌بندی همزمانی اثر تنووان دوزبرگ، ۳۰-۱۹۲۹.

علم اسکان (Fr.)

مأخوذ از واژه یونانی oikizo به معنی «ساخت یک مسکن» این اصطلاح در حدود سال ۱۹۲۲ توسط معمار و نظریه پرداز محیطی کنستانتین دوکسیادیس برای توصیف علوم جدید اسکان انسانی ابداع شد. علمی که تمامی عوامل تاریخی اجتماعی، اقتصادی و معماری را که در موفقیت یا ناکامی چنین اسکانی موثر است به حساب می‌آورد.

عنصر چشمگیر (Fr.)

مأخوذ از واژه فرانسوی repousser به معنی «به عقب راندن، برجسته کردن» شیء یا پیکره‌ای که درست در پیش زمینه یک ترکیب‌بندی قرار گرفته باشد و هدف از آن هدایت چشم بیننده به درون تصویر باشد. معمولاً آن را در حاشیه سمت چپ یا راست تصویر قرار می‌دهند.

عنصر فرعی (Fr.)

جزئیاتی در نقاشی که نسبت به موضوع اصلی تابلو، عنصر فرعی محسوب می‌شود.

عنصر گرایی (Fr.)

سبک جانشین (خلف) نئوپلاستیسیسم که از سوی هنرمندان هلندی مرتبط با دی استیل ترویج و تبلیغ می‌شد. عقاید این جنبش جدید در بیانیه‌ای که تنووان دوزبرگ در مجله استیل در سال ۱۹۲۶ منتشر کرد، بیان شده است. در این سبک نیز فرم‌ها همچون در نئوپلاستیسیسم به صورت راست خط و قائمه است، با این تفاوت که در اینجا از سطوح مورب هم استفاده می‌شود.

عینیت نوین

Neue Sachlichkeit (Ger.)

در زبان آلمانی به معنی «عینیت نوین» اصطلاحی که هارتلوب، مدیر مدرسه هنری مانهایم در سال ۱۹۲۲ ابداع کرد. وی سخن از «تسلیم و بدبینی بعد از دوره امیدهای پرنشاط» می‌گفت. این سبک واکنش بعد از جنگ در برابر اکتیویسم آلمان بود، و توجه خود را به بازنمایی دقیق جزئیات اشیاء معطوف کرد. بسیاری از رهروان این سبک، اگر نه همه، هنرمندان با تعهد اجتماعی بودند، جورج گروز و اتودیکس دو تن از معروف‌ترین آنان بودند. همچنین نگاه کنید به رئالیسم جادویی.

فاقد هرگونه بازنمایی عینی پیکره‌ها و اشیاء قابل تشخیص باشد؛ یعنی نقطهٔ مقابل هنر تصویری (فیگوراتیو).

غیر قابل فروش hor commerce (Fr.)

(در زبان فرانسه به معنی «برای فروش نیست») یک اثر چاپی، غالباً اثری که در نمایشگاه به نمایش در می‌آید، و جزئی از مجموعه نسخه‌های با شمارهٔ منظم نیست و لذا برای فروش ارائه نمی‌شود. چنین نسخه‌هایی را معمولاً با علامت «h.c.» مشخص می‌کنند.

ف

فتوگرام photogram

عکسی که بدون استفاده از دربین عکاسی، و صرفاً به صورت ثبت نور بر روی کاغذ حساس به نور تهیه شده باشد. از این روش هنرمندانی چون منری و موهولی‌ناگی در سال ۱۹۲۰ بهره گرفتند، البته کاربرد این روش به فاکس تالیوت و دههٔ ۱۸۴۰ باز می‌گردد.

فتومونتاژ photomontage

نوعی ترکیب‌بندی تصویری که طی آن با استفاده از روش روی هم‌گذاری، عکس یا بخشی از عکس را با ورقه‌ای از کاغذ یا مقوا می‌پوشانند. همچنین نگاه کنید به مونتاژ.

فراپیشرو Transavanguardia

(در زبان ایتالیایی به معنی «فراتر از پیشرو») نامی که آشیل بونیتو اولیوا نخست برای نسخهٔ ایتالیایی نتواکسپرسیونیسیم ابداع کرد.

فراکتور Fraktur

رسمی‌ترین نسخهٔ حروف چاپی سیاه. (حروف چاپی*)

فَرَسَب architrave

۱ - در معماری کلاسیک، پایهٔ اصلی که بر روی

غ

غرفه مرثیه خوانی chantry

غرفهٔ کوچکی که در آن برای آمرزش روح شخصی که بنا وقف وی شده، مرثیه خوانی می‌کنند. (← برای تصویر نگاه کنید به کاتدرال گوتیک*)

غرفهٔ شعاعی radiating chapel

غرفه‌ای که بخش آغازین یک غلامگردش را در کلیسا یا کاتدرال گوتیک* یا رومانسک در بر می‌گیرد.

غرفهٔ نیایش مریم مقدس Lady chapel

غرفهٔ نیایش مخصوص نیایش مریم مقدس، عمدتاً در منتها الیه شرقی کلیسا، که به عنوان ادامهٔ ساخت پشت محراب ساخته می‌شود. (کاتدرال گوتیک*)

غرفهٔ نیایش oratory

۱ - غرفه کوچکی برای دعا خوانی و نیایش خصوصی چه به صورت بخشی از یک ساختمان بزرگتر قرون وسطایی، یا در درون خانه. (برای تصویر نگاه کنید به کاتدرال گوتیک*) ۲ - کلیسایی که به شیوهٔ معماری اورارتوری، تعلق دارد.

غلامگردش ambulatory

۱ - در کلیساها یا کاتدرال‌های بزرگ به راهرویی گفته می‌شود که پشت محراب بزرگ و حول مزارچهٔ پشتخان محراب قرار می‌گیرد. (کاتدرال گوتیک*) ۲ - در مفهوم عام آن به مکانی برای قدم زدن و معمولاً سرپوشیده اطلاق می‌شود.

غول ستون

giant column, giant pilaster

ستون یا ستون چهارگوشی که بیش از یک طبقه ارتفاع داشته باشد بخشی از معماری غول سنگی.

غیر عینی non - objective

(به ویژه برای هنر مدرن به کار می‌رود) هنری که

تصور می‌شد این فرش‌ها در لهستان، که به وفور در آنجا یافت می‌شد، تهیه شده‌اند. این فرش‌ها دارای پرز ابریشمی هستند و غالباً با رشته‌های طلا و نقره مزین شده‌اند.

سرسنونی قرار می‌گیرد و قسمت پایینی پیشانی* را شکل می‌دهد. ۲- ابزار تزئینی حول یک پنجره یا در. (برای تصویر نگاه کنید به در*)

فرمالیسم Formalism

هنر و نوشتار نقدی دربارهٔ هنر که تاکید آن بیشتر بر تحلیل فرم و کاربرد عناصر فرمی باشد تا بر محتوا و مضمون اثر. غالباً به عنوان اصطلاحی دشنام‌آمیز از سوی منتقدین کمونیست که فرمالیسم را به عنوان مخالفت با رئالیسم سوسیالیستی می‌دانستند، به کار می‌رود.

فرمانروای مطلق (مسیح) (pantocrator (Gk.) (مأخوذ از واژهٔ یونانی *Panto* به معنی «همه» و *Krater* به معنی «پُر قدرت») در هنر بیزانس تصویر مسیح به عنوان فرمانروای مطلق عالم.



مسیح فرمانروای مطلق، موزائیک مربوط به سده یازدهم، در گنبد کلیسای دافنی.

فرم باز openform

بخشی از مجسمه که به طور آشکار در فضای پیرامونی خود تداوم یافته باشد.

فرم Form

شکل‌ها و حجم‌های مجزا، و روابط بین آنها، که در یک اثر هنری چه به صورت تصویری (فیگوراتیو) و چه به صورت انتزاعی نمایش داده شود. (در مقابل محتوا یا موضوع اثر)

فرسک fresco

فرسک حقیقی (در مقابل فرسک خشک - دیوارنگاری)، نوعی نقاشی دیواری که با استفاده از رنگدانه‌های معدنی خاکی بر روی اندود خیس آهک یا گچ انجام می‌شود. (در این روش نمی‌توان از رنگدانه‌های گیاهی استفاده کرد، زیرا آهک آنها را پس می‌زند). رنگدانه‌ها در آب معلق می‌مانند و همزمان با آن خشک می‌شوند. معمولاً این نوع نقاشی بر روی دیواری با اندود گچ و ماسه کار می‌شود که با لایه‌ای از گچ (arriciato) پوشیده شده و ترکیب‌بندی کلی اثر با زغال و گچ قرمز بر روی آن ترسیم می‌شود. کار فقط بر روی اندودی که به قدر کافی خیس باشد انجام می‌گیرد، و هر نوع ترسیماتی که بعداً بر روی کار انجام شود مصداق «فرسک خشک» خواهد بود. [همچنین نگاه کنید به نقاشی دیواری و دیوارنگاری]

فرشتهٔ عشق amorino (It.)

(در زبان ایتالیایی به معنی «کوپید کوچک») پسرک بالدار، عریان و گوشتالودی که در آثار هنرهای تزئینی اروپا از رنسانس به بعد نقاشی می‌شد. این پیکره از هنر یونان و روم باستان که نمایانگر کوپید - اروس خدای عشق - بود اخذ شده، اما در اینجا در متنی مسیحی و به عنوان «فرشتهٔ کوچک» تفسیر شده است. همچنین نگاه کنید به کودک فرسته.

فرش فرانسوی Aubusson

نامی عام برای پارچه دست بافت و برای برخی فرش‌های بسیار ویژه. فرانسه سابقهٔ طولانی مدتی در حرفهٔ پارچه‌بافی دستی دارد. در سال ۱۶۶۵، لوئی چهاردهم مقام و منزلت صنعت سلطنتی را به آن اعطا کرد و عمدتاً در ساخت پارچه تار کوتاه تخصص یافت.

فرش لهستانی Polonaise carpet

نوعی فرش بسیار نفیس ایرانی که طی سده‌های شانزدهم و هفدهم میلادی عمدتاً برای صدور به خارج یا به عنوان تحفه‌های دیپلماتیک ساخته می‌شد. علت نامگذاری بدین خاطر است که در آغاز

آموزشی کاملی را براساس معیارها و شاخص‌های هنر کلاسیک به هنرمندان خلاق و مستعد ارائه دادند.

فضا/ یا حجم منفی

negative volume, negative space

فضای خالی و محصور در معماری، مجسمه‌سازی یا نقاشی که نقش مهمی در شکل‌گیری ترکیب‌بندی اثر دارد.

فضای تصویری

picture space
فضای ظاهری پشت صفحه تصویر، که با استفاده از تمهیداتی چون نمای پرسپکتیو یا دیگر روش‌های ایجاد خطای باصره خلق می‌شود.

فضای کم ژرفا

shallow space
جلوه فضایی کاملاً مشخص که در هنر کوبیسم و اکسپرسیونیسم انتزاعی مشهود است، و اگر چه پرسپکتیو اصولی در آن وجود ندارد، اما به نظر می‌رسد فرم‌های اصلی آن در محدوده کم عمق اما نامشخص فضای پشت سطح بوم معلق شده‌اند.

فلز سفید

Britannia metal, white metal
آلیاژی از قلع، آنتیمون و مس، که به عنوان ماده‌ای ارزان‌تر و با سهولت کار بیشتر به جای همبسته قلع و سرب استفاده می‌شود. تولید انبوه این ماده از سال ۱۷۸۰ در انگلستان آغاز شد.

فلوکسوس (جنبش سیلابی)

Fluxs (Lat)
(در زبان لاتین به معنی «flux») نام یک جنبش هنری



فرهنگستان: اثر یان زوفانی حدود ۱۷۷۵، از سخنرانی ویلیام هانتز استاد تشریح در فرهنگستان سلطنتی لندن.



فرم باز: دیسک انداز، سنگ مرمر، حدود ۴۵۰ قبل از میلاد.

فُروم، میدان عمومی

forum
فضای عمومی باز، به ویژه در روم باستان، که با معابد و ساختمان‌های عمومی محصور شده و برای برپایی گردهمایی‌های سیاسی و یا تشکیل بازار استفاده می‌شد.

فرهنگستان

academy
نهادی که منشاء آن به انجمن‌هایی باز می‌گردد که طی دوران رنسانس به‌مثابه واکنشی در برابر نظام صنفی سده‌های میانه شکل گرفتند هدف آنان ترفیع نقاشان و مجسمه‌سازان - که تا آن هنگام صرفاً به عنوان هنردوست شمرده می‌شدند - به افرادی واجد تحصیلات تخصصی و مجهز به نظریه فراگیر هنر و نیز مهارت فنی بالا بود. فرهنگستان‌ها به تدریج تکامل یافتند، تا آن‌که در سده هجدهم برنامه



فوتوریسم: کارلوکارا، اسب سوار قرمز، ۱۹۱۳، با استفاده از نمایش همزمانی، سعی کرده تا سرعت حرکت پاها و سم اسب را در موقعیت‌های مختلف نشان دهد.



طبیعت بیجان فوویستی، ۱۹۰۹، که مشخصه استفاده از فرم‌های زمخت را نشان می‌دهد، اثر موريس دو ولامینک.

فوویسم (Fr.) Fauves

(در زبان فرانسه به معنی «جانوران وحشی») این اصطلاح را لویی واسل برای توصیف گروهی از نقاشان جوان که برای نخستین بار آثار خود را در سالن پاییزه پاریس به نمایش گذاشتند ابداع کرد. انتخاب این نام به دلیل رنگ‌های غیر واقعی و تند و خشن، و به ظاهر زمخت و پیشه‌وارانه این آثار بود. از جمله اعضای اصلی گروه، ماتیس (که عموماً از وی به عنوان رهبر گروه یاد می‌شود)، درین، مارک و

بین‌المللی که در سال ۱۹۶۲ به منظور متحد ساختن اعضای پیشروی افراطی در اروپا و بعدها در آمریکا تشکیل شد. این گروه هویت سبکی خاصی نداشت، اما فعالیت‌های آن از بسیاری جوانب احیاء گرایش دادائیسم بود.

فنجان بی‌پایه (GK.) mastos

(در زبان یونانی به معنای «سینه») فنجان بدون پایه یونانی (ظروف یونانی)*.

فنجان پایه‌دار (It.) tazza

(در زبان ایتالیایی به معنی «فنجان») ۱ - در مفهوم خاص به نوعی فنجان شراب با یک پایه اطلاق می‌شود. ۲ - حال در مفهوم گسترده‌تر به بشقاب کم عمق با یک پایه نازک بلند گفته می‌شود.

فنجان دو دسته یونانی (GK.) kotuyle

۱ - فنجان گود دو دسته یونان باستان. ۲ - گاه به غلط مترادف کاسه دسته‌دار به کار می‌رود. (ظروف یونانی)*

فوتوریسم (It.) Futurism

جنبش هنری که در سال ۱۹۰۹ توسط نویسنده ایتالیایی مارینتی بنیان نهاده شد. این جنبش در آغاز صرفاً جنبشی ادبی بود، که قصد داشت تا محدودیت‌های دستور زبانی و نحوی و منطقی را درهم بریزد و حس و حال بنیای تکنولوژیک آینده را ارج نهد. از دید آنان هنر موزه‌ای به عنوان چیزهای کهنه و مستهلک کنار نهاده شد و از چالش‌های پیش رو با آغوش باز استقبال شد. در نقاشی و مجسمه‌سازی فوتوریستی جیاکومو بالا، امبورتو بوچینی، و دیگران، تاکیدشان بیشتر بر ارائه مفهومی از سرعت، همزمانی و درهم آمیزی سطوح بود. فوتوریسم به طرز ماهرانه‌ای در مجموعه بیانیه‌ها و در نمایش‌های عمومی که در آن از مخاطبین دعوت می‌شد تا در اجرای پر سر و صدای آنان با فریاد کشیدن مشارکت کنند رواج یافت. این جنبش تأثیر زیادی بر کوبوفوتوریسم، دادائیسم، سوپره‌ماتیسیم، و ورتی‌سیسم نهاد. گروه سرریز خشت کانون این جنبش در روسیه بود.

فونت، یک دست حروف چاپی (Fr.) fount

الفبای کامل حروف چاپی با هر نوع شکل و اندازه.



تالار مرمر در تالار هولکام، نورفالک، آغاز در سال ۱۷۳۴، به سبک پالادیونی انگلیسی، که تزئینات قاب‌بند صندوقی در گنبد و نیز تزئینات زنجیره‌ای طوماری و زنجیره یونانی را نشان می‌دهد.

والمینگ بودند. بعداً از این اصطلاح برای هنرمندان دیگری چون رولت و وان رونگن استفاده شد. اگر چه فوویست‌ها بسیار مسدیون پست امپرسیونیست‌های اولیه‌ای چون گوگن و ون‌گوگ هستند، اما غالباً از سال ۱۹۰۵ به عنوان تاریخ شروع جنبش مدرن یاد می‌کنند. (نگاه کنید به مدرنیسم).

فهرست مشروح آثار هنری

catalogue, raisonné (Fr.)

کاتالوگی مشتمل بر شرح کامل آثار یک هنرمند که معمولاً در آن برای هر اثر یافتگاه و منابع زندگی نامه‌ای ارائه می‌شود و فهرستی از آثار شاخص یا آثار منتسب و نیز حکاکی‌هایی که به تقلید از آن انجام شده، ارائه می‌شود.

ق

lacunar **قاب بندی گود**

۱ - مترادف قاب بند صندوقچه‌ای ۲ - مترادف قاب بند صندوقی.

casement **قاب پنجره**

۱ - چارچوب یا قاب پنجره که به صورت عمودی لولا شده باشد و لذا حول محور طول کاملش باز و بسته شود (برای تصویر نگاه کنید به پنجره *).
۲ - ابزار مجوف و عریضی که بخشی از لغاز در یا پنجره را در معماری گوتیک متأخر شکل می‌دهد.

cartouch **قاب تزئینی**

۱ - قاب بیضوی شکلی در یک نسخه خطی که برای نوشتن نام فراعنه مصر باستان به کار می‌رفت.
۲ - در مفهوم وسیع‌تر به هر نوع قاب تزئینی اطلاق می‌شود. (چوبکاری تزئینی *)

field panel **قاب محصور**

در مبلمان و غیره به قاب چوبی با یک محدوده برآمده در وسط که با یک حاشیه تزئینی محیط شده باشد.

orthogonal **قائم**

در پرسپکتیو* خطی به خطی اطلاق می‌شود که در واقعیت نسبت به صفحه تصویر قائم است اما در تصویر پرسپکتیو به تبعیت از قوانین آن به نظر می‌رسد به سمت نقطه گریز متمایل شده است.

pane work **قاب بند**

در معماری؛ تزئینات یا تقسیمات ساختاری یک سطح به صورت قاب‌های مجزا.

قاب بند صندوقچه‌ای

caisson (Fr.)

(در زبان فرانسوی به معنی «صندوقچه») صفحه فرو رفته‌ای که برای پوشش سقف‌های قاب بندی شده به کار می‌رود. مترادف lacunar.

coffering **قاب بند صندوقی**

سامانه‌ای متشکل از صفحات یا قاب بند صندوقچه‌ای گود که به داخل طاق، درونسوی طاق یا سقف فرو می‌رود. مترادف قاب بندی گود.

بتون می‌ریزند. قالب‌های چوبی با بافت درشت، نقوش و رگه‌های چوب را بر روی بتون نقش می‌اندازد. مترادف *framwork* (← زبره کاری) *

قالب دالبر (I.r.)

در زبان فرانسه به معنی «اعلامیه چالش، توافق» گاه بر روی دیوار نصب می‌شود) ۱ - جعبه ساعتی که برای آویختن به دیوار طراحی شده باشد. ۲ - قاب طوماری شکلی که حاشیه آن با تزئینات نقاشی مزین شده باشد.

قالبگیری یکرو

(برای شیء مسطح کاربرد دارد) شینی که فقط یک سمت آن قالبگیری یا حکاکی شده باشد.

قالیچه لوتو

نوعی قالیچه ترکی متعلق به سده شانزدهم، هفدهم، که در حاشیه آن حروف کوفی سبک‌پردازی شده و در چفته بندی آن نقوش ساده شده برگ نخل به رنگ آبی و زرد و بر زمینه قرمز نقش شده است. این نام‌گذاری بر اساس نام لورنزو لوتو نقاش اروپایی صورت گرفت که برخی از انواع این قالیچه‌ها به کرات در تابلوهایش ظاهر شده است.

قالیچه نقش محرابی - جانمازی

قالیچه‌ای که مسلمانان بر روی آن نماز می‌خوانند. طرح آن معمولاً شامل نقش یک محراب یا قوس است که نوک آن رو قبله قرار می‌گیرد. (← صف)



در این تابلوی «جمع خانوادگی» اثر لورنزو لوتو (حدود ۱۵۵۶ - ۱۶۸۰) میز با یک قالیچه لوتو پوشیده شده است.

۱- قاب نگین، ۲- قاب ساعت bezel

۱- محل قرارگیری و نصب یک قطعه سنگ قیمتی بر روی یک جواهر به ویژه بر روی حلقه. ۲- قاب فلزی که یک ساعت - را محکم در جای خود نگه می‌دارد. ۲- طوقه داخلی هر نوع درپوش یا در به ویژه درپوش یک جعبه. ۳- مترادف پیخ.

قاب نیم‌دایره (ماهک) lunette (Fr.)

(در زبان فرانسه به معنی «ماه کوچک») فضای نیم‌دایره غالباً به صورت پنجره، یا مکان دیوار بین پنجره مثلث شکل و طاق بالای آن (در این مورد اخیر مترادف سینه سنتوری است). گاه در بالای یک اثر محرابی بزرگ قرار می‌گیرد.



محراب محراب اثر رافائل (۱۵۲۰ - ۱۶۸۳) که در آن صحنه یک مکالمه مقدس و در قاب نیم‌دایره بالای آن آموزش پدر مقدس تصویر شده است. در دو سوی آن دو فرشته و دو کودک فرشته قرار دارند.

قالب die

۱- آزاره یک سنتوری* ۲- مهر گودکنی شده که برای ضرب سکه و مدال یا گورکاری روی کاغذ یا مواد دیگر استفاده می‌شود. ۳- قالب خالی برای ریخته‌گری فلزی.

قالب بند بتون shuttering

محفظه چوبی یا فلزی که برای قالبگیری در درون آن



هنر قبطی: بخشی از پارچه دستبافت دیوار آویز، حدود ۴۰۰ میلادی، با سر یک فون، دوزن و یک مرد در قالب‌های دایره شکل.

قانون چرب روی خشک fat over lean

تجربه‌ای کارگاهی در زمینه کاربرد رنگ روغن، که مطابق آن باید رنگدانه‌های مخلوط با روغن (یا چربی) بر روی لایه نازکی از تربانتین یا دیگر مواد الکی (خشک) کار شود.

قبطی، هنر قبطی Coptic art

هنر کلاسیک متأخر (سده‌های چهارم تا هفتم میلادی) قبطیان (مسیحیان مصری)، غالباً با تناسبات حجیم و با طرح‌های شلوغ و زمخت که به شدت متأثر از گرایش‌های اکسپرسیونیستی وارداتی سوریه و خاورمیانه بود. نمونه‌وارترین محصولات قبطی آثار برجسته کاری و مجسمه‌های سنگی و عاجی پارچه‌های دست‌بافت، و تذهیب کاری نسخ خطی بود.

قَطع پرتره portrait format

نقاشی، طرح و... که ارتفاع آن بیشتر از پهناي آن باشد. (در مقابل قطع منظره)

قبله qible

(واژه عربی به معنی «جهت نمازگزاردن») مترادف محراب.

۱ - قطع رحلی، ۲ - برگ کتاب folio

۱ - کتابی که با ورق‌های یکبار تاخورده، ساخته شده باشد و فقط شامل چهار صفحه یا دو برگ باشد (که بسته به اندازه کاغذ مورد استفاده، ابعاد آن متفاوت است). ۲ - در مفهوم عام به هر نوع کتاب با ابعاد بزرگ اطلاق می‌شود. ۳ - به یک برگ از کتاب نسخه خطی و بسیاری از کتاب‌های چاپی تا سده هفدهم که نه بر صفحات، بلکه بر روی هر برگ یا ورق کتاب شماره‌گذاری می‌شد - یعنی نه به صورت ۱، ۲، ۳ و غیره، بلکه به صورت ff. 1r (اولین برگ سمت راست) 1v (اولین برگ سمت چپ)، 3v, 3r, 2v, 2r و غیره شماره‌گذاری می‌شد.

قبه cupola

۱ - گنبد کوچک، به ویژه گنبدی که بام را تزئین کند یا به عنوان تاج بر روی یک گنبد دیگر قرار گیرد. ۲ - طاق نیمه دایره یا چند ضلعی گنبدی شکل. ۳ - سقف داخلی گنبد، که با منحنی بیرونی گنبد مطابق نباشد [در گنبد دو جداره]. ۴ - (به غلط) مترادف گنبد.

قَطع رَحلی f

حرف اختصاری قطع رحلی (Folio).

قرنیز cornice

۱ - در معماری کلاسیک به سومین و بالاترین بخش پیشانی گفته می‌شود ۲ - در مفهوم عام‌تر به ابزارهای پیش‌آمده‌ای گفته می‌شود که حول قسمت بالایی ساختمان امتداد می‌یابد و آب را از دیوار زیر آن دور می‌سازد. ۳ - به بالاترین قسمت پاستون* هم اطلاق می‌شود. ۴ - نوعی ابزار تزئینی که حول دیوار داخلی اتاق ادامه می‌یابد و دیوار را به سقف مرتبط می‌کند.

قَطع رُقعی octavo

کتابی متشکل از ورق‌هایی که به تعداد هشت برگ تا خورده‌اند. ابعاد چنین کتابی معمولاً بین ۱۵ x ۲۳ تا ۱۹ x ۱۲ سانتی‌متر است.

قطاع voussoirs (Fr.)

سنگ‌های گوه‌ای شکلی که یک قوس* را شکل می‌دهند.

قَطع عکس کوچک carte - de - Visite

(در زبان فرانسه به معنی «کارت ویزیت») ۱ - در ابتدا به عکس پرتره کوچکی اطلاق می‌شد که به عنوان مکملی برای کارت ویزیت معمولی به کار می‌رفت. در

قَطع (کتاب، بوم، کاغذ) format

اندازه و تناسبات یک قطعه کاغذ، بوم یا صفحه کتاب.

قلم، مداد pencil
 ۱ - در سده هجدهم به قلم موی نقاشی اطلاق می‌شد. از این رو واژه «pencil» به معنی «کار با قلم مو» بود.
 ۲ - در کاربرد امروزی، به وسیله‌ای برای ترسیم یا نوشتن اطلاق می‌شود که معمولاً دارای یک میله زغالی یا گچی است که در پوششی از چوب یا فلز جای گرفته است.

قلم اصلاحی pentimento
 (مأخوذ از واژه ایتالیایی *penirsi* به معنی «اصلاح») اثر و نشانه‌ای که نشان دهنده تغییر نظر هنرمند (به هنگام اجرای کار) است.

قلم حکاکی، مُغار burin (Fr.)
 ابزار حکاکی شامل یک میله آهنی، معمولاً مربع که انتهای آن به صورت مورب برش خورده تا نقاطی با مقطع لوزی پدید آورد. بر روی این میله یک دسته چوبی نصب می‌شود که فرد به هنگام کار با کف دست خود آن را به جلو فشار می‌دهد.

قلمزنی chasing
 ۱ - تزئینات و نقوشی که بر روی فلز حکاکی می‌شود. ۲ - روش افزودن جزئیات و حذف نواقص کوچک بر روی یک شیء فلزی ریختگی مترادف *tooling*.

قلم سوزنی dry - point
 ۱ - ساخت باسمه به روش حکاکی مستقیم بایک قلم نوک تیز بر روی لوح مسی. گاه از این روش برای پر رنگ کردن جزئیات در چاپ اسیدی استفاده می‌شود. ۲ - به چاپنشی که از این طریق حاصل شود هم گفته می‌شود.

قلم فولادی stylus (Lat.)
 هر نوع ابزار نوک تیز که برای ایجاد علائم مضرس یا خراش دادن به کار رود. همچنین نگاه کنید به حکاکی الماس تراش.

قلم موکاری brushwork
 دست خط نقاش، که به صورت نشانه‌ای که با قلم مو بر سطح نقاشی ایجاد می‌کند، بیان می‌شود.

قلم نوک نقره silver point
 نوعی روش طراحی با استفاده از یک میله نقره‌ای بر

دهه ۱۸۶۰ این نوع عکس‌ها به تعداد ایوبه تولید و با اشتیاق جمع‌آوری و در آلبوم نگه‌داری می‌شدند. ۲ - قطع عکاسی مأخوذ از آن. با ابعاد $9/5 \times 5/7$ سانتی‌متر که هم برای برتره به کار می‌رفت و هم برای موضوعات دیگری چون منظره.

قطع کیت‌کت (بالاتنه) Kit - cat
 یکی از اندازه‌های استاندارد بوم با ابعاد 100×70 سانتی‌متر. این نام به انتخاب سرگادفری نیلر برای مجموعه‌ای از برتره‌های اعضای باشگاه Whig Kit - cat -- برگزیده بود. برتره کیت‌کت به بیان دقیق باید سر، شانه‌ها و یک دست را نشان دهد.

قطع منظره landscape format
 نقاشی، طرح و غیره که پهنای آن بیش از بلندایش باشد (در مقابل قطع برتره که به حالت عمودی است). این نام‌گذاری به دلیل آن است که تصاویر منظره اکثراً دارای چنین قطعی هستند.

قطع وزیری quarto
 (مأخوذ از واژه لاتین *quarto* به معنی «یک چهارم») کتابی متشکل از ورق‌هایی که به اندازه چهاربرگ تا خورده‌اند و ابعاد آن معمولاً بیش از 22×22 سانتی‌متر نیست.

قلاب جامه Fibula (Lat)
 سنجاقی که برای بستن تونیک به شانه به کار می‌رفت، در برخی از فرهنگ‌های دوره مهاجرت (=هنر دوره مهاجرت) و باستان دیده می‌شود، و گاه شبیه به سنجاق‌های امروزی بود.

قلابدوزی درشت Crewel - work
 نوعی قلابدوزی ضخیم و درشت طرح دار، که با استفاده از نخ پشم با رنگ روشن ساخته می‌شد و در انگلستان و امریکای شمالی از اوائل سده هفدهم به بعد به عنوان پرده یا رومبلی استفاده می‌شد.

قلابدوزی، سوزن دوزی embroidery
 روش تزئین پارچه با نخ‌های بخیه و با نقوش مختلف (در برابر پارچه بانی دستی که در آن طرح در درون نسوج پارچه، بافته می‌شود).

Depressed arch، قوس فرو نشسته: قوس نوک تیز متشکل از چهار کمان، که دو کمان خارجی آن از مراکز بر روی خط پاتاق شکل می‌گیرد و مرکز دو کمان داخلی در زیر آن قرار می‌گیرد. مترادف با قوس چهار مرکزی (*Four-centred arch*).

Diaphragm arch، قوس دیافراگمی: نوع قوس عرضی که دهانه ساختمان اصلی کلیسا را می‌پوشاند و سقفی را بالای آن را نگاه می‌دارد. از این نوع قوس‌ها برای نگهداری سقف‌های چوبی استفاده می‌شود، و معمولاً برای جلوگیری از سرایت آتش آن را به بخش‌های مجزا تقسیم می‌کنند.

Discharging arch، قوس جهازه: قوسی که در دیوار ساخته می‌شود تا باری را که ممکن است برای دهانه زیر آن بیش از حد سنگین باشد حمایت کند. مترادف: طاق دزد.

Dropped arch، قوس کند: هر نوع قوس نوک تیزی که دهانه آن از مجموع شعاع کمان‌هایش بیشتر باشد.

Equilateral arch، قوس پاتوپا: نوعی طاق نوک تیز که از دو کمان یک دایره و هر دو با شعاعی برابر با دهانه قوس ساخته می‌شود.

Four centred arch، طاق چهار مرکزی (یا چهار پرگاری) مترادف طاق کند.

Horsesho arch، قوس نعل اسبی: قوسی به شکل نعل اسب با نوک تیز یا مدور، که در معماری اسلامی رایج است.

Keelarch، قوس خوابیده: مترادفی برای قوس جناغی.

Ogee arch، قوس جناغی: قوس نوک تیزی که از دو قوس مقعر در بالا و دو قوس محدب در پایین شکل یافته است. مترادف طاق خوابیده.

Relieving arch، قوس دزد: مترادف طاق جهازه. *Segmental arch*، قوس شکسته: قوسی متشکل از کمانی از یک دایره که مرکز آن در زیر خط پاتاق قرار دارد.

Skew arch، قوس مایل: قوسی که زاویه قرارگیری لغازهای آن نسبت به نمای پیشین آن قائم نباشد.

Stilted arch، قوس پابند: قوسی که با پایه‌هایی عمودی به طور قائم از خط پاتاق بالا می‌آید.

Strainer arch، قوس تنوتی: قوسی که در درون یک فضای داخلی (مثلاً در عرض شبستان کلیسا) کار گذارده می‌شود تا از رانش دیوارها به درون جلوگیری کنند.

روی کاغذی که با مرکب سفید چینی یا با ترکیب مرکب سفید چینی با رنگدانه (که رنگ زمینه را می‌سازد) رنگ آمیزی شده است. این روش نخستین بار طی قرون وسطا در ایتالیا به کار رفت، و در سده پانزدهم در فلاندر رایج شد، اما از سده هفدهم مدادهای زغالی جایگزین آن شد - به جز در برخی موارد استثنایی که به صورت تخصصی در کارهایی چون مینیاتور به کار می‌رفت.

قندران gutta - percha

(مأخوذ از واژه مایایی getah به معنی «صمغ» و percha که نوعی درخت است) شیره گیاهی سخت شده نوعی درخت هند شرقی، که در سده نوزدهم برای ساخت تزئینات قالبی و حتی کل شیء استفاده می‌شد. برخی از اقلام مبلمان به سبک روکوکو که از این ماده ساخته شده بودند، در سال ۱۸۵۱ در نمایشگاه بزرگ لندن به نمایش درآمدند.

قواره piece - goods

پارچه‌ای که با طول مشخص بافته شده است.

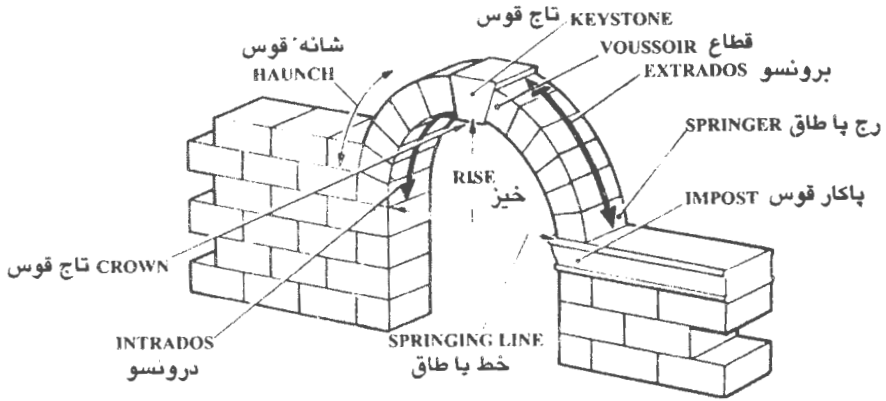
قوس arch

تمهیدی برای به هم آوردن یک دهانه که رانش رو به پایین وزن بالای آن را به رانش رو به بیرون به سمت ساختارهای جانبی متصل به آن (دیوار، ستون، جرن...) منتقل می‌کند. معمولاً قوس‌دارای یک ساختار منحنی شکل است که از قالب‌های گره‌ای شکلی به نام قطاع تشکیل می‌شود. جوهره هر نوع قوس حقیقی (در مقابل قوس پیشکردگی) این است که استحکام و ایستایی خود را از وزن باری که تحمل می‌کند، می‌گیرد. همچنین نگاه کنید به پشت بغل. در ادامه ابراع قوس بررسی می‌شود.

Anse de Pamier، قوس دستگیره سبد: قوسی شبیه به دستگیره سبد، متشکل از کمانی از یک دایره بزرگ که در جناحین با کمان‌هایی از یک دایره کوچک ادامه می‌یابد. مترادف قوس سبیدی (*basket arch*).

Chancel arch، قوس ساحت پشت محراب: طاقی که محل جدایش بین ساحت پشت محراب و قسمت غربی کلیسا را مشخص می‌سازد.

Corbel arch، قوس پیشکردگی: قوسی متشکل از چند پیشکردگی که به عنوان تیرک طره عمل می‌کنند و یک قالب سنگی در قله آن (کاکل) قرار می‌گیرد.



بخش‌های یک قوس (برای تعریف هر کدام به مدخل مربوطه رجوع کنید).

DEPRESSED ARCH TUDOR ARCH HORSESHOE ARCH EQUILATERAL ARCH SEGMENTAL ARCH



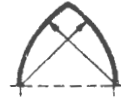
قوس فرو نشسته



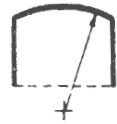
قوس تئودوری



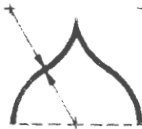
قوس نعلی



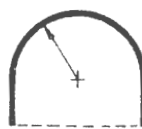
قوس با توپا



قوس شکسته



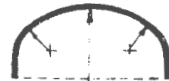
قوس جناغی



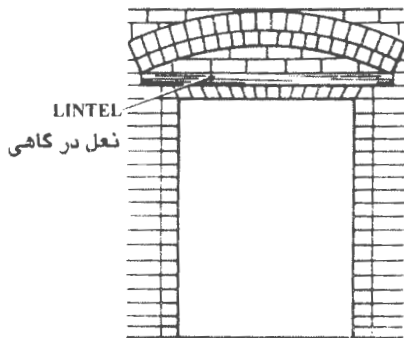
قوس پا بلند



قوس سر نیزه‌ای



قوس دسته سبیدی



قوس بخفی



قوس پیشگردگی

Tudor arch، قوس تودوری: قوسی متشکل از چهار قسمت، که دو قسمت خارجی به شکل ربع دایره است و دو قسمت داخلی به شکل دو خط مستقیم در امتداد قسمت‌های قبلی ادامه یافته و به هم می‌رسند. این قوس در معماری انگلیسی اوایل سده شانزدهم بسیار رایج بود.

شده باشد (motto) و با یک محیط باز محصور شده باشد (bailey)، ولی خود این محیط باز با یک خندق و ردیفی از تیرک‌های چوبی نوک تیز محصور شده باشد.

کارتون cartoon

۱ - قبلاً به طرح اولیه تمام اندازه یک تابلو نقاشی یا پارچه دست بافت اطلاق می‌شد. ۲ - از سده نوزدهم میلادی به بعد به طرح کاریکاتوری یا مضحک گفته می‌شود (احتمالاً منشأ این نامگذاری به استفاده آن برای توصیف طرح‌های بحث انگیزی باز می‌گردد که در سال ۱۸۴۲ برای تزئینات ساختمان جدید پارلمان چارلز باری به نمایش گذاشته شد).

قوس مطبق archivolt

نوعی ابزار پیوسته - و معمولاً یکی از چند ابزار به کار رفته - برای قاب‌بندی نمای پیشین یک قوس. (برای تصویر نگاه کنید به سبک نرمانی)

کارشناسان هنری cognoscenti (It)

مستخصصین به ویژه فن‌شناسان امور هنری. همچنین نگاه کنید به خبرکی هنری.

قهوه‌ای مشکی bistre (Fr.)

رنگدانه شفاف قهوه‌ای که از جوشانده دوده ساخته می‌شود، غالباً به عنوان شست آبرنگی در طرح‌های قلم مرکب به کار می‌رود.

کارکرد گرایی functionalism

نظریه‌ای با این اعتقاد که «فرم تابع کارکرد است» و برای نخستین بار توسط نوبس سولیوان معمار امریکایی در اواخر سده نوزدهم مطرح شده اما پیش‌تر در سده هجدهم در فلسفه اصالت تجربه پیش‌بینی شده بود. مطابق این نظریه فقط استفاده از اشیائی که هم عملکرد خوبی دارند و هم از مواد به صورت بهینه استفاده شده مجاز است.

قیر bitumen

رنگدانه قهوه‌ای بی‌ثبات شیمیایی، که هرگز خشک نمی‌شود و به مرور زمان تیره‌تر و کدرتر می‌شود و هم‌زمان ترک خوردگی‌هایی را در تابلو پدید می‌آورد. کاربرد آن برای طرح آستر در نقاشی که به اواخر سده هیجدهم و اوایل سده نوزدهم باز می‌گردد (برای مثال در کارهای سرجوشو دینولد) آسید، فراوانی به تابلو می‌زند. اما کاربرد آن به عنوان لعاب، مشکل کمتری دارد.

کارگاه آزاد atelier libre (Fr.)

(در فرانس به معنی «کارگاه آزاد») کارگاهی که در آن هنرمندان برای کار و استفاده از مدل اجاره پرداخت می‌کنند. این نوع کارگاه‌ها فاقد استاد و برنامه آموزشی هستند.



کارگاه‌های اومگا Omega workshops

نام کارگاه‌های هنرهای تزئینی بود که راجر فرای منتقد نقاش انگلیسی در سال ۱۹۱۲ در لندن تأسیس کرد. وی قصد داشت تا از آثار هنرمندان برجسته انگلیسی دوران خود نظیر دانکن گرانٹ، وانسابل و ویندهام لونسر در زمینه هنرهای تزئینی بهره ببرد. تحت راهنمایی‌های وی، آنان سعی کردند تا اصول فوویستی و کوبیستی را برای تزئینات داخلی به کار گیرند. این کارگاه‌ها که از نظر مالی موفقیتی حاصل نکردند، در سال ۱۹۲۰ بسته شدند.

کاتدرال (کلیسای جامع) cathedral

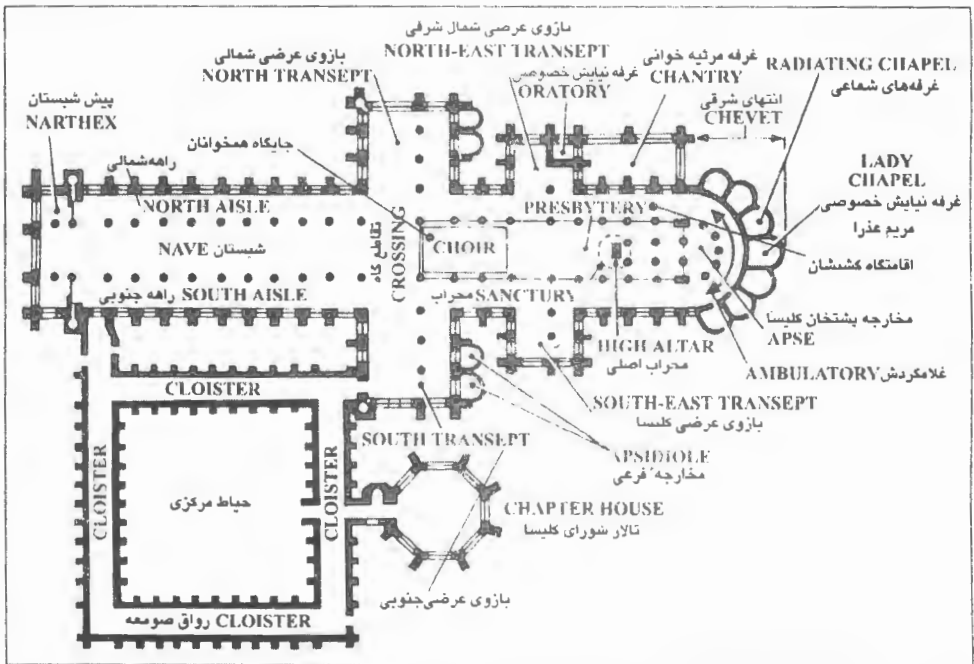
کلیسایی که در آن یک «کاترا» یا سریر رسمی یک اسقف اعظم موجود باشد.

کاتدرال گوتیک Gothic cathedral

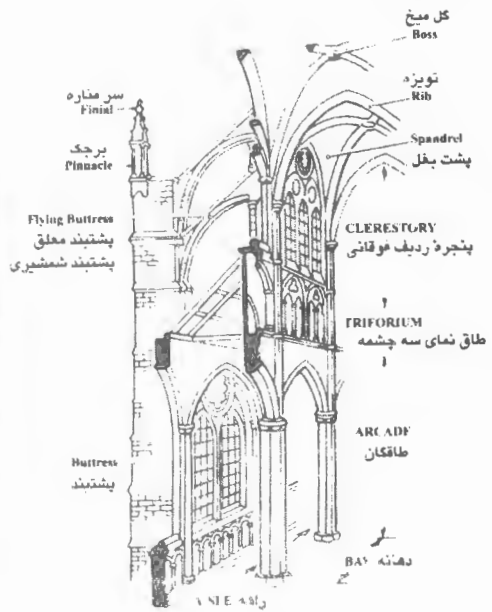
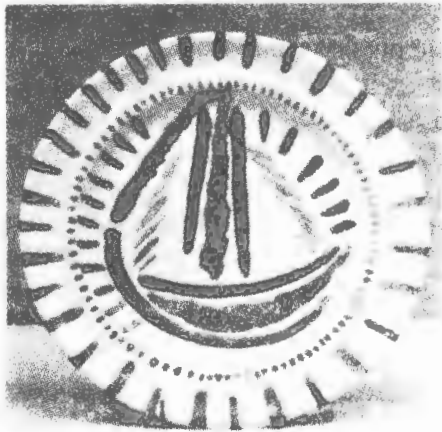
کلیسای جامع سبک گوتیک. (به تصویر نگاه کنید.)

کاخ بالای تپه motto - and - bailey

قلعه بدوی شامل یک برج چوبی که بر روی تپه بنا



نقشه یک کاتدرال گوتیک. (برای تعریف هر کدام به مدخل مربوطه رجوع کنید.)



کارگاه‌های اومگا: بشقاب با نقاشی رولمایی اثر دانکن گرانت، که جلوه‌هایی از نقاشی فوویستی را نشان می‌دهد.

نمای برشی یک کاتدرال گوتیک، که طاق چهاربخش آن را نشان می‌دهد. (برای تعریف هر کدام به مدخل مربوطه رجوع کنید.)



قطعه چوبی منبت‌کاری شده‌ای که شش کار از کارهای دوازده‌گانه سال را نشان می‌دهد. هر یک از صحنه‌های کوچک زائر با نمادهای منطقه البروج مربوط به آن، منطبق شده است.

کازینو (It) casino
(در زبان ایتالیایی به معنی «خانه کوچک») ۱ - خانه یا سالن تزیین شده کوچکی که در زمین یک خانه بزرگتر ساخته شده باشد. ۲ - در سده هجدهم میلادی به سالن عمومی رقص اطلاق می‌شود. ۲ - امروزه به یک مکان عمومی ورزشی اطلاق می‌شود.

کاسه دسته‌دار یونانی (Gk.) skyphos
کاسه کم عمق آبخور با پایه و یک جفت دسته افقی مقابل هم، گاه به غلط ملاقه دسته حلقوی هم گفته می‌شود. (برای تصویر نگاه کنید به ظروف یونانی*)

کاشی آجرنما mathematical tiles
نوعی کاشی‌کاری که شبیه به آجر چین به نظر می‌رسد.

کاشی دیوارپوش tile - hanging
نوعی پوشش دیوار از کاشی‌های همپوشان که بر روی توفال به دیوار و یا بر روی چارچوب الوار

کارگاه‌های وین

wiener werkstätte (Ger.)

اتجمنی از طراحان و صنعت‌گران که در سال ۱۹۰۲ در وین تأسیس شد و ارتباط نزدیکی با گروه انشعاب وین، و با معمارانی چون یوزف هوفمان (۱۸۷۰ - ۱۹۵۶) داشت. این تشکل تلاشی بود در جهت سازگار کردن اصول جنبش هنر و صنایع دستی انگلیس با سنت‌های هنری اروپای مرکزی. اما محصولات این کارگاه‌ها (به ویژه آثار فلزی، میلان، پارچه و چرم) تأثیراتی از سبک آرت نوو فرانسوی و یوگن استیل آلمانی را در بر داشتند. این کارگاه‌ها در سال ۱۹۲۲ بسته شدند.

کارگاه هنری bottega (It.)

(در زبان ایتالیایی به معنی «کارگاه») ۱ - کارگاهی که در آن یک هنرمند شاخص ایتالیایی قرون وسطایی یا رنسانس با شاگردان خود کار می‌کرد. ۲ - اثر هنری که نه توسط استاد بلکه تحت نظارت وی خلق شده باشد: مترادف shop picture

کاروانسرا

caravanserai (Per)

عمارتی که عموماً شامل سرپناه‌های طاقی حول یک حیاط یا مجموعه‌ای از حیاط‌ها بود و هر یک از سرپناه‌ها به مسافری کاروان‌های گذری ارائه می‌شد.

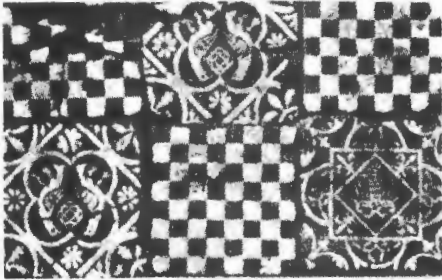
کارهای دوازده گانه

Labours of the Months

مجموعه‌ای از دوازده صحنه، هر یک برای یکی از ماه‌ها، که هر کدام یک شغل روستایی متفاوت را نشان می‌دهد، و معمولاً به همراه نشان مناسبی از منطقه البروج است. این مجموعه در پیکر تراشی و شیشه منقوش دوره قرون وسطا و غالباً در تقویم کتاب دعای مسیحیان با تزیین کاری به چشم می‌خورد.

کاریکاتور caricature

۱ - در مفهوم خاص به پرتراهای اطلاق می‌شود که با هدف تمسخر یا طنز، ویژگی‌های خاص موضوع را به شکل اغراق شده نمایش دهد. ۲ - حال با مفهومی گسترده‌تر به هر نوع طرح طنزآلود یا کارتونی گفته می‌شود.



کاشی منقور دو رنگ متعلق به رواق صومعه تیچفیلد، همپشایر سدهٔ سیزدهم.



شمایل روسی متعلق به حدود ۱۶۰۰ میلادی، که یکی موضوعات مورد علاقهٔ شمایل نگاران را به تصویر کشیده است: مریم و کودک کاهنی

مینای رولعابی را در سال ۱۶۴۴ از چین به ژاپن آورد انجام شده است. سبک کاکيومون را بسیاری از سازندگان پیشروی اروپایی از جمله مایسن، چانتیلی، مینسی، چلسیا، بوو و وورسیستر تقلید کردند.

calotype

نخستین روش عملی ظهور عکس سیاه و سفید بر کاغذ مبتنی بر کشف فانوس پندار.

cob

مادهٔ ساختمانی متشکل از گل که با کاه، شن و سنگ ریزه تقویت شده و می‌توان آن را به تنهایی یا برای

کالوتیپ

کاهگل

نصب می‌شوند.

Kütahya (Turkish) کاشی کوتاهیه

نوعی سفال لعاب سربی از منطقهٔ کوتاهیه در مرکز آناتولی که ادامه دهندهٔ سنت ایزنیک بود با این تفاوت که از گزینۀ رنگ اندکی متفاوت شامل زرد (که هرگز در کارهای ایزنیک به چشم نمی‌خورد) استفاده می‌شد.

encaustic tiles کاشی منقور دو رنگ

کاشی‌هایی که با خاتمبندی گلی با رنگ‌های متفاوت ساخته شده و سپس لعابکاری و پخته می‌شد، از این روش به فور در قرون وسطا استفاده می‌شد، و در دورهٔ ویکتوریا مجدداً احیا شد.

azulejos (sp.) کاشی منقوش رنگارنگ

کاشی سفالی لعابدار و منقوش، با نقوش گل و بته، منظره و غیره، که برای تزئینات ساختمان در کشورهای اسپانیا، پرتقال و آمریکای لاتین به‌کار می‌رود.

parchment کاغذ پوستی

پوست هر نوع حیوان، به ویژه پوست گوسفند و بز، که برای نوشتن استفاده شود.

papier collé (Fr.) کاغذ چسب

(در زبان فرانسه به معنی «کاغذ چسب») ۱- نوعی کلاژ، تماماً از لایه‌های کاغذ که به یک زمینه چسبیده شده‌اند. ۲- به کاغذ چسب خورده نیز گفته می‌شود.

crown کاکل

بالترین نقطهٔ یک قوس* یا در واقع تراز زیر تاج قوس.

ridge - piece کاکل بام

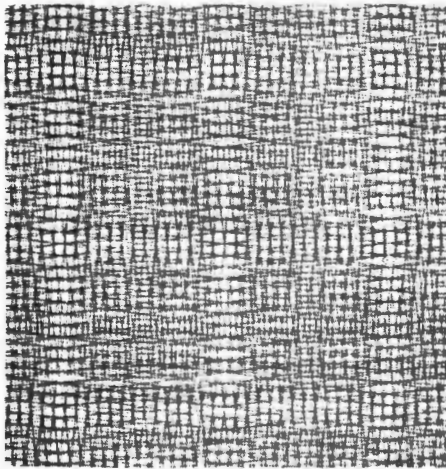
الواری که در سرتاسر طول تاج یک بام* امتداد می‌یابد.

Kakiemon (Jap.) کاکيومون (چینی ژاپنی)

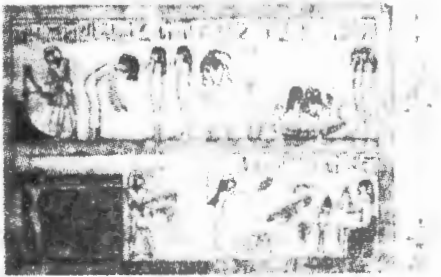
نوعی چینی با کیفیت بالای ژاپن، با تزئینات پراکنده و نامنتزانی مینای رولعابی و گاه با طلا. این نام‌گذاری بر اساس نام چینی‌ساز ژاپنی ساکائیدا کاکيومون (۱۶۶۶ - ۱۵۹۶) که گفته می‌شود نقاشی



کودک و جانور II، ۱۹۵۰، تابلوی نمونه‌واری از نقاشی جسورانه کارل آهل از اعضای گروه کبرا.



کپی (I)، ۱۹۵۹، اثر فرانسوا موره، یکی از اعضای گروه تحقیق در هنر تجسمی.



کتاب اموات مصریان باستان، کارهای دوره پس از مرگ رانشان می‌دهد. صحنه به صورت نقش افقی آرایش یافته، و با نوشته‌های هیروگلیفی مزین شده است.

پر کردن قاب بندهای چوبی به کار برد.

کاهنی Hodgetaira

نوعی مادونای بیژانسی، که نامگذاری آن به دلیل نقاشی مکشوف در صومعه Hodgeton در کنستانتینوپل بود که تا مدت‌ها در آنجا نگهداری می‌شد و سنتاً آنرا منسوب به لوقای قدیس می‌دانند. این نقاشی مریم مقدس را با کودکی که در بازوی چپ خود گرفته نشان می‌دهد. (شماایل نگاری)*

کاهنی hieratic

(در مورد مجسمه‌سازی، نقاشی و غیره) رعایت نوعی رسمیت به دلیل ارتباط آن با مسائل قدسی - در مقابل مسائل روزمره.

کوبرا COBRA

گروهی از هنرمندان اروپایی که در سال ۱۹۴۸ در پاریس گرد هم آمدند، و تلاش داشتند تا اکسپرسیونیسم را مجدداً احیاء کنند. نام گروه مأخوذ از حروف اول پایتخت‌هایی است که اعضای اصلی گروه در آن زندگی می‌کردند: CO کپنهاگ، BR بروکسل، A آمستردام. این اعضا عبارت بودند از پیترا آله شینسکی، کارل آهل، اسگر یورن و لوسیبره. فعالیت این گروه در سال ۱۹۵۱ متوقف شد.

کپی (تکثیر) multiples

نوعی آثار هنری که برای تولید انبوه طراحی شده‌اند، و از این رو (حداقل از جنبه نظری) می‌توان آنها را به تعداد بی‌شمار و بدون هیچ گونه افت کیفیت یا ضعیف شدن محتوا تولید کرد.

کتاب اموات Book of the Dead

اصطلاح جدیدی برای مجموعه متنوعی از دعاها و وردها بر پاپیروس که مصریان باستان با اجساد خود دفن می‌کردند. بهترین نمونه‌های آن که به سلسله‌های هجدهم و نوزدهم (سده‌های شانزدهم تا سیزدهم پیش از میلاد) مربوط می‌شود، به زیبایی مصور شده‌اند.

کتاب بشارت‌ها evangeliary

کتاب عبادی، معمولاً با ابعاد بزرگ و با تذهیبکاری بسیار غنی شامل دعا‌های کتاب مقدس.

podium**کرسی**

۱ - پایهٔ پیوسته‌ای که ساختمان یا ردیف ستون* را نگه می‌دارد. ۲ - پایین‌ترین بخش یک ستون مستقل (مترادف پاسنگ). ۳ - پایین‌ترین طبقه یک ساختمان که به نظر در حکم پایه‌ای برای کل ساختمان است. (مترادف زیر زمین، basement ۴ - سکویی که محوطهٔ صحنه را در آمفی تئاتر رومی در بر می‌گیرد.

Louves (Fr.)**کرکره**

نوارهای باریک مایل که یک در یا محافظ پنجره را شکل دهند. به نحوی که از ورود آب باران یا هر مزاحمی جلوگیری می‌کند و مانع ورود نور مستقیم یا گرد و غبار می‌شود، بی آن که از جریان هوا ممانعت کند.

corona**کرونا**

۱ - نوعی چراغ دیواری متشکل از یک یا چند حلقه، و مخزن روغن چراغ یا پایهٔ شمع. ۲ - نمای عمودی بخش بالایی یک قرنیز خارجی. ۳ - در معماری گوتیک فضای داخلی بزرگ تقریباً دایره‌ای شکلی که با پنجره احاطه شده باشد - به طور خاص به «آرمگاه بکت» اشاره دارد که زمانی زیارتگاه بود و مقبرهٔ سنت توماس بکت را در ضلع شرقی جایگاه همخوانان در کاتدرال کانتر بوری در خود جای می‌داد.



پشت یک سکهٔ ده دراهمایی یونانی سوراکاس، ۴۰۶ - ۴۲۵ پیش از میلاد، با نقش گروهی از نظامیان و جنگجویان در کتیبهٔ مدال زیر ارابه.

block - book**کتاب چاپ لوحی**

کتابی که با قالب‌هایی به اندازه یک صفحهٔ کامل چاپ شود، در مقابل کتابی که با حروف متحرک سرری چاپ می‌شود. قدیمی‌ترین کتاب‌های چاپ لوحی اروپایی به سال‌های ۵۰ - ۱۳۳۰ به بعد باز می‌گردد. شمار اندکی از آنان پس از سال ۱۵۰۰ چاپ شدند. همچنین نگاه کنید به انجیل فقرا.

breviary**کتاب دعای کشیش**

کتاب مشتمل بر دعا‌هایی که کشیش در ساعات شرعی ادا می‌کند.

کتاب دعای مسیحیان**Book of Hours**

کتاب دعای مسیحیان که در ساعات شرعی خوانده می‌شود، به منظور مناجات خصوصی مردم عامی (مثلاً ساعات بخشش باکرهٔ مقدس). این کتاب‌ها در اواخر قرون وسطا رایج بودند و غالباً مملو از آثار تذهیبکاری غنی بود.

antiphonary**کتاب سرودهای تهلیلی**

کتاب مناسب، غالباً در اندازهٔ بزرگ، که برای استفاده در کلیسا تهیه می‌شود و شامل متون و سرودها و پاسخ‌ها (antiphone) برای مراسم آئینی همگانی است. غالباً مملو از نقوش تذهیب‌کاری شده است.

sacramentary**کتاب شعائر مقدس**

کتاب مناجات مخصوص مراسم عشاء ربانی و شامل شعائر و آیین‌های مربوط به آن.

psalter**کتاب مزامیر**

کتاب نسخهٔ خطی یا چاپی شامل متن زبورها.

exergue (Fr.)**کتیبهٔ مدال**

فضای کوچکی در زیر نقش یک سکه، مدال یا جواهر.

• filler**کدرساز، پرکننده**

۱ - موادی که به رنگ افزوده می‌شود تا میزان کدری آن را افزایش دهد. ۲ - موادی که برای پر کردن منافذ و صلب کردن بیشتر زمینه‌ای که فرار است نقاشی شود به کار می‌رود. ۳ - موادی که برای پر کردن ترک‌ها و سوراخ‌های چوب، سنگ و غیره به کار می‌رود.

کلاسیسیسم بلونیاوی

Bolognese Classicism

هنر باروک ملهم از هنر کلاسیک که در آثار آنیبال اگوستینو و لودویکو کاراتچی در نیمه اول سده هفدهم در بلونیا رواج یافت و بعدها توسط پیروان آنها ادامه یافت. گاه کلاسیسیسم رومی هم خوانده می‌شود، زیرا بسیاری از هنرمندان مرتبط با این سبک به رم رفتند تا برای پاپ‌ها و دربار پاپ کار کنند.



کلاسیسیسم بلونیاوی: بخشی از فرسک آنیبال کاراتچی با نام پولی‌فیموس در حال کشتن آسیس، در کاخ فارنز، رم، حدود ۱۵۹۷-۹۹.

کلاسیک رومی

۱ - ظهور و نمود سبک رومی کلاسیسیسم بولوگنی سده هفدهم. ۲ - ما به ازای سبک معماری پالادیووار انگلیسی در ایالات متحده، که مورد علاقه توماس جفرسون بود و از حدود ۱۷۹۰ تا ۱۸۲۰ به کار رفت، یعنی بسیار دیرتر از گرایش پالادیویی انگلیسی.

کلاسیک

۱ - در معنای خاص‌تر به هنر و معماری یونان و روم باستان اطلاق می‌شود، به ویژه آثار یونانی سده‌های پنجم و چهارم پیش از میلاد و آثار تقلیدی

crystals

هر نوع شیشه بدون رنگ و شفاف که شبیه سنگ کریستال باشد (مثلاً شیشه‌بندی سریبی).

کریستال

Navicella (It.)

کشتی حواریون

(در زبان ایتالیایی به معنی «کشتی کوچک») شبیه‌سازی یک کشتی گرفتار طوفان دریا که بر عرشه آن حواریون ایستاده‌اند (متی، ۲۲ - ۲۲ : ۱۴). این مضمون در هنر قرون وسطا به عنوان نماد کلیسا همچون پناهگاهی برای انسان به کار می‌رفت.

collage (Fr.)

کلاژ (تکه چسبانی)

(در زبان فرانسه به معنی «چسباندن») روشی که پیکاسو و براك در مرحله کوبیسیسم تحلیلی خود ابداع کردند. آنان تکه‌هایی از روزنامه و نقوش چاپی را به عنوان باز نمودی از واقعیت قابل لمس، که کوبیست‌های تحلیلی قصد کشف آن را داشتند، به ترکیب‌بندی‌هایشان الحاق می‌کردند. بعدها دادائیسیسم و سوررئالیسیسم از کلاژ به عنوان ابزاری برای خلق ترکیبات نامعقول تصاویر اتفاقی، بهره بردند (← هنر حاضری). اگرچه از کلاژ فراوان استفاده می‌شود، اما به نظر می‌رسد که وحدت و انسجام ترکیب‌بندی را به هم می‌زند و نوعی ناهماهنگی فضایی و ناسازگاری تعمدی تناسبات را پدید می‌آورد.



کلاژ کوبیستی اثر ژرژ براك: موسیقی، ۱۹۱۴. که در آن از جمله از خمیر کاغذ، گچ بوم، و خاک اره استفاده شده است.

را داشته باشد و ساخت آن بیشتر مبتنی بر عقل باشد تا شهود و الهام.

کلاف بندی cradling

روشی برای مستحکم کردن یک قاب چوبی، از طریق متصل کردن دو انتهای نوارهای چوبی شکاف دار به طور عمودی به پشت صفحه چوبی، به نحوی که نوارهای افقی چوبی به آزادی از میان شکافهای آن عبور کنند. این روش امکان انبساط و انقباض اتصالات را در اثر تغییرات دما یا رطوبت فراهم می‌سازد.

کلاه فرنگی gazebo

برج یا خانه بیلاقی کوچک با چشم‌انداز وسیع. در حالت دوم مشخصه مشترک باغ‌های دلگشاست. مترادف: belvedere.

کلبه تزئینی cottage orné (Fr.)

(در زبان فرانسه به معنی «کلبه تزئینی») نوعی بنای کوچک به شکل روستایی که ضرورتاً برای سکونت نیست. بیشتر مربوط به سبک تماشایی است که در منظره پردازی انگلستان طی اواخر سده هیجدهم و اوائل سده نوزدهم و آغاز جنبش احیاء گوتیک رایج شد.

کله گوی bucranium bucrane (Fr.)

(در زبان یونانی به معنی «کله گاو نر») نقشمایه‌ای تزئینی بر اساس جمجمه شاخ دار گاو نر که غالباً به عنوان نقوش مکرر در افریز به کار می‌رود.

کلیت اثر هنری

Gesamtkunstwerk (Ger.)

(در زبان آلمانی به معنی «کلیت اثر هنری») ایده ترکیب کامل چند شکل هنری - نقاشی، کلام، بازی نمایشی، شعر، موسیقی - به نحوی که هیچ یک بر بقیه برتری نداشته باشد. این ایده در اصل به واگنر و درام‌های موسیقایی وی مربوط می‌شود.

کلیسای ارتودوکس یونانی

Greek Orthodox church

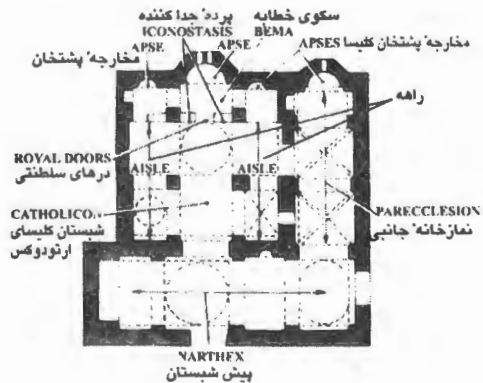
به نمودار سمت راست نگاه کنید.

کلیسای تک سقف Hallenkirche (Ger.)

(در زبان آلمانی به معنی «تالار کلیسا») کلیسایی که



کلاه فرنگی باغی، پایون: آرامگاه اولوس در کیف، با طرح سر ویلیام چمبر که در سال ۱۹۶۰ ساخته شد.



نقشه کلیسای ارتودوکس یونان (برای تعریف هر کدام به مدخل مربوطه رجوع کنید.)

وفاداران رومی آن. ۲- در مفهوم عام‌تر به هنر و معماری که از مدل‌های یونانی و رومی تبعیت کند اطلاق می‌شود. ۳- در مفهوم باز هم عام‌تر هنری که سودای بیان ما به ازای حسی و فیزیکی هنر کلاسیک

شبستان و راهه آن طول یکسانی داشته باشند.



کلیسای چوبی در هودا اشتات، حدود ۱۱۵۰، که مشخصه آن استفاده از تیرهای چوبی مرتفع است.

stave church **کلیسای چوبی**

(مأخوذ از واژه نروژی *stavkicke*) نوعی کلیسای قرون وسطایی اسکاندیناویایی متشکل از الوارهای قائمی که بین ستون‌های گوشه‌ای نصب شده‌اند.

cliché – Verre (Fr.) **کلیشه شیشه‌ای**

(در زبان فرانسه به معنی «شیشه منفی») چاپ عکس به روش خراش دادن لایه امولسیون لوح شیشه‌ای، به نحوی که بعداً بتوان از آن به عنوان نوعی نسخه منفی برای چاپ بر کاغذ حساس به نور استفاده کرد.

camp **کمپ**

اصطلاحی رایج در حوزه تئاتر که بعدها برای توصیف نوعی مدگرایی شهری مبتنی بر تحسین کنایی فرهنگ توده‌ای، در هنرهای مدرن رواج یافت.

Compagnie des Indes (Fr.) **کمپانی هند شرقی**

آثار چینی کشور چین که به طور خاص برای بازارهای اروپایی سده هجدهم ساخته می‌شد.

commode (Fr.) **کمد**

۱- کمد با کشورهای متعدد که معمولاً بیشتر جنبه تزئینی دارد تا کاربردی. نام‌گذاری آن به این دلیل بود که نمای ظاهری کشورها قابل قبول‌تر از نمای ظاهری ساده پیش از آن بود (تزئین انفجاری**).
۲- صندلی با مخزن ادرار.

کمد اسپانیایی

vargueño . bargueño (sp.)

نوعی کمد به سبک رنسانس اسپانیایی که به صورت مستقل قرار می‌گیرد و شامل چند کشو و یک در است که از جلو و به صورت عمودی باز می‌شود.

کمد صفحه‌دار

drop – leaf front

یک صفحه تزئینی غالباً عمودی در میلمان کمدی (مثلاً یک میز تحریر) که به جلو یا عقب باز شود و در نتیجه سطحی برای نوشتن پدید آورد. مترادف: Fall Front.



کمپا: ژئوس و گانیمید، ۸۲-۱۹۸۱، چشم‌اندازی طنزآلود از یکی از شمایل‌های فرهنگ عامه، کابوی آمریکایی، از مجموعه تابلوهای دلماسی هوو به نام «سواران».

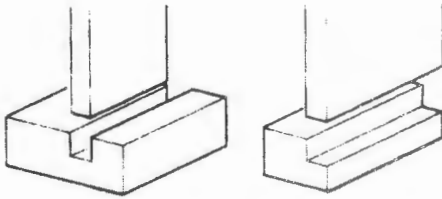
کمد یا دل آرته

Commedia dell Ate Figures (L1)

در نقاشی سده شانزدهم به بعد و در آثار چینی و

لوله برجسته که می‌توان مایع را مستقیم از دهانه آن ریخت.

کنش کاو rebate, rabbet
شیاری که بر روی سطح یا حاشیه یک قطعه سنگ یا چوب کنده می‌شود تا قطعه متناظر آن به شکل زیانه یا تیغه در درون آن جای بگیرد.



در زوار کنش کاو در صفحات در

کنگره‌ای castellated
شینی که با نقوش کنگره‌ای مزین شده باشد (نگاه کنید به تصویر تیرکش دروازه قلعه*).

کنگره بارو crenellation
جان پناه شکاف دار، که در آغاز برای محافظت از جان نگهبانان و امکان نظاره جلو به کار می‌رفت. (تیرکش دروازه قلعه*).

کنیز - زن حرمسرا odalisque (Fr.)
(مأخوذ از واژه ترکی *odaliq*) کنیزهای حرمسرای شرقی، که در سده‌های نوزدهم و بیستم هنرمندان از آنان به عنوان مدل و موضوع نقاشی خود استفاده می‌کردند. (مثلاً اینگره، دلاکرووا، وماتیس) غالباً در هیئت زنان اغواگر برهنه یا نیمه برهنه و معمولاً همراه با برخی متعلقات و لوازم رایج شرقی تصویر می‌شدند.

کنیسه Synagoga → ecclesia

کوبیسم Cubism
جنبش هنری که در حدود ۱۹۰۹ به رهبری پیکاسو و براک و بر اساس نظریه‌ای از سزآن آغاز شد. کوبیسم تلاشی بود در جهت نمایش کامل دو بعدی از همه جوانب شیء که هنرمند به صورت سه بعدی مشاهده می‌کند.



کمداسپانیایی، از جنس چوب‌های مختلف و عاج رنگ‌آمیزی شده، حدود ۱۵۲۰.

مبلمان سده هجدهم به بعد ملهم از شخصیت‌های برگرفته از اجراهای نمایشی گروه‌های سیار کمدیا دل آرته.

کمدساز cabinet - maker
۱ - در ابتدا به سازنده مبلمان کُمدی، و معمولاً روکش‌دار، در مقابل مبلمان نشیمن اطلاق می‌شد. ۲ - در مفهوم وسیع‌تر به هر سازنده ماهر مبلمان گفته می‌شود.

کُنته Conté
نام تجاری برای گچ ترکیبی با رنگ‌های مشکلی، قرمز و سپیا [قهوه‌ای مایل به قرمز].

کندسازی retardant, retarder
ماده‌ای که به رنگ افزوده می‌شود تا سرعت خشک شدن آن را کاهش دهد، مانند روغن خشک‌ساز در رنگ روغن.

کنده‌کاری خطی line engraving
نوعی حکاکی که در آن طرح به طور مستقیم با استفاده از مغار بر روی لوح فلزی (معمولاً مس) حک می‌شود. براده حاصله بعداً پاک می‌شود و شیارهای واضحی برای حفظ مرکب باقی خواهد ماند.

کِنْدی Kendi (Persian)
جام کروی شکل با گردن عمودی برای پر کردن و یک



مسیح مرده اثر آندریا مانتگنا، اواخر سده پانزدهم، پیکره را در یک تصویر کوتاه نمایی اغراق آمیز نشان می‌دهد، که در آن تناسبات اندام و بدن به شدت دگرگون شده‌اند.

Analytic Cubism کوبیسم تحلیلی: کوبیسم تحلیلی جوانب مختلفی از موضوع را به صورت همزمان و با حذف پرسپکتیو قرار دادی و همپوشانی نماها نمایش می‌دهد. از این رو کلاژ ابزاری بود برای به درون آوردن واقعیت «خام» به منظور برهم زدن ویژگی دو بعدی این روند.

Synthetic Cubism کوبیسم ترکیبی: روشی که طی آن با استفاده از زوایای دید حاصل از تجربه کوبیسم تحلیلی، آنچه که دیده می‌شود به زبان نشانه‌های بصری تبدیل می‌گردد و برای هر شیئی ما به ازای رمزی فراهم می‌شود. بدین ترتیب نقاشی را به نوعی واقعیت موازی تبدیل می‌کند تا صرفاً بازتابی از واقعیتی که نقاش می‌بیند.

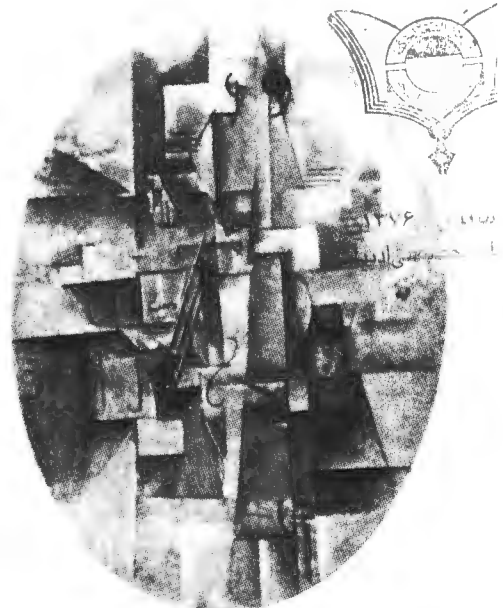
صفحه تصویر متمایل باشد، با استفاده از روش نمایش پرسپکتیو (مثلاً با عقب نشینی عناصر تصویر به عمق تصویر به صورت باریکتر و کم رنگتر نمایش داده شود). چشم‌های بیننده به صورت خودکار شیء را با تناسبات صحیح بازسازی می‌کند. همچنین نگاه کنید به سایه روشن، معلق نمایی در فضا.

کوچک سازی اثر هنری reduction
کهی یک اثر هنری در ابعاد کوچکتر.

کودک فرشته cherub
۱- نقشمایه‌ای در معماری و نقاشی به شکل کودکی با یک جفت بال (به تصویر نورگیرسقف رجوع کنید). ۲- در مفهوم عامتر مترادف فرشته عشق. (نگاه کنید به تصویر صفحه بعد)

کوره گرم خانه خانگری hypocaust
سیستم رومی گرم کردن خانه به وسیله جریان بخار آب در زیر کف ساختمان.

کوزه‌گری با چرخ throwing
روش ساخت یک شیء سرامیکی (یا سفالی) بر روی چرخ کوزه‌گری.



کوبیسم تحلیلی: تابلوی «طبیعت بیجان با یک ویلون» اثر پیکاسو، ۱۲-۱۹۱۱، که در آن تصویر به چندین نما تقسیم شده و سپس همگی در صفحاتی موازی با سطح تصویر ترکیب‌بندی شده‌اند.

کوپرپلیت copperplate
نوعی شیوه نوشتاری لاتین با خطوط پر انحنا و حروف به هم پیوسته (خوشنویسی*).

کوتاه نمایی foreshortening
روش تصویر کردن شیئی که با درجه‌ای نسبت به

کوشک
Kiosk
(مأخوذ از واژه ترکی Köşk به معنی «سالن») تالاری کوچک با سقفی که بر تعدادی پایه قرار گرفته است.

کوفته‌گری

koftgari (Jap)
(مأخوذ از واژه فارسی شیوه تزئین آهن یا فولاد با خاتمکاری فلزات قیمتی، (همچنین نگاه کنید به زرکوبی روی آهن). ۲- روش تزئین آهن یا فولاد با ورق نازک فلز که با چسب به آن چسبانده شود.

کوفی
Kufic, Cufic
(مأخوذ از نام کوفه شهری در جنوب بغداد) نوعی حروف زاویه‌دار در خوشنویسی عربی، که به صورت تزئینی در ساختمان، سفالگری، بافته‌ها، آثار فلزکاری و غیره به کار می‌رود.

کولیه
külliye (Turkish)
مجتمعی از بناها که حول یک مسجد تمرکز یافته‌اند، شامل مدرسه و بیمارستان.



گروهی از کودکان فرشته‌های اواسط سده پانزدهم، اثر اگوستینو دوچیو از معبد مالاتستیانو، رمینی.

گ

گالری (راهرو، نگارخانه)
gallery

۱- در معماری قرون وسطایی به طبقه بالایی روی راهه جانبی که به بدنه اصلی کلیسا منتهی می‌شود (و نه به بیرون). غالباً به غلط طاق نمای سه چشمه خوانده می‌شود. ۲- (یا Long gallery) تالار باریک و طولی در یک خانه خصوصی که برای تمرین و بدن‌سازی به ویژه در مواقع نامساعد جوی استفاده می‌شود. ۳- «نگارخانه»؛ مکانی که در آن تابلوهای نقاشی و دیگر آثار هنری به نمایش در می‌آید. ۴- طبقه روباز بالایی در یک ضلع فضای داخلی اصلی، به ویژه در مکان‌های عمومی، همچون تالار نمایشخانه. ۵- «گذرگاه ستون‌دار» در کلیسا و در دیگر بناها؛ نوعی سرسرای خارجی که در میان طاقان یا ستون‌بند و در فضای باز امتداد می‌یابد. مترادف loggia. راهروی باریکی که در طول یک



لوح مرمر سفید مصری: سده‌های نهم و دهم میلادی، که بر روی آن به خط کوفی برجسته‌کاری شده است. (سه کلمه اول بسم‌الله).

کوزه سه دسته یونانی
hydria
(مأخوذ از واژه یونانی hudor به معنی «آب») کوزه آب یونانی، معمولاً به شکل سماور و با سه دسته، دو دسته افقی برای بلند کردن آن و یک دسته عمودی برای ریختن. مترادف: Kalpis (ظروف یونانی*).

کوزه گلابی شکل
pelike (Gk.)
نوعی ظرف یونانی، مشتق از کوزه آمفورا، با بدنه‌ای به شکل گلابی و با دهانه‌ای بزرگ. (ظروف یونانی*)

۱۸۵۰ تا دهه ۱۹۲۰ تولید شدند. (کارخانه گرانده راپیدز در میشیگان بزرگترین و مجهزترین سازنده میلان در مرکز ایالات متحده طی این مدت بود.)

گراورر gravure

نوعی روش چاپ تجاری با استفاده از لوح یا استوانه پوشیده از صمغ - یا قیر - که یا به روش عکاسی حکاکی اسیدی می‌شود، یا به روش گودکنی، حکاکی می‌گردد.

گرده برداری pouncing

۱- روش کپی کردن یک طرح به روش سوراخ کردن خطوط اصلی و استفاده از پودر گچ یا زغال نرم، برای انتقال طرح به سطح زیر آن. ۲- تزئینات یک سطح فلزی به ویژه از جنس نقره، با نقاط ریزی بر روی آن که جلوه‌ای کدر به آن می‌دهد.

گروتسک grotesque

۱- نوع تزئینات مربوط به آثار معماران و هنرمندان رنسانس که از تزئینات آثار روم باستان اخذ شده بود. آثاری که از ویرانه‌های زیر خاکی کشف شد، بعدها در ایتالیا به عنوان گروته grotte رایج شد و از همین رو این آثار چنین نام گرفت. این تزئینات شامل نقشمایه‌های بی ارتباط به هم بود و غالباً در آن از نقوش انسانی، حیوانی، پرنده و هیولا، استفاده می‌شد که عمدتاً حول یک قاب یا نقش مرکزی شکل می‌گرفت و با مناظر نقاشی شده یا شبیه برجسته کاری مدالی پر شده بود. ۲- در مفهوم گسترده‌تر به هر نوع بازنمایی نامتعارف و غیر طبیعی، به ویژه آن نوع که از تلفیق شخصیت انسان و حیوان حاصل می‌شود اطلاق می‌گردد.

گروه بروکه (پُل) Brück Die (Ger)

(در آلمانی به معنی «پل») انجمنی از نقاشان پیشروی آلمانی که در سال ۱۹۰۶ در دسدن شکل گرفت. بسیاری از نقاشان پیشروی اکسپرسیونیسم آلمان از جمله کریشنز، اشمیت روتلوف، هاکل، پیش اشتاین و نولد جزو این گروه بودند. فعالیت گروه در سال ۱۹۱۲ متوقف شد.

گروه بیست Vingt, Les: Les XX

(در زبان فرانسوی به معنی «بیست») گروهی متشکل از بیست نقاش و مجسمه‌ساز پیشروی

اتاق بزرگ یا فضای داخلی با ورودی‌هایی به درون آن، امتداد می‌یابد.

گچ بوم gesso (It.)

(در زبان ایتالیایی به معنی «گچی») مخلوط گچ با بست (یا چسب) که به عنوان زمینه‌ای برای رنگ تمپرا، و نیز برای برخی از انواع رنگ روغن و آبلاکاری و برای تزئینات مدل سازی روی میلان و قاب تصویر به کار می‌رود. همچنین نگاه کنید به ملاط گچ.

گچ پاریزی Plaster of Paris

نوعی اندود گچی محتوی گچ دی‌هیدرات (سولفات کلسیم بی‌آب) که با آب مخلوط می‌شود و برای ایجاد نقش برجسته (گچبری) و ساخت قالب‌های گچی استفاده می‌گردد.

گچ قرمز sanguine

گچ قرمز با یک ته رنگ خفیف قهوه‌ای که برای طراحی استفاده می‌شود. همچنین نگاه کنید به طراحی سه رنگ.

گداز آور flux

در فلز کاری، به ماده‌ای چون بوراکس اطلاق می‌شود که برای محافظت از سطح لحیم کاری و برای محلول کردن اکسیدهایی که ممکن است مانع ایجاد اتصال شوند، به کار می‌رود. از این ماده همچنین برای سهولت در روان کردن مذاب لحیم استفاده می‌شود.

گرافیتی، خط خطی graffiti (It)

(در زبان ایتالیایی به معنی «ترسیمات خراشی») کلمات یا طرح‌هایی (غالباً وقیح) که بر روی دیوارها و غیره، و معمولاً در مکان‌های عمومی، به صورت بدخط خراشیده می‌شود. همچنین نگاه کنید به سفالینه مخطط (اسگرافیتو).

گرافیک graphics

۱- مترادف هنر ترسیمی ۲- تصویر سازی، نمودار یا طرح همراه با موضوعات چاپی.

گراند راپیدز Grand Rapids

عنوانی تحقیر آمیز برای میلان تولید انبوه آمریکایی، به ویژه در مورد محصولات که بین دهه

بلژیکی که نمایشگاه‌های متعددی را از سال ۱۸۸۳ تا هنگام از هم پاشیدن گروه در سال ۱۸۹۳ برپا کردند. این نمایشگاه‌ها شامل آثار شماری از نقاشان و مجسمه‌سازان بسیار برجسته خارجی و پیشرو همچون ونکوگ، گوگن، تولزوتراک، مانه، سورا، و سزان بود که در آن هنگام در آستانه فعالیت جهانی خود بودند. این گروه تأثیر زیادی در رواج و گسترش شهرت جهانی نئوامپرسیونیسم و پست امپرسیونیسم داشت.

گروه تحقیق در هنر تجسمی Group de Recherch d'Art Visuel (GRAV)

گروهی از هنرمندان که در سال ۱۹۶۰ در پاریس گردهم آمدند. رودیکرد آنان به هنر نیمه علمی و مرتبط با کیفیات رنگ، نور و حرکت بود. این گروه بسیار مرهون دستاوردهای ساختگرایی بود و به نوبه خود سهم زیادی در رشد و گسترش هنر جنبشی داشت. از جمله هنرمندان شاخص این گروه می‌توان به گارسیا روزی، جولیلو پارک، فرانسوا موری، و فرانچسکو سوپرینو، ژول استین و یوارال اشاره کرد. (← تصویر در صفحه ۱۷۰)

گروه تناسب طلایی Section d'or (Fr.)

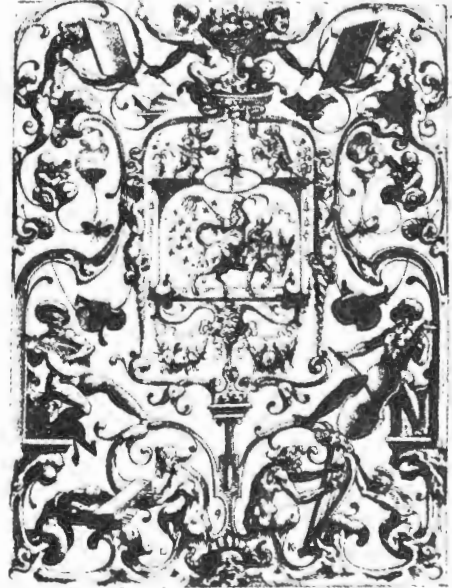
(در زبان فرانسه به معنی «تناسب طلایی») گروهی از نقاشان کوبیست فرانسوی که نخستین بار در سال ۱۹۱۲ آثار خود را به نمایش گذاشتند. از جمله رابرت دلونی، ولی بدون دو بنیان‌گذار کوبیسم یعنی پیکاسو و براك. این عنوان را ژاک ویلون از یک رساله سده شانزدهم درباره تناسب طلایی (تناسبات مقدس) که لئوناردو داوینچی تصویرسازی کرده بود، انتخاب کرده بود.

گروه رز آبی Blue Rose Group

گروه پیشرو روسی، که تحت تأثیر سمبولیسم و فوویسم بودند. آنان مجله‌ای تحت عنوان پشم زین (۱۹۰۶-۷) به چاپ رساندند و از سال ۱۹۰۷ به بعد نمایشگاه‌هایی از آثار خود برپا کردند. اعضای برجسته گروه عبارت بودند لارینوف و گونچاروا. اعضای این گروه پیشقراول بدوی گرایی نوین در هنر روسیه محسوب می‌شود.

گروه صفر Zero Group

گروهی از هنرمندان هنر جنبشی که در سال ۱۹۵۷



گروتسک ماخوذ از اثری از لوکاس کیلیان، ۱۶۰۷.



«عروس»، ۱۸۹۲-۹۳، نقاشی رازآمیز اثر بیان تورن پریکر هلندی، یکی از هنرمندان گروه بیست.



خط زندگی II، ۱۹۶۳، در ابعاد ۲۱۰ x ۱۸۰ سانتی‌متر، اثر روبین دنی از اعضای گروه موقعیت.

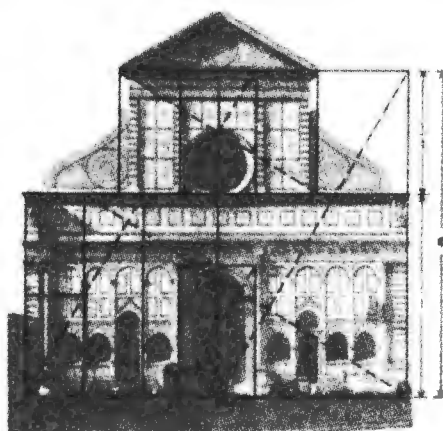
تابلوه‌های خود جلوه‌تاش‌های مجزا یا حباب‌های رنگ را آشکارا نمایش می‌دادند. آنان تحت تأثیر کورو و کوربه بودند و از برخی جوانب پیشقراول روش‌های امپرسیونیسم فرانسسه منحسوب می‌شوند. از جمله برجسته‌ترین اعضای این گروه می‌توان جیوانی فاتوری و تلماکو سیگنورینی را نام برد.

گروه مستقل Independent Group

گروهی از هنرمندان، معماران و منتقدین هنری (از جمله ریچارد همیلتون و ادواردو پائولوزی) که طی اواسط و اواخر دهه ۱۹۵۰ برای تشکیل همایشی در ICA (مؤسسه هنر معاصر) در لندن گردهم آمدند. گروه مستقل مقدمات ظهور و شکل‌گیری هنر پاپ (پاپ آرت) بریتانیا را فراهم ساخت.

گروه موقعیت Situation Group

در سال ۱۹۶۰ نمایشگاهی تحت عنوان «موقعیت» در گالری‌های RBA (انجمن سلطنتی هنرمندان بریتانیا) در لندن برپا شد و نام نمایشگاه بعداً به هنرمندانی که آثار خود را در این نمایشگاه به نمایش درآورده بودند، اطلاق شد. از جمله این هنرمندان می‌توان یان هویلاند، برنارد کوهن، روبین دنی را نام برد. آنان علاقمند بودند تا نقاشی‌های بزرگ انتزاعی، متأثر از آثاری که طی دهه ۱۹۵۰ در ایالات متحده خلق شده بود، پدید آورند. آنان با



نمای پیشین سانتاماریانوولا، فلورانس، که گویای کاربرد البرتی از تقسیمات طلایی است: ضلع جانبی مثلث‌های مشخص شده (که شمار زیادی هستند) با نسبت ۱:۱:۱ است.



چیدن سیب، ۱۹۰۹، اثر ناتالی گونچارووا از گروه رز آبی، گویای جلوه‌هایی از نتوبودی‌گرایی و فوویسم است.

به همت هاینزماک و اتو پین در دوسلدورف تشکیل شد. این گروه در سال ۱۹۶۶ از هم پاشید.

گروه گوتایی Gutai Group (Jap.)

(در زبان ژاپنی به معنی «شکل‌گیری») جنبش هنر پیشرو ژاپنی که در سال ۱۹۵۴ در اوزاکا تأسیس شد. آنان در اجرای هینینگ‌های استادانه و وقایع عمومی تخصص داشتند.

گروه ماکیانولی macchiaioli (It)

(مأخوذ از واژه ایتالیایی macchia به معنی «لکه، آلودگی») گروهی از نقاشان ایتالیایی که طی سال‌های ۶۵ - ۱۸۵۵ در فلورانس فعال بودند. آنان در اعتراض به سبک فرهنگستانی رایج، در آثار و



پیک نیک، ۱۹۱۵، اثر موریس پریندرگاست، از اعضای گروه هشت.

اعضای این گروه عبارت بودند از آرتور بی داویس، موریس پریندرگاست، ارنست لاوسون، رابرت هنری، جورج لاکس، ویلیام جی گلاکسن، جان سلوان و اورت شین. اگر چه آنان به روش‌های مختلفی نقاشی می‌کردند ولی همگی آنان حامی گرایش‌های پیشروی هنری نبودند.

گریو (Fr.) tambour

(در زبان فرانسوی به معنی «طبل») ۱ - قاب دایره شکل قلابدوزی. ۲ - پیش آمدگی مدور در یک قطعه میلمان، که از نوارهای نازک چوب ساخته شده و در شیارهایی در دو طرف آن امتداد می‌یابد. ۳ - بخش مرکزی یک سرستون کورنتی، که از آن تزئینات برجسته بیرون می‌زند (نگاه کنید به شیوه‌های معماری*).

گشتالت (Ger.) Gestalt

(در زبان آلمانی به معنی «شکل گیری») اصطلاحی که از حوزه روانشناسی به نقد هنر مدرن وارد شد. روانشناسی گشتالت، که توسط ماکس ورتهایمر، کورت کوفکا و ولفگانگ کوهلر کشف شد، معتقد است که ماهیت اجزاء از طریق کلیت آن تعیین می‌یابند. و این که تمامی تجارب، از جمله تجربه زیبایی شناختی، مربوط به برخی ساختارهای اساسی است که نمی‌توان آنها را به اجزاء فرعی مجزا ساخت. نقد گشتالت در مقابل ایده همدلی قرار می‌گیرد و معتقد است که ما خود زیبایی و کیفیات حسی را در اثر هنری به نمایش در نمی‌آوریم بلکه ما آنها را در اثر هنری در انتظار خود می‌بینیم. حامیان هنر مینیمال مدعی‌اند که بیننده، «گشتالت خوب» را فرم‌های اصلی تشخیص می‌دهد.

انتخاب این نام قصد داشتند بر این واقعیت پای فشارند که نقاشی انتزاعی در ابعاد بزرگ آنان قادر است تمامی محدوده بینایی تماشاگر را در برگیرد و لذا یک موقعیت واقعی را برای وی پدید آورد.

Schildersbent گروه نقاشان

(در زبان هلندی به معنی «گروهی از نقاشان») گروه همبسته‌ای از هنرمندان هلندی و فلاندری از جمله پیتر ون لیر که در سده هفدهم در رم زندگی می‌کردند. همچنین نگاه کنید به نقاشی عروسی.

Novembergruppe (Ger.) گروه نوامبر

(در زبان آلمانی به معنی «گروه نوامبر») گروه هنری با گرایش‌های سیاسی چپ‌گرایانه که در نوامبر ۱۹۱۸ در برلین شکل گرفت و پیوندی بود بین اکسپرسیونیسم و دادائیسم. از جمله هنرمندان مرتبط با این گروه پیچستاین و کامپندونک بودند.



«گفتگو»، ۱۹۲۰، باسمة چوبی اثر ماکس بیچستن، که گویای جلوه‌های اکسپرسیونیستی آثار گروه نوامبر است.

Eight, the گروه هشت

گروهی از هنرمندان آمریکایی که در سال ۱۹۰۷ در اعتراض به هنر فرهنگستانی و با تلاش در جهت بازگرداندن نقاشی به زندگی روزمره، گرد هم آمدند.

nail head

گلمیخ هرمی

نوعی آذین ساختمانی کوچک به شکل مجموعه‌ای از هرم‌های چهار وجهی. گاه از آن برای تزئین ابزار استفاده می‌شود.

Holbein rugs

گلیم هولبین

گلیم ترکی سده شانزدهم و هفدهم با حاشیه‌ای مزین به حروف ساده شده کوفی با زمینه‌ای قرمز رنگ و منقوش به نقشمایه‌های هشت ضلعی به رنگ آبی و زرد. این گلیم‌ها بر اساس نام نقاش اروپایی هانس هولبین اسم گذاری شد، زیرا نمونه‌ای از این نوع گلیم‌ها در آثار نقاشی وی مشاهده شد.

Kilim

گلیم

(مأخوذ از واژه ترکی) نوعی قالیچه خاورمیانه‌ای، معمولاً دستبافت عشایری، که بدون پایه، و با طرحی یکسان در دو طرف آن، بافته می‌شود. مترادف: Karamani, pala

rotunda (Lat.)

گنبد خانه

۱ - ساختمان مدور ۲ - فضای مدور داخلی که معمولاً با یک گنبد پوشیده شده باشد. همچنین نگاه کنید به پرستشگاه خدایان (پانتئون).

dome

گنبد

نوعی طاق با منحنی یکنواخت و با قاعده دایره، بیضی یا چند ضلعی. مقطع عرضی آن می‌تواند هر شکلی از قوس باشد. گاه به غلط قبه خوانده می‌شود. *conch*، نیم گنبد: گنبدی با مقطع نیم دایره که به همراه یک دیوار نگه دارنده بالای مخارجه پشتخان را می‌پوشاند.

geodesic dome، گنبد نیم کره‌ای: گنبد سبک وزنی با شبکه‌ای از عضوهای محکم کوتاه که سطح گنبد را به خانه‌های منظمی که هر یک دیگری را حمایت می‌کند، تقسیم می‌کند (نوعی ساختار فضایی). این روش ساختمان سازی را مهندس آمریکایی باک مینستر فولر (۱۹۸۲ - ۱۸۹۵) ابداع و نامگذاری کرد. *onion dome*، گنبد پیازی: گنبدی که در معماری قرون وسطای روسیه و اروپای شرقی به کار می‌رفت و یکباره از پایه به صورت برآمده بالا می‌آید و سپس دوباره به سمت داخل متمایل می‌شود و تا نقطه بالایی آن اوج می‌کشد.

Semi - dome، نیم گنبد: ۱ - سقف مخارجه

slip

گل آب

آب گل رقیق شیری رنگ، غالباً متفاوت از رنگ بدنه ظرف، که برای پوشش دادن سطح آن (عمدتاً به جهت آبدی آن) و گاه برای تزئین آن و یا برای متصل کردن متعلقات جانبی آن [مثلاً وصل کردن دسته‌ها یا لوله] به کار می‌رود. همچنین نگاه کنید به گل آب سفال، سفالینه مخطوط.

engobe (Fr.)

گل آب سفال

(در زبان فرانسه به معنی «گل آب») در زبان انگلیسی به گل آبی گفته می‌شود که با آن سرتاسر سطح یک قطعه سفال را می‌پوشانند تا رنگ بدنه سفال پنهان شود.

terracotta (It.)

گل پخته

(در زبان ایتالیایی به معنی «گل پخته») ۱ - گل پخته بدون لعاب، که برای استفاده در ساختمان سازی، تزئینات معماری و مجسمه‌سازی به کار می‌رود. هنر اتروسک*، نقش برجسته* ۲ - رنگی که شبیه به رنگ گل پخته باشد.

گلدان گردن باریک

potiche (Fr.)

نوعی گلدان سفالی یا سرامیکی پر نقش و بدون دسته، گفته می‌شود که شکل آن مأخوذ از ظرف شراب برنزی چینی مربوط به دوره چو (۱۱۲۲ تا ۲۴۹ پیش از میلاد) است.

۱- گلدانی سرستونی ۲- جام آبخوری

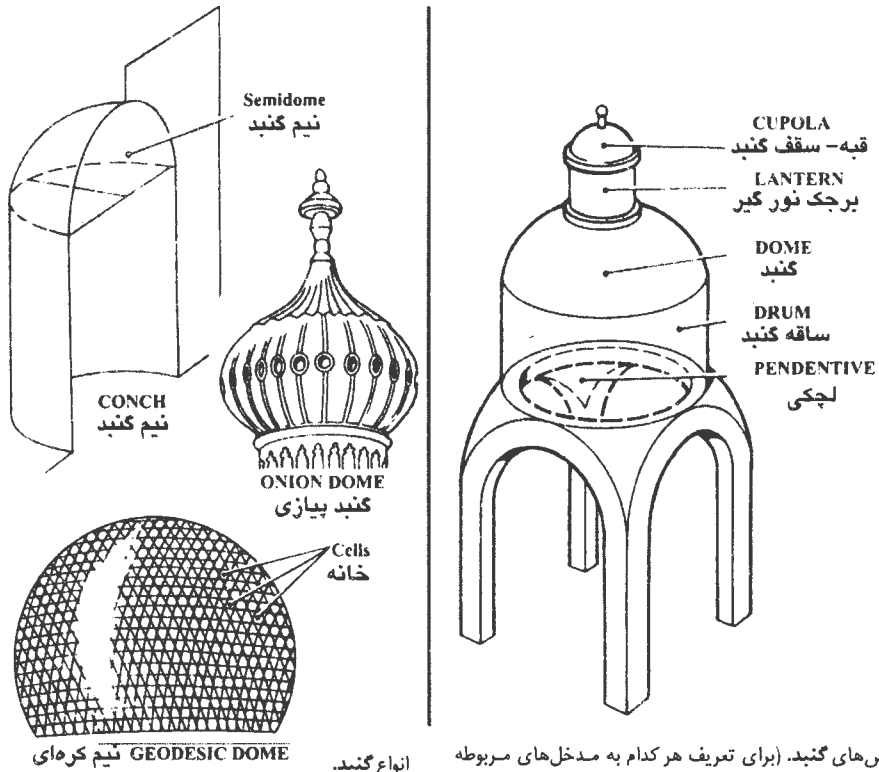
kalathos (Gk.)

۱ - سبد حصیری، یا شبیه سازی آن با مواد دیگر مثلاً سنگ. مطابق افسانه‌ها سرستون کورنتی از برگ کنگری تقلید شده که در یک سبد حصیری می‌روئیده است (شیوه‌های معماری*). در دوران مسیحیت از آنجا که از سبد حصیری برای نگهداری نان استفاده می‌شد، گلدان سرستونی به نمادی از عشاء ربانی بدل شد. ۲ - نوعی جام آبخوری یونانی به شکل سبد و بدون دسته (ظروف یونانی*).

boss

گلمیخ (قرصک تزئینی)

نوعی آذین برجسته. در معماری گوتیک، غالباً در محل تقاطع تویزه‌ها یا رگه‌های شبستان کلیسا قرار می‌گیرد. (نگاه کنید به کاتدرال گوتیک*)



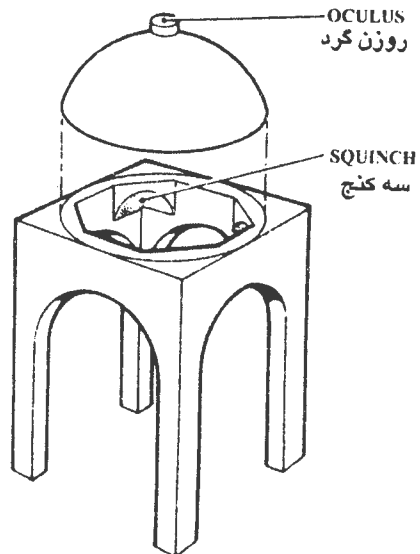
بخش‌های گنبد. (برای تعریف هر کدام به مدخل‌های مربوطه رجوع کنید.)

پشتخان کلیسا. که مقطع آن تشکیل یک نیم دایره یا کمتر از نیم دایره را بدهد. ۲ - گنبدی که انحناى آن آشکارا کند باشد.

گنجینه هنری Wunderkammer (Ger.)
(در زبان آلمانی به معنی «مخزن عجایب») مترادف: مجموعه نفایس هنری.

گواش gouache (Fr.)
(در زبان فرانسه به معنی «شست») نوعی آب رنگ مات. رنگدانه‌های آن دارای یک بست و پُر کننده سفید مات هستند (مانند گِل یا باریت) که ظاهری گچ مانند را حتی در رنگمایه‌های تیره پدید می‌آورد. مترادف: body colour, poster (paint).

گوبلن Gobelins
۱ - در آغاز به پارچه دست بافتی می‌گفتند که در کارخانه گوبلن ساخته می‌شد. اوج شکوفایی این



گوتیک آمریکایی American Gothic

جنبه‌های محجور و غریب‌تر نقاشی صحنه‌ای آمریکایی، که به‌طور نمونه‌وار در آثار هنرمندانی چون گرانت وود، که یکی از تابلوهایش همین عنوان را دارد، مشاهده می‌شود.

گوتیک آنگلوین Angevin Gothic

نوعی معماری گوتیک با قوس‌های کم‌خیز، به ویژه مربوط به دوره حکومت پادشاهان انگلیسی پلان‌تاین در اکتویتن (۱۴۲۳ - ۱۱۵۴).

گوتیک بک اشتاین Backsteingotik (Gr.)

(در زبان آلمانی به معنی «گوتیک آجری») معماری گوتیک آجری ساده شده‌ای که مشخصه نمونه‌وار سبک شمال آلمان محسوب می‌شود. این سبک در سده چهاردهم میلادی به اوج شکوفایی خود رسید.

گوتیک بین‌المللی International Gothic

شکل تحول یافته سبک گوتیک به ویژه در زمینه نقاشی و مجسمه‌سازی، که از حدود سال ۱۴۰۰ در سرتاسر اروپا به سمت تجمل‌گرایی درباری و طبیعت‌گرایی متمایل شد. در نقاشی از این عنوان برای اشاره به آثار پیزانلو و جنتیله دو فابریانو در ایتالیا، آندره بونونیو در فرانسه و برناردو مارتورل در اسپانیا استفاده می‌شود.

گوتیک چوبی Carpenters' Gothic, Carpenteresque

معماری چوبی امریکای شمالی سده نوزدهم، که با شبکه کاری (گره‌بندی) به سبک احیاء گوتیک تزئین می‌شد.

گوتیک شعاع سان rayonnant (Fr.)

به صورت شعاعی. به طور خاص برای توری کاری گوتیک فرانسوی به کار می‌رود.

گوتیک شعله‌سان**Flamboyant style (Fr.)**

(از واژه فرانسوی flamboyer به معنی «شعله‌ور شدن») آخرین مرحله تکامل سبک معماری گوتیک فرانسه، از حدود ۱۴۶۰ به بعد، که در آن خطوط موج زیبای مشبک کاری شکل‌های شبیه شعله‌های آتش را پدید می‌آورد.

کارخانه نخست در دوره لویی چهاردهم و بعد در اواخر سده یازدهم بود. تولیدات آن به روش بافت پارچه تاربند بود و طیف بی‌شماری از انواع پارچه دست‌بافت از طرح‌های باروک لوبرون تا پارچه‌های دست‌بافت آلتورس استادانه اواخر سده هجدهم را در بر می‌گیرد. ۲ - حال گاه به عنوان نامی عام برای اطلاق به پارچه دست‌بافت، به ویژه به تقلید از سبک گوبلن قدیمی به کار می‌رود.

گوتیک Gothic

واژه‌ای که حال برای توصیف تمامی هنر قرون وسطا از اواخر دوره رومانسک (اواسط سده دوازدهم) تا آغاز رنسانس (اوائل سده پانزدهم)، به ویژه برای معماری با قوس‌ها، تویزه‌ها و طاق‌های و... نوک تیز به کار می‌رود. به طور قراردادی سبک گوتیک انگلیسی را بر اساس نگاهل و تحول شکل پنجره‌ها به گوتیک متقدم انگلیسی تا سبک گوتیک مزین و گوتیک قائم طبقه‌بندی می‌کنند. این اصطلاح را معماران رنسانس برای استهزاء نسل بلافصل متقدشان به عنوان معماری منسوب به «گوت‌ها» (یا بربرها) ابداع کردند.



گوتیک: تالار نیایش در صومعه وست‌مینستر، ۵۳ - ۱۲۴۵، که در آن قوس‌های نوک تیز، طاق‌های تویزه و گروه جرز ساختار بنا را در مرکز نگه داشته‌اند در زیر پنجره‌ها طاقما (طاق‌های کاذب) قرار دارد.

گوتیک قائم Perpendicular style

آخرین سبک مهم معماری گوتیک انگلیسی. منشاء ظهور آن به اواخر سده چهاردهم، پس از شیوع مرگ سیاه می‌رسد. (شیوع بیماری موجب فقدان و کمبود استادکاران ماهری شد که قادر به اجرای آثار ماهرانه به سبک گوتیک مزین بودند). مشخصه این سبک ساده سازی و خطوط راست خط و قائم و تاکید اغراق آمیز بر خطوط عمودی اوج کشیده بود. تا اواخر تکامل این سبک، قوس‌های نوکتیز گوتیک به طور فزاینده پهن‌تر شد. سبک متضاهرانه معادل فرانسوی برای این سبک انگلیسی است.

گوتیک متأخر آلمانی

Sondergotik (Ger.)

(در زبان آلمانی به معنی «گوتیک استثنایی») معماری گوتیک متأخر آلمانی (اواسط سده چهاردهم تا شانزدهم) که به خاطر طاق‌بندی‌های ظریف و استادانه و توری کاری‌های ملبله کاری شده، متمایز است. این اصطلاح را کورت گزشتنبرگ تاریخ‌شناس هنر آلمانی در سال ۱۹۱۲ ابداع کرد.

گوتیک متقدم انگلیسی Early English

اولین نوع معماری گوتیک انگلیسی، که مشخصه آن کاربرد پنجره‌های نوک تیز و باریک و بدون وادار بود. این سبک با ساخت جایگاه همخوانان کاتدرال کانتربری (شروع ۱۱۷۴) ظهور یافت که تزئینات بخش‌های بالایی آن در سده بعد، به سبک گوتیک مزین، تکمیل شد.

گوتیک مزین Decorated style

سبک معماری گوتیک انگلیسی اواخر سده سیزدهم - نیمه اول سده چهاردهم مابین گوتیک انگلیسی متقدم و گوتیک قائم که مشخصه آن کاربرد اغراق آمیز تزئینات، به ویژه تزئینات برگی بود. در این سبک پنجره‌های توری کاری شده جایگزین پنجره‌های سرنیزه‌های ساده شد و در توری کاری قوس‌ها و پنجره‌ها به طور مفرط از منحنی‌های بیضوی و منحنی‌های S شکل استفاده می‌شد.

گورتاوه سنگ Cist (Fr.Lat)

(مأخوذ از واژه لاتین Cista به معنی «جعبه») ۱ - محفظه برنزی کوچک درپوش‌دار که برای نگهداری لوازم آرایش یا برای نگه‌داری اشیاء آیینی به‌کار



تابلوی مادونا اثر جنتیل دوفابریانو در محجر محراب Quaratesi، ۱۴۲۵، که جلوه نمونه‌واری از سبک گوتیک بین‌المللی را با ظرافت، مهارت و رنگ‌های غنی به نمایش می‌گذارد.



سبک گوتیک قائم: خطوط اوج کشیده ولی ساده کلیسای سنت بوتولف، بوستون سده‌های چهاردهم - شانزدهم.

می‌رفت. به ویژه از نوعی که مورد استفاده یونانیان باستان و اتروسک‌ها بود. ۲ - جعبه نسبتاً بزرگ سنگی یا سفالی که برای نگهداری بازمانده‌های متوفی به کار می‌رود.

گورخانه دخمه‌ای catacomb

گورستان زیر زمینی با دالان‌ها و اتاق‌های مرتبط به هم و طاقچه‌هایی برای نگه‌داری خاکستر جسد.

گورخانه لانه کفتری columbarium (Lat)

(در زبان لاتین به معنی «لانه کبوتر») اتاق تدفین شامل تعداد زیاد طاقچه برای نگه‌داری خاکستر جسد.

گورستان campo Santo (It)

معادل ایتالیایی گورستان (در معنای تحت الفظی «محدوده مقدس»).

گورستان خاکستران اجساد

cinerrarium (Lat)

مکانی برای نگه‌داری خاکستر جسد سوزانده شده.

گورستان عمومی necropolis (Gk.)

(در زبان یونانی به معنی «شهر مردگان») گورستان یا مکان دفن مردگان.

گور سرباز گمنام cenotaph

نوعی بنای یادمانی که برای یک فرد یا گروهی از افراد که اجسادشان گمشده یا در جای دیگری خاک شده، برپا می‌شود.

گورکانان هند

Mughal, Mogul art

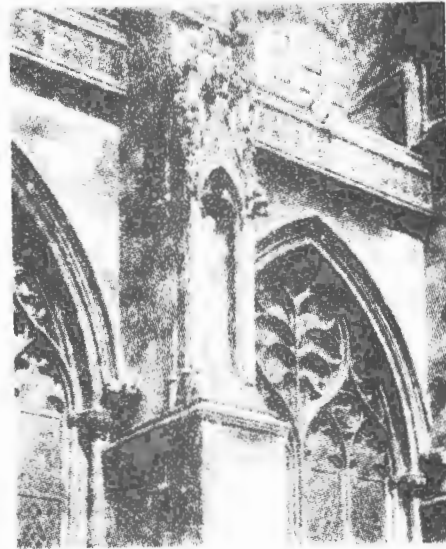
هنر مسلمانان دربار هند، که فعالیت آن با امپراطوری بابر (۳۰ - ۱۵۲۶) آغاز می‌شود و با طغیان هندیان به پایان می‌رسد.

گوریدون guéridon (Fr.)

میز یا صفحه بسیار کوچک که با یک پایه مرکزی (غالباً یک پیکره چوبی برجسته کاری شده) و گاه به منظور پایه شمعدان به کار می‌رود. این اصطلاح از نام یک شخصیت مغربی در یک نمایش فرانسوی اواخر سده هفدهم اخذ شده است.



دیوار جنوبی خدمتگاه کشیشان در کاتدرال روچستر، ۱۲۱۴، با پنجره‌های باریک و نوک تیز که مشخصه سبک گوتیک متقدم انگلیس است.



گوتیک مزین: بخشی از کلیسای بیورلی، یورک‌شایر، که به روشنی گویای مشخصه منحنی‌های چنغالی در توری‌کاری، و کاربرد مفرط تزئینات سرناره‌ها است.

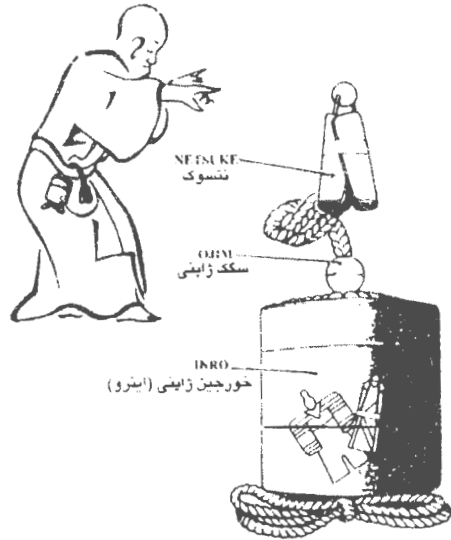
ل

لا، نوار چوبی
 رشته‌هایی از چوب یا فلز که برای خاتمکاری تزئینی روی حاشیه‌های یک قطعه مبلمان به کار می‌رود.

لاتین‌وار، ایتالیک
 ۱ - مربوط به تمدن‌های ایتالیای باستان، تا سده اول پیش از میلاد، به استثناء رومی‌ها، اتروریایی‌ها و کلونزی‌های یونانی در جنوب ایتالیا. ۲ - نوعی خسوشنویسی* که نخستین بار توسط اومانیت‌های ایتالیایی سده پنزدهم به کار رفت و در آن شکل حروف به صورت مورب و خوابیده نوشته می‌شد. ۲ - انواع حروف چاپی* که مطابق این شکل طراحی شده باشند.

لاک الکل
 جلای ضد آب و به شدت سختی که در شرق دور ابداع شد. نوعی از آن از صمغ یک درخت (Rhus vernicifera) ساخته می‌شود که در صورت تماس با هوا سفت می‌گردد. برای کاربرد این صمغ به‌عنوان لاک الکل تنها کافی است که آن را صاف کرده و حرارت داده تا حجم مایع کاهش یابد. می‌توان آن را به صورت چند لایه به کار برد، در لایه‌ها آنقدر حکم هستند که بتران به آن برجستگی داد. (لاک الکل کروماندل به همین روش ساخته می‌شود). نوع دیگر آن (شلاک) از تقطیر ترشحات مگس شیر (cacus lacca)، به روش تزریق موجودات در آب جوش تهیه می‌شود. این ترشحات، که «لاک» گفته می‌شود، بعداً تا حد خرده‌های نازک و ریزی ذوب می‌شود و در الکل حل می‌گردد. بدین ترتیب می‌توان آن را به عنوان لاک الکل به کار برد. همچنین نگاه کنید به لاک الکل تقلیدی، لاک الکل مارتین.

لاک الکل تقلیدی (ژاپنی)
 تقلید اروپاییان از آثار لاک الکل شرقی که به روش‌های مختلف ساخته می‌شوند.



گیره نوتسوک ساده که محل قرارگیری آن در لباس سنتی ژاپنی مشخص شده است.

گوری
 گوری (Jap.)
 نوعی لاک الکل که از چند لایه با رنگ‌های مختلف ساخته شده و نهایتاً کنده‌کاری می‌شوند تا لایه‌های زیرین سطح آشکار گردد.

گوژکاری
 embossing
 هر روشی - ریخته‌گری، قلم‌زنی، مهر زنی، برجسته سازی یا قالب‌گیری - که در آن نقش یا ترکیب بندی تصویر به صورت برجسته بیرون بزند. گاه به عنوان مترادفی برای برجسته کاری هم به کار می‌رود.

گیره نوتسوک
 netsuke (jap.)
 نوعی گیره چوبی ژاپنی به شکل یک مجسمه مینیاتوری، برای بستن قسمت بالای طناب ابریشمی که خورجین ژاپنی (ایبرو) را به شال کیمونو وصل می‌کند. معمولاً با عاج و مواد دیگری همچون چوب و شاخ ساخته می‌شوند و با موضوعات بسیار متنوعی همچون حیوانات و تصاویری از داستان‌های عامیانه ژاپنی مزین می‌شوند.

گیلویی
 necking
 ابزار باریکی که سر ستون را از ستون نگه دارنده آن مجزا می‌سازد. (شیوه‌های معماری*)

lac burgaute (Fr.)

لاک صدفی

لاک الکل سیاه که با پوسته داخلی صدف خاتمکاری و تزئین شده است. گاه در آثار چینی کشور چین هم به کار برده می‌شود.

frottie

لایه رقیق رنگ، آستر زنی رقیق

سایه رقیق و شفاف یا نیمه شفاف که هنرمند به هنگام شروع کار نقاشی بر روی زمینه کار خود می‌کشد.

fascia, facia

لب بند

۱ - در معماری کلاسیک، به یکی از دسته‌های افقی ساده که فرسب را شکل می‌دهد اطلاق می‌شود (پیشانی*، شیوه‌های معماری**). ۲ - (یا fascial board) در معماری مدرن صفحه مسطح چوبی متصل به انتهای لنگه خریا (یا به تیرسر دیواری) که به عنوان محلی برای اتصال ناودانی دور لبه بام به کار می‌رود. ۳ - نوار پهن بالای پنجره فروشگاه که حروف بر روی آن قرار می‌گیرد. ۴ - به مجموعه کل پیشخوان فروشگاه هم اطلاق می‌شود.

chamfer

لب پنخ

۱ - سطح مایلی که با پنخ کردن یک تیزه، معمولاً با زاویه ۴۵° ساخته می‌شود. ۲ - قسمت پنخ پایه یک دیوار خارجی.

deckle edge

لبه ناصاف

حاشیه نامنظم و مندرسی که در کاغذ پیرایش نشده دست ساز مشاهده می‌شود، که گاه برای کاغذهای ماشین‌ساز نیز تقلید می‌شود.

Pendentive

لچکی

سطح مثلثی شکل منحنی که یک گنبد* یا ساقه ننگه‌دارنده آن را به فضای مربع شکل زیر آن وصل می‌کند.

solder

لحیم

نوعی آلیاژ که برای اتصال دو سطح فلزی به یکدیگر استفاده می‌شود، و دارای دمای ذوبی پایین‌تر از دمای ذوب دو فلزی است که باید به هم متصل شوند.

glaze

لغاب

۱ - در سرامیک و سفال به ماده زجاجی اطلاق

togidashi (Jap.)

لاک الکل صیقلی

(در زبان ژاپنی به معنی «کاملاً صیقلی») نوعی لاک الکل که در آن نخست طرح با به کارگیری مکرر لاک الکل و خاک طلا بر روی زمینه اجرا می‌شود و سپس بالای‌هایی از لاک الکل شفاف که برای کل نقش و زمینه کفایت کند پوشیده می‌شود. وقتی این همه به صورت هموار صیقل خورد، طرح به صورت نقش برجسته در زیر پوشش شفاف ظاهر خواهد شد.

لاک الکل کروماندال

Coromandel lacquer

نوعی لاک الکل منقور به رنگ روشن، که از سده هفدهم به بعد برای صدور به کشور چین ساخته می‌شد. از آنجا که این آثار از طریق اسکله‌های تجاری کمپانی هند شرقی بریتانیا در بندر کروماندال هند بازرگاری می‌شد، به همین نام خوانده شد.

vernis Martin

لاک الکل مارتین

نوعی لاک الکل تقلیدی که طی سده هیجدهم در فرانسه ساخته می‌شده و بر اساس نام گیوم مارتین (مرگ ۱۷۴۹) و سه برادر وی نام گذاری شد. این لاک الکل اساساً یک جلای با بافت بسیار ظریف بود، و حدوداً تا ۴۰ لایه به کار می‌رفت تا جلوه نهایی حاصل شود.

لاک الکل مطلا (ژاپنی)

nashiji (jap.)

(در زبان ژاپنی به معنی «زمینه مروارید») تزئینات لاک الکل ضخیم که از لایه‌های مختلفی ساخته شده و بر سطح هر لایه تکه‌های ورق طلا پراکنده شده، و لذا به نظر می‌رسد تکه‌های طلا در عمق‌های مختلف بین لایه‌ها معلق شده‌اند.

Negoro (jap.)

لاک الکل نگرو

نوعی لاک الکل ژاپنی که بر اساس نام معبد نگرو در استان «کو» که نخستین بار در آنجا ساخته شد، نام گذاری شده است. در این آثار لاک الکل شنگرف بر زمینه‌ای مشکی پوشیده می‌شود. اما به مرور با مستهلک شدن آن رنگ قرمز پاک می‌شود، لذا زمینه مشکی به صورت لکه لکه زیر آن آشکار می‌گردد، اما بعدها همین جلوه به طور آگاهانه مورد تقلید صنعتگران قرار گرفت.



ظرف و جعبه با لعاب سلدون و نقوش نمونه‌وار لوتوس. دوره سونگی.

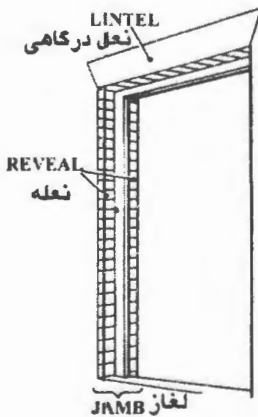
نقاط اروپا منتقل شد. مایولیکا، فاینس و دلف همگی انواع مختلفی از سفالینه لعاب قلع هستند.

لعابکاری ترک دار crazing

ترک‌هایی که در اثر انقباض نابرابر یا سرد شدن سریع در مواد زجاجی (لعاب، شیشه یا مینا) پدید می‌آید. این پدیده در آثار سفالی به دلیل تفاوت میزان انقباض لعاب و بدنه سفال حاصل می‌شود، گاه از این جلوه تمعداً به عنوان یک مشخصه تزئینی استفاده می‌شود. ظهور چنین پدیده‌ای را در آثار سفالی ترک خوردگی می‌نامند. (سفالینه‌های جُو*)

لغاز jamb

ضلع جانبی یک پنجره، در، یا دیگر دهانه درون دیوار.



لغاز پنجره.

می‌شود که برای پوشش دادن بدنه سفال جهت نفوذناپذیری در برابر آب طراحی شده، و نیز به عنوان پوششی تزئینی استفاده می‌شود. ۲ - در نقاشی به لایه شفاف رنگ که بر روی یک لایه دیگر یا بر روی زمینه‌ای با رنگ متفاوت گذاشته می‌شود تا آن را تغییر رنگ دهد. ۳ - پر کردن پنجره با قاب بندی شیشه‌ای.

لعاب خون رنگ sang de boeuf (Fr.)

(در زبان فرانسه به معنی «خون گاو نر») لعاب قرمز رنگ با ضخامت ناهموار مأخوذ از مس، که تصور می‌شود شبیه به خون دلمه بسته گاو نر است، چینی‌ها از اواخر سده هفدهم از این لعاب استفاده می‌کردند، و در سده نوزدهم سفالگرانی که با جنبش هنر و صنایع دستی در ارتباط بودند، مجدداً کاربرد آن را احیاء کردند.

لعاب زنی بوم Imprimitura (It.)

(در زبان ایتالیایی به معنی «پوشش اولیه») شست یا لعابی از یک رنگ رقیق که برای ایجاد سایه یا ته رنگ، پیش از نقاشی بر زمینه بوم یا لته چوبی سفید می‌زنند.

لعاب زنی پوششی velatura (It.)

(در زبان ایتالیایی به معنی «پوشاندن») مترادف لعاب زنی بوم.

لعاب سلدون (زیتونی روشن) celadon

اصطلاحی اروپایی برای سفالینه‌های نشکن یا ظروف چینی با لعاب زیتونی روشن کشور چین. احتمالاً این نام از شخصیت تخیلی سلدون در پاستورال ستارگان اثر اونور دو ارفه که رویان‌های سبز خاکستری به تن داشت اخذ شده است.

لعاب سیاه (بسالت) basaltes

نوعی سفال نشکن بدون لعاب سیاه و سخت که یوشع ووج وود ابداع کرد و برای نخستین بار در سال ۱۷۶۶ تولید شد.

لعاب قلع tin glaze

لعاب کدر سفید شامل قلع، که در سده نهم در بغداد برای رقابت با سرامیک چینی ابداع شد و از آن جا به اسپانیای مغربی و از سده سیزدهم به بعد به باقی



لوح نقش برجسته قائم مرمری دکسیلوس، که به صورت نقش برجسته حجاری شده است. آتیک، ۳۹۴ ق.م.

لوح نقش برجسته قائم (Gk.) *stele, stela*
 (در زبان یونانی به معنی «قالب قائم») صفحه قائمی که معمولاً به عنوان سنگ مزار به ویژه در یونان باستان به کار می‌رفت. این لوح‌ها می‌توانست به صورت شیاردار، نقش برجسته یا نقاشی شده باشد.

لیتوگرافی، چاپ سنگی *lithography*
 نوعی روش چاپ که طی آن طرح با مواد روغنی بر روی یک سنگ آهک مخلخل با منافذ ریز یا بر روی یک ورق زینک رسم می‌شود، سپس سنگ یا صفحه را خیس می‌کنند و بر روی آن مرکب روغنی می‌زنند که فقط جذب خطوط طرح خواهد شد. برای چاپ سنگی، کاغذ را مرطوب کرده و بر روی سنگ می‌گذارند و سپس با میزان فشار مشخصی آن را مالش می‌دهند تا نقش نهایی روی کاغذ چاپ شود. (دروازه دو برجی*)

لیسه زنی

scraperboard, scratchboard (Us.)
 نوعی سطح طراحی از جنس بتونه گچی نرم، که با

foring

لک نمور
 ظهور لکه‌های قهوه‌ای بر روی کاغذ که در اثر رطوبت پدید می‌آید.

plate

لوح
 ۱ - یک قطعه فلز که طرحی بر آن گودکنی یا حکاکی تیزابی شده و برای چاپ استفاده می‌شود. ۲ - قسمتی از یک قفل، لولا یا دسته که به در یا یک قطعه مبلمان وصل می‌شود. ۳ - میله‌ای به اندازه طول دیوار و متصل به آن که اتصالات یا الوارهای بام را نگه می‌دارد. ۴ - طلا و نقره، یا اشیائی از جنس طلا و نقره (در این مفهوم، اصطلاح مأخوذ از واژه اسپانیایی *Plata* به معنی «نقره» است). ۵ - در مفهوم عام‌تر، چیزی که با لایه‌ای از یک فلز قیمتی پوشیده یا آبکاری می‌شود (نگاه کنید به آبکاری برقی). ۶ - یک قطعه شیشه که با امولسیون حساس به نور پوشیده شده باشد، و به عنوان نسخه نگاتیف در دوربین آتلیه به کار می‌رود.

shingle

لوح پوششی چوبی
 قطعه مستطیلی شکل نازک از چوب که به جای کاشی برای پوشش سقف و برای روکش کاری تزئینی به کار می‌رود. (در ایالات متحده از لوح‌های فلزی هم استفاده می‌شود.)

block

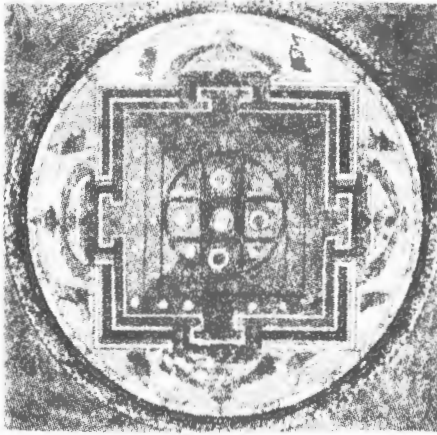
لوح چاپ
 یک قطعه چوب یا فلز که به صورت نقش برجسته حکاکی شده باشد و برای چاپ یک تصویر یا برای مهر کردن نقشی بر روی صفحه به کار رود.

sheffield plate

لوح شفیلد
 اشیائی که به تقلید از نقره همیسته، از مسی ساخته می‌شود که بین دو ورق نازک نقره غلتاننده شده است. این روش در حدود سال ۱۷۴۲ کشف شد و از سال ۱۸۴۰ روش آبکاری فلزی جایگزین آن شد.

۱ - لوح نقش برجسته، ۲ - لوح مینایی
plaque (Fr.)

۱ - لوح نقش برجسته کوچکی شبیه مدال، با این تفاوت که فقط دارای یک رو است و بیشتر مستطیلی یا به شکل نامنظم است تا دایره. ۲ - لوح کوچکی که با مینا پوشیده شده و به سطح یک شیء چسبیده شده باشد.



نمونه‌ای از مجموعه نه‌تایی ماندالا ماخوذ از یک تانکای تبتی سده نوزدهم.

ماندالا (نمودار عالم وجود) (SKr.)
 (در زبان سانسکریت به معنی «صفحه گرد، دایره») بازنمایی نموداری شکل کیهان یا برخی از جوانب آن، که در مذاهب شرقی به عنوان عاملی برای تعمق و تفکر به کار می‌رفت و به کرات در هنر بودایی ظاهر شده است. همچنین نگاه کنید به یانترا.

مایع ثبوت، فیکساتیو
fixative
 نوعی محلول بدون رنگ که بر روی طرحی از مواد ناپایدار همچون گچ، پاستل یا زغال می‌زنند تا آن را در جای خود تثبیت کرده و از لک شدن آن جلوگیری کنند.

مایه رنگ
Key
 معدل ارزش رنگ‌های سایه روشن در یک نقاشی. نقاشی «مایه روشن» به سفید نزدیک‌تر است تا به سیاه، و نقاشی «مایه تیره» بر عکس به سیاه نزدیک‌تر است.

میلان انحصاری
patent furniture
 نوعی میلان، غالباً مجهز به ساز و کارهای مبتکرانه، که دو یا چند عملکرد را انجام می‌دهند و می‌توانستند باز و بسته شوند، تغییر مکان دهند، در چند حالت مختلف تنظیم شوند و... این نام گذاری که به اوایل سده نوزدهم باز می‌گردد بیانگر این واقعیت است که به کارگیری، مشخصات مکانیکی در میلان تابع مقررات حق انحصاری بود. بسیاری از نمونه‌ها

مرکب پوشیده می‌شود و وقتی سطح کار خشک شود می‌توان با یک وسیله نوک تیز مرکب را خراش داد و خطوط سفیدی پدید آورد.



ماتی زدگی جلا
bloom
 افزایش میزان کدوری روی سطوح جلا خورده، بویژه در شرایط جوی مرطوب.

مادرا (وضع رمزی دست‌ها)
mudra (skr.)
 حالت قرارگیری دست در هنر هندی که حس یا کنش خاصی را همچون، حمایت، شفقت، تمرکز یا آموزش نشان می‌دهد.

ماده اثر هنری
matière (Fr.)
 (در زبان فرانسه به معنی «ماده») ماده فیزیکی یک اثر هنری. امروزه این اصطلاح به ویژه برای اطلاق به رنگ به کار می‌رود.

ماسه فشانی، سندبلاست
sand blasting
 روشی برای تزئین شیشه، طلا یا بتون یا برای تمیز کردن سنگ، فلز و غیره که طی آن جریان شدید شن به سمت شیء گرفته می‌شود و باعث خرد شدن ذرات سنگی یا آهنی روی سطح مورد نظر می‌شود. قسمتی که باید همچنان صاف بماند، با یک شاولون یا نوعی پوشش محافظ می‌پوشانند. از این روش نخستین بار در سال ۱۸۷۰ در ایالات متحده (و برای تزئین شیشه) استفاده شد.

ماکت
maquette (Fr.)
 (به زبان فرانسوی به معنی «مدل») طرح سه بعدی کوچک، معمولاً با شکل خام، برای مجسمه‌سازی. همچنین نگاه کنید به نمونه کوچک پیکره.

مانا
mana (Tahitian)
 ماهیت رازآمیز یک شیء، ساختمان یا مکان.

مبلمان قابل مونتاژ

knock – down furniture

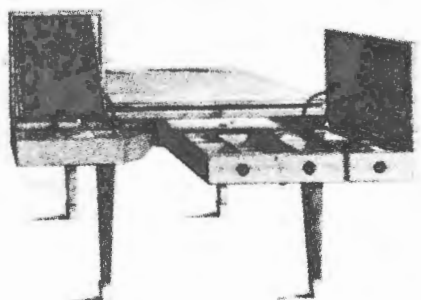
مبلمانی که می‌توان قطعات آن را از همدیگر جدا ساخت و به صورت کاملاً مسطح بسته بندی کرد. مترادف Package furniture.

مبلمان کمدمی

case – Furniture
قطعه مبلمانی که به عنوان کمد به کار رود، مثلاً میز تحریر، جاکتابی، کمد کشویی.

مبلمان کوئیکرها

Shaker furniture
مبلمانی که در اواخر سده هیجدهم توسط گروه مسیحی «کوئیکران لِرزان» (انجمن وحدت معتقدین به ظهور دوباره مسیح) در امریکای شمالی ساخته می‌شد، در آغاز برای مصرف شخصی، و بعدها برای فروش ساخته می‌شدند. سادگی مفرط این نوع مبلمان‌ها که مشخصه آنها محسوب می‌شد و خود بازتابی از عقیده کوئیکرها به زندگی ساده بود، واجد نوعی زیبایی نادر نمونه‌وار و منحصر به فرد بود. فرم‌های آنها مأخوذ از نقوش روستایی سده هیجدهم انگلیس بود.



مبلمان انحصاری: میز آرایش اثر رود، مأخوذ از «کتاب راهنمای کم‌دسازان و رومبل‌سازان»، ۱۷۸۸، که گویای ابتکارات ویژه‌ای برای انجام کاربردهای مختلف است.

به اواخر سده هیجدهم تا اواسط سده نوزدهم مربوط می‌شود. مترادف: *mechanical furniture*.

مبلمان چیپندال

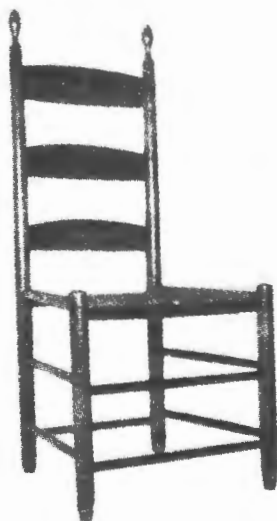
Chippendal
مبلمان انگلیسی به سبک روکوکو مملو از تزئینات برجسته کاری چوبی، غالباً به صورت مشبک کاری (مثلاً در پشتی صندلی و کاکل). نام این روش مأخوذ از نام توماس چیپندال (۱۷۱۸ - ۷۹) طراح و میل‌ساز انگلیسی است که کتابی مشتمل بر طرح‌هایی از این نوع در سال ۱۷۴۵ تهیه کرد (نگاه کنید به پایه پایزی*).

مبلمان رسولان

mission furniture
مبلمان بسیار کوچکی که در اوائل سده بیستم به تقلید از مبلمان‌های جنبش هنر و صنایع دستی انگلیس در امریکا ساخته می‌شد. در مورد ریشه معنایی کلمه «mission» مناقشه است. ممکن است به دلیل ارتباط آن با پایگاه‌های «مبلغین» فرانسوی‌سکن‌ها در کالیفرنیا باشد، یا مربوط به تأکید عملکرد گرایان که مدعیند تمامی مبلمان‌ها دارای یک «رسالت» واحدند؛ یعنی این که به طور صحیح کارا و کارآمد باشند.

مبلمان ساز

menuisier (Fr.)
در ابتدا به معنی سازنده اشیاء کوچک (menu) بود. در اواسط سده هیجدهم به معنی دروگر تبدیل شد - صندلی‌ساز یا سازنده مبلمان - در مقابل آبنوس کار یا کمد سازی که با روکش سر و کار دارد، (همچنین نگاه کنید به درودگری ساختمان).



صندلی پشتی‌دار (نردبانی) از چوب افرا با نشیمن حصیری نمونه شاخصی از سبک مبلمان کوئیکرها، اواسط سده نوزدهم.

مجسمه‌ها از دهه ۱۹۶۰ و توسط هنرمندان پاپ آرت همچون کلسی اولدنبرگ آغاز شد، اما از آن پس در دست هنرمندان مینیمال و هنر فرایندی نظیر رابرت موریس بسیار تکامل یافت.

مجموع نفایس هنری

Kunstkammer (Ger.)

(در زبان آلمانی به معنی «حجره هنر») مجموعه اشیاء هنری و عجیب و غریب که شاهزادگان و نجبای آلمانی در سده‌های شانزدهم و هفدهم جمع‌آوری می‌کردند. علارغم تنوع و تکثر مشخصه‌ها و ویژگی‌های آنها، این مجموعه‌ها پیشقراولان موزه‌هایی هستند که امروزه شناسیم. مترادف: Wunderkammer.

مجموعه آثار هنری

oeuvre (Fr.) (در زبان فرانسه به معنی «اثر، کار») مجموع کلیه آثار عرضه شده یک هنرمند.

مجموعه اشیاء نفیس

cabinet of curioities

۱ - در سده‌های هفدهم و هیجدهم به کمندی اطلاق می‌شد که مجموعه‌ای از اشیاء نفیس در آن نگهداری می‌شد. ۲ - به خود این مجموعه اشیاء هم اطلاق می‌شود.

محافظ خنجر ژاپنی

tsuba (Jap.)

محراب بزرگ

pala (d'altare) (It.) همچنین نگاه کنید به جداگر محراب.

محراب

altarpiece اثر هنری هدایی که در بالا یا پشت محراب در کلیسای مسیحی قرار می‌گیرد. می‌تواند به صورت نقاشی شده یا مجسمه باشد و حکایتی از کتاب مقدس، یک شخصیت مقدس یا زندگی یک قدیس را بازنمایی کند. بسیاری از این آثار دارای صحنه‌های متکثر و چندلندی هستند که به نحوی با یکدیگر لولا شده‌اند و بسته به موقعیت قرارگیریشان، می‌توانند صحنه‌هایی را آشکار یا پنهان سازند. همچنین نگاه کنید به تزئین پا محراب، جدار تزئینی محراب.

محراب اصلی

high altar محراب اصلی در کلیسا یا معبد.

مجسمه

sculpture ۱ - هر نوع اثر هنری که به صورت سه بعدی اجرا شده باشد. ۲ - با ظهور هنر مفهومی در دهه ۱۹۷۰ این اصطلاح برای اطلاق به طیف گسترده‌تری از آثار هنری پیشرو، که گاه صرفاً شامل مجموعه‌ای از جملات نوشته شده بود (مثلاً آثار لورنس واینز) و گاه تلفیقی بود از بُعد زمان و بُعد مکان، استفاده شد. وقتی ریچارد لانگ هنرمند انگلیسی یکی از راهپیمایی‌های برنامه‌ریزی شده خود را در یک منطقه انجام داد و آنچه را که انجام داده بود، بر روی نقشه ثبت کرد، این کنش نیز به عنوان «مجسمه» خوانده شد. از این رو امروزه از این اصطلاح برای اطلاق به تقریباً هر نوع شکل فعالیت هنری تجسمی به غیر از نقاشی استفاده می‌شود.

مجسمه نرم

soft sculpture مجسمه‌ای که از مواد «نرم» (مثلاً از پارچه، طناب، وینیل، کائوچو و غیره) ساخته شده باشد و به حالت لخت و آویخته شکل بگیرد. ساخت این نوع



مجسمه نرم: نردبان، چکش، اره و سطل نرم، اثر کلاس الدونبرگ، ۱۹۶۷، متشکل از بوم‌هایی که با لاستیک اسفنجی پوشیده شده است.

پوشیده می‌شود و غالباً برای ساخت دیوار استفاده می‌گردد؛ به ویژه برای پر کردن ساختمان‌های الوار گچی، در دوره‌های قرون وسطا و نئودورها.

مداد رنگی crayon

۱ - در مفهوم خاص، رنگدانه و گچی که با چسب یکپارچه شده و به صورت میله‌ای ساخته می‌شود و می‌توان با آن طراحی کرد. ۲ - حال با مفهومی عام‌تر به ترکیب رنگدانه با موم برای ساخت نوک مداد طراحی اطلاق می‌شود.

مدال medal

یک قطعه فلزی کوچک، معمولاً از جنس طلا، نقره یا برنز، که بر یک طرف آن یک طرح نقش برجسته کار شده و غالباً به رسم یادبود به تار می‌رود. مدال، برخلاف سکه، به روش قالبگیری ساخته می‌شود و نه ضرب زنی.

مدال کوچک medalet

مدرسه medrese, madrasah (Arabic)

مدرسه یا حوزه اسلامی. که غالباً به صورت یک حیاط به مسجد متصل است.

مدرسه هنرهای زیبا (بوزار)

Beaux - Arts

۱ - مرتبط با مدرسه هنرهای زیبای پاریس که در سال ۱۶۷۱ تأسیس شد، یا مربوط به اداره دولتی هنرهای زیبای فرانسه، که به عنوان «بوزار» هم معروف است. ۲ - در معماری، سبک فرهنگستانی و نخبه گرایانه سده‌های نوزدهم و بیستم، که توسط دانش آموختگان مدرسه بوزار و کسانی که از همان اصول پیروی می‌کردند، به خدمت گرفته شد.

مدل modello (It.)

(در زبان ایتالیایی به معنی «مدل، الگو، آدمک مفصلی») نسخه کوچک و غالباً کاملاً پرداخت شده از یک نقاشی یا مجسمه، که برای عرضه به سفارش دهنده ساخته می‌شود تا آنچه مورد نظر است نمایش دهد.

مدول module

اصطلاحی در معماری مدرن برای توصیف هر نوع

محراب (مسجد) mihrab (Arabic)

تورفتگی درون دیوار یک مسجد که نشان دهنده جهت رو به قبله (مکه) است.

محراب (زاویه) sanctuary

بخشی از کلیسا یا معبد که شامل محراب اصلی یا تصویری از الهه‌گان است، و لذا به عنوان مکانی مقدس‌تر از دیگر بخش‌های ملاحظه می‌شود. همچنین نگاه کنید به خدمتگاه کشیشان.

محور axis

خط مستقیم فرضی که از یک شکل، نمای پیشین، نقشه، یا ترکیب‌بندی یک تصویر یا مجسمه می‌گذرد، و بخش‌های اصلی در دو سوی آن به نحو متعادل توزیع می‌شود.

محو سازی sfumato (It.)

(در زبان ایتالیایی به معنی «ملايم کردن، محو کردن») در نقاشی و طراحی؛ انتقال تدریجی از روشنی به تیره‌گی به گونه‌ای تقریباً اختلاف سایه‌های مجاور هم غیر قابل تشخیص باشد.

محوطه پرستشگاه temenos (Gk.)

محوطه مقدس.

محو کن stump

رول کاغذ، که یک سر آن نوک تیز شده و برای محو کردن خطوط گچی یا زغالی استفاده می‌شود تا بدین ترتیب سایه روشن‌های متنوع‌تری حاصل شود.

مخارجه پشتخان کلیسا apse

فضای طاق‌دار نیم دایره‌ای شکل یا چند ضلعی که عمدتاً در ضلع شرقی کلیسا قرار می‌گیرد. (کاتدرال گوتیک^{***}، کلیسای ارتودکس یونان)

مخارجه فرعی apsidiole, absidiole

غرفه نیایش کوچکی شبیه به مخارجه پشتخان کلیسا، معمولاً یکی از چندین غرفه‌ای است که در طول ضلع شرقی بازوی عرضی کلیسا قرار دارد. (کاتدرال گوتیک^{***})

مخلوط گل و جگن wattle - and - daub

شاخه‌های درهم بافته گیاهان که با گل یا گچ



مسیح با تاج خار اثر هیرونیموس بوش (۱۵۱۶ - ۱۴۷۴): مسیح در منظر عموم.



مرتزابو - یا محیط مرتز - خانه کورت شوایتز دادانیست در هانور، که حدود ۱۹۲۷ و طی جنگ جهانی دوم ویران شد.

واحد مناسب اندازه‌گیری معمولاً ۱۰ سانتی‌متر که دیگر اندازه‌های ساختمان از آن مشتق می‌شود. استفاده از مدول روش پیش ساخته را بسیار سهولت می‌بخشد.

مرتز Merz

واژه بی‌معنایی که هنرمند آلمانی کورت شوایتز (۱۸۸۷ - ۱۹۴۸) برای سبک شخصی خود از دادا انتخاب کرد. این نام را وی هنگامی که قسمتی از نوشته *Kommerz - und Privatbank* را برای کلاژ سربزرگ برش می‌زد، به طور اتفاقی یافت (چهار حرف آخر کلمه *Kommerz*).

مرحله باسمة سازی state

۱ - یکی از چند مرحله قابل تشخیص در شکل‌گیری یک لوح حکاکی اسیدی یا حکاکی برجسته کاری شده، سنگ لیتوگرافی، باسمة چوبی و ... که هر مرحله از آن، اصلاحات حساب شده‌ای در طرح یا نشان تازه‌ای از فرسودگی را نشان دهد.
۲ - چاپنقشی که از یکی از این مراحل تهیه شده باشد.

مرد مصایب Man of Sorrows

مضمونی که در آن مسیح رنجور را در حالی که تاج خاری بر سر دارد و جای زخم‌های تصلیب را نشان می‌دهد، بازنمایی می‌شود.

مرکب سیپیا sepia

رنگدانه قهوه‌ای که از مرکب یک نرم تن دریایی به همین نام گرفته می‌شود.

مریم خاک نشین Madonna of Humility

مضمونی که بین فرانسویسکن‌ها رایج بود و در آن مریم مقدس را در حالی که بر روی زمین نشسته نشان می‌دهد. این منظره نمادی است از شفقت مریم برای همگان، چه بی‌گناهان و چه گناهکاران. این اصطلاح دارای نوعی جناس با کلمه *humility* است که از کلمه لاتین *humus* به معنی «زمین» مشتق شده است.

مریم مشفق Madonna della

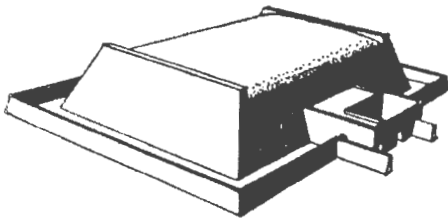
Misericordia (It)

(در زبان ایتالیایی به معنی «مریم مشفق») مضمونی که در نقاشی‌های بین سده‌های سیزدهم تا شانزدهم رایج بود و مریم عذرا را که مومنان پناهجو را (که پیش پایش زانو زده‌اند) در پناه خود می‌گیرد، نشان می‌دهد.

مریم عذرا و کودک در باغ Hortus

Conclusus (Lat)

(در زبان لاتین به معنی «باغ محصور») مضمونی در نقاشی که مریم عذرا و کودک را در یک باغ حصاردار و گاه همراه با گروهی از زنان قدیس نشان می‌دهد. در اینجا «باغ» تمثیلی نمادین است به فرازی از «غزل



نمای بازسازی شده یک مصطبه در ساکارا، سلسله چهارم.

مصائب مریم مقدس

Mater Dolorosa (Lat.)

(در زبان لاتین به معنی «مادر سوگوار») تصویری نشانگر مصائب مریم مقدس که او را با قلب خنجر خورده با هفت زخم و یا با چهره‌ای گریان که جسد مسیح را بر دامان خود گرفته نشان می‌دهد. همچنین نگاه کنید به سوگواری مریم بر جسد مسیح.

mastaba (arabic) **مصطبه، سکو**

مقبره مصر باستان به شکل مستطیل یا سطوح جانبی مایل. وقتی چند مصطبه بر روی یکدیگر قرار گیرند، یک هرم پلکانی را شکل می‌دهند.

artefact, artifact **مصنوع، دست ساخت**
اشیاء ساخته دست انسان.

content **مضمون**
موضوع اثر هنری، که در مقابل سبک یا روش تحقیق جسمی آن قرار می‌گیرد.

classical Temple **معبد کلاسیک**
به شکل‌های صفحه مقابل توجه شود.

shikkara (SKr.) **معبد کوه مانند**
برج معبد هندی، معمولاً نشانگر یک نیایشگاه که شبیه به کوه ساخته می‌شود.

معراج مریم مقدس

Assumption

مضمونی که در آن روح و بدن باکره مقدس را سه روز پس از مرگش (← خواب ابدی مریم عذرا) که به بهشت می‌رود، بازنمایی می‌کنند. این مضمون نخستین بار در پیکرتراشی گوتیک سده سیزدهم ظاهر شد.

غزل‌ها، از اسفار عهد عتیق (۳:۱۲) «باغ محصور خواهر من است همسر من است».

casemate **مزغل طاق‌دار**
غرفه طاق‌دار با روزنه‌ای به خارج، که در درون ضخامت دیوار پیشین ساختمان ساخته می‌شود.

Mozarabic **مستقریبی**
(مأخوذ از واژه اسپانیایی *motarabe* مسیحیانی که با پادشاه مغرب پیمان بستند اما مذهبشان مجاز شمرده شد) مربوط به مسیحیان اما تحت تأثیر هنر مسلمانان اسپانیا در سده‌های دهم و یازدهم میلادی.

Ecco Homo (Lat) **مسیح با تاج خار**
(در زبان لاتین به معنی «بنگر انسان») بازنمایی مسیح با تاج خاری بر سر، که در معرض دید مردم قرار گرفته است.

Traditio Legis (Lat.) **مسیح با فرمان ملکوتی**

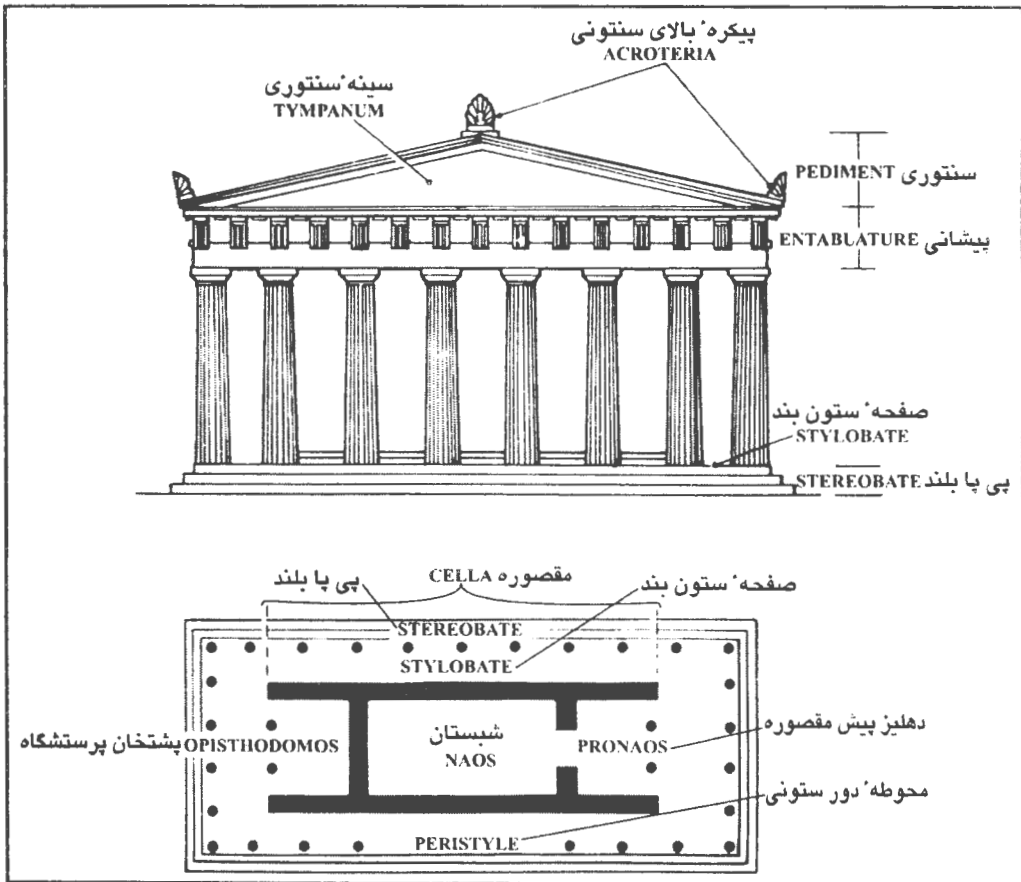
(در زبان لاتین به معنی «تفویض فرمان») مضمونی که در آن مسیح در حالی که بین پیتر و پال ایستاده و طوماری را به سمت یکی از آنها گرفته نشان می‌دهد (معمولاً به سمت اولی)؛ به صورت نمادین، تفویض اقتدار معنوی را نمایش می‌دهد.

deësis (Gk.) **مسیح در میان مریم عذرا و یحیی مُعمَد**

(در زبان یونانی به معنی «نمازگذار») مضمونی در هنر **بیزانس** که مسیح را بین مریم مقدس و یوحنا مقدس تعمد دهنده نشان می‌دهد که برای انسان شفاعت می‌کنند.

openwork **مشبک‌کاری**
هر نوع فرم تزئینی که از یک طرف به طرف دیگر نفوذ کند.

study **مشق هنری**
بازنمایی دقیق برخی از قسمت‌های یک پیکره یا ترکیب‌بندی، و یا ترکیب‌بندی به طور کلی، به نحوی که هنرمند با اطمینان بتواند آن را به طور صحیح در اثر نهایی قرار دهد.



رواق (بالا) و نقشه کف (پایین) معبد کلاسیک. (برای تعریف هر یک به مدخل مربوطه رجوع کنید.)

به صورت نقش برجسته و با تصاویری چون پرنده، میوه... ساخته می‌شد. این نوع معرق به ویژه مشخصه آثار کارگاه‌های گراند دوک در فلورانس از سده شانزدهم به بعد بود. در نوع منفرد آن (pietra dura) کار می‌بایست تنها با قطعاتی از یک نوع سنگ انجام شود. مترادف: Florentine mosaic.

معرق کاری کرم تاب

opus vermiculatum (Lat.)

(در زبان لاتین به معنی «جلوه کرمی») موزائیک کلاسیک که در آن از مهره‌های موزائیک بسیار ریز استفاده می‌شود. خطوط در هم برهمی که این مهره‌ها بر آن قرار می‌گیرند، تصور می‌شد که شبیه رد پای کرم است.

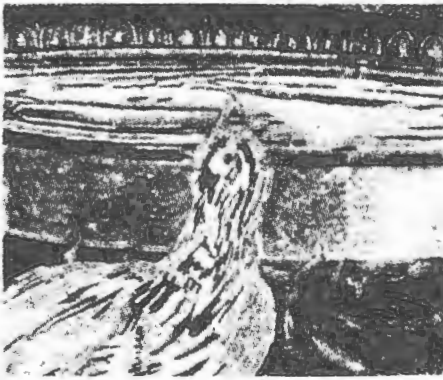
معرق روکش کاری opus sectile (Lat.)

(در زبان لاتین به معنی «برش دهی») نوعی خاتم‌بندی، با مرمر و دیگر مواد، که برای کف پوش کردن و پوشش دیوار ساختمان‌های رومی، بیزانسی و اسلامی به کار می‌رفت. در این شیوه از قطعات کاملاً بزرگ مواد، که مطابق با طرح دلخواه بریده شده استفاده می‌شد. (در مقابل موزائیک، که در آن قطعات بسیار کوچک‌ترند و جلوه نهایی فقط بستگی به نحوه گروه بندی قطعات دارد.)

معرق فلورانس

pietre dure (It.)

(در زبان ایتالیایی به معنی سنگ سخت) نوعی معرق کاری که در آن از سنگ‌های نیمه قیمتی، عمدتاً



معرق کاری کسرمتاب: بخشی از موزائیک کاری رومی ویلای هادریان، سده دوم میلادی، پره‌های پرنده و جریان آب، مشخصه خطوط درهم و طویل را نشان می‌دهد.

خانواده‌ای که به این روش کار می‌کردند نام کاسموس (Cosmas) اطلاق می‌شد.

معلق نمایی (sotto in su (It.)

(در زبان ایتالیایی به معنی «بالا از زیر») نمای پرسپکتیوی که در نمایش معماری و پیکره‌ها (معمولاً به صورت معلق و در پرواز) به کار می‌رود، و از زاویه دید پایین و با کوتاه‌نمایی شدید نشان داده می‌شود. غالباً در تزئینات سقف به سبک باروک مشاهده می‌شود.

معماری الوار گچی

Black – and – White style

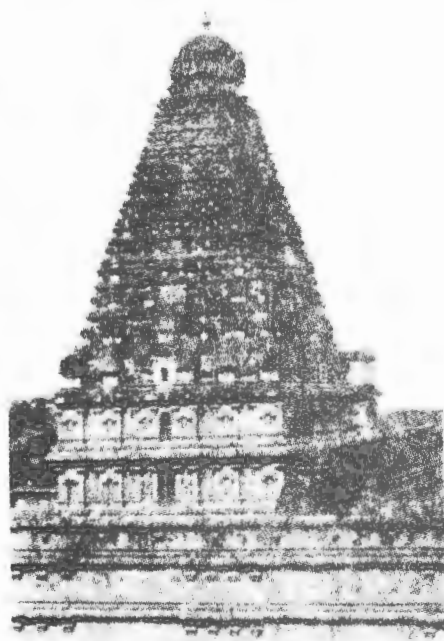
نوعی معماری نیمه الواری مشخصه سرزمین‌های میانی انگلیس. در این روش کلاف الواری ظریف و زیبا به صورت آشکار باقی می‌ماند و بعداً رنگ آمیزی یا مشکی می‌شود، و فضاهای بین آن با اندود گچ سفید رنگ پر می‌گردد.

معماری بومی vernacular architecture

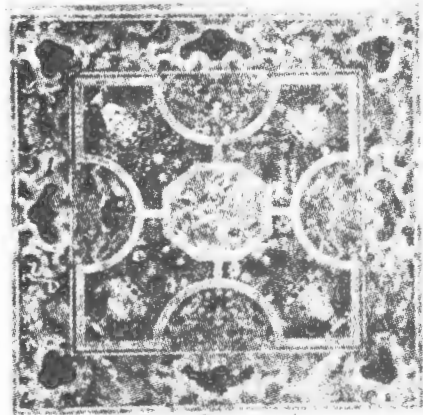
نوعی معماری بر اساس مواد محلی و متناسب با نیازهای خاص بومی. معمولاً توسط معمار نامشخص و با کمترین ارجاع به سبک‌های اصلی یا نظریات معماری ساخته می‌شود (مانند کلبه‌های گالی پوش انگلیسی با مخلوط گل و جگن).

معماری پلاترسک (plateresque)

(ماخوذ از واژه اسپانیایی Platero به معنی



معبد کوه مانند، نمای عمومی معبد راجاراجیشوارا در تنجور، چولا، حدود ۱۰۰۰ میلادی.



معرق فلورانسسی: سطح بالایی یک میز فلورانسسی سده هفدهمی، که با استفاده از سنگ‌های قیمتی همچون سنگ لاجورد مزین شده است.

معرقکاری مرمرین (Cosmati work)

تزئینات معماری معرقکاری سرامیکی و مرمرین که در بناهای داخلی کلیسای رومی مربوط به سده‌های دوازدهم تا چهاردهم یافت می‌شود. غالباً به دو

«نقره‌کاری» سبک معماری اسپانیایی حدود ۱۵۲۰ که تلفیقی است از معماری گوتیک و رنسانس، و غالباً به قدری ماهرانه کار می‌شود که یادآور مهارت و ظرافت‌کاری‌های آثار جواهرسازی است تا برجسته‌کاری سنگ.

معماری تزئینی باغی folly

نوعی ساختمان غیر کاربردی یا به ظاهر بی‌مصرف. غالباً این بناها در مقیاسی کوچک توسط مالکین متمول و غیر معمول سده هجدهم برای تزئین پارک و باغ‌هایشان ساخته می‌شد. همچنین نگاه کنید به معماری تزئینی باغی.

معماری دانته وار Dantesque style

معماری ایتالیایی سده نوزدهم که مشابه و هم‌ارز سبک احیاء گوتیک در انگلستان بود. در این سبک از هنر رنسانس به اضافه فرم‌های کاملاً قرون وسطایی استفاده می‌شد.

معماری نیمه الواری half – timbering

۱ - سبک معماری بومی که در سده شانزدهم و هفدهم به طور فراگیر در شمال اروپا رایج بود، تکیه‌گاه اصلی بنا از پایه‌های سستبر ساخته می‌شد، و فضای مابین آنها را با مخلوط گل و جگن، آجر یا سنگ پر می‌کردند. بعداً ممکن بود که کل ساختمان را با اندود گچ، لوح‌های سفالی یا کاشی بپوشانند. معماری الوار و گچی نوعی از معماری نیمه الواری محسوب می‌شود. ۲ - در مفهوم عام‌تر در سده نوزدهم به ساختمان‌هایی اطلاق می‌شد که با چارچوب الواری کاذب به دیوار بیرون متصل می‌شدند.

مغزی فرسب taenia

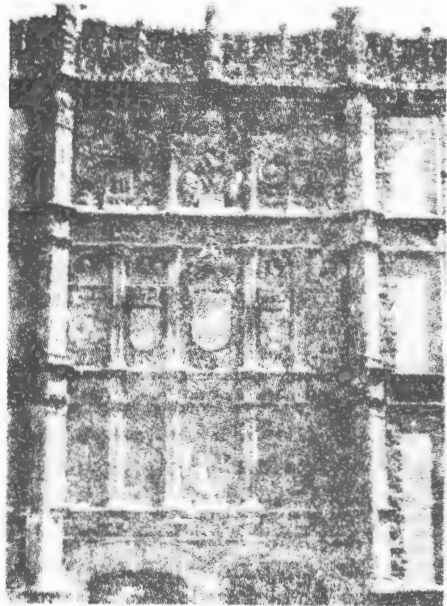
۱ - نواری که یک افریز دُوریک را از فرسب آن جدا می‌کند. (برای تصویر نگاه کنید به پیشانی*)
۲ - ابزار چهارگوش یا روبان مو، که در پرتله‌های فرمانروایان هلنی دیده می‌شود و به عنوان نشان سلطنت به کار می‌رفت.

مفرغ زر اندود ormolu (Fr.)

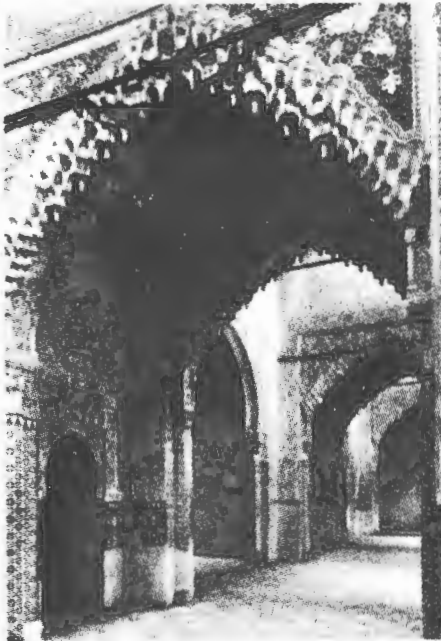
(در زبان فرانسه به معنی «پودر طلا») مفرغ طلاکاری شده، که برای تزئینات مبلمان، و نیز برای شمعدانی، جاشمی و دیگر اشیاء تزئینی به کار می‌رود.



The Buttas at king's pylon، هر فور د شایر، ۱۶۳۲، به سبک معماری الوار گچی. توجه کنید به تخته سه گوش زیر شیروانی که سنتوری ساختمان را مزین ساخته است.



معماری پلاتر سبک: نمای پیرامین دانشگاه سالمانکا را تزئینات بسیار استادانه و ظریف، ۱۵۲۹.



تزئینات مقرنس کاری طاقگان در تالار شیران کاخ الحمراء، گرانادا، سده چهاردهم میلادی.

۱- مقصوره یونانی ۲- شبستان

naos (Gk.)

(در زبان یونانی به معنی «خانه») ۱- محراب (زاویه) در معبد کلاسیک، که در آن تصویر معبود نگه‌داری می‌شود. ۲- حرم کلیسای بیزانس.

section

مقطع

ترسیم ساختمان یا شیء به نحوی که گویی بخشی از آن با یک صفحه خاص برش خورده است.

scale

مقیاس

تناسب یا اندازه - مثلاً اگر شینی با مقیاس یک سوم اندازه رسم شود یعنی با اندازه‌هایی برابر با یک سوم اندازه‌های واقعی رسم شده است.

مکالمه مقدس

Sacra Conversazione (Lt.)

(در زبان ایتالیایی به معنی «مکالمه مقدس») مضمونی که مریم مقدس و کودک را در حالی که جمعی از قدیسیں پیرامون آنها را فراگرفته‌اند و



در پوش مفرغ زر اندود متعلق به نیمه دوم سده هجدهم بر روی یک جام چینی میسینی.

cromlech

مقبره خرسنگی

۱- نوعی ساختار پیش از تاریخ متشکل از یک تخته سنگ بزرگ حجاری نشده که به صورت افقی بر سه یا چند سنگ بزرگ که به صورت قائم قرار گرفته‌اند، گذاشته می‌شود. مترادف دولمن. ۲- محوطه دایره‌ای شکلی از سنگ‌های عظیم که در دوران‌های پیش از تاریخ ساخته می‌شود.

mausoleum

مقبره - مرقد

آرامگاه پرشکوه، معمولاً برای یک فرد مهم؛ بر اساس نام پادشاه موزولوم کاریا (سده چهارم پیش از میلاد) که مقبره او در هالیکارناموس در آسیای صغیر، یکی از عجایب هفتگانه دنیای یونان و روم باستان محسوب می‌شود.

stalactite work

مقرنس کاری

تزئین کاری سقف بناهای اسلامی که از تعداد بیشماری سکنج با ساختار پیش کرده) که به صورت خوشه‌ای کنار هم قرار گرفته‌اند، تشکیل می‌شود.

cella (Lt.)

مقصوره

ساختمان مرکزی یک معبد کلاسیک*، به استثناء رواق و ستون‌بند.



مکتب اش کن: حیاط پستی اثر جان اسلون، دهکده گرینویچ، ۱۹۱۴.



مکتب اوترخت: تابلویی اثر هندریک تریورگن (۱۶۲۹ - ۱۷۸۵)، آشکارا تاثیر جلوه‌های سایه روشن آثار کاراواجیو را نشان می‌دهد.

مکتب اوترخت Utrecht school

خرومی از نقاشان هلندی اوایل سده هفدهم اهل اوترخت، که از رم بازدید کردند و تأثیر عمیقی از آثار کاراواجیو گرفتند. از جمله هنرمندان مشهور این مکتب می‌توان درک ون‌بابورن، گریت ون هنت هورست و هندریک تریورگن را نام برد.

مکتب باربیزون Barbizon School

گروهی از نقاشان منظره‌پرداز فرانسوی که در دهکده باربیزون در حاشیه جنگل فونتن بلو، طی سال‌های ۱۸۲۵ تا ۱۸۷۰ زندگی و کار می‌کردند. از شاخص‌ترین چهره‌ها می‌توان به تئودور روسو، کورو، میله و دوبیگنی اشاره کرد. سبک آنان

گویی هر یک مشغول نوعی گفت‌وگو (و یا حداقل مستوجه حضور یکدیگر هستند) در یک فضای تصویری منسجم نشان می‌دهد. همچنین نگاه کنید به ملکه ملکوت و کودک خانواده مقدس. (نگاه کنید به تصویر نورگیر سقف*).

مکان مقدس tabernacle

۱ - جعبه‌ای برای نگهداری اشیاء مقدس. ۲ - مکانی برای نگهداری نان متبرک. ۳ - نقاشی چندگانه مذهبی. ۴ - طاقچه‌ای برای یک تصویر مقدس. ۵ - خیمه نیایش؛ مکانی برای دعا و نیایش، غالباً با ساختاری معاصر (مثلاً برای استفاده تعمیردهنده).

مکتب - School of

اثر هنری که گرچه هویت هنرمند خالقش ناشناخته است اما به دلیل آن که از افراد یا سبک یک ناحیه خاص تأثیر پذیرفته، نامگذاری می‌شود.

مکتب school

به گروهی از هنرمندان اطلاق می‌شود که تحت تأثیر یک استاد خاص یا به دلیل تعلق به یک منطقه یا یک نوع سبک بومی کار می‌کنند و دارای مشخصه‌های کاری مشابهی هستند.

مکتب اش کن (مکتب آشفال‌دانی)

Ashcan School

مکتب نقاشان واقع‌گرای آمریکایی اوایل سده بیستم که عمدتاً به نمایش مناظری از زندگی روزمره علاقه‌مند بودند. از جمله اعضای برجسته این مکتب روبرت هنری، جان اسلون، جورج لاکس و جورج بیلوز بودند.

مکتب اصالت زیبایی‌شناسی

Aestheticism

نظریه هنر، که نخستین بار در سده هجدهم توسط امانوئل کانت فرمول‌بندی شد. این نظریه معتقد است فلسفه هنر متمایز از هر نوع فلسفه دیگر است و هنر را فقط باید براساس معیارها و شاخص‌های خودش قضاوت و ارزیابی کرد. این اندیشه را بعداً بودلر و گوتیه در دهه ۱۸۴۰ در فرانسه به عنوان هنر برای هنر مجدداً احیا کردند. این جنبش بیشترین تأثیر را در اواخر سده نوزدهم بر جنبش زیبایی‌شناسی بریتانیا به جای نهاد.



نمایش اغراق شده احساس و عواطف در آثار مکتب پرگام را به خوبی می‌توان در سر این غول بالدار در محراب بزرگ پرگام مشاهده کرد. حدود ۱۸۰ پیش از میلاد.



زمانی که گوگن هنوز رهبری مکتب پونت آون را به عهده داشت، مشخصه کارهای وی، همان‌گونه که در این تابلوی «کومه علف» (۱۸۸۹) نیز مشاهده می‌شود، استفاده از پرسپکتیو تخت شده و طراحی ساده بود.



نمونه‌ای از منظره غیر رسمی و غیر ازمائی مکتب باربیزون، درشکه - تحفه مارکوسیس. حدود ۱۸۲۷، اثر ژان باپتیست کورو.

طبیعت‌گرا و بیانگر تنش بین رمانتیسم و امپرسیونیسم بود.

مکتب پاریس (Fr.) École de paris

۱- در ابتدا به نقاشان غیر فرانسوی اطلاق می‌شد که آثارشان عمدتاً فیگوراتیو و اکسپرسیونیستی بود و اکثر آنان یهودیانی بودند که درست در فاصله زمانی پیش و پس از جنگ جهانی اول در فرانسه ساکن شدند (برجسته‌ترین آنان سوئین و کریمین بودند). ۲- بعدها به تمامی جنبش‌های مدرن نقاشی که پاریس را به عنوان مرکز فعالیت خود برگزیدند اطلاق شد. (نگاه کنید به مدرنیسم).

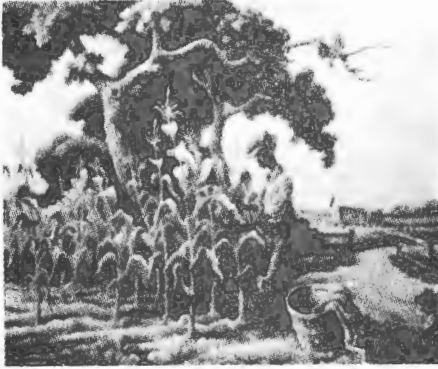
مکتب پرگام pergamene school

مکتب مجسمه‌سازی هلنی در پرگام در آسیای صغیر که طی سده‌های دوم و سوم پیش از میلاد رواج داشت. این سبک بسیار واقع‌گراست و از نظر نمایش حرکات خشن و هیجان‌گرایی قوی به نظر شبیه سبک باروک می‌رسد.

مکتب پونت آون Pont Aven School

گروهی از نقاشان، به همراه گوگن که هم الهام بخش آنان بود و هم عضو برجسته این گروه محسوب می‌شد، و در حومه شهر پونت آون در بریتانی فعالیت می‌کردند. گوگن نخستین بار در سال ۱۸۸۶ به پونت آون رفت، و در سفر بعدی خود به سال ۱۸۸۸ که با امیل برنارد ملاقات کرد شاگردانی را پیرامون خود گرد آورد. گوگن مبلغ کناره‌گیری از طبیعت‌گرایی و روی آوردن به نوعی بیان نمادین

گوتیک میثنی بود که نقطهٔ مقابل گرایش معاصر کلاسیسیسم [آلبرش] دورر محسوب می‌شد. آلبرش آلتورفر معروف‌ترین هنرمند این گروه به شمار می‌رود. کارهای وی به خوبی گویای علاقه ویژهٔ گروه به منظره پردازی است، و هنوز وقتی این آثار به عنوان آثار مستقل نمایش داده شوند، بدیع هستند.



مکتب حوزهٔ می‌سی‌سی‌پی امریکایی: تابلوی «بودادن ذرت» اثر توماس هارت بنتون، گویای موضوعات روستایی و روزمرهٔ این سبک است.



مکتب خیابان یوستون: پرترهٔ خانم وینی فرد بانگر اثر ویلیام کُلداستریم.

ایده‌ها و احساسات بود. همچنین نگاه کنید به ترکیب گرای، تجزیه‌گری.

مکتب توسا Tosa school

مکتب هنر درباری ژاپن که در سدهٔ پانزدهم بنیان نهاده شد و نام خود را از نام خانوادهٔ توسا برگرفته است. اعضای این مکتب به سبک محلی یاماتونی ژاپنی نقاشی می‌کردند، در مقابل سبک هنرمندان مکتب کانو که به شدت تحت تأثیر هنر چینی بودند.

مکتب حوزهٔ می‌سی‌سی‌پی Regionalism

آثار گروه کوچکی از هنرمندان امریکای شمالی مربوط به دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ که توجه خود را عمدتاً بر موضوعات مربوط به مناظر روستایی غرب میانه معطوف کردند و بسیاری از فرم‌های متأثر از هنر اروپایی را کنار نهادند. چهره‌های برجستهٔ این گروه عبارت بودند از توماس هارت بنتون، گرانت وود (← گوتیک امریکایی) و جان استوارت کوری. بسیاری از هنرمندان مرتبط با این گروه، روابط نزدیکی با ادارهٔ پیشرفت کار داشتند.

مکتب خیابان یوستون

Euston Road School

انجمنی که در آغاز در سال ۱۹۲۷ توسط گروهی از نقاشان به رهبری ویلیام کولداستریم که قصد داشتند تا به مخالفت با گرایش‌های افراطی مدرنیستی برخیزند به عنوان مدرسه نقاشی تشکیل شد. این نام مأخوذ از نام خیابان یوستون در لندن است که ساختمان مدرسه در آن واقع بود. فعالیت این گروه رسماً در سال ۱۹۲۹ متوقف شد. از جمله نقاشان که با این گروه مرتبط بودند می‌توان ویکتور باسمور و رودریگو موینهان را نام برد. معمولاً آثار آنان فیگوراتیو (← تصویری) است و مشخصهٔ آن کاربرد رنگ‌های خفه و استفاده از ضربات خفیف قلم مو است. آنان تأثیر زیادی از سیکرت و گروه شهر کامدن پذیرفتند.

مکتب دانوب Danube School

گروه نسبتاً متشکلی از نقاشان، باسمه سازان، مجسمه سازان و معماران، که طی سدهٔ شانزدهم در مناطق پیرامونی رودخانهٔ دانوب در آلمان فعال بودند، هنر آنان بر انتقال تخیلی فرم‌های متأخر

اواسط دهه ۱۹۲۰ در شهر شیکاگو فعال بودند. از جمله لوئیس سولیوان، و با همکاری برنهام وردت و هولابرد و رُوش. مکتب شیکاگو با توسعه و تحول آسمان خراش‌ها ارتباط نزدیکی داشت. (همچنین نگاه کنید به پنجره‌ها^{۱۱۳})

مکتب ظرفشویی Kitchen Sink School

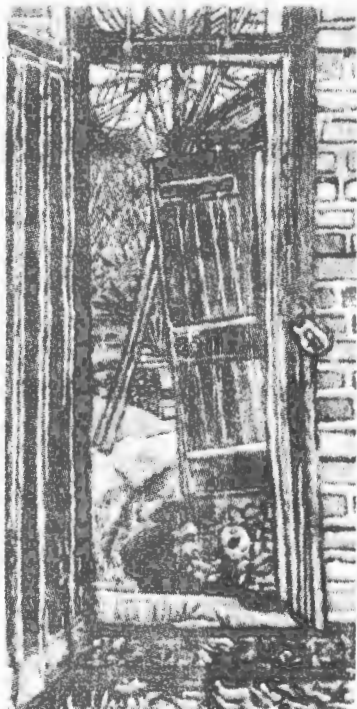
اصطلاحی که داوید سیلوستر منتقد هنری بریتانیایی برای گرایش واقع‌گرای اجتماعی در نقاشی بریتانیایی دهه ۱۹۵۰ ابداع کرد. موضوعات آن غالباً منادی مضامین هنر پاپ بود. از جمله هنرمندان مرتبط با این سبک می‌توان جان برات بی دریک گریوز و جک اسمیت را نام برد.

مکتب فونتن بلو Fontainbleau School

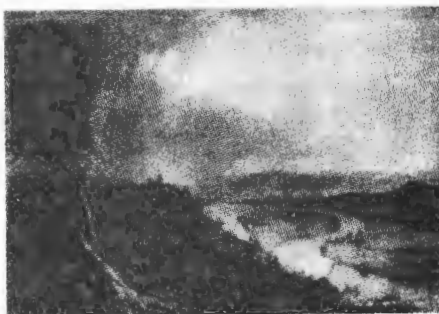
گروهی از هنرمندان ایتالیایی، فرانسوی و فلاندری که از حدود ۱۵۲۰ تا ۱۵۶۰ برای دربار Valois در فونتن‌بلو کار می‌کردند. سبک آنان مأخوذ از سبک



یکی از مناظر ناشناخته ابتدایی در هنر اروپایی، حدود ۲۰ - ۱۵۱۸، اثر آلبرش آلتورفر از اعضای مکتب دانوب.



در خانه مربری، مشخصه نمونه‌واری از نقاشی‌های مکتب ظرفشویی، اثر جان براتبی، حدود ۱۹۵۹.



مکتب رودخانه هاتسون: اکسبو اثر توماس کول، ۱۸۴۶، نمونه‌ای گویا از چشم‌انداز مناظر بومی آمریکایی، در این جا رودخانه کانکتیکوت نزدیک نوسامپتون نمایش داده شده است.

مکتب رودخانه هاتسون

Hudson River School

گروهی از نقاشان آمریکایی شمالی که بین سال‌های حدود ۱۸۲۰ تا ۱۸۵۰ فعال بودند و عمده‌ترین موضوع آثارشان مناظر دره رودخانه هاتسون و کوهستان کاتسکیل بود. از جمله اعضای این مکتب می‌توان توماس گل و فردریک ادوین چرچ را نام برد.

مکتب شیکاگو Chicago School

گروهی از معماران که از آتش سوزی بزرگ ۱۸۷۱ تا

هستند بیش از همه مورد توجه هنرمندان مکتب کانگرا بود.

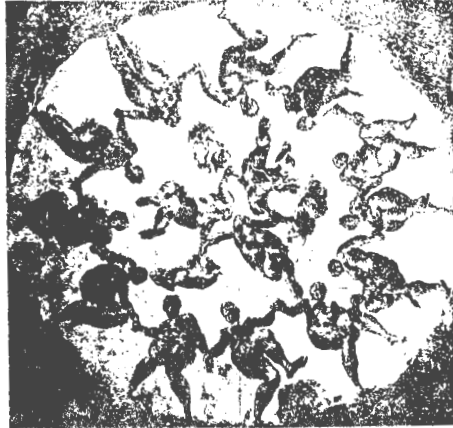
مکتب کانو Kanō School
مکتب موروثی نقاشی در ژاپن، که طی دوره موروماچی (۱۵۷۳ - ۱۳۹۲) توسط کانو ماسونوبو تأسیس شد و تا سده نوزدهم دوام یافت. هنرمندان مکتب کانو مطابق با سنت تزئین بومی ژاپن و سنت نقاشی آب مرکب چین کار می‌کردند.

مکتب کمپانی هند شرقی Company School

گروه‌های مختلف هنرمندان هندی که طی سده‌های هجدهم و نوزدهم برای بازارهای اروپایی کار می‌کردند (عمدتاً برای حامیانی که با کمپانی هند شرقی مرتبط بودند). مرکز فعالیت آنان مدرس و تنجار در جنوب، دهلی در شمال، لکنهو، کلکته و پاتنا در شرق هند بود. روش کار آنان مأخوذ از روش آبرنگ اروپایی بود و موضوعات آثار آنان شامل علائم تجاری، طبقات اجتماعی، جشن‌ها و طرح‌های گل و گیاه نیز تصاویری از جانوران و پرندگان بود.

مکتب کورین Kōrin School (Jap.)
مدرسه نقاشی تزئینی ژاپنی که بر اساس نام اوگوتاکورین (۱۷۱۶ - ۱۶۵۸) نقاش ژاپنی نام‌گذاری شد. البته در حقیقت مدرسه توسط هونامی کوتسو (۱۶۳۷ - ۱۵۵۸) و نانومورا سوتاتوس (مرگ ۱۶۲۳) بنیان نهاده شد و بیانگر جنبشی هنری فارغ از تأثیر هنر چینی بود. مشخصه آثار آنان به کارگیری رنگ‌های گران قیمت و نقوش جسورانه و نامتعارف بود.

مکتب کولونی Cologne School
اصطلاحی رایج در سده نوزدهم برای توصیف گروهی از نقاشان مختلف که در سبک‌های مختلفی کار می‌کردند و طی سده‌های چهاردهم، شانزدهم و پیرامون کولون فعال بودند. سبک نقاشان گوتیک بین‌المللی تغزلی و اطواری اوائل سده پانزدهم، همچون استاد سنت ورونیکا، جای خود را به واقع‌گرایی بیشتر استاد زندگی مریم عذرا داد (اواخر سده پانزدهم). اما این واقع‌گرایی هرگز به شدت واقع‌گرایی هنر هلندی معاصر خود نرسید، نا این حال به نظر می‌رسد بسیاری از نقاشان کولون در



مکتب فونتن بلو: رقص ساعات، طرح اثر فرانچسکو پریماتیچیو (۱۵۰۴-۷۰) برای سقف نگارخانه اولیس در فونتن بلو.

فلورانس و منریسم شمال ایتالیا و واجد جنبه‌های سرخوشانه و سودایی بود. تاریخ شناسان هنری، بعد از خلاء حاصل از جنگ‌های صلیبی، مکتب فونتن بلوی دوم را، نیز متمایز می‌سازند که تحت حمایت هنری چهارم و طی دوران سلطنت وی (۱۶۱۰ - ۱۵۸۹) عمارتگاه‌ها و اقامتگاه‌های سلطنتی را با آثار خود تزئین می‌کردند. از جمله اعضاء برجسته گروه فونتن بلوی اول روسو، پریماتیچیو، و نیکولو دل آبات را می‌توان نام برد و از گروه فونتن بلو دوم آمبروس دوپوس و توزانیت دوپریه برجسته هستند.

مکتب کانتون Canton School
هنرمندان چینی که در سده‌های هجدهم و اوائل سده نوزدهم آثاری را مطابق سبک اروپایی برای سفارش دهندگان اروپایی می‌ساختند. موضوعات این آثار بسیار شبیه موضوعات مکتب کمپانی هند شرقی بود و شامل مجموعه‌ای از علائم اختصاری، تصاویری از جزف مختلف همچون چینی‌سازی و چایکاری، مناظری از کانتون و طرح‌های گیاه شناسی بود.

مکتب کانگرا Kangra School
مکتب نقاشی هندی اواخر سده هجدهم و اوائل سده نوزدهم، مرتبط با دولت کانگرا در هیمالیای غربی و راجا سانسار چاند (۱۸۲۳ - ۱۷۷۵) که حامی آن بود. تصاویر زنان عاشقی که در انتظار محبوب خود



مکتب گلاسکو (۱): پرترة ملهم از سبک امپرسیونیسم اثر جان لاوری (۱۹۴۱ - ۱۸۵۶) از همسرش هازل.



مکتب کولونی: مناجات سنت هوبرت، اثر استاد زندگی مریم عذرا سده پانزدهم، که بازنمایی صحنه‌های پیوسته را نشان می‌دهد. (پس زمینه سمت چپ بالای تابلو سنت هوبرت را در حل شکار نشان می‌دهد).

کشورهای پایین [لوگزامبورگ، بلژیک و هلند] پرورش یافته باشند.

مکتب گلاسکو Glasgow School

اصطلاحی برای دو گروه کاملاً متفاوت از هنرمندان اسکاتلندی اواخر سده نوزدهم و اوائل سده بیستم: ۱ - گروهی به رهبری ویلیام یورک مک گریگور، و شامل هنرمندانی چون جان لاوری و داوید کامرون که تحت تأثیر جنبه‌های تزئینی‌تر امپرسیونیسم فرانسوی بودند. ۲ - گروهی به رهبری چارلز رنه مکینتاش که نسخه اسکاتلندی کاملاً متمایزی از آرت نوو را پدید آوردند.



مکتب گلاسکو (۲): طرح سبک آرت نوو اثر چارلز رنه مکینتاش برای یک پوستر، ۱۸۹۶.

مکتب لاهه Hague School

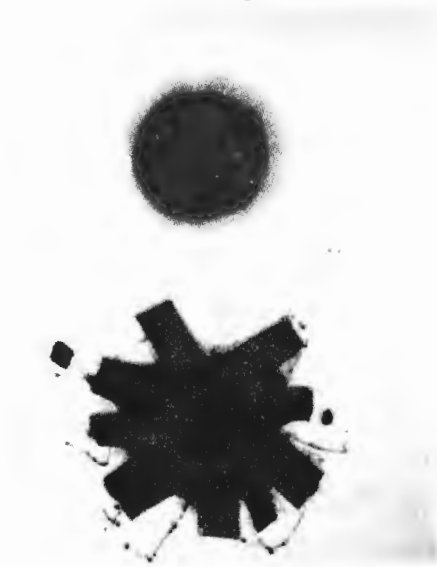
گروهی از هنرمندان واقع‌گرا که بین سال‌های ۱۸۵۰ و ۱۹۰۰ در هلند فعال بودند و بسیاری از سنت‌های منظرپردازی و نقاشی معماری سده هفدهم هلند را احیاء کردند. این گروه شامل آنتون موو، یوهانس بوسیوم، برادران ماریس و یوزف ایزرائیل بودند.



«خانه‌ها و قایق‌های رودخانه ونسون، نورویج» اثر جان کروم (۱۸۲۱-۱۷۶۸) که گویای تأکید و تمرکز نقاشان مکتب نورویج بر نمایش صحنه‌ها و مکان‌های بدیع است.



مکتب لاهه: فضای داخلی پیتراسکرکه، لیدن، ۱۸۵۵، اثر یوهانس بوسپوم، نقاشی معماری به سبک پیترساتردا (۱۶۶۵-۱۵۹۷).



تابلوی «قرمز و آبی» شماره ۲، اثر آدولف گوتلیب، ۱۹۶۶، به خوبی بیانگر آن است که نقاشی مکتب نیویورک این دوره چگونه عناصر شمایی و نمادین را با یکدیگر تلفیق کرده‌اند، زیرا می‌توان نقوش انتزاعی تابلو را همچون زبانه‌های خورشید بر روی یک سیاره تفسیر کرد.

macramé

مکرومه

(مأخوذ از واژه ترکی macrama به معنی «رختخواب») ۱ - آویزهای گره‌دار، مشابه آن چه که در حوله‌های ترکی سنتی مشاهده می‌شود. ۲ - روش گره زنی مأخوذ از آن، که برای ساخت اشیاء دستی مختلف به کار می‌رود.

مکتب نانگا Nanga school (jap.)

(از واژه ژاپنی *nanga* به معنی «نقاشی جنوبی») مکتبی در نقاشی ژاپنی که از اواخر سده هفدهم تا اواخر سده هجدهم شکوفا و رایج شد. اعضای این مکتب معمولاً از «نقاشی ادبی» که هنرمندان غیر حرفه‌ای برجسته چینی دوران یوآن به بعد (سده سیزدهم) بدان می‌پرداختند، تقلید می‌کردند. حتی بعدها زمانی که هنرمندان نانگا واقعا حرفه‌ای هم شدند باز خود را متمایز از مکاتب بازتر کانو و توسا می‌دانستند. نگاه کنید به مکتب کانو و مکتب توسا.

مکتب نورویج Norwich School

مکتب نقاشان انگلیسی که در نقاشی مناظر شرق انگلیس تخصص داشتند. این تشکل در سال ۱۸۰۲ در خانه جان کروم در نورویج شکل گرفت، و از سال ۱۸۰۵ به عنوان یک انجمن نمایشگاهی فعالیت خود را آغاز کرد. دو تن از اعضای برجسته آن جان کروم و جان سل کوتمان بودند.

مکتب نیویورک

New York School

نوعی نقاشی انتزاعی ابداعی رایج در نیویورک که از دهه ۱۹۴۰ به بعد فراگیر شد. این مکتب شامل سبک اکسپرسیونیسم انتزاعی می‌شود، اما فقط هنرمندانی را در بر می‌گیرد که پیوند ضعیفی با این جنبش داشتند. از جمله اعضای برجسته این مکتب می‌توان جاکسون پولاک، مارک روتکو و آدالف گوتلیب را نام برد.



سنجاق سینه با مليله کاری نقره‌ای، اسکاتلندی، سده‌های هشتم و نهم میلادی.



نمونه‌ای از منار هشت ترکی.

کوچک انجام می‌شود، اما به ویژه در جواهر سازی کاربرد دارد.

منار هرمی spire
سازه بلندی (معمولاً در کلیساها) که از بالای برج یا بام اوج می‌کشد و به یک نقطه منتهی می‌شود.

منار هشت ترک broach
بخشی از برج مناره‌دار کلیسا که مناره هشت وجهی را به پایه مربعی زیر آن وصل می‌کند.

ملاط گچ compo

۱ - (واژه اختصاری «مخلوط گچ» - Composition - plaster). اصطلاحی عام برای انواع مخلوط گچ که در اواخر سده هجدهم به عنوان جانشینی برای اندود گچ و آهک در انگلستان ابداع شد. این ماده ضد آتش بود، ترک نمی‌خورد، زودتر خشک می‌شد و لذا بلافاصله می‌شد بر روی آن نقاشی کرد. ۲ - مخلوطی از سفید کننده، صمغ و چسب رنگ که در سده هجدهم ابداع و عمدتاً برای قالبگیری تزئینات میلان به کار گرفته شد. ۳ - ملاط سیمان - آهک که در ساختمان سازی به کار می‌رود.

ملاقه دسته حلقوی kyathos (Gk.)

۱ - ملاقه فنجانمانندی با دسته‌ای که به صورت قائم بالا آمده و حلقوی می‌شود (برای تصویر رجوع کنید به ظروف یونانی^{*}) ۲ - جام دو دسته کوچک بدون پایه.

ملاط سازی رنگ scumbling

ایجاد یک لایه نازک ناهموار رنگ بر روی لایه دیگری با رنگ متفاوت، به نحوی که لایه زیرین کم و بیش آشکار باشد. این کار جلوه‌ای محو یا گسسته پدید می‌آورد.

ملغمه amalgam

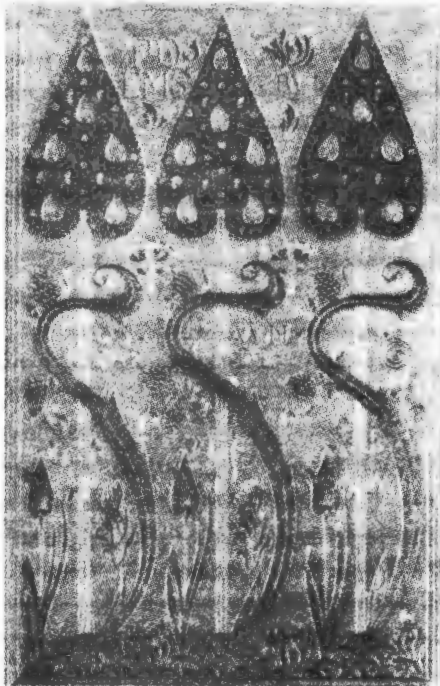
۱ - ترکیب غیرشیمیایی دو یا چند ماده ۲ - آلیاژی از جیوه و دیگر فلزات همچون طلا (برای طلاکاری ظروف چینی و شیشه‌ای)، یا قلع (برای پوشش پشت آینه).

ملکه ملکوت و کودک Maestà (It.)

(در زبان ایتالیایی به معنی «ملکوت») مضمونی که بین سده‌های سیزدهم و چهاردهم در ایتالیا رایج بود و مریم مقدس و کودک را بر سریر نشان می‌دهد، در حالی که گروهی از قدیسین و یا فرشتگان او را در برگرفته‌اند. همچنین نگاه کنید به خانواده مقدس، مکالمه مقدس.

مليله کاری filigree

نقوش زیبا و ظریف با شکل باز که از فلزات قیمتی (معمولاً طلا یا نقره) و به روش لحیم کاری سیم‌های بسیار ظریف و گم‌ب‌های کوچک شکل می‌گیرد. مليله کاری معمولاً در ابعاد کوچک و گاه برای اشیاء



تزئینات منحنی شمالی که بر روی جلد کتاب اشعار اسکارواید نقش شده است، اثر چارلز رکتسن، ۱۸۹۲.

چوب به نظر شبیه به خزه‌های دریایی است. این روش از اواخر سده هفدهم و اوائل سده هیجدهم رایج شد اما نامگذاری آن متأخر است.

منبت کاری منقوش chip carving

تزئینات کنده کاری گود که با مفار انجام می‌شود و غالباً به صورت نقوش منحنی شکل و هندسی است، و عمدتاً در مبلمان چوب کاج سده‌های پانزدهم و شانزدهم مشاهده می‌شود.

منبر Mimbar, minbar (Arabic)

سکوی خطابه در مسجد (محراب*)

منحنی سینوسی (منحنی زیبایی)

S - curve

۱ - حالتی که پیکره‌های سبک مجسمه‌سازی گوتیک شکل می‌دهند، بدین ترتیب که باسن پیکره کمی به جلو یا به یک سمت متمایل می‌شود. ۲ - به طور کلی به هر نوع خطوط سینوسی شکل در آثار هنری اطلاق می‌شود.



منبت کاری خزه‌ای بر روی یک میز تحریر اثر گریت جنسن برای کاخ کینسینگتون ۱۶۹۰.



محراب که در سمت راست آن یک منبر قرار دارد، در مسجد محمدپاشا، استانبول اثر سنان. ساخت ۹۷۹ هجری.

مناره minaret

برجک بلند متصل به مسجد یا نزدیک به آن، که مؤذن از بالکن فوقانی آن اذان می‌دهد.

منبت کاری marquetry

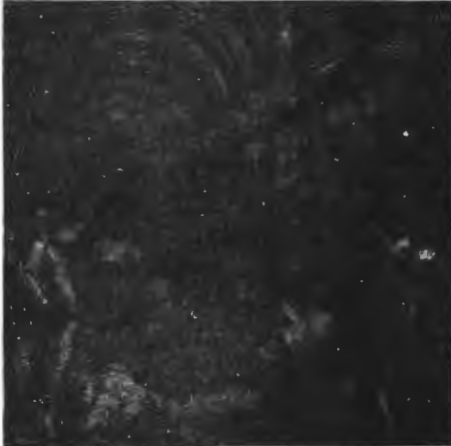
خاتمکاری چوبی که در ساخت مبلمان به کار می‌رود. همچنین نگاه کنید به خاتمکاری فرنگی، آبنوس کار. (تزئین انفجاری*)

منبت کاری خزه‌ای seaweed marquetry

نوعی منبت کاری متشکل از قاب‌های چوبی با نقوش تصویری (معمولاً از چوب راج یا شمشاد) که بر زمینه یک روکش گردویی قرار می‌گیرد. نقوش روی

منحنی شلاقی *whiplash curve*

منحنی S شکل بسیار طولانی و با انحنای اغراق شده شبیه به پیچک‌های گیاهی که مشخصه طرح‌های سبک آرت نوو بود.



منریسم: یافتن میراث قدیس مرقس، اثر تینتور تو، حدود ۱۵۶۲. کشیدگی بیش از حد پیکره‌ها، فقدان ساختار فضایی منطقی و برهنه‌نمایی همگی مشخصه‌های نمونه‌وار این سبک هستند.

منریست‌های آنتورپ

Antwerp Mannerists

گروهی از نقاشان، که برخی از آنان ناشناخته‌اند و بین سال‌های ۲۵ - ۱۵۱۵ در ناحیه آنتورپ و حوالی آن فعال بودند. در آثار آنان که عمدتاً با موضوعات مذهبی است، سبک‌های منریسم و گوئیک با یکدیگر تلفیق شده است.

منریسم *Mannerism*

(مأخوذ از واژه ایتالیایی *maniera* به معنای «سبک و شیوه») ۱ - این اصطلاح در سده بیستم میلادی و برای توصیف هنر اروپایی دوره ۱۵۱۵ تا ۱۶۱۰ ابداع شد. مشخصه هنر این دوره شگردهای سبک پردازانه و تعامیل به خلق جلوه‌های عجیب و نامتعارف بود. ایستایی نامتقارن* و طول نامتعارف پیکره‌ها در نقاشی و مجسمه‌سازی این سبک مشاهد می‌شود. هنر منریستی گویای حسی از ناآرامی روانی و گرایش به سمت تمرکز بر سبک است تا محتوا، در عین حالی که محتوا نیز خود غالباً پیچیده و اسرارآمیز است. در هنرهای تزئینی نوعی گرایش به پیچیدگی و جلوه‌های نامتعارف وجود دارد. منریسم در خارج از ایتالیا تقریباً همیشه یک سبک درباری بود. ۲ - (با حرف m کوچک: *mannerism*) هر نوع هنری که واجد برخی ویژگی‌های ذکر شده در بالا باشد مثلاً هنر عمارت مصر باستان.



چشم‌اندازی از میدان شهر سان مارکو، ونیز، اثر کانالتو (۱۷۶۸ - ۱۶۹۷)، نمونه‌ای از منظره نقشه‌نما که احتمالاً با کمک جعبه تاریک عکاسی تهیه شده است.

منظره چوپانی *pastoral*

نقاشی منظره که در آن روستا به عنوان نوعی «ارکادی» با جمعیتی از نیمه خدایان نیمف‌ها، ساتیرها، چوپانان نشان داده می‌شود. (-بزم باغی)

منظره نقشه‌نما *veduta (It.)*

(در زبان ایتالیایی به معنی «چشم‌انداز») نوعی نقاشی منظره دقیق نقشه‌نما (توپوگرافی)، که در مقابل نقاشی منظره تخیلی (چشم‌انداز تخیلی) قرار می‌گیرد. مربوط به هنر سده هیجدهم ایتالیا.

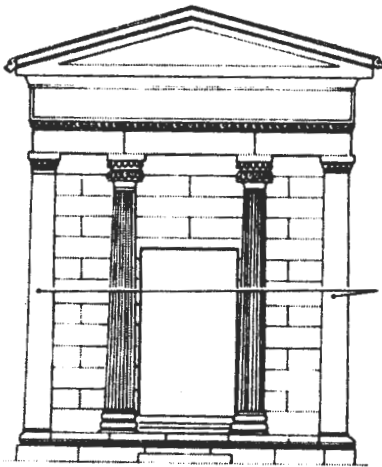
منظره شهری *townscape*

۱ - نقاشی، طرح، یا چاپ‌نقشی از یک شهر یا بخشی از یک شهر. ۲ - در اصطلاح رایج در ترسیمات معماری، شهر یا بخشی از شهر به صورت مجموعه‌ای از فرم‌ها، که معادل فرم‌های تماشایی در نقاشی منظره است.

مفردان *Individualists*

جمعی از هنرمندان چینی که از مدارس رسمی اخراج شده بودند و در اعتراض به فرمانروایی مونچو بعد

- montage (Fr.)** **مونتاژ**
 (در زبان فرانسه به معنی «سرهم کردن») ۱ - نوعی طرح، نه ضرورتاً یک اثر هنری، که با روش چسباندن یک ماده بر ماده دیگر ساخته می‌شود (مثلاً مونتاژ مدال). ۲ - روش خلق چنین طرحی. همچنین نگاه کنید به کلاژ، فتومونتاژ، هم‌آرایی.
- métier (Fr.)** **مهارت هنری**
 ۱ - حرفه هنرمند یا صنعتگر ۲ - نوع خاصی از فعالیت که شخص در آن مهارت یافته باشد.
- belvedere** **مهتابی**
 (در زبان ایتالیایی به معنی «چشم انداز زیبا») مترادف کلاه فرنگی.
- estampille (Fr.)** **مهر اختصاصی**
 نشانی که نام، حروف اول یا حرف نگاره‌ای از سازنده‌اش را نشان می‌دهد و طی دوره ۹۱ - ۱۷۵۱ (که حک چنین نشانی از سوی اتحادیه اجباری شده بود) با یک مهر آهنی بر قسمت ناپیدیایی از یک مبلمان فرانسوی که توسط یکی از اعضاء اتحادیه آبنوس کاران پاریس ساخته شده، حک می‌شد. صنعتگران سلطنتی، که برای دربار کار می‌کردند، از این کار معاف بودند.
- emblem** **مهر رمزی**
 نوعی تصویر، معمولاً ترکیبی، با یک مفهوم نمادین خاص. مجموعه‌های چاپی این مهرهای رمزی و هر یک به همراه یک شعار، از سده شانزدهم و هفدهم رایج شد و به عنوان الگو مورد استفاده هنرمندان قرار گرفت. یکی از معروف‌ترین این نوع کتاب‌ها، کتاب جفری ویتنی به نام «انتخاب مهر رمزی» (۱۵۸۶) است.
- bead - and - reel** **مه‌ره ماسوره**
 نوعی تزئین معماری شامل عناصر نیم کره (یا بیضوی) و مورب که برای آرایش بیشتر ابزارها استفاده می‌شود.
- tessera (Lar.)** **مه‌ره موزائیک**
 قطعات کوچک و معمولاً مکعبی شکل مرمر، شیشه و ... که به عنوان واحد پایه در ساخت موزائیک به کار می‌رود.
- از سقوط فرمانروایی مینگ در سده هفدهم به طور مستقل به نقاشی پرداختند.
- ho - ho bird** **منقار کلنگی**
 نوعی پرنده منقار کلنگی که به صورت تزئینی در هنر چینی استفاده می‌شود و بعدها برای تزئینات چینی‌وار اروپایی به عاریه گرفته شد.
- attributed to-** **منسوب به -**
 متعلق و منسوب به نام هنرمندی که نامش در زیر اثر ذکر شده است.
- squint** **مورب**
 نوعی دریچه یا دهانه کوچک که به صورت مورب دیوار یا جرز را برش می‌دهد، و برای نیایشگران درون کلیسا، پنجره‌ای به سوی محراب اصلی فراهم می‌سازد.
- mosaic** **موزائیک (معرق)**
 طرحی که با سیمان کردن قطعات کوچک یک ماده سخت و رنگی (مثلاً مرمر، شیشه، سرامیک یا سنگ‌های نیمه قیمتی) بر روی یک پایه ساخته می‌شود. (معرق کاری کرمانج^{۳۳})
- tesselated** **موزائیک‌کاری مختلط**
 نوعی موزائیک کاری که سطح آنها پوشیده از مه‌ره موزائیک باشد.
- terrazzo (It.)** **موزائیک مرمری**
 مخلوط خرده سنگ مرمر و سیمان که برای کف سازی استفاده می‌شود. این مصالح در مکان اصلی خود بر روی زمین کار شده و صاف می‌گردد و سپس همیقل می‌خورد.
- Musée Imaginary (Fr.)** **موزه خیالی**
 (در زبان فرانسه به معنی «موزه خیالی») اصطلاحی که آندره مارلو برای توصیف برخی تصاویر و عکس‌هایی که حال دستیابی به آثار هنری را برای تقریباً هر فردی امکان‌پذیری ساخته است به کار برد. وی همچنین اصطلاح Musée sans Mars را در کتاب خود تحت عنوان آوای خاموشی (۱۹۵۲) با همین مفهوم به کار برد.



رواق در میان پیشخان.

کردند که بخشی از برنامه تفریحی آن را بازی حیوانات تشکیل می‌داد.

میدان شهری (It) piazza

۱ - فضای باز که با ساختمان‌های پیرامونی محصور شده باشد (برج ناقوس^{*)} ۲ - (در معنای مهجور) به پیشخان ستون‌دار اطلاق می‌شد.

میدان عمومی (شهر) (Gk.) agora

معادل یونانی واژه فرۆم رومی

میدان (ورزشی) circus

۱ - در دوران روم باستان؛ میدان وسیع مستطیل شکلی که دو انتهای آن به صورت مدور بود. ۲ - در سده‌های هیجدهم و نوزدهم به مجموعه‌ای از خانه‌ها اطلاق می‌شد که با آرایشی دایره شکل یا نزدیک به مرکز دایره ساخته می‌شدند.

میز اعتبار (It) credenza

نوعی میز یا بوفه. این نامگذاری به دلیل آن بود که در ابتدا از این نوع میز برای آزمودن مقدماتی غذای یک شخص مهم به منظور رفع شبهه، یا در واقع تضمین «اعتبار» غذا استفاده می‌شد.

میز تحریر فرانسوی (Fr.) secrétaire

نوعی میز تحریر با کشوهایی برای نگه‌داری کاغذ یا لوازم با ارزش که قفل شود - معمولاً میزی با یک



مهر رمزی با مضمون شهرت، که به صورت نمادین با هرم‌هایی نشان داده شده (به عنوان یادمان) و قلمی که فرشته با خود حمل می‌کند، برای یادبود شاعر توماس هووارد اول سوری، ساخوذ از کتاب «انتخاب مهر رمزی» اثر جفری ویتنی.

میان اشکوب mezzanine

(مآخوذ از واژه ایتالیایی mezzamo به معنی «وسط») طبقه کم ارتفاعی که مابین دو طبقه بلندتر قرار گرفته باشد. همچنین نگاه کنید به میان اشکوبه کف.

میان اشکوبه کف (Fr.) entresol

(در زبان فرانسه به معنی «طبقه مابین») نیم طبقه‌ای که بین اولین طبقه و طبقه همکف قرار می‌گیرد (در ایالات متحده مابین طبقه اول و دوم). ← میان اشکوب.

میان پیشخان (Lat) antis, in

(در زبان لاتین به معنی «میان پیشخان») ۱ - به عنوان بخشی از رواق که از هر دو جانب هم با ستون و هم با انتهای دیوارهای جانبی قاب شده و با گچ پوشش شده باشد (در اینجا antea گفته می‌شود) ۲ - در مفهوم گسترده‌تر کاربرد هر نوع رواقی که از نمای پیشین بنا عقب‌نشینی داشته باشد.

میدان اسب‌دوانی hippodrome

۱ - میدان اسب‌دوانی محصور. این نام از میدان‌های اسب‌دوانی که در دوران روم باستان برای مسابقات اسب‌دوانی و ارابه‌رانی طراحی شده بود، اخذ شده است. معمولاً شکلی کشیده داشتند با مسیرهایی که تا مرکز میدان که مسابقه در آن جریان داشت، امتداد می‌یافت. ۲ - در بریتانیا نامی است که گاه به تماشاخانه هم اطلاق می‌شود، و خود اشاره به این حقیقت دارد که چنین تماشاخانه‌هایی معمولاً در ابتدا، کار خود را به عنوان نوعی سالن موسیقی آغاز

به نظر می‌رسند. احتمالاً سر منشاء کاربرد این روش به طور مستقل به کشورهای فرانسه و ایتالیا و اواخر سده سیزدهم می‌رسد.

camaiëu, en، برجسته کاری زیتی: (در زبان فرانسه به معنی «در نگین») نوعی مینای سنگ‌نما که برای ساخت آن نخست طرح بر روی لوحی که با مخلوط مینای مشکی یا تیره پوشیده شده، حک می‌گردد و در نتیجه لایه سفید مینا آشکار می‌گردد و خطوط طرح بر روی زمینه تیره گود می‌شود تا جلوه‌های نگین مانند حاصل شود.

champlevé، مینای شیاری: در زبان فرانسه به معنی «زمینه برجسته» روشی که سابقه آن به دوران روم یا قبل‌تر باز می‌گردد، در این روش شیارهایی بر روی سطح یک لوح فلزی ضخیم (معمولاً از جنس برنز یا مس، اما گاه از طلا) نقر شده و سپس با مینا پر می‌گردد و پخته می‌شود.

cloisonné، مینای خانه خانه: (در زبان فرانسه به معنی «مجزا شده») روشی که سابقه آن به سده ششم میلادی باز می‌گردد و در آن رنگ‌های مختلف با سیم یا نوار فلزی که به لوح لحیم شده از هم دیگر مجزا می‌شوند. مترادف *cell enamelling*.

Counter - enamelling، میناکاری دو طرفه: روشی که در اواخر سده پانزدهم ابداع شد، و در آن هر دو سمت لوح با مینایی با ضخامت یکسان پوشانده می‌شود و از تاب برداشتن شیء جلوگیری می‌کند (پدیده‌ای که به دلیل نرخ متفاوت انقباض و انبساط فلز و شیشه حاصل می‌شود). این روش، اجرای نقاشی مینایی بر روی لوح نازک را امکان‌پذیر می‌سازد.

Enerusted enamel، مینای ترصیح: مترادف *ronde bosse*

Filligree enamel، مینا میلیه کاری: نوعی مینای خانه‌خانه‌ای که سابقه آن به سده سیزدهم در ونیز باز می‌گردد. در این روش یک لوح نقره‌ای با استفاده از سیم نقره‌ای و (معمولاً با نقوش برگ گیاه) تزئین می‌شود. آنگاه خانه‌هایی که از این طریق بوجود می‌آید بعداً با مینا پر می‌گردند. این روش که بعدها در سده پانزدهم در مجارستان تکامل بیشتری یافت (و در آن تمامی سطح لوح با مینا پوشیده می‌شد) در اطریش، لهستان و روسیه رواج یافت.

Grisaille، مینای خاکستری: هر نوع نقاشی به صورت تک رنگ (معمولاً خاکستری بر روی زمینه سفید، گاه بر زمینه صورتی یا قهوه‌ای). در این روش سطح

صفحه که باز می‌شود و برای عنوان سطحی برای نوشتن استفاده می‌گردد.

میسینی
Mycenaen
مربوط به تمدن سرزمین اصلی یونان در هزاره دوم پیش از میلاد که به شدت تحت تأثیر فرهنگ مینوسی (هنر مینوسی) بود. این نام از شهر میسن که مرکز این تمدن بود اخذ شده است.

میل
baptistery
ساختمان کوچکی، مجزا از بدنه اصلی کلیسا، و غالباً با مقطع هشت ضلعی یا دایره، که در دوره صدر مسیحیت و قرون وسطا مراسم غسل تعمید در آن اجرا می‌شد.

میل بست، آرماتور
armature
اسکلت یا چارچوبی که مجسمه‌ساز برای مستحکم کردن گل مدل سازی یا هر ماده انعطاف‌پذیر و چکش‌خوار دیگر به کار می‌برد.

میله، پرز
pile
۱- نگه دارنده بلندی از جنس الوار، آهن یا بتون، که به عنوان پی ساختمانی در درون خاک نرم یا ناپایدار قرار می‌گیرد. ۲- الیاف کوتاه (به شکل بریده یا حلقوی) که سطح مواد یک بافته خاص را مثلاً مخمل یا فرش شکل می‌دهد.

میله شیشه‌گری
pontil, ponty, punty
میله آهنی که برای شکل دهی نهایی شیشه مذاب به کار می‌رود، و شیشه مذاب از لوله دمنده بر روی آن منتقل می‌شود.

مینا
enamel
شیشه رنگی، به صورت پودر، گاه در ترکیب با روغن که به روش پخت به سطح یک لوح فلزی یا پلاک بچسبد. میناها بسیار متنوعند از جمله:
Basse taille، مینای سایه روشن: (در زبان فرانسه به معنی «برش کوتاه») روشی که در آن جلوه درجه بندی نور و سایه ارائه می‌شود. نخست طرح در ضخامت پلاک برجسته کاری می‌شود. سپس با یک مینای شفاف پوشیده می‌شود. بخش‌هایی که نزدیک به سطح هستند کم رنگ جلوه می‌کنند، در حالی که قسمت‌هایی که با عمق بیشتری کنده شده‌اند تیره‌تر

آن یک شیء برنجی همچون شمعنان یا دسته خنجر با سوراخ‌هایی ریخته‌گری می‌شد و بعداً این سوراخ‌ها را با مینا پر کرده و پخت می‌دادند. *Taille d'épargne, en* مینای برشی (در زبان فرانسه به معنی «با برش محدوده») مترادف *champlevé*.

مینای خانه خانه *cloisonné*
۱ - به مینا رجوع شود. ۲ - در سرامیک؛ اثری که با لعاب‌های رنگی مختلف، که با تیغه جدا کننده از هم مجزا شده‌اند، تزئین شده باشد.

مینای روچینی *petit feu colours*
رنگ‌های مینایی روی ظروف چینی.

مینای سرد *kaltemail (Ger.)*
(در زبان آلمانی به معنی «مینای سرد») نوعی لاک الکل که در سده‌های شانزدهم و هفدهم به تقلید از مینا، ابداع شد، و معمولاً برای اشیائی که برای پخت در کوره بیش از حد بزرگ یا بیش از حد ظریف بودند، به کار می‌رفت.

مینای قهوه‌ای *émail brun (Fr.)*
(در زبان فرانسه به معنی «مینای قهوه‌ای») روش پوشش دادن مس با روغن برزک که بعداً سوخته می‌شود تا فلز را به رنگ قهوه‌ای سوخته (سیر) برآورد. از این روش به همراه مینای شیاری در قرون وسطا استفاده می‌شد، اما خود میناگری حقیقی نیست.

مینای موزان *Mosan enamels*
نوعی مینا شیاری که در کارگاه‌های دهکده موس (Mouse) در سده نوازدهم ساخته می‌شد.

مینایی *mina 'i (persian)*
سفال ایرانی سده‌های نوازدهم و اوائل سده سیزدهم میلادی با لعاب سفید مات یا فیروزه‌ای، و تزئینات بسیار ظریف با مینای آبی، سبز، قهوه‌ای، سیاه، قرمز سفید و نیز طلا.

مینیاتور *miniature*
۱ نقاشی یا طرح با پرداخت کاری بسیار ظریف معمولاً به صورت تک چهره، با آبرنگ و یا گواش که در مقیاسی بسیار کوچک انجام شده باشد.

پلاک تماماً با مینای تیره پوشیده شده سپس پخت داده می‌شود، آنگاه با مینای سفید شفاف پوشانده می‌شود و باز مجدداً پخته می‌شود. پس از آن طرح چند بار متوالی با سایه رنگ‌های متنوع و با ضخامت متفاوت رنگ‌آمیزی می‌شود تا جلوه‌ای نقش برجسته حاصل شود.

Lavor di basso rilievo، میناکاری کم عمق: (در زبان ایتالیایی به معنی «نقش برجسته کم عمق») این اصطلاح معادل ایتالیایی «مینای سایه روشن» است. *Painted enamel*، مینای رنگارنگ: مینایی که به روش ابداعی سده پانزدهم خلق می‌شود که در آن یک پلاک مس، طلا یا نقره با لایه‌هایی از مینای با رنگ‌های مختلف نقاشی می‌شود. از آنجا که رنگ‌ها نقطه نوب متفاوتی دارند، لذا رنگ‌های با نقطه نوب بالاتر اول به کار برده می‌شوند. و هر بار پلاک را پخت می‌دهند تا از آمیزش لایه‌های مختلف جلوگیری شود. این روش پس از ابداع میناکاری دو طرفه، رواج گسترده یافت.

Plein, en، میناکاری مستقیم: (در زبان فرانسه به معنی «پُر») روشی که با کاربرد مستقیم مینا بر سطح یک شیء مربوط است و نه بر سطح (یا لوحی) که بعداً به آن نصب می‌شود.

Plein sur fond réservé, en (در زبان فرانسه به معنی «پُر بر زمینه محدوده»): همان روش میناکاری مستقیم فقط بر مناطق خاصی از یک شیء.

Plique á jour: (در زبان فرانسه «پنجره مشبک») مینای پخت نشده‌ای که خانه‌های (شکل گرفته با) سیم را پر می‌کند لذا شفاف یا حداقل نیمه شفاف است، مانند پنجره شیشه بند منقوش در مینیاتور.

Résille sur verre, en، (دقیق روی شیشه): شیوه‌ای که در آن شیشه آبی یا سبز نقر کنی می‌شود و خطوطی با سیم طلا تعبیه شده و با مینا پر می‌گردد. وقتی شیء در دمای دقیق حرارت دید و پخته شد، شیشه، طلا و مینا با هم ترکیب می‌شوند. از این روش طی سال‌های ۵۰ - ۱۶۵۲ در فرانسه و عمدتاً برای جلد‌های مزین به نقوش مینیاتور استفاده می‌شد.

Ronde bosse, en، مینای مرصع: (در زبان فرانسه به معنی «به حالت مدور») مینای کدری که به صورت چند لایه و رنگی مستقیماً بر روی یک شیء سه بعدی برجسته کاری شده به کار برده می‌شود. مترادف *encrusted enamel*.

Surry enamel، نوعی مینا کاری سده هفدهم که در



نئواکسپرسیونیسم: «سرخپوشان کوهستان سبز» اثر راینر فیتینگ، ۱۹۸۲، تأثیرپذیری نقاش‌های اکسپرسیونیستی کرشنر مربوط به پیش از جنگ جهانی اول را نشان می‌دهد.



نئوامپرسیونیسم: «غروب هونفلر» اثر جورج سورا، ۱۸۸۶، به خوبی بیانگر کاربرد نظام‌مند سورا از روش پردازش رنگ است.

رنگ‌های اصلی به همراه سفید، سیاه و خاکستری استفاده کرد. همچنین نگاه کنید به «استیل».

Neo - Dada

نئودادا

اصطلاحی که برخی هنرمندان اواخر دهه ۱۹۵۰ - نظیر رابرت روزنبرگ و جاسپر جونز - برای توصیف آثارشان که به عنوان احیاء مجدد سبک دادای اولیه می‌پنداشتند، به کار رفت.

Neo - Romanticism

نئورمانتیسم

این اصطلاح که بیشتر در حوزه نمایش کاربرد دارد،

۲ - مترادف تذهیبکاری. [گاه به غلط مترادف «نگارگری» سنتی ایران به کار می‌رود.]

ن

نئواکسپرسیونیسم

Neo - Expressionism

هنر تصویری خشن، که بیشتر احیاء مجدد فرم‌های اکسپرسیونیستی اوائل سده بیستم آلمان بود، و در ایالات متحده، ایتالیا و (به ویژه) طی اواخر دهه ۱۹۷۰ در آلمان غربی شکل گرفت. از جمله هنرمندان مرتبط با این سبک می‌توان جورج باسلیتز، راینر فیتینگ و آنسل کیفر (آلمان)، جولیان اشانبل (آمریکا) و ساندرو وچیا (ایتالیا) را نام برد. این سبک در ایالات متحده به عنوان «نقاشی بد» (Bad painting)، در ایتالیا به عنوان «فراپیشرو» (transavanguardia) نام گرفت، و در آلمان نیز این هنرمندان به عنوان «نوع جدید وحشی» ('New wild ones') شهرت یافتند.

نئوامپرسیونیسم

Neo - Impressionism

یکی از شاخه‌های امپرسیونیسم که روش‌ها و شیوه‌های امپرسیونیست‌ها را با تحلیل عقلی و منطقی دقیق به خدمت گرفت. سورا پیشروی این سبک بود، و سیناک و (برای مدتی) کامیل پیسارو از جمله برجسته‌ترین پیروان آن بودند. مشخصه این سبک کاربرد شیوه پردازش رنگ و ترکیب‌بندی‌های شدیداً قرمی و نظام یافته بود.

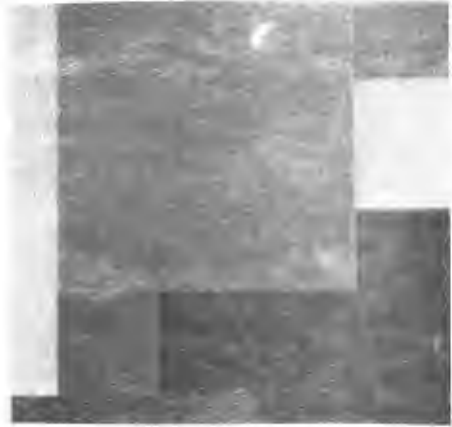
نئوپلاستیسیسم

Neo - Plasticism (Fr.)

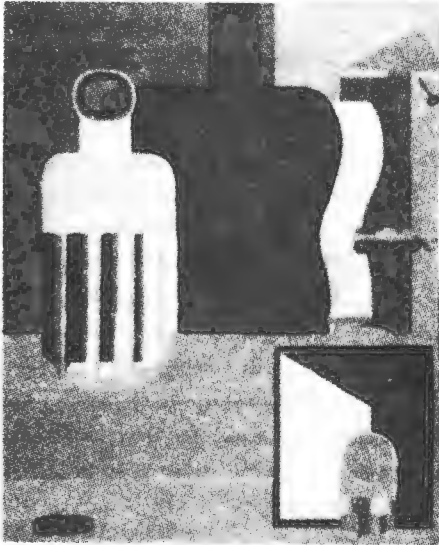
(مأخوذ از واژه هلندی *nieure beelding* به معنی «فرم‌دهی جدید») نظریه هنری که موندریان مبلغ آن بود و بین سال‌های ۲۰ - ۱۹۱۲ برای توصیف آثار نقاشی وی و شاگردانش همچون تتوان دوزبرگ، به کار رفت. آنان معتقد بودند که هنر اساساً انتزاعی است و از این رو فقط باید از زوایای قائمه و موقعیت‌های افقی و عمودی استفاده شود، و از رنگ‌ها نیز صرفاً باید از



نئوکلاسیسیسم: مجسمه‌ خااهر ناپلئون اثر آنتونیوکانووا، به تقلید از حالت پیکره ونوسی به صورت نیمه عریان و در حالی که سببی به دست دارد نشان داده شده است که گویای حالت تصنعی پیکره است.



نئوپلاستیسیسم: «ترکیب‌بندی» تئووان دوزبرگ، ۱۹۲۰، که به خوبی گویای مشخصه این سبک در کاربرد خطوط عمودی و افقی است.



تابلوی «گیتار قائم» اثر لوکوربوزیه، ۱۹۲۱، بیانگر گرایش ناپگرایی (پیوریسم) به فرم‌های اصلی و نیز ساده‌سازی و ایده‌های کوبیستی است. نمایش مسطح پارچ آب، موضوع معمول و شاخص این نوع سبک به شمار می‌رود.



نئورمانتیسیسم: سبک نئورمانتیک جان بیبر به ویژه طی جنگ جهانی دوم محقق شد. این نقاشی آبرنگ، کاتدرال کوونتزی را که پس از بمباران هوایی نوامبر ۱۹۴۰ ویران شد، نشان می‌دهد.

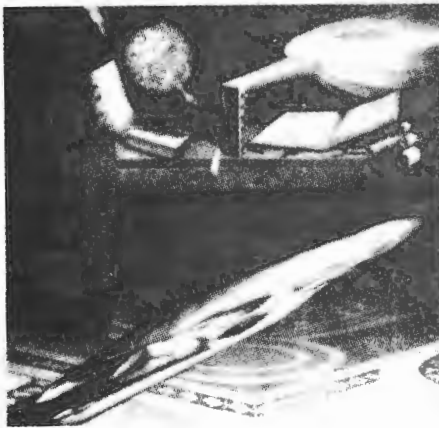
نئوکلاسیسیسم Neo - Classicism

سبکی تزئینی مبتنی بر الگوهای یونان و روم باستان، که در دهه ۱۷۵۰ به عنوان واکنشی در برابر تلاش‌های پرتجمل و افراطی روکوکو ظهور یافت، و در دهه ۱۷۷۰ کاملاً تثبیت شد. مشخصه آن تفوق فرم‌های خطی و متقارن و نیز ارجحیت دادن به فرم‌های تخت به جای حجمی شکل بود.

طی دهه‌های ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ تحت تأثیر سوررئالیسم در نقاشی ظهور یافت. از جمله هنرمندان مرتبط با این جنبش هنری می‌توان کریستین برارد فرانسوی، یوجین برمان امریکایی و جان پیپر انگلیسی را نام برد.



منظره پانوراما از یک بزم باغی اثر ادولفون میزل، ۱۸۶۷، که در آن بسیاری از جزئیات مشخصه طبیعت‌گرایی همچون پرستاربریتانی در سمت چپ پیش زمینه تصویر، نشان داده شده است.



بخشی از یک نارایت اثر هانس هولبلین کوچک: ژان دو دنتیوی و جورج دسلو (امباسادور)، ۱۵۳۳. اگر گوشه سمت چپ پایین صفحه نزدیک چشم گرفته شود، تصویر پنهان آشکار خواهد شد.

می‌شود. ۲- به طور کل به برج ناقوس اطلاق می‌شود (← برج ناقوس) ۲- چارچوب الواری درون کلیسای با برج سر مخروطی که یک یا چند ناقوس را نگه می‌دارد.

ناگا (مار خدای هندویی) (naga (skr.)
در هنر هند؛ روح مار نگهبان که غالباً به عنوان یک موجود نیمه انسان نیمه حیوان نشان داده می‌شود.

نامتقارن asymmetrical
وقتی دو سوی خط محور باهم مشابه و برابر نباشند (ضرورتاً نامتعادل نیست).

Purism

نابگرایی

جنبش هنری که در سال ۱۹۱۵ به همت نقاشانی چون آمده اوزنمان، و چارلز ادوارد ژانره (که وی را بیشتر با نام مستعارش به عنوان «لوکوربوزیه» معمار می‌شناسند) برپا شد. آنان بیانیه‌ای تحت عنوان «پس از کوبیسم» در سال ۱۹۱۸ منتشر ساختند. نابگرایی تلاشی بود در جهت اصلاح مرحله متاخر و تزئین‌تر کوبیسم، و بازگشتن به فرم‌های اصلی ساده و به شدت خلاصه شده.

۱- ناتورالیسم، ۲- طبیعت‌گرایی naturalism

۱- ناتورالیسم: گرایش هنری که طی نیمه دوم سده نوزدهم در سرتاسر اروپا رایج بود، و هنرمندان را وامی‌داشت تا بیشتر و بیشتر به نمایش جزئیات زندگی روزمره رو آورد. ما به ازای ادبی این اصطلاح را می‌توان به عنوان نمونه در رمان‌های زولا و گنکور یافت. ناتورالیسم تاثیر زیادی بر هنرمندان با گرایشات مختلف نهاد از جمله دگا، ادولف فون میزل و الیاریپین. ۲- در معنای طبیعت‌گرایی (با n کوچک: naturalism) به هر هنری اطلاق می‌شود که بیش از نظریه‌های عقلانی بر تصویری که از طبیعت اخذ شده مبتنی باشد. معمولاً با واقع‌گرایی خلط می‌شود.

anamorphosis

ناریخت

نقاشی، طرح یا چاپنقشی که وقتی از روبرو به آن نگاه شود کژنما به نظر برسد اما وقتی از یک نقطه دیدی در جوار آن مشاهده شود، و یا در یک آینه منحنی شکل رؤیت شود، تناسبات معمول را به خود می‌گیرد.

Nazarenes

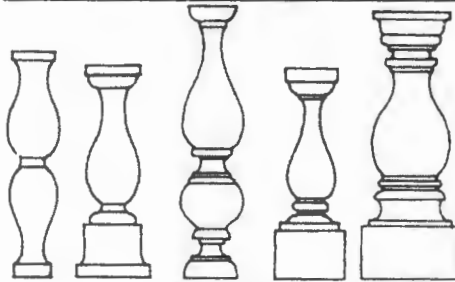
ناصریان

(مأخوذ از واژه آلمانی (Nazarener) گروهی از هنرمندان آلمانی که در اوائل سده نوزدهم در رم زندگی می‌کردند. از جمله یوهان فردریش اوربک، پیتر فون کورنلوس و فرانتزپور. آنان بعد از سال ۱۸۱۰ گرد هم آمدند و برخی به کاتولیک گرویدند. عقیده آنان احیاء مجدد نقاشی آلمان از طریق تقلید آثار دورر، پاروجینو و رافائل جوان بود. نگاه کنید به تصویر صفحه بعد.

belfry

ناقوسخانه

۱- طبقه بالابین برج که در آن ناقوس آویخته



انواع میله نرد، ۵۵، مربوط به دوره رنسانس.



پرترهٔ فراز فور، ۱۸۱۱، اثر اوربک، یکی از موسسین گروه ناصریان، که به تقلید از سبک سدهٔ پانزدهمی - آن‌گونه که در آثار پروچینو و رافائل مشاهده می‌شود - فرد نشسته در پشت یک رفته یا طاقچه قرار گرفته است.

edition نسخه

تمامی کپی‌های یک چاپنش یا کتاب که از یک چاپ تهیه شده باشند.

ms. mss. نسخه / نسخ خطی

کلمات اختصاری نسخه خطی. نسخ خطی.

original نسخهٔ اصلی

اثر هنری که هنرمند خود خلق کرده است؛ در مقابل نسخه‌های بدلی که دیگران از آن اثر تهیه می‌کنند (نسخهٔ بدل).

Facsimile نسخهٔ بدل

۱ - در مفهوم خاص به نسخه‌ای که از همه نظر به نسخهٔ اصلی شبیه است، از جمله واسط هنری ۲ - در مفهوم عام‌تر به باز تولید چاپی یک طرح، باسمه، نسخهٔ دستی یا کتاب چاپی که نتوان آن را بدون بررسی موشکافانه از نسخهٔ اصل تمیز داد.



«کارگاه پارچه بافی» نقاشی نمونه‌وار نبی‌ها اثر پل سیروزیه (۱۸۶۳ - ۱۹۲۷) که گویای تاثیرپذیری نقاش از صحنه‌های روستایی بریتون گوگن است.

copy نسخه برداری، (کپی)

باز تولید و تکثیر یک اثر هنری موجود، که معمولاً توسط کسی غیر از خود نقاش اصلی اجرا می‌شود. همچنین نگاه کنید به اثر تکراری و تکثیر.

conter - proof نسخهٔ چپ و راست

باز تولید یا تکثیر یک طرح یا چاپنش به روش مرطوب کردن نسخهٔ اصلی و گذاردن آن بر روی یک کاغذ جدید و فشار دادن آن. اثر حاصله، تصویر آینه وار نسخهٔ اصلی است.

codox (Lat) نسخهٔ خطی

کتابی که از برگ‌های مجزا تشکیل شده (در مقابل کتاب طوماری). این شکل کتاب از سدهٔ اول مسیحی

Nabis (Hebrew) نبی‌ها

(در زمان عبری به معنی «پیامبران») گروهی از هنرمندان فرانسوی که در سال ۱۸۸۸ تحت تأثیر آثار گوگن در پونت‌آون در بریتانیا گرد هم آمدند. از جمله اعضای این گروه می‌توان بونارد، ولارد، موریس دنیس، سیروزیه و مایلول اشاره کرد. نبی‌ها نظریهٔ گوگن دربارهٔ رنگ بیان‌گرا (در مقابل رنگ واقع‌گرا) را با دیدگاه‌های به عاریه گرفته شده از سمبولیسم تفسیق کردند.

baluster نرده

پایه یا تیر کوتاه، معمولاً با مقطع دایره، با لبه‌های منحنی.



نشان اعتبار: تصویر قفسه کتاب روی این مدال شخصی متعلق به گالوتو مارزیونانی، معلم علوم انسانی در بلوگنا در سده پانزدهم، نمونه‌ای گویا از موضوع این نوع نشان‌هاست.



نشان شیوا از جنس سنگ بلوری، از راجستان، که با نقوش یا ترا برجسته کاری شده است، سده هفدهم.

مشاهده می‌شود و اثر بجا مانده از میله یا چوبی است که شیء را به هنگام پخت در کوره نگه می‌دارد.

نشان میله شیشه‌گری
 نشان میله شیشه‌گری بر بدنه ظرف شیشه‌ای به جا می‌ماند.

۱- نشانه‌گذاری، ۲- بندکشی مجدد

pointing

۱- روش مکانیکی برای بزرگ کردن یک مدل کوچک یا نمونه کوچک پیکره و تبدیل آن به یک مجسمه به اندازه طبیعی، با استفاده از روش اندازه‌گیری مجموعه نقاط روی نسخه اصلی و انتقال آنها بر روی کپی آن (در واقع معادل سه بعدی روش انتقال

به کار رفت و اولین نمونه‌های مصور باقی مانده آن به سده چهارم میلادی به بعد باز می‌گردد.

نسخه دوم
 variant
 نسخه‌ای از یک اثر هنری اصیل، با اندک اختلاف جزئی، که ممکن است توسط همان هنرمند یا شخص دیگری اجرا شده باشد. همچنین نگاه کنید به اثر تقلیدی.

نسخه سازی
 editioning
 روش خلق شمار خاصی از یک باسمه، تحت نظر هنرمند، که با استفاده از آن نسخه‌های امضا شده و شماره گذاری شده تهیه می‌شود.

نشان اختصاصی ژاپنی
 mon (Jap.)
 نوعی نشان اختصاصی ژاپنی، که در آغاز صرفاً مورد استفاده خانواده‌های اشرافی بود، اما بعداً به عنوان علامت تجاری مورد استفاده پیشروان تجاری قرار گرفت. (برای تصویر نگاه کنید به چاپنقش باسمه چوبی*)

نشان اعتبار
 impreasa (It.)
 نوعی نشان که طی دوره رنسانس در ایتالیا، شاهزادگان، علماء و دیگر افراد برجسته اجتماعی، از آن به عنوان علامت یا نشان شخصی استفاده می‌کردند.

نشان باروری
 yoni (Skr.)
 تجسم اندام باروری زنانه در هنر هندی.

نشان شیوا (لینگا)
 linga, lingam (SKr.)
 (در زبان سانسکریت به معنی «علامت») نماد جنسی شیوا، خدای هندو، گاه همراه با یک یا چند چهره از او.

نشان کنسولی
 fasces (Lat.)
 (در زبان لاتین به معنی «دسته») دسته‌ای میله که حول یک محور بسته شده باشند، در ابتدا نشان اختصاصی دولت کنسولی روم بود که پیشاپیش وی توسط افسر حامل حمل می‌شد. بعدها به بخشی از مجموعه آثار تزئینی معماری کلاسیک بدل شد.

نشان میله
 spur marks
 علائمی که بر پشت یا کف شیء سرامیکی لعابدار



موریس لوئیس، رهبر نقاشان رنگپرداز و اشننگتن، که از روش جذب لکه استفاده کرده است، از مجموعه «گسترده‌ها»، ۱۹۶۱.

موضوعات مربوط به آن، همراه با نوعی تکریم موقرانه قرار دادند. این هنرمندان شامل پیروان کاراواجیو، نظیر جورج دلاتور؛ هنرمندان مرتبط با نقاشی ژانر هلندی نظیر برادران لوئیس، آنتوین و ماتئو روناین؛ و نیز هنرمندان طبیعت بیجان نظیر لوئیس مویلون و سباستین استوسکوف بودند. این اصطلاح برای نخستین بار به عنوان نام نمایشگاهی که در سال ۱۹۲۴ در پاریس بر پا شد رواج یافت. همچنین نگاه کنید به واقع گرایی.

نقاشان رنگ پرداز و اشننگتن

Washington Color Painters

نمایشگاهی که تحت همین عنوان در سال ۱۹۶۵ در نگارخانه هنر مدرن واشینگتن DC برپا شد. و بعد از آن نام نمایشگاه به هنرمندانی که آثارشان را به نمایش گذاشته بودند منتقل شد. از جمله چهره‌های برجسته این گروه می‌توان به موریس لوئیس، کنث نولاند، و جن دیویس اشاره کرد. ویژگی مشترک آنان، علاقه به رنگ همچون عنصری مستقل بود که به صورت کاربرد رنگ‌های اکریلیک حلال در آب بر روی بوم آستر نخورده و بدون پیش طرح تجلی می‌یافت. اسلوب رنگ دوانی. (همچنین نگاه کنید به انتزاع پساقاشانه، آستر زنی، آهار)

نقاشان سنت ایو

St Ives painters

گروه نامنسجمی از نقاشان بریتانیایی که از اوائل دهه ۱۹۴۰ در دهکده کورنوال سنت ایو زندگی و کار می‌کردند. برخی از معروف‌ترین این هنرمندان (مثلاً پاتریک هرون و تری فراست) نسخه بریتانیایی

تصویر به صورت جدول‌بندی است). ۲ - روش بیرون کشیدن ملاط بندکشی قدیمی و جایگزین کردن ملاط تازه به نحوی که سطح صیقلی و صاف پدید آید.

نشانه بام

گسترش دیوار عقب بنا تا بالای سطح بام در ساختمان سازی تمدن مایا.

نشست رنگ

۱ - در رنگ آمیزی، تراوش یک رنگ بر سطح رنگ زیرین آن. ۲ - در نقاشی، روش خلق یک تصویر که به خارج از حاشیه مورد نظر کاغذ گسترش یابد و لذا بعد از پیرایش، تصویر فاقد حاشیه به نظر برسد.

نظر قریبانی

(کاربرد تصاویر، به ویژه از نوع عامداً زشت، به عنوان مثال سئودیس گورگن در معبد یونانی و رومی). برای حفاظت از گزند شر.

نعل درگاهی

قسمت افقی سنگ یا الواری که بر طول یک دهانه قرار می‌گیرد تا وزن دیوار روی دهانه را تحمل کند. (قوس، لغاز، لغاز)

نعله (در و پنجره)

بخشی از لغاز در یا پنجره که با زاویه‌ای نسبت به دیوار قرار می‌گیرند، اما در کلاف آن پنهان نمی‌شود.

نقاش

p., - pinx, - pinxit, - pictor (Lat.)
(در زبان لاتین رازۀ *pinxit* به معنی «نقاشی شده») ۱ - در تابلوی نقاشی بعد از نام نقاش می‌آید. ۲ - بر روی باسمه، نشان‌دهنده آن است که نام پیش از آن مربوط به خالق طرح اصلی است که باسمه از روی آن باز تولید شد است. (معمولاً باسمه براساس نقاشی اجرا می‌شود.)

نقاشان حقیقت پرداز

peintres de la Réalité, les (Fr.)

(در زبان فرانسه به معنی «نقاشان واقعیت») گروه نامنسجمی از نقاشان سده هفدهم فرانسه، که موضوع آثار خود را بازنمایی زندگی روزمره و



تابلوی «حاشیه رودخانه اجر» اثر چارلز شیلا، یکی از اعضای نقاشان صراحتگرا.



نقاشان سیار: «آنان انتظارش را نداشتند» اثر ربین، ۱۸۸۴، که تصویری از بازگشت یک تبعیدی سیاسی به خانه‌اش را نشان می‌دهد.



شهر کامدن، اثر اسپنسرگروه، یکی از اعضای نقاشان کامدن تاون حدود ۱۹۱۱.

نقاشان کامدن تاون

Camden Town Group

گروهی از شرکت کنندگان در نمایشگاه پست امپرسیونیسم ۱۱ - ۱۹۱۰ به رهبری سیکرت و هنرمندانی چون هارولد گیلمان و اسپنسر فردریک گور. نامگذاری گروه به این دلیل بود که بسیاری از موضوعات آثار آنان از منطقه قدیمی کامدن تاون در لندن اخذ شده بود.

نقاشانه

painterly

(مأخوذ از واژه آلمانی *malerisch*) نوعی بازنمایی، نه با خطوط کناره‌نما، بلکه با تلفیق نور و سایه، به نحوی که تصویر با لکه‌های نامشخص رنگی تجسم شود. تاریخ‌شناس هنری سوئیسی هاینریش وولفلین برای نخستین بار در سال ۱۹۱۵ این واژه را به همین مفهوم به کار برد.

اکسپرسیونیسم انتزاعی را غالباً با اشاراتی به مناظر محلی خلق کردند.

نقاشان سیار (آوارگان) Wanderers, The

گروهی از نقاشان طبیعت‌گرای روسی که در سال ۱۸۷۰ به مخالفت با فرهنگستان سلطنتی هنر برخاستند. آنان تابلوهایی به سبک واقع‌گرایی اجتماعی نقاشی می‌کردند و سعی داشتند تا آثار خود را همگانی کنند و منابع حمایتی خود را با برپایی نمایشگاه‌های سیار (که علت نامگذاری گروه هم هست) گسترش دهند. مشهورترین اعضای این گروه عبارت بودند از ایلیارپین و واسیلی ورشچاگین.

نقاشان صراحتگرا

Precisionist Painters

مکتب هنرمندان امریکای شمالی از حدود ۱۹۱۵ به بعد که مناظر صنعتی و صحنه‌های معماری را به صورت ساده و صریح و هندسی نمایش می‌دادند، و معمولاً از نشان دادن ارجاعات انسانی اجتناب می‌کردند. بدین ترتیب یک صحنه باز نمایانگر را به نحوی ارائه می‌دادند که گویی انتزاعی است. نمایندگان برجسته این گرایش عبارت بودند از چارلز شلر، چارلز دموت، و جورجیا اوکیف.

هفدهم نشان می‌دهد. ۲ - در مفهوم عام‌تر نوعی نقاشی ژاپنی که مدهای اروپایی را به نمایش می‌گذارد. ۳ - اشیاء ژاپنی به سبک شبه اروپایی - مثلاً لاک الکل با نشان‌های مسیحی.

نقاشی اشیاء خانگی

bodegon (sp) (در زبان اسپانیایی به معنی «میکده») نوعی نقاشی اسپانیایی که موضوعات آن عمدتاً طبیعت بیجان بود، اما در پس زمینه آن گاه یک فضای داخلی با یا بدون پیکره‌های انسانی وجود داشت.

نقاشی انتقالی

transfer printing

روش تزئین مینا و سرامیک، به وسیله چاپ طرح از یک لوح حکاکی شده بر روی کاغذ و سپس فشردن آن بر روی سطحی که قرار است تزئین شود. در مورد سرامیک این کار را می‌توان هم بعد و هم قبل از به کارگیری لعاب انجام داد. این روش نخستین بار در کارخانه مینای باترسا در سال ۱۷۵۲ به کار رفت.

نقاشی بدنی

Body Art نوعی هنرکنشی یا هپنینگ، که در آن هنرمند از بدن خود به عنوان ابزار اصلی بیان هنری بهره می‌گیرد. این اصطلاح از حدود سال ۱۹۶۷ به کار برده شد. مترادف *Living sculpture*.

نقاشی براق پشت شیشه

tinsel painting نقاشی بر پشت یک قطعه شیشه، که بعداً با پوششی



نقاشی پرسپکتیو معماری در کاخ دوکال، سابیونتا، اثر پیترو پسنتی و برادران آلبرتی، ۱۵۹۰.



پیرزن در حال پخت تخم‌مرغ، ۱۶۱۸، یکی از نمونه‌های اولیه نقاشی اشیاء خانگی، اثر ولاسکز.

نقاش پرسپکتیو معماری

quadraturisti (It.)

متخصص در زمینه نقاشی پرسپکتیو معماری.

نقاش صنف

peintre - doreur (Fr.) (در زبان فرانسه به معنی «نقاش صنف») در نظام صنفی فرانسه سده هجدهم، به فردی که مسئول نقاشی، طلاکاری، برجسته‌کاری و مفصل‌بندی محصولی است که یک مبل ساز ساخته است. (به چنین شخصی هرگز طلاکاری فلزی سمارش داده نمی‌شد.)

نقاشی از اروپائیان

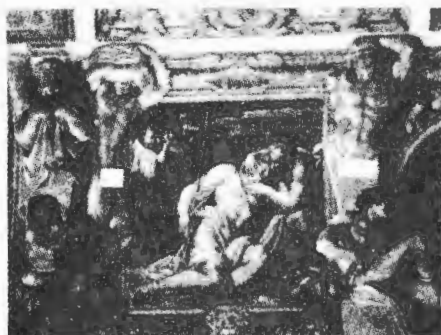
namban (jap.) (در زبان ژاپنی به معنی «وحشیان جنوبی») ۱ - نوعی نقاشی ژاپنی که بازدیدکنندگان اسپانیایی، پرتغالی و هلندی را در ژاپن در سده‌های شانزدهم و



بشقاب سفالی کرمی اثر ووج وود، حدود ۱۷۸۰، با تزئینات نقاشی انتقالی از یک دورنمای تخیلی معماری.



بخشی از نقاشی پامحرابی سده پانزدهمی که تابلوی «راز میهمان» اثر پائلو یوسیلو را نشان می‌دهد که در آن از بازنمایی صحنه‌های پیوسته استفاده شده است.



نقش پیکره‌نما و تصاویر برهنه مردانه در جوار یک تصویر انتقالی از دیانا و اندیمیون اثر آنیبال کاراتچی، در کاخ فرانزه، رم، حدود ۹۹ - ۱۵۹۷.

نقاشی تلفیقی

combine Painting

نوع تحول یافته اصول کلاژ است که در آن اشیاء آماده مسطح یا سه بعدی به سطح تابلو نصب می‌شود؛ گاه ممکن است بر روی آن نقاشی شود و یا به همان صورت طبیعی خود باقی بماند. این اصطلاح را روبرت روزنبرگ امریکایی (نگاه کنید به نثودادا) که اشیاء زیادی چون حیوانات پر شده از گاه و یک رادیوی کاملاً سالم و در حال کار را به تابلوهایش الحاق کرد ابداع نمود. تفاوت اندکی بین این نوع نقاشی با هنر محیطی وجود دارد.

نقاشی چروکیده

off - stretcher

نوعی نقاشی، معمولاً انتزاعی، که بر روی بوم یا پارچه‌ای که کاملاً کشیده نشده (به صورت چروک) و غالباً با شکل نامنظم، انجام می‌شود. نمونه‌هایی از این آثار طی دهه ۱۹۷۰ در اروپا و امریکا پدید آمد.

از ورق قلع پخته می‌شود، و بدین ترتیب خود نقاشی براق و درخشنده به نظر می‌رسد.

نقاشی به سبک چینی

Kara - e (Jap.) (در زبان ژاپنی به معنی «نقاشی چینی») نقاشی که توسط یک هنرمند ژاپنی و به سبک چینی کار شده باشد. همچنین نگاه کنید به نقاشی طوماری ژاپنی.

نقاشی پامحرابی

predella (It.) (در زبان ایتالیایی به معنی «پامحرابی») نوعی نقاشی که در زیر صحنه اصلی یا مجموعه‌ای از لته‌های اصلی در یک محراب قرار می‌گیرد، و بدین ترتیب نوعی پاسنگ تزئینی را شکل می‌دهد. از آن جا که این نوع تزئینات ماهیتاً به شکل افقی، طویل و باریک هستند، غالباً به صورت نقاشی روایی و گاه برای بازنمایی صحنه‌های پیوسته استفاده می‌شوند.

نقاشی پرسپکتیو معماری

quadrature (It.)

(در زبان ایتالیایی به معنی «طرح‌های پرسپکتیوی») تزئینات دیوار نگاری سده هیجدهم که به روش دیده فریب انجام می‌شد و معمولاً یک موضوع معماری را با تاکید بر جلوه کوچک نمایی شدید و جلوه‌های اغراق شده پرسپکتیوی نشان می‌دهد.

نقاشی پیکره

figure painting (نقاشی که پیکره انسانی را باز نمایی کند.)

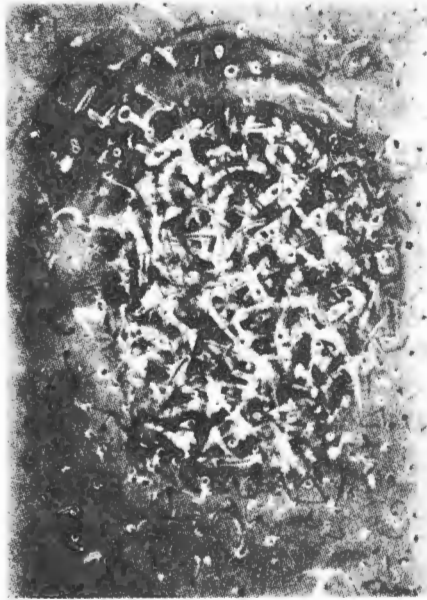
نقاشی تاریخی

نوعی نقاشی تصویری (فیکوراتیو) که گویای گرایش‌های تاریخی و اسطوره‌ای به شیوه‌ای آگاهانه و به روش پرشکوه است. از دید نظریه پردازان فرهنگستانی سده هفدهم و هیجدهم متعالی‌ترین شکل هنر پس از نقاشی مذهبی است. همچنین نگاه کنید به شیوه گرانمایه.

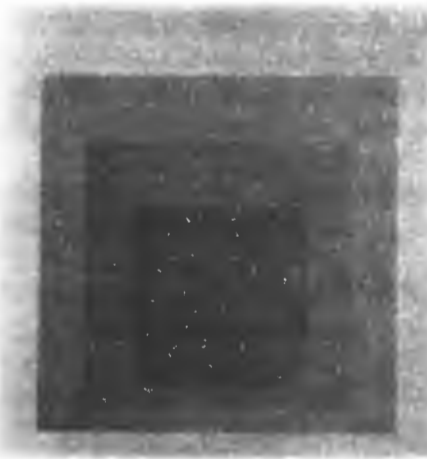
نقاشی تصاویر انتزاعی

Abstract Image painting

نوعی از اکسپرسیونیسم انتزاعی است که جلوه ظاهری خود را صرفاً از طریق کاربرد رنگ و فرم، و بدون هیچ تأکیدی بر ضربات قلم‌مو یا دیگر مشخصه‌های نقاشانه پدید می‌آورد.



نمونه‌ای از نقاشی خط اثر مارک توبی، ۱۹۶۰، جلوه‌هایی از خوشنویسی شرقی را نشان می‌دهد.



نقاشی خطبر در مفهوم عامترش: اسکان در مربع: تالار خاموش، اثر یوزف آلبرس، ۱۹۶۱.

مفهوم گسترده‌تر، به هر نوع نقاشی مدرن انتزاعی با چنین ویژگی‌هایی اطلاق می‌شود.

نقاشی دریایی
marine painting
نوعی نقاشی که در آن دریا و کشتی به ویژه نبردها

نقاشی چسبی
peinture à la colle
اصطلاح فرانسوی برای رنگ لعابی (در معنای تحت اللفظی به معنی «نقاشی با چسب»)

نقاشی چند لته
polyptch
نوعی نقاشی که بر روی چند لته متصل به هم (معمولاً به صورت لولایی) اجرا شده باشد.

نقاشی حاشیه‌ای
fore – edge, foredge painting

نقاشی که به چندین قسمت مجرا تقسیم شود، و هر قسمت در حاشیه راست صفحه سمت چپ کتاب قرار گیرد. کل تصویر زمانی قابل رویت می‌شود که صفحات به صورت بادبزن کنار هم چیده شوند.

نقاشی خاکستری
grisaille
۱ - نقاشی خاکستری یا تک رنگ خاکستری، گاه با طلا مزین می‌شود. ۲ - نگاه کنید به مینا.

نقاشی خانگی
Hausmalerei (Ger.)
(در زبان آلمانی به معنی «نقاشی خانه») کارخانه تولید آثار چینی، بدل چینی (سفال لعاب‌دار یا شیشه) که توسط تزئین کاران مستقل در خانه با مینا و آب طلا مزین می‌شدند. این روش از سده هفدهم که میناکاران و شیشه‌گران آلمانی به تقلید از سفال‌های لعاب‌دار معاصر خود به کار بستند، در آلمان رواج یافت. آثار چینی میسن و وین در نیمه اول سده هیجدهم غالباً به این روش تزئین می‌شدند.

نقاشی خط
calligraphic Painting
۱ - در هنر مدرن، معمولاً هنر انتزاعی مربوط به دهه ۱۹۳۰ به بعد، که تأکید خود را بیش از همه بر جلوه‌ها و کیفیات بصری نوشتاری ضربات قلم می‌گذارد که شباهت زیادی به خوشنویسی‌های شرقی دارد.
۲ - نوعی نقاشی مرکبی ژاپنی و چینی، که با همان قلم نوشتاری و با همان حالات اجرایی ضربات قلم مو اجرا می‌شود.

نقاشی خط بر
hard – edge painting
۱ - اصطلاحی که جولوس لانسر منقد هنری اهل لوس آنجلس در سال ۱۹۵۸ برای توصیف آثار هنرمندان بومی که از فرم‌های کاملاً مشخص با رنگ‌های تخت استفاده می‌کردند ابداع کرد. ۲ - در



نقاشی روایی: تصویرسازی کتاب مربوط به اواخر سده نوزدهم اثر ویلیام فریت برای کتاب شعر دهکده مهجور اثر گلداسمیت (۱۷۷۰). این تصویر به خوبی بازتاب دهنده توصیف تقریباً دقیق گلداسمیت است.

وی در زمان خلق اثر است بلکه شخصیت کلی وی را نیز باز می‌نمایاند.

نقاشی روایی narrative painting
نوعی نقاشی که عمده هدف آن روایت یک داستان باشد. این نوع نقاشی به ویژه در دوره عصر ویکتوریایی انگلیس رایج بود و آثار دلبلیو، پی. فریت نمونه‌های شاخصی از این شیوه محسوب می‌شوند.

نقاشی روچینی clobbering
(در زبان انگلیسی عامیانه سده نوزدهم به معنی «لباس») ۱ - نوعی نقاشی مینایی بر روی ظرف چینی‌ای که قبلاً تزئین شده باشد. ۲ - نقاشی پخت نشده یا رنگ گذاری مجدد بر روی سفال یا چینی. از این دو روش غالباً برای ساخت سفالینه‌های شرقی مورد توجه بازار اروپا استفاده می‌شد.

نقاشی روی تخته panel painting

نقاشی روی فلز tole
(مأخوذ از واژه فرانسوی *tôli* به معنی «ورق فلز») اشیاء حلبی که طی اواخر سده هیجدهم و اوائل سده نوزدهم با طرح‌های تزئینی نقاشی می‌شدند.

نقاشی زمینه طلا gold ground
نوعی روش نقاشی قرون وسطایی که طی آن بر قابی که قبلاً با اندود گچ بوم و با ورق طلا پوشیده شده، با رنگ تمپرا یا رنگ روغن نقاشی می‌شود.

یا حوادث تاریخی دریانوردی به تصویر کشیده می‌شود. در سده هفدهم این مضمون برای نخستین بار به عنوان یک ژانر مستقل در هلند مطرح شد. از جمله نقاشان برجسته هلندی سده هفدهم که در این ژانر نقاشی به کار پرداختند می‌توان وان‌دولدها، پدر و پسر را نام برد. مترادف: seapiece

نقاشی دولته diptych
یک جفت لته یا صفحه چوبی که به هم لوله شده باشند.

نقاشی دولته عاجی consular diptych
نوعی نقاشی دولته عاجی که بر دیوار آویخته می‌شود و همچون کتاب باز می‌شود. جوانب خارجی آن با تصاویر کنسول روم پوشیده شده است. سطح داخلی مجوف شده و با لایه نازکی از موم که می‌توان روی آن حکاکی کرد، پر می‌شود. از سال ۲۸۴ میلادی تا فروپاشی اداره کنسولی در سال ۵۴۱ میلادی، این نقاشی‌های دولته نشان رسمی قدرت کنسولی محسوب می‌شدند.

نقاشی دیده فریب trompe - L'oeil (Fr.)
(در زبان فرانسوی به معنی «فریب چشم») نوعی نقاشی، معمولاً طبیعت بیجان، که با استفاده از تمهیدات مختلف ایجاد توهم بصری، تماشاچی را وامی‌دارد تا تصویر را به صورت اشیاء واقعی ادراک می‌کند. نقاشی دیده فریب موفق فضای بسیار کم عمقی را پشت صفحه تصویر اشغال می‌کند و عملاً به نظر می‌رسد که سطح تصویر برآمده و برجسته شده است. (نقاشی پرسپکتیو معماری)*

نقاشی دیواری، دیوار نگاره mural, mural painting

هر نوع نقاشی که به طور مستقیم بر روی دیوار اجرا شود، یا برای همیشه به آن نصب گردد.

نقاشی رفتارنما gestural painting
اصطلاحی عام برای آثار پیشروان اکسپرسیونیسم انتزاعی آمریکا، و نیز هنر هنرمندان اروپایی که با همین گرایش کار می‌کنند. در این سبک عقیده بر آن است که علائم و نشانه‌های روی بوم، رفتارها و حالات فیزیکی مشخصه هنرمند را ثبت می‌کند و لذا نه تنها بیانگر احساسات



نقاشی گرانت وود به نام گوتیک آمریکایی، ۱۹۳۰، که این نام را به نوعی به نقاشی صحنه‌های آمریکایی اعطا کرد.

نقاشی سه لته
trptych
تصویری متشکل از سه لته، که معمولاً دو لته بیرونی به وسطی لولا شده‌اند و لذا می‌توان آنها را مانند در، در جلوی لته وسطی بست. همچنین نگاه کنید به: نقاشی دولته، نقاشی چند لته.

نقاشی سیاه قلم ژاپنی
sumi - e (Jap.)
(در زبان ژاپنی به معنی «تصاویر با آب مرکب») نوعی نقاشی که تماماً با مرکب مشکی بدون هیچ رنگ اضافی انجام شده باشد، و جلوه و حضور رنگ فقط از طریق تغییر در سایه روشن‌ها ارائه شود.

نقاشی صحنه‌های آمریکایی
American Scene Painting

نوعی نقاشی تصویری آمریکایی طی دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ که تلاش داشت تا نمایشی واقع‌گرایانه از زندگی معاصر آمریکایی، به ویژه با موضوع زندگی در شهرهای کوچک و روستایی به دست دهد. اکثر موضوعات این سبک برگرفته از زندگی روستایی غرب میانه است.

نقاشی صحنه‌های خانگی
intimisme (Fr.)
نامی که به گرایش متأخر امپرسیونیستی اطلاق



نقاشی ذن: تان هسیا در حال آتش زدن تصویر بودا، نمونه‌ای از نقاشی جسورانه و گستاخانه اثر سنگایی، از استادان پیشروی ذن ژاپنی سده هجدهم.

بدین ترتیب ورق طلا پس زمینه نقاشی را شکل می‌دهد.

نقاشی ذن
zenga (Jap.)
(در زبان ژاپنی به معنی «نقاشی‌های ذن») نقاشی‌های آب مرکب بسیار زمخت و خودانگیخته، که هنرمندان ژاپنی (برخی راهب بودایی) تحت تأثیر بودیسم ذن خلق کردند. این سبک در سده پانزدهم رایج شد و تا سده نوزدهم همچنان شکوفا بود. از جمله معروف‌ترین هنرمندان مرتبط با این سبک می‌توان هاگوین (۱۷۶۸ - ۱۶۸۵) و سنگایی (۱۸۳۷ - ۱۷۵۰) را نام برد.

نقاشی ژاپنی
Nihon - ga (Jap.)
(در زبان ژاپنی به معنی «نقاشی ژاپنی») نقاشی به سبک ژاپنی.

نقاشی سالنی
salon painting
نقاشی به شیوه و سبک فرهنگستانی، مربوط به آثار سالن‌های رسمی.

نقاشی سرتاسری
all-over paintings

نوعی نقاشی، معمولاً به صورت انتزاعی، که سال‌های پس از جنگ جهانی دوم رواج یافت و فاقد هر گونه نقطه مرکزی یا سطح کانونی غالب است. (تقریباً یکدست و یکپارچه است).

نقاشی سنگی
rupestrian
(در مورد نقاشی) اثری که به طور مستقیم بر دیوارهای غار (همان گونه که در هنر پارینه سنگی مشاهده می‌شود) یا روی مقابر صخره‌ای انجام شده باشد.



صحنه‌هایی از زندگی رومی، یک نقاشی عروسکی اثر پیتر ون لیر، ۱۸۵۶.

می‌دانند، وی به دلیل قد کوتاهش ایل بامبوچی نامیده شد. همچنین به هرکس که چنین مناظری را نقاشی کند اطلاق می‌گردد. (← گروه نقاشان).

نقاشی قایی table
اصطلاحی قدیمی برای تصویری که بر روی لته چوبی نقاشی شده است. (نقاشی روی چوب)

نقاشی قطرهای drip painting
روشی که طی آن رنگ به طور مستقیم بر روی بومی که غالباً به صورت افقی بر کف زمین قرار دارد (به جای آن که بر روی سه پایه باشد) به صورت قطرهای چکانده می‌شود. این روش عمدتاً با آثار جکسون پولاک و اکسپرسیونیسم انتزاعی* مربوط می‌شود، اما پیش از آن برخی نقاشان سورئالیست همچون ماکس ارنست از آن استفاده می‌کردند.

نقاشی قلم خشک dry brush painting
در نقاشی آبرنگ یا رنگ روغن، به روشی گفته می‌شود که طی آن قلم مو اندکی به رنگ آغشته شده و بر روی یک سطح بافت دار به کار می‌رود. در این صورت رنگ فقط بر قسمت‌های برجسته سطح بافت دار می‌نشیند.

نقاشی کارگاه استاد shop picture
اصطلاحی که معامله‌گران آثار هنری، برای آثار نقاشی که در کارگاه یک هنرمند شناخته شده، اما نه توسط خود هنرمند، تهیه شده باشد به کار می‌برند. (نگاه کنید به صنف)



پرتره دو نفره میاسر (ناتانسون) با فلیکس والتون نقاش. اثر ادوارد ویلارد، ۱۸۹۴، که صحنه‌ای داخلی از یک خانه بورژوازی را که مشخصه نقاشی صحنه‌های خانگی است، به نمایش می‌گذارد.

شد (گرایشی که به ویژه مربوط به آثار بوناردو ویلارد است) که تلاش داشت تا به صورت غیر رسمی صحنه‌های آشنا در فضاهای خانگی بورژوازی را به نمایش درآورد.

نقاشی صحنه‌های خانوادگی conversation piece
تابلوی پرتره گروهی با چندین شخصیت (معمولاً تمام اندازه و با مقیاس کوچک) که به کارهای روزانه مشغولند و غالباً زمینه آن فضای داخلی یا خارجی خانه خودشان است این شیوه به ویژه در سده هیجدهم در انگلستان رایج بود.

نقاشی عروسکی bambocciata (It.)
(در زبان فرانسه و ایتالیایی به معنی «عروسک») یک نوعی نقاشی در ابعاد کوچک، که در آغاز توسط هنرمندان شمال اروپا که طی سده هفدهم در ایتالیا کار می‌کردند، ساخته می‌شد و در آن مناظره روزمر و روستایی با پیکره‌های کوچک فراوان نشان داده می‌شد. واژه ایتالیایی *bamboccio* هم به معنی عروسک است و هم به معنی نقاشی ناشیانه و زشت. برخی از صاحب‌نظران منشأ این نام را مأخوذ از نام مستعار پیتر ون لیر (۱۶۵۲ - ۱۵۹۲) هنرمند هلندی

شنی. (نقاشی یادآور مرگ*)

نقاشی متافیزیکی

Pittura Metafisica (It.)

(در زبان ایتالیایی به معنی «نقاشی متافیزیکی») اصطلاحی که دکریکو و کارلو کارا، نقاشان ایتالیایی، برای مناظر معماری خالی و آرام که با اشیاء نامتعارف و نابجایی چون مانکن خیاطی، حیات رمزآلودی یافته بود ابداع کردند. این سبک که طی جنگ جهانی اول ظهور یافت، تأثیر فراوانی بر سبک‌های متفاوت سوررئالیسم و رئالیسم جادویی نهاد.

tondo

نقاشی مدور

(در زبان ایتالیایی به معنی «تصویر دور») نقاشی یا نقش برجسته دایره شکل.

systemic painting

نقاشی مسلسل

صورتی از نقاشی انتزاعی که نوعی نظام منطقی را بیان می‌کند، مانند تکرار و تغییر پیشرونده یک نقشمایه منفرد، بر روی یک بوم یا بر مجموعه‌ای از بوم‌های مرتبت به هم.



نقاشی کالیگت: نوعی نقاشی وقفی که کالی الهه مرگ را در حالی که بر شیوای خالق ایستاده نشان می‌دهد، ۱۸۸۰.

نقاشی کالیگت Kalighat painting

مکتب هنری نقاشی عامه، منسوب به معبدی که در سال ۱۸۰۹ وقف الهه کالی در کالیگت در دو یا سه مایلی جنوب کلکته ساخته شد. نقاشی‌های درشت و زمختی که با آب رنگ بر روی کاغذ اجرا می‌شد و از سال ۱۸۲۲ به بعد به تعداد زیاد به عنوان تصاویر اهدایی برای زائرین فقیر باز تولید می‌شد. همچنین نقاشی‌هایی به همین سبک ولی با مضامین دنیوی نیز تولید شد. این مکتب تا حدود ۱۹۳۰ دوام داشت.

Sunday painter

نقاش یکشنبه

هنرمند آماتور یا غیر حرفه‌ای.

نقاشی گذر عمر

memento mori (Lat.)

هر نوع نمادی که به منظور یادآوری بیننده به گذر عمر آدمی طراحی شده باشد، مثلاً جمجمه یا ساعت.



نمونه‌ای از نقاشی متافیزیکی (فراطبیعی) اثر جوجیو دکریکو، ۱۹۱۷.



بخشی از تابلوی میمون‌ها، پرندگان و درختان اثر سی‌سو (۱۵۰۶ - ۱۴۲۰) اثر نمونه‌واری از سبک نقاشی هابوکو.



نقاش یادآور مرگ اثر هارمن استویک. حدود ۱۶۴۰، از مکتب لیدن، این تابلو نشانه‌هایی از پنج صحنه را در خود دارد.

چینی بود: سی‌سو یکی از نقاشان سده پانزدهم ژاپن، به ویژه برای به کارگیری این روش شهرت داشت.

نقاشی یادآور مرگ
vanitas (Lat.)
(در زبان لاتین به معنی «پوچی») نوعی نقاشی



نمونه‌ای از نقاشی میز ناهارخوری به نام ontbijti اثر ون دایک، ۱۶۱۳.

نقاشی معماری‌گونه
architectonic
۱ - منسوب به معماری. ۲ - در مفهوم عام‌تر، بیان برخی کیفیات فضایی به ویژه معماری.

نقاشی مناظر هوایی
Aeropittura (It.)
(در زبان ایتالیایی به معنی «نقاشی هوایی») شکل تحول یافته سبک فوتوریسم ایتالیایی. نقاشان منسوب به این سبک، تلاش می‌کنند تا احساسات حاصله از تکنولوژی معاصر را به ویژه جلوه‌ها و مناظر هوایی را به نمایش بگذارند. در سال ۱۹۲۹. مارینتی، موسس فوتوریسم، بیانیه‌ای تحت همین عنوان منتشر ساخت.

نقاشی میز ناهارخوری
breakfast piece
نوعی نقاشی طبیعت بیجان که عناصر مختلف غذایی و آشامیدنی را معمولاً به صورت نامنظم و بر روی هم نشان می‌دهد. از این اصطلاح غالباً برای توصیف نقاشی‌های سده هفدهم هلند به ویژه آثار مکتب هارلم استفاده می‌شود.

نقاشی نگاره‌ای
Pattern Pointing
مکتب نقاشی تزئینی متأثر از ماتیس، که در استفاده از نقوش و نقشمایه‌های تصویری تعمداً به شیوه‌ای زمخت و خشن عمل می‌کرد، و طی نیمه دوم دهه ۱۹۷۰ در نیویورک شکوفا و رایج شد. از جمله هنرمندان این گروه می‌توان جوئیس کوزلوف، کیم مک کانل، و براد دیویس را نام برد. مترادف: Dekor.

نقاشی هابوکو
haboku (Jap.)
(در زبان ژاپنی به معنی «مرکب تراوش شده») نمونه افراطی متأخر سبک نقاشی آب مرکب با قلم مو، که در دوره سونگ جنوبی (۱۲۷۹ - ۱۶۰۰) در چین رایج بود. این روش بسیار مورد اقبال هنرمندان ژاپنی و

طبیعت بیجان تمثیلی، که غالباً در آن یک جمجمه انسان نشان داده می‌شود، و تمامی اشیائی که در تابلو نشان داده شده، به نوعی یادآوری گذر عمر آدمی است. این نوع نقاشی به ویژه در سده هفدهم در هلند، و به خصوص در بین هنرمندان مکتب لیدن رایج بود. این نام از اصطلاح لاتینی *vanitatum vanitas* یا «پوچی پوچی‌ها» (Ecc. 1:2) اخذ شده است.

نقاط اتفافی accidental points

در پرسپکتیو به نقاط گریز اضافه‌ای اطلاق می‌شود که بر روی خط افق قرار نمی‌گیرند.

نقره استرلینگ sterling silver

آلیاژی متشکل از ۹۲/۵٪ نقره و ۷/۵٪ مس (UK)، یا ۹۲/۱٪ نقره و ۷/۹٪ مس (UK). از این آلیاژ برای جواهرسازی و نقره‌سازی استفاده می‌شود. مترادف نقره معیار. همچنین نگاه کنید به نقره بریتانیا، و رشو.

نقره اوگنویی Huguenot silver

نقره‌ای که به دست یا به سبک اوگنوها ساخته شده باشد. اوگنوها مهاجرین فرانسوی پروتستانی بودند که بعد از الغای «فرمان نانت» (۱۶۸۵) در انگلستان ساکن شدند. این آثار با شیوه‌های مختلفی ساخته شده‌اند.

نقش اندازی بر چرم blind blocked,

blind stamped, blindtooled
(در زمینه صحافی چرمی کتاب) ایجاد نقش با فشردن لوح چاپی، قالب یا وسیله دیگری بر روی چرم، بدون افزودن آب طلا یا رنگ. همچنین نگاه کنید به قلمزنی.

نقش اندازی شیشه Hochschnitt (Ger.)

(در زبان آلمانی به معنی «برش بلند») حکاکی شیشه به نحوی که نقوش آن بیشتر به صورت نقش برجسته باشد تا نقش گود.

نقش باغی verdure (Fr.)

(در زبان فرانسوی به معنی «سرسپیزی») هر نوع پارچه دست بافت که طرح آن عمدتاً شامل درخت و گل و گیاه باشد. در سده هفدهم نقوش با برگ‌های

بزرگ و پهن رایج بودند.

نقشبافته جانوری animal interlace

تزئیناتی شامل نقوش سبک‌پردازی شده و درهم تنیده جانوری. این تزئینات مشخصه هنر بربرها، از نوع سلتی و ژرمنی بود. (← صفحه بدرقه*)

نقش برجسته رستاخیز مسیح Easter Sepulcher

۱ - بازنمایی صحنه‌های خاکسپاری و رستاخیز مسیح به روش برجسته نمایی که به صورت موقت یا دائمی در کلیسا نمایش داده شود. ۲ - طاقچه‌ای که در آن این اثر به نمایش گذاشته شود. قدیمی‌ترین نمونه‌ها به سده سیزدهم به بعد باز می‌گرد.

نقش برچسب banderole (Fr.)

۱ - نوار کاغذی تزئینی طویل که یک سر آن به دو نیم شده. ۲ - طومار روبانی شکل منقوش یا برجسته‌کاری شده با نوشته‌ای روی آن.

نقش برداری spolvero (It.)

(در زبان ایتالیایی به معنی «خاک نرم») نوعی روش نسخه برداری از یک طرح کارتونی، به نحوی که نسخه اصلی طرح به هنگام گرده برداری نیاز به سوراخ کاری نداشته باشد و یا بر اثر آن کثیف و آلوده نشود، بلکه بتوان آن را به حالت مناسبی نگه داری کرد و به هنگام اجرای نقاشی نهایی به عنوان مرجع استفاده کرد.

نقش پیکردنما fictive sculpture

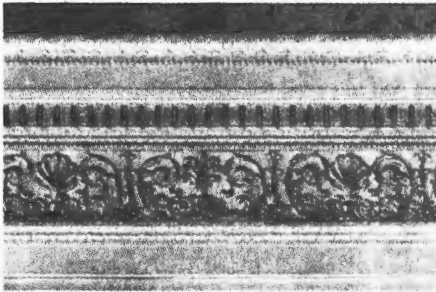
نوعی نقاشی دیده فریب که در آن شکل‌ها به صورت تک رنگ مجسم شده تا به نظر شبیه مجسمه برسند. (← صفحه ۲۲۲)

نقش تصویری figured

(بویژه در مورد آثار چاپی یا بافتنی و کاغذ دیواری) مزین به نقوشی که بیشتر تصویری (فیگوراتیو) است تا انتزاعی.

نقش درهم interlace

نقوشی که از درهم تابیدن خطوط، به‌ویژه از نوع نقوش رایج در هنر سلتی پدید می‌آید.



جزئیاتی از یک قاب در در خانه سیون، میدل سکس، اثر روبرت آدام (۹۲-۱۷۲۸)، که دو نقش نخل و پیچکی را در دوسوی یک نقش نخلی نشان می‌دهد.

۱- نقش معرق، ۲- نقش تمثیلی

emblema (Gk.)

۱- طرحی که به صورت معرق ساخته شده باشد و سپس بر کف نقش‌دار با موزائیک کاری درشت، جاسازی شود. ۲- (معمولاً به صورت جمع emblemata) به اشیاء و کنش‌های تمثیلی و نمادینی اطلاق می‌شود که در ژانر منظره پردازی و طبیعت بیجان سده هفدهم هلند مشاهده می‌شود. برای مثال زنی که در حال بوئیدن گل است می‌تواند تمثیلی از مفهوم بوئیدن و احتمالاً متعلق به یک مجموعه تصاویر نمایشی حواس پنجگانه باشد. نوع طبیعت بیجان آن که به عنوان نقاشی یادآور مرگ معروف است، معمولاً مملو از چنین نمادهایی است.

نقش مکرر رنگارنگ

counterchange pattern

نقوشی که از عناصر یکسان و به هم قفل شده شکل می‌گیرند، و با رنگ یا بافت متفاوتی از هم متمایز می‌شوند.

نقش موج نما

moiré (Fr.)

هر نوع نقشی که به نظر موج و دریایی برسد. گاه ممکن است در برخی موارد این نقوش به نحوی اجرا شوند که توهمی از حرکت را در چشم بیننده پدید آورند.

نقش نخل و پیچکی

anthemion (GK.)

(در زبان یونانی به معنی «گل») نوعی تزئینات معماری مأخوذ از نوعی پیچک زینتی، که به صورت مستقل یا با تغییراتی به شکل لوتوس و نخل ظاهر می‌شود.

نقش درهم تابیده

entrelacs (Fr.)

(در زبان فرانسه به معنی «درهم تابیده») نوعی تزئین سطحی متشکل از خطوط و منحنی‌های درهم پیچیده.

نقش سرخگون

red - figure

سیکی در نقاشی سفال‌های یونانی مربوط به سده‌های ششم و پنجم پیش از میلاد که در آن نقوش تزئینی بر روی زمینه‌ای مشکی رنگ ظاهر می‌شوند (درست برعکس نقوش سیاهگون که تزئینات به رنگ سیاه هستند). در این روش فقط زمینه رنگ آمیزی می‌شود و در مرحله پخته به رنگ مشکی در می‌آید ولی طرح به رنگ قرمز گل سفال باقی می‌ماند.

۱- نقش کم برجسته، ۲- تصویر برجسته

anaglyph

۱- به نقش برجسته رجوع شود. ۲- در عکاسی به تصویر دوچشمی‌ای اطلاق می‌شود که از طریق روش برهم‌گذاری تصاویر با رنگ‌های مکمل نوردهی شود.

نقش‌مایه

motif

۱- عنصر منفرد یا قابل تجزیه در طرح یک نقاشی، مجسمه، ساختمان یا نقوش مکرر. ۲- موضوع یک نقاشی.

نقش مخفی

an hua (Chi)

(در زبان چینی به معنی «سِزِی») نقوشی که با گل آب سفید و ظریف در زیر لعاب ظروف چینی، منقور یا نقاشی می‌شود. بدین ترتیب این نقوش فقط زمانی که زیر نور آفتاب گرفته شوند قابل رویت می‌گردند.

نقش مداد سابی

frottage (Fr.)

(در زبان فرانسه به معنی «ساییدن») روش باز تولید یک بافت یا طرح نقش برجسته با استفاده از خواباندن یک ورق کاغذ بر روی آن و ساییدن مواد یا زغال بر روی کاغذ تا بدین ترتیب نقش بافت و برجسته‌کاری بر روی کاغذ گه‌گی شود. سوررئالیست‌ها به ویژه ماکس ارنست در کارهای خود استفاده زیادی از این روش می‌کردند. همچنین نگاه کنید به عکس برگردان.

نقش مربع

diaper Work

نقش سرتاسری متشکل از واحدهای مشابه کوچک، مثلاً به شکل لوزی یا مربع (چینی پرچمی^{***}).



tinum de uro san
gandum. nam co
lum quod stat in
tuum. i. possit de au
Quo circa no
dit. quatinus id
fate. uim cultare
me prest in carib. i
guam. i. conflictis
is accit uedum
pas an agnab
at anemut uim f

نقوش تفننی در حاشیه یک نسخ خطی تذهیب کاری شده، اثر والتر میلنت.

focal point

نقطه کانونی

محدوده‌ای در ترکیب بندی تصویر که چشم به طور طبیعی به سوی آن متمایل می‌شود.

magot (Fr.)

نقوش بد منظر

(در زبان فرانسه نام «میمون ابتر» است) ۱ - اصطلاح سده هجدهمی برای پیکره‌های گروتسک منقوش بر ظروف چینی شرقی است. ۲ - (در سده نوزدهم) به ظروف صادراتی ارزان و زشت چینی و ژاپنی اطلاق می‌شود.

bocage (Fr.)

نقوش بیشه‌ای

(در زبان فرانسه به معنی «بیشه، بلیط») نقوش چینی متشکل از خوشه‌ها، برگ‌ها یا شاخه‌های انبوه و به هم فشرده.

drôlerie (Fr.), drollery

نقوش تفننی

طرح‌های مضحکی که در حاشیه نسخ خطی قرون وسطایی، یا در قسمت‌های بی‌اهمیت‌تر برجسته کاری چوبی و سنگی کلیسای قرون وسطایی اجرا می‌شد.

storied

نقوش روایتی

(در شیشه منقوش کاربرد دارد) صحنه‌های روایی پیوسته.



نقش و نشان پیروزی: برجسته کاری شده متشکل از نقوش پرچم، کلاه‌خود و نیزه. به سبک رو کوکوی ابتدایی.

trophy

نقش و نشان پیروزی

۱ - تصویر برجسته کاری شده یا نقاشی شده گروهی از نظامیان و ارتشیان. این تصاویر معمولاً ارتش درگیر جنگ را نشان می‌داد و در زمان کلاسیک یونان و روم به عنوان یادمان‌های پیروزی برپا می‌شد، و از تنه و شاخه یک درخت کاج آویزان می‌شدند. ۲ - در مفهوم گسترده‌تر آن، شیئی که به یاد بود یک پیروزی ساخته شده باشد. ۳ - در مفهوم عام‌تر به هر نوع نقش تزئینی متشکل از اشیاء سازگار با هم اطلاق می‌شود: مثلاً آلات موسیقی یا اشیاء مربوط به صحنه‌های نبرد و شکار.

elevation

نقشه نما

۱ - طرحی از نمای پیشین یک ساختمان، که گویی مستقیماً به مرکز آن نگاه شده باشد. همچنین نگاه کنید به نقشه، بازنمایی مستوی. ۲ - هر نوع نمای عمودی یک ساختمان.

plan

نقشه کف

۱ - نمایش افقی بخش‌های ساختمان. ۲ طرح یا نموداری که چنین نمایی را نشان دهد، گویی که از بالا به آن نگاه شده است.

Pointillism, pointillisme

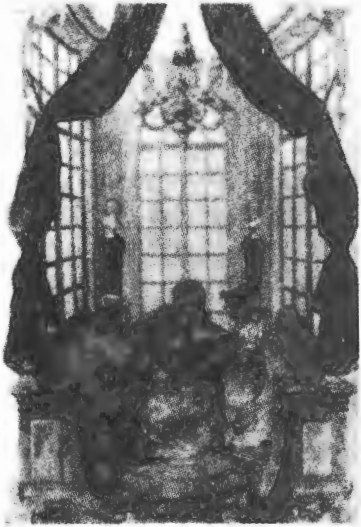
نقطه‌پردازی

(مأخوذ از واژه فرانسوی) در نقاشی: استفاده قانون‌مند از اصول آمیزه‌های دیدگانی مترادف پرداز رنگ. (نئو امپرسیونیسم)*

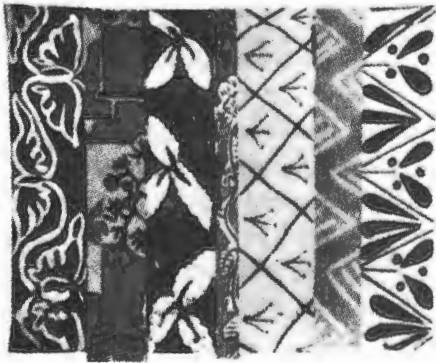
vanishing point

نقطه گریز

در پرسپکتیو، به نقطه‌ای گفته می‌شود که به نظر می‌رسد مجموعه خطوطی که در واقعیت با هم موازیند، به سمت آن همگرا می‌شوند. (رئنانس)*



نقوش میمونی: تزئینات دیواری اثر کریستوفر هوت در کاخ شانسیلی، حدود ۱۷۲۰.



اثری از کیم مک کونل، ۱۹۷۸، که به خوبی گویای اتکای نقاشی نقاشی نگاره‌ای به طرح‌های کاغذدیواری و پارچه پساماتیس است.

delin - و del -

نگاره پرداز

حروف اختصاری که بر روی طرح یا نقاشی دیده می‌شود، و نشانگر آن است که نام بعد از آن مربوط به شخص طراح اثر است. اما در مورد چاپنقش ضرورتاً مربوط به حکاک باسمه نیست. همچنین نگاه کنید به نقاش.

نماد تصویری، تصویر نشانه

pictograph

نماد به شدت ساده شده یک شیء یا یک عمل.

نقوش سیاهگون black - Figure

سبکی در نقاشی ظروف سفالی یونانی مربوط به سده‌های هفتم و ششم پیش از میلاد، که نقوش به رنگ مشکی و بر روی زمینه‌ای قرمز رنگ رسم می‌شد. نقوش تزئینی با استفاده از مخلوط گل شامل اکسید آهن، آب باران و خاکستر چوب نقش می‌شد. آنگاه تحت شرایط پخت مناسب، مخلوط از رنگ قرمز به سیاه تغییر می‌یافت، در حالی که باقی سطح کوزه، به رنگ قرمز باقی می‌ماند. بعد از نقوش سیاهگون، نقوش سرخگون رایج شد.

نقوش مخطط

graffito (It.)

۱ - نوعی روش تزئینی است که یا بر روی اندود گچ انجام می‌شود و طی آن نقوشی را با خراش دادن لایه خیس بر روی لایه خشک با رنگ متفاوت پدید می‌آورند، یا بر روی سفالینه انجام می‌شود و با خراش دادن گل آب و آشکار شدن بدنه زیرین آن، نقوشی را پدید می‌آورند. مترادف سفالینه مخطط ۲- اسم مفرد گرافیتی (خط خطی).

singeries

نقوش میمونی

(مأخوذ از واژه فرانسوی *singe*، به معنی «میمون») شکل سرزنده‌ای از تزئینات سبک روکوکو که مشخصه آن تصاویر میمون‌های ملبسی است که نقش‌های انسانی را بازی می‌کنند. تصور می‌شود که این شیوه را کلود ادران ابداع کرده باشد و بعدها کسانی چون واتئو، گیلو و کریستوف هوت نیز آثاری به همین سبک خلق کرده‌اند.

نگاتیف (منفی)

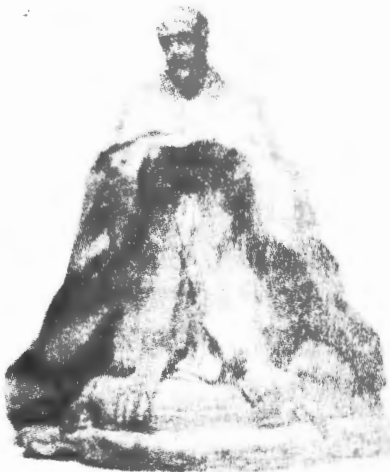
negative

۱ - لوح یاقلم عکاسی با ارزش رنگ‌های معکوس خاکستری و (یا در صورت وجود) رنگی که می‌توان با عبور دادن نور از آن و افکندن آن بر کاغذ حساس به نور، تصویر مثبت تهیه کرد. ۲ - مهر یا قالب نقش گود ۳ - تصویری منفی که جلوه یا رنگ آن، عکس جلوه‌ای باشد که در واقعیت دیده می‌شود.

نگارخانه

pinacoteca (It.) Pinakothek (Ger.)

(در هر دو زبان فرانسه و آلمانی به معنی «جعبه عکس») گالری یا نگارخانه هنری.



نمونه کوچک پیکره‌ای از جنس گِل صورتی رنگ (تراکوتا) اوبرینی برای مقبره پاپ الکساندر هفتم، حدود ۱۶۷۰.

نمازخانه جانبی (parecclesion (Gk.)

در زبان یونانی به معنی «کنار کلیسا» (غرفه نیایش جانبی کلیسا). (کلیسای ارتودوکس یونانی)*

نمای اوج کشیده (flying facade)

نمای پیشین ساختمان که تا بالای بام ساختمان ادامه می‌یابد، مثلاً در معماری مایا.

نمای پیشین (façade)

نمای قائم اصلی یک ساختمان. گاه به یکی از نماهای قائم فرعی هم اطلاق می‌شود. (معبد کلاسیک)*. تناسبات طلایی*)

نمایشگاه آرموری (Armory show)

نمایشگاه بین‌المللی هنر مدرن بسیار تاثیرگذاری که از ۱۷ فوریه تا ۱۵ مارس ۱۹۱۳ در خیابان ۶۹ آرموری نیویورک برپا شد. این نمایشگاه آثار تمامی جنبش‌های هنری عمده متأثر از هنر پاریس آن زمان را به معرض دید عموم آمریکاییان نهاد. - اگر چه آثار دو جنبش اکسپرسیونیسم آلمان و فوتوریسم ایتالیا در آن غایب بود.

نور اتفاقی (accidental light)

در نقاشی به هر منبع نوری به جز نور خورشید، مثلاً نور شمع یا نور هفتاب، اطلاق می‌شود.

نوشنار خانه (scriptorium (Lat.)

در زبان لاتین به معنی «مکانی برای نوشتن» (اتاقی در صومعه که در آن نسخ خطی را به صورت دستی تکثیر می‌کنند).

نوع شناسی (typology)

مطالعه انواع مختلف شیوه‌های بازنمایی در سبک‌نگاری. به ویژه مطالعه نحوه بازنمایی پیکرها و صحنه‌های مأخوذ از کتاب عهد عتیق، که مجدداً در «هیأتی جدید در کتاب عهد جدید بازسازی شده‌اند. در هنر تروین و سسپا؛ «نوع» عهد عتیق غالباً هم‌ارز با ما به ازای عهد جدید آن یا مصداق آن ولی به صورت مکمل نمایش داده می‌شود.

نوک فلزی (metal point)

روش طراحی با میله‌ای از جنس فلز نرم، غالباً از نقره، بر روی یک نوع کاغذ مخصوص که برای این کار تهیه شده باشد. (نگاه کنید به قلم نوک نقره)

نیایش (orans, orant (Lat.)

در زبان لاتین به معنی «نیایش» (پیکره‌ای که دست‌ها

نمای ورودی کلیسا (west work)

(مأخوذ از واژه آلمانی (westwerk) ساختمان ضلع غربی شبستان کلیسای کارولنژی، اتونوی)*، رومانسک، با نماهای پرشکوه چند طبقه و برج‌های بیرون‌زده و در داخل عمدتاً شامل دهلیز، یا نوعی پیش شبستان و یک اشکوبه بالایی و راهه‌های که به درونی شبستان باز می‌شود.

نمونه کوچک پیکره (bozzetto (It.)

(در زبان ایتالیایی به معنی «سنگ سخت») ۱- در مفهوم خاص، به پیش طرح سه بعدی از جنس موم یا گل که مجسمه ساز به عنوان الگویی برای اثر بزرگتر و کاملتر می‌سازد. ۲- در مفهوم عام‌تر به پیش طرح سریعی با رنگ روغن که به عنوان نقش هنری برای تابلوی بزرگتر ساخته می‌شود.

نوآموز نقاشی (garzone (It.)

در دوره رنسانس و باروک به پسرکی اطلاق می‌شد که به عنوان شاگرد در کارگاه یک نقاش ایتالیایی به خدمت مشغول بود.

نگه می‌دارد. ۲ - عضو افقی آهنی که برای مستحکم کردن زوار سربسی پنجره به کار می‌رود.

transom **وادر افقی تیر سر**
۱ - تیر عرضی افقی اصلی که بر دهانه پنجره* یا بخشی از پنجره، در بالا یا پایین قرار می‌گیرد. ۲ - (در ایالات متحده) پنجره کوچکی که بلافاصله بالای در قرار می‌گیرد.

medium **واسط**
۱ - مایعی که رنگدانه را در آن حل می‌کنند. از این رو روغن بزرک واسط رنگی است که غالباً در رنگ روغن کاربرد دارد. ۲ - ماده فیزیکی که هنرمند هنرهای تجسمی به عنوان حاملی برای بیان هنری خود استفاده می‌کند. به همین ترتیب سنگ مرمر واسطی برای مجسمه‌سازی محسوب می‌شود.

realism **واقع گرایی، رئالیسم**
۱ - هنری که تلاش آن بازسازی دقیق واقعیت است.
۲ - (با حرف R بزرگ «Realism») رئالیسم اصطلاح هنر سده نوزدهم فرانسه. هنرمندان پیشروی فرانسوی میانه سده نوزدهم همچون کوربه که با کنار نهادن گرایشات آرمان‌گرایانه رمانتیسم، توجه خود را بر بازنمایی آنچه که بی‌واسطه در اختیارشان بود، هم به لحاظ تجربه اجتماعی و هم تجربه حسی، معطوف ساختند. تمایل آنان به سمت بازنمایی جزئیات، دقایق و ظرایف، با رواج عکاسی تقویت شد. همچنین نگاه کنید به نقاشان حقیقت‌پرداز.



رئالیسم: تابلوی «صبح بخیر آقای کوربه» اثر کوربه، ۱۸۵۴، که بازنمایی یک واقعه کاملاً پیش پا افتاده است.

را برای نیایش یا دعا رو به آسمان بلند کرده است.

duomo (It.) **نیایشگاه ایتالیایی**
کاتدرال یا دیگر کلیساهای بزرگ.

profil perdu (Fr.) **نیمرخ**
(در زبان فرانسه به معنی «نیمرخ حذفی») (برای اشاره به سر یا اشیاء دیگر) شیئی که بیش از نیمی از آن دور از چشم بیننده است.

profile **نیمرخ پنهان**
۱ - مقطع یک ابزار. ۲ - خطوط کنارنمای اصلی یک ساختمان، میلمان، یا یک شیء تزئینی. ۳ - نمایش چهره یک شخص که از یک سمت روئیت شده باشد.

half - length **نیم قد**
۱ - اندازه معیار تصویر (۱۰۲ × ۱۲۷ سانتی‌متر) که برای پرتره نیم قد در مقیاس واقعی مناسب است. ۲ - هر نوع نقاشی که نیمی از پیکره انسان را با هر مقیاسی نمایش دهد. (مانند آثار «استادان نیم قد زنان» سده شانزدهم).

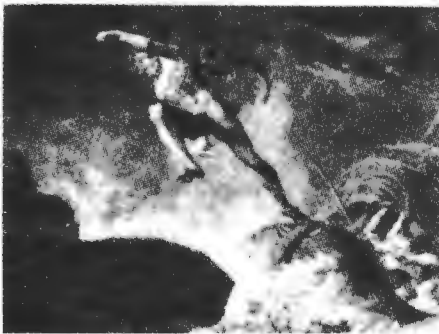
sedilia (Lat.) **نیمکت سنگی**
(در زبان لاتین به معنی «صندلی‌ها») مجموعه‌ای از نشیمنگاه‌های سنگی در یک کلیسا که در ضلع جنوبی جایگاه همخوانان و برای کشیش تعبیه شده است.

parcel gilt **نیمه مطلا**
نقره یا چوبی که بخشی از آن طلا کاری شده باشد.

و

mullion **وادر**
جدار عمودی سنگی یا چوبی که پنجره را به دو یا چند پنجره بندتقسیم می‌کند.

saddle bar **وادر افقی**
۱ - تیر چوبی افقی، که جام‌های شیشه را در پنجره



والایی: بازگویی حماسی داستان ویلیام تل در باسمه‌ای بر اساس طرحی از هنری فوسلی (۱۸۲۵ - ۱۷۴۱).

واقع‌گرایی اجتماعی social realism

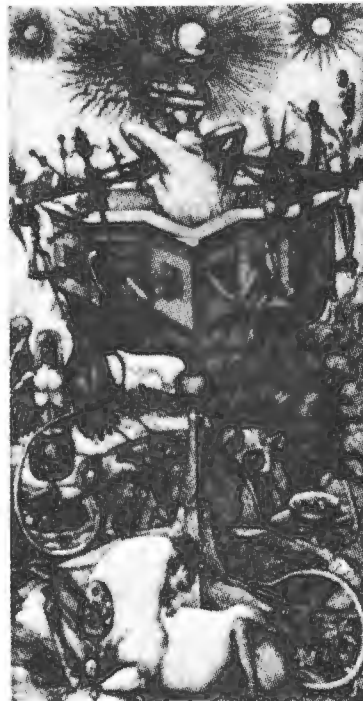
هنری که به صورت واقع‌گرایانه موضوعات مرتبط با مسائل اجتماعی را نمایش می‌دهد. با سبک رئالیسم سوسیالیستی اشتباه نشود.

والایی Sublime, the

اصطلاح هنری که نخستین بار در سدهٔ هیجدهم به کار رفت، اما مأخوذ از لونگینوس فیلسوف رومی است. این اصطلاح با ترجمه بویلو از لونگینوس به فرانسوی (۱۶۷۴) و با انتشار کتاب برک به نام «تحقیق فیلسوفانه در باب منشأ عقایدمان دربارهٔ والایی و زیبایی» (۱۷۵۷) رواج یافت. سر جوشانو رینولد در «آخرین مباحث» (۱۷۹۰) خود گفت: «والایی در نقاشی همچون شعر آنچنان برتری می‌یابد و کلیت ذهنی را به تصرف در می‌آورد که دیگر جایی برای توجه به دقایق نقد نیست». در همان سال، امانوئل کانت از والایی به عنوان «پراشفتگی در تخیل» نام برد. اساساً تمامی کسانی که سعی داشتند تا برای والایی تعریفی ارائه دهند، آن را با ایدهٔ لایتناهی، خارق‌عادت، عظمت و گاه خوف مرتبط کرده‌اند. این اصطلاح را نباید با واژهٔ تماشایی خلط کرد که گرچه غرابت دلچسبی دارد ولی فاقد آن هیبت و صلابت است، و نیز نباید با واژهٔ «زیبایی» در نظریهٔ هنری سدهٔ هجدهم اشتباه کرد که تلاش دارد از طریق هارمونی مطلق تناسبات، خشنودی ایجاد کند.

وامانا Vahana (Skr.)

در هنر هندی به ارابه یا وسیلهٔ نقلیهٔ حیوانی متعلق به یک خدا یا الههٔ هندو اطلاق می‌شود.



واقع‌گرایی تخیلی: «پندار یک تک شاخ» اثر ارنست فوخ، ۱۹۵۱، به روشنی تاثیر هنر هیرونیموس بوش و گاستاو مورورا نشان می‌دهد.

واقع‌گرایی تخیلی Fantastic Realism

آثار گروهی از هنرمندان اطریشی، از جمله اریش بروئر، ارنست فوخ، و ادولف هوزنر که در دهه ۱۹۴۰ به یکدیگر پیوستند. آنان سوررئالیسم را با عناصر عاریتی از هنر تخیلی قرون وسطا و فرهنگستانی سدهٔ نوزدهم درهم آمیختند.

واقع‌گرایی زشت Ugly Realism

به آثار گروهی از هنرمندان اطلاق می‌شود که در دههٔ ۱۹۷۰ در برلین فعالیت داشتند، از جمله یوهانس گروتسک، ماتیاس کوپل، ولفگانگ پتریک. این سبک اساساً احیاء سبک عینیت نوین دههٔ ۱۹۲۰ محسوب می‌شود.

واقع‌گرایی محض verism

(مأخوذ از واژهٔ ایتالیایی *verismo*) تلاش برای بازسازی واقعیت در هنر با دقت بسیار زیاد و بدون انتخابگری.

برای حفاظت از باد و باران. ۲ - در ایالات متحده، ایوان سرپوشیده.

وسایل چوبی *treen*
وسایل خانگی از جنس چوب که بخش عمده آن به روش خراطی ساخته شده باشد.

۱ و ۲ - کلاف چوبی، ۳ - راسته *stretcher*
۱ - قاب چوبی که بوم نقاشی روی آن وصل می‌شود.
۲ - عضو افقی که پایه‌های یک قطعه مبلمان را به هم وصل می‌کند تا استحکام و ایستایی آن را افزایش دهد. ۳ - راسته آجر. نگاه کنید به آجرچینی.

ویژگی سبکی *koine (Gk.)*
مشخصه سبک پردازانه مشترک در یک منطقه خاص جغرافیایی طی یک محدوده زمانی خاص.



هاشور زنی *hatching*
مجموعه‌ای از خطوط موازی نزدیک به هم در طراحی یا حکاکی که برای نمایش یکپارچه رنگ یا سایه



هاشورزنی: مطالعه افراد بومی، حدود ۹۷ - ۱۴۹۵، اثر لئوناردو داوینچی. از آنجا که وی چپ دست بود، خطوط اصلی از بالا به پایین به سمت راست رسم شده‌اند.

وُرتی سیسیسم (گردابی) *Vorticism*
جنبش پیشرو انگلیسی کوتاه عمری که ویندهام لوئیس و دیگران در سال ۱۹۱۴ متعاقب جنبش فوتوریسم ایتالیا، بنیان نهادند. بعدها از پیاوند مدعی جعل این نام شد. این نام از گفته بوچینی فوتوریست ایتالیا مبنی بر این که تمامی هنرهای خلاقه از یک گرداب (*vortex*) شور و احساس منبث شده‌اند، اخذ شده است.

ورزیدن *pugging*
نوعی روش ورز دادن که برای خروج حباب هوا از گل، و یکدست شدن آن انجام می‌شود تا نهایتاً بدنه شیء سرامیکی یکپارچه شود.

ورشو *nickle silver*
نوعی آلیاژ شامل ۵۰٪ مس، ۲۵٪ روی و ۲۵٪ نیکل که رنگی شبیه به رنگ نقره دارد. این آلیاژ بین سال‌های ۱۸۴۰ و ۱۸۴۸ در انگلستان ابداع شد، با این وجود تا مدت‌ها به عنوان نقره آلمانی معروف بود.

ورق پوستی *vellum*
پوست گوساله که برای نوشتن آماده شده باشد.

ورکبوند آلمان *Deutscher werkbund (Ger)*

(در زبان آلمانی به معنی «فدراسیون کار آلمان») انجمن آلمانی سازندگان و معماران تحت حمایت هرمان ماتیسویوس و شامل معماران و طراحانی چون پیتر برن، هانری ون دو ولد. این انجمن در سال ۱۹۰۷ در مونیخ شکل گرفت و هدف آن عبارت بود از: «انتخاب بهترین نماینده هنر، صنعت، صنایع دستی و تجارت به قصد ترکیب تمامی کوشش‌ها جهت دستیابی به کیفیت بالا در کار صنعتی و به منظور شکل دهی یک نقطه اتکا برای تمامی کسانی که قادر و مایل به کار با کیفیت بالا هستند». این تشکل سهم عمده‌ای در ترویج فلسفه طراحی که بعدها الهام بخش مدرسه باهاوس شد، داشت. بعد از روی کار آمدن نازی‌ها فعالیت آن متوقف شد و فقط دوره حیات کوتاه مدتی بعد از جنگ دوم جهانی فعال بود.

ورودی سرپوشیده *porch*
۱ - ساختار سرپناه در مبتدای ورودی ساختمان

فائق آمدن بر شیطان و رها ساختن ارواح قدیسین عهد قدیم (نگاه کنید به رستاخیز انبیاء). این مضمون که به عنوان بخشی از مصائب مسیح در هنر قرون وسطایی رواج یافت به ندرت در آثار بعد از سده شانزدهم یافت می‌شود. معمولاً مسیح در حالی نشان داده می‌شود که بیرقی مزین به صلیبی قرمز رنگ بر زمینه سفید بر دوش دارد و به آستانه دروازه‌های جهنم که لولای‌هایش شکسته شده و شیطان را در زیر خود له کرده است، وارد می‌شود.

هبه کننده donor
شخصی که مسئول بستن قرارداد تابلو نقاشی است - به ویژه برای ماجر محراب در اواخر قرون وسطا. غالباً خود هبه کننده در نقاشی حضور دارد (پرتره هبه کننده) و در کنار یکی از قدیسین پشتیبان قرار می‌گیرد.

هپنینگ (حادثه هنری، پیشامد) happening
حادثه هنری مشخصه دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ که در آن فعالیت‌های برنامه‌ریزی شده و بالبداهه نمایشی با هنرهای تجسمی، و هنر حاضری ترکیب می‌شود. غالباً از بینندگان برای مشارکت در اجرا دعوت می‌شود. این شکل هنری طی سال‌های ۱۹۵۷ تا ۱۹۵۹ در نیویورک، به مثابه گسترش و تعمیم رویکرد بالبداهه آزاد اکسپرسیونیسم انتزاعی در فضا و زمان ابداع شد و مرحله مهمی در تحول پاپ آرت محسوب می‌شود. همچنین ظهور آن بسیار تحت تأثیر جان کیچ آهنگساز و نظریه او درباره استفاده از تصادف بود. مشخص‌ترین تفاوت بین هپنینگ و انواع متداول‌تر نمایش، فقدان روایت است. همچنین نگاه کنید به هنر کُنشی.

هدف هنری Kunstwollen (Ger.)
(در زبان آلمانی به معنی «رویای هنر») قصد و منظور هنری.

هرم pyramid
هر نوع سازه با قاعده مربع شکل و سطوح جانبی مایل که به طور منظم در نقطه اوج تلاقی یابند.

هرم پلکانی stepped pyramid
۱ - هرمی شامل چندین ساختار چهارگوش با اندازه‌های کوچک شونده و با سطوح مایل یا مورب،

استفاده می‌شود. در هاشور متقاطع از دو دسته خطوط که به صورت متقاطع و غالباً با زاویه قائمه همدیگر را قطع می‌کنند، استفاده می‌شود.

هاله تقدس glory
در نقاشی به نور منبعث از یک شخصیت یا شیء قدسی اطلاق می‌شود. همچنین نگاه کنید به هاله قدسی، هاله نور.

هاله بادامی شکل mandorla (It.)
(در زبان ایتالیایی به معنی «بادام») هاله‌ای از نور به شکل بادام، که تمامی پیکره یک شخص مقدس را در بر می‌گیرد (مثلاً در تصویر عروج مسیح). مترادف: بیضی تیزه‌دار.

هاله قدسی aureole
هاله نوری به شکل دایره که سر یا پیکره یک شخصیت مقدس را احاطه می‌کند. (همچنین نگاه کنید به هاله تقدس، هاله بادامی شکل، هاله نور.

هاله نور nimbus (Lat.)
(در زبان لاتین به معنی «ابر، هاله») حلقه یا هاله معمولاً طلایی، که پشت سر یک قدیس یا شخصیت قدسی قرار می‌گیرد و او را از افراد عادی پیرامونش متمایز می‌سازد. همچنین نگاه کنید به هاله بادامی شکل، هاله تقدس، هاله قدسی.

هاها (حصار) haha
(به عنوان بیان اظهار شگفتی) نوعی مانع که به صورت دیوار ضامن مشبک و با ارتفاع کم ساخته می‌شود. از این حصار در املاک روستایی برای محصور کردن حیوانات به منطقه چرای خود، و نگهداری آنان دور از باغ پیرامون خانه استفاده می‌شد، به نحوی که جلوی چشم‌انداز را نمی‌گرفت.

هبوط avatar (Fr.)
(در زبان فرانسه و سانسکرین به معنی «هبوط») در مذهب هندو، جسد سوزی یک موجود مقدس که برای حفظ فرمان به دنیا هبوط کرده است - از این رو برای مثال، ممکن است مجسمه‌ای نمایانگر و تجسد ویشنو باشد.

هبوط به جهنم Harrowing of Hel
بازنمایی هبوط مسیح به جهنم، پس از مرگش، و



هم‌آرایی: بازیگر کابوکی اثر ریچارد استانکوویچ، ۱۹۵۶.



پارچه دست بافت با نگاره هزار گل که در آن تک‌شاخی را در حصار نشان می‌دهد.

هلال نیم دایره demilune (Fr.)

(در زبان فرانسه به معنی «نیمه ماه») ۱- در معماری نظامی به بخش مجزایی از استحکامات به شکل مثلث یا هلال که در خندق قلعه ساخته می‌شود. ۲- (در مورد کمد یا بوفه) به فرم نیم دایره اطلاق می‌گردد.

هلالی ته ستون torus (Lat.)

(در زبان لاتین به معنی «بالشت، برآمدگی») ابزار محدب تقویت کننده، با مقطع نیم‌دایره. که غالباً در پایه ستون کلاسیک مشاهده می‌شود. (شیوه‌های معماری^{۳۳})

هلنی Hellenistic

منسوب به عصر اسکندر، فاتح کبیر (حدود ۱۰۰ - ۲۲۲ پیش از میلاد). آثار هنری تولید شده با سبک‌های بسیار متنوعی چون باروک تا کهن‌گرایی در سرتاسر قلمرویی که اسکندر کبیر به تصرف

که یکی بر دیگری [به صورت پلکانی] قرار گرفته باشند. ۲- در معماری مصر باستان به مرحله میانی بین یک مضطبه و یک هرم واقعی اطلاق می‌شود.

هزار گل mille - fleure (Fr.)

(در زبان فرانسه به معنی «هزار گل») پارچه‌های دست بافت قرون وسطایی، که در آن طرح اصلی بر روی زمین‌های پوشیده از نقوش گل و گیاه و گاه همراه با حیوانات یا پرندگان کوچک ظاهر می‌شود. قدمت این آثار به اواخر سده پانزدهم و اوائل سده شانزدهم باز می‌گردد.

هفتجوش Lätten

نوعی آلیاژ با بنیان فلز شبیه به برنج، و متشکل از مس، سرب و قلع. نوع سفید آن که در دوره قرون وسطا رایج بود مخلوطی از برنج و قلع بود که برای آثار یادمانی برنجی و دیگر اشیاء مورد مصرف آن دوران به کار می‌رفت.

هلال (سگدست) cresset

نوعی سگدست که برای نگهداری مشعل طراحی شده است.

ارائه می‌شود؛ شامل هنر کنشتی، هنر بدنی و هپنینگ.



هنر اتروریایی: روقریز و گل صورتی رنگ به شکل صورتک سلینوس، حدود ۵۰۰ پیش از میلاد. سبک اتروریایی تأثیر بسیاری از هنر یونان باستان پذیرفت.



معماری اتونی: نمای غربی سنت پانتلون، کلن، حدود ۱۰۰۰ میلادی، که نمای خارجی ضلع غربی آن با ساختار حجیم آن یادآور معماری دوره کارولژی است.

خود درآورد، از مصر تا حاشیه هند (مکتب پرگام، نقش برجسته*).

هم آرایی assemblage

کاربرد مواد سه بعدی یافت شده یا آماده (- هنر حاضری) برای خلق اشیاء هنری. این روش که در اساس از روش کلاژ اخذ شد، در اواخر دهه ۱۹۵۰ به عنوان بخشی از احیاء هنر دادا (نگاه کنید به نتودادا) بسیار رایج و فراگیر شد. (همچنین نگاه کنید به نقاشی تلفیقی)

همبسته مس طلا tumbaga (sp.)

آلیاژی از مس و طلا که برای جواهرسازی و دیگر آثار فلزکاری در برخی از فرهنگ‌های بومی امریکایی رایج بود.

همدلی empathy

پیوند عاطفی‌ای که بیننده نسبت به اثر هنری پیدا می‌کند.

هنر آخاییایی Achaean art

هنر منسوب به مردم آخاییایی، که طی دوره حدود ۲۰۰۰ سال تا ۱۱۰۰ سال پیش از میلاد در شرق و جنوب یونان می‌زیستند.

هنر اتروریایی (اتروسک) Etruscan art

هنر مردمان اتروریا (قریب به توسکانی فعلی) در دوره سده هفتم تا سده سوم پیش از میلاد. در مراحل آغازین به شدت تحت تأثیر سبک باستانی یونان ایونیک بود و بعدها گرایشات واقع گرایانه میراث هنر روم را به کار گرفت.

هنر اتونی Ottonian

سبکی در هنر و معماری مربوط به دوره حکومت اتونی در آلمان (۱۰۲۴ - ۹۱۹) و جانشین بلافصل آن. این سبک تلفیقی است از ویژگی‌های سبک کارولژی که پس از آن آمده و سبک رومانسک که پیش از آن بود.

هنر اجرایی Performance Art

هنر دهه ۱۹۶۰ و پس از آن که رابطه نزدیکی با هنرهای نمایشی - نظیر پانتومیم، رقص و تئاتر - دارد و به عنوان یک واقعه گذرا در پیش روی بیننده



هنر باستانی: پیکره مرمری دختر یونانی (کور) از آکروپولیس، آتن، مربوط به ۵۱۰ پیش از میلاد، با لبخند باستانی.

هنر اژه‌ای Aegean art

هنر برخی از فرهنگ‌های پیرامون دریای اژه، از جمله تمدن‌های سیکلاد، (← هنر جزایر سیکلاد) مینوی و میسنی. هنر اژه‌ای دوره ۲۰۰۰ تا ۱۲۰۰ پیش از میلاد را دربر می‌گیرد.

هنر انتزاعی abstract art

هنری که یا اساساً باز نمایانگر نیست، و یا کوششی است در جهت تغییر فرم دادن اشیاء واقعی به نقوشی که بیننده پیش از هر چیز آنها را به عنوان ارتباطات بصری مستقل درک کند تا ارجاع آن به منبع اصلی.

هنر باز یافتی Transitional art

آثاری که هنرمندان مدرن آفریقایی با استفاده مجدد از دوریزهای اروپائیان می‌سازند.

هنر باستان Archaic art

۱- در معنای خاص به هنر یونانی دوره بین ددالوس و کلاسیک (حدود ۶۲۰ ق.م تا ۵۰۰ ق.م) مربوط می‌شود. مجسمه‌های یونانی این دوره، در کنار دیگر ویژگی‌ها، واجد نوعی چهره با لبخند خاص بودند که به عنوان «لبخند باستانی» معروف است. ۲- در مفهوم عام‌تر و با سر حرف کوچک (archaic art) به هنری اطلاق می‌شود که قدیمی‌تر از زمانه خودش به نظر برسد.

هنر برای هنر

Art for art's Sack

اصطلاحی که جنبش زیبایی‌شناختی انگلیسی از بولدر و گوته به عاریه گرفت و از آن برای بیان این نظر که فعالیت‌های هنری نیازی به توجیهات اخلاقی و اجتماعی ندارد، بهره برد.

هنر بربرها barbarian art

هنر مردمان مختلف عصر نوسنگی و عصر مفرغ در سرتاسر اروپا که هنوز به شکل قبیله و نه به شکل ملل کاملاً شکل یافته بودند. نقش‌های جانوری یکی از مشخصه‌های نمونه‌وار این هنر است.

هنر بنجل kitsch (Ger.)

(در زبان آلمانی به معنی «آشغال») مصنوعات و هنر تولید انبوه که تطابقی با معیارهای زیبایی‌شناختی فرهنگ نخبه‌گرا ندارد.

هنر بیگانه Art Autre,un (Fr.)

(در زبان فرانسه به معنی «هنر دیگر») هنر «از خود بیگانه» اروپای بعد از جنگ جهانی دوم که هنرمندانی چون Fautrier, Wols خلق کردند و هنری که تصور می‌شد واجد کیفیت «دیگریت» است. این اصطلاح از عنوان کتابی اثر میشل تاپیه، منتقد فرانسوی اخذ شده است که در سال ۱۹۵۲ به چاپ رسید. در آن کتاب وی مدعی شده بود که هنر بعد از جنگ، گست کاملی از تمامی حالات پیش از آن نشان می‌دهد.

هنر پَسرو retardataire (Fr.)

(در زبان فرانسه به معنی «کُندرو») هنری که عقب‌تر از معیارهای هنری پذیرفته شده زمان خود است. در مقابل هنر پیشرو.

هنر پوئبلو Pueblo art

هنر اقوام بومی زونی و هوپی جنوب غربی ایالات متحده آمریکا از حدود سال ۷۰۰ میلادی تاکنون.

هنر تجاری و هنرهای زیبا به ویژه از زمان ظهور هنر پاپ، که از تصویرپردازی تجاری سود جست به طور فزاینده‌ای دشوار شده است.

هنر ترسیمی graphic art
شکلی از بیان هنری که در آن مفهوم و ایده معمولاً به واسطه ترسیم خطوط، علائم یا حروف چاپی بر روی کاغذ بیان می‌شود تا رنگ. هنر ترسیمی انواع مختلف ترسیمات خطی، انواع چاپنقش و طراحی حروف را در بر می‌گیرد.

هنر باز نمایانگر representative art
نگاه کنید به هنر تصویری.

هنر تصویری (فیگوراتیو) figurative art
هنری که آنچه را در طبیعت موجود قابل مشاهده است به صورت واقعی یا حتی به صورت تغییر یافته یا کژنمایی به تصویر درآورد. مترادف هنر باز نمایانگر. همچنین نگاه کنید به هنر انتزاعی.

هنر توهم‌انگیز psychedelic art
هنری که سعی دارد تا تغییرات حالات ذهنی را که در اثر مصرف داروهای مخدر همچون LSD پدید می‌آید، بازسازی یا بازتاب دهد. این هنر به ویژه با موسیقی راک اواخر دهه ۱۹۶۰ ارتباط دارد.

هنر جزایر سیکلاد Cycladic art
هنر مصر مفرغ مجمع الجزایر سیکلاد ۱۶۰۰ - ۲۵۰۰ ق.م. که متأثر از هنر میسنی و هنر هیلادیک (هنر عصر مفرغ یونان) بود. معروف‌ترین اشیاء بدست آمده از این دوره، پیکره‌های سبک پردازشی شده زنان است که از سنگ سفید مرمر شکل دهی شده است. همچنین کوزه های سفالی با دهانه منقاری شکل، ظروف ساده‌ای از جنس مرمر و تابه‌های سفالی که تصور می‌شود به عنوان آینه استفاده می‌شدند.

هنر جنبشی Kinetic art
هنری که در آن از یک حرکت مکانیکی یا اتفاقی استفاده شده باشد، یا هنری که توهمی از حرکت را با استفاده از تمهیدات بصری (← اوپ آرت) پدید آورد. این روش برای نخستین بار در اوایل سده بیستم میلادی توسط ساختگرایان به کار رفت و بعدها با آثار پیکره جنبان الکساندر کالدر در سال‌های دهه



این کوزه آب زونی سده بیستم مزین به نقوشی است که مشخصه سفال‌های پوتبلو محسوب می‌شود. (← هنر پوتبلو)

هنر پیش از کلمب (هنر بومیان امریکای شمالی) Pre - Columbian

هنر منسوب به بومیان امریکای شمالی پیش از نخستین سفر کریستف کلمب در ۱۴۹۲.

هنر پیشرو avant-garde
هنری که به نظر رسد پیشاپیش زمانه خود است و نقش بدعت‌گذار را ایفا می‌کند.

هنر تانترا Tantra art (Skr.)
(مأخوذ از واژه سانسکریت tantra به معنی «چرخ نخریسی») تانترا نوعی عقیده رمزآلود بودایی و هندوئی است که به دیدگاه جنسیت جهانی معطوف است. قدیمی‌ترین متون به جای مانده مرتبط با آن به تاریخ ۶۰۰ میلادی باز می‌گردد. این نگرش را می‌توان به شکل‌های مختلف در تقریباً سرتاسر آسیا یافت - در چین، تبت، نپال، مغولستان و کامبوج و البته مشخص‌تر از همه در هند. در شکل هندوی آن بر عبادت شاکتی الهه قدرت یا توان مبتنی بود و هدف آن گسترش آگاهی از طریق تعمق و مکاشفه در تصاویر صحیح از خدایان (که معمولاً در خشن‌ترین و خشمگینانه‌ترین حالت خود نمایش داده می‌شدند)، اشیاء با درون مایه‌های جنسی همچون نشان شیوا و نمودارهای انتزاعی به نام یانترا بود.

هنر تجاری commercial art
هنری که نه به خاطر ارزش ذاتی‌اش، بل برای کمک به فروش چیزی ساخته شود، به ویژه در حوزه تبلیغات و تصویر سازی فنی. اما ایجاد تمایز بین

ارائه می‌شوند و برای ساخت آن از مواد طبیعی همچون خاک، سنگ، کلوخ و برف ساخته می‌شود.

۱۹۳۰ فراگیر شد، اما در دهه ۱۹۵۰ به اوج شکوفایی خود رسید.

هنر خام Art Brut (Fr.)
(در زبان فرانسوی به معنی «هنر خام») این اصطلاح را ژان دو بوفیت هنرمند فرانسوی برای توصیف هنری که توسط هنرمندان غیرمتخصص، به ویژه آثاری که کودکان، افراد روانی و... خلق کرده‌اند و جنبه هنری آن به نظر «خام» جلوه‌گر می‌شود، ابداع کرد.

هنر جورجی Georgian style
سبک معماری و تزئینات مربوط به چهار جورج در انگلستان: جورج اول، دوم سوم و چهارم (۱۷۱۴ تا ۱۸۳۰). در حقیقت هنر این دوران هویتی واحد و منسجم ندارد، اما عناصر هنر رنسانس، روکوکو و نئوکلاسیک را با تفوق کلاسیسیسم در برخی از فرم‌ها ترکیب می‌کند. همچنین نگاه کنید به سبک نیابت سلطنت انگلیس.

هنر خودانگیخته

Automatism, automatic writing
کاربرد خودانگیخته قلم‌مو یا مداد، بدون هرگونه کنترل آگاهانه و صرفاً متأثر از واکنش‌های ضمیر ناخودآگاه. این روش نخستین‌بار از سوی هنرمندان سورئالیست به کار گرفته شد و بعدها در سبک اکسپرسیونیسم انتزاعی رشد و گسترش چشمگیری حاصل کرد.

هنر چند رسانه‌ای Mixed Media
۱ - هنر سده بیستم که مواد فیزیکی مختلف را با هم در می‌آمیزد. ۲ - هنری که با چند تخصص هنری مختلف حاصل می‌شود، مثلاً موسیقی، نمایش، مجسمه محیطی. در این معنا مترادف با Intermedia و Multimedia است.

هنر خودکار cybernetic art
مجسمه و دیگر آثار هنری مکانیکی که قادر به واکنش نسبت به یک محرک خارجی باشند. مثلاً در برابر نزدیک شدن بیننده یا صدا واکنش نشان می‌دهند. این هنر بیانگر شکل متکامل‌تر و پیچیده‌تر هنر جنبشی است.

هنر حاضری object trouvé (Fr.)
(در زبان فرانسه به معنی «شیء یافت شده») شیئی که هنرمند در محیط پیرامون خود می‌یابد. و آن را بدون هیچ گونه تغییر یا فقط با اصلاحات جزئی به عنوان یک اثر هنری مستقل و یا بخشی از یک اثر هنری ارائه می‌کند. همچنین نگاه کنید به کلاژ، آماده‌ها.

هنر خود ویرانگر autodestructive art
نوعی اثر هنری که در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ متداول بود، و به گونه‌ای طراحی می‌شد که به تدریج خود را نابود و مضمحل می‌کرد. (تصویر در صفحه بعد)

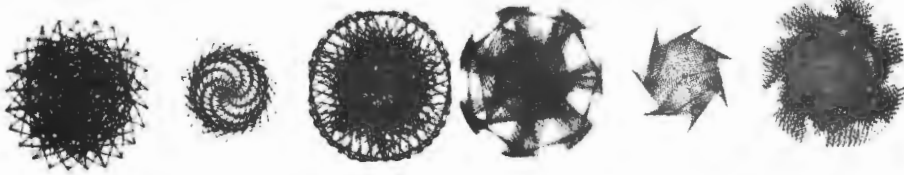
هنر حواس‌انگیز Kinaesthetic art
هنری که بنظر رسد حواس فیزیکی بیننده را بیش از حواس بصری وی بر می‌انگیزاند.

هنر خیابانی street art
این اصطلاح از دهه ۱۹۷۰ رواج یافت و توصیف‌گر: ۱- نوعی هنر نمایشی است که در خیابان اجرا می‌شود و فاقد هر نوع صحنه‌پردازی رسمی، و غالباً به جهت یک هدف سیاسی است. ۲- پوسترها و دیوارنگاره‌های غیر تجاری که معمولاً در ارتباط با مسائل اجتماعی بومی است.

هنر حوزه‌ای community art
فعالیت و جنبش هنرمندان پیشرو («هنر پیشرو») که در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ با هدف برقراری رابطه با اجتماعات خاص، غالباً حوزه‌هایی که از جنبه اجتماعی مهجور مانده‌اند شکل گرفت. هنر حوزه‌ای بیشتر تلاش دارد تا نحوه تأثیرگذاری هنر بر جامعه را ارزشیابی کند، به جای آن که شاخص‌ها و معیارهای زیبایی شناختی خاصی ارائه دهد.

هنر دوره مفرغ یونان Helladic
دوره عصر مفرغ در جزیره اصلی یونان (حدود ۲۶۰۰ تا ۱۱۰۰ پیش از میلاد).

هنر خاکی Earth Art
اصطلاحی رایج در اواسط دهه ۱۹۶۰ برای توصیف آثار هنری که در گالری‌های هنری یا در فضای باز



هنر رایانه‌ای اثر جان ویتنی، ۱۹۶۹. تصاویر با بازسازی متوالی طرح‌های انتزاعی در یک رایانه خلق شده‌اند و سپس با دوربین تصاویر متحرک، فیلمبرداری شده‌اند.



سردیس شاهپور دوم با روکش نقره، سده چهارم میلادی، بیانگر دقت و ظرافت فلزکاری هنر ساسانی است.



مجسمه خود ویرانگر اثر جین تینگلی، نیویورک، ۱۹۶۰، در حال کار در موزه هنرمندان، نیویورک.

نیروهای فیزیکی طبیعت و روند چرخه‌های زیست‌شناختی می‌کند و هنری است که نحوه تعامل این نیروها و روندها را بازنمایی می‌کند. از جمله هنرمندان این گرایش هانس هاگ و آلن سونفیسست بودند که مجسمه محیطی آنان با نام «منظره زمان» در سال ۱۹۷۷ در La Guardia Plaza نیویورک، تلاشی بود برای بازسازی جنگل بومی که حال به اشغال این سایت شهری درآمده بود. از سال ۱۹۶۸ این اصطلاح مورد استفاده قرار گرفته است.

هنر ساسانی Sassanian art

هنر ایران، عراق و نواحی همجوار آنها تحت حکومت ساسانیان (۲۲۴ - ۶۵۱ م). در این هنر به ویژه تاکید زیادی بر نقش‌پردازی آثار فلزکاری گرانها می‌شد، و بر بسیاری از این آثار صحنه‌های شکار سلطنتی

هنر دوره مهاجرت Migration Period art

هنر قبایل مهاجر آلمانی مربوط به دوره تهاجم بربرها (سده‌های چهارم تا نهم میلادی) که به مناطق دوردستی چون اسپانیا و آفریقا شمالی مهاجرت کردند. هنر آنها عمدتاً شامل جواهرآلات و دیگر اشیاء شخصی بود و در آن از نقوش تکرار شونده ساده‌ای همچون خطوط خیزابی و چلیپائی استفاده زیادی می‌شد.

هنر رایانه‌ای computer art

نوعی هنر، عمدتاً در قالب ترسیمات و نمودار، که با کمک رایانه ایجاد می‌شود. اولین هنر رایانه‌ای در اواسط دهه ۱۹۵۰ خلق شد.

هنر زیست محیطی Ecological Art

هنری که توجه خود را معطوف به مرادده با



هنر سلتی: بخشی از یک سنجاق سینه، با نقوش در هم بافته، و از جنس مفرغ که با عنبر و شیشه مزین شده است، حدود ۷۰۰ میلادی.

عمدتاً با تزئینات جانورسان همراه بود، مورد توجه هستند. آثار هنری آنان به دو مرحله اصلی تقسیم می‌شود: مرحله متقدم که در قاره اروپا ساخته می‌شد و غالباً سبک «خیمه‌ای» نامیده می‌شود (تا آغاز اولین سده مسیحی) و مرحله متأخر که محدود به بریتانیا و ایرلند است و به حدود سال ۱۵۰ میلادی به بعد مربوط می‌شود و غالباً نشانه‌هایی در پیوند با هنر رومی دارد. جواهر سازی، حکاکی چوب، سفالگری، فلزکاری از جمله شاخص‌ترین آفریده‌های هنر سلتی به شمار می‌روند.

هنر سومری Sumerian art
هنر تمدن‌های اولیه بین‌النهرین، که از ۲۳۰۰ - ۲۰۰۰ ق.م در اور و سومر مرکزیت داشت.

هنر صدر مسیحیت Early christian art
تمامی آثار هنری که توسط مسیحیان نخستین دوره ایمان مسیحی ساخته شد (تا حدود ۵۰۰ میلادی) بدون توجه به سبک آنها.

هنر عامیانه folk art
نوعی هنر غیر پیچیده، به هر دو صورت هنرهای زیبا و هنرهای کاربردی، که تصور می‌شود ریشه در آگاهی جمعی عامه مردم دارد. مفهوم هنر عامیانه اساساً مفهومی سده نوزدهمی است. امروزه این مفهوم همراه با نوعی حسرت به گذشته (نوستالژی)

به سبکی مأخوذ از هنر هخامنشی کار شده است.

هنر سده بیستم ایتالیا novecento
(در زبان ایتالیایی به معنی «نهصد») اصطلاح ایتالیایی برای هنر سده بیستم به طور کل.

هنر سده پانزدهم quattrocento (It.)
(در زبان ایتالیایی به معنی «چهارصد») هنر ایتالیا در دوره زمانی بین ۱۴۰۰ تا ۱۵۰۰. این اصطلاح غالباً برای سبک مشخصه هنرمندان رنسانس متقدم در ایتالیا، همچون دوناتلو، مازاچچو، و بوتیچلی به کار می‌رود.

هنر سده چهاردهم ایتالیا trecento
(در زبان ایتالیایی به معنی «سیصد») دوره بین ۱۳۰۰ تا ۱۴۰۰ هنر ایتالیا.

هنر سده سیزدهم duecento, dugento (It.)
(در زبان ایتالیایی به معنی «دویست») هنر ایتالیایی دوره بین ۱۲۰۰ تا ۱۳۰۰ میلادی.

هنر سده شانزدهم cinquecento (Lat.)
(در زبان ایتالیایی به معنی «پانصد») دوره بین سال‌های ۱۶۰۰ - ۱۵۰۰ در هنر ایتالیا. [رنسانس مترقی].

هنر سده نوزدهم ایتالیا ottocento (It.)
(در زبان ایتالیایی به معنی «هشتصد») هنر ایتالیا در دوره بین سال‌های ۱۸۰۰ تا ۱۹۰۰.

هنر سده هجدهم ایتالیا settecento (It.)
(در زبان ایتالیایی به معنی «هفتصد») هنر ایتالیا در دوره بین سال‌های ۱۷۰۰ تا ۱۸۰۰.

هنر سده هفدهم ایتالیا seicento
(در زبان ایتالیایی به معنی «ششصد») هنر ایتالیا در دوره بین ۱۶۰۰ تا ۱۷۰۰ میلادی.

هنر سلتی Celtic art
هنر مردمان سلتی که بین سال‌های ۴۵۰ ق.م تا ۷۰۰ میلادی در غرب اروپا می‌زیستند و برای خلق تزئینات نامتقارن و منحنی شکل انتزاعی خود، که



هنر غیر فرمی: تابلوی سبز و سیاه، اثر آنتونیو تاپیس، ۱۹۵۷.

هنر غاری caye art

نقاشی‌ها، ترسیمات و دیوار خراش‌های دوره پالئولیتیک یا عصر حجر قدیم، که نخستین بار در سال ۱۸۷۹ در غار آلتامیرای اسپانیا تشخیص یافت.

هنر غیر شماییلی Iconoclast art

نوعی هنر بیژانسی بدون تصاویر مذهبی فیگوراتیو (← هنر تصویری) متعلق به دوره ۷۲۰ تا ۸۳۲ (دوره فرمانروایی لئو سوم و بسیاری از جانشینان وی) که طی آن چنین تصاویری به صورت رسمی ممنوع شده بود.

هنر غیر فرمی Art Informel

اصطلاحی که میشل تاپیه منتقد فرانسوی برای توصیف هنر انتزاعی، ولی غیرهندسی که در اروپا طی سال‌های بلافصل پس از جنگ دوم جهانی خلق شد ابداع کرد. همچنین نگاه کنید به هنر بیگانه، شیوه رنگ افشانی.

هنر فراکتور fractur

نوعی هنر عامیانه هلندی پنسیلوانیایی مأخوذ از تزئینات اسناد اداری با استفاده از حروف فراکتور آلمانی که بعدها به نقش‌بندی انتزاعی تکامل یافت.

هنر فرایندی Process Art

هنر اواسط دهه ۱۹۶۰ و دهه ۱۹۷۰ که فرایند خلق اثر هنری خود به موضوع اثر تبدیل می‌شود. معمولاً از بینندگان دعوت می‌شود تا ماحصل کار انجام شده را به صورت تصاویر و شواهدی که پیش روی آنها نهاده شده بازسازی کنند. از جمله هنرمندانی که با این سبک مرتبطاند می‌توان ریچارد سر، روبرت هوریس و لاورنس واینر را نام برد.

برای جامعه پیشا صنعتی است. همچنین نگاه کنید به هنر نایف، هنر بدوی.

هنر عامیانه ژاپنی mingei (Jap.)

هنر عثمانی Ottoman

۱ - هنر و معماری مسلمانان ترک از ۱۳۲۶ م (تصرف «بورسه» توسط اورتان اول، بنیان‌گذار حکومت عثمانی) تا سال ۱۹۲۲ م (فروپاشی دوره سلطانی ترکیه). ۲ - (با حرف کوچک ۵) اصطلاحی که از سده هیجدهم برای توصیف نوعی صندلی راحتی کوتاه با رومبلی کامل ابداع شد.

هنر عصر الیزابت Elizabethan

هنری که طی دوره پادشاهی ملکه الیزابت اول (۱۶۰۳ - ۱۵۵۱) در انگلستان یا ولز ساخته یا درست شده باشد. هنر و معماری دوره الیزابت تلفیقی است از هنر رنسانس، به ویژه منریسم، گوتیک و عناصر بومی (معادل این سبک در اسکاتلند را «رنسانس اسکاتلندی» می‌نامند).

هنر عمارنه Amarna art

مرحله‌ای از هنر پادشاهی جدید مصر باستان در زمان «فرعون مرتد» آخناتون (حدود ۱۳۷۵ ق.م) که پایتخت خود را به مکانی که اکنون تل عمارنه شناخته می‌شود، منتقل کرد. هنر عمارنه حد نهایی واقعگرایی را با حد افراطی شیوه‌گرایی (← منریسم) ترکیب می‌کند.



هنر عمارنه: نقش برجسته از آمنوفیس چهارم، ملکه نفرتیتی و سه تن از کودکانشان که در زیر شعاع‌های نور خورشید رحمت می‌شوند، سده چهاردهم پیش از میلاد. توجه کنید به نحوه «بازنمایی چند جانی» چهره‌ها و شانه‌های آنها.



افریز پارتنون، سده پنجم میلادی، گویای مشخصه هنر متعالی که یک واقعه روزمره را، در این مورد یک مراسم آیینی، به صورتی آرمانی نمایش می‌دهد.



هنر متعفن: بخشی از اثر سرهم بندی محیطی ادکین هولز: سندلی عقب دوج، ۱۹۶۴.

funk art (هنر متعفن) بدل شد. از این اصطلاح برای توصیف آثاری که چیزی مسابین نقاشی و مجسمه‌سازی‌اند و تعمداً با کج سلیقه‌گی و با ترکیبات عجیب و غریب مواد ساخته شده‌اند، به طور گسترده به کار می‌رود. محتوای این آثار غالباً نمایش وقیحانه جنسی و پلشت نگاری است. مانند آثار ادکین هولز. همچنین نگاه کنید به پشمالو.

هنر مجسم Concrete Atp

نوعی هنر شامل فرم‌های بصری ساده و غیر عینی مبتنی بر این نظریه که ساختار به مثابه اصل سامان دهنده اثر هنری عمل می‌کند. (بر اساس نوشته تنوان دوزبورگ با عنوان «بیانیه مجسم»، ۱۹۳۰). وی این نام را به جای اصطلاح هنر انتزاعی و با استناد به این که فعالیت هنرمند در تقابل با روند انتزاعی گری قرار می‌گیرد، برگزید. ماکس بیل، هنر مجسم را به عنوان تلاشی در جهت بازنمایی

هنر فرهنگستانی academic art

آثار هنری که براساس پیش‌فرضها و قواعد فرهنگستان‌های نقاشی و مجسمه‌سازی که طی سده‌های هفدهم تا نوزدهم در اروپا رایج بود، خلق می‌شدند.

هنر فقیر Arte Povera (It.)

اصطلاحی که جرمانو سلانت منتقد ایتالیا برای توصیف هنری که بر ابعاد کوچک (مینیمال) و با «فروتنی» تعمدی و عمدتاً با مواد کم بهایی چون شن، چوب، سنگ و کاغذ، روزنامه ساخته می‌شد ابداع کرد.

هنر کاربردی applied art

هنری که اساساً کاربردی است اما خلق آن با توجه به ملاحظات زیبایی‌شناختی صورت گرفته است (مثلاً میلمان، آثار فلزکاری، ساعت، پارچه، طراحی حروف). همچنین نگاه کنید به هنر تزئینی.

هنر کنشی action art

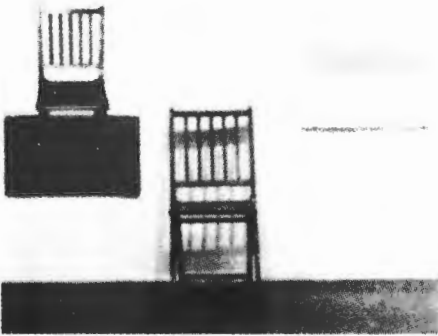
این اصطلاح از حدود ۱۹۶۰ برای توصیف نمایشی با ساختار آزاد یا منسجم، یا ترکیبی از حرکات فیزیکی، اصوات، تغییر و تبدیل مواد، هم کنشی با فضا و زمان و غیره به کار می‌رود، که ضرورتاً در یک محل خاص انجام نمی‌شود، و به عنوان یک اثر هنری به صورت مستقیم یا از طریق مستندسازی ارائه می‌گردد. هنر کنشی شکل تکامل یافته هنر هپنینگ است، اما کمتر جنبه نمایشی دارد. برای مثال هنرمندی چون ریچارد لانگ مسافت مشخصی را در روز و در مسیر خاصی قدم می‌زند، و نتیجه حاصله را با خطوطی بر روی نقشه ترسیم کرده و با عکسبرداری ثبت می‌کند. هنر کنشی نخست اجرا می‌شود، سپس ثبت می‌گردد.

هنر متعالی high art

هنری که در سودای دستیابی به سبکی متعالی، فراگیر و معمولاً کلاسیک باشد.

هنر متعفن funkart

در ایالات متحده صفت Funky (در اصل به معنی «کثیف») به هنری که در اواخر دهه ۱۹۵۰ در سانفرانسیسکو توسط هنرمندانی چون بروس کونر ارائه شد اطلاق می‌شود. بعدها این اصطلاح به



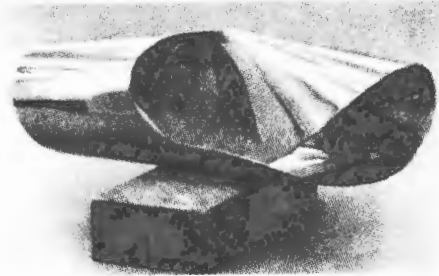
هنر مفهومی: «یک صندلی و سه صندلی» اثر جوزف کاسوت، ۱۹۶۵، که شامل تصویری از یک صندلی، یک صندلی واقعی و تعریف صندلی در فرهنگ لغات بود.

هنری باشد و هرگونه حاصل کار یا جسمیت بخشیدن صرفاً به عنوان نمودی مقدماتی از یک نتیجه‌گیری کلی که هنرمند بدان دست یافته، مورد توجه قرار گیرد. از جمله هنرمندانی که با هنر مفهومی شناخته می‌شوند می‌توان لارنس واینز، سل لی وایت، ژوزف کاسوت و بروس نومان. را نام برد - اگر چه برخی از آنان را به عنوان مینیمالیست هم طبقه‌بندی می‌کنند.

هنر منحنط Entartete Kunst (Ger)
(در زبان آلمانی به معنی «هنر منحنط») عنوان نمایشگاهی که در سال ۱۹۳۷ در مونیخ برپا شد، و در برگیرنده تمامی آثار پیشرویی بود که توسط حزب نازی رد شده بودند. اکثر آثار به سبک اکسپرسیونیسم بود. مترادف degenerate art.

هنرمند روزکار journeyman
(مأخوذ از واژه فرانسوی journée به معنی «روز») هنرمند یا صنعتگری که کاملاً در حرفه انتخابی خود آموزش دیده، اما هنوز در صنف به استادی نرسیده است. از این‌رو چنین کسی نمی‌تواند به طور مستقل و آزاد به کار بپردازد، بلکه باید به طور روزکار زیر نظر یک استاد کار فعالیت کند.

هنرمند گمنام anonimo (It.)
۱ - هر هنرمند ایتالیایی که هویتش نامعلوم باشد.
۲ - هر نویسنده ایتالیایی گمنام؛ در حوزه هنر به کسی اطلاق می‌شود که به عنوان مرجع هنری - تاریخی



هنر مجسم: حلقه بی‌پایان A، اثر ماکس بیل، ۱۹۴۷-۴۹.

اندیشه‌های انتزاعی به فرم‌های حسی و قابل لمس توصیف کرد.

هنر محیطی
environment environmental art

اصطلاحی که از اواخر دهه ۱۹۵۰ برای توصیف آثار هنری سه بعدی و غالباً موقت بکار رفت که بیننده می‌توانست به درون آن برود (اگرچه در عمل به هنگام نمایش آنها و بنا به مقرارت از این کار جلوگیری می‌شود). ادکین هولز آثار بسیاری از این نوع را خلق کرد.

هنر مستقیم Direct art
نام گروهی از هنرمندان اطریشی که در دهه ۱۹۶۰ فعال بودند از جمله اتو مول و هرمان نیتج. نمایش کنش‌های بی‌پرده و صریح جنسی و سادومازوخویستی از تمهیدات آنان بود.

هنر مفردات Einzelkunst (Ger)
(در زبان آلمانی به معنی «هنر چیزهای منفرد») (در هنرهای پارینه سنگی و هنر بدوی) نقاشی‌هایی که از تصاویر نامربوط اشخاص، حیوانات و اشیاء تشکیل شده است.

هنر مفهومی Conceptual Art, concept Art
هنر دهه‌های ۱۹۶۰، ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ که به تبعیت از یک یا چند اصل از اصول زیر خلق شده باشد:
۱ - هنری که در برگیرنده ایده‌ای بنیادی باشد و نتوان آن را در قالب فیزیکی مجسم ساخت. ۲ - هنری که زبان ماده اصلی هنر شود و با کنار نهادن موانع بین هنر و نظریه هنر، بین آن دو پیوند برقرار سازد. ۳ - هنری که کنش هنرمند پیش‌نیازی برای ماهیت اثر



جام شراب یونانی بزرگ مزین به نقوش هندسی ابتدایی، حدود ۷۵۰ ق.م، که در آن نقوش مشخصه سبک هنر هندسی را شامل دو نوع زنجیره یونانی نشان می‌دهد. دسته درپوش جام نیز شکل کوچک شده جام اصلی است.

هنرهای کاربردی یا هنرهای تزئینی قرار می‌گیرند. این تمایز تا اواسط سده هیجدهم کاملاً برقرار نشده بود.

هنرهای فرعی
Minot Arts, the
هنرهای تجسمی غیر از هنرهای زیبا (یعنی هر هنر تجسمی که نقاشی، مجسمه‌سازی یا معماری نباشد).

هنر هندسی
Geometric art
هنر یونانی دوره ۱۱۰۰ تا ۶۶۰ ق.م. که طی آن آثار سفالی با شبکه‌ای از نقوش هندسی ظریف پوشیده می‌شد.

هوای باز
plein air (Fr.)
(در زبان فرانسه به معنی «فضای باز») - (در مورد تابلوهای منظره‌پردازی رنگ روغن) نقاشی در بیرون و فضای خارجی. احتمالاً این نوع نقاشی در سده هیجدهم میلادی و با آثار فرانسوا دیسپورته آغاز شد، اما در واقع موضوع نظریه‌ای بود که بعدها امپرسیونیست‌ها مطرح کردند. ۲ - گاه به غلط برای

خدمت می‌کند مانند Anonimo Morelliano

هنر مینوسی
Minoan art
هنر جزیره کرت مربوط به عصر مفرغ (حدود ۱۱۰۰ - ۲۲۰۰ ق.م) که امروزه بر اساس نام مینوس افسانه‌ای، پادشاه کرت، نام‌گذاری کرده‌اند. برجسته‌ترین ویژگی‌های این هنر طبیعت‌گرایی دقیق، بویژه در نمایش حیوانات و گیاهان، و فقدان نظام‌بندی فرمی قوی است. (- میسنی)

هنر مینیمال
minimal art
اصطلاحی که طی دهه ۱۹۶۰ برای توصیف هنری که از هرگونه تظاهر بیانی یا توهمی اجتناب می‌کند رایج شد. آثار مینیمال معمولاً به صورت سه بعدی بود که با اتفاقی ساخته می‌شد. مثلاً یک توده شن - یا متشکل از فرم‌های هندسی ساده و غالباً به صورت تکرار شونده بود. مجسمه‌های آجری کارل آندره مشهورترین نمونه از مورد دوم هستند. همچنین نگاه کنید به گشتالت.

هنر ویدئویی
video art
فن آوری تلویزیون و ضبط ویدئویی که در آثار هنری به کار رود. (مثلاً آثار نام جون پایک)

هنر هخامنشی
Achaemenian art
هنر منسوب به هخامنشیان که طی سال‌های ۵۵۰ تا ۳۳۰ پیش از میلاد در ایران و خاور نزدیک فرمانروایی می‌کردند. این هنر تأثیراتی از سبک‌های کهن‌تر همچون هنر آشوریان که پیش‌تر در همان قلمرو فرمانروایی داشتند، پذیرفت.

هنرهای تزئینی
decorative art
هر نوع هنر کاربردی (مثلاً میلمان، سرامیک، شیشه، میناکاری، پارچه، فلزکاری و غیره) وقتی هماهنگ با محیط موجود یا مرتبط با تزئینات داخلی باشد.

هنرهای حجمی
plastic arts
هنرهایی که با ساخت اشیاء سه بعدی مربوط می‌شود، نظیر مجسمه‌سازی و سرامیک‌سازی یا ساخت اشیاء صلب.

هنرهای زیبا
fine art
معماری، مجسمه‌سازی، نقاشی، که در مقابل



پیکره سنگی یاکشی از استوپایی در ماتورا، سده دوم میلادی.

نقاشی‌های منظره‌ای به کار می‌رود که در کارگاه و با استفاده از همان روش نقاشی در فضای باز اجرا شده است.

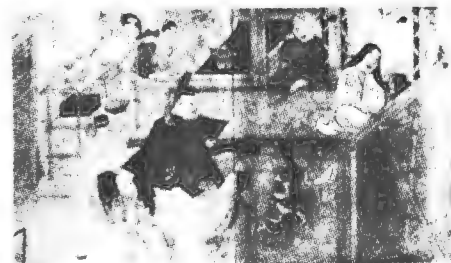
هیاكل كریه (پیکره‌های کالوت)

callot Figures

پیکره‌های عجیب و غریب کوتوله‌ای شکن در آثار زرگری سده هیجدهم و نیز نقوش تزئینی ظروف چینی، مشابه مجموعه آثار چاپی حکاکی ژاک کالوت به نام Varie Figure gobbi که در سال ۱۶۲۲ منتشر شد. اما در حقیقت مبتنی بود بر مجموعه باسمه‌هایی بر اساس طرح‌هایی که ویلهلم کونینگ به تقلید از آثار کالوت تهیه کرده بود و در سال ۱۷۱۶ در آمستردام منتشر شد.

هیروگلیفی (hieroglyphic (GK.)

(بو زبان یونانی به معنی «نقش برجسته مقدس») ۱ - (در مورد نوشتار تصویری مصر باستان) نشانه‌های پیوسته‌ای که نمایانگر یک کلمه یا سیلابی از یک کلمه هستند. (کتاب اصوات*، قباب تزئینی*) ۲ - (با مفهوم عامتر درباره هر نوع بازنمایی) انتقال مفاهیم قدسی با جانشین کردن یک تصویر به جای تصویر دیگر.



یاماتونی: بخشی از نقاشی طوماری دوره کاماکورا سده سیزدهم، که هنرمند را در حین خواندن پیام امپراطور برای خانواده‌اش نشان می‌دهد. به خطوط کناره نمای شکل‌ها و نیز جزئیات بیشمار تصویر که مشخصه این سبک هستند توجه کنید.

یاماتونی (نقاشی ژاپنی) (yamato - e (Jap.)) (در زبان ژاپنی به معنی «نقاشی ژاپنی») سبک نقاشی طبیعت‌گرا و روایی ژاپنی. این سبک زمانی

ی

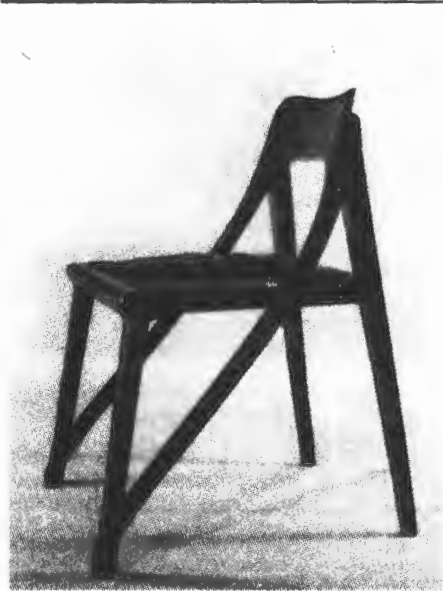
یاکشا (جن طبیعت)

yaksha (Skr.)

روح مردانه طبیعت در اعتقادات هندو که عمدتاً به صورت نقوش مجسمه‌وار در معابد قرار داده می‌شد.

yakshi (Skr.) (پری طبیعت)

روح زنانه طبیعت در اعتقادات هندو، به ویژه مربوط به درختان، تصاویر آنها غالباً در بخش ورودی مکان‌های مقدس قرار داده می‌شد.



صندلی یوگن استیل (سبک جوان) اثر ریچارد رایمر اشمیت، ۱۸۹۹، که طرح آن ساده و فاقد تزئینات اضافی است، چیزی که مشخصه این نسخه از آرت نوو محسوب می‌شود.

که متون دنیوی همچون «افسانه کینجی» (به صورت طوماری) تصویرپردازی شد، ابداع گردید. قبلاً از این روش به فور برای نقاشی منظره استفاده می‌کردند. در این نوع نقاشی ترکیب‌بندی بر اساس خطوط اصلی که با رنگ پر می‌شدند مبتنی بود، و لذا با سبک چینی بسیار تفاوت داشت. بعدها این شیوه در مکتب توسا مجدداً احیاء شد.

یانترا yantra (Skr.)
نوعی نمودار هندسی که عرفای بودایی به هنگام مراقبه برای ایجاد تمرکز حواس به کار می‌بردند. همچنین نگاه کنید به ماندالا. (برای تصویر نگاه کنید به نشان شیوا)

یکدست سازی زمینه toning
در نقاشی رنگ روغن، به روش یکسان سازی زیر طرح تک رنگ اطلاق می‌شود که با افزودن لعاب یا محوسازی انجام می‌شود تا بدین ترتیب پیش از افزودن رنگ موضعی از تأثیر نامطلوب تضادهای شدید تیره‌گی و روشنی جلوگیری شود.

یوکیوئه (نقاشی ژاپنی) ukiyo - e (Jap.)
(در زبان ژاپنی به معنی «تصاویری از دنیای پر



یکی از معروف‌ترین مناظر سبک یوکیوئه، «باران بر پل گاشی نزدیک اتاکا» اثر اوتاگاوا هیروشینگ، ۱۸۵۷.

تحرك) هنر رایج سده‌های هفدهم تا نوزدهم ژاپن که زندگی یوشیوارا (روسپی خانه)، ناحیه ایدو، توکیوی فعلی را، مجسم می‌کند. گیشاها و هنرمندان کابوکی موضوعات مورد علاقه بودند، اما هنرمندان یوکیوئه همچنین مناظر و صحنه‌هایی از دوره‌های تاریخی، افسانه‌ها و حکایت عامیانه را نیز نمایش می‌دادند. چاپ‌تقش قالب چوبی و به صورت رنگی عمده‌ترین ابزار بیان هنری این هنرمندان محسوب می‌شد و از جمله برجسته‌ترین هنرمندان این سبک می‌توان اوتامورو، هوکوسای و هیروشیجی را نام برد.

یوگن استیل Jugendstil (Ger.)
(در زبان آلمانی به معنی «سبک جوان») شکل آلمانی و اطریشی سبک آرت نوو است که عمدتاً با کمی تأخیر زمانی نسبت به ما به ازای فرانسوی و بلژیکی خود ظهور یافت و از نظر سبک هم محدودتر از آنان بود. این نام بر اساس نام مجله‌ای که در سال ۱۸۹۶ در مونیخ تأسیس شد، رایج گردید (مجله Jugend به معنی «جوان») از جمله طراحان مرتبط با این سبک می‌توان هرمان اوبریست و ریچارد ریمر اشمیت در آلمان و یوزف ماریا آلبرش در اطریش را نام برد.

فهرست الفبایی واژه‌های لاتین

Y

- yaksha (SKr.) یاکشا (جن طبیعت)
yakshi (SKr.) یاکشی (پری طبیعت)
yamato - e (Jap.) ... یاماتوئی (نقاشی ژاپنی)
yantra (SKr.) یانترا
yoni (SKr.) نشان باروری

Z

- Zeitgeist روح زمان
zenana (persian) اندرونی (زنانه)
zenga (Jap.) نقاشی زن
Zero Group گروه صفر
ziggurat زیگورات
zoomorphic ornament آذین جانوری
Zwischengoldglas (Ger.) شیشه میان طلا

venetian window پنجره سه چشمه
 veranda, verandah ایوان سراسری
 verdure (Fr.) نقش باغی
 verism واقع‌گرایی محض
 Vermiculation رگچین کرم‌تابی
 vernacular architecture معماری بومی
 vernis Martin لاک الکل مارتین
 verre eglomisé (Fr.) شیشه پشت آذین
 verso پشت صفحه (صفحه سمت راست)
 vesica piscis (Lat.) بیضی تیزه دار
 Vesperbild (Ger.) تصویر غمگانه
 vestibule دهلیز
 vestry ← خزانه کلیسا
 vial شیشه دارو
 video art هنر ویدئویی
 vignette (Fr.) آذین سرفصل
 vihara (SKr.) صومعه بودایی
 Vinget, Les: Les XX گروه بیست
 virtù, virtue ۱ - دست ساخت نفیس، ۲ - بحث هنری
 viteous زجاجی (مربوط به ماهیت شیشه)
 vitruvian scroll طوماری ویتروویوس
 Volto Santo (It.) سردیس مسیح
 volume حجم
 volute طومار سرستونی
 Vorticism ورتیسیسم (گردابی)
 voussoirs (Fr.) قطاع
 vetro di trina تور شیشه‌ای

W

WPA / FAP اداره پیشرفت کار
 Wagon roof بام دلیجان
 wainscot دیواره‌های جداکننده چوبی
 waldglas (Ger.) شیشه سبز
 wall plate تیر سردیوار
 wall rib ← تویزه دیواری
 wampum زنجیره سفید

Wanderers, The نقاشان سیار (آوارگان)
 ward حیاط بیرونی
 warm colour رنگ گرم
 warp تار (چله)
 wash شست آبرنگی
 Washington Color Painters نقاشان رنگ پرداز واشینگتن
 watercolour آبرنگ
 wattle - and - daub مخلوط گل و گجن
 weatherboarding (UK), clapboard بام پوش افقی (UK)
 weepers پیکره‌های سوگواران
 weft بود
 Weltanschauung (Ger.) جهان‌بینی هنری
 west work نمای ورودی کلیسا
 wet plate process, wet collodion روش کلونید مرطوب
 wheel window پنجره چرخه‌ای
 whiplash curve منحنی شلاقی
 white line engraving چاپ‌نقش سفید قلم
 wiener werkstätte (Ger.) کارگاه‌های وین
 window, types of پنجره، انواع
 wood block print چاپ‌نقش قالب چوبی
 wood engraving حکاکی چوبی
 woodburytype چاپ عکاسی
 woodcut چاپ چوبی
 wu t' sai (Chi) چینی پنج رنگ
 Wunderkammer (Ger.) گنجینه هنری

X

x - height ارتفاع حروف کوچک (لاتین)
 xx, les ← گروه بیست
 xylography ← حکاکی چوبی
 xystus (Lat.) رواق باز

toys اسباب بازی
 trabeated پایه و نعل درگاهی
 tracery توری کاری
 Traditio Legis (Lat.) مسیح با فرمان ملکوتی
 trailed رشته آذین
 Transavanguarding فراپیشرو
 transept بازوی عرضی کلیسا
 transfer printing نقاشی انتقالی
 transition (Fr.) انتقالی
 Transitional art هنر بازیافتی
 Transitional style سبک انتقالی
 transom وادار افقی تیر سر
 trecento هنر سده چهاردهم ایتالیا
 Tree of Jesse شجره نامه مسیح
 Tree of life درخت زندگی
 treen وسایل چوبی
 trefoil سه برگی (سه پره)
 tribhanga (SKr.) حالت سه قوسی
 tribune تریبون
 triforium (Lat.) طاقنمای سه چشمه
 triglyph (GK.) سه ترکی
 trilithon درگاه سه خرسنگی
 trimurti (SKr.) تثلیث
 triptych نقاشی سه لته
 triumphal arch طاق نصرت
 trois crayons (Fr.) طراحی سه رنگ
 trompe - L'oeil (Fr.) نقاشی دیده فریب
 trophy نقش و نشان پیروزی
 Troubadour style سبک احیاء گوتیک فرانسوی
 trumeau (Fr.) ۱ - آینه شومینه، ۲ - وادار
 tsuba (Jap.) محافظ خنجر ژاپنی
 tudor تنودوری
 Tudor arch قوس تنودوری
 tumbaga (sp.) همبسته مس طلا
 Tunnel vault طاق تونلی
 türbe (Turkish) تربت (بقعه)
 Turkey work بافته ترکی
 turning خراطی
 turret برجک فوقانی
 twill پارچه جنافی
 tyche حافظ شهر
 tympanum (Lat.) سینۀ سنتوری

typeface حروف چاپی
 typography چاپ آرایه
 typology نوع شناسی

U

Ugly Realism واقعگرایی زشت
 ukiyo - e (Jap.) یوکیوئه (نقاشی ژاپنی)
 uncial خوشنویسی لاتین
 undercroft سرداب
 underglaze زیر لعابی
 unguentarium (Lat.) عطردان رومی
 uniface قالبگیری یکرو
 upper case حروف بزرگ (چاپی)
 ushabti خدمتکار مصری
 Utrecht school مکتب اوترخت

V

Vahana (SKr.) واهانا
 Valori Plastici (It.) ارزش‌های تجسمی
 values ارزش رنگ
 vanishing point نقطه گریز
 vanitas (Lat.) نقاشی یادآور مرگ
 vargueño . bagueño (sp.) نسخه دوم
 variant نسخه دوم
 varnish جلای محافظ
 vault طاق
 vedutisti (It.) طراح نقشه‌نما
 vedutà (It.) منظره نقشه‌نما
 vehicle حلال رنگ
 velatura (It.) لعاب زنی پوششی
 vellum ورق پوستی
 veneer روکش چوبی

Symbolism سمبولیسم
 Synagoga کنیسه
 Synchronism تلفیق‌گری رنگ
 Synthetic Cubism کوبیسم ترکیبی
 Synthetism ترکیب‌گرایی
 systemic painting نقاشی مسلسل

T

tabernacle مکان مقدس
 table نقاشی قابی
 Tachisme شیوه رنگ افشانی (تاشیسم)
 tactile values ارزش بساواپی
 taenia مغزی فرسب
 taille d'épargne ← مینا
 Talbotype تالیوتیپ
 tambour (Fr.) گریو
 tanagra پیکره تانگرا
 tanka تانکا (نقاشی مذهبی تبتی)
 Tantra art (Skr.) هنر تانترا
 t'ao - t'ieh (Chi.) صورتک اژدهانما
 tapa (polynesian) بافته تاپا
 tapestry پارچه‌های دست بافته
 tatami (Jap.) تاتامی (حصیر)
 Tau cross (Gk.) صلیب سه بازو (T شکل)
 tazza (It.) فنجان پایه‌دار
 tear - bottle جام اشک
 tectonic ترکیب‌بندی متمرکز
 telamones (Gk.) ستون مرد پیکره
 temenos (Gk.) محوطه پرستشگاه
 temmoku, tenmoku (Jap.) سفال لعاب خزه‌ای
 tempera (It.) رنگ تمپرا
 tempering ۱ - آمیزش رنگ، ۲ - تابکاری
 Template زیر سری
 template, templet شاولن
 tenebrism تیرگی پردازی
 tenon زبانه
 term, terminal figure پایه پیکر
 terra sigillata (Lat.) سفالینه خاکستری
 terracotta (It.) گل پخته
 terrazzo (It.) موزائیک مرمری
 tertiary colour رنگ مرتبه سوم
 tessellated موزائیک‌کاری مختلط
 tessera (Lar.) مهره موزائیک
 textur بافت
 tholos (Gk.) تولوس
 throwing کوزه‌گری با چرخ
 tie - and - dye رنگ‌رزی تکه‌ای
 tie beam تیرکش
 tierceron توپزه میانی
 Tiger ware سفالینه لعاب پلنگی
 tiki (Maori) تیکی (انسان اولیه مانووی)
 tile - hanging کاشی دیوارپوش
 tin glaze لعاب قلع
 ting (Chi.) تینگ (ظرف مفرغی چینی)
 Ting ware, Ting yao چینی تینگ (چینی عاج‌نما)
 tinsel painting نقاشی براق پشت شیشه
 tint رنگ سفید آمیخته
 tintype عکس قلعی
 toghra (Turkish) طغراء
 togidashi (Jap.) لاک الکل صیقلی
 toil de Jouy (Fr.) پارچه جوی
 tokonoma (Jap.) طاوچه اشیاء نفیس ژاپنی
 tole نقاشی روی فلز
 tonal values ارزش‌های سایه روشن
 tondo نقاشی مدور
 tone سایه رنگ
 toning یکدست‌سازی زمینه
 tooling ابزار کاری
 tooth دندان‌های
 tope ← استوپا
 torana (SKr.) دروازه پرستشگاه بودایی
 toreutic برجسته‌سازی
 torii (Jap.) دروازه معبد شینتو
 torso پیکره میان تنه
 tortillon ← محوکن
 torus (Lat.) هلالی ته ستون
 Tosa school مکتب توسا
 townscape منظره شهری

- souk, suq (Arabic) سوق
- space - frame ساختار فضایی
- spandrel پشت بغل
- Spasimo (It.) عشق مریم عذرا
- spire منار هرمی
- splay حاشیه شیبدار
- spolvero (It.) نقش برداری
- Spozalizio (It.) ازدواج مریم عذرا
- sprezzatura (It.) طرح اولیه
- springer رج پا طاق
- springing line خط پاطاق
- spur marks نشان میله
- squaring for transfer شطرنجی بندی
- squinch سیکنج
- squint مورب
- St Ives painters نقاشان سنت ایو
- stabile پیکره غیر جنبان
- staffage (Fr.) آدمک الحاقی
- stained glass شیشه بند منقوش
- stalactite work مقرنس کاری
- stamnos (GK.) ظرف مخلوط شراب
- stanchion, stancheon .. تیر قائم، پایه فلزی
- stand oil روغن بزرک جوشید
- standard استاندارد
- state مرحله باسمة سازی
- stave church کلیسای چوبی
- steel engraving حکاکی فولاد
- steel facing روکش فولادی
- steeple برج مناره دار
- stela, stela (Gk.) لوح نقش برجسته قائم
- Stellar vault طاق ستاره ای
- stencilling چاپ استنسیل
- stepped pyramid هرم پلکانی
- stereobate پی پابند
- stereometric سه بعدنما
- sterling silver نقره استرلینگ
- Stiff - leaf capital سرستون گل به
- stijl, De (Dutch) داستیل
- stile بانو
- Stile Liberty سبک آزاد
- Still - life طبیعت بیجان
- stilted arch قوس پابند
- stipple print چاپنقش نقطه ای
- stippling پردازن نقطه ای
- stoa (Gk.) رواق یونانی
- stone ware سفالینه نشکن
- stonework, elements of سنگچین، عناصر
- stonework, type of سنگچین، انواع
- stop آبریز
- stopping out عایق کاری (ضد اسید خوردگی)
- storied نقوش روایتی
- Strainer arch قوس تقویتی
- strapwork آذین تسمه ای
- street art هنر خیابانی
- stretcher راسته
- stretcher ۱ و ۲ - کلاف چوبی، ۲ - راسته
- striation آذین شیاری
- striking ضرب
- String Course رگچین قیطانی (← آجرچینی)
- stringing لایه نوار چوبی
- strut بست تقویتی (تو حلقی)
- stucco اندود گچ و آهک
- study مشق هنری
- stump محو کن
- stupa (SKr.) استوپا
- Sturm, Der (Ger.) طوفان
- stylobate صفحه ستون بند
- stylus (Lat.) قلم فولادی
- Sublime, the والایی
- sudrium (Lat.) دستمال ورونیکا
- suiboku (Jap.) سوئی بوکو (نقاشی آب مرکب ژاپنی)
- suite سوئیت (مجموعه)
- Sumerian art هنر سومری
- sumi - e (Jap.) نقاشی سیاه قلم ژاپنی
- Sunday painter نقاش یکشنبه
- Sunk moulding ابزار درزپوش
- Super Realism سوپر رئالیسم
- support سطح کار
- Suprematism (Lat.) سوپره ماتیسیم
- surah (Arabic) سوره
- suri - mono (Jap.) باسمة زرین ژاپنی
- Surrealism سوررئالیسم
- sutra (SKr.) احکام بودا
- suzuribako (Jap.) جعبه تحریر
- Swatow ware ظروف سواتوو

Schwabacher (Ger.)	شوابخر (حروف چاپی)	shingle	لوح پوششی چوبی
scraperboard, scratchboard (Us.)	لیسه زنی	Shingle style	سبک لوح پوششی
screens passage	راهرو جانبی	shishi (Jap.)	شیرسنگ چینی
scriptorium (Lat.)	نوشتار خانه	shoji (Jap.)	در کشویی ژاپنی
sculpt.,- Sction art	هنر کُنشی	Shonsui (Jap.)	چینی اصل ژاپنی
sculpture	مجسمه	shop picture	نقاشی کارگاه استاد
scumbling	ملایم سازی رنگ	shunga (Jap.)	شانگه
sea Piece	← نقاشی دریایی	shuttering	قالب بند بتون
seaweed marquetry	منبت کاری خزه‌ای	siccative	خشکساز
secco (It.), fresco secco (It.)	دیوارنگاری	significant form	شکل هنر آفرینی
Second Empire Style	سبک امپراطوری دوم	silhouette	تصویر سایه‌نما (سیلوهوت)
secondry colour	رنگ‌های ثانوی	silk screen	← چاپ پارچه‌ای
secrétaire (Fr.)	میز تحریر فرانسوی	silver point	قلم نوک ققره
section	مقطع	simultaneity	بازنمایی همزمان
Section d'or (Fr.)	گروه تناسب طلایی	simultaneous representation	بازنمایی چند جانبی
sedilia (Lat.)	نیمکت سنگی	simurgh (Persian)	سیمرغ
Segmental arch	قوس شکسته	singeries	نقوش میمونی
seicento	هنر سده هفدهم ایتالیا	sinking in	افت رنگ
semi - precious stons	سنگ نیمه قیمتی	sinopia	زیر طرح فرسک
Semi - dome	نیم گنبد	Situation Group	گروه موقعیت
sepia	مرکب سپیا	situla (Lat.)	ظرف آیینی رومی
serial imgery	تسلسل تصویریری	size	چسب، آهار
serif	سریف	sketch	اسکس، پیش طرح، طرح سریع
serigraphy	چاپ پارچه‌ای (سریگرافی)	Skew arch	قوس مایل
serliano	پنجره	skyphos (Gk.)	کاسه دسته‌دار یونانی
Seto ware (Jap.)	سفالینه سیتو	skyscraper	آسمانخراش
settecento (Lt.)	هنر سده هجدهم ایتالیا	slip	گیل آب
Severe style	شیوه موقر	soak - stain technique	اسلوب رنگ دوانی
Sezession, Secession (Ger.)	انشعاب	social realism	واقع‌گرایی اجتماعی
sfregazzi	رنگ گذاری انگشتی	Socialist Realism	رنالیسم سوسیالیستی
sfumato (It.)	محو سازی	soffit	سطح داخلی
sgraffito, sgraffiato (It.)	سفالینه مخطط	soft - ground etching	حکاکی اسیدی مبادی
Shaker furniture	میلمان کونیکرها	Soft Style	جامه پردازی نرم
shakti (SKr.)	شاکتی (قوای زنانگی)	soft sculpture	مجسمه نرم
shakudo (Jap.)	شاکودا	solar	اتاق آفتابگیر
shallow space	فضای کم ژرفا	solder	لحیم
shaped canvas	بوم مُشکل	solomonic column ` salomónica	ستون پیچ
sheffield plate	لوح شفیلد	Solto santo	سردیس مسیح
shell keep	باروی محوطه	Sondergotik (Ger.)	گوتیک متأخر آلمانی
Shibayama work	آثار شیبایاما	sopraporta	آزین بالادری
shikkara (SKr.)	معبد کوه مانند	sotto in su (It.)	معلق نمایی

riza (Russian) پوشش شمایل
 rocaille (Fr.) آذین سنگ و صدف
 Rococo (Fr.) روکوکو
 Roll work آذین تسمه‌ای
 Roman Classicism کلاسیک رومی
 Romanesque رومانسک
 Romanists رومی گرایان
 Romanticism رمانتیسیم
 Romaine work تزئینات رومی‌دار
 ronde - bosse (Fr.)

۱ - پیکره همه جانبه ۲ - مینای مرصع

Ronde bosse, en مینای مرصع
 rood تصلیب، صلیب
 rood - beam پایه صلیب
 rood - loft دهلیزی افقی (تصلیب)
 rood - screen پرده تصلیب
 roof, type of بام، انواع
 roof - truss خریای شیروانی
 roof comb نشانه بام
 Rose window پنجره گل رز
 rosette (Fr.) آذین گل‌میخ
 Rosicrucians صلیب گل‌رز
 rotunda (Lat.) گنبد خانه
 roughcast اندود گچ و ماسه
 royal doors درهای سلطنتی
 Rubbed brick آجرچینی
 Rubble masonry سنگچین لاشه سنگی
 rubrication تذهیب سر حروف
 Rubénisme (Fr.) روبنس‌گرایی
 rupestrian نقاشی سنگی
 Rustication سنگچین روستایی

sacristy خزانه کلیسا
 sacrophagus تابوت گورسنگی
 saddle bar وادار افقی
 saddle stone سنگ تاجه
 sadeli (Hindi) سادلی
 saf (Aradic) صف
 sagger, saggarr, seggar جعبه گلی
 Salomónica (sp) ستون پیچ
 Salon (Fr.) سالن
 Salon des Independants (Fr.)

سالن مستقل‌ها

Salon des Refuses' (Fr.) سالن مردودین
 Salon d'Automne (Fr.) سالن پاییزه
 salon painting نقاشی سالنی
 Salon, The (Fr.) سالن (مرکز هنری)
 san - ts'ai (Chi.), sancai (Jap.)

سفالینه سه رنگ چینی

sanctuary محراب (زاویه)
 sand blasting ماسه فشانی، سندبلاست
 sand painting طراحی با ماسه
 sang de boeuf (Fr.) لعاب خون رنگ
 sanguine گچ قرمز
 sans serif san- ts'ai سان سریف
 san - ts'ai, sancai .. سفالینه سه رنگ چینی
 sarpech (persian) سرپیچ
 sash ارسی
 Sash window پنجره ارسی
 Sassanian art هنر ساسانی
 Satsuma (Jap.) سفالینه‌های ساتسومو
 saturation اشباع رنگ
 Sawankhalok سفالینه‌های ساوان کالاک
 Sc., - sculpebat, - scagliola (Lat)

حکاک

scagliola (It.) اندود مرمرنما
 scale مقیاس
 scale ornament پولکی
 Scalloped capital سرستون دالبری (صدفی)
 scarab سوک مقدس مصری
 schema شمای کلی
 Schildersbent گروه نقاشان
 school مکتب
 School of - مکتب
 School of Paris مکتب پاریس

S

S - curve منحنی سینوسی (منحنی زیبایی)
 sabot (Fr.) پایه پنجه‌ای
 Sacra Conversazione (Lt.) مکالمه مقدس
 Sacra Famiglia خانواده مقدس
 sacramentary کتاب شعائر مقدس

quadrature (It.) ... نقاشی پرسپکتیو معماری ...
 quadraturisti (It.) ... نقاش پرسپکتیو معماری ...
 quadriga (Lat.) ... ارابه چهاراسب ...
 Quadripartite vault ... طاق چهار بخشی ...
 quadro riportato (It.) ... تصویر انتقالی ...
 quarry ... جام مربعی ...
 quarry tile ... خشت مربعی ...
 quartering ... روکش قرینه ...
 quarto ... قطع وزیری ...
 quatrefoil ... چهار پره ...
 queen - post roof quattrocento (It.) ...
 هنر سده پانزدهم
 Queen Anne Style ... سبک ملکه آن ...
 Quoins ... سنگچین کُنج ...

R

radiating chapel ... غرفه شعاعی ...
 rafter ... بام الواری شیب‌دار ...
 raga, ragini (Ski.) ... راگا، راگینی ...
 rail ... ۱ - عضو افقی کلاف در ...
 raising ... برجسته کاری ...
 raku (Jap.) ... ظروف لعابی راکو ...
 rayonnant (Fr.) ... گوتیک شعاع سان ...
 Rayonnism (e), Rayonism, Rayism ...
 پرتوگرایی (ریونیسیم)
 ready - made ... آماده‌ها ...
 realism ... واقع گرایی، رئالیسم ...
 rebate, rabbet ... کنش کاو ...
 rebus (Lat.) ... تصویر واژه ...
 recession ... پس نشینی ...
 réchampi (Fr.) ... آذین برجسته ...
 recto, r. ° (Lat.) ... روی صفحه ...
 red - figure ... نقش سرنگون ...
 reducing atmosphere ... اتمسفر اکسیددهنده ...
 reduction ... کوچک‌سازی اثر هنری ...
 reeding ... ابزار نی شکل ...
 reflected colour ... رنگ بازتابی ...
 Régence (Fr.) ... سبک نیابت سلطنت فرانسه ...

Regency ... سبک نیابت سلطنت انگلیس ...
 Regionalism ... مکتب حوزه می‌سی‌سی‌پی ...
 register ... علائم انطباق (چاپ) ...
 relief ... برجسته نمایی، نقش برجسته ...
 relief process ... روش چاپ نقش برجسته ...
 Relieving arch ... قوس دزد ...
 relining ... آستر اندازی بوم ...
 reliquary ... صندوق اشیاء مقدس ...
 Renaissance ... رنسانس ...
 rendering ... ۱ - اندود محافظ، ۲ - اجرای هنری ...
 replica ... اثر تکراری - نسخه تکراری ...
 repousoir (Fr.) ... عنصر چشمگیر ...
 repoussé (Fr.) ... برجسته‌کاری فلزی ...
 representative art ... هنر بازنمایانگر ...
 reproduction ... تکثیر، باز تولید ...
 reredos ... جدار تزئینی محراب ...
 Résille sur verre, en ... (دقیق روی شیشه) ...
 resist ... پوشش محافظ ...
 respond ... ستونک پاتاق ...
 Restauration style (فرانسوی) ... سبک بازگشت (فرانسوی) ...
 Restoration style ... سبک بازگشت (انگلیسی) ...
 retable , ... سازه تزئینی پشت محراب ...
 retable , retable .. سازه تزئینی پشت محراب ...
 retaining wall ... دیوار ضامن ...
 retardant , retarder ... کندسازی ...
 retardataire (Fr.) ... هنر پُسر و ...
 reticulated ... شبکه نما ...
 retinal painting ... ← اوپ آرت ...
 retreating colour ... رنگ پس‌نشین ...
 retro - choir ...
 جایگاه همخوانان پشت محراب
 return ... چرخش ...
 reveal ... نعله (در و پنجره) ...
 reverse ... پشت (سکه یا مدل) ...
 revetment ... پوشش بدنه ...
 rhyton (Gk.) ... جام شاخی ...
 rib ... تویزه طاق ...
 Rib vault ... طاق تویزه ...
 ridge - piece ... کاکل بام ...
 rilievo stacciato , Rilievo schiacciato .
 نقش برجسته مسطح
 rinceau (Fr.) ... آذین برگ و طومار ...
 rise ... ۱ - خیز ۲ - قد پای پلکان ...

- pointing, Pointillism, pointillisme نقطه‌پردازی
- Polonaise carpet فرش لهستانی
- Polygonal masonry سنگ‌چین درهم
- polyphthch نقاشی چندلته
- Pont Aven School مکتب پونت آون
- pontil mark نشان میله شیشه‌گری
- pontil, ponty, punty میله شیشه‌گری
- Pop Art پاپ آرت
- popier mâché (Fr.) .. خمیر کاغذ (پاپیه ماشه)
- porppy - head حقه خشخاشی
- porcelain چینی
- porcelaine de Paris (Fr.) ... چینی پارسیسی
- porch ورودی سرپوشیده
- porte cochère (Fr.) درگاه کالسکه‌رو
- portico رواق
- portrait format قطع پرتره
- positive پوزیتیف، نسخه مثبت
- Poster paint ← گواش
- Post - Impressionism ... پست امپرسیونیسم
- Post - Modern پست مدرن
- Post - Painterly Abstraction انتزاع پسا نقاشانه
- postern در فرعی دروازه
- potiche (Fr.) گلدان گردن باریک
- potlatch جشن هدایا
- pottery سفال
- pouncing گرده برداری
- poupeé, à la (Fr.) چاپ مالشی
- Poussinism, Poussinism پوسن‌گرایی
- prayer rug قالیچه نقش محرابی - جانمازی
- هنر پیش از کلمب (هنر بومیان امریکای شمالی)
- Pre - Columbian (شمالی)
- pre - Raphaelites احیاگران هنر پیش از رافائل
- precious stone سنگ قیمتی
- Precisionist Painters نقاشان صراحتگرا
- predella (It.) نقاشی پامحرابی
- prefabrication پیش ساخته
- Presbytery خدمتگاه کشیشان
- primary colours, primaries رنگ‌های اصلی
- primary structures ساختارهای اولیه
- priming آستر زنی
- primitive بدوی
- Primitivism بدوی‌گرایی
- print ۱ - چاپ‌نقش، چاپ؛ ۲ - اثر چاپی
- Process Art هنر فرایندی
- profil perdu (Fr.) نیمرخ
- profile نیمرخ پنهان
- projection بازنمایی مستوی
- pronaos (Gk.) دهلیز پیش مقصوره
- proof چاپ‌نقش آزمایشی
- proportion تناسب
- propylaeum (Gk.) دروازه ورودی
- prothesis (Gk.) جایگاه اشیاء مقدس
- Proto - Renaissance پیشا رنسانس
- proto - porcelain چینی ابتدایی
- Protome capital سرستون جانوردیس
- provenance تولیدگاه
- prunt آذین حبابی (شیشه‌ای)
- psalter کتاب مزامیر
- psychedelic art هنر توهم‌انگیز
- psykter (Gr.) جام یخ
- Pueblo art هنر پوئبلو
- pugging ورزیدن
- pulvin سرستون بالشتی
- pulvinated برآمده
- Purism نابگرایی
- purlin تیر زیر خواب خرپا
- push and pull putto ... پویایی عمق تصویر
- pylon (Gk.) ۱ - دروازه دو برجی، ۲ - برج دروازه
- pyramid هرم
- pyramidal composition .. ترکیب‌بندی هرمی
- pyx ظرف نان مقدس
- pyxix (Gk.) جام جعبه‌ای شکل (یونانی)
- qible قبله
- quadrangle حیاط چهارضلعی
- quadrant moulding ← ابزار

Paternoster Bead, beading	پایه سُمی شکل
پاتین (پاتین)	جزز
patina	معرق فلورانس
Patroon Painting	سوغواری مریم مقدس
Pattern Painting	رنگدانه
pavilion	ستون چهارگوش توکار
pax (lat.)	میله
Pebbledash	بطری زیارتی
Percylic paint	صومعه زیارتی
pediment	پایه
peintre - doreur (Fr.)	پیلوتی
peintres de la Réalité, les (Fr.)	پیناکوتکا (It.) پیناکوتک (Ger.)
نقاشان حقیقت پرداز	نگارخانه
peinture à la colle	بدل
pele tower	برجک
pelike (Gk.)	پارچه کبریتی
pencil	پاره‌گذاری (پیکه)
pendant (Fr.)	سنگ آب
Pendentive	چینه (گاه‌گلی)
pensiero (It.)	زاویه شیب
pentimento	بام دو شیب تند
Performance Art	سیوی یونانی
pergamene school	نقاشی متافیزیکی
period	نقشه کف
Peristyle (Gk.)	صافکاری
perpendicular style	چاپ مسطح
perron (Fr.)	پلاک
persienne (Fr.)	پلاquette (Fr.)
perspective	۱ - لوح نقش برجسته، ۲ - لوح مینایی
petit feu (Fr.)	اندودگچ
petit feu colours	گچ پاریسی
phiale (Gk.)	هنرهای حجمی
photogram	۱ - سه بعدیت، ۲ - شکل‌پذیری
Photogravure	لوح
photomontage	رَد لوح
piano nobile (It.)	توری کاری راست گوشه
piazza (It.)	معماری پلاتر اسک
pickling	چاپ پلاتینی
picuresque, the	هوای باز
pictograph	میناکاری مستقیم
picture - plane	پا سنگ
picture space	← مینا
piece - goods	کرسی
	پied - de - bich (Fr.)
	pier
	pietre dure (It.)
	pietà (It.)
	pigment
	pilaster
	pile
	pilgrim bottle
	pilgrimage church
	pillar
	pilotis (Fr.)
	Pinacoteca (It.) Pinakothek (Ger.)
	pinchbeck
	pinnacle
	pique (Fr.)
	piqué work (Fr.)
	piscina (Lat.)
	pisé, pisé de terre (Fr.)
	pitch
	Pitches roof
	piithos (Gk.)
	pittura Metafisica (Lt.)
	plan
	planishing
	planography
	plaque
	plaque (Fr.)
	plaster
	Plaster of Paris
	plastic arts
	plasticity
	plate
	plate mark
	Plate tracery
	plateresque
	platinotype
	plein air (Fr.)
	Plein, en
	plinth
	Plique à jour
	podium

orans, orant (Lat.) نیایش
 oratory غرفه نیایش
 orchestra جایگاه ارکستر
 order شیوه
 orders of architecture .. شیوه‌های معماری
 oribe (Jap.) سفالینه اریب
 Oriel پنجره بیرون نشسته
 Lowestoft Oriental
 سرامیک لوستاف شرقی
 Orientation جهت بخشی
 original نسخه اصلی
 ormolu (Fr.) مفرغ زراندود
 Orphism, Orphic Cubism
 اورفیسیم، کوبیسیم اورفیک
 orthogonal قائم
 orthographic projection
 نمای اورتوگرافی
 orthostat سنگچین زیر دیوار
 ossuary استدان
 ostraca (Gk.) پاره سفال
 ottocento (Lt.) هنر سده نوزدهم ایتالیا
 Ottoman هنر عثمانی
 Ottonian هنر اتونی
 oubliette (Fr.) حفره فراموشی
 outline خط مرزی
 overdoor ← آذین بالادری
 overglaze رولعابی
 Ovolo ابزار بیضوی

P

p., - pinx, - pinxit, - pictor (Lat.) ..
 نقاش
 PRB ← اخوت پیش از رافائل
 pedestal پاستون
 pagoda پاگودا
 pagude, Pagoda figure پیکره پاگودا
 painted enamel مینای رنگارنگ
 painterly نقاشانه

pala (d'altare) (It.)
 محجر محراب بزرگ
 palette (Fr.) ۱ - پالت رنگ، ۲ - گزینۀ رنگ
 palissy ware سفالینه پالیسی
 Palladian window پنجره پالادونی
 Palladianism پالادیویی
 palmette (Fr.) آذین برگ نخلی
 pane work قاب‌بند
 panel painting نقاشی روی تخته
 panorama پانوراما (منظره سراسری)
 pantheon(Gk.) ... پرستشگاه خدایان (پانتئون)
 pantiles سفال بام
 pantocrator(Gk.) ... فرمانروای مطلق (مسیح)
 papier collé (Fr.) کاغذ چسب
 papier mâché پایه ماشه
 papyrus پایروس
 Papyrus capital سرستون پایروس
 paradise پردیس
 parapet جان‌پناه
 parcel gilt نیمه مطلا
 parchment کاغذ پوستی
 parecclesion(Gk.) نمازخانه جانبی
 parergon عنصر فرعی
 Parian چینی پاروسی
 parquet پارکت (چوب فرش)
 Paris, School of مکتب پاریس
 parquetry چوب‌فرش
 parvis, parrise (Fr.) پیش محوطه کلیسا
 pashmina پشمینه
 passage پاساژ
 Passion Cycle سلسله مصائب مسیح
 pastel پاستل
 pastiche (Fr.) pasticcio(It) اثر تقلیدی
 pastoral منظره چوپانی
 pastose رنگ آمیزی ضخیم
 pâte de verre (Fr.) خمیر شیشه‌ای
 pâte dure (Fr.) چینی حقیقی
 pâte - sur - pâte (Fr.)
 آذین لایه‌ای
 pâte tender (Fr.) چینی اروپایی
 patent furniture مبلمان انحصاری
 patera آذین بشقابی
 Paternoster ابزار دانه تسبیح پدر بزرگ

Nazarenes ناصریان
 necking گیلویی
 necropolis (Gk.) گورستان عمومی
 edicule جا پیکره دیواری
 Negative نگاتیف (منفی)
 negative volume, negative space
 فضا/یا حجم منفی
 Negoro (jap.) لاک الکل نگرو
 Neo - Attic style سبک نئو آتنی
 Neo - Classicism نئو کلاسیسیسم
 Neo - Dada نئو دادا
 Neo - Expressionism .. نئو اکسپرسیونیسم
 Neo - Gothic ← احیاء گوتیک
 Neo - Impressionism نئو امپرسیونیسم
 Neo - Plasticism (Fr.) ... نئو پلاستیسیسم
 Neo - Romanticism نئو رمانتیسیسم
 netsuke (jap.) گیره نوتسوک
 Neue Sachlichkeit (Ger.)
 عینیت نوین
 Neue Wilden ← نئو اکسپرسیونیسم
 New Brutalismthe زبره کاری نوین
 New Objectivism عینیت نوین
 New Realism رئالیسم نو
 New York School مکتب نیویورک
 nickle silver ورشو
 niello (It.) سیاه قلم روی فلز
 Nihon - ga (Jap.) نقاشی ژاپنی
 nimbus (Lat.) هاله نور
 ninche طاقچه
 nishiki - e (Jap.)
 چاپنقش رنگین ژاپنی
 nocturne (Fr.) صحنه شبانه
 Noli Me Tangere (Lat.)
 به من دست نزن
 non - objective غیر عینی
 Norman Style سبک نورمانی
 Norwich School مکتب نورویچ
 Nouveau Réalisme (Fr.) رئالیسم نو
 novecento هنر سده بیستم ایتالیا
 Novecento Italiano (It.)
 انجمن هنر سده بیستم ایتالیا
 novembergruppe (Ger.) گروه نوامبر
 nuraghe برج غول سنگ

O

obelisk تک ستون هرمی
 object d'art (Fr.) شیء هنری
 object trouvé (Fr.) هنر حاضری
 obverse روی مدال
 octavo قطع رُقمی
 oculus (Lat.) روزن گرد (چشمه)
 odalisque (Fr.) کنیز - زن حرمسرا
 Oeil - de - boeuf .. پنجره مدور (چشم گاو)
 oenochoe (GK.) جام دهان سه پری
 oeuvre (Fr.) مجموعه آثار هنری
 oeuvre catalogue سابقه هنری
 off - stretcher نقاشی چروکیده
 ogee شکل دو خم
 Ogee arch قوس جناغی
 oil paint رنگ روغن
 Old Master آثار استادان کهن
 olla (Lat.) دیگ
 olpe (Gr.) پارچ چرمی
 Omega workshops کارگاه‌های اومگا
 one point perspective .. پرسپکتیو متمرکز
 onion dome گنبد پیازی
 Op Art اوپ آرت
 open form فرم باز
 openwork مشبک کاری
 opisthodomos پشتخان پرستشگاه
 optical correction اصلاح دیدگانی
 optical mixtures آمیزه‌های دیدگانی
 opus Alexandrinum ... سنگچین الکساندری
 opus Anglicanum (Lat.)
 سوزن دوزی انگلیسی
 opus incertum سنگچین نامنظم
 opus quadratum سنگچین مربعی
 opus sectile (Lat.) معرق روکش کاری
 opus vermiculatum (Lat.)
 معرق کاری کرم تاب
 orangery ضیافتگاه کاخ

mihrab (Arabic) محراب (مسجد)
 mille - fleure (Fr.) هزار گل
 millefiore glass (It.) شیشه هزار تکه
 Mimbar, minbar (Arabic) منبر
 minaret مناره
 mina' i (persian) مینایی
 mingei (Jap.) هنر عامیانه ژاپنی
 miniature مینیاتور
 minimal art هنر مینیمال
 Minoan art هنر مینوسی
 Minot Arts, the هنرهای فرعی
 minster صومعه
 Mir Iskusstva دنیای هنر
 misericord
 ۱ - پشتی همخوانان، ۲ - خنجر صاف
 mission furniture میلمان رسولان
 Mixed Media هنر چند رسانه‌ای
 mixed method روکاری رنگ روغن
 mobile پیکره جنبان
 modelling سه بعد نمایی
 modello (It.) مدل
 Modern Style سبک مدرن
 Modernism, Modern Movement
 جنبش مدرن
 modillion سگدست زیر قرنیز
 module مُدول
 Mogul ← هنر
 moiré (Fr.) نقش موج نما
 mokume (Jap.) چوبسان
 mon (Jap.) نشان اختصاصی ژاپنی
 monochrome تک رنگ
 monolith سنگ یکپارچه
 monotype تکچاپ
 monstrance ظرف نان مقدس شفاف
 montage (Fr.) مونتاژ (هم آرایی)
 morbidezza (It.) برهنه‌نمایی دقیق
 mordant ۱ - تثبیت کننده
 moresque تزئینات مغربی
 morse چفت مزین
 mortice - and - tenon, mortise - ...
 and - tenon, joint اتصال کام و زبانه
 mosaic موزائیک (معرق)
 Mosan enamels مینای موزان

motif نقشمایه
 motto - and - bailey کاخ بالای تپه
 moulding ابزار
 Mound Builders, the پشته باستانی
 Mozarabic مستعربی
 ms. mss. mudra (skr.)
 نسخه / نسخ خطی
 mudéjar style (sp.) سبک مُدجنی
 Mughal, Mogul art
 mullion وادار
 multiples کپی (تکثیر)
 Multimedia ← هنر چند رسانه‌ای
 muntin عضو عمودی در
 mural crown تاج بارو شکل
 mural, mural painting
 نقاشی دیواری، دیوار نگاره
 mushrabiyyah (Arabic) شبک
 Musée Imaginary (Fr.) موزه خیالی
 mutule سر تیر بیرون نشسته
 Mycenaen میسن

N

Nabeshima (Jap.) چینی نابشیما
 Nabis (Hebrew) نبی‌ها
 naga (skr.) ناگا (مار خدای هندوی)
 nail head گلمیخ هرمی
 naive art هنر نایف
 namban (jap.) نقاشی از خارجیان
 Nanga school (jap.) مکتب نانگا
 naos (Gk.) ۱ - مقصوره یونانی ۲ - شبستان
 nap پُرن
 narrative painting نقاشی روایی
 narthex (Gk.) پیش شبستان
 nashiji (jap.) لاک الکل مطلا (ژاپنی)
 naturalism ۱ - ناتورالیسم، ۲ - طبیعت‌گرایی
 nature morte طبیعت بیجان
 nave شبستان
 Navicella (It.) کشتی حواریون

M

- macchiaioli (It.) گروه ماکئیائولی
- machicolation تیرکش دروازه قلعه
- macramé مکرومه
- maculature چاپنقش مجدد
- Madonna della مریم مشفق
- Madonna della Misericordia (It.)
مریم مشفق
- Madonna of Humility مریم خاک نشین
- madrasah ← مدرسه
- Maestà (It.) ملکه ملکوت و کودک
- Magic Realism رئالیسم جادویی
- magot (Fr.) نقوش بد منظر
- mahlstick چوب تکیه دست
- Majesty سرور ملکوت
- majolica, maiolica (It.)
سفال مایولیکا (سفالینه لعاب قلع)
- maki - e (Jap.) تزئین پودری
- makimono, emaki - mono (Jap.)
طومار افقی
- malerisch ← نقاشانه
- Man of Sorrows مرد مصایب
- mana (Tahitian) مانا
- mandala (SKr.) ... ماندالا (نمودار عالم وجود)
- mandapa (SKr.) تالار معبد هندو
- mandorla (It.) هاله بادامی شکل
- maniere criblée (Fr.) چاپنقش سرنندی
- manner of - به تقلید از
- Mannerism منریسم
- Mansard roof
بام مانسارد، چهار ترک کمرشکن
- mansard style سبک مانسارد
- Manueline سبک مانوئل
- Mappa Mundi (Lat.) جهان نمای مستوی
- maquette (Fr.) ماکت
- marched - mercier (Fr.) عتیقه فروش
- marine painting نقاشی دریایی
- marouflage (Fr.) بوم چسبان
- marquetry منبت کاری
- mascaron, mascaroon صورتک مهیب
- mask صورتک
- mastaba (arabic) مصطبه، سکو
- master ← صنف
- Master of - استاد
- masterpiece شاهکار
- mastos (GK.) فنجان بی پایه
- Mater Dolorosa (Lat.) مصائب مریم مقدس
- Mater Misericordiae ← مریم مشفق
- mathematical tiles کاشی آجرنما
- matière (Fr.) ماده اثر هنری
- matrix ← حکاکی گورد
- mausoleum مقبره - مرقد
- meander Pattern ← زنجیره یونانی
- mechanical Furniture ← مبلمان انحصاری
- Mdvancing colour رنگ پیش نشین
- medal مدال
- medalet مدال کوچک
- medallion ترنج
- medium واسط
- medrese, madrasah (Arabic) مدرسه
- megalith خرسنگ
- megalithic بنای خرسنگی
- megaron بنای مستطیل ستون دار
- memento mori (Lat.) نقاشی گذر عمر
- menhir ستون خرسنگی، من هیر
- menologium, menology تذکره قدیسین
- menorah (Hebrew) چراغ هفت شمع
- menuisier (Fr.) مبلمان ساز
- merlons (Fr.) شرفه
- Merz میرتز
- metal cut حکاکی فلز
- metal point نوک فلزی
- metope (GK.) چهارگوش افریز
- Metaphysical Painting
← نقاشی متافیزیکی
- métier مهارت هنری
- mezzanine میان اشکوب
- Mezzo rilievo نقش نیم برجسته
- mezzotint (It.) چاپ سایه روشن
- Migration Period art هنر دوره مهاجرت

kylin (Chi) اژدهای چینی
 kylix (Gk.) آبخوری دو دسته پایه‌دار

L

lable – stop label
 lable, Lable moulding طومار نوشته
 Labours of the Months گانه کارهای دوازده گانه
 lac burgaute (Fr.) لاک صدفی
 lacertine ← نقشبافته جانوری
 lacquer لاک الکل
 lacunar قاب بندی گود
 Lady chapel غرفه نیایش مریم مقدس
 lajvardina ware ظروف لاجوردین
 lambrequin (Fr.) حاشیه دالبر
 Lampas پارچه ابریشمی گلدار
 lanceolate سرنیزه‌ای
 Lancet windoe پنجره سر نيزه‌ای
 landscape format قطع منظره
 Lantern برجک نورگیر
 lanx (Lat.) بشقاب مستطیلی
 latent image تصویر فانوسی
 Latin cross چلیپای لاتین
 Latten هفتجوش
 lattice شبکه
 latticino latticinio شیشه نقش رشته‌ای
 Lattimo شیشه شیرری رنگ
 Lavor di basso rilievo برجسته کاری کم عمق
 lay figure آدمک مفصلی
 lay - in ← رنگ آسترری
 laying in آستر زنی بوم
 layout صفحه آرایبی
 lead glass شیشه سربی
 leaded glazing, leaded lights شیشه‌بندی سربی
 lebes (Gk.) دیگ بی‌دسته
 lekane, lekanis (GK.) سبوی دو دسته یونانی

Lekythos سبوی یک دسته یونانی
 Lettrism(e) lettre bâtarde (GK.)
 حروف ابتر
 Liberty style ← استیل لیبرتی
 lich, lych gate دروازه سرپوشیده
 Lierne vault طاق و تویزه تزئینی
 life drawing طراحی از مدل زنده
 light پنجره‌بند، نورگیر
 limner تذهیبکار
 line engraving کنده‌کاری خطی
 linear perspective پرسپکتیو خطی
 linearity اصالت خط
 linenfold چین پرده‌ای
 linga, lingam (SKr.) نشان شیوا (لینگا)
 linocut باسمة لینولئومی
 lintel نعل درگاهی
 Listel ← ابزار چهارگوش
 lithography لیتوگرافی، چاپ سنگی
 Little Masters استادان آثار کوچک
 Living Sculpture ← نقاشی با اندام
 Loaded brush ← رنگ ضخیم
 Lobate style ← سبک لاله گوش
 local colour رنگ موضعی
 lohan (Ehi.) جاودانگی بودا
 long house خانه کشیده
 Lotto rug قالیچه لوتو
 Louis Philippe style سبک لوئی فیلیپ
 Louis XIV style سبک لوئی چهاردهم
 Louis XV style سبک لوئی پانزدهم
 Louis XVI style سبک لوئی شانزدهم
 loutrophoros (GK.) آبدان آئینی
 Louves (Fr.) کرکره
 low – fired دمای پخت پایین
 lower – Case حروف کوچک (چاپی)
 Low warp ← پارچه تار کوتاه
 Lowestoft Oriental سرامیک لواستاف شرقی
 lucarne (Fr.) پنجره مناره
 lug handles دستگیره برآمده
 Luminism روشن نمایی، لومینیسیم
 lunette (Fr.) قاب نیم‌دایره (ماهک)
 lustre درخشنده، براق
 luting چسب‌زنی سفالینه
 Lyrical Abstraction انتزاع تغزلی

J

Jack of Diamond سرباز خشت
 Jacobean Style سبک ژاکوبی
 Jacobethan سبک مختلط ژاکوبی - الیزابتی
 jamb لغاز
 jamb figure پیکره لغاز
 Japanned work لاک الکل تقلیدی (ژاپنی)
 japonaiserie (Fr.) ژاپنی وار
 Japonisme (Fr.) ژاپنی گرایی
 Jashington olor ainters
 Jazz Modern جاز نوین
 Jesse window پنجره نقش شجره‌ای
 Jesuit porcelain چینی ژوئیستی
 Jetty اسکله پیش نشستگی
 jib door, gib door در بی کلاف
 joinery درودگری ساختمان
 journeyman هنرمند روزکار
 Ju ware سفالینه جو
 jubé پرده نیایش
 Jugendstil (Ger.) یوگن استیل
 junk Sculpture
 پیکره‌سازی آخال، مجسمه‌سازی قراضه بند

K

kachina - doll عروسک کاجینا
 kakemono (Jap.) طومار آویخته
 Kakiemon (Jap.) کاکیمون (چینی ژاپنی)
 kalathos ۱- گلدانی سرستونی ۲- جام آبخوری
 Kalighat painting نقاشی کالیگت
 kalpis ← کوزه سه دسته یونانی
 kaltemail (Ger.) مینای سرد
 Kamares ware سفالینه کامارس

Kangra School مکتب کانگرا
 Kano School مکتب کانو
 Kantharos جام دو دسته یونانی
 Kara - e (Jap.) نقاشی به سبک چینی
 Keelarch قوس خوابیده
 Keep برج دفاعی - برج قلعه
 Kendi (Persian) کندی
 Key مایه رنگ
 kay patern ← زنجیره یونانی
 Keystone تاج قوس
 Khan (Arabic) خان، کاروانسرا
 Kilim گلیم
 Kinaesthetic art هنر حواس‌انگیز
 Kincob خیمکا
 Kinetic art هنر جنبشی
 King - post roof بام عصا
 Kiosk کوشک
 Kirigane (Jap.) طلاپوش
 Kirin اژدهای ژاپنی
 Kit - cat قطع کیتکت (بالاتنه)
 Kitchen Sink School مکتب ظرفشویی
 kitsch (Ger.) هنر بنجل
 knock - down furniture
 مبلمان قابل مونتاژ
 knop (Dutch) آئین قبه‌ای
 kokutani ← چینی کاتانی
 koftgari (Jap.) کوفته‌گری
 koine (Gk.) ویژگی سبکی
 kondo (Jap.) تالار پرستشگاه ژاپنی
 kore (Gk.) پیکره دختر یونانی
 kouros (Gk.) پیکره پسر یونانی (کوروس)
 kotuyle فنجان دو دسته یونانی
 Korin School (Jap.) مکتب کورین
 kraak porcelain (Dutch)
 چینی کراک
 krater (Gk.) آبدان دو دسته
 Kufic, Cufic کوفی
 külliye (Turkish) کولیه
 Kunstammer (Ger.) مجموع نقایس هنری
 Kunstwollen (Ger.) هدف هنری
 kutani (Jap.) چینی کاتانی
 Kütahya (Turkish) کاشی کورتاهیه
 kyathos (Gk.) ملاقه دسته حلقوی

Holbein rugs کلیم هولبین
 hollow - ware ظرف گود
 holography چاپ برجسته کار (هولوگرافی)
 Holy Family ← خانواده مقدس
 hor commerce (Fr.) غیر قابل فروش
 horizon - line خط افق
 Horseshoe arch قوس نعل اسبی
 Hortus Conclusus (Lat) مریم عذرا و کودک در باغ
 Hudson River School مکتب رودخانه هاتسون
 hue رنگمایه
 Huguenot silver نقره اوگنوی
 hydria کوزه سه دسته یونانی
 Hyper Realism ← سوپر رئالیسم
 hypocaust کوره گرم خانه خانگری
 hypogaeum (Lat.) زیر سازه، دخمه
 hypostyle hall تالار چهل ستون - تالار پرستون

I

icon شمایل
 Iconoclast art هنر غیر شماییلی
 iconography شمایل سازی
 iconology شمایل شناسی
 iconostasis (GK.) پرده شماییلی
 idea art ← هنر مفهومی
 Ideal, the زیبایی آرمانی
 ignudo (It.) تصویر برهنه مرد
 ikat, ilkhat (Malay) ایکات
 illumination تذهیب کاری
 illusionism ژرفا نمایی
 Imago pietatis (Lat.) تصویر آرمانی
 Imari (Jap.) چینی ایاماری (چینی پر نقش ژاپنی)

imbricated سفال چینی
 imp چاپگر
 impasto (It.) رنگ ضخیم
 impost پاکار قوس
 impost block سنگ پاکار قوس
 Impost capital سرستون پاکارطاق
 impresa (It.) نشان اعتبار
 impression چاپ نقش، چاپ
 Impressionism امپرسیونیسم
 Imprimitura (It.) لعاب زنی بوم
 incisor, - incidit, - Inc., - incid. (Lat.) حکاک لوح
 incunabla (Lat.) چاپ های کمیاب قدیمی
 Independent Group گروه مستقل
 Indes (Fr.) منفردان
 Individualists طراحی صنعتی
 industrial design خاتمکاری
 inlay خورجین ژاپنی (اینرو)
 inro (Jap.) رنگپاشی فوتی
 insufflation حکاک گود، گودکنی
 intaglio چاپ گود
 intaglio printing خاتمکاری فرنگی
 intarsia (It.) دهانه دو ستون
 Inter Columniation نقش درهم
 interlace گوتیک بین المللی
 International Gothic International Modern

← سبک بین المللی

International Style سبک بین المللی
 intimisme (Fr.) نقاشی صحنه های خانگی
 intonaco (It.) آستر فرسک
 intrados (Fr.) درونسو
 in _inv_ _invent_ _inventor (Lat.) طراح
 Isnik سفالینه ایزنیک ترکیه
 isoccephaly تنظیم سر راست هیاکل
 Isometric projection نمای ایزومتریک (← بازنمایی مستوی)
 istoriato (It.) ظروف نقش قدیمی
 Italianate ایتالیایی وار
 (It.) محجر محراب بزرگ
 Italianate style سبک ایتالیایی وار
 italic لاتین وار، ایتالیک
 iwan (Arabic) ایوان

کلیسای ارتودوکس یونانی
 Greek Revival احیاء هنر یونان
 Greek cross چلیپای یونانی
 Greek key pattern زنجیره یونانی
 Greek vases ظروف یونانی
 grès سفالینه سخت
 Grisaille مینای خاکستری
 grisaille نقاشی خاکستری
 groin تویزه
 Groin vault طاق و تویزه
 grotesque گروتسک
 grove – and – tongue or nament
 تزئینات فاق و زبانه
 ground زمینه
 ground – line خط زمین
 ground – plane شکل – زمینه
 Group de Recherch d' Art
 Visuel (GRAV) گروه تحقیق در هنر تجسمی
 guéridon (Fr.) گوریدون
 guild صنف
 guilloche (Fr.) پیچ زیر و رو
 guri (Jap.) گوری
 Gutai Group (Jap.) گروه گوتایی
 gutta ۱ - ظرف قطره اشکی، ۲ - آبچکان
 gutta – percha قندران

H

haboku (Jap.) نقاشی هابوکو
 Hague School مکتب لاهه
 ha - ha هاها
 Hairy Who پشمالو
 half - length نیم قد
 half – timbering معماری نیمه الواری
 halftone چاپ ترامدار
 Hallenkirch (Ger.) کلیسای تک سقف
 hallmark علامت ساخت
 halo (← هاله نور)
 hamam, hammam (Arabic) حمام

Hammer - beam roof بام تیره طره
 haniwa (Jop) تصویر گلی
 happening هپنینگ (حادثه هنری، پیشامد)
 hard – edge painting نقاشی خط بر
 hard paste ← چینی حقیقی
 harmonic proportions تناسبات هماهنگ
 Harrowing of Hel هبوط به جهنم
 hatching هاشور زنی
 haunch شاخه قوس
 Hausmalerei (Ger.) نقاشی خانگی
 haut, e lisse (Fr.) پارچه تار بلند، ورد بلند
 Header کله آجر
 helix طوماری قرنطی
 Helladic هنر دوره مفرغ یونان
 Hellenic دوره آهن یونان
 Hellenistic هلنی
 herm پیکر پایه
 Helm roof بام هرمی
 heroic حماسی
 Herringbone work رگچین خارماهی
 hieratic کاهنی
 hieroglyphic (GK.) هیروگلیفی
 high altar محراب اصلی
 high art هنر متعالی
 high fired دمای پخت بالا
 highhigh پرنور، درخشان
 High Renaissance رنسانس متعالی
 high warp (← پارچه تار بلند)
 hip ستیغ بام
 hipped gable سنتوری مایل
 Hipped roof بام چند کله
 hippodrome میدان اسبدوانی
 Hirado چینی هیرادوی ژاپنی
 Hispano – Moresque اسپانیایی مغربی
 historiated initials سر حرف مزین
 historicism تاریخیگری
 history painting نقاشی تاریخی
 ho – ho bird منقار کلنگی
 Hochschnitt (Ger.) نقش اندازی شیشه
 Hodgetaira کاهنی
 hog – backed بام برآمده

Fraktur فراکتور (حروف چاپی)
 frame construction ساختار قفس بست
 free from شکل آزاد
 freestone سنگ راحت تراش
 French window پنجره فرانسوی
 fresco فرسک
 fret زنجیره هندسی
 frieze افریز
 friggers شیشه‌گری تفنی
 frit خمیر شیشه‌گری
 frontality رویارویی
 frontispiece
 ۱ - سرلوح کتاب، ۲ - سر در ساختمان سنتوری
 fronton (Fr.) بالای پنجره
 frottage (Fr.) نقش مداد سابی
 frottie لایه رقیق رنگ، آستر زنی رقیق
 fugitive colours رنگ فزّار
 functionalism کارکرد گرایی
 funkart هنر متعفن
 fusuma (Jap) در کشویی
 Futurism فوتوریسم

G

gable شیروانی، سنتوری
 gadrooning آذین دالیر
 galilee رواق جلوخان کلیسا
 gallery گالری (راهرو، نگارخانه)
 Gambrel roof بام شیروانی کمرشکن
 gargoyle دهان اژدر
 garniture de cheminée (Fr.) آذین دودکش
 garzone (It.) نوآموز نقاشی
 gauffering تزئین فرورفته
 Gauged brickwork آجر پرداخت شده (← آجرچینی)
 gazebo کلاه فرنگی
 gelatin print چاپ ژلاتینی
 gemstone سنگ جواهر
 genre (Fr.) ژانر - گونه

geodesic dome گنبد نیم کره‌ای
 Geometric art هنر هندسی
 Georgian style هنر جورجی
 Gesamtkunstwerk (Ger.) کلیت اثر هنری
 gesso (It.) گچ بوم
 Gestalt (Ger.) گشتالت
 gestural painting نقاشی رفتارنما
 ghat (Hindi) پلکان رو به ساحل
 giant column, giant pilaster غول ستون
 giant order شیوه‌های معماری
 girandole (Fr.) سگدست فانوس
 gisant (Fr.) پیکره روی تابوت
 glair چسب طلاکوب
 Glasgow School مکتب گلاسکو
 glass شیشه
 glaze لعاب
 glazing bar زوار
 glory هاله تقدس
 gloss جلا
 glyptic تراک
 Gobelins گوبلن
 gold ground نقاشی زمینه طلا
 golden section تقسیمات طلایی
 Good Shepherd چوپان نیکوکار
 gopuran, gopuram (Tamil)
 دروازه پرستشگاه هندویی
 gorgoneion (Gk.) سردیس گورگون
 Gospel book (← کتاب بشارت‌ها)
 Gothic گوتیک
 Gothic cathedral کاتدرال گوتیک
 Gothic Revival احیاء گوتیک
 gouache (Fr.) گواش
 graffiti (It) گرافیتی، خط خطی
 graffito (It.) نقوش مخطط
 grand feu (Fr.) حرارت بالا
 Grand Manner شیوه گرانمایه
 Grand Rapids گراند راپیدز
 grand tour سیاحت بزرگ
 granulation ریزبافت
 graphic art هنر ترسیمی
 graphics گرافیک
 gravure گراوور
 Greek Orthodox church
 کلیسای ارتدوکس یونانی

- Facsimile نسخه‌های بدل
 Factice (Fr.) Fattura (It) اجرای هنر
 faience بدل چینی
 fake اثر تقلبی
 fall front ← کمد صفحه‌دار
 famille jaune, noire, rose and verte ...
 (Fr.) سرامیک‌های رنگ لعابی
 Fan vault طاق بادبزی
 fancy picture تصویر چشم نواز
 fanlight خفنگ
 Fantastic Realism واقع‌گرایی تخیلی
 fasces (Lat.) نشان کنسولی
 fascia, facia لب بند
 fâte champêtre (Fr.) بزم باغی
 fat over lean قانون چرب روی خشک
 Fauves (Fr.) فوویسم
 Favrite glass شیشه حرفه‌ای
 Fayum, Faiyum portraits
 تک چهره‌های فیوم
 feathered, feather edged, ornament ..
 تزئینات برگی
 Federal style سبک فدرال
 fenestration پنجره بندی
 ferro – concrete بتون مسلح
 Festival Cycle سلسله جشن‌ها
 festoon ریسه گل - دسته گل
 fetish بت
 fettling آستر کاری
 feuille de chou (Fr.) آذین برگی
 Fibula (Lat) قلاب جامه
 fictile سفالین
 fictive sculpture نقش پیکره‌نما
 field panel قاب محصور
 figurative art هنر تصویری (فیکوراتیو)
 figure painting نقاشی پیکره
 figure – ground relationship
 ارتباط شکل زمینه
 figured نقش تصویری
 filigree ملیله کاری
 filler کدرسان، پرکننده
 fillet ابزار چهار گوش
 Filligree enamel مینا ملیله کاری
 fin de siècle (Fr.) پایان قرن
- fine art هنرهای زیبا
 finial سرمناره
 firing پخت
 fixative مایع ثبوت
 fixed oils روغن‌های خشک کننده
 fl. (Fr.) دوره فعالیت هنری
 Flamboyant style (Fr.)
 گوتیک شعله‌سان
 flambé شعله‌سان
 flashed glass شیشه دو لایه
 flashing درزگیری
 flatware ظرف پهن
 Flemish bond فلاندری
 flint glass شیشه سنگ چخماق
 flock printing چاپ مخملی
 Flush bead ابزار تسبیح تراز
 fluting ابزار قاشقی
 flux گداز آور
 Fluxes (Lat) فلوکسوس (جنبش سیلابی)
 flying buttres پشتبند معلق (شمشیری)
 flying facade نمای اوج کشیده
 focal point نقطه کانونی
 foil برگ، پره
 foliation تزئین برگی
 folio ۱ - قطع رحلی، ۲ - برگ کتاب
 folk art هنر عامیانه
 follower of - ' پیرو
 folly معماری تزئینی باغی
 fondamenta (It.) خاکرین
 Fontainebleau School مکتب فونتن بلو
 Footing رگچین پی‌دیوار
 fore – edge, foreedge painting
 نقاشی حاشیه‌ای
 foreshortening کوتاه‌نمایی
 foring لک‌نمور
 Form فرم
 Formalism فرمالیسم
 format قطع (کتاب، بوم، کاغذ)
 formeret تویزه دیواری
 forum فروم، میدان عمومی
 fount فونت، یک دست حروف چاپی
 Four centred arch طاق چهار مرکزی
 fractur هنر فراکتور

ekistics (Fr.) علم اسکان
 ekphrasis (Gk.) توصیف هنری
 electroplating آبکاری برقی
 electrotype الکتروتایپ
 electrum الکتروم، طلای نقره‌دار
 Elementarism عنصر گرایی
 elevation نقشه نما
 Elizabethan هنر عصر الیزابت
 ell (us) طبقه‌الحاقی
 émail brun (Fr.) مینای قهوه‌ای
 emaki - mono طومار افقی
 emblem مهر رمزی
 emblema (Gk.)
 ۱ - نقش معرق، ۲ - نقش تمثیلی
 embossing گوژکاری
 embrasure روزنه
 embroidery قلابدوزی، سوزن دوزی
 emballage (Fr.) پیچاندنی
 empathy همدلی
 Empire style سبک امپراطوری ناپلئون
 emulsion تعلیق
 enamel مینا
 enamel colours رنگ‌های مینایی (لعابی)
 encaustic رنگ مومی
 encaustic tiles کاشی منقور دو رنگ
 enceinte باروی قلعه
 encrusted ترصیع
 end - grain برش عرضی چوب
 Engrusted enamel مینای ترصیع
 enfilade (Fr.) ردیف در
 engine - turned decoration
 تزئینات ماشینی
 English bond یک سر یک بر
 engobe (Fr.) گل آب سفال
 engraving, engrailed کنده‌کاری
 entablature پیشانی
 Entartete Kunst (Ger) هنر منحط
 Entasis تحذب میله ستون
 entasis (Fr.) تحذب میله ستون
 entrelacs (Fr.) نقش درهم تابیده
 entresol (Fr.) میان اشکوبه کف
 environment environmental art
 هنر محیطی

epinaos ` opisthodomos
 پیشخان پرستشگاه
 epitaphion (Gk.) پارچهٔ عید پاک
 épreuve d'artister
 چاپنقش اختصاصی طراح
 épreuve sur chine (Fr.)
 چاپنقش کاغذ چینی
 épreuve sur japon چاپنقش کاغذ ژاپنی
 Equilateral arch قوس پاتوپا
 escallop آذین صدفی
 escutcheon سپر نشان‌دار
 espagnolette (Fr.) اسپانولت
 esquisse اسکیس
 estampille (Fr.) مهر اختصاصی
 Estipite (sp) ستون شیپوری
 etching چاپ اسیدی
 Etruscan art هنر اتروریایی (اتروسک)
 Euston Road School
 مکتب خیابان یوستون
 evangeliary کتاب بشارت‌ها
 ex - voto (Lat.) اثر نذری
 - exc., - excud., - excudit (Lat) چاپگر
 exedra (Lat.) سکوی نشیمن
 exergue (Fr.) کتیبهٔ مدال
 exonarthex ← پیش شبستان
 Expressionism اکسپرسیونیسم
 extrado
 ex - voto (Lat) اثر نذری
 eye level تراز چشم ناظر - تراز دید
 eye - catcher بنای چشم‌انداز

F

f قطع رحلی
 ۱ - به سفارش، ۲ - قطع رحلی. (Lat) - f.f., f.f.
 باسمه ساز. (Lat) - f., - fe., - fec., - fecit
 facade نمای پیشین
 face painting چهره‌گشا
 facon de venise (Fr.) شیوه ونیزی

diorama دیوراما.
 diptych نقاشی دولته.
 Direct art هنر مستقیم.
 Directoire style سبک دایرکتوار.
 discharge printing چاپ رنگزدایی.
 Discharging arch قوس جهازه.
 disegon (Lt.) انگاره هنری.
 distemper رنگ لعابی.
 Divisionism پرداز رنگ.
 diwan – i – Khas (Per) دیوان خاص.
 diwan – i – am (Per) دیوان عام.
 doctors of the Church حکمای کلیسا.
 dog of fo شیر سگ بودایی.
 dog – tooth آذین دندان سگ (ابزار چهاربرگ).
 dolmen دلمن (← مقبره خرسنگی).
 dome گنبد.
 Domical vault طاق گنبدی.
 Donkey's tail دم الاغ.
 donor هبه کننده.
 doom روز محشر.
 door, parts of در، قسمت‌های مختلف در.
 Dormer window پنجره شیروانی.
 dormition (Lat) خواب ابدی.
 dossier (Fr.) سرستون الحاقی.
 dotted print چاپ‌نقش نقطه‌چین.
 dragging جلوه منقطع.
 drapery جامه پردازی.
 drapery man دستیار نقاش.
 dravid' ha (skr.) پرستشگاه هشت گوش.
 drawing ترسیم، طراحی.
 dressed stone ← سنگچین.
 Dressings (← سنگچین) سنگ تمام تراش.
 drip painting نقاشی قطره‌ای.
 Drip – mould, drip – stone آبچکان.
 drôlerie (Fr.), drollery نقوش تفننی.
 drop tracery توری کاری قوس آویز.
 Drop – leaf front کمد صفحه‌دار.
 Dropped arch قوس کند.
 drum ساقه (ستون یا گنبد).
 dry brush painting نقاشی قلم خشک.
 dry plate process, gelatin dry plate ..
 process روش لوح خشک.
 dry – point قلم سوزنی.

drying oils روغن خشک ساز.
 duecento, dugento (It.) هنر سده سیزدهم.
 dun دژ.
 duomo (It.) نیایشگاه ایتالیایی.
 durbar, darbar (Fer.) دربار.
 Dutch gable شیروانی تند.
 dwarf gallery راهروی کوتاه.
 dymaxion دیماکسیون.

E

Early English کوتیک متقدم انگلیسی.
 Early christian art هنر صدر مسیحیت.
 Earth Art هنر خاکی.
 earth colours رنگ‌های خاکی.
 earthenware easel picture سفالینه.
 Easter Sepulcher
 نقش برجسته رستاخیز مسیح.
 ébéniste (Fr.) آبنوس کار.
 Ecclesia (Lat.) تمثیل کلیسا.
 Ecco Homo (Lat.) مسیح با تاج خار.
 Ecclesia (Lat.) کلیسا.
 echinus (Lat.) بالشتکی.
 eclectic التقاطی.
 École de paris (Fr.) مکتب پاریس.
 Ecological Art هنر زیست محیطی.
 écorché (Fr.) تصویر تشریح.
 edition نسخه.
 editioning نسخه سازی.
 effigy vessel صورت برجسته.
 Egg – and – dart (tongue)
 بیضه پیکانی (← ابزار).
 eggshell procelain چینی پوست تخم مرغی.
 églomisé ← شیشه پشت آذین.
 Egyptian hall تالار دو ردیف ستون.
 Egyptian taste سلیقه مصری.
 Eight, the گروه هشت.
 Einget, es: es گروه بیست.
 Einzelkunst (Ger) هنر مفردات.

- cresting آذین کاکلی
 Crewel – work قلابدوزی درشت
 criselling ترک خوردگی تار عنکبوتی
 crocket جوانه‌ای
 cromlech مقبره خرسنگی
 cross window cross - vault طاق متقاطع
 crossing تقاطع گاه کلیسا
 crown کاکل
 crown glass شیشه‌ی حیابی
 crowstep شیب بام
 crucks الوار قوسی
 crypt سرداب کلیسا
 crystals کریستال
 Cubism کوبیسم
 Cubism کوبیسم
 Cubo- Futurism ← فتوریسم
 cuerde seca (Sp.) ریسمان خشک
 cul de lamp (Fr.) ۱- پایه‌ی زیر چراغ، ۲- آذین چاپی
 cupola قبه
 cursive تحریری
 curtain wall دیوار جداگر
 Cushion capital سرستون بالشتی
 cusp تیزه - جناغ
 cut – card ornament آذین برشی
 cybernetic art هنر خودکار
 Cycladic art هنر جزایر سیکلاد
 cyclopean masonry معماری گول سنگی
 cyma recta, cyma reversa (Gk.) ابزار موجی قائم/معکوس
 Cyma recta, Cyma reversa (Gk.) موجی افتاده، موجی جمع
 cymatium (Lat.) رخیام
- D**
- Dada دادا
 dado (Lt.) ازاره
 Daedalic style سبک ددالوس
- daguerrotype, daguerreotype عکاسی جیوه‌ای (داگروتیپ)
 damascening زرکوبی روی آهن، آهن زرکوب (دمشقی)
 damask بافت تک رنگ
 Dance of Death رقص مرگ
 Dantesque style معماری دانته وار
 Danube School مکتب دانوب
 dead colour رنگ آستر
 design طرح
 Decadent Movement جنبش انحطاط طلبی
 decalcamania عکس برگردان
 deckle edge لبه‌ی ناصاف
 décollage (Fr.) پاره چسبانی (دیکلاژ)
 découpage (Fr.) تکه‌بری
 Decorated style گوتیک مزین
 decorative art هنرهای تزئینی
 degenemte art هنر منحنی
 deësis (Gk.) مسیح در میان مریم عذرا و یحیی مُعمد
 deinos, dinos (Gk.) نگاره پرداز
 – del و – delin سفالینه‌ی دلفتی (هلندی)
 Delft نیمستون
 Demi – Column هلال نیم دایره
 demilune (Fr.) زنجیره‌ی دندانان دار
 dentils (Fr.) قوس فرو نشسته
 Depressed arch ژرفا
 depth descender
 دنباله‌ی زیرین، نزولی (در حروف لاتین)
 desco da parto (It.) سینی تولد
 design طرح
 Deutscher werkbund (Ger) ورکبوند آلمان
 device علامت (امضای هنرمند)
 dhurrie, dhurry (Fr.) زیلو
 diaconicon (Gk.) خزانه کلیسا
 diamond- point engraving حکاکی الماسی
 diaper Work نقش مربع
 Diaphragm arch قوس دیافراگمی
 die قالب
 dinanderie (Fr.) دیاننتی

collage (Fr.)	کلاژ (تکه چسبانی)	contrapposto (It.)	ایستایی نامتقارن
collar beam	تیرک گریبان	Conté	گنته
collotype	چاپ لوح ژلاتینی (کالوتیپ)	conversation piece	نقاشی صحنه‌های خانوادگی
Cologne School	مکتب کولونی	cool colour	رنگ سرد
Colonnade	طاقگان	copper engraving	حکاک‌روی مس
Colonnote	ستونک	copperplate	کوپرپلیت
colossal	← شیوه‌های معماری	Coptic art	قبطی
colour Circle, Colour Wheel	دایره رنگ، چرخه رنگ	copy	نسخه برداری، (کپی)
coloured grey	خاکستری ترکیبی	coquillage (Fr.)	تزئین صدفی
columbarium (Lat.)	گورخانه لانه کفتری	corbel	پیشکردگی
column	ستون	Corbel arch	قوس پیشکردگی
combine Painting	نقاشی تلفیقی	corbelling	پیشکردگی مطبق
Commedia dell Ate Figures (Lt)	کمدیا دل آرته	Corbin step	← شیب بام
commercial art	هنر تجاری	core g: as	شیشه ابتدایی
commode (Fr.)	کمد	cornice	قرنیز
community art	هنر حوزه‌های	Coromandel lacquer	لاک الکل کروماندال
Compagnie des	کمپانی هند شرقی	corona	کرونا
Company School	مکتب کمپانی هند شرقی	coroplastics	عروسک سازی مومی
complementary colour	رنگ مکمل	corps de logis (Fr.)	بخش اصلی بنا
compo	ملاط گچ	cortile (Lt)	حیاط خلوت
Composite capital	سرستون ترکیبی یا مختلط	Cosmati work	معرفکاری مرمرین
composition	ترکیب بندی	cottage orné (Fr.)	کلبه تزئینی
Compound pier	گروه جرز	coulisses (Fr.)	آرایش دو جناحی
computer art	هنر رایانه‌ای	Counter – enamelling	میناکاری دو طرفه
Conceptual Art, concept Art	هنر مفهومی	counterchange pattern	نقش مکرر رنگارنگ
conchetto (Lt.)	ایده هنری	Couped columns	(← ستون) دو ستونه
conch	نیم گنبد	cour d'honneur (Fr.)	حیاط پیشخان
Concrete Atp	هنر مجسم	Course	رگچین
concrete poetry	شعر مجسم	coved vault	طاق چهارترکی
connoisseurship	خبرگی هنری	coving	چفت کاری
console	رف تزئینی	Cradle roof	بام گهواره‌ای
Constuctivism	ساختگرایی	cradling	کلاف بندی
consular diptych	نقاشی دولته عاجی	crackelure (Fr.)	ترک خوردگی
consulat	سبک کنسولی	crayon	مداد رنگی
content	مضمون	crayon manner	جلوه گچی (چاپ)
conter – proof	نسخه چپ و راست	crazing	لعابکاری ترک دار
continuous representation	بازنمایی صحنه‌های پیوسته	creamware	سفالینه کرمی
contour	خطوط کناره نما	credence (It.)	جایگاه نان و شراب مقدس
		credenza (It.)	میز اعتبار
		crenellation	کنگره بارو
		cresset	هلال (سگدست)

- Celtic art هنر سلتی
- Celtic cross چلیپای سلتی
- cenotaph گور سرباز گمنام
- centralized perspective پرسپکتیو متمرکز
- cera colla (It.) چسب موم
- ceramics سرامیک
- Cercle et Carré (Fr.) دایره و مربع
- certosina (It.) خاتمکاری کارتوزین
- chacmool بت لمیده مکزیکی
- chaitya (Skr.) زیارتگاه صخره‌ای بودایی
- chakra (Skr.) شاکرا
- chalica جام شراب
- chamfer لب پخ
- Chamfered rustication سنگچین روستایی لب پخ
- champlevé مینای شیاری
- chancel ساحت پشت محراب
- Chancel arch قوس ساحت پشت محراب
- chantry غرفه مرثیه خوانی
- chapter house تالار شورای کلیسا
- charnel - house جایگاه متوفیان
- charpoy چارپایی
- chasing قلمزنی
- chatri, chattra (Skr.) چتری
- chenet سه پایه پیش بخاری
- Chequerwork شطرنجی
- Chequerwork ← آجرچینی رگچین شطرنجی
- cherub کودک فرشته
- chevron (Fr.) خطوط خیزابی
- chevaux - de (Fr.) - Frise آذین فریزی
- chevet (Fr.) انتهای شرقی
- chiaroscuro (Lt) سایه روشن کاری
- chiaroscuro Woodcut چاپنقش سایه روشن
- Chicago School مکتب شیکاگو
- Chicago window پنجره شیکاگویی
- Chinese Chippendal چپیندال چینی وار
- ching - pai ware (Chi) چینی آبی سفید
- chinoiserie تزئینات چینی وار (چینی وار)
- chip carving منبت کاری منقوش
- Chippendal مبلمان چپیندال
- chistogram رمز نام مسیح
- choir جایگاه همخوانان
- chrismatory طاقچه تمعیدگاه
- chroma (Gk.) خلوص رنگ
- chromolithography چاپ چند رنگ
- chryselephantine پیکره زر و عاجی
- churrigueresque چوریگوارایی
- chün ware سفالینه‌های سونگ
- ciborium (Lat.) آسمانه محراب کلیسا
- cinerrarium (Lat) گورستان خاکستران اجساد
- cinoture شال ته ستون
- cinquecento (Lat.) هنر سده شانزدهم
- cipher رقم اختصاری
- cippus (Lat) ستونک مرزی
- circle of حدود تاریخی
- circus میدان ورزشی
- cireperdue (Fr.) ریخته‌گری دقیق
- ciselure (Fr.) صیقل کاری ریخته‌گری
- cist (Fr.Lat) گورتاوه سنگ
- cladding, clapboard (UK) ... روکش کاری
- clapboard construction ... ساختار بامپوش
- classical کلاسیک
- classical Abstraction انتزاعی کلاسیک
- classical Temple معبد کلاسیک
- clerestory ردیف پنجره فوقانی
- cliché - Verre (Fr.) کلیشه شیشه‌ای
- clipeus (lat) آذین سپری
- clobbering نقاشی روچینی
- cloison (Fr.) تیغه جدا کننده
- cloisonism, cloisonnisme تجزیه گری (کلوزیونسم)
- cloisonné مینای خانه خانه
- cloisters رواق صومعه
- closed Form شکل بسته
- clunch آهک شفته
- coade Stone سنگ گود
- cob کاهگل
- codox (Lat) نسخه خطی
- coffering قاب بند صندوقی
- cognoscenti (It) کارشناسان هنری
- coin Silver آلیاژ سکه نقره
- cold Painting, Cold colours زینت کاری سرد
- cold - Working شکل دهی سرد

C

- COBRA کوبرا
- cabinet ۱- اتاق خصوصی، ۲- کمد کشودار
- cabinet Photograph عکس پرتره
- cabinet of curioities مجموعه اشیاء نفیس
- cabinet – maker کمدساز
- Cable moulding ابزار طنابی
- cabochon جواهر محدب
- cabriole leg (Fr.) پایه پا بزی
- caisson (Fr.) قاب‌بند صندوقچه‌ای
- calathus زنگوله‌ای
- calligraphic Painting نقاشی خط
- Calligraphy خوشنویسی
- callot Figures .. هیاکل کریه (پیکره‌های کالوت)
- calotype کالوتیپ
- calvary پیکره مسیح بر صلیب
- camaieu, en (Fr.) برجسته کاری تزئینی
- Camden Town Group .. نقاشان کامدن تاون
- cameo برجسته کاری مدالی
- camera Lucida (Lat.)
تاریکخانه منشوری
- camera obscua (Lat.)
جعبه تاریکخانه عکاسی
- camp کمپ
- campanile (It.) برج ناقوس
- campo Santo (It.) گورستان
- cancelllo (It.) جدار مشبک
- canephora (Gk.) زن پیکره سبد به سر
- canon of proportion شاخص تناسب
- canopic Vase (Lat) سفالینه سردیس نما
- canopy سرسایه
- canopy of stale شاخص حالت
- cantilever تیر سرکش
- cantilevered chair صندلی کنسولی
- Canton School مکتب کانتون
- canton enamel توکار دو نیش
- capital سرستون
- capriccio (It.) دورنمای تخیلی
- Caravaggisti پیروان کاراواجیو
- caravanserai (Per) کاروانسرا
- Carbel vault طاق پیشکردگی
- carcass استخوان‌بندی مبل
- caricature کاریکاتور
- carnations چهره‌ای
- Carolingian رنسانس کارولنژی
- Carpenters' Gothic, Carpenteresque .
گوتیک چوبی
- carpet page صفحه بدرقه
- carte – de – Visite قطع عکس کوچک
- cartel (Fr.) قالب دالبر
- cartellino (It) طوماری جا امضا
- cartoon کارتون
- cartouch قاب تزئینی
- Caryatid (Gk.) ستون زن پیکره
- case – Furniture میلمان کمدی
- cased glass شیشه پوشش‌دار
- casein Paint رنگ کارئینی
- casemate مزغل طاق‌دار
- casement قاب پنجره
- Casement window پنجره چلیپایی
- casino (It.) کازینو
- cassone (It.) صندوقچه خانه‌ای
- cast ریخته‌گی
- castellated کنگره‌ای
- casting ریخته‌گری
- catacomb گورخانه دخمه‌ای
- catafaique تابوت تشریفاتی
- catalogue, raisommé (Fr.)
فهرست مشروح آثار هنری
- cathedral کاتدرال (کلیسای جامع)
- cathedral style سبک کاتدرال
- catholicon (Gk.) شبستان کلیسای یونانی
- cavea (Fr.) تماشاخانه (باستانی)
- cavetto ابزار ربع گرد
- cavo rilievo (It.) برجسته کاری مجوف
- caye art هنر غاری
- Ccrosolium طاقچه مقبره
- celadon لعاب سلدون (زیتونی روشن)
- cella (Lt.) مقصوره
- cells خانه، سلول

- Biedermeir بیدرمایر
- Billet moulding ابزار گریخته
- binder بست، چسب رنگ
- biomorphic شکل اندام وار
- Birdsbeak moulding ابزار نوک منقاری
- biscuit سفالینه بی لعاب
- bistre (Fr.) قهوه‌ای مشکی
- biting in اسید خوردگی
- bitumen قیر
- black letter حروف سیاه
- black – Figure نقوش سیاهگون
- Black – and – White style معماری الوار گچی
- Blanc Reiter, Der (Ger) سوار آبی
- blanc de Chine (Fr.) چینی سفید
- blank (Blind) tracery توری کاری کاذب
- bleed نشست رنگ
- blind blocked, blind stamped, نقش اندازی بر چرم
- blindtooled لوح چاپ
- block کتاب چاپ لوحی
- block - book پیش موجی
- blockfront Blocking course ← آجرچینی، سنگچینی رگچین بین نشسته
- Blocking course ← آجرچینی، سنگچینی رگچین قالبی
- Blok capital سرستون مکعبی
- bloom ماتی زدگی جلا
- blot drawing طراحی لکه رنگی
- Blue Rose Group گروه رز آبی
- boasted Work سنگ درزگیری شده
- bocage (Fr.) هوش بیشه‌ای
- codegon (sp) نقاشی اشیاء خانگی
- bodhisattva (skr) بوداسف
- body جسمیت، بدنه
- Body Art نقاشی با اندام
- body colore رنگ جسمی
- boiserie (Fr.) چوبکاری تزئینی
- bolection ابزار
- Bolognese Classicism کلاسیسیسم بلونیایی
- bolus ground زمینه قهوه‌ای
- bombé (Fr.) تزئین انفجاری
- bone China چینی استخوانی
- Book of Hours کتاب دعای مسیحیان
- Book of the Dead کتاب اموات
- boss گلمیخ (قرصک تزئینی)
- bota (Fr) بوت، بته
- bottega (It.) کارگاه هنری
- Bouille marquetry, Buhl marquetry روکش خاتمکاری بول
- Bow window پنجره پیش آمده کمانی
- box – Fram construction ساختمان با اسکلت صندوقی
- bozzeto (It.) نمونه کوچک پیکره
- brace بست مهار
- bracket سگدست
- brattishing آذین سر دیواری
- break – Front برآمدگی وسط
- breakfast piece نقاشی میز ناهارخوری
- bressumer (Fr.) شاه تیر
- breviary کتاب دعای کشیش
- brick – nogging آجر پرکننده
- brick work, typed of آجرچینی، انواع
- brickwork, elements of آجرچینی، عناصر
- bright cut decoration حکاکی براق
- brise – soleil (Fr.) روزشکن
- Britannia metal, white metal ... فلز سفید
- broach منار هشت‌ترک
- broad manner چاپنقش درشت قلم
- brocade زری بافت
- broken pediment سنتوری شکسته
- brushwork قلم موکاری
- Brutalism زبره کاری
- Brück Die (Ger) گروه بروکه (پُل)
- bucchero سفالینه سیاه
- bucranium bucrane (Fr.) کله گاری
- buffet بوفه
- burin (Fr.) قلم حکاکی، مُغار
- burr تراشه
- bust پیکره سر و سینه
- buttress پشتبند
- byobu (Jap) دیواره متحرک
- Byzantine بیزانس

atelier (Fr.) آتلیه
 atelier libre (Fr.) کارگاه آزاد
 atlantes (Gk.) ستون پهلوان پیکر
 Atmospheric perspective پرسپکتیو جوی
 atrium حیاط پیشین کلیسا، سرسرا
 attic اتاق زیر شیروانی
 attribut علامت مشخص
 attributed to- منسوب به
 au premier coup روش یک ضربه
 Aubusson فرش فرانسوی
 aureole هاله قدسی
 auricular style سبک لاله گوش
 autodestructive art هنر خود ویرانگر
 autograph اثر اصیل
 automata پیکره خودکار
 Automatism, automatic writing هنر خودانگیخته
 avant-garde هنر پیشرو
 avatar (Fr.) هبوط
 axis محور
 azulejos (sp.) کاشی منقوش رنگارنگ

B

Backsteingotik (Gr.) گوتیک بک اشتاین
 Baguette ابزار فته‌ای
 balance تعادل
 baldachin, baldachino (It.) سایبان
 ball - flower ornament تزئینات گل زنگوله
 balloon - frame construction ساختمان چوب بستی
 baluster نرده
 balustrade طارمی، نرده
 bambocciata (It.) نقاشی عروسکی
 banderole (Fr.) نقش برچسب
 banding حاشیه کاری
 baptistry میل
 barbarian art هنر بربرها
 Barbizon School مکتب باربیزون

barbotine (Fr.) اندود کاری
 barge-board صفحه سنتوری
 Baroque, the باروک
 Barrel vault طاق گهواره‌ای
 Bas relief (Fr.) نقش برجسته
 basaltes لعاب سیاه (بسالت)
 base تهستون
 basement زیر زمین
 basilica (Gk.) باسیلیکا
 Basket copital سرستون سیدی
 basse lisse پار تار کوتاه، ورد کوتاه
 Basse taille مینای سایه روشن
 batick باتیک
 batten توفال
 batter دیوار اریب
 battle-piece صحنه نبرد
 Bauhaus (Ger) باهاوس
 bay دهانه
 Bay window پنجره بیرون نشسته
 Bcropolis اکروپولیس
 bead, beading ابزار
 bead - and - reel مهره ماسوره
 beakhead رخ منقاری
 bearing wall, load-bearing wall دیوار بارگیر

Beauvais بافته‌های بوایس
 Beaux - Arts مدرسه هنرهای زیبا (بوزان)
 belfry ناقوسخانه
 Bell capital سرستون ناقوسی
 bell - metal آلیاژ ناقوس
 Bellarmine بلارمین
 belvedere مهتابی
 bema (Gk.) سکوی محراب
 Benizurie (Jap.) چاپنقش رنگی
 bent wood چوب خمکاری شده
 bestiary تمثیل جانوری
 beton brut (Fr.) بتون خام
 bevel پخ
 bezant زنجیره پولکی
 bezel ۱ - قاب نگین، ۲ - قاب ساعت
 bibelot (Fr.) اشیاء تجملی
 Biblia Pauperum (Lat) انجیل فقرا
 Bidri ware زرکوب هندی (بیدار)

- ambrotype آمبروتیپ
- ambulatory غلامگردش
- American Gothic گوتیک آمریکایی
- American Scene Painting نقاشی صحنه‌ای آمریکایی
- amorino (It.) فرشته عشق
- amphitheater آمفی‌تئاتر
- amphora (Lat., Fr. Gk) آمفورا
- amphoriskos (Gk.) عطردان (شبه آمفورا)
- ampulla (Lat.) آمپولا
- an hua (Chi) نقش مخفی
- Anaglyph نقش کم برجسته
- anaglyph نقش کم برجسته
- Analytic Cubism کوبیسم تحلیلی
- anamorphosis ناریخت
- anastasis رستاخیز انبیا
- ancona جداگر محراب
- Angevin Gothic گوتیک آنگوین
- Animal Style سبک جانورنگاری
- animal interlace نقشبافته جانوری
- Animaliers (Fr.) جانورپردازان
- ankh چلیپای مصری
- annealing تابکاری
- annular حلقوی
- annulet, annulus (Lat.) چنبره سرستون
- anonimo (It.) هنرمند گمنام
- antae ← میان پیشخان
- Anse de Pamier قوس دستگیره سبد
- antechurch دهلیز پیشین کلیسا
- antefix روقرنیزی
- antependium (Lat.) آئین پیش محرابی
- anthemion (Gk.) شش نخل و پیچکی
- anti-art ضد هنر
- antiphony کتاب سرودهای تهللی
- Antique, the آنتیک، باستانی
- antis, in (Lat) میان پیشخان
- Antwerp Mannerists منریست‌های آنتورپ
- apadana (Skr.) آپادانا
- apotropaic نظر قریانی
- applied art هنر کاربردی
- applique (Fr.) آذین‌الحاقی
- appliqué (Fr.) تکه دوزی
- apsara (skr.) آپسارا (حوری دریایی هندی)
- apse مخارجة پشتخان کلیسا
- apsidole, absidole مخارجة فرعی
- aquamanile آوند کلیسایی
- aquatint حکاکی اسیدی سایه‌دار
- arabesque اسلیمی (آرابسک)
- arcade طاقگان
- arch قوس
- Archaic art هنر باستان
- archaistic باستانی
- architectonic نقاشی معماری‌گونه
- architrave فرسب
- archivolt قوس مطبق
- arcuate, arcuated طاق‌پوش
- arhat (Skr.) آرهات
- armature میل بست، آرماتور
- armorial Porcelain چینی نقش پرچمی
- Armory show نمایشگاه آرموری
- arras پارچه آرس
- Arretine pottery سفالینه آرتیوم
- arricciato, arriccio (It.) زیرآستر فرسک
- Arris تیزه (← آجرچینی)
- Art Autre, un (Fr.) هنر بیگانه
- Art Brut (Fr.) هنر خام
- Art Deco آرت دکو
- Art Informel هنر غیر فرمی
- Art Nouveau آرت نوو
- Art for art's Sack هنر برای هنر
- art mobilier اثاثیه تزئینی
- art work اثر هنری
- Arte Povera (It.) هنر فقیر
- artefact, artifact مصنوع، دست ساخت
- Arts and Crafts Movement جنبش هنر و صنایع دستی
- aryballos (Gk.) عطردان یونانی
- ascender دنباله زبرین، صعودی (در حروف لاتین)
- Ashcan School مکتب اش‌کن
- Ashlar سنگ بادبر
- askos (Gk.) ظرف روغن یونانی
- assemblage هم‌آرایی
- Assumption معراج مریم مقدس
- astragal زنجیره دانه تسبیجی
- asymmetrical نامتقارن

A

- abacus سرستونی
- abbozzo (It.) طرح آسترى
- absidole مخارجة فرعى
- Abstract Expressionism
اكسپريسيونيسم انتزاعى
- Abstract Illusionism انتزاع ديده فريب
- Abstract Image painting
نقاشى تصاوير انتزاعى
- abstract art هنر انتزاعى
- Abstraction Lyrique انتزاعى تغزلى
- Abstraction- Création آفريتش انتزاعى
- academic art هنر فرهنگستانى
- academy فرهنگستان
- academy figure ... پيكره عريان فرهنگستانى
- acanthus برگ كنگرى
- accidental colour رنگ اتفاقى
- Accidental light نور اتفاقى
- Accidental points نقاط اتفاقى
- Achaean art هنر آخايى
- Achaemenian art هنر هخامنشى
- Acheiropoeitos ساخته دست غيبى
- Acrolithes پيكره سنگ و چوب
- acropolis (Gk.) اكروپوليس
- acrosolium (Lat.) طاقچه مقبره
- acroteria (Gk) پيكره بالای سنتورى
- acrylic paint رنگ اكريليك
- action art هنر كُنشى
- Action Painting اكسپريسيونيسم انتزاعى
- adhocism آدوكيزم
- adobe (Sp.) خشت خام
- advancing colour رنگ پيش نشين
- aedicule (Lat.) جا پيكره ديوارى
- Aegean art هنر اژهاى
- Aeropittura (It.) نقاشى مناظر هوايى
- Aesthatic Movement جنبش زبائى شناسى
- aesthete زيبائى شناس
- aesthetic زيبائى شناسى (فلسفه)
- Aestheticism مكتب اصالت زيبائى شناسى
- aesthetics زيبائى شناسى
- Afro-Portuguese ivories
عاجكارى آفريقايى - پرتقالى
- after براساس - به تقليد از
- aggry - aggrì آگرى
- Agnus Dei (Lat.) بره خدا
- agora (Gk.) ميدان عمومى (شهر)
- airbrushing ايربراش
- aisle راهه
- ajouré شبك كارى تزئينى
- alabastron عطردان استوانه‌اى
- albarello جا دارويى سفالين
- Albumen Prient چاپ آلومينيومى
- all-over paintings نقاشى سرتاسرى
- alla prima (It.) رنگ گذارى يك ضربه‌اى
- allegory تمثيلى
- alloy آلياژ
- altarpiece محجر محراب
- Alto rilievo نقش برجسته
- amalgam ملغمه
- Amarna art هنر عمارنه
- ambo (Gk.) سكوى قرائت (انجيل و رسالات)

علائم و حروف اختصاری

Chi.	چینی	Jap.	ژاپنی
Fr.	فرانسوی	Skr.	سانسکریت
Ger.	آلمانی	Sp.	اسپانیایی
Gk.	یونانی	←	رجوع کنید به
It.	ایتالیایی	⌘	مدخل مصور
Lat.	لاتین		

The Thames and hudson dictionary of

ART TERMS

Edward Lucie - smith

translated by:
Farhad Goshayesh

EFAF PUBLICATION

